TEXT PROBLEM WITHIN THE BOOK ONLY

UNIVERSAL
LIBRARY

OU_191177

UNIVERSAL
LIBRARY

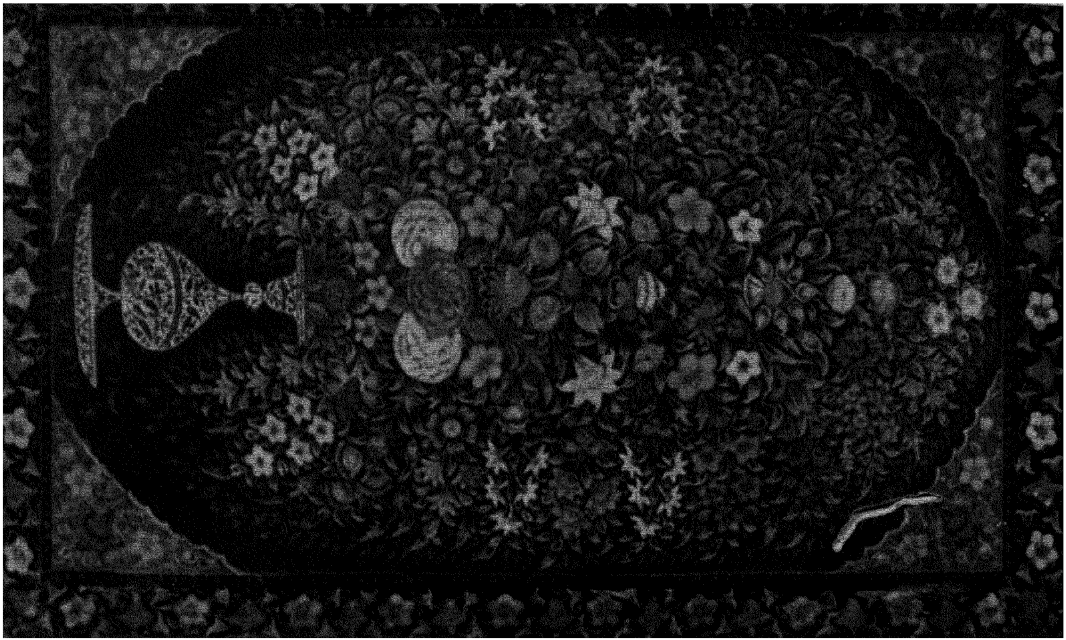

نمونهٔ میناتور قدیم غزنی که در وقایه های از کتب قلمی کار شده (موزهٔ کابل)

Specimen de l'ancienne miniature de Ghazni (Musee de Kaboul)

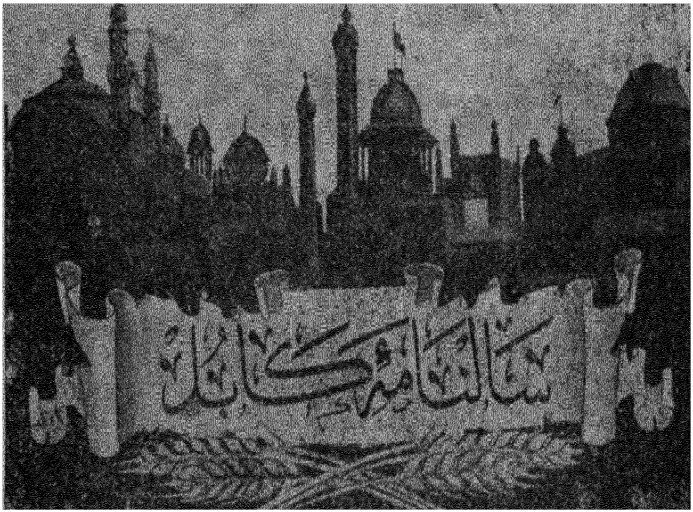

ششمین سالنامهٔ کابل

ازمراحم بی پایان حضرت خداوندی و توجهات شاهانهٔ اعلیحضرت معظم همایونی ، ایلک به نشر ششمین سالنامهٔ کابل موفق میگردیم !

داوی خپل په ډیرو مهر بانیو او داعلیحضرت همایونی په سوتوجهاتو د ځه دی د کابل دشپږمی سالنامی په نشرموفق کړو !

خیلی خوشبختم که نشر سالنامهای کابل که مراد از آن تنویر افکار ابنای وطن ومعرفی شئون تاریخی ومدنی افغانستان میباشدهمواره طرف قبول هموطنان عزیز وسائر علاقه مندان این آب و خاك ، واقع شده و این حسن نظر وتقدیرات است که کارکنان این مؤسسهٔ ملی رابیش ازپیش به مفید گردانیدن و دلچسپ ساختن نشریات شان بالخاصه سالنامهای کابل موقع داده است . و بیشتر خود را سعادت مندمی بینیم که همه ساله وطن عزیز از اثر مساعی خالصانه وعرق ریزی های شباروزی زمام داران صحیح و وطن پرست خود در زمینه های مختلفه ترقیات بزرگتر و مهمتری را حائز گشته و ما میتوانیم که در هر سال مظاهربهتری را از این پیشرفتهای مملکت در مد نظر هوا خواهان این کشور بگذاریم .

درین سال که انجمن ادبی

ډیر نیکبخت یوچه د کابل دسالنامو نشر چه مراد ورڅخه دوطن دزامنو دفکرونو تنویراودافغانستان دتاریخی اومدنی شئونومعرفی ده : تل ددی خاورو دعلاقه مندانو او زمونګ دوطندارانو خوښه شویده ، دغه نیك نظر او تقدیر دی چه ددی ملی مؤسسی کارکو ونکوته یی ډیره موقعه ورکړیده چه خپل نشریات او خصوصا دکابل سالنامی یی دپخوانه ډیری ښی کړی. اوخپل ځانونه ډیرنیکبخت وینو چه کال په کال زموږه خوږ وطن د خالصانه کوششونو اوزیار وخکلو د صحیح واکدارانو دوطن په اثر باندی په مختلفه خصوصیاتو کښی ډیری ترقی اووړاندی والی موندلی دی مونږه کولی شو چه په هرکال کښی ښه ښه مظاهرددی وړاندی والی دخپل مملکته زنی د وطن د دوستانو په مخ کښی پریږدو .

په دی کال کښی چه دکابل انجمن دیوی علمی اوادبی اکادیمی

کابل بصورت یك اکادمی علمی و ادبی تشکیل و علاوه بروظائف ملی سابق خود، وظیفهٔ ترقی و تعمیم زبان پښتو هم به آن تفویض گردیده ، در سالنامهٔ کابل نیز مقالاتی چند راجع به اهمیت و تاریخ این زبان و شئون ملی افغانها برای استفادهٔ خوانندگان عزیز تقدیم میداریم .

در خاتمه از عموم ذوات و مؤسساتی که در ترتیب وتدوین این مجموعه با ما کمك فرموده اند بالخاصه از دو اثر محترم دولتی تشکر نموده ، ترقیات بیشتری را در تحت حمایت اعلیحضرت معظم همایونی برای افغانستان عزیز از درگاه خداوندی تمنا میکنیم .

« انجمن »

په صورت تشکیل شو ، اود خیلو پخوانوملی وظائفو خخه علاوه دپښتو ژبی دترقی اوتعمیم وظیفه هم دی ته وسپارل شوه ، نودکابل په سالنامه کښی خو مقالی د دی ژبی داهمیت اوتاریخ اود پښتنودملی شؤنو په باب د محترمولوستونکو داستفادی دپاره مخکښی ژدو .

په آخرکی دتولو ذواتو او مؤسسو خخه چه ددی مجموعی په تدوین اوترتیب کښی یی دموفژ سره کومك کړیدی ، خصوصاددولتی دوائرو خخه تشکر کوو او ددینه زیاته ترقی د اعلیحضرت معظم همایونی د حمایت د سیوری لاندی دګران افغانستان دپاره د خاوند ددربار خخه غواړو .

« پشتو ټولنه »

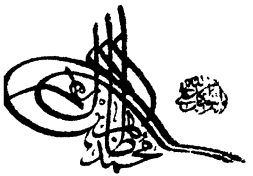

پادشاه افغانستان

شهریار جوان وپادشاه معظم افغانستان اعلیحضرت محمد ظاهرشاه خلدالله ملکه واطال الله عمره ودولته که ذات همایونش درین سنه قدم بمرحله بیست سومین حیات شریف خود میگذارند، ذات همایونی متولد در۲۲میزان سال ۱۲۹۳ هجری شمسی درکابل وپس ازسن مقتضی تعلیم شامل مکاتب مقدماتی ومتوسط وبالاخره تحصیلات خود را ذات همایونی درمکاتب عالی کابل باختتام رسانیده موقعیکه والد ماجد فقید شان اعلیحضرت محمد نادر شاه کبیر عازم سفارت افغانستان درپاریس گردیدند، ذات همایونی نیزبمعیت آن شهریارفقید بغرض تحصیلات مهمه تشریف فرمای فرانسه گردیده زبان فرانسه وعلوم عالیه رادر رشته های مختلف به مکاتب عالی وخاندان های بادانش ومعظم آن مملکت تحصیل، وتربیهٔ خصوصی رانسبت بمسائل داخلی وطن واخلاق ملی و ادراك مطالب لازمه راجع بوطن وخصایص را از والد بزرگوارخود حاصل فرمودند.

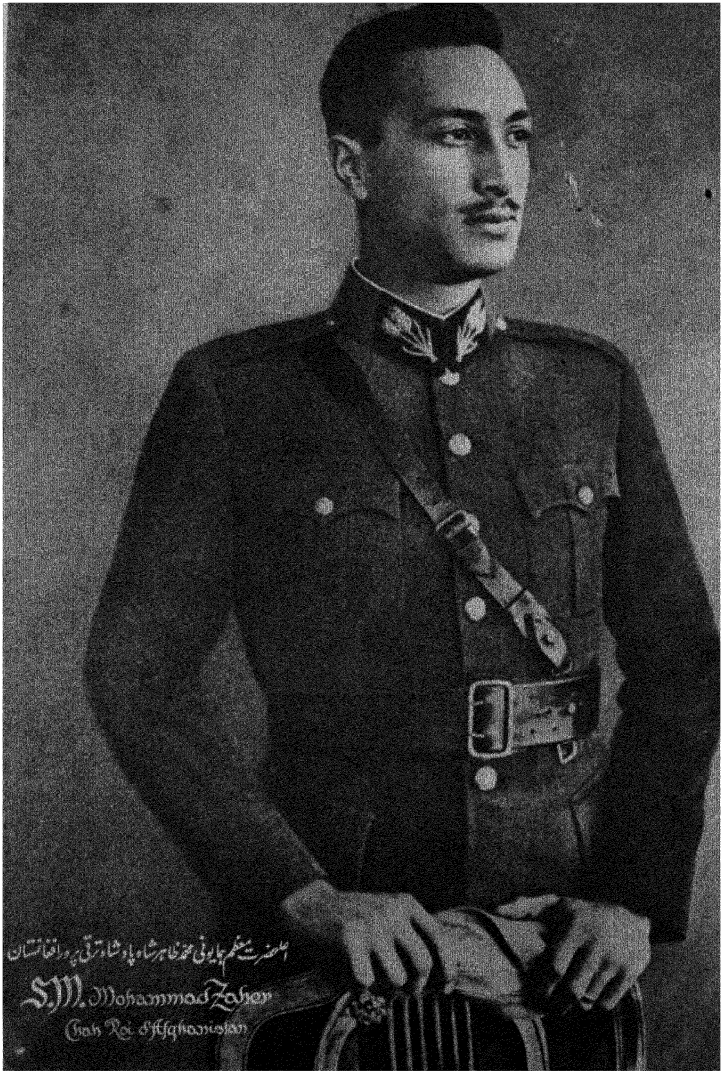
اعلیحضرت معظم همایونی محمد ظاهر شاه پادشاه ترقی پرور افغانستان
M. Mohammad Zaher
Shah Ka. Afghanistan

پس از واقعهٔ شورش بزرگ افغانستان (که نجات آن بدست حق پرست والد شهید ذات همایونی صورت گرفت) اعلیحضرت ممدوح که تعلیمات خود شانرا دران مملکت بسرحد کمال رسانیده و مستعد خدمت وطن شده بودند در ۲۰ میزان سال ۱۳۰۹ شمسی تشریف فرمای کابل گردیده محض عشق بعالم عسکری افغانستان وتعقیب سنت سنیهٔ پدربزرگوار خود درشعبهٔ عسکری شامل تعلیمگاه عالی نظامی کابل شده و بمدت قلیلی درین فن شریف کامیابی حاصل کردند ودرسنه ۱۳۱۰ شمسی باصبیهٔ معظمهٔ والا حضرت سردار احمد شاه خان وزیر دربار پسر عم معظم اعلیحضرت شهید ازدواج فرموده ودراخیرهمین سنه چندی بوکالت ووزارت جلیلهٔ حربیه وبعداً بوکالت وزارت معارف مؤظف بوده قابلیت ذاتی و استعداد فطری ذات همایونی درحسن اداره و صحت ایفای خدمات این دو وزارت خانه بخوبی ودرستی معلوم گردیده درسال ۱۳۱۲ یعنی پس ازشهادت شهریارشهید بتاریخ ۱۶ عقرب باتفاق و در خواست وکلا وبزرگان ملت وعموم افراد عسکری وکشوری اریکه پیرای سلطنت سنیهٔ افغانستان شده سال حاضر پنجمین سال از جلوس میمنت مانوس این شهریارجوان محسوب میشود .

فرزندان اعلیحضرت همایونی :

۱ـ شهزاده بیگم بلقیس تاریخ ولادت ۲۸ حمل سنه ۱۳۱۱ ش
۲ـ والاحضرت شهزاده محمد اکبرخان « « ۱۹ اسد « ۱۳۱۲ «
۳ـ والاحضرت شهزاده احمدشاه خان « « ۳۱ سنبله « ۱۳۱۳ «
٤ـ شهزاده بیگم مریم « « ۱۰ عقرب « ۱۳۱۵ «



افغانستان

افغانستان درآسیای مرکزی درتحت (۲۹) درجه‌و(۳۰) دقیقه و۳۸ درجه و(۲۵) دقیقه عرض و (۶۰) درجه و (۰۰) دقیقه طول البلد واقع است حوالب این مملکت محدود است : شرقا باپنجاب هند که کوهستان افغانان سر حدی آنرا ازپنجاب وسند جدا می نماید ، ازجهت شرق شمالی باتورکستان چین اتصال دارد . شمالا به صحرای خوارزم ومملکت بخارا کهرود خانهٔ آمو آن را ازخاك بخا را فصل مینماید ، غربا بخاك ایران ، جنوبا ملحق است بابلوچستان .

این مملکت بافراخی (۰۰۰ ، ۷۰۰) کیلومترمربع دارای سطوح مرتفعه وکوهای بلندیست کهمهم‌ترین آن سلسلهٔ هندو کش بطرف شمال وسلسلهٔ سفید کوه بطرف شرق این مملکت میباشد ، بلند ترین ارتفاعات این مملکت کوهستانی الی (۷۳۰۰) متربشمار آمده ضمنا صحا ری فراخ ، جلگه‌های سرسبز ، کوه‌پایه‌های خاکی نیزداشته ، رود خانه های آبهای خوشگوار کهغالبا داخلهٔ خاك را مشروب میسازد فراوان دارد. منبعا کثر واهم این رود خانها کوهستان مرتفع مرکزی است کهاگر بقاعده آبیاری شود تمام زمین افغانستان را مشروب ساخته میتوانند .

آب وهوای ملك گرچه ازلحاظ پستی‌ها وبلندیهای وضعیت طبیعی مختلف و نقاط گرم سیر وسرد سیر را تشکیل میدهد ولی با این هم معتدل است و اندازهٔ حرارت و برودت آن مثل دیگر ممالك طاقت فرسا شده نمیتواند.

بعلت همین تفاوت و اختلاف هوا محصولات ممالك گرم سیر وسرد سیرهردو درین مملکت بعمل می‌آید. رویهمرفته درجهٔ حرارت بحساب سانتیگرید درتابستان از (۴۲) درجهٔ فوق ودرزمستان از (۴۲) درجهٔ تحت‌الصفر متجاوز نمی شود.

ازنقطهٔ نظر اقتصادی این کشور عزیز خیلی غنی وبهترین و دایع قدرت رادا را است مثلا: زراعت، فلاحت، معادن بکر، حیوانات اهلی ووحشی، اقسام‌طیور وجنگلات میوه وغیر میوه، ادویه جات‌طبی سبزیجات، درهرنقطهٔ آن‌موجود ومورد استفاده است.

قسمت اعظم وعمدهٔ حیات اهالی را زراعت وفلاحت و مالداری تامین، می نماید، اربارزترین پیدا وارملك بمقصد تجارت، پشم، پنبه قالین، ابریشم، پوست قره‌قلی، پوست دیگر حیوانات، ادویه جات، میوه‌های خشك وتازه است که بخارج میرود، امابرترازان موادیکه مهم ترین سرمایهٔ مملکت را تشکیل میدهد وجود معادن آهن ومس وذغال سنگ ونفت‌وغیره معدنیات است که تاهنوز بکار نیفتاده وفقط درطول سال ۱۳۱۶ برای استخراج آنها قرار دادهائی با خارجه عقد گردیده است. افغانستان ازحیث دارائی معادن مختلف ومتعدد وپیداوار زراعتی وحیوانی اهمیت‌بسزا دارد.

صنایع درافغانستان خیلی سابقه دارد. چه از اعصار قبل الاسلام الی دوره‌های چهارقرن ،سه‌قرن‌قبل ، صنایع بومی ازقبیل معماری مجسمه‌سازی نقاشی،منبت‌کاری ، حجاری، نساجی ، خامک‌دوزی ، چکن‌دوزی وسایر کارهای دستی ، آهن گری ، مس گری ، کلالی ، نجاری و غیره بقدری رونق‌وترقی داشت که امروز آثار وبقایای آن زیب موزه ها واسباب استعجاب تماشا ئیان میشود . صنایع حاضره عبارت است از اقسام صنایع قدیمهٔ فوق و بعضی صنایع عصریه . ولی بطوری که در همه جای دنیا رونق‌صنایع‌قدیمه کاسته شده‌است صنایع قدیمهٔ افغانستان نیز ازین حادثه تخلیص گریبان نتوانسته . علی ای حال وجود صنایع موجوده تا بسیار اندازه مکفی حوایج حیاتی اهالی شده میتواند .

تجارت امتعهٔ ممالک خارجه در افغانستان و مواد خام و قالین و قالینچهٔ افغانستان بممالک مذکوره مبادله شده ، نماینده های تجارتی در شهرهای معروفهٔ اروپا از قبیل لندن ، پاریس ، برلین و غیره و در شرق در هند و بلوچستان میباشد .

مبادلات تجارتی افغانستان غالبا بوسیلهٔ شرکت های ملی افغانستان انجام میگردد . سرمایه های داخلی آزاد و تحت کنترول حکومت نبوده و سرمایه های خارجی در افغانستان تا هنوزنمی باشد .

عمده ترین طرق مسافرت و تجارت افغانستان در هند راه های پشاور ، چمن ، پاره چنار وسپس توزکستان است که راهای آن ترمز کشکی و بندر کراچی میباشد ، و بعد خاك ایران است که مهم ترین طرق آن اسلام قلعه و سبستان بشمار میرود .

مهمترین سرکهای موتررو مسافرتی افغانستان بقرارذیل میباشد .

از نورخم (سرحدهند) براه جلال آباد تا کابل (۲۴۰) کیلومتر
از سپین بولدك (سرحد بلوچستان) تا قندهار (۱۱۰) »
از اسلام قلعه (سرحد ایران) تا هرات (۱۳۰) »
از پته کی سر (سرحد سوروی) تا مزار (۴۰) »
از کشکی (آخرین استیشن خط آهن روسیه) تا هرات (۱۰۰) »
از کابل تا قندهار (براه غزنی) (۶۰۰)
تا مزار شریف (براه دره شکاری) (۶۰۵)
تا خان آباد ( ) (۵۳۵) »
تا هرات (براه سطح مرتفع مرکزی) (۵۶۰) »
تا خوست (براه گردیز) (۱۶۰) »
» تا بامیان (۲۳۰) »
از قندهار تا هرات (براه فراه) (۶۰۵) »
هرات تا میمنه از راه قلعه نو و مرغاب (۴۶۰) »
میمنه تا مزار شریف (براه اندخوی و بلخ) (۳۶۶) »
» مزار شریف تا خان آباد (۵۷۱) »
» خان آباد تا فیض آباد (۱۱۰) »

نفوس افغانستان بتعداد ۱۲ میلیون واساسا دارای نژاد واحد آریائی وبطور عمومی متکلم بدوزبان پشتو وفارسی میباشد که این دوزبان هم خیلی باهم تفاوت جزئی دارد ونیز بطور اقلیت بعضی لغات ازقبیل نورستانی، پشئی ارمری وغیره در بین اقوام محدودی مروج است ولی عموما لغات متذکرهٔ فوق منشعب از لغات اصل پشتو که یکر با ن خیلی قدیم این مملکت است و لغات غلجه وداردی میباشد که خود اینها باصطلاح اهل زبان از خانوادهٔ زبانهای « هندوایرانین » شناخته میشوند.

تحصیل زبان پشتو و فارسی درجزء نصاب مکاتب کشوری و دوایر دولتی حتمی است . دین رسمی ملت افغانستان دیانت مقدس اسلام و مذهب مهذب حنفی است . پیروان ادیان حرئیه از قبیل هنود و یهود که یکمقدار کمی جزء اتباع افغانی اند نیز تحت تامین گرفته می شود .

حکومت افغانستان شاهی مشروطه ومستقل است . پارلمان مرکب از مجلس شورای ملی و اعیان است . و کلای مجلس شورای ملی نماینده های مستقیم ملت میباشند که بلا واسطه برای سه سال از طرف ملت انتخاب می شوند . حقوق و حدود ملت و دولت در قانون اساسی بواسطهٔ نخستین پار لما نکه در سال ۱۳۰۸ بارادهٔ شهر یار شهید اعلیحضرت محمد نادر شاه پادشاه غازی و فقید افغانستان افتتاح شده بود تعین گردیده ، مجلس اعیان کهاعضای آن از برجسته گان مملکت است از حضور پادشاه تعیین می سود .

پای تخت مملکت شهر کابل است . و لایات تابع الحکومه نشین افغانستان بعد از کابل ، قندهار ، هرات ، مزار شریف ، قطغن و بدخشان است . کندا و لایات حاکم اعلی نشین آن جنوبی مشرقی ، میمنه ، فراه و چغانسور میباشد .

در تقسیمات ملکیه ، افغانستان منقسم است به تابع الحکومه گی ها حکومتی های اعلی ، حکومتی های کلان ، حکومتی های در جهٔ اول و دوم و سوم و علاقه داری ها .

مراتب عسکری درافغانستان عبارت است از : سپه سالار ، نایب سالار فرقه مشر اول وثانی ، غند مشر اول وثانی ، کندکمشر ، تولی مشر بلوکمشر اول وثانی ، پرکمشر ، دلگیمشر . ومراتب رسمی کشوری

عبارت است از: مقام صدارت عظما، و زیرها، معین ها، رئیس ها مدیر های عمومی، مدیرهای شعبه، معاونین ریاست ها ومدیریت های عمومی، معاونین شعبه، مامورها، سرکاتب، کاتب ها.

کابینهٔ دولت مرکب است از: صدر اعظم، و زیر حربیه و زیرخارجه، وزیر داخله، و زیر عدلیه، وزیر مالیه، وزیر معارف وزیر تجارت، وزیر فوائد عامه، وزیر صحیه، وزیر پست و تلگراف رئیس مستقل معادن ورئیس مستقل زراعت.

امور دربار ودفتر شاهی بوسیلهٔ وزارت دربار ودارالتحریر شاهی اداره میشود.

پادشاه افغانستان اعلیحضرت محمد طاهر شاه خلدالله تعالی ملکه خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی محصل استقلال افغانستان است که درسال ۱۳۱۲ بعدازشهادت والد بزرگ خودبسن ۲۰ سالگی بدرخواست ملت زینت بخشای تخت شاهی افغانستان گردیدند. درین سنه ازسلطنت همایونی چهارمین سال منقضی وسال پنجم جلوس اعلیحضرت شان میباشد.

خدمت عسکری وپولیس در مملکت اجباری است. یك قسم عسکر خوش برضای دایمی نیز دولت دارد.

کذاتعلیم علوم عصری درمکاتب جبری ومصارف تعلیم وتربیت از طرف دولت پرداخته شده محصول ازاولیای اطفال اخذنمیشود: اقسام مکاتب در افغانستان: دارالفنون، مکاتب عالی، مکتب صنایع، مکاتب متوسطه (اعدادی) رشدی، مقدماتی است وشعبهٔ عسکری افغانستان برعلاوهٔ مکاتب اعدادی

ورشدی ومقدماتی تعلیم گاهها نیزموجود میباشد. درافغانستان تنظیمات صحی باصول عصری است مرضائیکه بشفاخانهای دولتی مراجعه کند معالجه بطور مجانی می‌سود علاوتاً معالجهٔ آزاد بوسیلهٔداطباء نیزبرای مرضا درهر نقطهٔ مملکت ممکن ومیسر است.

مخابرات بسنی ، تیلفونی ، تلگرافی بطور شخصی و در ازای محصول معینه درهر نقطهٔ مملکت آماده وممکن است ، حمل ونقل پستی وتجارتی ومسافرت درتمام مملکت غالبا بوسیلهٔ موتر می شود.

خطوط سرک وسیم های تیلفون درتمام نقاط مملکت کشیده شده هوتل ها و جا های رهایشی در راها وشهرهای کشور موجود است

مصارف حد متوسط یکنفر درافغانستان ار ۱۵ افغانی (۶ شلنگ) شب و روز تجاوز نمیکند ومصارف ساده تر ارزان خود بمراتب کمتر از این است.

طرز معیشت ، البسه ، عمارت در افغانستان بدو صورت سابق وجدید (عصری) متداول است . اهالی شهر نشین غالباً با سلوب عصری حیات بسر میبرند اما هر طبقه باانتخاب اسلوب حیاتی آزاد و تکلیفی درینخصوص داده نمی‌شود.

ازمهاجرین خارجی در افغانستان مثل بعض ممالک خارجی محصول سرانه گرفته نمی‌شود . تجار وسیاحین خارجی بموجب اجازه نامه های پولیس محلی براحت توقف کرده میتوانند. اسلوب تجارت وداد وستد تماما درافغانستان عصری و برای رسیدگی بامور دعاوی تجار محاکم درهر شهر افغانستان موجود است .



محمد حیات مدنی و محصل استقلال و نجات بحشایندهٔ افغانستان اعلیحضرت محمد نادر شاه غازی شهید رحمة الله علیه که نام نیك و کار نامه های بزرگ شان در تاریخ این مملکت بخط درشت یادگار خواهد ماند

S.M. Mohammad Nadir Chah, le trés regretté roi d'Afghanistan

تشکیلات مملکتی

صدارت عظمی

صدر اعظم	:	ح،ع،ج،ا، نشان والا حضرت سردار محمد هاشم خان
مشاور اول	:	ع ، س دوالفقار خان
« دوم	:	« ، سید احمد خان
« سوم	:	« ، یار محمد خان
« چهارم	:	« ، عبد الرحیم خان
رئیس ضبط احوالات	:	« ، محمد شاه خان
معیر شعبهٔ اول	:	، خلیل الله خان
« « دوم	:	« ، غلام محمد خان
« « سوم	:	، محمد فاروق خان
« « اوراق	:	س ، محمد اسمعیل خان
عرائض	:	« ، میر عبدالله خان
سرکاتب ادارهٔ شفر وقلم مخصوص	:	« ، محمد رحیم خان
« مجلس عالی وزراء	:	. . . . .
مامور محاسبه و کنترول	:	ص ، خواجه ذکرالله خان
مامور اجرائیه	:	« ، محمد ابراهیم خان



ح ، ع ، ح ا ، ا . نشان والاحضرت سردار محمد هاشم خان صدراعظ
S.A.R «A.A.» Sardar Mohammad Hâchêm Khan
premier ministre

این مرد بزرگ که عمر شریف خود را در خدمت مملکت بصرف رسانیده و در دوره های مختلفه، امور لشکری و کشوری و سیاسی مهمی را عهده دار شده و در زمان انقلاب، در نجات وطن سهم بزرگی گرفته اند، مخصوصا درین هشت سال اخیر که بریاست کابینهٔ دولت عز تقرر دارند، از ابرز حمات ومساعی خستگی ناپذیر شبا روزی ایشان است که افغانستان باین سرعت مراحل ترقی و پیشرفت صحیح واساسی خویش را می پیماید .

وزارت حربیه

وزیر حربیه : ع ، ج ، ا ، نشان والا حضرت
وسپه سالار سردار شاه محمود خان غازی
معاون وزارت : ع ، ع ، ش ، محمد انور خان نائب سالار
یاور وزیر حربیه : ح ، غلام سعید خان
مدیر تحریرات : ش ، محمد قاسم خان کندك مشر
مدیر مخصوص : « ، محمد یوسف خان کندك مشر

دائرهٔ استخبارات :

مدیر : ح ، محمد عمر خان غند مشر اول
آمر شعبهٔ الف : . . . . . .
آمر شعبهٔ ب : ش ، عبدالله خان کند کشر
آمر شعبهٔ ج : . . . . . .

ریاست ارکان حربیهٔ عمومی :

رئیس : ع ، ش ، محمد عمر خان
معاون : ح ، مصطفی خان غند مشر اول

دائرهٔ عمومی حرکات :

مدیر : ح ، سراج الدینخان غند مشر ثانی
آمر شعبهٔ ۲ تشکیلات : ش ، محمد امین خان کند کشر
« « ۳ تحشیدات : . . . . . .



ع ، ح ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردار
شاه محمود خان غازی سپه سالار ووزیر حربیه
S A R «A. A» Sardar Chah Mahmoud
Khan ministre de la guerre

این فرزند رشید واین رجل
نامدار و ض که در تمام
ادوار زندگانی خویش
مصروف خدمت مملکت و
ملت بوده و در رشته های
مختلفهٔ امور عسکری و ملکی
مشمولیت ورزیده اند ، کارنامه
های بزرگ شان در جنگ
استقلال و نجات و
افراد این کشور معلوم میباشد
وبالخاصه از اثر مجهودات
وتدابیر سنجیدهٔ ایشان است
که افغانستان امروز دارای
یک مندی شده
عسکریت مقام
بلند تری را احراز میکند.

دائرهٔ عمومی تعلیم و تربیه :

مدیر عمومی : . . . . . .
وکیل آمر شعبهٔ دیانه
وسواری : ش ، نثار احمد خان کندکشر
آمر شعبهٔ هوایاری : . . . . . .
« ترجمه : س ، ذکریا خان کندکشر
مدیر حریطه : ش ، عبدالسلام خان کندکشر

ریاست اردو :

رئیس : ع ، ش ، س ، ع ، احمدعلیخان فرقه مشراول
مدیر عمومی مامورین : ح ، عبدالخالق خان غند مشر ثانی
مدیر اخذ عسکر : ، حبیب الله خان اول

مدیریت صحیه :

مدیر : ح ، حسین علی خان غند مشر ثانی
سرطبیب عزت مند : انظارالسلام داکتر قریشی
سر بیطار : . . . . . .

مدیر انشاآت و تعمیرات :

وکیل مدیر : ح ، غلام سعیدخان غندمشر ثانی یاوروزیر حربیه
معاون : ش ، محمد ایاز خان کندکشر

مدیریت عمومی نقلیه :

مدیر عمومی : ح ، محمد یعقوب خان غندمشر اول
مدیر نقلیه شعبهٔ میخانیکی : ش ، ذکریاخان کندك مشر
« « حیوانی : « ، محمد حسن خان

ریاست حربیه

رئیس : ع ، ش ، سیدحسن خان فرقه‌مشرثانی
آمر شعبهٔ هیئت معاینه وتدقیق : ح ، محمد اکرم خان غند مشر ثانی
« « اسلحه : ش ، سر بلند خان کندکمشر
« « جباخانه : ح ، عبدالرحیم خان غندمشر ثانی
« « آلات : « ، محمداسلم خان « «
وادوات فنیه
اسلحه دار : ح ، عبد الرشیدخان « «
جبا دار : « ، محمدعثما نخان « اول

• ریاست لوازمات :

رئیس : ع ، ع ، ش شیراحمدخان نائب سالار
مدیر محاسبه : ش ، خواجه عبدالقیوم‌خان کندکمشر
مدیر لوازم : « ، حبیب‌الله خان «

ریاست قبایل :

رئیس : ح سید محمدحسین غندمشر ثانی
معاون : ح ، شیر باز خان غند مشر ثانی

ریاست محاکمات :

رئیس : ح ، سید علیخان غند مشر اول
معاون : ش ، عبدالباقی خان کند کمشر
وکیل ریاست انجمن
اصلاح وترقی : ع ، ش ، محمدشاه خان فرقه مشرثانی

مدیر اوراق : ش ، عبدالشکور خان کند کمشر

مدیر کلوب : س ، ظهیرالدینخان

شفاخانهٔ عسکری :

سرطبیب : عزتمند داکتر عبدالغنی شاه خان

سر جراح : « نور محمدخان

معاون : « سید صالح خان

جراح : اسمعیل جوهری

قوماندانی طیاره :

قوماندان : ع ، ش ، محمداحسانخان فرقه مشر تاز

مدیر دسته : « ، غلام دستگیر خان غند مشر

مدیر لواء : س ، غلام بهاوالدینخان کند کمشر

قوماندانی مکاتب حربیه :

قوماندان : ع س ، س ، ع ، سردار علیشاه خان فرقه مشر او معاون : . . . .

مدیر داخله : ح ، محمدحسین خان غند مشر اول

مدیر لواء : ش ، پاینده محمدخان کند کمشر

معلم صنف پیاده : ح ، لطیف احمدخان غند مشر ثانی

« « توپچی : « ، علی احمد خان

سرمعلم « استحکام : عزتمند مکی احمد بیگ

معلم سیورت : « محمد افضل خان

سرمعلم صنف توپچی : « ظفر حسن خان

معلم لسان روسی : عزتمند عبد الرحمن خان
« خوجید سو : « عبد الله خان

مدیریت مکتب رشدیه :

مدیر : ش ، احمد سیر خان کندکشر
معلم : « افتخار الدینخان کندك مشر
لسان انگلیسی : عزتمند محمد اعظم خان
فزیك و کیمیا : « خودهری عبدالعزیزخان

مکتب احضاریه :

نگران : . . . . .
مدیر داخله : ش ، شیر محمد خان کند کشر
سر معلم : عزتمند مولوی سکندر خان
مدیر مکتب موزیك : ش ، محمد یعقوب خان کندکشر
« کورس عالی : ح ، محمد عمر خان غند مشر ثانی

ریاست فابریکات حربی :

رئیس : ع ، ع ، ش ، سید عبدالله خان نائب سالار
معاون : . . . .
مدیر تحریرات واوراق : ش ، محمد کاظم خان کند کشر

قوماندانهای عسکری مرکزی :

قوماندان فرقهٔ شاهی : ع ، ش ، سردار اسدالله خان فرقه مشر اول
« قول اردو : « ، ع ، ش ، س ، ا ، محمدغوث خان نائب سالار
« فرقهٔ اول قول اردو : « ش ، عبدالغنی خان فرقه مشر اول

وکیل قوماندان فرقهٔ دوم
قول اردو : ع ، ش عبدالله خان فرقه مشر ثانی
قوماندان فرقهٔ ۳ قول اردو : « ، « نور محمد خان « « اول
« توپچی : « ، « عبدالقیوم خان « « «

قوماندانهای عسکری اطراف :

قوماندان عسکری غربی : ع ، ش ، عبدالاحدخان فرقه‌مشر اول
« قندهار و فراه : « ، « سردار محمدداؤدخان « « «
« هرات : « ، محمد قاسم خان « ثانی
« مزار شریف و میمنه : « ، الله داد خان « «
قطغن و بدخشان : « ، عبد القیوم خان « « «
« مشرقی : « ، محمد جعفر خان « «
« قول اردوی جنوبی : « ، « س.ع ، محمدافضل خان « اول
« فرقهٔ اول قول اردوی
جنوبی : « : « فیض محمد خان « « ثانی
« فرقهٔ دوم قول اردوی
جنوبی : « ، « عبدالقیوم خان « « «

صاحب منصبان احتیاطی :

ع ، ع ، ش : مهر دل خان نائب سالار قندهاری
« « « : محمد نعیم خان « « بدخشی
« « « : محمد عمر خان « « محمد زائی
« « « : غلام نبی خان « ناصری

ع ، ع ، ش	:	سر بلند خان نائب سالار جاجی	
«	:	زر جان «	وزیری
	:	زلمی خان «	منگلی
«	:	عبدالغنی خان «	محمدزائی
« ش	:	اعظم گل خان فرقه مشر طوطا خیل	
«	:	غلام نبی بیگ خان «	هراره دزه صوف
	:	نور احمد خان «	هراتی
	:	فضل احمد خان «	فوفل زائی
	:	داؤد شاه خان	تره خیلی
	:	محمد هاشم خان	اوگری
	:	سعادت خان «	احمد زائی
	:	محمد اصیل خان «	منگلی
	:	عبدالله خان «	وردگی
	:	سرگی خان «	احمد زائی
	:	علی دوست خان «	هزاره
	:	غلام محمد خان «	تگابی
	:	عبدالرؤف خان «	اوریاخیل
«	:	محمد شعیب خان «	یوسف زائی
«	:	محمد عمر خان «	ناصری
«	:	محمد هاشم خان «	کاکری
	:	پیر محمد خان «	تره خیل

وزارت امور خارجه



ع ، ح فیض محمد خان وزیر امور خارجه
S Ex Faiz Mohammad Khan
ministre des affaires étrangeres

وزیر :
ع ، ح فیض محمد خان
معین :
ع ، س عبدالحمید خان

مدیریت عمومی سیاسی :

۱ ـ مدیر عمومی سیاسی .
ع ، حبیب الله خان
۲ ـ مدیر شعبهٔ شرق .
ص ، عبدالوهاب خان
۳ ـ مدیر شعبهٔ غرب
ص ، عبدالحکیم خان
٤ ـ مدیر شعبهٔ مطبوعات
واطلاعات وترجمه :
ص ، محمد قاسم خان

مدیریت عمومی تشریفات .

۱ ـ مدیر عمومی : ع ، محمد اکرم خان
۲ ـ معاون : ص ، عبدالاحد خان

مدیریت عمومی امور بین المللی :

۱ مدیر عمومی : ع ، میر محمد صدیق خان
۲ ـ معاون معاهدات : ص ، عبد الملك خان
۳ ـ « کنفرانسها و جامعه ملل : « غلام صفدر خان
٤ ـ « حقوق : « عبدالرزاق خن

د : مدیریت عمومی اداری :

۱ ـ مدیر عمومی اداری : ع ، عبدالرؤف خان
۲ ـ مدیر شعبهٔ مامورین : ص ، عبدالقادر خان
۳ ـ « ویزه و تابعیت وقونسلگری : « ، محمد اسمعیل خان
٤ ـ « محاسبه : « عبد الرؤف خان

مدیر عمومی اوراق : ع ، عبدالغفار خان
مدیر شعبهٔ سفر : ص ، محمد سلیمان خان
مدیر قلم مخصوص : . . . . . .
معاون قلم مخصوص : ص فیض محمدخان

سفرا و نمایندگان اعلیحضرت در خارج

سفارت کبرای اعلیحضرت در انقره :

سفیر کبیر : ع ، ج سلطان احمدخان (سفیر کبیر انقره کهسمت وزارت مختاری اعلیحضرت در مصر را نیز دارند)
سر کاتب : ص ، عبد القیوم خان
کاتب : « محمد زمان خان

سفارت کبرای اعلیحضرت در طهران :

سفیر کبیر : ع ، ج سردار احمد علیخان
سر کاتب : ص ، محمد امین خان
کاتب : « ، عبد القیوم خان

سفارت کبرای اعلیحضرت در مسکو :

سفیر کبیر : ع ، ج عبدالحسین خان
سر کاتب : ص ، محمد یونس خان
کاتب : ، محمد رحیم خان
: ، عبد الباقی خان
: « ، محمد ابراهیم خان

وزارت مختاری اعلیحضرت درپاریس :

وزیر مختار ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت سردارشاه ولیخان غازی
(که سمت وزارت مختاری برن، وبروکسل و ورشورا نیز دارند)
مستشار : ع ، ص ، س ع ، اسلام بیگ خان
سرکاتب : ص ، محمد شعیب خان
کاتب : « ، محمدعلیخان
کاتب : « غلام علیخان

وزارت مختاری اعلیحضرت درلندن :

وزیر مختار : ع ، ج علی محمد خان
سر کاتب : ص ، جمعه خان
کاتب : « ، عبدالستار خان

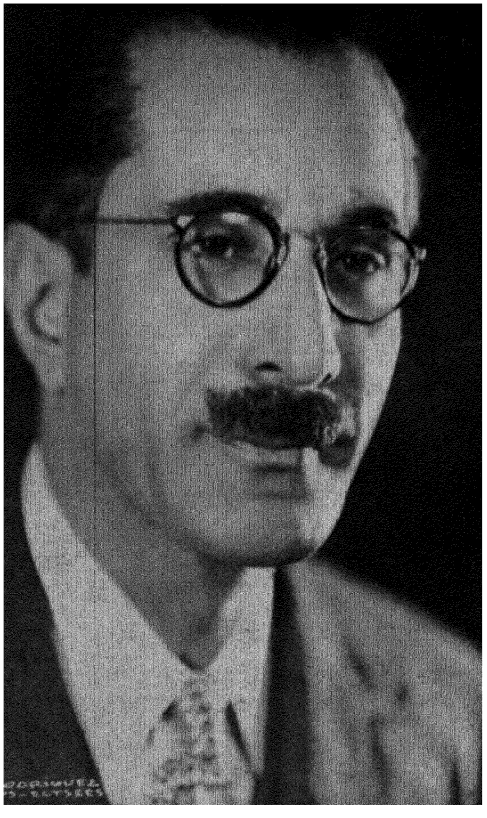

این رجل نامدار که کارنامه های بزرگ ایشان در عالم فکری و سیاسی حه در دور های قبل وحه در زمان جهاد استقلال و نجات وطن بعموم هموطنان معلوم است ، امروز نیز در امور سیاسی مملکت رول مهمی را باری کرده ، درین دورهٔ هشت سال اخیر نیز در داخل و خارج خدمات س زرگی را برای مملکت وملت انجام داده اند .

ع ، ح ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردارشاه ولی خان عاری «فاتح کابل» وزیرمختار و نمایندهٔ فوق العادهٔ اعلیحضرت همایونی در پاریس ، برن و بروکسل و ورشو

S.A R «A. A » Sardar Chah Walı Khan envoyé extraordinaire et ministre plénipotentiaire de Sa Majesté à Paris, Berne, Bruxelles, Varsovie

وزارت مختاری اعلیحضرت در روما :

وزیر مختار : ع ج ، عبدالصمدخان
کاتب : ص ، محمد رسول خان

وزارت مختاری اعلیحضرت دربرلین :

وزیر مختار : ع ، ح ، الله واز خان
سرکاتب : ص ، حفیظ‌الله خان
کاتب : علی محمد خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در توکیو :

وزیر مختار : ع ، ج حبیب‌الله خان
سرکاتب : ص ، عبدالروف خان

وزارت مختاری اعلیحضرت در جده :

وزیر مختار : ع ، ح محمد صادق خان محمدی
سر کاتب : ص ، عبدالرحمن خان

نمایندگی دائمی افغانستان درجامعهٔ ملل :

نمایندهٔ اول : ع ، ج محمد حیدر خان
کاتب : ص ، عبد القادر خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در دهلی :

جنرال قونسل : ع ، ص صلاح الدینخان
سرکاتب : ص ، نور الحق محمد خان
کاتب : » ، عبد الخالق خان
» : » ، صالح‌محمد خان

جنرال قونسلگری اعلیحضرت در مشهد :

جنرال قونسل : ع ، ص باز محمد خان
سر کاتب : ص ، عبد القدوسخان
کاتب : ص ، محمد عزیز خان
: ص ، محمد سعید خان

قونسلگری اعلیحضرت در بمبئی :

قونسل : ع ، عبد الرحمن خان
سرکاتب : ص ، عنایت الله خان
کاتب : عبد الصمد خان
آتشهٔ اقتصادی : « میر حسن شوکت

قونسلگری اعلیحضرت در کراچی :

قونسل : ع ، محمد شفیع خان
سرکاتب : ص ، محمد احمد خان
کاتب : ، محمد نعیم خان

قونسلگری اعلیحضرت در سیستان :

قونسل : ع ، قاری عبد الله خان
سرکاتب : ص محمدطاهر خان

ماموریت ویزهٔ افغانی در پشاور :

مامور ویزه : ص ، محمد یوسف خان

سر کاتب : ص ، عبدالقیوم خان

کاتب اول : محمد انور خان

کاتب ۲ : محمد نعیم خان

ماموریت وبزهٔ اومانی در چمن :

مامور وبزه : ص میر غلام فاروقخان

کاتب : عبد الرشید خان



وزارت داخله

وزیر :
ع ، ح ، ا ، ا نشان
محمد گلخان

معین :
ع ، ص عبدالرشید خان

مدیر عمومی پولیس :
ع ، عبدالحکیم خان

مدیر عمومی احصائیه :
ع ، عبدالرحیم خان

مدیر مامورین :
ص ، عبدالودود خان

مدیر محاسبه وکنترول :
ص ، سراج الدین خان

مامور اوراق :
ص ، علام نقشبند خان

سر کاتب قلم مخصوص :
ص ، محمد حسن خان



ع ، ح ، ا ، ا نشان محمد گل خان وزیر داخله
S Ex. «AA» Mohammad Gol Khan
ministre de l'intérieur.

وزارت عدلیه



ع ، ح فضل احمد خان مجددی وزیر عدلیه
S.Ex. Fazl-Ahmad Khan ministre de la justice

وزیر :
ع،ح فضل احمد خان مجددی

معین :
ع ، ص امین الله خان

رئیس تمیز :
ح ، ف عبدالرب خان

کفیل رئیس جمعیت العلما :
ف ، ملا برر گیک خان

سر محرر مجلهٔ الفلاح :
ف ، قاضی عبدالکریم خان

مدیر تحریرات و اوراق :
ص ، عبد السلام خان

مدیر مامورین :
ص ، محمد میر خان

مدیر محاسبه و کنترول : ص ، محمد ناصر خان

وزارت مالیه



ع ، ح میر زا محمد خان وزیر تجارت و کفیل مالیه
S.Ex. Mirza Mohammad Khan ministre de commerce et gérant du ministère des finances.

کفیل وزارت مالیه :
ع ، ح میر زا محمد خان

معین :
ع ، ص علام محمد خان

مدیریت عمومی محاسبه و کنترول .

مدیر عمومی .
ع ، محمد اسلم خان

مدیر محاسبه و کنترول بودجه .
. . . . .

مامور محاسبه و کنترول .
ص ، محمد عثمان خان

مامور بودجه :
ص ، علام رسول خان

مدیر حوالی و دفاتر .
ص ، سید کمال خان

مدیریت عمومی احرائیه :

مدیر عمومی .
ع ، محمد انور خان

مدیر مالیات و محصولات : ص ، علام حسن خان

مامورین : « ، محمد افضل خان

مدیر احصائیه و املاك	:	ص ، عبدالرحیم خان
اوراق	:	، فقیر محمد خان
مدیر تفتیش	:	، محمد حسن خان
مدیر تصفیه شهریه	:	، قطب الدین خان
سر کاتب خصوصی	:	، محمد سرور خان
مشاور مالی	:	جینوما بچولی (بحیث رئیس)
ترجمان مشاور مالی	:	محمد عثمان خان (بحیث مدیر ابتدائی)
	:	علی احمد خان

ریاست عمومی مطابع :

رئیس	:	ع ، ص عبد المجید خان
معاون اول	:	ع ، سید محمد ایشان خان
معاون دوم	:	، سید محمد رسول خان
مدیر زنکو گرافی	:	ص ، بای محمد بوری
خطاط	:	، سید محمد داؤد خان
متخصص طبع	:	عز تمند ، لغمن
زنکو گرافی	:	، رودر
معاون متخصص فنی	:	ص ، عبد النبی خان
» »	:	، عبد الودود خان

مدیر محاسبه و کنترول . « ، میر حسام الدینخان
مامور احرائیه : « ، عبد المجید خان
حرانه دار : « ، محمد سرور خان

ریاست صرافخانه :

رئیس : ع ، ص غلام قادر خان
مدیر محاسبه و کنترول : ص ، محمد سرور خان
متخصص : . . . . . .
حرانه دار نقدی : ، سید مقصود خان
• حسبی : ، علاء حیدر خان
مواد خام : ، احمد جان خان

ریاست حرانهٔ عمومی :

رئیس : ع ، ص نظر محمد خان
معاون : ص ، عبد الحنان خان



وزارت تجارت

وزیر	:	ع ، ح ، میرزا محمد خان
معین اول	:	ع ، ص محمد حسین خان
دوم	:	ع ، ص ، غلام غوث خان
مدیر عمومی گمرکات و احصائیه	:	ع ، عبدالقیوم خان
تجارتی	:	ص ، میرمحمد یحیا الدین خان
کفیل مدیریت ترانزیتی	:	، محمد علی خان
مدیر محلهٔ اقتصاد	:	، محمد رمان خان
» مصورین	:	، محمد مالک خان
» کنترول	:	، محمد عنایت الله خان
» اوراق	:	، عبدالودود خان
سر کاتب قلم مخصوص	:	، غلام سخی خان
سر کاتب تصفیهٔ محاسبات شرکتها	:	ص ، عبدالحسین خان
شعبهٔ توریدرنگ		
وحفظ صنائع	:	ص ، محمد عمرخان رسا
» انحصارات	:	» ، حبیب الله خان

شعبهٔ مربوطهٔ مرکز :

رئیس فیصله منازعات تجاریه : ع ، ص ، غلام حیدرخان

وزارت معارف

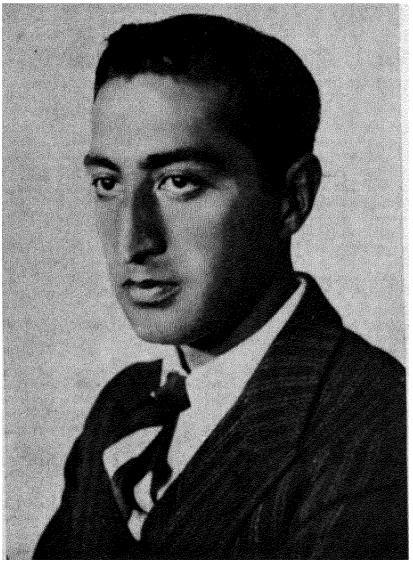

ع ، ح سردار محمد نعیم خان وزیر معارف
S.Ex. Sirdar Mohammad Naim Khan
ministre de l'instruction publique

وزیر :
ع ، ح سردار محمد نعیم خان
معین اول .
ع ، ص عبد الجبار خان
معین دوم .
ع ، ص عبد الاحمد خان

ریاست تعلیم و تربیه .
رئیس
ع ، ص هاشم خان شائق
عضو ریاست :
ص ، محمد قاسم خان
عضو ریاست .
ص ، عبد الجبار خان
عضو ریاست :
ص ، محمد نبی خان
عضو ریاست :
ص ، محمد عثمان خان
عضو ریاست . ص ، عماد الدین خان

ریاست تدریسات :
رئیس : ع ، ص عزیز الرحمن خان

مفتش	:	ص ، عبدالغفور خان
«	:	، محمد یوسف خان
«	:	« ، عبدالقیوم خان
«	:	« ، عبدالغفار خان
«	:	، محمد آصف خان

ریاست تفتیش :

رئیس	:	ع ، ص سید محمد فاروق خان
مفتش	:	ص ، قربان علیخان
«	:	« ، گلبدین خان
«	:	« ، عزیز محمد خان
«	:	، محمد طاهر خان
مدیر مامورین و معلمین	:	ص ، محمد سرید خان
مدیر کنترول	:	« ، محمد یونس خان
مدیرتنظیمات و احرائیه	:	، عبدالله خان
وکیل مدیر تعمیرات	:	، فقیر محمد خان
مدیر اوراق	:	، عبدالله خان
سر کاتب قلم مخصوص	:	. . . . .
مامور تحویلخانه عمومی	:	، محمد یونس خان
محافظهٔ آثارعتیقهٔ بامیان	:	، میر محمد اسلم خان
انتظام کلوب معارف	:	، احمد علیخان
« دائره لاسلکی	:	« ، داکتر انورعلیخان
« ابنیهٔ دار الفنون	:	« ، عبدالرحیم خان

معاون داکتر شفاخانهٔ وزارت: ص ، سید حفیظ خان
مامور کتاب خانهٔ وزارت : « ، محمد رمانخان
« « ملی : « ، عبد الغنی خان

شعبات مربوط مرکز :

رئیس دارالعلوم عربی
و مکتب حفاظ : ع ، ص عبد الرسولخان
رئیس فاکولتهٔ طبی : عزتمند داکتر بای حسن رشاد
« تربیهٔ حیوانات
وزراعت : ع ، ص محمد یوسف خان
مدیر موزه : ص ، غلام محی الدینخان
« مکتب حبیبیه : « ، سید عبد الله خان
« استقلال : عزتمند مومال
نجات : « رویرت مدرونگ
صنائع نفیسه : ص ، عبد الغفور خان « برشنا »
منتظم مکتب طبی : . . . . . .
وکیل مدیر مکتب زراعت : ص ، غلام صدیق خان
معاون مکتب دارالمعلمین : « ، محراب الدینخان
« غازی : « ، فدای احمد خان
منتظم کورس دارالمعلمین
مستعجله : « ، میا حسین خان
« سینما : « ، میر ابوطالب خان

وزارت فوائد عامه

وزیر :
ع ، ح ، عبدالرحیم خان

معین :
ع ، ص ، نصر الله خان

الف ـ مدیریت عمومی

فابریکات :

مدیر عمومی :
ع ، سردار علام محمد خان

معاون :
ص ، امیر محمد خان

مدیر کنترول :
ص ، یعقوب علیخان

مدیر نگرانی :
ص ، نظام الدین خان

مدیر کورکردساری :
ص ، محمد حسین خان

مامور بحاری دارالعلوم ص ، نور احمد خان

مدیر فابریکهٔ بحاری مرکز « ، محمد اسمعیل خان

« « بوت دهری ، محمد اسلم خان

متخصص ، عبد الله خان



ع ، ح عبدالرحیم خان وزیر فوائد عامه
S.Ex. Abdur-Rahim Khan ministre des travaux publics

مدیر فابریکه نخنا بی حبل السراج : ص ، محمد ابراهیم خان
منحصص : عزیز احمد مانیکه
بسمه کاری ماشین : گونسلر
: پیروش
: رئیس دیر
: ماکس سمیت
مدیر فابریکهٔ تجاری مرکزی : ص ، عبد الغفور خان
مامور تعمیر فابریکهٔ دهمزنگ : ، فقیر محمد خان

مدیریت عمومی معادن :

مدیر عمومی : ع ، سعد الدین خان
مهندس : عزیز احمد صمیم سیمه
معاون مهندس : ص ، احمد شاه خان
: ، محمد افضل خان
مدیر تعمیرات مشرقی حصهٔ کابل : ص ، عبد الرسول خان
مشرقی : ، محمد کبیر خان

مدیریت عمومی تعمیرات :

مدیر عمومی : ع ، عبدالغیاث خان
مامور کنترول : ص ، محمد موسی خان
مدیر جشن واحتفالات : ، غلام محی الدین خان
معاون : ، نور احمد خان

مدیریت عمومی برق :

مدیر عمومی	:	ع ، غلام محمد خان
انجنیر	:	عزتمند مسنر هوبل
مامور فابریکهٔ چك وردك	:	ص ، فضل احمد خان
سرمهندس «	:	عزتمند ابرلین
مهندس «	:	« شنوی
« «	:	هایدوك
مدیر کنترول وزارت	:	ص ، عبد الکریم خان
مدیر مامورین «	:	« ، عبدالحسین خان
مدیر اوراق «	:	« ، حبیب الله خان
سرکاتب قلم مخصوص	:	« ، غلام رسول خان
ترجمان انگلیسی «	:	« ، محمد افضل خان



وزارت صحه



ع ، ح علام یحیی خان وزیر صحه
S.Ex. Gholam Yahya Khan ministre de l'hygiène.

وزیر :
ع ، ح ، غلام یحیی خان
معین :
. . . . .

مدیریت مشاورهٔ فنی
مدیر :
ص ، جلال الدین خان
معاون فنی شعبهٔ تعدیش
ص ، عبدالرحیم خان
سرکاتب شعبهٔ مشاوری :
ص فیض محمد خان
سرترجمان شعبهٔ ترجمانی :
ص عبدالهادیخان

مدیر مجموعهٔ صحیه ونشریات :
ص ، عبدالرشید خان
مدیر کنترول :
ص ، محمد محسن خان

مامور احرائیه ومامورین : ص ، محمد ابراهیم خان
سرکاتب قلم مخصوص : « ، احمد ضیاء خان
سرکاتب اوراق : « ، صالح محمد خان

شعبات مربوطهٔ مرکز :

مدیر شفاخانهٔ ملکی : ص ، عبدالغفار خان

سرطبیب « : عزتمند ، د کتور فواد بیك

مدیرهٔ شفاخانهٔ مستورات : ص ، زینب بیگم

کفیل مدیر دواخانهٔ عمومی : ص ، عبدالغنی خان

د کتور دندان : د کتور محی الدین بیگ

د کتورس دندان : « ، سادیه خانم

سرطبیب رفقی سناتوریوم

وسناتوریوم مستورات : د کتور ربیع حکمت بیگ

سرطبیب شفاخانهٔ امراض

عقلیه وعصبیه : نوزاد اشرف بیگ

مامورهٔ ساناتوریم مستورات : ص ، روح افزا بیگم

متخصص با کسریولوری : « ، د کتور رهدی بیگ

معاون معاینه خانه واقع

شهر آرا : « ، نصرالله خان

معاون معاینه خانهٔ واقع

جند اول : عزتمند کرم الهی خان

معاون معاینه خانهٔ واقع

بالاحصار : « ، محمد موسی خان

وزارت پست، تیلگراف و تیلفون



ع ، ح رحیم الله حان وزیر پست تلگراف و تیلفون

S Ex. Rahimullah Khan ministre des P T T.

وزیر :
ع ، ح ، رحیم الله حان معین .

. . . .

مدیر شعبهٔ ارتباط خارجی
ص ، محمد سعید حان
مدیر شعبهٔ پست
ص ، احمد شاه حان
مدیو تیلگراف و تیلفون
ص ، امین الله حان
مدیر عمومی حمل و نقل
غ ، علام حیلانی حان
مدیر محاسبه و کمپترول
س ، علام احمد حان
مأمور شعبهٔ هوتلها
س ، علام دستگیر حان
مامور احرائیه مامورین
وتحریرات :
س ، سید مصطفی حان
مدیر شعبهٔ اوراق : ص ، پاینده محمد حان
مرحم المانی : . . . . .

مشاور پست	:	عزتمند فون زبگنس
متخصص بی سیم وراديو	:	عزتمند بوم
متخصص تیلفون	:	عزتمند ای سیکسون
متخصص کیبل	:	ص،عبدالمجید خان

شعبات مربوط مرکز :

مدیر رادیو	:	ص ، عطاء الله خان
مدیر حمل ونقل پست	:	، عبدالخالق خان
« فابریکهٔ ترمیم موتر	:	، عبدالعزیز خان
منتظم تیلگراف خانهٔ یکه توت	:	محمد حسین خان
مهتاب قلعه	:	غلام سرورخان
سیار تلگراف	:	، علی گل خان
مامور موتل کابل	:	میر محمد علی خان
کفیل مامورتیلفون خانهٔ مرکز	:	، عبدالاحد خان

نگرانهای تیلفون اطراف :

نگران تیلفون سمت مغربی	:	ص ، محمدافضل خان
« « مشرقی	:	، غلام حضرت خان
« « شمالی	:	، حاجی محمد خان
« « جنوبی	:	عبدالاحمد خان

ریاست مستقلهٔ معادن



رئیس :

ح ، محمد کریم خان

معین :

ع ، ص دکتور عبدالله خان

(باقی تشکیلات دوائر این ریاست هنور ارمقامات صلاحیت دار تصویب نشده است) .

ح ، سردار محمد کریم خان رئیس مستقل معادن
S. Ex. Mohammad Karim Khan chef du département des mines

ریاست مستقلهٔ زراعت



ح ، میر محمد یوسف خان رئیس مستقل زراعت
S. Ex. Mir Mohammad Youssof Khan
chef du departement de l'agriculture

رئیس .
ح ، میر محمد یوسف خان

معین :
ع ، ص ور محمد خان
مدیر عمومی زراعت و تربیهٔ حیوانات و صنائع زراعتی و مطالعهٔ مواد خام :
ع ، محمد رمان خان
مدیر عمومی دفع آفات و تربیهٔ کرمپیله ور و عسل و ماهی
. . . .
مدیر عمومی حیوانات و تعیش :
. . . .
مدیر عمومی بانك زراعتی و احصائیه :
. . . .
مدیر عمومی مهندسی بندها و انهار : . . . .
« احرائیه و مامورین . ص نادر علی خان
« کنترول و محاسبه : محمد اسلم خان

مدیر اوراق : . . . . .

« شعبهٔ ترجمانی : . . . . .

« « املاك : . . . . .

ریاست مبایعات

رئیس : ع ، ص عبدالرسول خان

معاون (بحیث معین) : ع ، ص محمد حسین خان

کفیل مدیر اجرائیهٔ خارجه : ص ، محمد ایوب خان

« « « داخله : « ، گل ایاز خان

مدیر محاسبه و کنترول : « ، عبدالاحد خان

کفیل سرکاتب مامورین : « ، محمدنبی خان

« شعبهٔ اوراق : « ، محمداسلام خان

« دائرهٔ ترجمانی : « ، محمد ایوب خان

خزانه دار : « ، محمد یوسف خان

تحویلدار ذخیره : « ، محمد عمرخان

تشکیلات ولایات وحکومتی‌های ولایات اعلی و حکومتی های کلان

ولایت کابل

والی	:	و ، ج ، محمد عمر خان
مستوفی	:	ع ، ص ، سید حبیب خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر امام الدین خان
مامور اجرائیه «	:	« ، عزیز الدینخان
« تحصیلی «	:	« ، محمد رضاء خان
« تفتیش «	:	« ، امیرمحمد خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، طره باز خان
سر مامور قوماندانی کوتوالی	:	ش ، میر عبدالعزیز خان
مدیر جزاء «	:	. . . . .
کفیل مدیر ضبط احوالات «	:	س ، محمد سرور خان
« « تعلیم و تربیه «	:	ش ، حبیب الله خان
مدیر تعلیمگاه پولیس «	:	ح ، محمد اکبر خان
« محاسبه «	:	ص ، غلام رضاء خان

مدیر محبس کوتوالی	:	ش ، سید کما ل خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص غلا م حید ر خان
مد یر محاسبهٔ گمرك	:	ص ، فخر الدین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا احمد خا ن
مد یر تحر یرات	:	ص ، عبد الواحد خان
مد یر معارف	:	« ، غلا م جیلا نی خان « جلالی»
مد یر خزانه	:	« ، محمد اسمعیل خا ن
مدیر مخابرات	:	« ، غلام صفدرخان (بحیث مدیرعمومی)
منتظم تلگراف سیمدار	:	« ، محمد امان خا ن
« بی سیم	:	« ، علی گل خان
مامور معابر	:	« ، دلاور خان

حکومت کلا ن سمت شمالی :

حا کم کلان	:	ع ، ع محمد اسمعیل خان
مدیر کنترول	:	ص ، محمد عثمان خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الجلیل خان
قوما ندان کوتوالی	:	ش ، عبد القادر خان
مامور گمرك	:	ص ، علی محمد خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، نصر الله خان

حکومت کلان غزنی :

و کیل حا کم کلان	:	ع ، ش عبدالاحد خا ن فرقه مشر
مدیر کنترو ل	:	ص ، فتح محمد خان

قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الحق خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، سید امیر خان
مدیر گمرك	:	ص ، محمد عمر خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، سلطان احمد خان

حکومت کلان دایزنگی :

حاکم کلان	:	ع ، ع غلام محی الدینخان
مامور کنترول	:	ص ، میر عزیز الله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا دین محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد نبی خان
مامور گمرك	:	ص ، حبیب الله خان

حکومت کلان لوگر :

وکیل حاکم کلان	:	ع ، ع عبد العلی خان
مامور کنترول	:	ص ، محمد حسین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صالح محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد حسن خان
مامور گمرك	:	ص ، نور الحق خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد نبی خان

ولایت قندهار

نائب الحکومه	:	ع ، ش سردار محمد داؤد خان
مستوفی	:	ع ، ص محمد نعیم خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سید فقیر محمد خان

مامور احرائیه	:	ص ، عبدالقدوس خان
سر کاتب تحصیلی	:	« ، عبد الظاهر خان
مامور تفتیش	:	« ، محمد حسین خان
قاضی مرافعه	:	ف ، اختر محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد اکبر خان
رئیس گمرك	:	ع ، ص فخرالدین خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا صاحب خان
مدیر خارجه	:	ص ، محمد اکبر خان
تحریرات	:	« ، محمد اسمعیل خان
مخابرات	:	« ، پاینده محمد خان
منتظم تلگراف	:	« ، غلام جیلانی خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد یوسف خان
مدیر خزانه	:	« ، سیف الله خان
« معارف	:	« ، غلام حیدر خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، حاجی جان محمد خان
مدیر معابر	:	« ، محمد اصغر خان
کفیل مدیر زراعت	:	« ، غلام جیلانی خان
مامور برق	:	« ، غلام علی خان
مدیر فابریکهٔ پشمینه بافی	:	« ، شیر محمد خان
متخصص «	:	عزت مند شنیدر
« «	:	« فرو مل
« «	:	« ئیچتر
« «	:	« زخرس

حکومت کلان قلات :

حاکم کلان	:	ع ، ع میر اکبر خان
مامور کنترول	:	ص ، عبدالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، احمد الله خان
قوماندان	:	غ ، سید احمد خان
مامور گمرك	:	ص ، محمد کبیر خان

حکومت کلان گرشك .

حاکم کلان	:	ع . ع دوست محمد خان
مامور کنترول	:	ص ، احمد علیخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد قسیم خان
مامور گمرك	:	ص ، محمد رضاء خان
« صحیه	:	« ، محمد صدیق خان

حکومت کلان ارزگان :

حاکم کلان	:	ع ، ع شاه بزرگ خان
مامور کنترول	:	ص ، نظام الدینخان
قاضی ابتدائیه	:	. . . . .
قوماندان کوتوالی	:	غ ، تاج محمد خان
مامور گمرك	:	. . . . .

ولایت هرات

نائب الحکومه	:	و ، ج س ، ا ، غلام فاروق خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمد علیخان

مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، محمد عثمان خان
« اجرائیه	:	« ، عطامحمد خان
« تحصیلی	:	« ، عبد السلام خان
« تفتیش	:	. . . . .
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا احمد علیخان
قوماندان کوتوالی	:	. . . . .
رئیس گمرك	:	. . . . .
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا عبد الباقیخان
مدیر خارجه	:	ص ، محمد صدیقخان
« تحریرات	:	« ، عبد القدیر خان
« خزانه	:	« ، عبد الوهاب خان
کفیل مدیر مخابرات	:	« ، نظام الدینخان
کفیل منتظم تلگراف	:	« ، علی گل خان
مدیرزراعت	:	. . . . .
کفیل مدیر صحیه	:	ص ، عبد النبی خان
مامور معارف	:	« ، عبد الواحد خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، حاجی گل محمد خان
مدیر معابر	:	« ، محمد عمرخان

حکومت کلان غورات . .

حاکم کلان	:	ع ، ع ، گلا بشاه خان
مامور کنترول	:	ص ، رحیمداد خان
قاضی ابتدائیه	:	. . . . .

فوماندان کوتوالی	:	غ ، محمد عاصم خان
مامور گمرك	:	ص ، شهاب الدین خان

حکومت کلان بادغیسات :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، محمد اختر خان
مامور کنترول	:	ص ، نصرالله خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا نبیك محمد خان
فوماندان کوتوالی	:	غ ، سید محمد خان
مامور گمرك	:	ص ، عبدالقادر خان
کفیل مامور صحیه	:	ص ، عبدالحمید خان

ولایت مزار شریف

نائب الحکومه	:	و ، ج ، گل احمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، عزیز الله خان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، سر فراز خان
مامور اجرائیه	:	« ، حبیب الله خان
سر کاتب تحصیلی	:	« ، عبد الرحمن خان
مامور تفتیش	:	« ، عبد الغنی خان
فوماندان کوتوالی	:	ح ، محمد جانجان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا میر محمود خان
« ابتدائیه	:	« ، محمد ملا رجب خان
مدیر خارجه	:	ص ، سید مومن خان
« گمرك	:	« ، عبد الحق خان

مدیر تحریرات	:	ص ، عبد السمع خان
« مخابرات	:	« ، عبد الفتاح خان
« خزانه	:	« ، میر سکندر شاه خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبد الرحیم خان
کفیل مدیریت صحیه	:	« ، میرزا محمد خان
مدیر زراعت	:	« ، محمد زمانخان
مامور معارف	:	« ، عبد السلام خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« ، عبدالاحد خان
مدیر معابر	:	« ، داد محمد خان
مامور موزیم	:	« ، میرزا عبد الرحمن خان

حکومت کلان شبرغان :

حاکم کلان	:	ع ، ع ، سید آقا خان
مامور کنترول	:	ص ، عبد الله خان
قوماندان کوتوالی	:	غ ، احمد جانخان
قاضی ابتدائیه	:	ف ، ملا محمد امین خان
مامور گمرک	:	. . . . .

ولایت قطغن وبدخشان

نائب الحکومه	:	و ، ج شیرمحمد خان
مستوفی	:	ع ، ص ، محمدسرورخان
مامور کنترول مستوفیت	:	ص ، میر محمد نبی خان

مامور اجرائیه مستوفیت	:	ص ، محمد سالم خان
سرکاتب تحصیلی «	:	« میر عبداللطیف خان
مامور تفتیش «	:	« محمد اکبر خان
قاضی مرافعه	:	ف ملا گل دست خان
« ابدائیه	:	« ملا علی محمد خان
قوماندان کوتوالی	:	ح فقیر شاه خان
مدیر گمرك	:	ص محمدانور خان
مامور خارجه	:	« سید محمودخان
مدیر تحریرات	:	« . . . . .
کفیل مدیر مخابرات	:	« گل احمدخان
تلگرافی	:	« محمد یوسف خان
کفیل مدیر صحیه	:	« محمد عمر خان
مدیر خزانه	:	« خواجه عبدالرشید خان
مامور معارف	:	عبدالرسول خان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجاریه	:	« میان فضل احمدخان

حکومت کلان بدخشان :

حاکم کلان	:	ع ، ع سید عباس خان
مامور کنترول	:	ص فضل احمد خان
قاضی ابتدائیه	:	ف ملامحمد غوث خان
قوماندان کوتوالی	:	غ غلام محی الدین خان
مامور گمرك	:	ص غلام فاروق خان

مامور صحیه : ص ، محمد جعفر خان
سرکاتب مخابرات : « ، شیراحمد خان

حکومت اعلای سمت مشرقی

حاکم اعلی : ع ، ع ، ص ، محمد قاسم خان
سر رشته دار اعلی : ع ، س ، شیر احمد خان
مامور کنترول
سررشته داری اعلی : ص ، شیر احمد خان
سر کاتب احرائیه : « ، سید محمد اکبر خان
تحصیلی : « ، محمد خان
مامور تفتیش : ، غیاث الدین خان
قاضی مرافعه : ف ، ملا عبیدالله خان
قوما ندان کوتوالی : ح ، سید محمد امیر خان
مدیر گمرك : ص ، عبدالکریم خان
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا محمد اسحق خان
مدیر خارجه : س ، سلطانعزیز خان
کفیل مدیر صحیه : ، محمد اسمعیل خان
مدیر زراعت : « ، سید حب علی شاه خان
مدیر معابر : « ، عبدالوکیل خان
مدیر تحریرات : « ، عبدالرزاق خان
مدیر خزانه : « ، محمد جانخان
مدیرمعارف : « ، عبدالعلیخان

مدیر مخابرات : ص ، ذیك محمد خان
منظم تیلگراف طورخم : ، عبدالرزاق خان

حکومت کلان کنر ها و آسمار :

حاکم کلان : ع ، ع ، سید حلال خان
مامور کنترول : ص ، میر زا گل احمد خان
قاضی ابتدائیه : ف ، ملا عبدالغفور خان
قوماندان کوتوالی : غ ، شیر محمد خان
سر کاتب گمرك : ص ، محمد رحیم خان
مامو صحیه : ، عبدالجلیل خان

حکومت اعلای سمت جنوبی

حاکم اعلی وقوماندان عسکری : ع ، ش ، س ، ع ، محمد افضل خان فرقه مشر اول
سررشته دار اعلی : ص ، عبدال محمد خان
مامور کنترول سررشته داری : ، احمد خان
سر کاتب احرائیه : ، عبد الحمید خان
سر کاتب تحصیلو : ، عبدالستار خان
مامور تفتیش : ، سید علم خان
قوماندان کوتوالی : ش ، مدد خان
قاضی مرافعه : ف ، ملا سید کاظم خان

قاضی ابتدائیه	:	، ملا عبدالحق خان
مدیر خارجه	:	ص ، سلطان علیخان
گمرک	:	، عبد المجیدخان
کفیل مدیر صحیه	:	، عبدالغنی خان
مامور تحریرات	:	، غلام حیدر خان
اسخبارات	:	، محمدعاشورخان
معارف	:	، علیجانخان
معابر	:	، مدنخان
زراعت	:	، عبدالکریم خان
خزانه	:	، جمال الدین خان
قنابل	:	، محمدمسلم خان
مخابرات	:	، محمدنعیم خان

حکومت اعلای میمنه

حاکم اعلی	:	ع ، ع ص ، محمدعزیز خان
سر رشته دار اعلی	:	ص ، نور محمد خان
مامور کنترول سر شته داراعلی	:	» ، عبدالعزیز خان
سر کاتب احرائیه	» :	» ، غلام حسین خان
» تحصیلی	» :	» ، سکندر خان
» تفتیش	» » :	» ، محمد حسن خان

قوماندان کوتوالی	:	ش ، عبدالغفور خان
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا محمد یوسف خان ه
قاضی ابتدائیه	:	« ، ملا عبدالرؤف خان
مدیر گمرك اندخوی	:	ص ، محمود خان
مامور گمرك میمنه	:	« ، محمداسمعیل خان
مدیر خارجه	:	« ، عبدالشکور خان
مامور تحریرات	:	« ، عبدالحمید خان
کفیل مدیر صحیه	:	« ، محمد نبی خان
مامور مخابرات	:	« ، غلام غوث خان
مامور زراعت	:	« ، آقارحیم خان
مامور خزانه	:	« ، طوره خان
مامور معارف	:	« ، محمد طاهرخان
رئیس فیصلهٔ منازعات تجارتی	:	« ، محمد عمرخان
مامور معابر	:	« ، سلطان عزیز خان
منتظم تلگراف	:	« ، عبدالله خان
رئیس مدرسهٔ ظاهرشاهی	:	« ، ملا نظام الدین خان

حکومت اعلای فراه وچخانسور

حاکم اعلی	:	ع ، ع ، ص محمد کریم خان
سر رشته دار اعلی	:	ع ، ص ، نوراحمد خان
مامورکنترول	:	ص ، عزیزاحمد خان

سرکاتب اجرائیه	:	ص ، شیخ احمد خان
« تحصیلی	:	« ، محمدافضل خان
تفتیش	:	. . . . .
قاضی مرافعه	:	ف ، ملا نورالحق خان
قوماندان کوتوالی	:	ش ، محمد یوسف خان
مدیر خارجه	:	ص ، عزیز الله خان
وکیل مدیرصحیه	:	، عبدالمجید خان
مدیر زراعت	:	، عبد الباقی خان
« گمرك	:	، شیراحمد خان
قاضی ابتدائیه	:	. . . . .
مامور تحریرات	:	ص ، محمد انور خان
مامور مخابرات	:	« ، محمد علم خان
« معابر	:	« ، محمد حسین خان
معارف	:	« ، گلبدن خان
سرکاتب اسمخبارات	:	« ، محمد اسحق خن
خزانه دار	:	« ، محمد ابراهم
منظم تلگراف سیمدار	:	« ، غلام محی الدینخان

تشکیلات دوائر ملی

ریاست عالی شورای ملی

هیئت رئیسه

رئیس شورای ملی
ع ، ح عبدالاحدخان

معین اول :
ع ، ص سیدمحمدیونس خان

معین دوم :
ع ، ص سید محمد خان

منشی :
ع ، عبداللطیف خان

معاون منشی :
ص ، عبدالخالقیخان

سرکاتب مجلس :
ص ، عطا محمد خان

مامور کمسرول :
ص ، فیض محمد خان

سرکاتب اوراق : ص ، عبدالودود خان

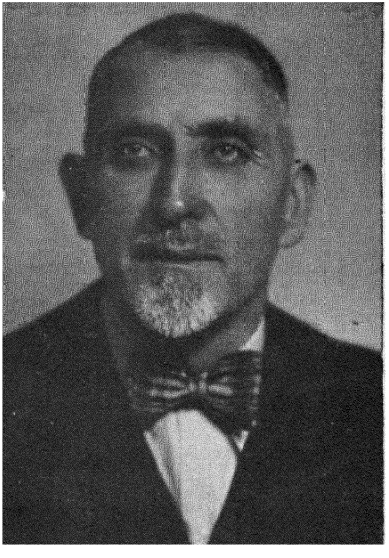

ع ، ح عبدالاحدخان رئیس شورای ملی
S. Ex Abdoul Ahad Khan président du Conseil National

هیئت وکلای دورهٔ سوم شورای ملی :

وکیل مرکز کابل	: ص ، سید جلال الدینخان	مربوط	ولایت کابل
پغمان	: « ، محمد علیخان	«	«
« لوگر	: « ، حاجی محمد ابراهیم خان	«	«
« میدان	: « ، مولوی عبدالقدوس خان	«	«
« وردك	: « ، عبد القیوم خان	«	«
« سروبی	: « ، عبدالمومن خان	«	
« چهاریکار	: « ، میرزا محمد جانخان	«	«
« جبل السراج	: « ، حاجی امیر محمد خان	«	«
« کوهدامن	: « ، سید احمدخان	«	«
« ریزه کوهستان	: « ، عبدالحبیب خان	«	
« تگاب	: « ، محمد یعقوب خان	«	«
« نجراب	: « ، غلام نبی خان	«	
« سیغان و کهمرد	: « ، احمد جانخان	«	
« بجشیر	: « ، عبد الروف خان	«	«
« سرخ و پارسا	: « ، سید اسمعیل شاه خان	«	«
« غوربند	: « ، محمد قاسم خان	«	«
« غزنی	: « ، حکیم خان	«	«
« مقر	: « ، حاجی عبدالقیوم خان	«	«
« ده شین کنواز	: « ، آزاد خان	«	«
« کوهی دامانی کنواز	: « ، علی گل خان	«	«
« دایزنگی	: « ، محمد نعیم خان	«	«

وکیل بهسود	:	ص ، میر محمد علیخان	مربوط ولایت کابل
یکاولنگ	:	، میر حبیب الله خان	
جاغوری	:	، محب علیخان	
مرکز قندهار	:	، عبد القیوم خان	قندهار
دند	:	، غلام دستگیر خان	
کدنی	:	، محمد شاه خان	
تیرین	:	، فیض الله خان	
کشك نخود	:	، محمد اقبال خان	
دهنه	:	، محمد سعید خان	
دهراؤد	:	، غلام دستگیر خان	
گرشك پشت رود	:	، محمد موسی خان	
رسی قلعه زمین داور	:	، عبدالحمید خان	
گرمسیر	:	، یار محمد خان	
گیزاب	:	، محمد حسن خان	
مرکز اررگان	:	، مولاداد خان	
ترنك وجلدك	:	، حاجی عبدالسلام خان	
اجرستان	:	، خان محمد خان	
قلات	:	، حاجی عبدالمحمد خان	
کوچی قندهار	:	، اسمعیل حبیب خان	
مرکز هرات	:	، حاجی غلام نبی خان	
بلوکات	:	، محمد قاسم خان	
غور	:	، عبد الوهاب خان	

وکیل اندر آب	:	ص ، محمدا کبرخان مربوط ولایت قطغن و بدخشان	
» بالقان	:	» ، سید محمد خان	»
» حضرت امام	:	» ، صاحب نورخان	»
» حال واشکمش	:	» ، میرفضل احمدخان	»
» عوری	:	» ، عبدالله خان	»
» بدخشان	:	» ، بزرگ حواجه خان	»
» رستاق	:	» ، عبدالعزیزخان	
» ینگی قلعه	:	» ، محمد نبی خا	
جرم	:	، غلام محمد معصوم خان	
دروار	:	، شاه منصورخان	
واخان زیباك	:	» ، سلطان علیجان	
کشم ودرآیم	:	، محمدحسین خان	
جلال آباد	:	، سیدمحمدا کبرخان	حکومت اعلای مشرقی
سرخرود	:	، عبدالله خان	
لغمان	:	، سید حمزه خان	
نورستان لغمان	:	» ، مشك عالم خان	
خوگیانی	:	» ، عبدالرشیدخان	
» شنوار	:	» ، محمدگل خان	»
مهمندره	:	» ، محمد خان	
» زوداب	:	» ، ثناء گل خان	»
» کامه	:	» ، محمدمراد خان	»
» حکومت کلان اسمار	:	» ، مجاهدینخان	»

گیل درهٔ پیچ	:	ص، عبن‌الله خان، مربوط حکومت اعلای مشرقی	
گنر خاص	:	« «(سید محمد خان که معین دوم شورا میباشند)	
بر گنر درهٔ سین	:	«عتیق‌الله خان، مربوط حکومت اعلای مشرقی	
حصارك غلجائی	:	« « ، حاجی گل علم خان «	« «
کوهی ننگنهاری	:	« « ، محمد هاشم خان «	« «
گردیز	:	« ، امیر محمد خان «	حکومت اعلای جنوبی
زرمت	:	« ، علام محمد خان «	« «
خوست	:	« ، میرزا محمد خان	« «
	:	« ، گل صاحب خان	« «
ارگون	:	« ، اسمعیل گل خان «	« «
حدران	:	« ، حانه گل خان «	« «
مسکل	:	« ، جانجان	« «
جاجی	:	« ، فتو خان	« «
حمکنی	:	« ، یار محمد خان «	« «
شهر میمنه	:	« ، ابوالقاسم خان «	میمنه
تگاب شیرین	:	« ، سید ابوالخیر خان «	« «
اندخوی	:	« ، جار یار قل خان «	« «
درزاب و گرزیوان	:	« ، محمد اسلم خان «	« «
قیصار	:	« « ، آستانه قل خان «	« «
شهر فراه	:	« « ، سلطان محمد خان «	« فراه
خخانسور	:	« « ، عبدالوکیل خان «	« «
بکواه و خاشرود	:	« « ، در محمد خان «	« «

مجلس اعیا ن



ع ، ح ، میر عطا محمد خان رئیس مجلس اعیان
S. Ex. Mir Ata Mohammad Khan
président du Sénat

رئیس :
ع ، ح میر عطا محمد خان
معاون اول
ع،ص حاجی محمد اکبر خان
معاون دوم :
ع ، ص عبد الرحیم خان
رئیس تمیز :
ع،ص حافظ عبد الغفار خان

اعضای مجلس :
ص ، سردار گل محمد خان
« ، حاجی حیر محمد خان
« ، عطا محمد خان
« ، عبد الحکیم خان
« ، معاد الله خان
« ، شرف الدینخان
« ، خان محمد خان
« ، سید یاقوت شاه خان
« ، ایشان امان الدینخان
« ، ملك رحمد ل خان

اعضای مجلس	:	ص ، شاه محمود خان
،	:	، حاجی میرزا عبدالرحیم خان
،	:	، عبدالحمید خان
	:	، حاجی جان آقا خان
»	:	، محمد رسول خان
	:	، عبدالصمد خان
	:	، عبدالغفور خان
	:	، حاجی عبدالحکیم خان
	:	، سیدفیض الله خان
	:	، حاجی میرزا محمود خان
	:	، عبداللطیف خان
	:	، امین الله خان
،	:	، محمدعمر خان
»	:	، عبدالستار خان
	:	، میر محمد علیخان
	:	، سیداحمد شاه خان
	:	، علی احمد خان
،	:	، محمدحسن خان مهمند
	:	، میرزا خداداد خان
،	:	، نظر محمد خان
،	:	، ملك محمد اصغر
»	:	، حلال الدینخان

اعضای مجلس	:	ص ، محمد حسن خان وردك
« «	:	« ، سید شمس الدینخان
« «	:	« ، سیدمحمد خان
« «	:	« ، سیداحمد خان
« «	:	« ، ملا محمد پذیرخان
« «	:	« ، نورالدینخان
« «	:	« ، حاجی محمدشریف خان
« «	:	« ، غلام رسول خان
« «	:	« ، محمد اکبرخان
« «	:	« ، عبدالعزیزخان
« «	:	« ، دیوان حکم چند

هیئت اداری :

منشی مجلس	:	ص ، محمود خان
سر کاتب تحریرات	:	« ، محمد حسین خان
« انجمن تحقیقیه	:	« ، محمدانور خان
« تدوین اصول	:	« ، سید محبوب خان
« دائرهٔ تمیز	:	« ، غلام رسول خان
« دائرهٔ محاسبه	:	« ، محمدیوسف خان
« اوراق	:	« ، محمداکبر خان

ریاست بلدیهٔ کابل

رئیس	:	و ، ج محمد عثمان خان
معاون	:	ع ، محمد رحیم خان « رفیق »
مدیر تنظیمات و صحیه	:	ص ، غلام محمد خان
مدیر مهندسی و تعمیرات	:	« عطاء محمد خان
ارزاق	:	« ، محمد حسن خان
تعمیش و قلم مخصوص	:	« ، علی محمد خان
احصائیه	:	، عبدالرشید خان
کسرول و محاسبه	:	« ، محمد رفیق خان
مامورین واجرائیه	:	« ، عبدالله خان
کاتب اوراق	:	« ، سید محمد حسین خان
رئیس یتیم خانه	:	« محمد ابراهیم خان
عضو	:	عزتمند سائیلوف

روسا ومامورهای بلدیهٔ مراکز ولایات وحکومتیهای اعلا و کلان

رئیس بلدیهٔ قند هار : ع ، محمد ناصر خان
« « هرات : « ، احمد قلیخان
« « مزار شریف : « ، فراح الدین خان
« « خان آباد : « ، میر عبدالسلام خان
« « جلال آباد : ص ، سلطان احمد خان
« « گردیز : « ، محمد رضا خان
میمنه : . . . . .
مامور « فراه : ، محمدحسین خان
« « جهاریکار : ، عبد الرسول خان
« غزنی : ، عبدالسلام خان
« « دایزنگی : . . . . . .
« « لوگر : ص ، اطف الله خان
« « گرشك : . . . . . .
« « ارزگان : . . . . . .
« قلات : . . . . . .
« « غوراب : . . . . . .
« « باد غیسنان : . . . . . .
« شبرغان : . . . . . .
« بدخشان (فیض آباد) : ص ، بزرگ خواجه خان
« « کنرها واسمار : . . . . . .

شکیلات دوائر حضور

وزارت دربار

وزیر :

ع،ح، والاحضرت سردار
احمد شاه خان

معین :

ع ، ص غلام احمد خان

مدیر تنظیمات واجرائیه :

ص ، عبدالرحیم خان

معاون تنظیمات .

ص ، محمد اکرم خان

مدیر تشریفات :

ص ، عبدالرشید خان

مدیر محاسبه :

ص ، عبدالوهاب خان

مدیر خزانه :

ص ، سراج الدین خان

مدیر نقلیه :

ص ، میر اکبر خان

ناظر کارخانهٔ طباخی .

ص ، حاجی نظر محمد خان

خانه سامان باشی عمومی .

فراشباشی :



ع ، ح والاحضرت سردار احمد شاه خان
وزیر دربار
S. A. Ahmad Chah Khan ministre de la cour.

ص ، صالح محمد خان

« ، عبدالرشید خان

عرض بیگی حضور همایونی : ص ، محمد اسمعیل

موتر ران باشی « « ، خواجه محمد خان

سر کاتب اوراق « « : محمد عظیم خان

مصاحبین حضور همایونی

ع ، ص سردار محمد اکبر خان

« « ، سلطان احمد خان

« « ، حاجی محمد نواب خان

« « ، صالح محمد خان

« « ، محمد سرور خان

دارالتحریر شاهی



ع ، ح محمد نورروز خان سرمنشی حضور همایونی
ورئیس انجمن ادبی

S. Ex Mohammad Naouroz Khan secrétaire privé de S. M. et président honoraire de l'Académie Afghane

سرمنشی حضور همایونی
ع ، ح محمد نورروز خان
مدیر قلم مخصوص
ع ، نور محمد خان
مدیر شعبهٔ اول :
ع ، حافظ نور محمد خان
مدیر شعبهٔ دوم
ع ، سردار محمد عمر خان
مدیر شعبهٔ سوم :
ع ، سراج الدین خان
مدیر شعبهٔ چهارم
ع ، غلام قادر خان
مترجم زبان عربی و ترکی
ص، سید منشر خان ضراری
مترجم زبان فرانسوی
ص ، عبدالغفور خان
مترجم زبان انگلیسی
ص، محمد سرور خان
مشاور امور شرعیه
. . . . .
متخصص اقتصاد :
ص ، حبیب الله خان

رئیس دائرهٔ خصوصی حضور همایونی : ع ، ص ، خواجه خانگل خان

سریاوریت حربی حضور همایونی

سریاور حربی حضور	:	ع ، ش ، عبدالغفورخان فرقه مشر ثانی
معاون سریاور	:	» » ، محمداطیف خان » » »
یاور	:	ح ، محمد صفر خان غند مشر اول
»	:	» » ، سیدصالح محمدخان »
»	:	» » ، عبدالغنی خان » » ثانی
»	:	» » ، عبدالله خان » » »
»	:	ش ، محمدحسین خان کندك مشر
»	:	غ ، غلام محمد خان توپ مشر
سرکاتب تحریرات	:	ص ، پاینده محمد خان

اجراآت دوائر مملکتی

حاجت به تذکار نیست که افغانستان درین عرصهٔ ۸ سال اخیر از یك راه صحیح بسوی ترقی و تعالی خود روان شده و بنا برین درین مدت علاوه برتلافی خسارات وضایعات انقلاب گذشته ، قدمهای بزرگی را در رشته های مختلفه بسوی پیشرفت خود برداشته که بجرئت میتوان گفت ، اینقسم اقدامات بزرگ وسریع دروطن ما بی سابقه میباشد .

ما خیلی خوش بختیم که توانسته ایم در هر سال مظاهر مهم این پیشرفتها و خطوط اساسی این ترقیات را از نظر هموطنان عزیز و سائر علاقه مندان شئون افغانستان ، گذارش بدهیم . حتا نچه اگر کسی خواسته باشد که گذار فوق را بمحك تحقیق مقابل کند بنها ورق زدن سالنامه های پنج سالهٔ گذشته « کابل » کفایت خواهد کرد .

اما به مسرت تمام می بینیم که در سال ۱۳۱۶ حرکت ارتقائی وطن سرعت و وسعت بیشتری پیدا کرده و می توان گفت که ازین وقت افغانستان داخل یك دورهٔ نهضت جدیدی شده که از حالا مظاهر نیك آن ظاهر شدن گرفته که هر یك خاطر عموم علاقه مندان ترقیات این خطه را مملو از مسرت و شادمانی میگرداند : از قبیل توسیع معارف و بکار افتادن ذخائر تحت الارضی و تأسیس و تکوین صنائع مهمه و ترقی زراعت و ترویج وسائل مدنیت وغیره . . . . ازاین است که اینك پیش از درج کار روائی های مهمهٔ سال ۱۳۱۶ دولتی وظیفهٔ خود میدانیم که نسبت به اینهمه موفقیات ، تبریکات خالصانه و

مراتب سکر کداری خویش‌را بحضور ذات اقدس ملوکانه که مربی تمام پیشرفتهای مملکت میباشند وسپس بحضور والاحضرت صدر اعظم صاحب رئیس کابینهٔ دولت که زحمات شباروزی شان بهمه کس معلوم است و نیز بحضور تمام اعضای کابینهٔ محترم وزرا سائر مامورین وخدمتگاران این خاک تقدیم و کامیابی های [illegible] را برای آنها درراه اعتلای وطن تمنا کنیم . «انجمن»

امور حربیه

بدیهی است که در دنیای امروزه جهت حفظ موجودیت وتامین مفاد وشئون یك مملکت و پیشبرد مقاصد اوازهمه اولتر داشتن یك قوای حربی مکمل لازم بوده چنانچه می بینیم هر مملکتی که دارای قوای [illegible] ی مکمل تر [illegible] باشد نه تنها شئون ملی و مفاد مختلفهٔ خویش را در [illegible] حل وخارج حفظ ومقاصد خود را در هر زمینهٔ حاصل کرده توانسته اند ، بلکه ملل مذکور باسربلند وآبرو مندی کاملی در قطار سائر ملل جهان احد موقع نموده اند .

خوش [illegible] طوریکه بهمه کس معلوم است افغانستان از ۸ سال باینطرف که عصر نهضت این خاك بشمار میرود در تحت توجهات حکیمانهٔ شهریار فقید خود اعلیحضرت محمد نادرشاه غازی و اعلیحضرت محمد ظاهرشاه ومساعی حسنه گی بانذیر والا حضرت افخم سردار شاه محمود خان غازی وزیرحربیه بسوی این عامل مهم ترقی و پیشرفت، عنایت خاصی مبذول گردیده و بتدریج مملکت ما دارای یك عسکر منظمی شده که میتوان گفت امروز از هرجهت باوضعیت داخلی وبین المللی افغانستان هم آهنگی دارد وهم روز بروز دامنهٔ ترقیات عسکری درین سرزمین



ع ، ح سردار احمد علیخان سفیر کبیر اعلیحضرت در طهران

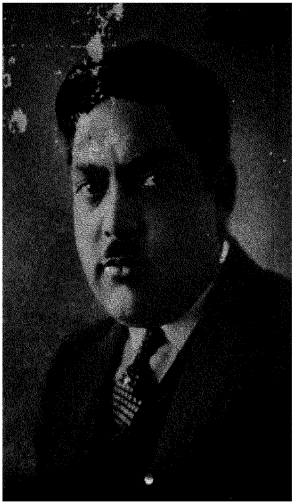

و ، ح محمد عثمان خان رئیس بلدیهٔ کابل

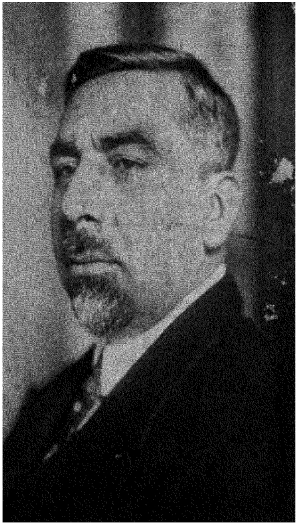

ع ، ح سردار شیراحمد خان وزیر دولت

از مقرریها و ترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶

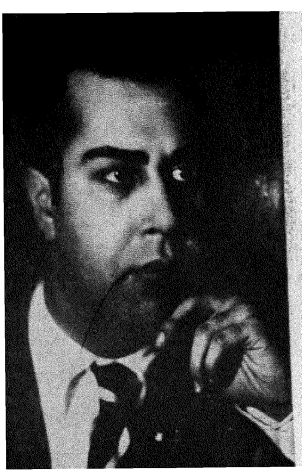

ع ص عبد الحمید خان عزیز معین
وزارت امور خارجه



ع ، ش محمد احسان خان قوماندان
ضیاره



ع ، ش عبدالاحد خان حاکم کیلان
وقوماندان عسکری عربی

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶



ع ، ش محمدقاسم خان قوماندان
عسکری هرات



ع ، ش فیض محمد خان قوماندان
فرقهٔ دوم قول‌اردوی حوزی



ع ، ش عبدالقیوم خان قوماندان
عسکری قطغن و بدخشان

ازمقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶

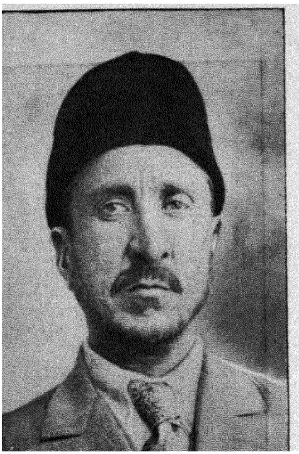

ع ، ص عبدالرحیم خان مشاور
صدارت عظمی



ع ، ص یار محمد خان مشاور
صدارت عظمی

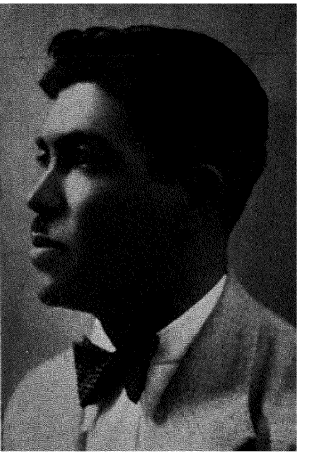

ع ، ع ، ص محمد کریم خان حاکم
اعلای فراه و حجاسور

از مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶



ع ، ص عبدالاحمد خان **معین دوم**
وزارت معارف



ع ، ص دکتور عبدالله خان معین
ریاست مستقلهٔ معاش

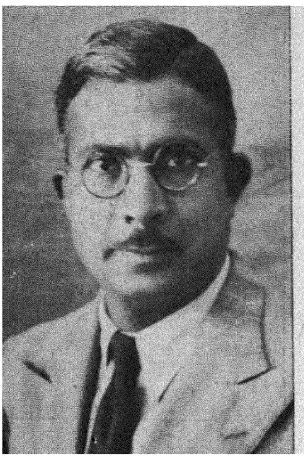

ع ، ص نورمحمد خان معین ریاست
مستقلهٔ زراعت

از انتخابات دورهٔ سوم شورای ملی



ع ، ص سید محمد یونس خان معین اول

ع ، عداللطیف خان منشی

ع ، ص سید محمد خان معین دوم

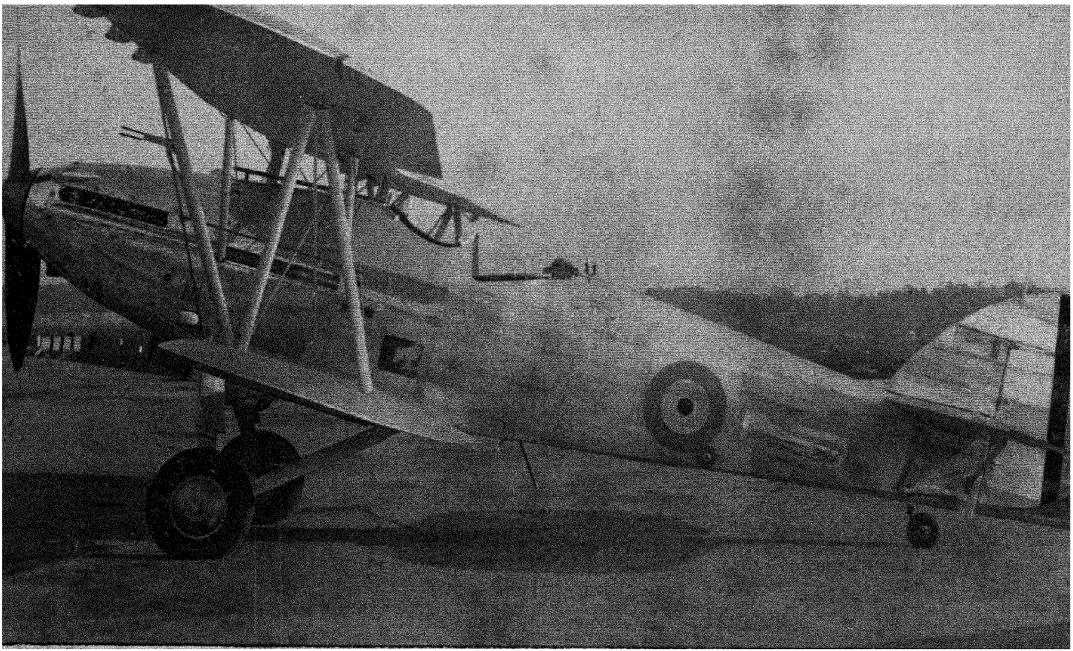

از کارروائی سال ۱۳۱۶، وزارت حربیه، نمونهٔ طیارات کشف رقم ها کر هند» انگلیسی که جدیداً خریداری شده

Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministére afghan de la guerre

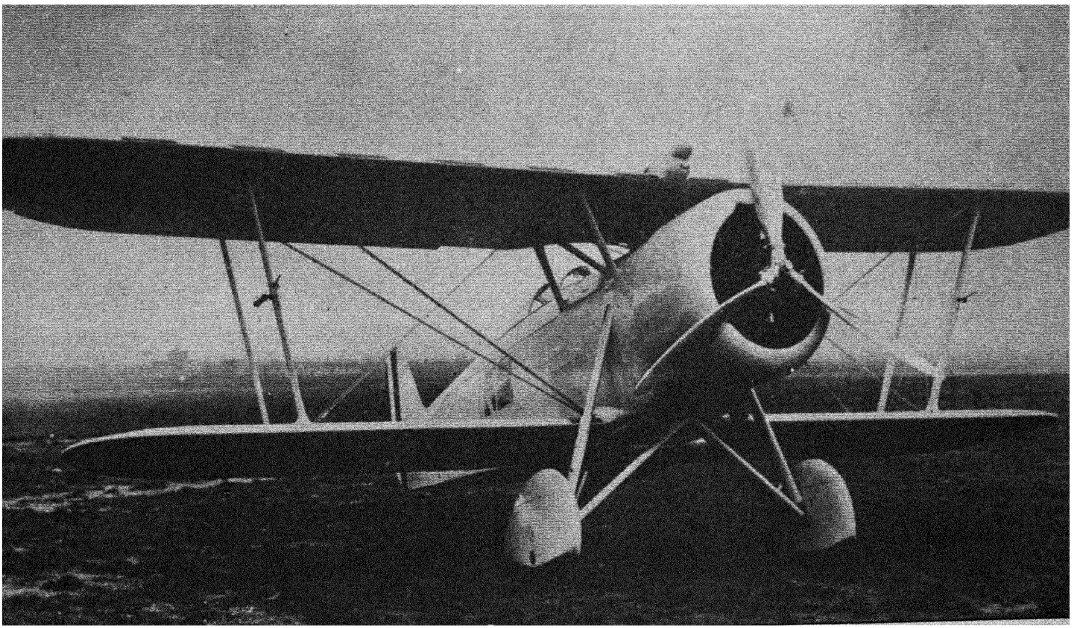

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونهٔ طیارات کشف «رقم رمبو۳۷» ایطالوی که جدیداً خریداری شده

Type des nouveaux avions de reconnaissance achetés par le ministére afghan de la guerre



ارکار روائی های سا ل۱۳۱۶ وزارت حربیه : نمونهٔ طیارات تعلیمی رقم « بردا ۲۵ » ایطالوی کهجدیداً خریداری شده

Type des nouveaux avions d'enseignement achetés par le ministére afghan de la guerre

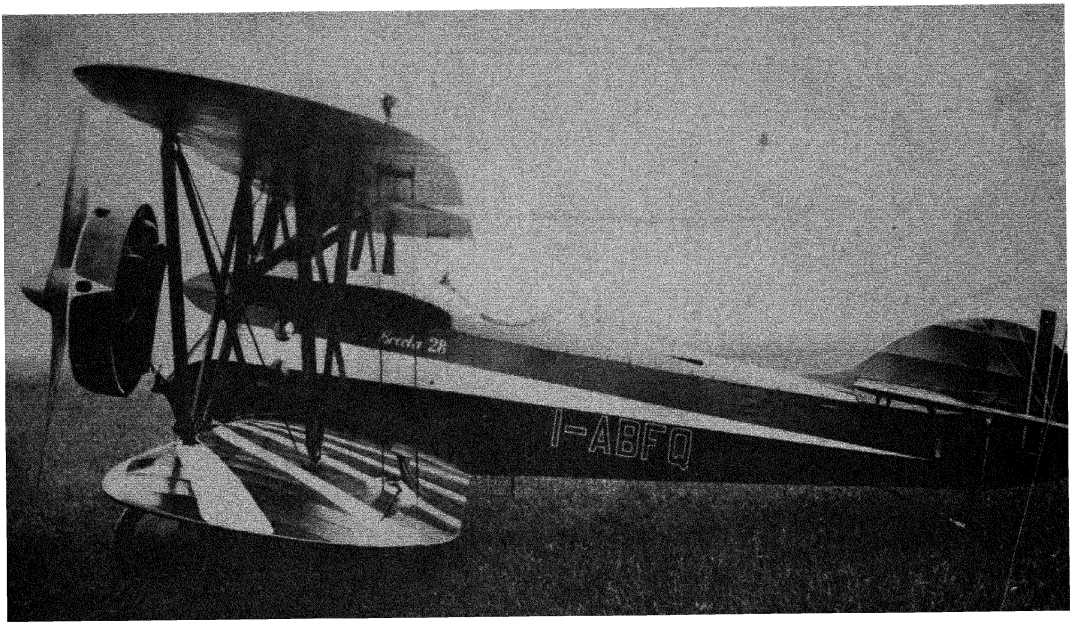

ـ کارروائی های سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه نمونهٔ طیارات اکروباسی (شطارت های معلق زدن و غیره) رقم بردا
ایطالوی که خرید حریداری شده

Type des nouveaux avions d'acrobatie achetes par le ministére afghan de la guerre

وسعت یافته زوداست که افغانستان عزیزدارای یك عکسرمکمل عصری گردد

اینك خلاصهٔ اجرا آت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت حربیه را ذیلاً به تفریق ریاست های آن از نظر خوانندگان میگذرانیم:

ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه :

۱ ـ توزیع ساحه وانکشاف وپیشرفت امور تعلیمی قطعات اردوی شاهی افغانستان اقدامات مکملی بعمل آمده.

۲ ـ تعلیمات مکتب حربیه بعد ازانکه یك عده ضابطان مقتدر ترکیه برای معلمی مکتب حربیه استخدام شده‌اند پیشرفت خوبی نموده مانند مکاتب حربیهٔ دول متمدن قدمهای سریعانه درتکامل تعلیمات شان گذاشته شده.

۳ ـ در توسیع مکاتب احضاریه و رشدیهٔ عسکریه و تزئید طلاب آنکه اساس تکامل و انکشاف اردوی همایونی ازین سرچشمهٔ علم وعرفان شروع میشود اقدامات مکفی بعمل آمده.

٤ ـ جریان کنفرانسهای فنون حربیه که باعث تنویر و تجدید و افکار ضابطان اردو می شود و توزیع اوراق مطبوعهٔ آن بقطعات مرکز و ولایات.

٥ ـ تشکیل یك مفرزه مرکب از صنوف مختلفه زیر اثر قوماندانی مکتب حربیه.

٦ ـ اعزام یك عده ضابطان هوا بازی در کراچی جهت استاژ و باز گشت موفقانهٔ شان.

۷ ـ اعزام یك عده ضابطان برای اخذ تعلیمات تخنیکی درجرمنی.

۸ ـ ورود یك عده از ضابطان فارغ التحصیل صنوف مختلفه از ترکیه بکابل وتعین شان در اردو.

۹ ـ تاسیس وافتتاح کورس لوازم برای توسیع معلومات ضابطان لوازم.
۱۰ ـ « « « نقلیه « « « «
۱۱ ـ تاسیس کورس ضابطان در داخل قطعات .
۱۲ ـ اکمال تحصیل ضابطان مداومین کورس عالی و توزیع شهادتنامه ها به فارغ التحصیلان مذکور .
۱۳ تشکیل کورسهای زبان پښتو به تمام موظفین وزارت حربیه واهتمام زیاد در تعمیم آن .
۱٤ ـ استخدام بعض معلمین المانی برای کورس عالی .
۱۵ ـ استخدام یکعده مستخدمین انگلیسی وایطالوی برای امورهوابازی .
۱۶ ـ اصلاحات در بعضی نقاط لازمه تشکیل اردو .
۱۷ ـ اجرای تفتیش بعضی قطعات اردو .
۱۸ ـ سوقیات یکعده عساکر برای اطفای نایرهٔ شقاوت یك جمعیت اشرار بعضی طائفه های کتوازی ودر نتیجهٔ فتح ایشان و سرکوبی شقاوت پیشه گان (در ماه سرطان)
۱۹ ـ اعادهٔ امور کمیساریهای سرحدی بریاست ارکان حربیهٔ عمومیه که درین خصوص اجرا آت لازمه شده .
۲۰ ـ در راه توسیع معارف عسکری آثار مفیدهٔ که از قلم برآمده وقسمامطبوع ونشر گردیده وبرخی زیرطبع بوده قرار آتیست.
۱ ـ تعلیمنامهٔ سواری بصورت مطبوع دراردو نشر شده است
۲ ـ « کریچ و نیزه « « « « «
۳ ـ « قسم اول پیاده « « « « «
٤ ـ « « دوم « « « « «
۵ ـ جلددوم جزو سوم حصهٔ ۲ « « « « «

٦ ـ کتاب معنویات اردو بصورت مطبوع درمعرض اشاعه گذاشته شده
٧ ـ تعریفنامهٔ ماشیندار « « « « «
٨ ـ نظریات موزیك « « « « «
٩ ـ از دائرهٔ خریطه یك تعداد خریطه ها طبع و برای استفاده بمقامات لازمه توزیع شده .

ریاست اردو :

١ ـ تکمیل نفری فرقه‌های مرکز و اطراف بقرار نفوس ومعاینهٔ صحی شان .
٢ ـ مرخصی اشخاصیکه مدت خدمت شان بسر رسیده بود .
٣ ـ اعزام نفری انشا آت برای بعضی کارهای دولتی .
٤ ـ خریداری و بکارانداختن یك‌عده موترهای جدید برای نقلیات اردو
٥ ـ تاسیس یك مکتب میخانیکی و تهیهٔ طلبهٔ آن .
٦ ـ عمرانات سال ١٣١٦ شعبهٔ تعمیرات قرار ذیل است :
الف : ملحقات مکتب احضاریه واقع مهتاب قلعه ازقبیل درسخانه‌ها اطاق های نانخوری ومطبخ وتحویلخانه ها وغیره .
ب : تلگراف خانهٔ جدید قوماندانی طیاره .
ج : یك سلسله اطاقها برای طیارات .
د : تحویلخانهٔ بزرگ جو درشیر پور .
ه : یك‌سلسله تعمیرات مهم ووسیع ازطرف قوماندانی ها ی فرقه های مرکز واطراف درین سال بعمل آمده است .

ریاست حربیه :

الف : مدیریت عمومی اسلحه :
١ ـ تو حید و تکمیل ا سلحهٔ ناریه و جار حه قطعات مرکز و اطراف به سلاح سیستم جدید .

۲ ـ خریداری یك تعداد کافی طوپ های سیستم جدید .
۳ ـ « تفنگ های جدید « «
٤ ـ « ماشیندارهای جدید « «
٥ ـ ترمیم طوپ ها و تفنگ ها و ماشیندار های قطعات مرکز و اطراف در فابریکهٔ حربی ومگزین ارگ .
٦ ـ خریداری اسباب وسامان طوپ های سریع الاتش ازخارج .
۷ ـ دستیاب نمودن یك تعداد اسلحه جات که در وقت انقلاب درنزد اهالی مانده بود .
۸ ـ خریداری یك تعداد طیاره های جدید از خارج .

ب : مدیریت جباخانه :

۱ ـ توحید وتکمیل جبه خانهٔ حربی ومانوره یی درعمود قطعات .
۲ ـ خریداری یك تعداد جبا خانه طوپی ازخارج .
۳ ـ « « « « تفنگی « «
٤ ـ « « « « ماشیندار « «
٥ ـ « « بمهای طیاره وغیره لوازم آن از خارج .
٦ ـ تهیه واعمال بعضی ازانواع جبه خانه مانند بمهای دستی ومرمی های طوپچی وجباخانهٔ تعلیمی ومانوره و بعضی مواد ناریه توسط فابریکه های حربی .
۷ ـ تحصیل ودستیاب نمودن یك تعداد جبه خانهٔ تفنگی که در زمان انقلاب نزد اهالی مانده بود .
۸ ـ تهیه وتادیهٔ بارود وغیره برای انشاء آت اطراف وغیره داخلهٔ مملکت که از بعضی مقامات خواسته شده .
۹ ـ تطهیروترتیب جبه خانهٔ باز گشتی که خواه ازقطعات و خواه بدیگر وسایل بصورت پراگنده به جباخانه ها رسیده است .

ج : مدیریت فنیه :

۱ ـ اقدامات لازمه برای تهیه وتکمیل وتوحید ادوات استحکامیهٔ اردو بصورت فنی .

۲ـ اقدامات برای تهیهٔ آلات وادوات مخابره و مواصلهٔ اردو .

۳ـ تهیه ماشین‌های آب رسانی برای بعضی مناطق اردو که از آب دور افتاده اند .

٤ـ تکمیل کار آمد دوربین‌ها ومیروسکوبهای عسکری قراربست .

٥ـ تشبث درخصوص تهیهٔ آلات تخریبیهٔ صنف استحکام ومواد ناریه آن.

ریاست لوازمات :

۱ـ بودجه مصارفاتی وزارت حربیه نظر به سال گذشته ازباعث تشکیل عموم فرقه ها بصورت عصری فی صد چهل تزئید یافته .

۲ـ موترهای نقلیه که به کمپنی شورلیت وفورد دا سکودا توسط بانك ملی فرمایش داده شده بود قسما رسیده وقسما عنقریب میرسد.

۳ـ دریشی‌های عسکری نظر به کسب تکمیل و مطابق افراد ترخیص شده به تحویلخانهٔ احتیاط ذخیره شده .

٤ـ بودجه وتعدادطلاب حربیه نظر به سال گذشته ۱ بر۳ تزئید یافته .

٥ ـ نواقص البسه وتجهیزات اردو بصورت عصری اصلاح یافته

هیئت تدقیق ومعاینه :

۱ـ اعطای هدایت ونگرانی درخصوص ترمیم اسلحه درفابریکهٔ حربیه.

۲ ـ بعضی اصلاحات در اعمال خول وگله ها وسرگلوله های طوپچی که درفابریکهٔ حربیه اعمال می شود ونگرانی تمام اعمالات فابریکهٔ آلات حربیه .

۳ـ معاینهٔ اعمالات فابریکهٔ بوت دوزی وچرمگری .
٤ـ معاینهٔ بعضی اعمالات فابریکهٔ مواد ناریه .
٥ ـ تدقیق ومعاینهٔ جبه‌خانه و دیگر لوازم حربیه که از خارج خریداری شده است .

مقرری و ترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱٦ وزارت حربیه :

ع ، ش ، عبدالاحد خان فرقه‌مشر اول ازفرقهٔ هرات تبدیلاً بفرقه‌غزنی .
« « عبدالقیوم خان فرقه‌مشر ثانی ازفرقهٔ غزنی تبدیلاً بفرقهٔ قطغن و بدخشان .
« « محمد قاسم خان فرقه مشر ثانی ازفرقهٔ قطغن به فرقه هرات .
« « پیرمحمدخان فرقه مشر ثانی ازقول اردوی جنوبی دربست احتیاطی
« « فیض محمد خان فرقه مشر ثانی یاورحضورهمایونی بفرقه دوم اردوی قول اردوی جنوبی .
« « محمداحسان خان قوماندان طیاره ترفیعاً برتبهٔ فرقه مشری ثانی .

امور خارجه

ازآنجا که حکومت صلح دوست ما طرف دار آرامش وامنیت عمومی میباشد از ابتدا تا امروز خاصتاً بعد از شمول بجامعهٔ اقوام درپیشبرد سیاست خارجهٔ خویش همواره مطابق مقررات بین المللی حرکت نموده حقوق دیگران را محترم شمرده است وچنانچه بهمه کس معلوم است درتعاون عمومی با جامعهٔ ملل ودیگر مسر سسات بین المللی همیشه ابراز همدستی وهم آهنگی نموده ومینماید وهمچنین باسایرممالك بالخاصه دول متحابه رفتار دوستانه ومساویانه بعمل می آورده اینك خلاصهٔ اجرا آت واقدامات سال ۱۳۱٦ وزارت امورخارجه راذیلاً درج میکنیم ؛

الف ـ امور بین المللی :

درسال ۱۳۱۶ (۱۹۳۷ و ۱۹۳۸) علاوه براینکه مانندسالهای گذشته در سائر امور عرفانی ، اجتماعی ، صحی ، معدنی وغیره جامعهٔ اقوام ، دائرهٔ بین المللی کار و دیگر کمیسیو نهای بین المللی همفکروهمقدم بوده وصایای روزمرهٔ جامعه ودائرهٔ بین المللی کار را درموارد متذکره بصحنهٔ عمل گذاشته است درا کثر مجامع وجلسات و کنفرانسهای علمی (صحی ، تکنیکی ، عرفانی وغیره) بین المللی که دربعضی نقاط دور ونزدیك بعمل آمده است نیز سهیم گردیده ونمایندگان خویش رادرمواقع لازمه فرستاده است ، خطوط عدهٔ اجرا آتی که درظرف سال ۱۳۱۶ نسبت بامور بین المللی بعمل آمده باست ذیلاً بطور اختصار نگاشته میشود :

۱ ـ درسال ۱۳۱۶ حکومت افغانستان بکنوانسیون (معاهده) بین المللی که بتاریخ ۱۲ ستامبر ۱۹۲۳ بمقصد انسداد نشریات فحش منعقد شده بود النحاق نموده است چنانچه حسب معمول وثیقهٔ الحاق افغانستان بکنوانسیون مذکور نیز بتاریخ ۲۰ ثور ۱۳۱۶ (۱۰ می ۱۹۳۷) بدارا لانشای جامعهٔ ملل ثبت گردیده است .

۲ ـ بتاریخ ۲۸ ثور ۱۳۱۶ (۱۸ می ۱۹۳۷) بوزیر مختار اعلیحضرت در لندن هدایت داده شد تا به « پروسه وربا » (صورت رویداد مجلس که بتاریخ ۱۴ عقرب ۱۳۱۵ (نومبر ۱۹۳۶) راجع به (قواعد عملیات جهاز های تحت البحری نسبت بکشتی های تجارتی) درکنفرانس لندن قبول شده بود ازطرف حکومت افغانستان امضاء باظهارموافقت کند.

۳ ـ نمایندهٔ دائمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل برحسب هدایت مرکز در (اسامبله) بحیث فوق العادهٔ که راجع بشمولیت مصردر جامعهٔ اقوام

بتاریخ ۵ جوزای ۱۳۱۶ (۶ می ۱۹۳۷) درجینوا انعقاد یافته بود شامل گردیده وازطرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

٤ـ درکنفرانس بیست وسوم بین المللی کار که بتاریخ ۱۳ جوزا الی ۲ سرطان ۱۳۱٦ (۳ الی ـ ۲۳ جون ۱۹۳۷) درجینوا بمرکز ادارهٔ بین المللی کار بعمل آمدازطرف حکومت متبوع ما نمایندهٔ دایمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل وکاتب نمایندگی موصوفه بکنفرانس مذکور شمولیت ورزیده اند .

۵ـ بتاریخ ۷ـ الی ۱۲ سرطان ۱۳۱٦ (۲۸ جون الی ۳ جولائی ۱۹۳۷) یك کنفرانس بین المللی مهندسی درپاریس بعمل آمده و بحسب امر مرکز سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت در پاریس بصفت نمایندهٔ (او بسرواتور) « مشاهد » بکنفرانس مذکور معرفی وشامل گردیده است .

٦ـ درکنفرانس بین المللی علم اوزان ومقیاسات که بتاریخ ۱۲ و۱۳ سرطان ۱۳۱٦ (۳ الی ٤ جولائی ۱۹۳۷) در پاریس انعقاد گردیده بودازطرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بصفت نماینده (او بسر واتور) معرفی گردیده ونماینده گی کرده است .

۷ـ پنجمین کنگرهٔ بین المللی صحی پاریس بتاریخ ۱۵ الی ۲۰ سرطان ۱۳۱٦ (٦ الی ۱۱ جولائی ۱۹۳۷) درپاریس انعقاد گردیده ومطابق امر مرکز یکنفر طالب العلم شعبهٔ طب افغانی مقیم خارج به کنگرهٔ مذکور شامل گردیده از طرف حکومت خویش دران کنگره نماینده گی کرده است .

۸ ـ درنمایش بین المللی روز های صحی عمومی پاریس بتاریخ



افغانستان در مجامع بین‌المللی نمایندگان ممالک در کنگرهٔ اسناد عمومی بین‌المللی که نمایندهٔ افغانی نیز در وسط صف دوم قرار گرفته است

Le congrés international de documentation a Genêve . le delegué afghan au milieu du 2ê. rang



افغانستان درمجامع بین المللی : بیست وسومین کنفرانس بین‌المللی کار که ع ، ج محمدحیدر خان نمایندهٔ دائمی افغانستان درجامعهٔملل وص عبدالقیوم خان کاتب نمایندگی موصوف نیز دران شامل اند.

23ê. Conférance du B. I. T. : Le délégué afghan est marqué par un croix



نمایندگان ممالک در پنجمین کنفرانس بین‌المللی عرفانی : - ع ، ح محمد حیدرخان نمایندهٔ دائمی افغانستان
در جامعهٔ ملل وض عبد القیوم خان منشی نمایندگی افغانی در ان شامل میباشد
La 5ê. conférance internationale de cooperation intellectuelle à Genéve
le dèlégué afghan est marqué par un croix.

۹ سرطان ۱۳۱۶ (۱۰ جولائی ۱۹۳۷) نیزدونفر ازطلبهٔ شعبهٔ طب افغانی مقیم خارج بصفت نماینده گان افغانی فرستاده شده و ازطرف حکومت متبوع خویش تمثیل کرده اند .

۹ - به پنجمین کنگرهٔ بین المللی عرفانی که درجینوا بتاریخ ۲۸ سرطان ۱۳۱۶ (۱۹ جولائی ۱۹۳۷) انعقاد یافته بود ازطرف حکومت متبوع ما نمایندهٔ دائمی افغانستان مقیم جامعهٔ ملل : نماینده معرفی گردیده ودرموقعش راپورت عرفانی مرتبهٔ وزارت جلیلهٔ معارف را قرائت وتمثیل کرده است .

۱۰ - هکذا بتاریخ فوق الذکر دومین کنگرهٔ بین المللی حفظ الصحهٔ دماغی نیزدرپاریس بعمل آمده وحسب هدایت مرکز یکنفراز طلبهٔ شعبهٔ طبابت افغانی مقیم خارج بآن شامل شده ازطرف حکومت متبوعهٔ خود نمایندگی کرده است .

۱۱ - کنگرهٔ بین المللی علم حقوق ازتاریخ ۲۸ سرطان الی اول اسد ۱۳۱۶ (۱۹ الی ۲۴ جولائی ۱۹۳۷) درپاریس منعقد گردیده وازطرف حکومت افغانستان نمایندهٔ دائمی افغانی مقیم جامعهٔ ملل در کنگرهٔ مذکور نمایندگی کرده است .

۱۲ - کنگرهٔ بین المللی علم طبقات الارض که دربرج اسد ۱۳۱۶ (جولائی ۱۹۳۷) درماسکو بعمل آمده بود ازطرف حکومت افغانستان آقای نجیب الله خان (درآنوقت معاون شعبهٔ کانفرانسهای وزارت امور خارجه) بصفت نماینده معرفی گردیده دردوران کنگره شامل ونماینده گی کرده است .

۱۳ - بتاریخ دهم اسد ۱۳۱۶ (۲ اگست ۱۹۳۷) کنفرانس بین الحکوماتی عرفانی ازطرف حکومت جاپان درتوکیو انعقادیافته وحسب هدایت مرکز سرکاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم توکیو بکنفرانس

مذکور شامل گردیده ازطرف حکومت افغانستان نمایندگی کرده است .

۱۴ ـ کنگرهٔ سندات عمومی بین المللی بتاریخ ۲۴ اسد ۱۳۱۶ (۱۶ اگست ۱۹۳۷) درپاریس منعقدشده وازطرف حکومت افغانستان کاتب وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بکنگرهٔ مذکوره بصفت نمایندهٔ (اوبسرواتور) معرفی وشامل گردیده است .

۱۵ ـ بتاریخ پنجم سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) کنگرهٔ علم تاریخ درسوریك (سویس) بعمل آمده ونمایندهٔ دائمی افغانستان درجامعهٔ ملل ، بامر مرکز درکنگرهٔ متذکره شمولیت ورزیده از طرف حکومت خویش تمثیل کرده است .

۱۶ ـ بتاریخ ۵ سنبله ۱۳۱۶ (۲۸ اگست ۱۹۳۷) الحاق حکومت افغانستان بکنوانسیون عمومی پستی وپارسلات پستی قاهره (منعقدهٔ موخهٔ ۲۰ مارچ ۱۹۳۴ بوسیلهٔ وزارت مختاری اعلیحضرت مقیم پاریس بوزارت امورخارجهٔ حکومت سویس ابلاغ گردیده چنانچه وثیقهٔ الحاق حکومت متبوع مابدفتروزارت امورخارجهٔ سویس قیدوبسائر ممالك عضوکنوانسیون فوق الذکر متحدالمالاً مخابره شده است .

۱۷ ـ هزد همین اسامبلهٔ عادی سالانهٔ جامعهٔ اقوام حسب معمول سنوات گذشته بماه ستامبر ۱۹۳۷ (سنبله ۱۳۱۶) در مرکز جامعهٔ ملل (جینوا) انعقادگردیده وازحضور اشرف ملوکانهٔ ع ، ج ، علی محمدخان وزیرمختار اعلیحضرت مقیم لندن بحیث نمایندهٔ اول ورئیس هیئت افغانی وع ، ج ، محمدحیدرخان نمایندهٔ دائمی اعلیحضرت مقیم جامعهٔ ملل بحیث نمایندهٔ دوم تعین گردیده بااعتماد نامهای رسمی دراسامبلهٔ عادی مذکوره حضور بهم رسانیده ازطرف حکومت متبوع خویش تمثیل نمودند .

وعلاوهٔ چون امسال ع ، ج فیض محمدخان وزیرامور خارجهٔ افغانستان

برای شمولیت باسامبله عادی جامعهٔ اقوام بجنوا رفته نتوانست درکنفرانس های دول چارگانه (افغانستان ، ایران ، ترکیه ، عراق) کهوقتاً درجنوا بعمل می آید وزیرمختار اعلیحضرت مقیم لندن یو کالت وزیر امورخارجهٔ افغانستان شامل گردیده ازطرف حکومت خویش نمایندگی کرده است .

۱۸ ـ اخیراً ازمرکز به نمایندهٔ دائمی افغانستان درجامعهٔملل هدایت صادرشده است تاپروژهٔ اعلامیهٔ راجع به تدریس علم تاریخ (تجدیدنظر درمتن های کتب مدرسی) کهقبلاً حسب تعمیم مورخهٔ ۱۰ اکتوبر ۱۹۳۶ اسامبلهٔ جامعهٔملل پروژهٔ متذکره ترتیب گردیده وپس ازحصول موافقات ممالک اسامبلهٔ جامعه ملل آنرا بتاریخ ۹ میزان ۱۳۱۶ (۱۲ اکتوبر ۱۹۳۷) تصویب وبرای امضای نمایندگان ممالک مفتوح قرارداده بود ازطرف حکومت متبوع خویش امضا نماید .

۱۹ ـ درکنفرانسیکه ازنهم الی بیست وچهارم عقرب ۱۳۱۶ (اول الی ۱۶ نوامبر ۱۹۳۷) جهت مطالعه وتصویب دونسخه پروژهٔ کنوانسیون منعقده راجع بجلوگیری ازتروریسم « هنگامه جوئی بین المللی » درجنوا انعقاد گردیده بود قبلاً نمایندهٔدائمی افغانستان متعین جامعهٔ اقوام از طرف حکومت متبوع مابدار الانشای جامعهٔ ملل نماینده معرفی شده ودرجریان کنفرانس مذکورشامل گردیده تمثیل کرده است همچنین دوپروژه کنوانسیون متذکره نیز فعلادرتحت غورمیباشد .

۲۰ ـ منشی عمومی جامعهٔ اقوام برطبق تصمیم اسامبلهٔ سال ۱۹۳۵ جامعهٔملل قوانین راجع بحقوق (اساسنامه های) نسوان را برای غور وتدقیق ازممالک عضو جامعه مطالبه نموده بود حکومت افغانستان نیز حقوق نسوان را ازروی قوانین شرعی استنباط نموده وبه ماه جدی ۱۳۱۶ (دسمبر ۱۹۳۷) بوسیلهٔ نمایندگی دائمی خویش بجامعه فرستاده است .

نمایندگان افغانی که بکنفرانسها وکنگرهای بین المللی فوق الذکر شمولیت ورزیده اند اکثر بعداز انحلال کنفرانسها و کنگره های متذکره راپورتهای مفصلی مبنی برمرام و صورت جریانات مجالس مذکوره بمرکز فرستاده اند وازطرف شعبهٔ مجلس اقوام وکنفرانسهای وزارت امور خارجه راپورت های مزبور(آنچه واصل شده است) برای استفادهٔ دوائر ذیصلاحیت مربوط آن توزیع وتقدیم شده است .

مزید براین مسئلهٔ الحاق بکنوانسیون منعقدهٔ لاهی (سال ۱۹۳۰) راجع بتابعیت باپرو توکولهای منضمهٔ آن و کنوانسیون منعقدهٔ کنفرانس تاریخی ۲۳ حون ۱۹۳۶ کمیتهٔ مشاورهٔ تریاك راجع بجلوگیری ازتجارت نامشروع ادویهٔ مخدره و همکذا بعضی توصیه جات و کنوانسیونهای منعقدهٔ کنفرانسهای سالانهٔ دائرهٔ بین المللی کبار نیز در تحت غور دوائر ذیصلاحیت حکومت میباشد .

ب ــ معاهدات جدیده :

۱ ــ پیمان سعدآباد بین دول چهارگانه افغانستان ، ایران ، عراق ، ترکیه بتاریخ ۱۷ سرطان ۱۳۱۶ مطابق ۸ جولائی ۱۹۳۷ درقصر سعدآبادطهران بین وزرای خارجیهٔ دول مذکوره امضاء گردید بعداً درین اواخر مطابق مقررات قانون اساسی ازتصویب مجلسین عالی شورا واعیان گذشته به صحهٔ مبارك اعلیحضرت همایونی موشح گردیده وبتلگرامهای تبریکیه بوزرای خارجه دول مذکور رمااطلاع داده شد.

۲ــ قرار داد نفت دربین افغانستان وا نلند اکسپلور یشن کمپنی امریکائی که بتاریخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ دربرلین توسط ع،ج، فیض محمدخان وزیر امور خارجه امضا گردید، بود مصدقه های قرارداد وپر توکل طرفین بتاریخ ۲۸ جدی ۱۳۱۶ در کابل بین ع،ص، عبدالحمید خان

معین وزارت خارجه و آقای (ویویان) عضو کمپنی مذکور تعاطی شده مراتب آن طی گردید .

۳ـ مصدقه های معاهدهٔ مودت بین افغانستان ودولت لائبریه بتاریخ ۱۸عقرب ۱۳۱٦ درپاریس بین والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس و نمایندهٔ دولت لائبریه تعاطی شد .

٤ ـ معاهدهٔ مودت که در بین افغانستان و دول متحدهٔ جمهوریهٔ برازیل درسال ۱۳۱۱ درانقره بین ع،ج ، سلطان احمدخان سفیرکبیر اعلیحضرت درآنجا وسفیر برازیل در انقره امضاء گردیده بود مصدقه های آن بتاریخ ۲ جدی ۱۳۱٦ درپاریس دربین نمایندهٔ مذکور و والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیرمختار اعلیحضرت درپاریس تبادله گردید .

٥ ـ معاهدهٔ مودت بین افغانستان ودولت چکسلواکیه بتاریخ ۲۰ میزان ۱۳۱٦ درپاریس بین والاحضرت افخم سردار شاه ولیخان وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس وسفیرچکوسلواکیه درپاریس امضاء گردید .

٦ ـ موافقهٔ قرارداد کمیسرهای سرحدی افغانستان وایران ، الی اخیر ۱۳۱٦ تمدید شد .

۷ـ پروتوکل تجارتی بین افغانستان وچکسلواکیه دربرلین بتاریخ ۲۱ اکتوبر ۱۹۳۷ بین ع ،ص، عبدالمجید خان رئیس بانك ملی و سفیر دولت چکوسلواکیه امضاء گردید .

۸ـ معاهدهٔ مودت وتشریك مساعی منعقدهٔ ۲۵ می ۱۹۲۸ بین افغانستان ودولت جمهوریهٔ ترکیه ، برای ده سال دیگر تمدید وپروتوکل تمدیدیهٔ آن بتاریخ ۱۰ جدی ۱۳۱٦ درانقره بین ع،ج،سلطان احمدخان سفیر کبیر اعلیحضرت درترکیه وغ،ج، توفیق رشدی آراس وزیر امور خارجهٔ جمهوریهٔ ترکیه امضاء ومراتب قانونی خودرا طی نمود .

۹ ـ قرار داد های پستی وتلگرافی ورادیو تلگرافی بین افغانستان وشوروی وافغانستان وایران وقرار داد معادن باالمان هنوز درتحت اجراءآت است .

ج ـ اجراءآت مزیده :

۱ ـ کورس حقوق عمومیه دول که درحریان سال ۱۳۱۵ دوام داشته ودرثور ۱۳۱۶ امتحان شاملین آن گرفته شد ۴۳ نفر کامیاب برآمدند .

۲ ـ درسال جاری کورس حقوق خصوصیهٔ دول ودورهٔ شش ماه اول آن (حقوق تابعیت) تمام شده درامتحان ۳۹ نفر کامیاب گردیدند .

تبصره : علاوتاً بعدازاختتام شش ماه اول کورس حقوق خصوصیه دول سه کورس دیگر مربوط بعلوم سیاسی دائر شده که ازین قرار کورسهای سیاسی وحقوق قرار ذیل است .

۱ ـ حقوق خصوصیه دول (حقوق تابعیت، شرایط خارجی ها واختلاف قوانین)

۲ ـ معلومات سیاسیه ۳ ـ تاریخ سیاسی ٤ ـ تمام شعب جغرافیا .

مقرریها وترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت امورخارجه :

ع ، ص عبدالحمید خان «عزیز» سابق مدیر عمومی تشریفات ترفیعا به معینی وزارت امور خارجه .

ع ، نجیب الله خان سابق معاون شعبهٔ کانفرانسها ترفیعا بمدیریت عمومی سیاسی .

ع ، محمد اکرم خان سابق مدیر شعبهٔ شفر ترفیعا بمدیریت عمومی تشریفات .

ع ، عبدالرؤف خان سابق مدیر شعبهٔ مطبوعات ترفیعا بمدیریت عمومی اداری

ص ، عبد الوهاب خان سابق سر کاتب سفارت کبرای افغانی درانقره ترفیعا بمدیریت شعبهٔ شرق .
ص ، محمد سلیمانخان معاون شعبهٔ شفر ترفیعا بمدیریت شعبهٔ مذکور .

امور داخله

امور امنیت عمومیهٔ مملکت وانضباط اداری که ازوظائف اساسیهٔ وزارت داخله بشمار میرود و درین سال بیش از پیش اطمینان بخش بوده ، و از اثر مجهودات نائب الحکومه ها و حکام محلی امنیت درسر تاسر مملکت حکمفرما وعلاوتا چنان ترتیبات درستی برای تحکیم مبانی رفاه عامه گرفته شده که از هرجهت امور مملکتی و انتظامات اداری بصورت صحیح جریان نموده ودرعین حال ملت به رفاهیت تامه بسر برده است ، خلاصهٔ اجرا آت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت داخله قرارذیل است :-

شعبهٔ پولیس :

۱ :- سفارش واخذ تدابیر جهة تحکیم وقیام امنیت عمومیه مملکت چنانچه از ملاحظه احصائیهٔ واقعات جرائم درین سال واضحا معلوم میگردد که در سر تا سر مملکت امنیت کلی بوده (و یگانه واقعهٔ قابل ذکر عبارت از تجاوز یك عده اشرار برتهانهٔ جانی خیل کتواز بوده که در ماه سرطان رخ داده و بفضل خداوندی واقدامات موثر و بموقع حکومت اشرار مذکور سر کوبی فوری یافته واقعه مذکور خاتمه پذیرفت) .

۲ :- در تعلیمگاه پولیس که در مرکز برای تحصیل تعلیمات عصری درسال ۱۳۱۵ تاسیس و تشکیل شده یك عده متعلمین ازصنف ضابطان وخورد ضابطان وصلاح اندازان ازتمام قوماندانیهای کوتوالی

ولایات وحکومات اعلی شامل آن شده بودند درین سال نصاب تعلیمیه خود را تکمیل و دورهٔ تعلیمگاه را طی کرده شهادت نامه حاصل و بمناصب و رتبه ها نائل گردیدند .

۳ : ـ برای تنظیم دوره ثانی تعلیم گاه پولیس درین سال ترتیبات درستی زیر نظر بوده چنانچه برای انتظام و توسعهٔ وسیع تر امور تعلیماتی و تدریسی آن یکنفر معلم المانی آقای (ماثر بایر) مستخدم گردیده است از حالا برای انتظام و تدویر امور تعلیمگاه و تدوین نصاب دروس آن داخل اقدامات است .

٤ : ـ تشکیل یك مدیریت بنام مدیریت ترافیك درقوماندانی کوتوالی مرکز برای انتظامات جاده ها و امور وسایل نقلیه که تشکیل فعلیه مدیریت مذکور عبارت است ازیکنفر مدیر بدرجه کندکشر که در بین حال سرمفتش نیزمی باشد ویکنفر معاون برتبهٔ تولیمشر بحیث مفتش ویکنفر سرکاتب ویکنفر کاتب اول و یکنفر کاتب ۲ و یکنفر تحویلدار منظور گردیده ایفای وظائف معابر و وسائط نقلیه را بصورت عصری زیر نظر و مطابق اصولنامه مخصوصهٔ آن بدست اجرا گرفته اند .

٥ : ـ تشکیل یك بلوك سوار و یك بلوك پلیس پیاده بایسکل سوار و اسپ سوار تفنگچه دار جهة نوکری والای حضور شاهانه .

٦ : ـ تشکیل چهار پهره پلیس ومحافظ برای پهرهٔ مواضع لازمه در شهر کابل .

۷ : ـ استخدام یك تعداد نفری با سواد برتبهٔ دلگی مشری و یك تعداد نفری سائر برای تولی اطفائیه قوماندانی کوتوالی مرکز .

۸ : ـ تزئید قوه ضابطه و صنف کوتوالی حکومتی کلان غزنی .

۹ : ـ تشکیل قوه ضابطه برای دوحکومتی جدیدالتشکیل پنجوائی

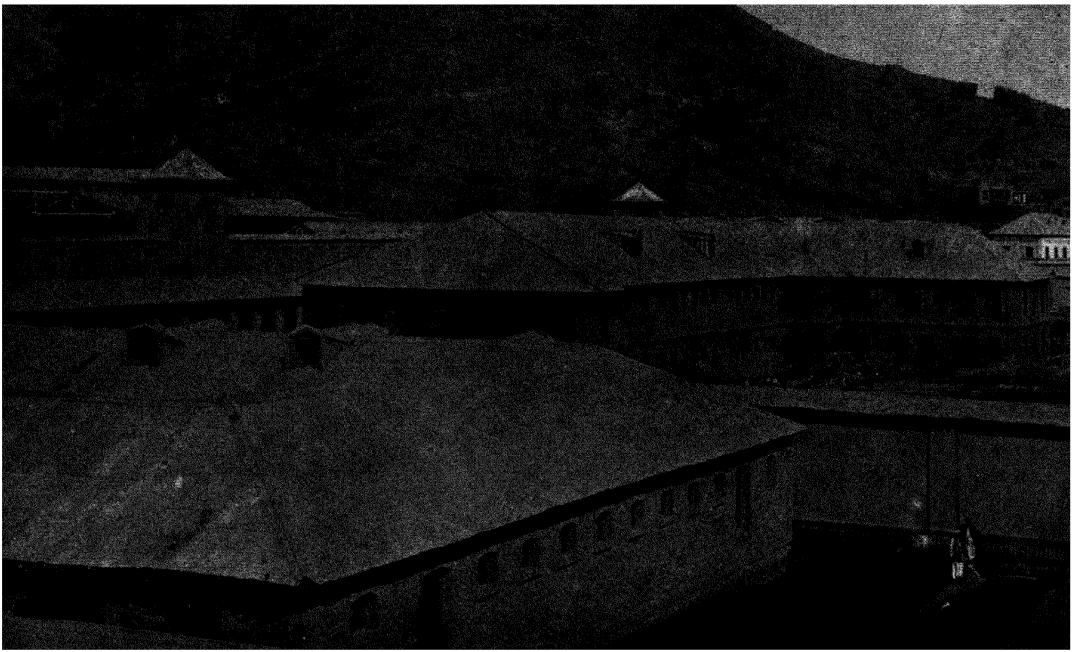

ارعمارات سال ۱۳۱٦ قوماندانی کوتوالی ولایت کابل : الحاقات محبس دهمرکز
Les annexes des bâtiments de la prison centrale à Kaboul

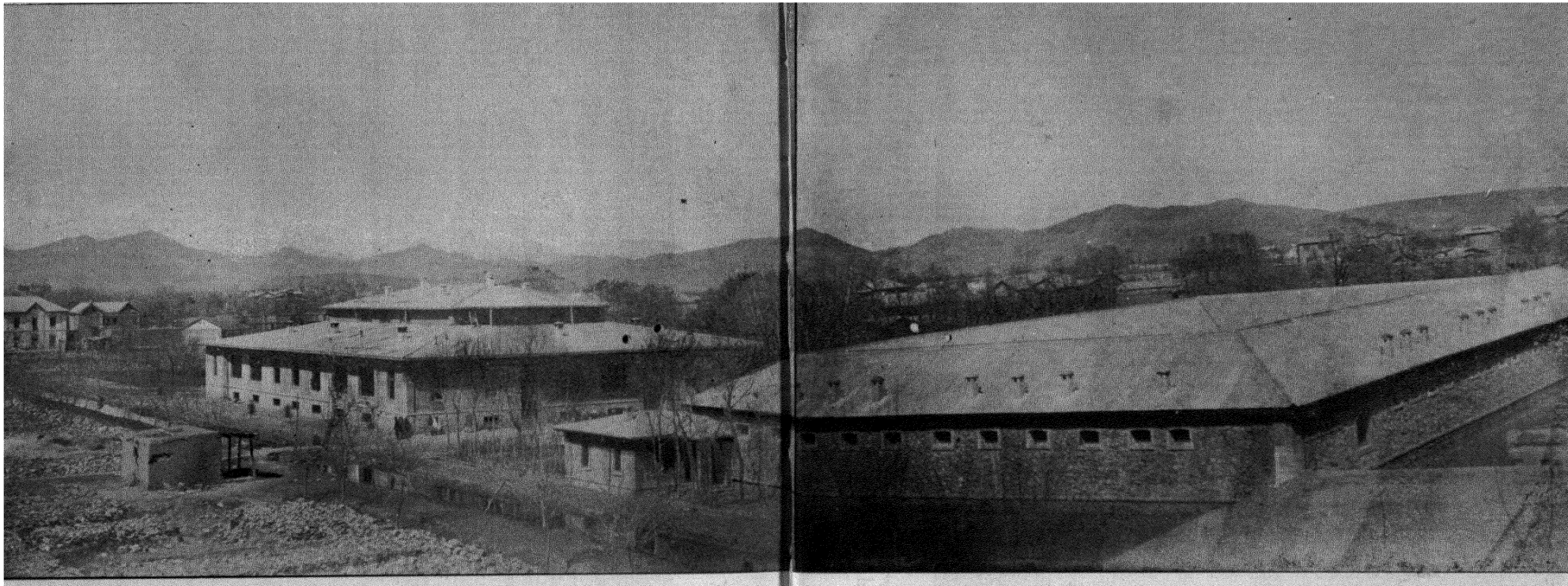

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت کابل : منظرهٔ عمومی عمارات ولایت ، مستوفیت وقوماندانی کوتوالی توقیف خانه و غیره

Vue d'ensemble des nouveaux bâtiments du gouvernat de Kaboul



از موسسات زراعتی ؛ تربیه خانهٔ خروشها در ده بوری
Basse-cou· modèle à Kaboul

وارغنداب مربوط ولایت قندهار وسه علاقه‌داری جدید التشکیل مربوط حکومت سرخرود وخوگیانی و رودات مربوط حکومتی اعلای مشرقی و علاقه داری جدید التشکیل خاشرود تعلقهٔ حکومتی نکواه مربوط حکومتی اعلای فراه .

۱۰ :- تشکیل یك تعداد پولیس وکوتوالی برای محافظت موسسات ونگرانی امور حکومتی درمواضع مختلفهٔ اطراف کابل .

۱۱ :- راجع به تهیهٔ لباس پوشاك بهاری وزمستانی محبوسین وتهیهٔ خوراکه وجیرهٔ آنها درین سال ترتیب درسنی اتخاذ وهم راجع به تهذیب اخلاق واصلاح حال وتعلیم وتربیه آنها و آموختن حرفت وصنعت ذریعه معلمین مخصوصیکه برای شان مقرر است توجه لازمه بعمل آمده حتانچه علاوه برمشغولیت یك اندازه عایدات روز افزون نیز از درك کار های محبوسین بدست می‌آید .

۱۲ :- نسبت به تعلیم وتربیهٔ افراد و اصلاح قیافه و وضع لباس واسلحه عمومیه افراد درین سال نیز ترتیبات لازمه اتخاذ و دساتیر درسنی صادر شده است چنانچه نفری فارغ التحصیلان تعلیمگاه پولیس درین سال تمام ولایات وحکومات اعلی مقرر شده اند و هم درصنف تنها نه جات ملکیه و تشکیلات انفرادی آن وضبط و ربط وحسن ادارهٔ آنهاوتجویز البسه واسلحهٔ شان اقدامات لازمه بعمل آمده :

۱۳ :- راجع به‌حسن ادارهٔ تمام امور راجعه به پاسپورت و عبر عایدات آن در واردات دولت و وصول را پور های احصائیهٔ وارده وصادره اتباع داخله و خارجه حسب معمول ازطرف نقاط سرحدی وترتیبات امور عکس گیری صنف پاسپورتی وهم نسبت به‌حسن اداره

امور مربوط بمسایل حقوقی و ممر عایدات آن درین سال تر تیبا تی درستی اتخاذ وتوجه شده است .

۱٤ : ـ تهیهٔ یك تعداد موتر های تانك حهله آب پاشی و غیره درست فوماندانی کوتوالی کابل .

تشکیلات جدید و تغیر و تبدیل تشکیلات ملکیه :

الف : مربوط ولایت کابل :

۱ : ـ حکومت درجه ۳ کوهدامن مربوط حکومت کلان شمالی نظر بوسعت آن بحیث حکومت درجهٔ اول منظور شده است .

۲ : ـ یك حکومت درجهٔ ۲ جدید التشکیل ومربوط حکومت کلان غزنی منظور شده است .

ب : ولایت قندهار :

۱ : ـ علاقه داری پنجوائی مربوط حکومت درجهٔ اول دندنظر بموقعیت آن بحیث حکومت درجهٔ ۲ مربوط ولایت مربور منظور شده .

۲ : ـ علاقه داری ارغنداب حکومت درج

ج : حکومتی اعلای مشرقی :

۱ : ـ علاقه داری پچیروآ گاه مربوط حکومت درجه اول خوگیانی جدید منظور شده است .

۲ : علاقه داری چپر هار مربوط حکومت درجه اول رودات جدید منظور شده است .

۳ : ـ علاقه داری بهسود مربوط حکومت درجه اول سرخ رود جدید منظور شده است .

د : حکومتی اعلای فراه :

۱ : ـ علاقه داری خاشرود مربوط حکومت در جه ۲ بکواه حدید منظور شده است .

مقرریها و ترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت داخله :

۱ : ع ، ع ، ص محمد کریم خان سابق مدیر عمومی سیاسی وزارت خارجه بحکومت اعلای فراه .

۲ : ع ، ع ، محمد اسمعیل خان سابق مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه بوکالت حکومتی کلان سمالی .

۳ : ع ، ش ، عبدالاحد خان سابق فرقه مشر هرات بحیث قوماندان عسکری و حاکم کلان غزنی .

٤ : ع ، ع ، محمد اکبر خان سابق کمیسار اندخوی بحکومت کلان بادغیسات .

٥ : ع ، ع ، عبدالله خان حاکم درجه اول بهسود ترفیعا بحکومت کلان دایزنگی

٦ : ع ، ع ، عبدالعلی خان سابق مدیر شعبهٔ برق وزارت فوائدعامه بوکالت حکومت کلان لوگر .

۷ : ص محمد نبی خان بهمدیریت تحریرات ولایت قطغن وبدخشان .

امور عدلیه

امور عدلیه از توجهات قیمت دار ذات ملوکانه و حمایت وزارت عدلیه و عموم قضات که به کمال وظیفه شناسی و پاك نفسی کار کرده اند ، در سر تا سر افغانستان بکمال انتظام و مطابق

شریعت مقدس محمدی (ص) جریان نموده و موجبات رفاهیت عامهٔ طبقات ملت را فراهم کرده است . خلاصهٔ اجراآت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه قرار ذیل است :

۱ ـ وزارت عدلیه اقدامات بسیار جدی برای تعمیم نکاحنامه و باقی وثائق شرعی به عمل آورده و بنظام شعب مربوطه تاکیدات زیاد نموده تانسبت به فروش نکاح نامه ها حسب هدایات سابقه متوجه بوده معاملات واردهٔ محاکم را داخل وثیقه شرعی بدارند تا از یکطرف در عایدات دولت افزونی رخ بدهد و از طرف دیگر دامنهٔ دعاوی و نزاع ها کوتاه بشود ، چنانچه از اثر اقدامات جدی وزارت عدلیه کهدر سر تا سر افغانستان به عمل آمده در سال ۱۳۱۶ فروش نکاحنامه و سائر وثائق شرعیه نسبت به سال ۱۳۱۵ (۳) فیصد ونسبت به سالی ۱۳۱۴ (٦۱) فیصد زیاد شده و بالمقابل تاجائیکه از ملاحظهٔ احصائیه ها معلوم میشود تعداد دعاوی روز بروز در تقلیل میباشد .

۲ : وزارت عدلیه تصمیم گرفته که ازین پس مضمون وثائق شرعیه ازقسم قباله و وکالت خط وحجت و تملیك وغیره متحدالشکل بوده به استثنای بعضی کلمات قابل تغیر باقی مضامین وثائق مذکور طبع گردد و همانطور مطبوع بفروش رسیده درموقع استعمال جاهای قابل تغیر را پرکنند .

این ترتیب از اشتباهات و مشکلاتی که از رهگذر صحیح نبودن مضامین وثائق شرعیه پیش میشد ، جلوگیری و در عین حال زحمت مراجعه کنندگان را بایستی توسط کاتبان مخصوص وثائق خویش را می نوشتند وحق الزحمه میدادند ، تخفیف یافته است .

ازمقرریها وترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت عدلیه:

۱ ـ ف ، مولوی فضل کریم خان به قضای محکمه ابتدائیهٔ ریزه کوهستان
۲ ـ « ، ملا پاینده محمد خان « « غوربند
۳ ـ « ، حمدالله خان « « حکومتی کلان قلات
٤ ـ « « ، محمد نبی خان « « کشك نخود
٥ ـ « « ، لعل محمد خان « « ترنك و جلدك
٦ ـ « « ، عبدالواحد خان « غورك خاکریز
۷ ـ « ، عبدالعلیم خان زمین داور موسی قلعه
۸ ـ « « ، محمد فاضل خان « « او به هرات
۹ ـ « « ، عبدالرؤف خان « حضرت امام صاحب
۱۰ ـ « « ، سید حسین خان « وا خان
۱۱ ـ « « ، عبدالحکیم خان « رستاق
۱۲ ـ « ، سید عثمان خان « « قندوز
۱۳ ـ ف ، مولوی غلام حیدر خان به قضای محکمه ابتدائیه لندی سین
۱٤ ـ « ، ملا جمعه خان « « جدران
۱٥ ـ « « ، مولوی شیرحسن خان « « اندخوی
۱٦ ـ « ، محمد حسن خان « پښتون کوت
۱۷ ـ « ، ملا نورالحق خان « مرافعه مرکز فراه

امور مالیه

امور مالیه که یکی از اساس های مهم امور اقتصادی وپیشرفتهای مدنی را تشکیل میدهد همانطوریکه طرف توجه حکومت متبوعهٔ ماواقع میباشد در ین سال نیز پیشرفتهای خوبی کرده و از یکطرف امور

دفترداری و محاسبه انتظام درستی را حاصل و ازطرف دیگر در ممر عایدات دولت رویهمرفته نسبت بسال ۱۳۱۵ بقدر (۲) فیصد اضافه گی بعمل آمده خلاصه اجراآت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت مالیه قرارذیل است .

۱ـ تشکیل وزارت مالیه بطور به تقاضای اصول جدید محاسبات تغیر و تعدیل یافته تشکیل وزارت در تحت دو مدیریت عمومی ،

مدیریت عمومی محاسبه و کنترول ـ مدیریت عمومی اجرا ئیه ویك مدیریت تفتیش ویك مدیریت تصفیه شهریه (که این دو مدیریت اخیرالذکر راسا بمقام وزارت مربوط است) در آمده است .

۲ ـ تهیه و نشر یك سلسله مسکوکات ۲۵ پولی که در اروپا از نکل ضرب شده و اجراً در معرض داد وستد قرار گرفته است .

۳ ـ اجرای یك سلسله تفتیشات نسبت به اجرا آت امور مالی در ولایات وحکومات اعلی .

٤ ـ تشویق واقدامات برای آباد و مزروع ساختن اراضی و بست مالیه نسبت بزمین های نو آباد . (چنانچه تنها در ولایت کابل بطول سال ۱۳۱۹ (۱٤۳٦۱) جریب زمین نو تحت زراعت آمده و دران بست مالیه بعمل آمده است) :

مقرریها و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت مالیه .

ع ، محمدانور خان مدیر عمومی بودجه بمدیریت عمومی اجرا ئیه .

، محمدنعیم خان مدیر شعبه (تصفیه شهریه) وزارت مالیه بمستوفیت قندهار.

ص ، محمدعثمانخان ترجمان مشاور مالی بحیث مدیر ابتدائی .

عزتمند موسیو منچولی مشاور وزارت مالیه بحیث رئیس .

امور معارف

امور معارف در سال ۱۳۱۶ نسبت بسالهای گذشته مظهر توجهات زیاد گردید . همینکه سال نو بروی کار آمد ، کوچکترین ماشین معارف رنگ ورونق دیگری بخود گرفت قوای تازه ، تشکیلات جدید ، پروگرامهای عمیقی دران پیش بینی شد . حکومت معارف پرور قوای جوان ، دماغهای فعال ، دستهای توانا ، مواد گرانبهائی دران اضافه فرمود .

نخستین توجهی که حضور همایونی دربارهٔ معارف احسان فرمودند همانا بعد از انفکاك عالیقدر جلالتمآب سردار احمد علیخان ازوزارت معارف بسمت سفارت کبرای طهران ، معین اول وزارت خارجه عالیقدر جلالتمآب سردار محمد نعیم خان که با فضل و دانش و فعالیت امتیاز داشته ، بوزارت معارف عز تقرر یافت این جوان زکی ، عاقل و فضیلت پرور در اواخر حمل با تمام قوی و دانش خود در ظرف چند روز بامور معارف غور و ملاحظه کرده پروگرام وسیعتری در پیشرفت علم و فن سنجیده راه ترقی عرفان مملکت را دریافته فوراً در عملی ساختن آن اقدام کرد .

در دوم ثور ۱۳۱۶ مجلسی مرکب از تمام وزراء ، اعیان و رجال بزرگ علم و فن درعمارت سینما منعقد شد . همه معلمین و شاگردان مکاتب و مامورین معارف نیز دران شامل شدند .

وزیر جوان پروگرام مرتبهٔ خود را در محضر عموم بیان فرموده که عماید آن مواد ذیل بود :

۱ ـ تشکیلات مرکزی وزارت معارف طوری درست گردد که چرخ معارف‌را برای تمام افغانستان پوره بگردش بیاورد وموسساتی که در آینده تشکیل میشود اساس آنرا استوار بدارد .

۲ ـ تعلیم و تربیهٔ مکاتب ابتدائی دران مناطق که هنوز بنا بر کمبودی معلم معطل بود زنده بسازد ، بر ینوجه تطبیق مادهٔ (۲۰) قانون اساسی دولت را پوره کرده باشد .

۳ ـ مکاتب ابتدائی را طوری پرورش بدهد که اینقسم مکاتب درهر ولایت وحکومت مندرجاً بپایهٔ مکاتب متوسط رشدی و اعدادی رسیده از یکطرف رسویهٔ علمی ملت بیفزاید وازطرف دیگر مامورین کوچك وبزرگ خودرا پی درپی از تعلیم یافتگان تهیه‌کرده خالیگی های موسسات جدید التاسیس وسابقه را بهمین واسطه پوره بنماید .

٤ ـ در تعمیم و تکامل زبان ملی طوری اقدامات کرده شود که از یك طرف هرفرد افغان زبان ملی خود را بدرستی یاد گرفته افتخار نماید و از طرف دیگر اینزبان ملی موقع تاریخی ، اجتماعی بالخاصه استقلال حیاتی‌خود را محافظه و تقویت نموده بارفقای خویشتن که همه ازیکما درزائیده اند یکجا عرض اندام نموده یکی اززبانهای حیه بشمار برود .

٥ ـ در موضوع جغرافیا و تاریخ و ادبیات وطن تدابیری اتخاذ شود که مکسبی و غیر مکتبی ، داخلی و خارجی ، مطبوعات ومولفات وطن را ممثل علم و فضل بشناسند و بدسترس هر کس رسیده بتوانند کذا در تربیهٔ ملی سرمایه‌های فراوانی بوجود آمده باعث‌افتخار باشد .



از کار روائی‌های سال ۱۳۱۶ وزارت معارف درولایت مزارشریف . ع . ح سردار محمدنعیم خان
وزیرمعارف سنگ تهداب مکتب متوسطه‌را میگذارد

La pose de la première pierre du batiment de [illegible] Mazar-i-Cherif

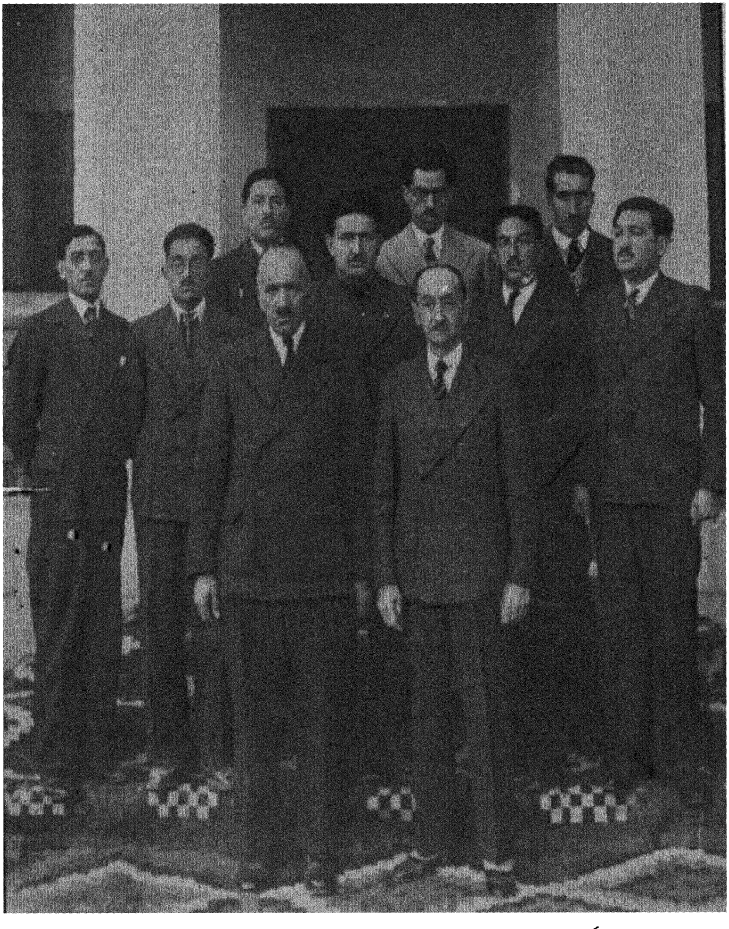

حمات دكتور رفقى كامل مشاور وزارت صحيه وحمات پروفسر حسن رشاد رئيس فاكولتهٔ طبى
كامل ، اولين دسته فارغ التحصيلان فاكولتهٔ مذكور

Les docteurs de la faculte de medecine avec le premier groupe des
diplomes de cette faculte

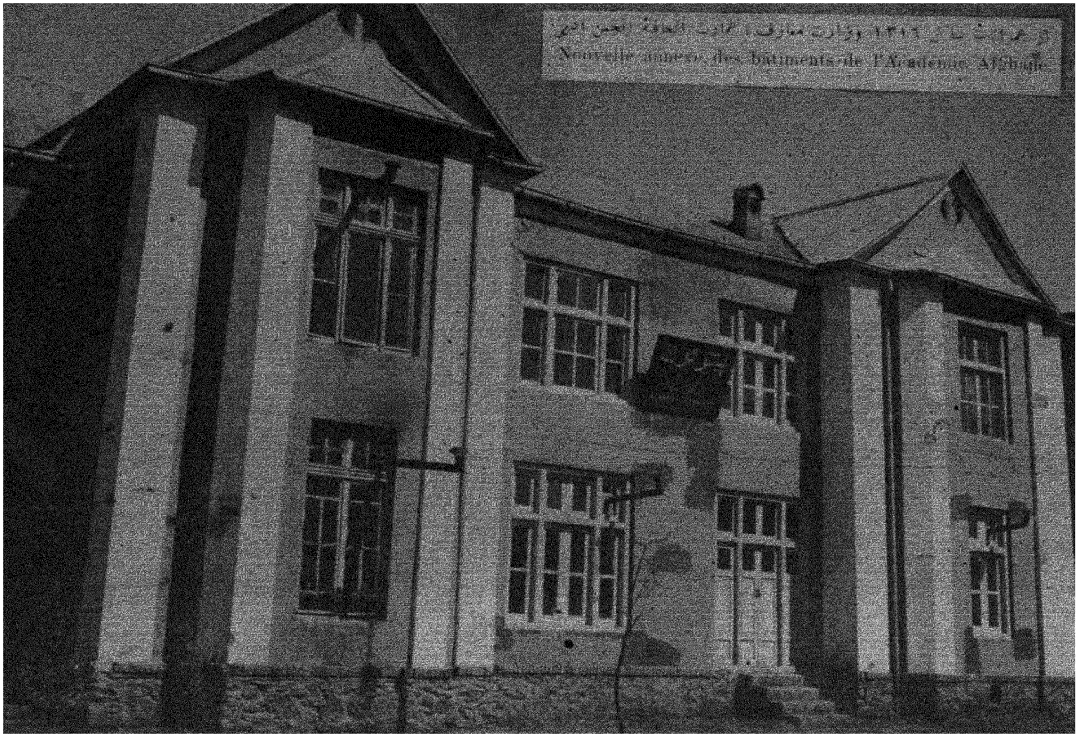

[illegible] ١٣١٦ وزارت معارف، عمارت الحافة [illegible]

Nouvelle annexe des bâtiments de l'Académie Afghane.

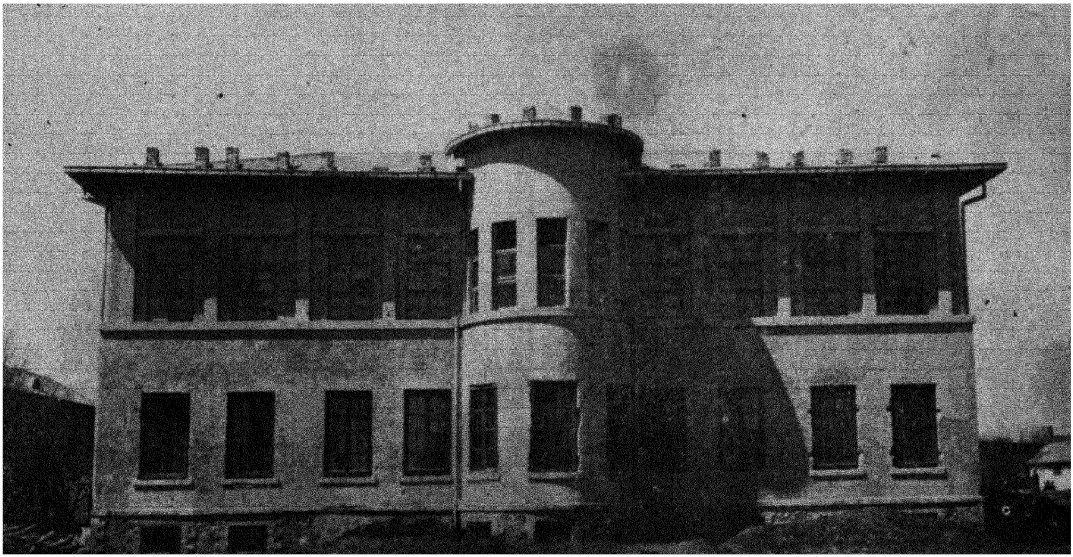

ازعمارات جدید وزارت معارف در کابل : تجربه خانهٔ کیمیا واقع ع عمومی

Laboratoire de chimie nouvellement construit a Kaboul

۶ـ بالاخره درترمیم بنا های موجوده و تعمیر بنا های مکاتب و مدارس جدیده از همین روز اقدامات درست بعمل آورده شود تا مفهوم تعلیم و تربیه در نظر طفل و رشید معاصر معلوم شود که موسسات عرفانی از ماده و شکل هر دو بعمل میآیند .

اینك در داخل همین شش مادهٔاساسی اقدامات کرده شد و قدم اول به اصلاح و تعدیل دوائر مرکزی سابق و تاسیس دوائر دیگرکه عصر اقتضای آن را بکند بعمل آمد . طوریکه در قسمت تشکیلات وزارت معارف دیده میشود علاوه بر ریاست تعلیم و تربیه که دران وسعت واهمیت جداگانه بحثیده شده است امورتدریسات وتفتیش که سابق درضمن یك مدیریت بامور مامورین ومعلمین یکجا اداره میشد ، ریاست تدریسات جداگانه ، ریاست تفتیش جداگانه ، مدیریت مامورین ومعلمین علیحده تشکیل گردید . خاصهٔ مدیریت صنائع : مدیریت سپورت وحفظ الصحه ومدیریت تعمیرات درهمین سال تشکیل یافت . ماموریت اوراق بمدیریت ارتقاومدیریت محاسبه بمدیریت کنترول ومدیریت تنظیمات بمدیریت اجرائیه تبدیل یافت .

بعداز آن تعمیم وتزئید مکاتب ابتدائی بنظر گرفته فورا بتاسیس تقریباً هشاد مکتب ابتدائی ترتیبات لازمه روی کار آورده شد . ازین تدابیر لازمه اولاً به تشکیل یك دارالمعلمین مستعجل ابتدائی آغاز گردید شاگردان این کورس را از تعلیمیا فتگان ولایات ومرکز انتخاب وهمه لوازم تحصیل وسامان ضروری ازداخل وخارج تهیه گردیده دراوائل برج اسد دارالمعلمین مذکور بکار تعلیم وتربیهٔ

خود قدم نهاد درین کورس چهارصد و پنجاه نفر شامل شده تصور شد که از روی پروگرام مصوبه درآخر برج دلو یعنی درطرف هفت ماه تقریباً چهارصد نفر معلم ابتدائی اصول‌دان تربیه کرده بمناطق خود شان بوظیفهٔ معلمی مقرر کرده شوند . درحقیقت چنین شد. این د سته معلمین جوان وطن پرور بجریان امورهشتاد مکتب موظف گردیدند که رویهمرفته وزارت معارف دارای یکهزار معلم آنی گردید . طبیعی است که وزارت معارف درباب این کورس درحدود الك ها روپیه تخصیصات جداگانهٔ وبنا های معاشی برای آن مشخص کرد .

این نکتهٔ مهم رانیز دریجا باید گفت که یکی از وقایعی که دورهای گذشته ازاصلاح آن غفلت ورزیده زبان ملی بود . ازین غفلت دربنیان اجتماعی رخنهٔ بزرگی واقع بود و روز بروز این رخنه مملکت را ازحیث حرث وحدت ملی مجزی میداشت ، این مرض را اعلیحضرت نادر شاه شهید حس کرده روی آن نظر رجال وفضلا را متوجه ساخته بود . همینکه دور زمامداری اعلیحضرت محمد ظاهر شاه رسید روی این مرض معاینه وتشخیص عمیقی بعمل آمد بالاخره قرار یافت که دراصلاح این نقیصه پلانها و نقشه های جدی بروی کار آورده شود . بهترین این نقشه ها همین شد که تدریس زبان ملی از یکطرف درخارج مکاتب میان مامورین بواسطهٔ کورس داخل شود و از طرف دیگر از صنف اول مکاتب ابتدائی شروع کرده متدرجا هر سال یك دورهٔ تحصیل بزبان ملی تبدیل کرده شود . بالاخره

در ظرف دوار ده سال تمام صنوف ابتدائی ، رشدی ، و اعدا دی زبان تدریس خود را از فارسی مستقلی بکنند . همین بود که درتنظیم پروگرام دارالمعلمین مستعجل بزبان ملی اهمیت جداگانه داده شد راجع بتوسیع این مفکوره و صورت احرا آت آن در بیان تفصیل خواهیم داد .

در تاسیس مکاتب ابتدائی اولا بنای صحی و تربیوی ، ثانیا معلم‌اصولدان ، ثالثا کتاب ووسائط تعلیم درنظر گرفته‌شد . این‌سه مسئله بسنه بیود جه بود . لذا بودجهٔ معتنابی در فصل تر ئید مکاتب و تعمیم معارف تخصیص یافت . ازینرو در هرنائب‌الحکومگی دوازده ، یانزده واد ر هر حکومی اعلی هفت الی ده مکتب ابتدائی که ر و یهمرفته هشتاد مکتب ابتدائی بود تقسیم گردید . نائب‌الحکومه ها وحکام اعلی د ر همین سال شر و ع بتعمیر بعضی از بنا ها آ غاز کرد ند و تو سط هیئت فنی فوراً پلا ن صحی و تر بیوی آ ن ساخته بمراجع مر بو طه سپرده شد . برای مصارف بنای هر مکتب یك اندازه پول تخصیص داده شد . بر یموجه زمینه برای تاسیس مکاتب بعد از ابتدائی نیز حاصل شد . این بود که مکتب ها ی متو سطه (رشدی سه ساله) در بعضی از حکومات اعلی و مکاتب رشدی که متدرجا بپایهٔ اعدادی میرسد در مر کز بعضی از ولایت هـای د یگر نیز تشکیل یا فت . و در ضمن این اقدامات در اوائل ثلث اول امسال انجمن ادبی پشتو و انجمن ادبی کابل یکجا گردانیده بنام (پښتو ټولنه) در تشکیلات آ ن وسعت بخشیده شد .

این انجمن در تحت یك مدیر عمومی ، مدیریت تالیف و ترجمه مدیریت ادبیات (فوکلور) مدیریت نشریات و مدیریت لغت تشکیل گردید . چنانچه در مقالهٔ پښتو تولنه مطالعه می شود .

در تشکیل جدید پښتو تولنه بیشتر از همه تعمیم و تکامل زبان ملی بنظر گرفته شد . چونکه فرمان همایونی دوازدهم عقرب سنه ۱۳۱۵ را با فرمان مبارك صدارت عظمی مورخهٔ ۲۱ حمل ۱۳۱۶ که به وزارت معارف شرف صدور بخشیده بود بعد از مذاکرات و تدقیقات در اطراف پیشرفت این مقصد قرار یافت که اولاً تمام طبقات مامورین افغانستان در ظرف سه سال در ضمن کار های رسمی و دولتی به آموختن زبان ملی موظف باشند . لذا پروگرام بسیطی برای تشکیل کورسهای زبان در همهٔ دوائر مرکز ساخته شد . کتابهای متعددی از طرف اهل قلم و زبان تالیف گردید و بعضی ازین کتابها انتخاب شد که درین کورسها تدریس کرده شود و یکدسته معلمین گماشته شد که بتعلیم آن بپردازند . برینوجه درظرف مدت بسیار کم تمام مامورین هر شعبهٔ حکومت و دوائر ملی خواهش کردند که در محیط ایشان نیز کورس جداگانه تشکیل یابد . آنوقت پی در پی کورسها تشکیل گردید معلمین مقرر شدند و شاملین کورس بلا استثنا زانوی تلمذ خم کرده سر گرم آموختن زبان میگردیدند . برینوجه ۲۶ کورس درمرکز و همین قدر دیگر در تمام ولایات جاری گردید ، عجالةً نتیجهٔ این اقدام نکات ذیل است .

۱ ـ احساسات ملی در قلب و دماغ هر فرد افغان بیکدرجه

انکشاف نموده داخل فعالیت شد.

۲ ـ علاوه بر مجلات و اخبار های افغانستان که یکی بعد دیگر ستونهای خبر ومطالب علمی و اجتماعی را بزبان ملی آورده اند در حدود پنجاه کتاب بیشتر در زمینهٔ ادبیات و قواعد لسان و لغت در پښتو نو شته مقدار کتا فی اران بطبع هم رسید . کتب ابتدائی نیز به پښتو در آورده شد.

۳ ـ در اثر فکر تشکیل کورسهای پښتو جهت ماموریین یك کورس لسان پښتو که دران اصول تدریس وگرامر وادبیات این زبان است نیز تشکیل یافت ، تاتشکیل کورس‌های آینده علاوه برمعلمین پښتو که برای مکاتب ابتدائی ترتیب یافته اند پرورش و باینوسیله عنقریب است از احتیاج دور اول معلمین پښتو فارغ و مستغنی بشود .

بعد از یکه از امور مکاتب ابتدائی قدری اطمینان حاصل شد آن وقت وزارت معارف را جع به پیشرفت فن نیز توجه مخصوصی مبذول داشت . ازآنجمله یك باب مکتب میخانیك باز کرده متخصصین این شعبه را از خارج جلب ومثل شعبهٔ لیتوگرافی صنائع نفیسه ماشین های متعدد وبنای کافی تهیه وتعمیر نمود .

درشعبهٔ زراعت نیز اهمیت مخصوصی داده شد . توسط متخصصین آن اراضی زیادی برای تجربه دربعض منطقه های ولایت کابل تخصیص داده تجربهٔ ابتدائی خود رادرباب هرگونه زراعت مخصوصاً سبزیجات ، گل ها وبقولات بکار انداخت .

کذادر تحصیل عالی نیزباب نوی کشود . یونیورستی افغانستان که

دارای یك فاکولتهٔ طب بوده ثمر دور اول خود را امسال باتقدیم دسته اول دکتورها و دواسازهای اصولی وقابل اطمینان وطنی ابراز می نمود هنوز نتیجهٔ مسعود آنرا بدست نیاورده فورا بتاسیس فاکولتهٔ دیگری بنام فاکولتهٔ سیانس اقدام گردید. باینصورت که دورهٔ (پ، س، ب) بادورهٔ اول طبی اتحادنموده فارغ التحصیلان امساله دران شامل بگردند. برای پیش بینی این موسسه اررهگذر بنا نقشهٔ تعمیر بزرگی درنظر گرفته شد. عجالةً ازلابوراتوارهای پنجگانهٔ فاکولتهٔ طب ولابوراتوار بزرگ مرکزی برای کیمیا، بیولوژی استفاده کرد و میتوان گفت که درزمرهٔ محصلین عالی که دراروپا، امریکا، ترکیه، جاپان وهند مشغول تحصیل بوده عنقریب از تحصیل خود فراغت یافته بخدمت وطن پس میگردند اطمینان خواهند بخشید، طبیعی است که باندازهٔ که فارغ التحصیلان عالی ما بخدمت وطن برمیگردند بهمان اندازه قرار است که بمراکز مدنی دیگر طلبه فرستاده شود.

درباب آثار عتیقهٔ سال ۱۳۱۶ صفحهٔ زرینی بشمار میرود. اگرچه مناطق حفریات تنها درولایت کابل مخصوصاً کوهدامن، کوهستان تخصیص یافته بود؛ اما اشیای گرانبها وممتازی که امسال از حفریات بگرام بدست آمد بیشتر موره های دنیای دیگرازسرمایهٔ آن محروم است. این اشیا اگرچه یادگار صنایع دور قبل المیلاد وحوالی سنوات میلادی بوده لاکن نوع صنعت ومالزمهٔ صنعت بروی عاج وگل، شیشه. طوری مکشوف گردید که بسا صفحات تاریك مدنیت افغانستان را درعالم تاریخ روشن می سازد

خلاصه امور معارف طوریکه اجمالاً دربالا تذکر یافت رویهمرفته درسال ۱۳۱۶ قابل اطمینان وحتی جای افتخار میباشد . طبیعی است که این اطمینان افتخار در سایهٔ توجهات حکومت معارف پرور نسبت بهمه سنواتیکه درعصر جدید افغانستان بعمل آمده است زیاد است . چونکه بودجهٔ معارف سالیانه رویهم رفته برای هرطلبه پنجصد افغانی فصل مصرف دارد . این نسبت را هیچ یکی از دول دیگر درباب معارف صرف کرده نمیتوانند .

مقرربها وترفیعات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت معارف

ع ، ج سردارمحمدنعیم خان سابق معین اول وزارت خارجه ترفیعاً بحیث وزیر .

ع ، ص ، عبدالاحمد خان سابق مدیر اول دارا لتحریر شاهی ترفیعاً بحیث معین دوم .

ع ، ص ، هاشم خان شایق سابق معاون ریاست تعلیم و تربیه ترفیعاً بریاست تعلیم وتربیه .

ع ، ص ، عزیز الرحمن خان سابق مدیر تفتیش ترفیعاً بریاست مدرسات .

ع ، ص ، سیدمحمد فاروقخان سابق مدیر مکتب حبیبه ترفیعاً بریاست تفتیش .

ص ، محمدسعیدخان سابق سرکاتب شعبهٔ دوم دارالتحریر شاهی ترفیعاً بمدیریت مامورین .

ص ، عبدالله خان مامور اوراق ترفیعاً بمدیریت اوراق که جدیداً مدیریت تشکیل شده .

ص ، سید عبد الله خان سابق وکیل دار المعلمین تر فیعاً بمدیریت مکسب عالی حبیبیه .

ص ، غلام حیدرخان حلالی سابق معاون شعبهٔ تالیف وترجمهٔ انجمن ادبی بحیث مدیر معارف ولایت کابل .

ص ،غلام صدیق خان متخصص زراعت بحیث وکیل مدیریت مکسب زراعت

ص ، عبد الغفورخان بحیث مفتش ریاست تدریسات .

ص ، محمد یوسف خان « مفتش ریاست تدریسات .

ص ، عبد القیوم خان « « «

ص ، محمد اسحق خان بمدیریت احرائیه مکسب صنائع .

عزتمند ، مومال بمدیریت مکتب عالی استقلال .

ص ، فدای احمد خان بمعاونی مکتب غازی .

ص ، محراب الدینخان « مکتب دار المعلمین .

ص ، مرزا امیر محمدخان سابق سر کاتب مکتب حبیبیه بماموریت احرائیهٔ انجمن ادبی .

ص ، میرابو طالب خان بحیث منسلم سینما .

ص ، میان حسین خان بحیث منتظم کورس مسمجه .

ص ، محمد طاهرخان بحیث مفتش ریاست تفتیش .

ص ، قربانعلیخان بحیث « « «

ص ، خواجه گلبدینخان بحیث مفتش ریاست تفتیش

ص ، عزیز محمدخان بحیث «

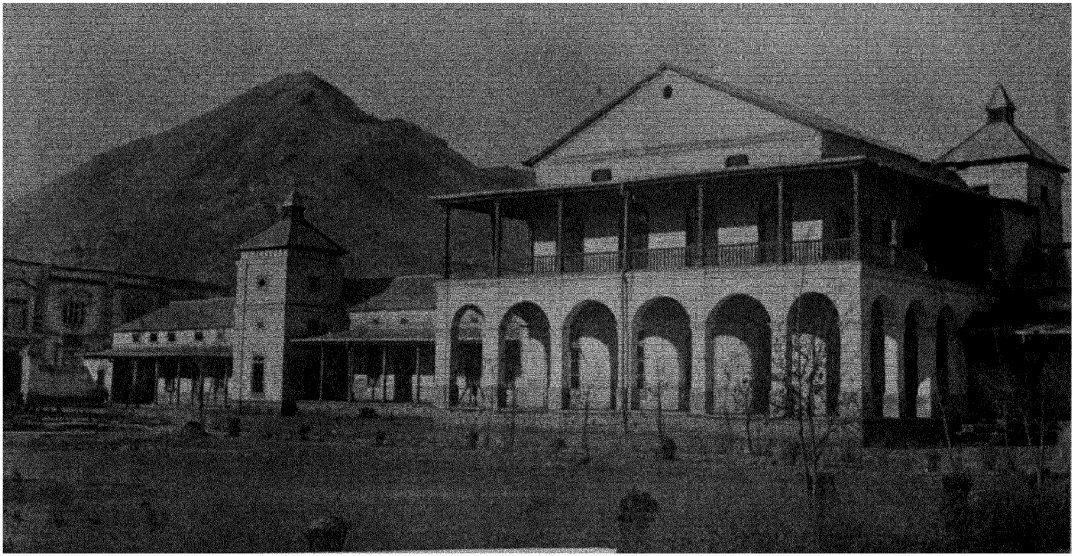

از عمارات مهم مرکز:

منظرهٔ عمومی یك قسمت از عمارات مکتب عالی استقلال

Une vue des bâtiments du collège Istiklal à Kaboul

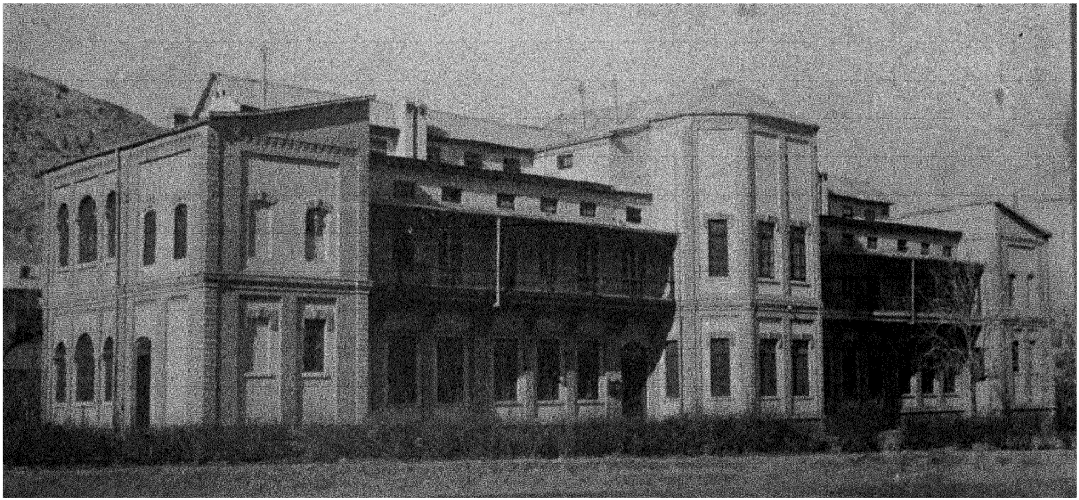

ارعمارات مهم مرکز

منظرهٔ عمومی عمارت مکتب عالی نجات

Vue d'ensemble du bâtiment principal du collège Nidjat à Kaboul

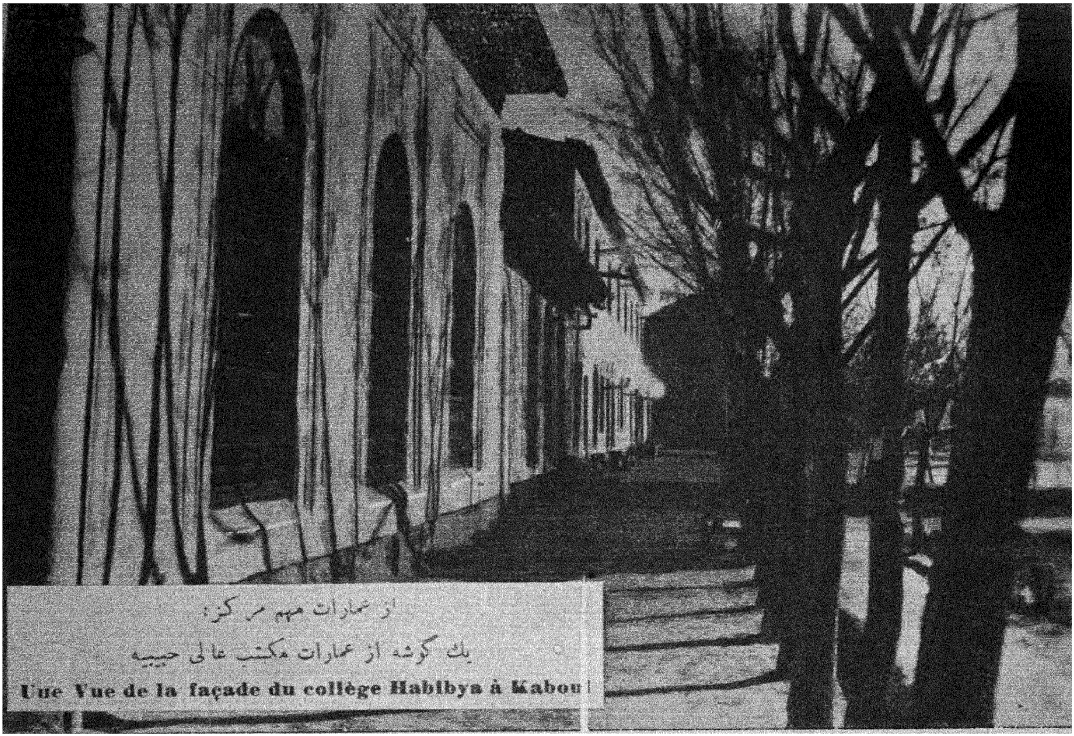

از عمارات مهم مرکز:

یك گوشه از عمارات مکتب عالی حبیبیه

Une Vue de la façade du collège Habibya à Kaboul

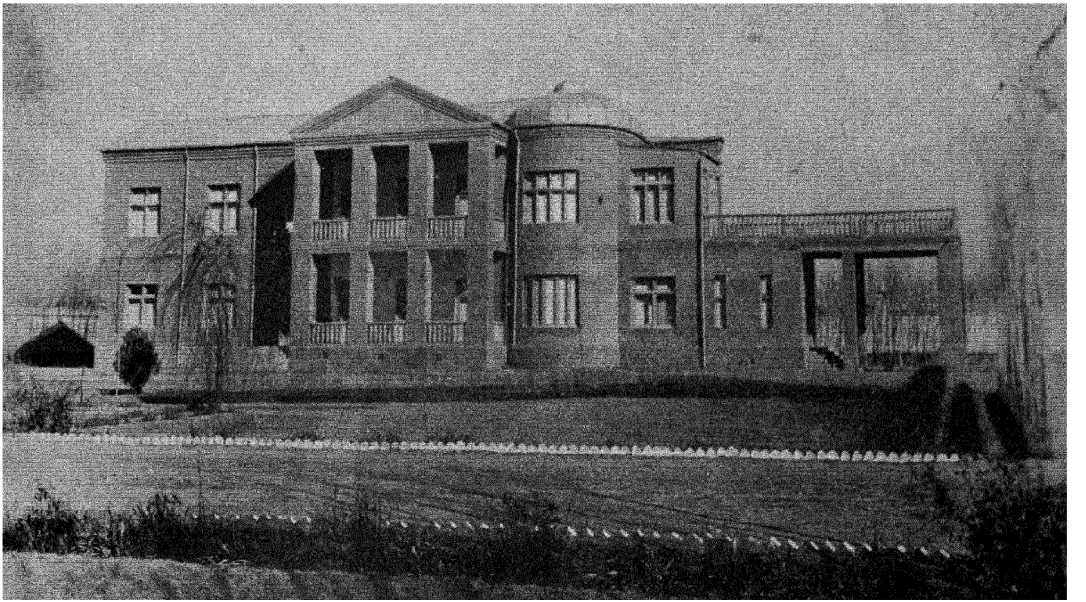

عمارت جدید التعمیر مهمانخانهٔ دولتی که باصول خیلی زیبا و سبک جدید تعمیر شده است

Type des constructions modernes à Kaboul

امور تجارت و صناعت

امورتجارت وصنائع دراین سال نسبت بسالهای گذشته مدارج ترقی خودرا بقدمهای سریع‌تر وفراخ تری پیموده وچنانچه ازاحصائیه های مرتبه معلوم میشود میزانیهٔ تجارتی بقدر (٥)فیصد نسبت به سال ١٣١٥ بلند رفته وهمچنین ازصنائع پیشرفت های خوبی بعمل آمده که خلاصهٔ آن قرار ذیل است :

شعبهٔ تجارتی :

از اثر اقدامات وتشویقات مدیریت تجارتی وزارت تجارت درسال ١٣١٦ چند شرکت مفید دیگر که مطابق احتیاجات و مفاد مملکت تشکیل آن ضروری دیده میشد ، تاسیس شده است بشرح ذیل :

١ـ شرکت عمران : این شرکت دربرج سرطان ١٣١٦ تاسیس شده ،منظور ومرام آن فقط معاونت و اشتراك مساعی است درامور عمرانی شهر بابلدیهٔ کابل و سرمایهٔ که برای آن قرار داده شده در حدود (٢٠٠٠٠٠٠٠٠) افغانی میباشد چنانچه درین مدت قلیل شرکت مذکور موفق به ساختمان یك سلسله عمرانات شده است.

٢ـ شرکت ارزاق : این شرکت دربرج عقرب ١٣١٦ تاسیس گردیده وشروع بکار نموده است سرمایهٔ ابتدائی آن(٣٠٠٠٠٠٠٠٠) افغانی است مرکز شرکت ارزاق در کابل است وبه اطراف هم شعبات ونماینده گی ها از خود دارد ، شرکت ارزاق تجارت مواد

ارزاقیهٔ را بالعموم وعجالتاً تجارت ورساندن روغن طرف احتیاج مرکز را مخصوصاً درنظر گرفته در عین حال بصورت عمومی تجارت وارداتی وصادراتی را نیز مینماید.

۳ـ شرکت میوهٔ کابل : این شرکت در برج عقرب ۱۳۱۶ افتتاح وسرمایهٔ ابتدائی که برایش قرارداده شده فعلاً (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی است و کار آن مخصوصاً تجارت صادرات میوهٔ خشك بخارج است مرکز شرکت میوه در کابل و بخارج هم دارای شعبات میباشد و درین مدت قلیل به تمرکز دادن بازار فروش میوه در خارج و همچنین به افزودن نرخ و رفع تجاوزات البینی و فروش مقدار کلی میوه جات خشك شده است .

شعبهٔ صنایع و رنگ :

الف : در حصهٔ صنایع :

۱ـ کشفیات طرز و اسلوب صنعتی مصنوعات مروجهٔ وطنی و دریافت عیوب و نواقص آنها .

۲ـ ترتیب فهرست اصناف صنعتکاران وطنی درمرکز ولایات

۳ـ اکتساب معلومات راجع به مخترعین صنعتی افغانی .

٤ـ اصدار دساتیر لازمه بولایات و حکومات اعلی راجع به تشویق ارباب صنعت .به صنایع معموله شان وترویج مصنوعات آنها

ب ـ درحصهٔ رنگ :

۱ـ تاسیس یك کورس برای تعلیم رنگ ریزی وتجربه وتحلیل

رنگ و شمولیت یك عده محصلین برای تحصیل درکورس مذکور .

۲ـ تعلیم اصول رنگ آمیزی (ترکیب وتجزیهٔ رنگهای جوهری) بدونفر از طلاب معارف وموظف نمودن آنهادرمواظبت وتدقیق رنگهای خارجی بریاست گمرك کابل تارنگهای ممنوعه وارد مملکت نشود .

۳ـ فارغ التحصیل شدن دونفرمتعلمین از کورس رنگ آمیزی وتقرر آنها به فابریکهٔ نساجی جبل السراج وفابریکهٔ بشمینه بافی قندهار بغرض رنگ آمیزی پارچه جات مصنوعه و غیره .

٤ـ استعمال رنگهای پخته وبادوام درپارچه جات مصنوعهٔ محبس دهمزنگ وتعلیم فن رنگ آمیزی بیك عده از محبوسین .

• ٥ـ جمع آوری نمونه های رنگ های خام وارسال مجموعهٔ (البم) آن بتمام ولایات وحکومات اعلی بغرض عدم تولید رنگهای ناقص .

٦ ـ استفاده از رنگهای معدنی با میان و استعمال آن در تعمیرات مختلفهٔ دولتی و ملی وارسال نمونه های آن بخارج .

۷ ـ تکمیل سامان لازمهٔ لابراتوار تجربه خانهٔ رنگ.

ج ـ : درحصهٔ تجارت :

ادارهٔ صنایع و رنگ علاوه بر وظایف خصوصیهٔ خویش موظف به اجرا و انجام امور متعلقه بکنفراس و تریاك و کنترول تجارت ادویهٔ مخدره و واردات و صادرات آن میباشد که با مطابق مقررات بین المللی انجام بگیرد چنانچه درین سال بسلسلهٔ سنوات گذشته درین باره اقدامات زیاد بعمل آمده و از اثر آن تجارت ادویهٔ مخدره مطابق مقررات بین المللی صورت گرفته است .

امور گمرکات :

در اثر توجهات وزارت تجارت و نائب‌الحکومه ها و مساعی عمو
مامورین گمرکی عایدات گمرکی د ر سال ۱۳۱۶ روی هم رفته نسبت
بسال ۱۳۱۵ : ـ (۶/۶۸) فیصد افزود شده است بشرح ذیل : ـ

الف : ـ ولایت کابل (۷۳ونیم/۰) فیصد تزئید
ب : ـ « قندهار (۱۲ ونیم/۶) « « «
ج : ـ « هرات (۹۰ونیم/۰۰) « « «
د : ـ « مزارشریف (۲۲/۴۹) « « «
ه : ـ « قطغن‌وبدخشان (۴۰/۸۵) « « «
و : ـ حکومت‌اعلای مشرقی (۰۰/۱) « کسر
ز : ـ « « جنوبی (۱/۷۷) « تزئید
ح : ـ « میمنه (۱۶/۷۱) « « «
ط : ـ « « فراه (۱۵/۰) « « «

مقرریهای سال ۱۳۱۶ وزارت تجارت :

ع ، ص‌غلام حیدرخان رئیس گمرک هرات‌تبدیلا بریاست گمرک کابل.
ع ، خواجه تاج الدین خان وکیل ریاست گمرک کابل بکار پنبه.
ص ، محمدمالك خان به مدیریت مامورین وزارت تجارت .

امور فوائد عامه

امور فوائد عامه که تحت توجه مخصوص حکومت موجوده و اقع
و برای توسعهٔ آن مساعی بزرگی بخرج داده میشود ، درین سال

بیش از سالهای گذشته انبساط و ترقی کرده و روی همرفته برای تدویر کار خانه جات و امتداد راه ها و تعمیر عمارات عمومیه اقدامات مهم و وسیعی بعمل آمده است .

خلاصهٔ اجرا آت وزارت فوائد عامه و نائب الحکومه ها و حکام اعلی و کلان و محلی که در قسمت امور منفعت عموم در سال ۱۳۱۶ بعمل آمده است ، ذیلا تذکار می یابد :

امور معابر : سرك ها و پلها :

الف ، ولایت کابل :

۱ ـ سرك مشرقی که از مهم ترین سرکهای افغانستان بشمار میرود از چند سال باینطرف کار ساختمان آن جاریست در سال ۱۳۱۶ بیشتر مورد توجه واقع و در کار مذکور سرعت مزیدی رخ داده چنانچه امید است در سال ۱۳۱۷ تکمیل و رفت و آمد مابین کابل و جلال آباد و خارج بواسطهٔ آن صورت بگیرد درین سال در خط مذکور علاوه از پخته کاری سرك به تعداد ۱۷ پل و معبر خورد و بزرگ ساخته شده .

۲ ـ تعمیر پل آهنی نجراب که پایه های آن بصورت پخته کاری و آهن های گادر پل و کتاره های آن تکمیل شده تنها فرش پل و دوطرفهٔ سرك باقیمانده طول ـ ۲۵ مترعرض ۵۰ سانتی «۵متر» بلندی ۳۰ سانتی «۳ متر»

۳ ـ تعمیر پل آهنی سعدالله شمالی که پایه های آن بصورت

پخته کاری و آهن های گلدر و غیره آن تمام شده طول ۵۰ متر عرض ۵۰ سانتی ۵ متر .

٤ ـ پل دو آب سیغان ـ دو فنداق دارد مسافه طول ۳۰ متر فنداق های مذکور از سمنت و سنگ و پوشش آن از آهن گلدر و کار بسته کاری آن تکمیل ودرسطح پل مذکورتخته نصب وبالای آن جونه و ریگ انداخته شده طول ۲۰۰ متر

۵ ـ پل اول دهنهٔ شکاری ـ دو فنداق دارد فنداقهای مذکور از سمنت و سنگ ساخته شده طول مسافهٔ پل مذکور ـ ۳۰ متر وپوشش آن از آهن گلدر وکنار بسه کاری آن اکمال گردیده تختهٔ چوبی بالای پل مذکور فرش شده و بالای آن جونه و ریگ انداخته شده طول ٤۵ متر

٦ ـ تعمیر ۱۰ پل دیگر بمقامات بگرامی و دکو و کاریز میر و کشکین و شکر دره و قلعهٔ مراد بیگ و قلعهٔ نو غزنی که هر یك بصورت پخته کاری تکمیل شده .

۷ ـ پخته کاری سرك دهمزنگ بطول ۳ کیلومتر

۸ـ تعمیر رهایش جاهای معابر حصهٔ ولایت کابل طرف سمت جنوبی ۱۳ رهایش گاه ، طرف سمت مشرقی ۷ رهایش گاه ، طرف سمت مغربی ۲٦ رهایش گاه طرف سمت شمالی ۷ رهایش گاه که جملهٔ آن ۵۳ میشود.

ب ـ ولایت قندهار :

الف : پل هلمند : که بزرگ ترین پلهای افغانستان است وعموما طول آن ـ ۱۲۱٦ متر وعرض آن ٦ مترمیباشد وتحت توجه مخصوص و ، ج سردار محمد داؤد خان نائب الحکومهٔ قندهار در سال گذشته

آغاز بساختمان آن شد ، کار پل مذکور خیلی پیشرفت کرده وامید که در سال ۱۳۱۷ افتتاح شود . عمارت دو منزلهٔ مربوطهٔ آن نیز بصورت پخته کاری قریب اختتام است .

ب ـ پل خاشرود : قرار نقشه ۱۰ دهنه ۱۱ متره و یك معبر بطول ۱۶۰ متر و دوجلوه دارد که عبارت از ۹۰ متر وجله طول پل ۴۰۰ متر شود . این پل نیز قریب اختتام و در سال ۱۳۱۷ افتتاح خواهد شد .

ج ـ سرك قلات : قرار نقشه و براورد مهندس پل ها و پیچك ها و معبرها و بگی پرهای آن جمله به تعداد ۲۰۰ بالغ میشود به خشت و سمنت و جونه پخته کاری شده است .

د ـ ترمیم و جغله اندازی سرك ها :ـ

۱ ـ از قندهار الی حکومتی قلات و از حکومتی مذکور الی کندی پوش وویس مقر که ترمیم کاری و جغله انداخته شده ـ۲۰۸ کیلو متر

۲ ـ ازقندهار الی حکومتی اسپین پولدك الی ویش .

۳ ـ از قندهار الی حکومتی کلان گرشك و از گرشك الی دلارام .

۴ ـ تمدید سرك جدید خاکریز که بخط سرك ارزگان از حد و د جوی لاهوری بطرز فنی از بین دره سیاه الی حکومتی خاکریز تمدید گردیده واز حکومتی الی زیارت شاه مسعود جغله انداخته شده .

ه ـ احداث سرك: ازقندهار تا سرده درامتداد رودپاتاو بطول ۱۰ کیلو متر .

ج ـ ولایت هرات :

۱ ـ پشتون پل که یکی از پلهای بزرگ افغانستان و بعوض پل مالان در نزدیکی هرات بسر راه فراه و هرات ساخته شده ، دارای ۱۰ ـ متر عرض و ۶ کمان ۱۵ متره میباشد و علاوه برخود

پل بدو طرف آن باندارهٔ ـ ۶۰۰ متر د کهٔ پخته کاری نیز ساخته شده واین پل بوجه مخصو ص و ، ج ، غلام‌فاروق خان نائب الحکومهٔ هرات در طول سال ۱۳۱۶ شروع و ختم شده است .

۲ ـ پل سر غاب که دارای دو چشمهٔ ۱۲ متر ه و یك چشمهٔ ۴۸ متر ه و ۶۵ متر د کـه میباشد و به پنجصد متر طو ل در یا از مجرای اصلی گشانده شده و به طول مذ کور جدیداً برای عبور در یا جر کشیده و پل مذ کور در همین سال تعمیر شده ا ست

۳ ـ پل اور سگن که دارای دو چشمهٔ ۱۵ متره میباشد ۳۰۰ متر د کـه بدو طرفهٔ آن وجود دارد .

۴ـ پل‌رودگز که دارای۲ چشمهٔ (۱۵) متره و ۶۰متردکه میباشد.

۵ ـ به‌تعداد (۵) پل خورد و بزرگ د یگر بمقامات کارته کاربار ، نا گهان ، غیزاب ، آ لنجان ساخته شده است .

۶ ـ تمدید سرك‌از (درواجی) تا(رودگز)بفاصلهٔ ۸۰ کیلومتر

۷ ـ » خام کـاری ازسرحد اسلام قلعه تا قریهٔ زنده جان تخمین بفاصلهٔ ۸۵ کیلومتر تقریبا کار این دوسرك بصورت اساسی کرده شده و سرك های عمومی میباشد

۸ ـ تمدید خام کاری از (غوریان) تا (موسی آباد) تخمین بفاصله ۶۵ کیلومتر .

۹ ـ خام کـاری از (رباط سرخ) تا (مرکز گلران) » ۷۰ کیلو متر

۱۰ ـ خام کـاری از (شین دند) تا (کـلا ته نظر خان) » ۱۳۰ کیلومتر

۱۱ ـ سرك از مرکز هرات الی میرداود که پنبتون پل د ر همین

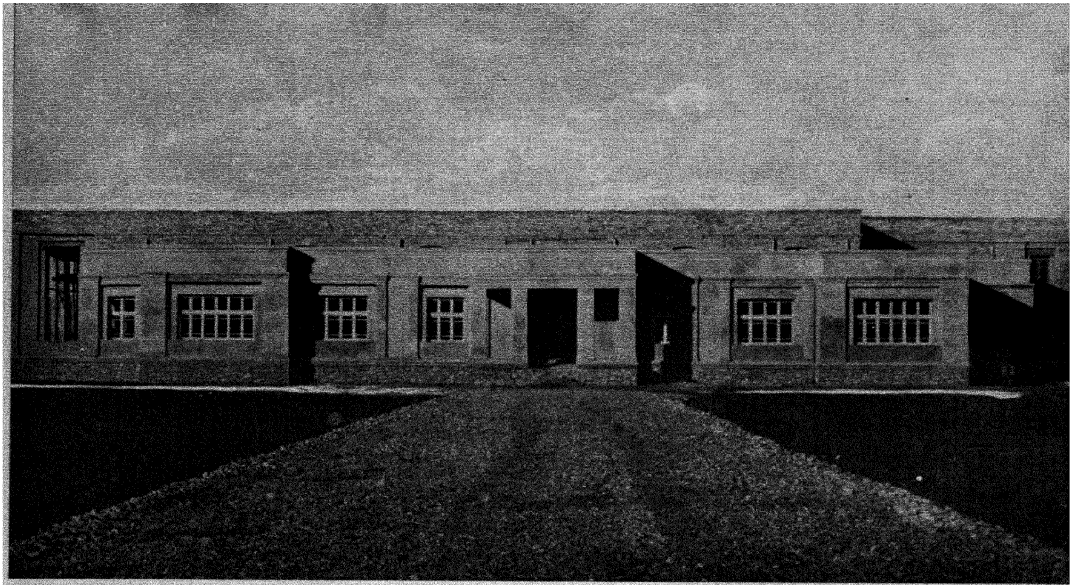

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات ، عمارت دارالحکومگی
La façade du nouveau palais du gouverneur à Hérat

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات ، تهانهٔ اسلام قلعه و ملحقات آن از قبیل هوتل ، سرای ، گاراج وغیره

Type des postes nouvellents contruits sur les frontières afghano - iraniennes

از عمرانات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات ، عمارت مدیریت خارجه

Le nouveau bâtiment du département des affaires étrangères à Hérat

از عمرانات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ ولایت هرات ، پشتون پل که بر دریای هری رود ، عوض پل مالان در نزدیکی هرات ساخته شده و ۱۰ متر عرض و شش چشمهٔ ۱۵ متره دارد

Pont nouvellement construit sur la rivière de Héri-Roud (Hérat) .

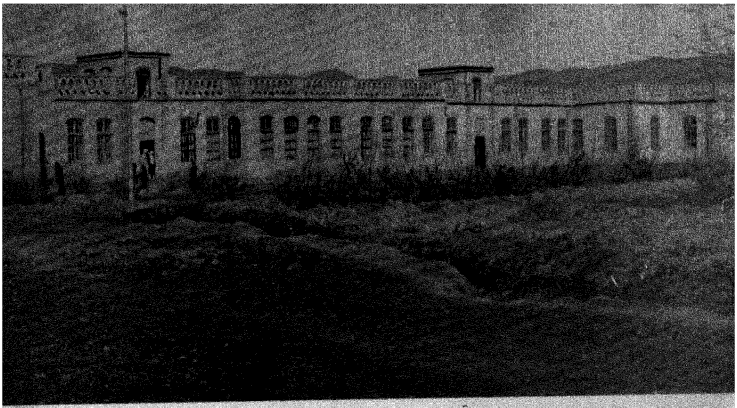

از عمرانات سال ۱۳۱٦ ولایت هرات : عمارت دوائر مخابرات

Les nouveaux bâtiments des services des P.T.T. à Hérat

ازعمرانات سال ۱۳۱٦ ولایت هرات : مهمانخانهٔ دولتی

Type des hôtels nouvellement construits à Hérat

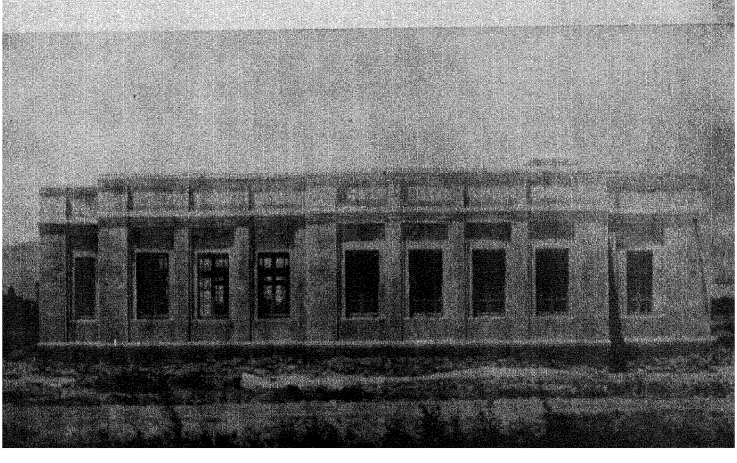

خط تعمیر شده وبصورت اساسی خام کاری ان تکمیل گردیده ۳۰ کیلومتر

د ـ ولایت مزار شریف :

۱ ـ تسطیح و فرش سنگ جغله وریگ برسرك عمومی مزار شریف و کابل که از حد حضرت سلطان مربوط حکومت ایبك شرو ع و تا مرکز ولایت مزار بطول ۱۵۰ کیلومتر مسافه بعمل آ مده وبرای عبور و مرور مترددین تسهیلات شایانی فراهم ساخته است .

۲ ـ کار سرك جدیدیکه بسرحد کلفت منتهی میشود جاری بوده مناصفهٔ خام کاری آن تمام و باقیماندهٔ آن درسال آینده تکمیل خواهدشد.

ه : ولایت قطغن و بدخشان :

الف : سرك ها و پلهائی که ازطرف دارالحکومگی ساخته شده :

۱ـ سرك بدخشان که مدت دو سال بجدیت تمام تحت آبادی قرار داده شده بود درسال ۱۳۱۶ بکلی اختتام پذیرفت و رسماً از طرف ولایت افتتاح شد درمراسم افتتاح راه مذکور ع ، ج وزیرصاحب معارف نیز خوش بختانه مشارکت ورزیدند .

۲ـ بعد از مواصلت سرك به فیض آباد تجاویز امتداد سرك از فیض آباد بطرف پامیر عملی و عملهٔ سرك بکار مذکور گماشته شدند قراریکه محقق است کار خاکه کاری حدود بهارك امسال تمام شده و امید میرود برای سال آینده سرك بین فیض آباد و جرم بدخشان افتتاح شود .

۳ـ سابقاً بنا برفع احتیاج ومقتضیات ضرورت یك سرك غیرمستقیم از خان آباد براه (سردوره) تا (علی آ باد) و (جلوگیر) و (بغلان) تمدید شده بود چون این سرك در جملهٔ باقی سرك های

ولایت طور بی نظم بود امسال کار مذکور ذریعه مهندس سر ازنو تجدید گردید این سرك جدید با بهترین اصول مهندسی از حد میدان طیارهٔ (خان آباد) تا (علی آباد) بمسافه (۲۰ کیلومتر (۷ کروه) برروی یك خط مستقیم تمدید و علاوه بران چهار سرك جدید دیگر ازین سرك جداشده که یك راه آن ازحصهٔ جنوب مغرب میدان طیاره شروع شده براه (ایشك چی) بفاصله ۳۵ کیلو متر (۱۲ کروه) باشکمش موصول و یك راه ازحصه (جرقرمقول) مجزا گردیده بداخل سرك شوراب ملحق و یك راه دیگر آن ازحدیکه توت سر دوره جدا شده مستقیما داخل دره (سوراب) میشود. ویك راه آن ازسرك جنوب قندوز منشعب گردیده بمسافه ٦ کیلومتر بدرهٔ شوراب الحاق می پذیرد .

٤- یك سرك ازجارسوق بازارقندوز باستقامت جنوبی شهر جدید قندوز ممند و مستقیما بفاصله ۲۲ کیلومتر (۷ ونیم کروه) به علی آباد واصل می شود وقندوزرا بی رابطه خان آباد براه کابل وصل میدارد .

٥- سرك فرخار وکلفکان که سابقا بی ترتیب تیارشده بود درین سال تا حدی طرف اصلاحات قرارداده شد .

٦- برای اینکه ازمعدن ذغال (ایش پشنه برفك) استفاده کرده شود یك سرك جدید ازحدود برفك بطرف معدن ذغال سنك مذکور تمدید کرده شده طول ٤ کیلو متر .

۷- جهة مواصلت به (دره اشرف) واقع درجنوب مشرق علاقه داری تاله که یکی از تفرجگاهای خوبی است یك حصه سرك از حصهٔ تاله تمدید و بدرهٔ اشرف وصل کرده شده بطول ۱۲ کیلومتر ٤ کروه و بنزدیك آن پل متینی برروی دریای تاله تیارکرده شد که موتر ها بتوانند ازان عبور ومرور کنند.

۸ـ ازعمارت شکارگاه « پادشاه غوری » یك سرك جداو بطرف دریای غوری تیار کرده شده بمسافه ٦ کیلو متر .

ب : پلهای دوشی وغیره که در راه کابل وقطغن واقع و راساً ازطرف وزارت ساختمان گردیده :

۱ـ پل اول دوشی دوقنداق و دوپایه که جمله جهارپایه شود جدید ساخته شده وساختمان آن از سمنت وسنك است و سه دهنه دارد که دودانهٔ دوطرفهٔ پل مذکور ۲۵متر ودهنه مابین آن ۳۰ متر بطول میباشد که جمله طول آن ۸۰متراست واراهن جالی گادر پوشش کرده شده که کار بسته کاری آن کاملاً اکمال وتمام گردیده (۸۰۰متر)

۲ـ پل دهنه دوشی دوقنداق ویکپایه دارد که جمله سه قنداق و پایه می شود پایه وقنداق پلمذکوراز سمنت وسنك ساخته شده وپل مذکور دودهنه دارد یك دهنه بطول ۲۵متر ویك دهنهٔ دیگرآن ٤۲ متر که جمله طول آن ٦۷ متر میباشد پوشش آن از آهن گادر است کار بسته کاری گادرها یمذکور کاملاً تمام شده (۱۹۰۰) متر

۳ـ پل ارغستان دو قنداق دارد و مسافهٔ طول آن ۳۰متراست کار پخته کاری قنداق مذکور ازسمنت وسنگ وپوششآن ازآهن گادراست که کاربسته کاری آن تکمیل شده (۱۰۰متر) .

٤ـ پل باغك ، دوقنداق دارد مسافه طول ۲۵ مترقنداقهای مذکور ازسمنت وسنگ وپوششآن آهن گادر ودر روی پلتخته های چوبی نصب وبالای آن چونه ور یگ انداخته شده .

۵ـ پل شادی کلك ، دوقنداق دارد مسافه طول ۲۵مترساختمان قنداق مذکوراز سمنت و سنگ وپوشش آن از گادر و روی پل تختهٔ چوبی فرش وبالای آن ریگ وچونه انداخته شده .

٦ـ پل جلمس ـ دوقنداق داردساختمان آن ازسنك وسمنت مسافهٔ طول ۳۰ مترپوشش آن ازآهن گادر و بسنه کاری گادرهای مذکورتکمیل و روی پل مذکورتختهٔ چوبی فرش وبالای آن چونه وریك انداخته شده .

۷ـ پل دینواه ـ دوقنداق دارد وقنداقهایمذکورازسمنت وسنگ ساخته شده طول مسافه پل مذکور ـ ۳۰ متر پو شش آن از آ هن گادربسنه کاری آن ا کمال ودر روی پل مذکور نختهٔ چوبی فرش وبا لای آن چونه وریگ انداخته شد ه .

حکومت اعلای مشرقی :

۱ـ خامه کاری سرك ما ماخیل ازحد نشیمن حکومتی اعلی تاقریه ملا یان کته خیل بطول ۳ کیلومتر وعرض ٦ متر تمام وآباد شده .

۲ـ سرك طرف حکومت رودات ازحد تهانه سیوم جور ه گلی الی حکومتی جدید تمد ید شده طول ۹ کیلومتر .

۳ـ پخته کاری سرك بحد شاه ناصرآ قامربوط حکومتی سرخرود .

٤ـ پخته کاری سرك این عمومی زحد جای نقیب صاحب الی جـای منك غلامرسول خان بطول ۲٤٥٦ مترکه بمعهٔ ۸ آبروپخته کاری شده .

٥ـ سرك درهٔ علی شنگ لغمان از حد قلعه گل احمد الی نحیل بطول ۱٥ کیلومتر تمدید شده .

٦ـ پلها وآبروهای ذیل که از سابق و ترمیم طلب شده بود ، درین سال ترمیم شده است : پلهاشم خیل ، پل نویان ، پل درونته ، پل قلعة السراج ، پل سرخ آب ، پل زمه ، آبروپل قرغه گی لغمان . آبرو سراج العمارت ، دوآبرو بحد پل کلان قلعة السراج .

۷ـ یك معبر بحد شیلهٔ فتح آبادکه بطول ٦۸ متر وعرض ۸ متر میشود جدید ساخته شده .

امور کار خانه جات :

۱ـ بکار انداختن فابریکه پشمینه بافی قندهار وتکمیل لوازم آن وتهیهٔ یك مقدار پشم جهت تدویر کارخانهٔ مذکور .

۲ـ تکمیل عمارات وماشینهای فابریکهٔ نختابی وپارچه بافی جبل السراج که عنقریب افتتاح میشود .

۳ـ خریداری یك دستگاه برای تهیهٔ پنبهٔ هیدروفیل جهت شفاخانه ها وغیره وتهیهٔ محل نصب آن درجوار فابریکهٔ نختابی جبل السراج .

٤ـ اقدام به خریداری یك فابریکهٔ بزرگ سمنت سازی .

٥ـ تاسیس یك کار خانهٔ بزرگ پاك کردن وعدل بندی پنبه درقندوز وکوچکتر از آن در امام صاحب وتهیهٔ عمارت برای آن وهمچنین ساختمان عمارات برای گدام پنبه دربغلان وتالقان وخواجه غار که این موسسات به توجه و ، ج شیرمحمد خان نائب الحکومهٔ قطغن بوجود آمده است .

٦ـ اصلاحات درفابریکه های سابقه ونگرانی در خوبی وتزئید حاصلات صنعتی آنها ازقبیل فابریکهٔ گوگرد سازی وفابریکهٔ چرم گری وبوت دوزی وفابریکهٔ نجاری مرکز وغیره .

۷ـ تشکیل یك مدیریت تخنیکی ونگرانی برای تفتیش وخبرگیری دائمی فابریکه ها .

امور تعمیرات :

تبصره : این تعمیرات بجز ازدوتعمیر اول الذکر که توسط مدیریت عمومی تعمیرات وزارت فوایدعامه ساخته شده ، باقی توسط نائب الحکومه ها وحکام اعلی اعمار گردیده ونیز عمارات مربوط به وزارت خانه ها

دران شامل نبوده درذیل هر وزارت ذکر گردیده است)

الف ولایت کابل :

۱ـ تعمیر مقبرهٔ اعلیحضرت شهید رحمت الله علیه که کار ساختمان آن ازدوسال باین طرف جاری و درسال ۱۳۱٦ طبقهٔ تحتانی آن ازسنگ خشتی آباد وطبقهٔ دوم هم تاحد پوشش رسیده است .

۲ـ عمارات بالاحصار که ازسه سال باینطرف ساختمان آن جاری بوده درسال ۱۳۱٦ باتمام رسیده است.

۳ـ دکانهای جمن که دراثر حریق طبقهٔ فوقانی آن ویران شد و چون وقت جشن نزدیك وعمارات مذکور درمنطقهٔ جشن واقع بود یك یك حصهٔ آن ازطرف هروزارت خانه تعمیر وتا وقت جشن استقلال سال ۱۹ تکمیل شد.

ب : ولایت قندهار :

۱ـ تعمیر هوتل گرشك که درسال گذشته کار تعمیر آن جاری واینك درسال ۱۳۱٦ کار آن باختتام رسیده .

۲ـ تعمیرهوتل دلارام هم مطابق هوتل گرشك تکمیل وخاتمه یافته

۳ـ تکمیل تعمیر قونسلگری که در شهرنو باصول عصری درسال گذشته مطابق نقشهٔ اصولی شروع ودرسال ۱۳۱٦ خاتمه یافته .

٤ـ تعمیرهوتل قندهارکه درسال گذشته شروع ودر۱۳۱٦ خاتمه یافته .

٥ـ تشویق یك عده ازاهالی برای ساختمان عمارات عصری در شهرنوکه تاحال به تعداد ٤۰ عمارت بالغ واکثراً نزدیك بتکمیل است.

ج : ولایت هرات :

۱ـ تکمیل عمارت دارالحکومگی که درسال ۱۳۱٥ شروع شده بود .

۲ـ ساختمان یك عمارت برای دوائر مستوفیت در شهر نو که

کلیه کار آن تمام ومابقی درسال ۱۳۱۷ تکمیل خواهد شد .

۳ـ ساختمان عمارت بزرگ برای مکتب رشدیهٔ متوسط درشهر جدید که قسمت کلی کار آن تمام ودرسال ۱۳۱۷ تکمیل خواهدشد.

٤ـ تکمیل عمارت مدیریت خارجه که درسال ۱۳۱۵ شروع شده بود.

٥ـ تکمیل عمارت مهما نخانه « « « « « «

٦ـ تعمیر تهانهٔ سر حدی در اسلام قلعه بایك کار وا ن سرا ی ویك هوتل ویك گاراج برای مسافرین .

۷ـ تعمیر ٤ تهانهٔ دیگر (بمقامات : موسی آ باد ،کلاته نظر خا ن د هنه ذالفقار ، چهار یگك ، کمانه) که ا کثر آن تکمیل شده .

۸ ـ تکمیل عمارت مکتب ابتدائی مرکزی که کار مذ کو ر در سال ۱۳۱۵ شروع ودرین سال خاتمه یا فته .

۹ـ تکمیل عمارت پست وتلگراف که درآخرسال ۱۳۱۵ شروع و دراین سال ختم شد.

۱۰ـ تشویق یك عده تجار ومامورین به ساختن عمارات عصر ی درشهر نوهرات که عموم این عمارات باعمارات دولتی فوق الذکر در دو طرف جادهٔ بزرگیکه دارای دو سرك مو تر رو (رفت و آ مد) و۷ متره ودروسط دارای یك گلدان بعرض ۳ متر و در دو نهایت آن دوپیاده رو فراخ میباشد، بنا گردیده است . که تماماً عرض سرك مذکور ۳۰ متر ا ست .

د ، ولایت مزار شریف ،

۱ ـ چون در درهٔ صوف یك معدن ذوغال سنگ موجود است درسال ۱۳۱٦ داشهای خشت پزی که بواسطهٔ ذوغال سنگ گرم

میشود ساخته شده وعلاوه بران از ذوغال مذکور برای دوائر رسمی ورعیتی درموقع زمستان استفاده بعمل آمده است .

۵ ـ ولایت قطغن وبدخشان :

۱ ـ احداث بازار جدید بغلان : چون درین اوقات قریب ، احوال حیاتی اهالی بغلان بواسطهٔ ترقیات زراعتی پنبه وغیره بدرستی تامین شده واقتضامی نمود که بازار جدیدی دران ناحیه آباد شود جنا نچه به ترتیب نقشهٔ آن پرداخته شده درعرض سه‌ماه امسال به‌تعداد (۱۲۰) دکان و (٤) کاروان سرای وچندین باغچه و چندین حو یلی و یك عمارت مکمل و منظم برای دوائر حکومتی محلی و کدام های پنبه ومامورین پنبه دران ناحیه آبادوطرف استفاده واقع شده ـ چون نقشهٔ شهر مذکور خیلی منظم و بسیط است و موقعیت بغلان نیز برای ترقی و آبادی مساعد میباشدامیداست در آتیهٔ قریب بترقی خوبی نائل گردد .

۲ ـ درحکومت دوشی یك عمارت منظم و مکملی برای حکومت دوشی و دوائر مربوط آن تیار گردیده .

۳ ـ ساختمان عمارت درعلاقه داری تاله و برفك برای دوائر حکومتی .

٤ ـ ساختمان عمارت درعلاقه داری خنجان برای دوائرحکومتی .

۵ ـ ساختمان عمارت درعلاقه‌داری چادرهٔ قندوز برای دوائرحکومتی .

٦ ـ برای بود و باش ذواتیکه درحصهٔ غوری برای شکار می آیند یك عمارت عالی و موزونی تاسیس و کار تعمیریهٔ آن درین سنه بیشتر تکمیل شده است ،

و ـ حکومت اعلای مشرقی :

۱ ـ تعمیر یك هوتل عصری در باغ عمومی ماما خیل

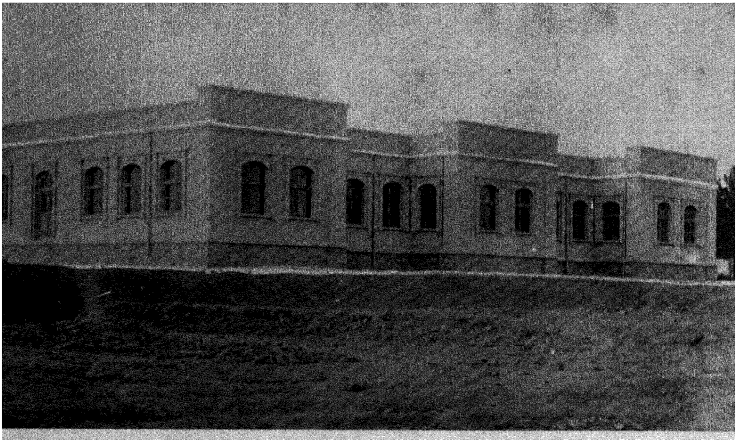

ازعمارات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات ، دوائر مستوفیت
Tyde des bureaux des finances nouvellement construits à Hérat.

از عمارات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای میمنه ، عمارت سررشته داری اعلای
Type des bureaux des finances nouvellement construits à Maimanah

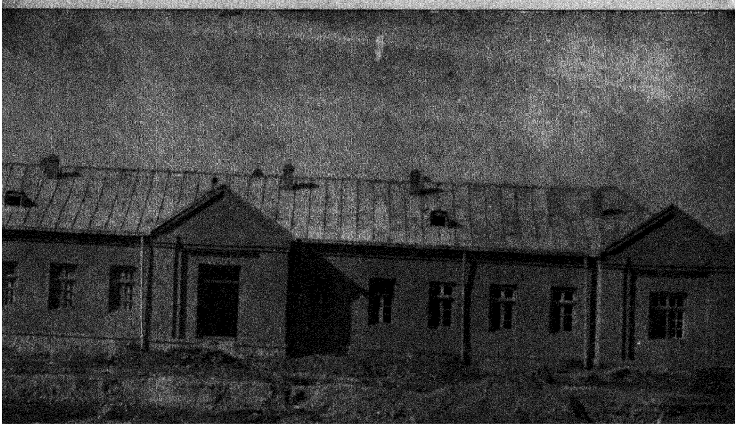

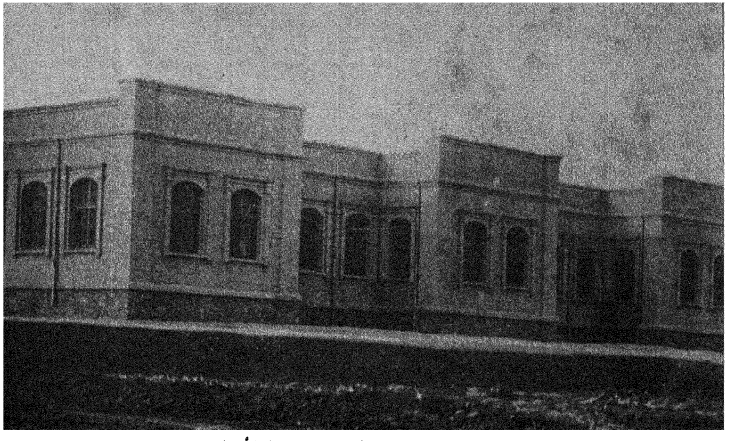

از عمارات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات مهمانخانهٔ دولی
Type des hôtels nouvellement construits à Hérat

از عمارات سال ۱۳۱۶ ولایت هرات : پل اندرسکی
Type des ponts nouvellement construits à Herat



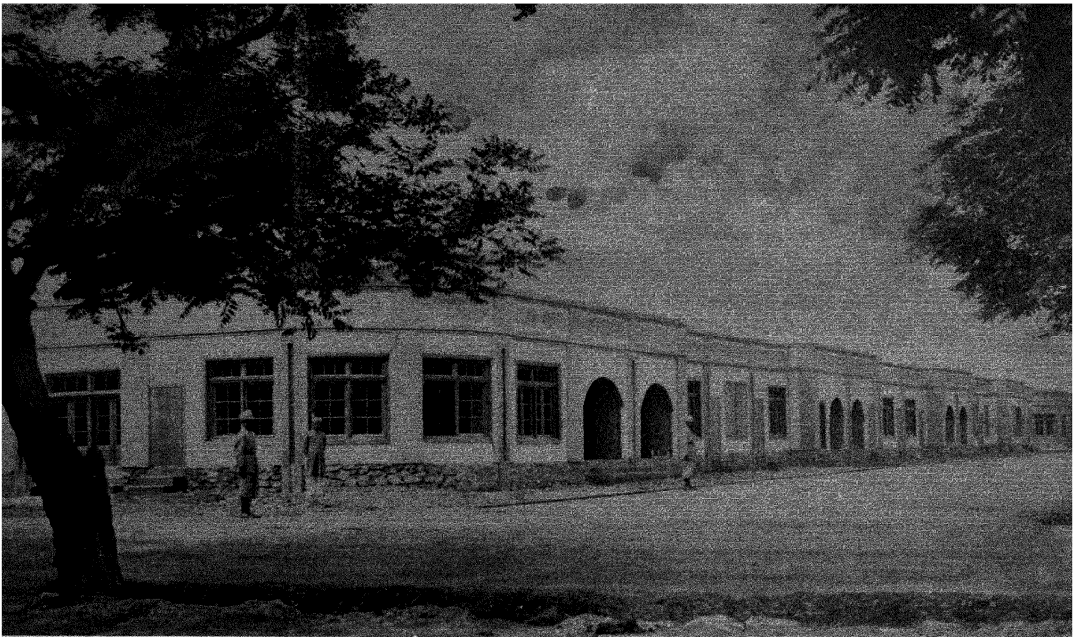

ازعمارات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای مشرقی : بازار جدید درشهرنوجلال آباد
Type des bazars nouvellement construits à Djelalabad

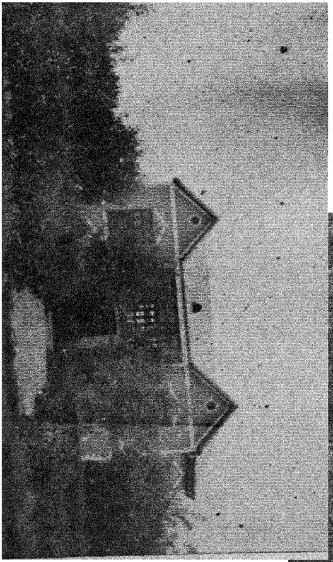

در اطراف باغ عمومی
مزار آباد شده است
aux alentours des
jardins publics



کردهٔ اکنون توسط مقام دار الحکومگی
بلخ لله‌عمرانات دولتی و سعی
nouvellement construits
à Mazar-i-Cherif,

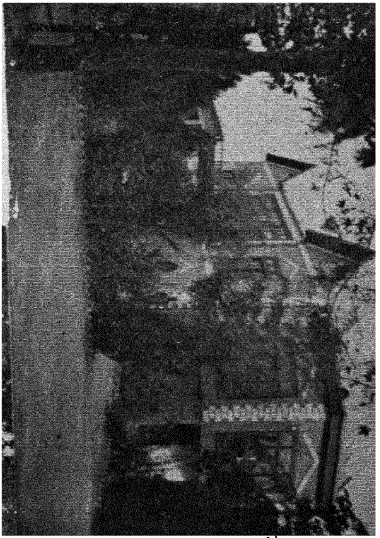

ولایت مزار شریف نهضت عمرانی
در ولایت مزار شریف نیز ترقی
Types des bâtiments modernes

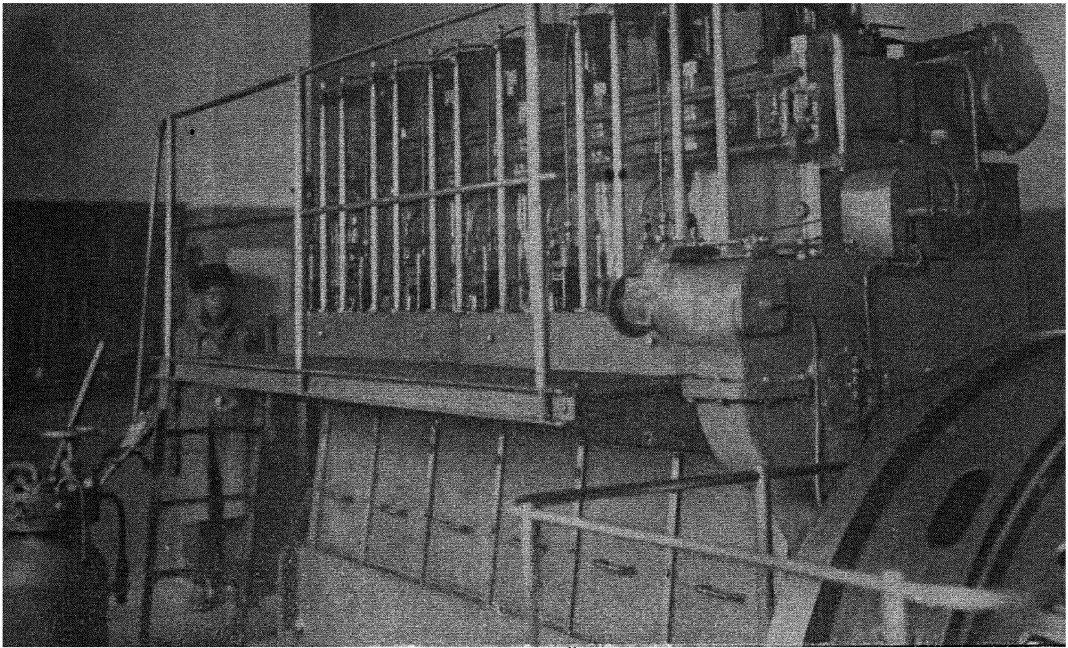

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه در کابل ماشین دیزل برق که اخیراً در کابل بکار افتاده و (۳۰۰) اسپ قوه میدهد

Type des machines électriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul

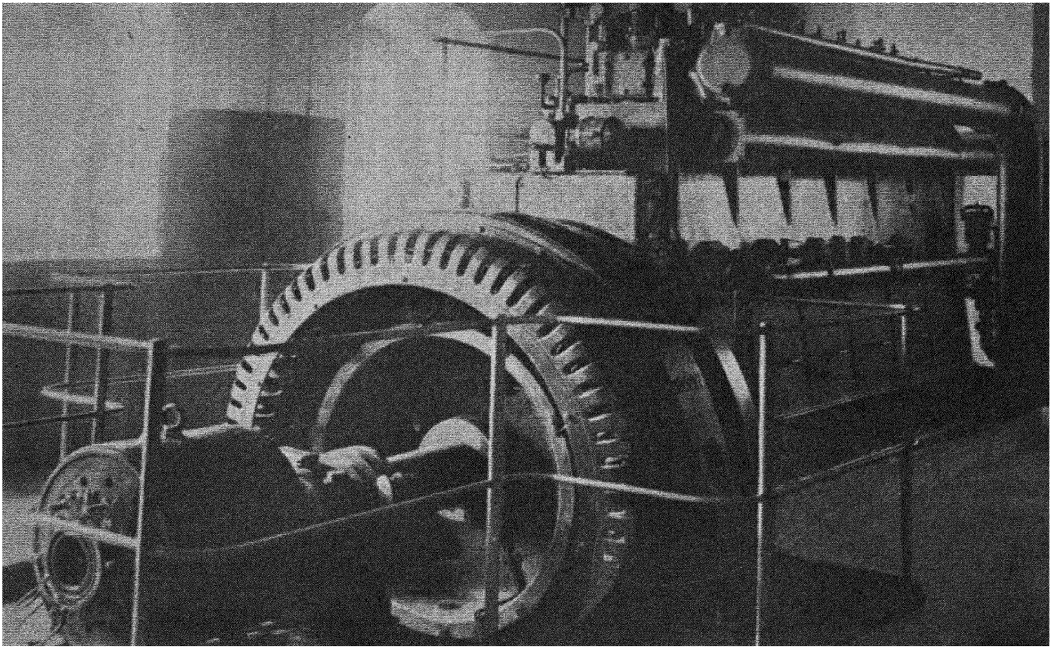

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت‌فوائد عامه درکابل. ماشین دیزل برق‌که اخیراً در کابل بکارافتاده و (۳۰۰) اسپ قوه میدهد

Type des machines éléctriques « diesel » nouvellement installées à Kaboul



منظرهٔ عمومی کار خانه جات حربی و دور نمای شهر کابل

Vue générale des Usines Militaires et le panorama de Kaboul

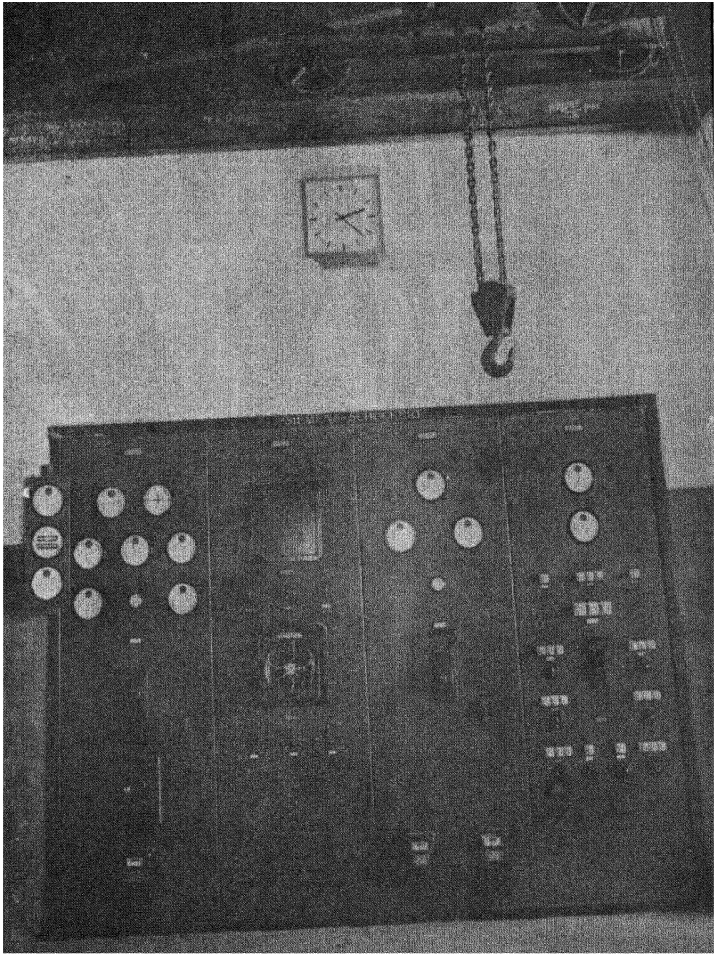

از کار روائی های سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه :
ماشین دیزل برق که اخیراً در کابل بکار افتاده و (۳۰۰) اسپ قوه میدهد
Type des machines électriques «diesel» nouvellement installees à Kaboul

۲ـ تکمیل عمارات حکومتی ما ما خیل وبرجهای اطراف آن.
۳ـ تعمیر مسجد جامع در ما ما خیل که از پول اعانهٔ ما مورین ساخته شده و قریب اختتام است.
٤ـ تکمیل عمارت شهر نو جلال آباد و تمدید و پخته کاری سرکهای آن وساختمان آبروها وفرش نهال باطراف جاده‌های مذکور.

ز ـ حکومت اعلای میمنه :

۱ـ آبادی عمارات جدید عصری جهة نشیمن دائرهٔ سرشته‌داری که اکمال یافته و مطابق نقشه و هدایت مهندس آباد شده است.
۲ـ ترتیب و آبادی یك تعداد دکاکین بازار جدید که آبادی آن تمام واهل کسبه در آنجا نقل داده شده اند.
۳ـ پخته کاری جادهٔ جدیدسمت غربی شهر میمنه‌ذریعهٔ سنگ‌وجغله.
٤ـ تکمیل کارتعمیر قونسل خانه که درسال ۱۳۱۵ شده بود.
٥ـ اکمال عمارت جدید حکومت درجه اول پشتون کوت.
٦ـ تکمیل‌ملحقات مدیریت‌خارجه که آنهم‌یك تعمیر اصولی شده.
۷ـ تعمیر جای علاقه داری فرغان که در سال ۱۳۱٦ آباد و تکمیل شده است.
۸ـ آبادی جدید تهانه های جدید بمقامات : غوزه قم‌وقزل‌کوتل.
۹ـ تکمیل‌عمارت مدیریت خارجه که‌درسال۱۳۱٥ شروع شده بود.

امور برق :

۱ـ نظرباحتیاج روزافزونیکه‌درکابل نسبت‌به‌برق احساس می‌شود اقدامات زیادی برای توسعهٔ قوای برقی بعمل آمده و منجمله علاوه بر یك پایه ماشین دیزل که در اخیر سال گذشته در مرکز نصب

شده درطول سال ۱۳۱۶ یك ماشین جدید بقوهٔ (۹۵۰) کیلوات برای کار خانهٔ بزرگ جبل‌السراج خریداری و توریدکرده شده چنانچه عنقریب بکار خواهدافتاد و آنوقت ماشین های سابقه که خدمت زیادی نموده زیر ترمیم و اصلاحات گرفته خواهد شد .

۲ـ کار ساختمان کار خانهٔ بزرگ برقی آبی (۳۰۰) کیلوات که در جك وردك ساخته میشود و آغاز آن در سال ۱۳۱۵ شده در جریان سال ۱۳۱۶ خیلی پیشرفت کرده و ممکن در سال ۱۳۱۷ عملیات مقدماتی تمدید نهر وبند آب تکمیل وکار نصب فابریکه شروع گردد .

مقرریها و ترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت فوائد عامه:

ع ، غلام محمد خان انجنیر برق بمدیریت عمومی برق ؛

ص ، نظام الدین خان سابق مدیر فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار بمدیریت جدید التشکیل تخنیکی نگرانی وفابریکه ها .

ص ، شیر محمد خان سابق متخصص پشمینه بافی مرکز ترفیعا به مدیریت فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار .

امور صحیه

نواتیکه دلچسپی وعلاقهٔ مفرطی درشئون مملکتی داشته و تحولات یومیه تمام شعب آنرا بانظر غورودقت مینگرند ملاحظه خواهند فرمود که درقسمت امور صحیه کهیکی ازشعب مهم حیاتی بشمارمیرود ، دردوام هرسال قدمهای فراخترومتین تر برداشته شده و توجه خاصیکه حکومت نسبت بهآن مبذول فرموده ودرنظرداردجنبهٔ صحی مملکت تا آنجائیکه

ممکن است کسب ارتقاء نموده ومفهوم حقیقی صحت وتندرستی در تمام حصص وطن بسط وتوسعه یابد ، مسائل صحی وکار های متعلق بصحیه در جریان سال ۱۳۱۶ بمراتب ازآنچه که درسال گذشته بود پیشرفت حاصل نموده ووزارت صحیه را موفق گردانیده است تابه تعمیل نظریات وپروژه های حکومت متبوعه درهریك ازنواحی صحی بپردازد .

اینست که خلاصهٔ اجرا آت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت صحیه را ذیلاً ازنظر خوانندگان گرام میگذرانیم :

شعبهٔ تداوی داء الکلب :

داء الکلب مرضی است که بواسطهٔ گزیدن سگ دیوانه پیداشده وهمه میدانیم که هرگاه این مرض شوم درموقع لازمه اش معالجه نشود عواقب ناگواری برای مریض پیش کرده و بالاخر اورا بایك عالم اعراض وآلام مدهشه بدیار مرگ و فلاکت سوق میدهد . وزارت صحیهٔ درین سال موفق شد تاتوسط متخصص موسسهٔ باکتریولوژی مربوط خویش بمقدار مکفی از (واکسین) مرض سگ هار تهیه واحضار نموده وطرف استفادهٔ مراجعین سگ هار گزیده قرار دهد ، اینست که برای حاضر دوشعبه جهت پذیرائی ومعالجه هارگزیده گان افتتاح نموده است که یکی آن درخود موسسه باکتریولوژی واقع دارالفنون که درحقیقت موسسهٔ مزبوره یك انستیتو پاستور حقیقی است که درتمام ممالك دنیا معروفیت داشته ویك یك موسسه بهمین نام در هر مملکت موجود میباشد ، شعبهٔ دیگر آن درشفا خانهٔ ملکی مرکز دائرگردیده است تاحتی الامکان تسهیلاتی برای مراجعین ومریضان مصاب باین خطر بعمل آمده باشد چنانچه موسسه هایمذکور تاکنون به تداوی یك عده مراجعین پرداخته ونتایج مثبتی از آن بدست آمده در موسسه

باکتریولوژی علاوه برتهیه واکسین داء الکلب و تهیه خال چیچك که سالانه بریك مقدار مکفی تهیه گردیده ودر تمام نقاط مملکت بمصرف رسانیده میشود واکسین مرض کولرا (وبای هیضه) نیزتهیه واحضار گردیده میرود تا اگرخدا ناخواسته درکدام نقطه‌ازین‌مرض بروزنماید همانندم جلو آن‌مسدود گردیده وواکسین مزبور تطبیق یابد وهمچنان واکسین ضدمحرقه آماده شده برای استعمال حاضرکرده شده است .

فلمهای صحی :

بهراندازه که نشریات و تبلیغات و بالاخره کنفرانسهای صحی برای تنویر اهالی راجع با مراض و طرق و قایه یا حفظ ما تقدم از مرض وصورت اتخاذ طرز زندگی مطابق بقواعد حفظ الصحه خدمت مینماید ، سینما های صحی نیز بهمان اندازه و بلکه بیشتر از ان در طریق این‌منظور خدمت‌نموده و ناظرین‌را علی‌المشاهده از چگونگی یك مرض و صورت سرایت و نشو و نما و خرابی ها و اضرار وغیره آن در وجود ، مطلع ساخته و بدون شبهه آنها را از ابتلا به بسا امراض مهلکه نجات می‌بخشد علیهذا وزارت صحیه در پی اقداماتیکه راجع به نشر رسالهٔ دائر ساختن کنفرانس های ماهانهٔ صحی بکار برده و انرا دوام داده میرود ، چنانچه ملاحظه شد ، اقدام به توزیع فلمهای صحی نیزنموده وچنین تجویزکرده است تاهمیشه فلمهای‌صحی راجع بهرنوع امراض ومهلکه را مجاناً دردسترس استفادهٔ عموم گذاشته ودر قسمت دومرض خیلی منفور « سفلیس وسوزاك » که درسائر ممالك تخریبات مدهشهٔ خود را نشان داده وتاثیرنازیبائی‌درنسل بشری وارد میکنند فلمهای آنهارا بطورقطع خریداری نموده ودائماً درتمام نواحی مملکت درمعرض تماشای اهالی قرار دهد وطوریکه اشاره شد

تا کنون فلمهای صحی ازقبیل ملاریا سفلیس ، تیفوئید وغیره ازخارج وارد ودرمعرض نمایش ومشاهدهٔ عامه گذاشته شده وبرای تهیه و توزید سائر فلمهای لازمه نیزتشبث شده است .

۳ : ــ افتتاح شفا خانه های جدید در ولایات :

الف : شفاخانهٔ مستورات درسه ولایت ذیل :

۱ــ مزار شریف

۲ــ قندهار

۳ــ هرات

این سه شفا خانه تماماً ازپول اعانهٔ اعلیحضرت همایونی تاسیس یافته است .

ب : شفا خانه های مردانه :

۱ــ شفا خانهٔ ملکی دایزنگی	مربوط ولایت کابل		
۲ــ « « بادغیسات	«	«	هرات
۳ــ « « غورات	«	«	«
٤ــ « « قلات	«	«	قندهار
٥ــ « « شبرغان	«	«	مزار شریف

٦ــ شفا خانه بلدیه اندخوی : این شفاخانه دراثرتشویق وترغیب وزارت صحیه ازپول بلدیه واعانهٔ اهالی اندخوی تاسیس یافته وشفاخانهٔ موصوف هم به بلدیهٔ آنجا متعلق وازطرف وزارت صحیه مساعدتهای لازمه دربارهٔ آن بعمل آمده میرود .

۷ــ شفاخانه ملکی چخانسور مربوط حکومتی اعلای فراه .

علاوتاً در منطقهٔ اندخوی یك شرکت دوا فروشی نیز با جازهٔ

وزارت صحیه برطبق سائر شرکت های ادویه فروشی از طرف چند نفر شرکا تاسیس یافته و مجبور بهرعایت از مقررات اصول نامهٔ دوا فروشی ها قرار داده شده است.

٤ : ـ ترواتوریم : پروانتوریم که عبارت از استراحت خانه یا نقاهت خانه میباشد ، مؤسسه ایست که نسبت بهسناتوریم بیشتر مستلزم صرف پول و مصارف گزاف می باشد درین مؤسسه اشخاص ضعیف و آنهائیکه بدورهٔ نقاهت مرض آمده و محتاج استراحت باشند و نیز کسانیکه مستعد بقبول مرض سل بوده ودارای میکروب این مرض نمیباشند و غیره . . . جا داده شده تا مدت عود صحت کامله استراحت مینمایند .

تاسیس این مؤسسه خیلی مفید و نیز از پول اعانهٔ اعلیحضرت همایونی است که دقایق ضعف و اضطرات اشخاص ضعیف را ملاحظه فرموده ویك پول هنگفتی را اعانتا بوزارت صحیه لطف واحسان فرموده اند .

تعمیر ومحل ولوازم کار آمداین موسسه سردست تهیه و آماده گی بوده ودرشروع سال آینده اگر خدا بخواهد افتتاح می شود .

٥ : ـ عمارت شفاخانهٔ ملکی شمالی : کار ساختمانی عمارت شفاخانهٔ ملکی شمالی که بصورت عصری وموزونی است باتمام رسیده و اکنون شفاخانهٔ مزبور درعمارت جدید خویش نقل مکان نموده است .

٦ : ـ عمارت شفاخانهٔ ملکی مزار شریف : از پول اعانهٔ ملی و کمك عموم مامورین و ولایت مزار بتوجه و اهتمام جنرال محمد خان نائب الحکومه یك عمارت عصری برای شفاخانهٔ ملکی مرکز مزار شریف در قریب شهر تاسیس و کار تعمیر آن جاریست .

٧ : ـ شفاخانهٔ سیار : چون در اکثر اوقات در بعضی نواحی

وطن ، مجادله با کدام مرض ایجاب نموده وبدفع واجتای آن اقدامات سریعه لازم می افتد ، علیهذا وزارت صحیه برای آماده گی جهت اجرای این منظور واینکه عندالضرورة هیچ سکتگی در کار مجادله با کدام مرض رخ ندهد یك شفا خانهٔ سیار مکملی با سامان و لوازم و ادویهٔ آن تهیه دیده است تا دروقت لزوم سریعا باجرا آت خویش قیام ورزیده بتواند .

۸ : ـ بنای جدید مؤسسهٔ معالجات برقی ، وزارت صحیه درقسمت تداوی حکمی والکتریکی نیز داخل اقدامات گردیده درسال ۱۳۱۶ در جنب عمارت سابقهٔ اکسریز (در کابل) به تعمیر یك عمارت جدیدی پرداخته که عمارت موصوف بخواست خداوند تا اوایل سال آتی با تمام خواهد رسید ، درین عمارت انواع ماشین های جدید تداوی حکمی و الکتریکی از بهترین سیستم عصری نصب و طرف استفادهٔ مراجعین گذاشته خواهد شد ، راجع بخرید ماشین و لوازم آن اقدامات لازمه بعمل آمده وتا بسر رسیدن عمارت جدید ، وارد و بکار انداخته خواهد شد . موسسهٔ مزبوره پس از تکمیل در قطار بهترین مؤسسات اکسریز دنیا اخذ موقع نموده میتواند .

۹ : ـ کودکستان : کودکستان موسسه ایست که در سر نوشت آتیهٔ مملکت رول عمدهٔ ایفا مینماید لله الحمد مملکت ما هم نائل چنین یك موسسهٔ قیمتدار گردیده واز طرف وزارت صحیه زمینهٔ مقدمات آن در هذالسنه وضع گردیده است تا در آتی بخواست خداوند تکمیل و افتتاح شود .

این موسسه که جا دارد در اطراف آن هر چه تمجید و تعریف

کرده شود از پول اعانه علیا حضرت ملکهٔ معظمه شرف تاسیس حاصل نموده است .

۱۰ : ـ استخدام دکتور متخصص اطفال و منظوری یك تعداد بستره برای اطفال مریض : درسال ۱۳۱۶ وزارت صحیه یکنفر دکتور متخصص امراض اطفال (عزتمند انفوس سوله) را ازاطریش استخدام نموده واز مدتی است که این شخص وارد و بمعاینه و معالجهٔ اطفال مریض می پردازد ، ولی چون در بعضی موارد ، لازم می افتد برخی از اطفال بصورت بستری تحت نظر متخصص موصوف زیر معالجه قرار داده شوند . ازانرو وزارت صحیه منظوری یك تعداد بستره را برای اطفال نیز حاصل نموده است تا اطفال مریضی را که دکتور لازم بداند بصورت بستری زیر معالجه و تداوی خویش قرارداده .

۱۱ : ـ کورس قابله گی و پرستاری : امسال نیز مانند سالهای گذشته یکعده از متعلمات کورس قابله گی شفاخانهٔ مستورات و عدهٔ از طلاب کورس کمپودری و پرستاری شفاخانهٔ ملکی فارغ التحصیل گردیده و شهادتنامه های اصولی برای شان اعطا گردیده است تا بهر جا خواسته باشند بکار قابله گی و پرستاری بپردازند .

۱۲ : ـ توسیع صنوف قابله گی : چون از طرف اهالی یوما فیوماً رغبت وتمایل زیادی باین شعبه بملاحظه رسیده و هر روزه تعداد داخلهٔ صنوف آن درتزاید میباشد ، امسال در صنوف قابله گی ایزاد بعمل آمده وتجویزی بکار برده شده است تا مراجعین بصنوف متذکره محروم از تعلیم و تحصیل نمانده و در هر مورد پذیرفته شده بتوانند .

۱۳ : ـ درفهرستهای تعیین اخذ اجرت ساخت و تداوی و پرکاری دندان متعلق بمؤسسات دندان ساری مردانه و زنانه مربوط وزارت

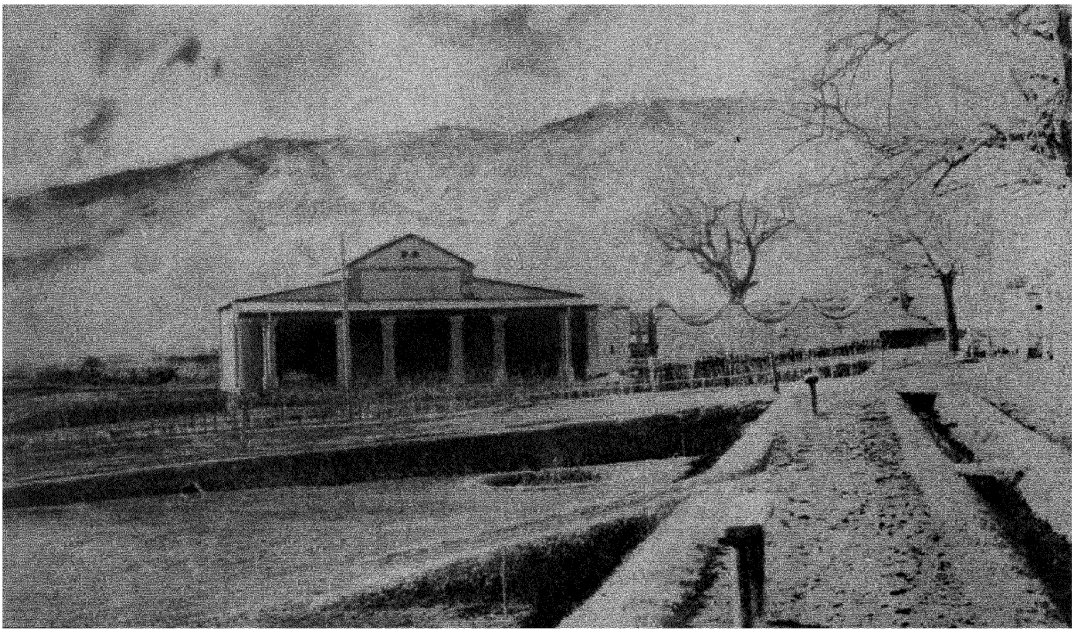

از عمرانات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای مشرقی دکان‌های مقابل باغ عمومی ماماجبل
Type des magazins nouvellement construits aux alentours des jardins publics de Mama-Khil
(Prov. de l'Est)

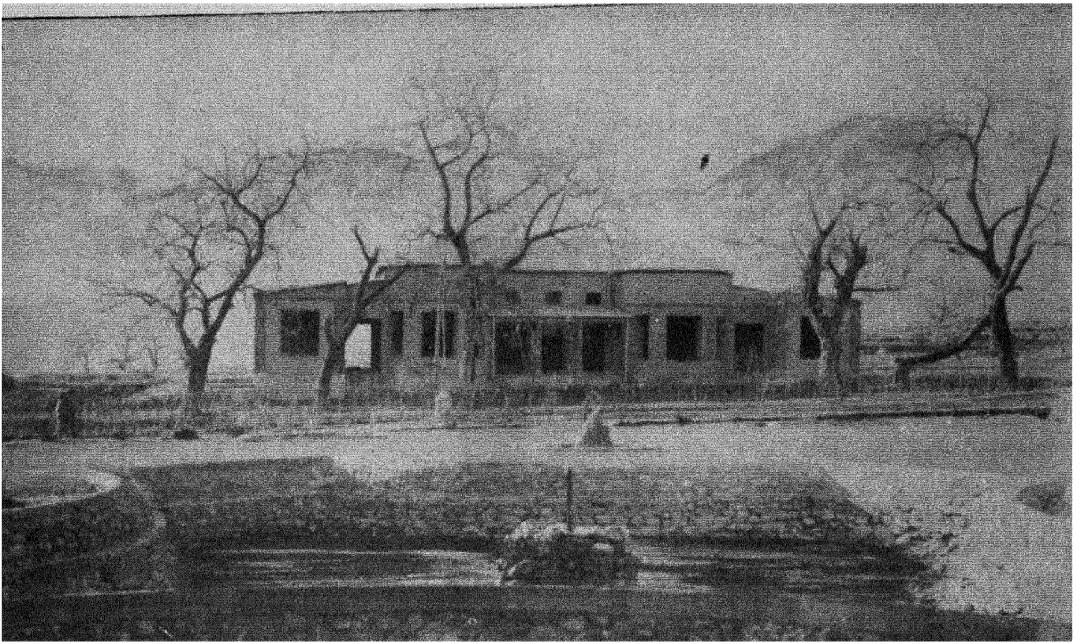

از عمارات سال ۱۳۱۶ حکومت اعلای سمت مشرقی : هوتل باغ عمومی ما ما خیل
Hotél nouvellement construit à Mama-Khil (Prov. de l'Est)

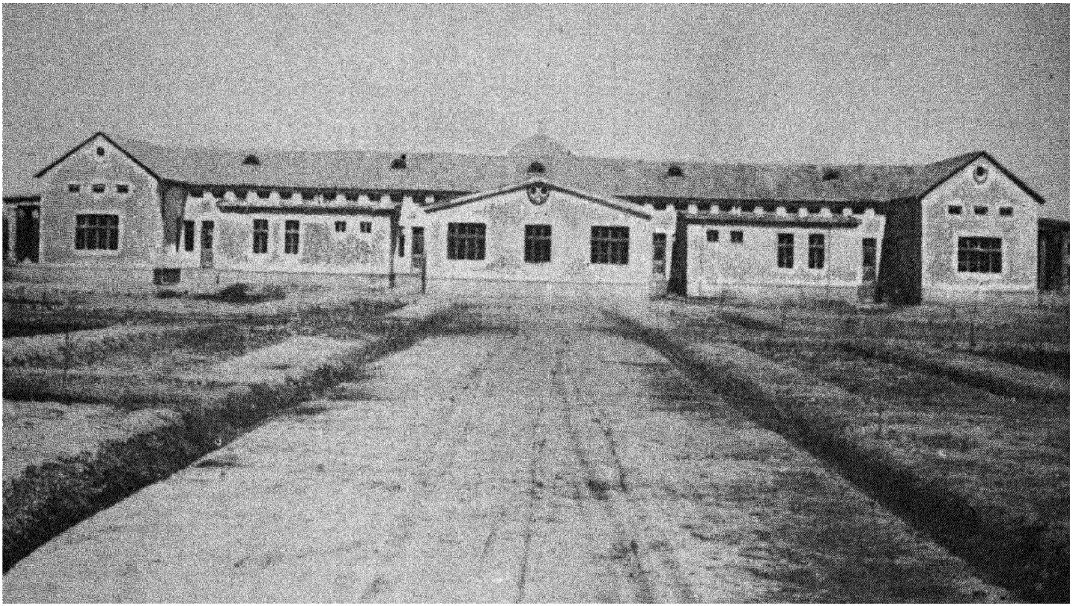

از عمرانات سال ۱۳۱۶ صحیی در ولایت مزار شریف : شفاخانهٔ ملکی

Hopital civil nouvellement construit à Mazar-ı-Chérif

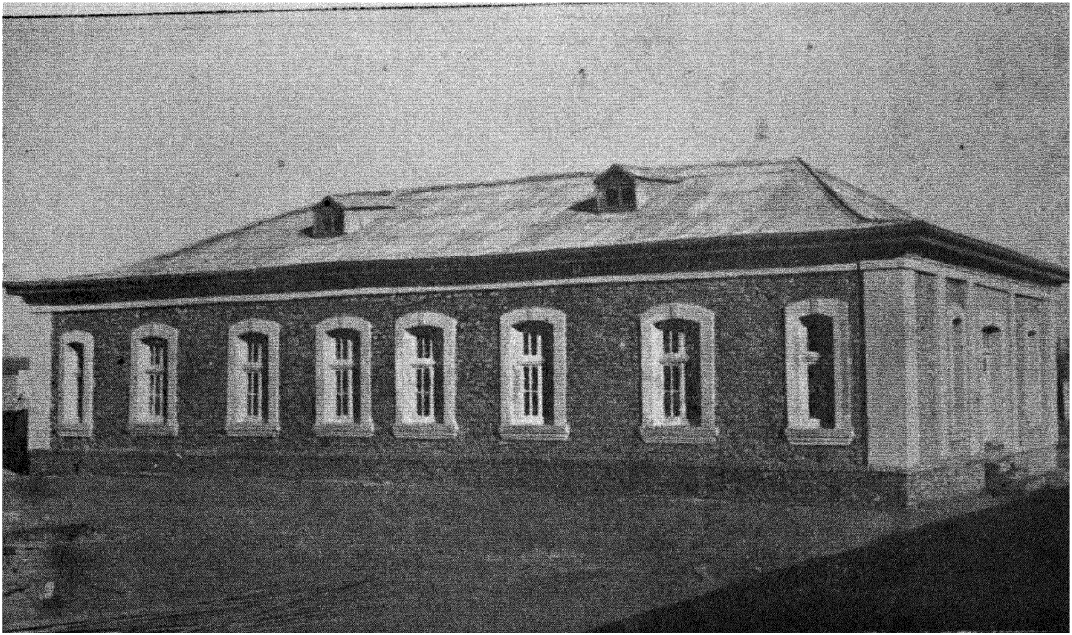

ارموسسات سال۱۳۱۶وزارت صحیه درولایت کابل: شفاخانهٔ ملکی جاریکار
Hopital civil nouvellement construit à Tcharikar (Prov. de Kaboul)

صحیه تعدیلاتی وارد گردیده و امسال در بسیاری از قلمات آن نسبت بسال گذشته تنزیل بعمل آمده است .

۱۴ : ـ برطبق معمول سنوات گذشته امسال نیز یاد داشتهای متعلق بامورصحیه برای ریاست بلدیه صادر گردیده تادرقسمتهای مربوط بریاست موصونه در دست اجرا گرفته شود .

۱۵ : ـ در سال ۱۳۱۶ قرار معمول همه ساله یك نفر دکتور و یك نفر کمپوندر با مقدار ادویه و سائر مایحتاج صحی حجاج افغانی بطرف بیت‌الله شریف اعزام گردیده‌ودکتور آن آقای سیدرشیدالدینخان مقرر شده است .

۱۶ : ـ در سال ۱۳۱۶ یك عده تعمیرات دیگری نیز در جنب عمارت شفا خانهٔ ملکی علی آباد که ملحق بشفاخانهٔ موصوف میباشد اعمار گردیده است .

۱۷ تفتیشات و تعقیباتیکه‌وقتاوقتاازطرف‌شعبهٔ تفتیش مدیریت مشاورهٔ فنی وزارت صحیه راجع به امور مختلفه و خصوصا شرکت های دوا فروشی بعمل آمده میرود نتائج خوبی داده و اکنون تمام کارهای شرکت های دوافروشی حسب هدایات ومقررات اصولنامهٔ دوا خانه‌ها به محور خویش دور میزند .

۱۸ : ـ مسئلهٔ تطبیق خال چیچك که در هر سال از ضروریات امور صحیه بشمار میرود در سال ۱۳۱۶ نیز در تمام نقاط دور و نزدیك مملکت تطبیق گردیده و تعداد خال زده شده گان آن بالغ (۱۳۳۰۸۱۵) نفر میشود .

۱۹ : ـ مدیریت مشاور فنی نظر به کثرت وظائف خود منقسم به‌سه‌شعبهٔ ذیل گردیده‌است : شعبهٔ شناوری، شعبهٔ‌تفتیش ، شعبهٔ‌ترجمانی .

۲۰ : ـ شعبهٔ نشریات وزارت صحیه مربوط مدیریت مجله گردیده و مدیریت موصوف بنام مدیریت مجموعهٔ صحیه و نشریات موسوم گردیده است .

۲۱ : مجموعهٔ صحیه که قبلاً ماهوار و سالانه ۱۲ شماره نشر می نمود درین سال جدیت و فعالیت بیشتری بکار برده و بجای ماهوار پانزده روزه گردیده در سال ۲٤ شماره تقدیم مشترکین خویش مینماید . از دیاد عدهٔ مشترکین مجلهٔ موصوفه نشان میدهد که خیلی جالب توجه خوانندگان گردیده بادلچسپی و علاقه شایانی از آن استقبال مینمایند .

۲۲ : ـ هفت نفر فارغ التحصیل های سال جاری مکتب طبی بعد ختم دورهٔ (ستاژ) بصفت معاونین دکتور و کفیل مدیر صحیه که اسامی و تعین رتبه و ماموریت شان در صفحه ۱٤۱ توضیح یافته است ، تقرر حاصل نموده اند .

۲۳ : ـ هشت نفر فارغ التحصیلان سال جاری فاکولتهٔ طب که شامل دورهٔ (ستاژ) میباشد اسامی وغیرهٔ شان مطابق فهرست صفحه ۱٤۱ کهتوضیح یافته است میباشد .

۲٤ : ـ دو نفر فارغ التحصیلان سال جاری دوا سازی وکیمیاگری در دواخانهٔ مرکزی تحت اثر متخصصین کیمیا شامل کارگردیده وبست اسامی شان در صفحه ۱٤۱ نگاشته شده است .

۲۵ : ـ هژده نفر طلبه برای اخذ تعلیم چیچك وگرفتن واکسین آن درهذا السنه بموسسهٔ باکتریولوژی وحفظ الصحه شامل تعلیم گردیده ودرین اواخر تعلیمات نظری راختم وشامل دورهٔ ستاژ میباشد .

۲٦ : ـ شش نفر طلبهٔ تحت اثر مستحضران خارجی بصفت

(مستحضرستاژبر) ودائمی مشغول فراگرفتن فن مستحضری میباشد .

۲۷ :- اعزام ص محمد علیخان بحیث دکتور شفاخانهٔ بلدیه افدخوی بایکنفر کمیوندر و جراح (کهافتتاح شفاخانه موصوف درذیل ماده ۳ تذکار یافته است)

۲۷ :- مستخدمین اتباع خارجه که جدیدا از طرف وزارت صحیه استخدام ووارد مرکز گردیده وبوظائف خویش می پردازند :

۱ :- استخدام مادام (الیس) سویسی سرپرستارهٔ شفاخانهٔ ملکی مرکز جهت پرستاری مریضان بستری وتعلیم پرستاران و غیره امور نظم ونسق شفاخانه برای مدت دوسال کهمشارالیها حاضر مرکز شده واجرای وظیفه میدارد .

۲ :- بای شرف الدین بیك (پروتیزین) کهقبلا راجع به استخدامش اقدامات شده بود درهذاالسنه واردمرکز گردیده .مشغول ساختن دندان درمؤسسات دندانسازی مردانه و زنانه میباشد .

۳ :- علاوه برموجودیت سرطبیب ومعاون های موظف نیز یکنفر دکتور متخصص سل موسوم به دکتور(از اگوا) پرتگالی استخدام و وارد مرکز شده وتحت اثر سر طبیب رفقی سناتوریم و سناتوریم مستورات بصفت یك دکتور متخصص اجرای وظیفه مینماید .

٤ :- سه نفرمستحضر آتی الذکر برای توسعهٔ موسسه باکتریولوژی وحفظه الصحه استخدام ودرین سال وارد مرکز گردیده وبه ترتیب ذیل درتحت نظر بای دکتور زهدی متخصص باکتریولوژی جهت اخذ و اکسین اجرای وظیفه مینمایند :

الف :- بای دکتورعثمان مستحضر اخذ واکسین سگ هار(دیوانه)

ب :- بای مصطفی او زمیر مستحضر اخذ اوساطه زرعیه وتعقیم

ج :- بای عاکف مستحضراخذ واکسین کولیرا (وبای هیضه)

٥ :- عزتمند علی محمدخان سرکمپوندر دوافروشی مرکزی دواخانهٔ عمومی کهاز مدتی درافغانستان بحیث معاون دکتور ایفای وظیفه نموده واخیراً بوظیفهٔ سرکمپوندری تقرر یافته بود نسبت به سفیدی محاسن و ضعف جسمانی اواز کار برطرف وبوطنش مرخص گردید و لی بنظر بهسابقه خدمت طولانی او درافغانستان ازطرف مقامات صالحه معاش کافی بطور مستمری برایش تعین گردیده و تجویز شده است تا توسط وکالت التجار افغانی مقیم پشاور ماهوار برایش پرداخته شود .

٦ :- عزتمند دکتور سید سعدالله شاه خان برای مدت دوسال استخدام وبوظیفهٔ دکتور مدیریت شفاخانه هرات مقرر گردیده است .

٢٨ :- اقدامات راجع به استخدام ٤ نفر متخصص ذیل :

الف : صورت استخدام یکنفر متخصص امراض ساریه

ب :- « « « « داخله

ج : « « « امراض داخله برای ریاست بلدیه

د- صورت استخدام یکنفر متخصص رونتگن (برای موسسهٔ اکسریز)

مقرریها وترفیعات سال ١٣١٦ وزارت صحیه :

ص ، عبدالرحیم خان معاون دکتور بمعاونی فنی شعبهٔ تفتیش مدیریت مشاوری وزارت .

ص ، عبدالهادیخان بحیث سرترجمان در شعبهٔ ترجمانی « « «

(هشت نفر ذیل فارغ التحصیلان ١٣١٦ فاکولته طبی میباشند که مشغول ستاژ اند) .

ص ، محمداسمعیل خان بحیث دکتور در شفاخانهٔ ملکی

« ، عبدالرحمن خان « « « عقلیه وعصبیه

ص ، فقیرمحمد خان بحیث دکتور بشفاخانهٔ ملکی
« ، عبدالغنی خان « « « «
« ، نوروز علیخان « « « «
« ، میرغلام حسین خان « « « «
« ، محمداسمعیل خان « « موسسه با کتر
« ، عبدالرحمن خان « « شفا خانه ملکی

هفت نفر ذیل فارغ‌التحصیلان سال ۱۳۱۶ مکتب طبی میباشند.

ص ، فقیرمحمدخان بحیث معاون دکتور در شفاخانهٔ ملکی
« ، سید محمدخان معاون‌دکتوربکفالت مدیریت صحیه لهوکرد
« ، عبدالمجید خان « موسسه با کتر.
« ، سیدرضاء خان به فاکولتهٔ طبی جهت‌تکمیل‌تحصیلات‌مقررشده.
« ، میرمستحق‌خان بحیث معاون دکتور درشفاخانهٔ عقلیه وعصبیه
« ، عبدالخالق خان « « « « ملکی
« ، عبدالغنی خان « « « بکفالت‌مدیریت صحیه‌جنوبی

دو نفر ذیل فارغ التحصیل مکتب کمیا گری و د و اساز ی شعبهٔ فاکولته طبی میباشند که بمدیریت دواخانهٔ عمومی مشغول ستاژاند.

ص ، محمدحیدرخان بحیث دواساز در دواخانه عمومی
« ، محمدرسولخان « « « «

امور پست ، تلگراف و تیلفون

امور مخابرات که دراساس ترقیات مدنی هرمملکت واقع و بدون آن در هیچیك از شئون ملی و دولتی ترقی و پیشرفت صحیح بعمل آمده نمیتواند ، همانطوریکه درین دورهٔ چند سال اخیر مورد توجه

مخصوص واقع شده در سال ۱۳۱۶ بیش از پیش بسط و توسعه یافته و موسسات مخابراتی بزرگی که از هر رهگذر حوائج حالیه و آیندهٔ مارا تکافو کرده بتواند ـ تاسیس وخطوط مواصلات پستی ، تلگرافی و تیلفونی تقریبا در تمام نقاط مملکت امتداد یافته است . خلاصهٔ اجرا آت مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت پست و تلگراف و تیلفون قرار ذیل است :

شعبهٔ ارتباط خارجی :

۱ـ تبدیل رنگ پستی ٤٥ پولی ازآبی بسرخ و۷۵ پولی ازسرخ به رنگ آبی مطابق باصول بین المللی و توزیع دو نوع تکت های مذکور توسط دفتر بین المللی پستی برن به ممالك عضو اتحادیهٔ پستی بین المللی .

۲ـ تهیه وطبع تکت پست یادگاری وپنجاه پولی بنقش بمناسبت جشن استقلال سال ۱۹ که دارای تصویراعلیحضرت محمدنادرشاه شهید میباشد .

۳ـ قبول تبادلهٔ پسته های سربستهٔ وارده ازجاپان .

٤ـ « « « « « « « فرانسه

٥ـ شمولیت افغانستان بقرار داد پارسل پستی توسط وزارت مختاری افغانی مقیم پاریس و اشعار اطلاعات لازمهٔ آن بدفتر پستی بین المللی برن .

٦ـ افتتاح تبادلهٔ پارسلات پستی باخارج ازراه هند از تاریخ اول فروری ۱۹۳۸ (۱۳ قوس ۱۳۱٦) .

۷ـ اخذ ترتیبات برای محصولات تلگرافی حقوق ممالك خارجه

از دوائر رسمی حکومتی از تاریخ اول جنوری ۱۹۳۸ .

۸ـ اقدام برای خریداری یکپایه ماشین اخذ حوادث جوی .

۹ـ موافقه باهند برتبادلهٔ پسته مستقیماً بین دفاتر پستی کابل وپشاور وسرعت مواصلت پسته ازین رهگذر ـ تبادلهٔ پسته قبلاً دردفاتر پستی سرحدی درطور ختم ولندی کوتل صورت گرفته و ازین رهگذر بتاخیر می انجامید .

شعبهٔ پست :

۱ ـ خریداری وتورید مواهیر پستی برای شصت وشش پسته خانه های مربوطهٔ ولایت که نظر به توسعهٔ امور پستی جدیداً فرمایش داده شده .

۲ ـ خریداری شش عراده موتر شنی (کوه گرد) جهت حمل ونقل پستهٔ درنقاط نا هموار .

۳ ـ خریداری وتورید یك تعداد موتر های پستی و بکارانداختن آن در خط قندهار و قطغن و بدخشان و پشاور وغیره .

٤ ـ تاسیس پسته خانه درپل خمری .

٥ ـ تعدیل صدور پوستهٔ سمت قندهار و فراه از هفتهٔ یك مراتبه به هفتهٔ دومراتبه .

٦ ـ چالانی پسته بین اندخوی و شبرغان .

۷ ـ رسانیدن مقررات امور پستی به تصویب موسسات تقنینیه و طبع و توزیع اصولنامهٔ پستی .

شعبهٔ تلگراف و تیلفون :

۱ ـ تکمیل کار نصب تلگراف خانه های بزرگ بیسیم آخذه و مرسله در کابل کهبا تمام دنیا مخابره کرده میتواند وهر دوتلگراف خانهٔ مذکور افتتاح شده است .

۲ ـ افتتاح تلگراف خانهٔ بیسیم مزار شریف .
۳ ـ « « « میمنه و تکمیل عمارت آن
٤ ـ « « « دایز نگی
٥ ـ خریداری جهارعدد ماشین امپلی فایر (بزرگ کنندهٔ صدا) برای مخابرات تیلفونی بین کابل وفراه وهرات ونصب وبکاراندا ختن آنها .
٦ ـ خریداری سامان کیبل (سیم زیر زمین) برای تیلفون های شهر وتورید ونصب آن .
۷ ـ تمدید سیم تیلفون جدید به مقامات ذیل .
الف ولایت کابل :
۱ ـ ازمرکز کهمرد تاسیغان بطول ۲٤ کیلومتر (درشرف تکمیل است)
۲ ـ « غزنی تا وازخواه کتواز بطول ۱۵۱ کیلومتر (ازراه ناوه سکیر ومرجانی)
۳ ـ ازمرکز کتواز تا امته بطول ٤۰ کیلومتر .
٤ ـ از مرکز جلریز تا آهنگران بطول ۳ کیلومتر .
ب : ولایت قندهار :
۱ ـ برای فرقهٔ عسکری سیم تیلفون باصول اساسی تمدید وسوج بورد نصب گردیده که مخابرهٔ آن بخوبی جاریست .
۲ ـ بعلاقه داری دامان به پایه های چوبی سیم تمدید و تیلفون هم نصب گردیده مخابرهٔ آن جاریست مسافه ۲٤ کیلو متر .
۳ ـ در داخل شهر به دو ائر رسمی و تجارت خانه ها و منازل شخصی یك تعداد تیلفون محصولی نصب شده است .
ج : ولایت هرات :
۱ ـ اصلاح سیم های عمومی تیلفون .

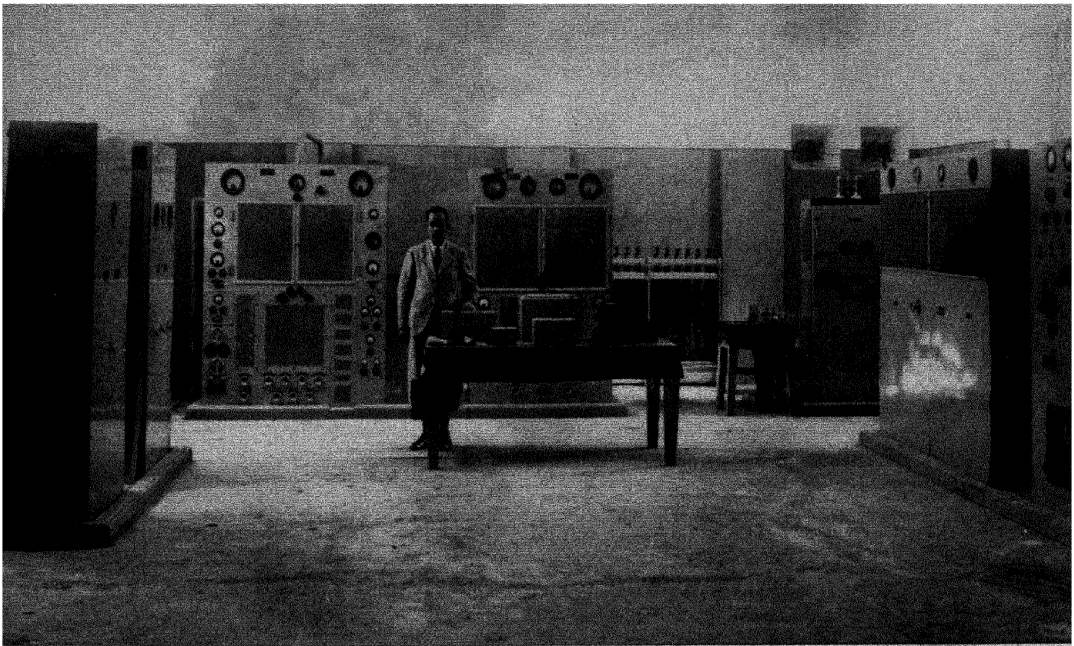

از موسسات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت پست وتلگراف در کابل . مطرهٔ داخلی دستگاه بزرگ بیسیم مرسلهٔ واقه یکه‌توت

La nouvelle station expéditrice de T.S.F. (communicant avec le monde entier) à Kaboul

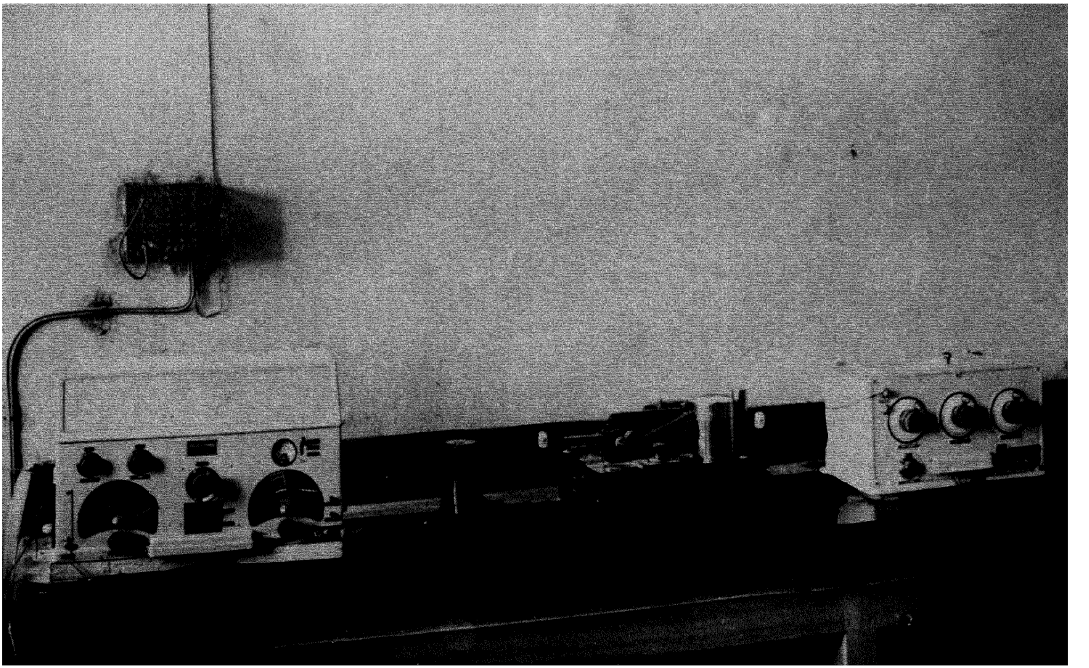

از موسسات مهمهٔ سال ۱۳۱۶ وزارت پست و تلگراف در کابل مطبهٔ داخلی دستگاه اتحادیهٔ بیسیم مهتا

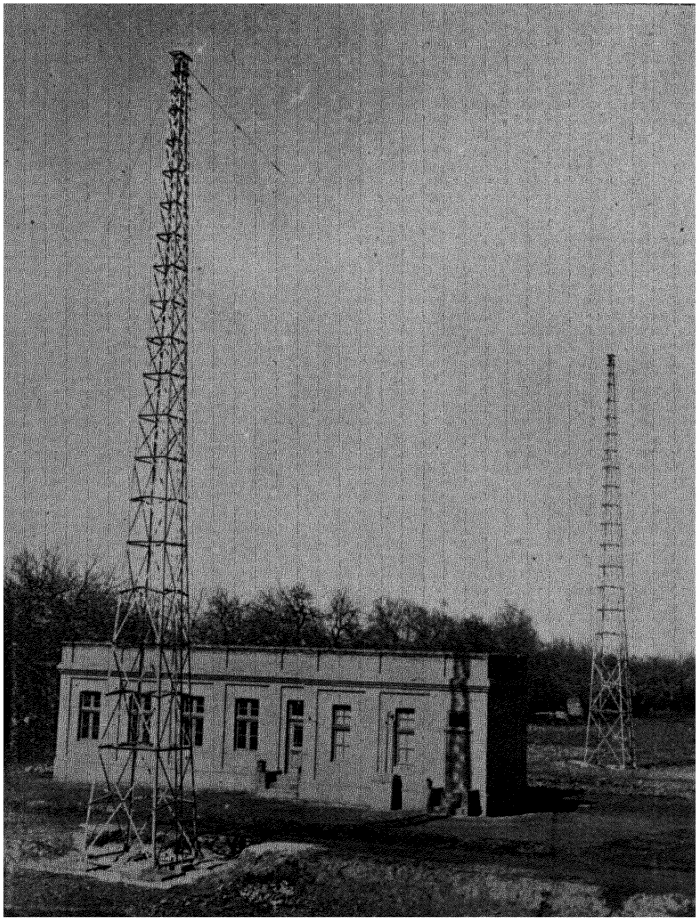

رمؤسسات سال١٣١٦ مخابراتی در ولایت مزار شریف : تلگرافخانهٔ بیسیم
Station radio-télégraphique nouvellement construite
à Mazar-i-Chérif

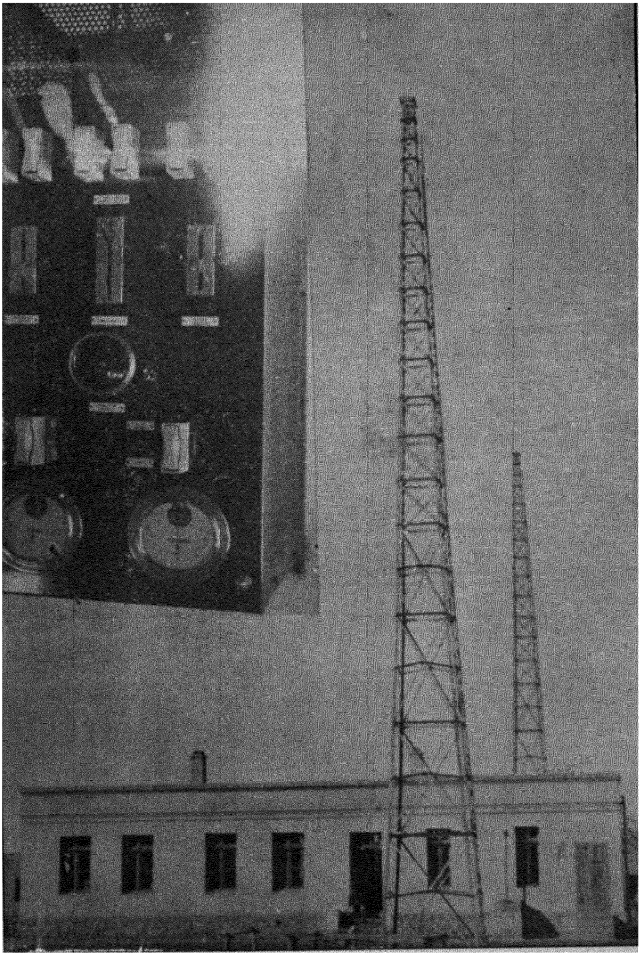

ارمؤسسات سال ۱۳۱٦ وزارت پست وتلگراف درمیمنه : تلگرافخانهٔ یسیم
Station radio-télégraphique nouvellement construite
à Maimanah

۲ تمدید یك عده سیم ونصب تیلفون های زیاد بدوائر و خانه های شخصی و تجارتخانه ها وغیره .

د ، ولایت مزار شریف :

۱ ـ اصلاح سیم های عمومی تیلفون .

۲ـ تمدید یك تعداد سیم ونصب تیلفون بدوائروتجارتخانه‌هاوغیره .

ج ، ولایت قطغن و بدخشان :

۱ : تمدید سیم تیلفون درمرکز خان آباد بحکومت غوری .

۲ یك خط تیلفون ازعلاقه داری تاله بدرهٔ اشرف امتداد وکنار آن ا کمال سده .

۳ تمدید یك تعداد سیم ونصب تیلفون دوائر مرکزی وتجارت خانه ها و غیره

شعبهٔ حمل و نقل :

۱ ـ خریداری ۳۵۰ عراده موتر بزرگ بارکشی ٤ تن و ٤ونیم‌تن از رقم فورد و بد فورد که اکثر آن وارد وبرای امورحمل ونقل دولتی وغیره بکار انداخته شده و باقی در شرف ورود است .

۲ ـ تعمیر یك سلسلهٔ موتر خانه ها برای موترهای جدید که قسمةً در سیا سنگ و قسمةً در برکی وغیره ساخته شده و درشرف تکمیل است .

۳ ـ تربیه و تهیهٔ یکعده موتر ران و شاگرد موتر ران برای موتر های حمل و نقل .

شعبهٔ هوتلها :

۱ ـ اصلاحات جدید در انتظام و سامان هوتل کابل چنانچه

عایدات هوتل مذکور در سال ۱۳۱۶ نسبت به ۱۳۱۵ (۲۵) فیصد زیاد شده است .

۲ ـ تعمیر گاراجها و دکانهای هوتل دوآب میخ زرین که در شرف تکمیل است .

۳ ـ تعمیر هوتل جدید در استالف که در شرف تکمیل است .

٤ ـ ترمیم هوتل بهار و هوتل فرح پغمان .

٥ ـ شروع تعمیر یك هوتل عصری جدید در میمنه .

فابریکهٔ ترمیم موتر :

این فابریکه که برای ترمیم عراده ها و بعضی کارهای بسته کاری وغیره ازچند سال باینطرف تاسیس واز دوسال باینطرف بوزارت پست وتلگراف مربوط گردیده ، درسال ۱۳۱٦ یك عده ماشین های جدید دران بکار افتاده وازطرف دیگر درنرخها تنزیل زیادی داده است . نتیجه درین او قات عدهٔ مراجعین خیلی بلند رفته و ضمناً موتر های پوسته نیزدران هموازه ترمیم شده ومیشود و علاوه از کار ترمیم موتر یك عده کارهای بسته کاری وغیره نیز درفابریکهٔ مذکور انجام میگردد . اررروی احصائیهٔ که مدیریت فابریکه ترتیب داده کار کردگی سال ۱۳۱٦ نسبت به سال ۱۳۱٤ فیصد (٦۰۰) ونسبت به ۱۳۱٥ فیصد (٤۰۰) اضافه شده وهم تناسب عایدات با مصارف بتدریج نزدیك واخیراً بلهٔ عایدات بلند رفته است .

اجراآت متفرقه:

الف : تشکیلات و تعدیلات اداری :

۱ ـ تشکیل مدیریت عمومی حمل ونقل برای کارهای حمل ونقل دولتی

۲ـ مأموریت هوتل ها نظر بوسعت کار های مذکور بمدیریت تبدیل وتشکیل یافته است.

۳ـ در بست مدیریت تلگراف و حمل و نقل پوسته یك اندازه مأمورین اضافه شده.

مقرریها وترفیعات سال ۱۳۱۶ وزارت دست وتلگراف وتیلفون:

ع، غلام جیلانی خان سابق مدیر حمل و نقل پوسته ترفیعاً به مدیریت عمومی حمل و نقل.

ص؛ عبدالخالق خان سابق مدیر شعبهٔ تلگراف وتیلفون تبدیلاً بمدیریت حمل و نقل پسته.

ص، امین الله خان مأمور شعبهٔ هوتلها ترفیعاً بمدیریت شعبهٔ تلگراف و تیلفون.

ص، احمدشاه خان مدیر ابتدائی شعبهٔ پست ترفیعاً بحیث مدیر انتهائی

ص، عبدالعزیز خان مأمور فابریکهٔ ترمیم موترها باثر وسعت یافتن تشکیلات فابریکهٔ مذکور ترفیعا بحیث مدیر ابتدائی فابریکهٔ مذکور

ص، غلام دستگیر خان سابق سرکاتب هوتل کابل ترفیعاً بمأموریت هوتلها

امور زراعت و فلاحت

امور زراعت ازلحاظ زراعتی بودن افغانستان، یکی از شعب درجه اول اقتصادی مملکت را تشکیل داده خیلی طرف توجه حکومت متبوعهٔ ما واقع میباشد، از همین جهت است که در سال ۱۳۱۶ نظر به نقشه هائی که حکومت متبوعه نسبت به بسط وتوسعهٔ آیندهٔ زراعت سنجیده است امور زراعت ازوزارت تجارت منفك و بصورت یك ریاست مستقل تشکیل

یافته و ج ، میرمحمد یوسف خان سابق مدیرمکتب زراعت که درفرانسه به شعبهٔ زراعت تحصیل کرده اند ، بریاست مذکور مقرر ودرقطار اعضای کابینه شامل شده و نیز یك تشکیل نسبةً وسیعی برای ادارهٔ امور زراعتی منظور ومتخصصین فنی دررأس هرکدام تعیین گردیده است .

خلاصهٔ اجرا آت سال ۱۳۱٦ شعبات زراعتی قرارذیل است :

تبصره: حون ریاست زراعت دراخیرسال تشکیل شده اجرا آت ذیل عبارت ازهمان اجرا آتی است که درتحت انروزارت تجارت بعمل آمده.

الف امور بندها وانهار : اموربند ها که درسالنامهٔ گذشته بتفصیل داده ایم درین سال محض کارکرده گی سال ۱۳۱٦ آن رابیان میکنیم :

۱ ـ بند سراج غزنی : کار تعمیر این بندسابق ختم و یك مقدار آب کافی دران همه ساله ذخیره میشود دروازه و بلهای آن که جدید ازخارج خواسته شده عنقریب رسیده نصب خواهد شد تنها بعضی ترمیمات ودرز گیری آن در هذالسنه بعمل آمده .

۲ ـ بند خروار لوگر : درین سال کارساختمانی مذکور جریان داشته صورت کار کرده گی مذکورقرار ذیل است :

سنگ کاری ازجمله ٦۰۰۰۰۰ متر مکعب که بر آورد شده ـ ازابتداء تاکنون ۳۰۰۰۰۰ مترمکعب آن باتمام رسیده و۳۰۰۰۰۰متر مکعب باقیمانده پخته کاری ازجملهٔ ۱۲۰۰۰۰ مترمکعب که برآورد شده ـ ۷۰۰۰ متر مکعب تمام و ۵۰۰۰ مترمکعب پخته کاری با ۹۰۰مترمکعب سمنت کاری باقیمانده .

۳ ـ بند قرغه : صورت کارشده گی سال۱۳۱٦قرار ذیل است :

۱ ـ ازجملهٔ ۷۳٦۰٦۰۰ مترمکعب حجم دیواربند از ابتداء تاحال ۲۵۰۰۰۰۰ متر مکعب تکمیل و ٤۸٦۰٦۰۰ مترمکعب باقیمانده ـ

۲ـ ازبرج مجرای آب ۴۰۰۰ متر مکعب بخته کاری از سنگ خشتی وسمنت بعمل آمده است .

۴ـ بند زنه خان غزنی : کاراین بند قریب اختتام بوده دروازه وپل بند نصب شده که در سال ۱۳۱۶ یك مقدار آب دران ذخیره شده والبته برای سال آینده کاسهٔ بند بدرجهٔ کافی مملوخواهد شد .

حجم تعمیر بند قرار برآورد مهندس ـ ۴۵،۷۵۲ متر مکعب است حصهٔ کارشده گی ازابتداء تاحال ۲۴،۱۱۵ متر مکعب کارباقی مانده ار روی مترمکعب قرارذیل است :

بخه کاری چونه وریگ ۱۰،۵۰۰ متر مکعب .

چصه کار کانکریت ۱۸۳ متر مکعب .

کار سنگ تارچه وسمت وریگ ۹۵۴ متر مکعب .

۵ـ بند مچلغوی سمت جنوبی : یك حصهٔ مهم کار تهداب بند مچلغو باتمام رسیده چون حسم بند به نسبت بند های دیگرخورد تراست ممکن که بمدت سه سال دیگر بند مذکور باتمام برسد . حجم بخته کاری بند مچلغو قرار برآورد مهندس ـ ۴۰۳۲۶ متر مکعب است حصهٔ خام کاری ـ ۱۴۲۰۰ متر مکعب حصهٔ بخته کاری که از شروع تا حال شده است ۱۶۷۶ متر مکعب حصهٔ بخته کاری باقیمانده ۳۸،۶۵۰ متر مکعب حصهٔ خام کاری باقیمانده ۶۹۰۰ متر مکعب .

۶ ـ نهر سراج مشرقی : کار های نهر سراج مشرقی از قبیل تعمیر بروقهای جدید و ترمیم بعضی حصه های نهر مذکور و پاك کردن نهر احتیاطات لازمه گرفته شده در وسعت اراضی قابل الزرع و آبادی نهر مذکور افزوده خواهد شد .

ب ـ امور باغها و نباتات : درباغهای مربوطه بسلسلهٔ سابق

تجارب فنی برای اصلاح نباتات بعمل آمده متخصصین جاپانی وغیره بکمك طلبهٔ افغانی در هر حصه برای کشت اجناس جدید و تربیهٔ حیوانات و اصلاح نباتات صرف مساعی کرده اند خصوصا موسیو اوزاکی جاپانی در حصص پغمان و چهار دهی برای زراعت نهال های جنگلی از قبیل پسته . ارغوان ، بلوط ، اکاسی و اقسام صنوبر و بته های حای و تنباکو و غیره تجارب خود را شروع کرده است .

ج - تربیهٔ گرم پیله : منحصص گرم پیله ، تجارب خود را بالای تربیهٔ گرم پیله شروع نموده از روی معلومات وتجارب که اخذ نموده است پروگرام کار و حوایج خود را برای سال آینده پیش نهاد نموده درسال ۱۳۱۷ انشاءالله نتایج اطمینان بخشی حاصل خواهد شد .

د - تربیهٔ گوسفند مری نوس وانتشار نسل آن درافغانستان :

درمرکز ومزارشریف وقطغن ومیمنه وهرات وقندهار که بتفاریق یکعده قوچ و میش مرینوس از خارج خریداری وفرستاده شده نتایج محصوله اطمینان بخش است ودر ولایات ومرکز جوچه هائیکه ازجنس مرینوس ووطنی حاصل شده استخیلی باصل جنس مرینوس مشابهت دارد وبه این قسم یك عدهٔ زیاد جوچه حاصل شده است .

ه - نهال شانی :نهال شانی باساس توصیه وتشویقات ذات اشرف ملوکانه وتوجهات نائب الحکومه‌ها وحکام اعلی وحکام کلان وحکام ثلاثه وغیره مامورین مربوطه خیلی وسعت یافته واز روی احصائیه های مرتبه معلوم میشود که درسال ۱۳۱۶ نهال شانی نسبت به سال ۱۳۱۵ روی همرفته درتمام افغانستان زیاده از (۲۴) فیصد ترقی کرده بشرح ذیل :

(۱) ولایت کابل (۲۰) فیصد
(۲) « قندهار (۱۱) «

(۳) ولایت هرات (۳۰) فیصد
(٤) « مزار شریف (۳۵) «
(۵) « قطغن وبدخشان (۱۵) «
(٦) حکومت اعلای سمت مشرقی (۱۲) «
(۷) « « جنوبی (۸) «
(۸) « « میمنه (۷۰) «
(۹) « « فراه وجخانسور (۲۰) «

و ـ اجرا آت متفرقهٔ زراعتی در ولایات :

ولایت کابل :

۱ ـ غرس اشجار در تمام نقاط ولایت کابل که جه بروز های قلبه کشی وجه درباقی مواسم ازطرف حکومت واهالی بعمل آمده .

۲ ـ غرس اشجار دردوطرفهٔ سرك های جدیدالاحداث وسابق .

۳ ـ منع قطع اشجار دربعضی نقاط مثل یغمان وغیره .

ولایت قندهار :

۱ ـ زراعت پنبه درین سال درولایت قندهار نتائج بهتری داده وهیئت های متخصصین کشت زار های پنبه را جهت معلوم کردن نواقص آن ملاحظه کرده اند .

۲ ـ احداث باغها در مرکز قندهار وتشویق اهالی به ساختمان باغچه های شخصی

ولایت هرات :

۱ ـ مدیریت فوق العادهٔ جنگلات بر اثر پیشنهادات مدیریت زراعت در مناطق باد غیسات تشکیل و بیست و دو خروار هرات پسته جمع کرده که خود را در اراضی باد غیسات بذر نموده و پسته های

بذر شدهٔ سال گذشتهٔ و جنگلات سابقهٔ پسته را بخوبی محافظه کرده است و هم پستهٔ حاصله را بخوبی محافظت کرده تا پخته شده و از ان رهگذر فایدهٔ ملی و تجارتی بعمل آمده است .

۲ ـ برای ترویج بادام مقدار سه خروار بادام بحکومت کلان غوراب ارسال شده تا در نقاط لازمه بذر گردد .

۳ ـ بخمین پنجهزار جریب زمین موسوم بفرق زنده جان که ریگزار و لامرروع بوده امسال برای زراعت تحت نظر گرفته شده که تخمین (۵۰۰) جریب آن پسته و بادام بذر شده ودر دیگر حصه آن خنجك و کاسوز وعناب و انجیر وغیره بذر وغرس خواهدشد .

٤ ـ باطراف پل پشتون که کناره‌های دریاست باندازه پنجصد جریب زمین برای احداث جنگل در نظر گرفته شده است : •

۵ ـ ازسبب کم رسی آب به تحت سفر تعمیر یك حوض ۳۶ در ۲۵ متر در نظر گرفته شده که در مرتبه دوم آن بسکل سه مرتبه ساخته و پخته کاری شود.

ولایت مزار شریف :

بنأسی افکار نیکخواهانه حکومت مبنوعه باحداث جنگل باغ های بزرگ درچند حکومات محلیهٔ که زمین مساعد و آب بقدر کفایت موجود می شد اقدامات لازمهٔ شروع وتادرجهٔ موفقیت حاصل شده است به این تفصیل بحکومات بلخ ، دولت آباد ، اقچه ، سبرغان ، سر پل تا شقرغان ، درین شش حکومتی در مواضع قریب مرا کز از دو صد وپنجاه الی سه صد جریب زمین یك یکباغ بزرگ جنگل و ذخیره احداث شده ترتیب خیابانها و تقسیمات حصن های آنهم به بسیار وضع درست اجرا شده و درهر باغ به تعداد زیاد نهال های مثمر و به

لك ها قلمهٔ حنار و بید شانده شده که هر باغ در قسمت خود باعث زینت همان محل گردیده و حالا شکل یك تفرجگاه عمومی را بخود گرفته امید است که در ظرف شش یا هفت سال اهالی هر منطقه و هم حکومت از آوردن و رساندن حوب کنار آمد عمارات از یك نقطه به نقطهٔ دیگر بالکل فارغ ومستغنی شده احتیاجات هر شهر و محل از خود همان جنگل باغ حاصل شود وهم حاصل درخان مثمر آن باعث استفادهٔ زیاد خواهد شد.

و لایت قطغن :

۱ : مقدمانیکه برای توسیع زراعت پنبهٔ سال ۱۳۱۶ این ولا سنجیده شده بود ، تخمین کرده می‌شد که عایدات پنبهٔ امسال قطغن و بدخشان بدرجهٔ متوسط میزان ده ملیون سیر را که معادل هفتاد و یکهزار و شیصد و پنجاه و هفت تن میشود شامل خواهد شد ، مأسفانه باثر عارضهٔ (گرد) که یکی از آفات مدهش زراعتی است پنبه در وقتیکه گل کرده بود دچار نقصان گردید . معذالك به اندازهٔ (بیست و یك) لك سیر پنبه عایدات آن بدست آمد که این مقدار سه برابر عایدات پنبهٔ سال ۱۳۱۵ میباشد .

۲ : حاصل تریاك بدخشان درین سنه به ترقیات معقولی نایل گردیده و رویهم رفته چهار و نیم برابر عایدات سال ۱۳۱۵ تفوق جسته است

۳ : یکی از اجرا آت سال ۱۳۱۶ اصلاح نهر (جوزون) واقع فیض آباد بدخشان میباشد ، چون دریای کوکچه بزمین‌های فیض آباد آب داده نمیتواند و آب جوزون نیز مجرای درستی بداخل شهر موصوف نداشت لهذا باشندگان شهر فیض آباد از ین رهگذر احساس تکلیف مینمودند .

و ، ج شیر محمد خان نائب الحکومهٔ قطغن در حین افتتاح سرك

بدخشان این مسئله را تحت مطالعه در آورده امر دادند که بصورت فنی نهر مذکور وسعت داده شود و بحریان آب مساعد گردد بهمان اثر نهر مذکور آباد وبرای آبیاری شهر فیض آباد مساعدت در ستی بعمل آورد .

٤ : سابقا تمام اراضی حضرت امام صاحب از نهر شهر و ان مشروب میگردید ، حون سلسلهٔ آبادی اراضی و پیشرفت زراعت درین سنوات آخر در امام صاحب زیاد گردید - بدیهی است تنها نهر شهروان به آبیاری کل اراضی وسیعه امام صاحب کافی شمرده نمی‌شد ، لذا از طرف و لایت نقشهٔ به آبادی نهر کنم که در شرق حضرت امام واقع بوده واز دریای آمو آب میگیرد ترتیب ودرحدود این سنه تا اندازهٔ ۱۸ کیلومتر (شش کروه) به عرض (چهار) متر حفر و طرف استفادهٔ صحیح زراعتی قرار داده شد .

حکومت اعلای میمنه :

۱ - غرس نهال های مثمر وغیر مثمردر نقاط مختلفهٔ حکومت اعلی به تعداد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) اصله .

۲ - بذر تخم پسته در نقاط مختلفه

حکومت اعلای فراه :

۱ - غرس نهال های زیاد در مرکز فراه و باقی مراکز مهمه که حه ازقسم اشجار مثمر وحه ازقسم اشجار غیر مثمرکه بصورت باغهای ذخیره ساخته شده .

۲ - زراعت پنبه در خاشرود که نتایج آن در سال ۱۳۱٦ نسبت به سال ۱۳۱۵ خیلی اطمینان بخش بوده و برای صادرات مقدار کلی پنبه تهیه شده است .

مقرریهای مهمهٔ سال ۱۳۱۶ ریاست زراعت :

ع ، ص نور محمد خان متخصص زراعت به معینی ریاست .

ص ، محمد اسلم خان سابق مسئوفی و لا ت قند ها ر به مدیر یت کنتر و ل ر یا ست .

ص ، نادر علیخان سابق وکیل شورای ملی به مدیریت مأمورین و اجرائیه ریاست .

امو ر معادن

امورمعاد ن که یکی ازمهمتر ین بحث اقتصادی مملکت راتشکیل میدهد ، حوش بخا نه از مدتی با ینطرف مورد توجه حکو مت مبو عه واقع و جهت کنار انداختن ذخائر تحت الارضی و طن ترتیبات لازمه گرفته شده ، چنانچه برای این مقصد ریاست مستقلهٔ معاد ن بنار گی تشکیل و مشغول طرح پلا نهای مهم و اقدا مات بزرگی میباشد .

اجرا آتیکه در مرور سال گذ شته در امو ر معاد ن تحت نظر وزارت تجارت بعمل آ مده یکی انعقاد قرار داد استخراج معاد ن جنوب است با یك شرکت افغان و المان و دیگر کنار انداختن معدن ذوغال غور بند که برای داشهای خشت پزی وغیره مصارف مقدارزیاد ذوغال بمرکز آورده شده است .

اعطای نشان

فهرست نشانهائی که درمرور سال ۱۳۱۶ ازحضور اعلیحضرت همایونی اعطا گردیده :

(۱) برای داکتر هنری هراس هسپانیولی مستشرق ومدیر دارالفنون بمبئی بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ۱۵۳ تاریخی ۲۹ ثور نشان درجه دوم معارف.

(۲) برای داکتر کورت تسمیکی و زیر مختار دولت المان بموجب اعتبار نامهٔ ٤٥٤ تاریخی ۱٦ سنبله نشان سردار عالی.

(۳) برای عزتمند ظفر حسن خان سرمعلم تویحی مکتب حربیه بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۱۱۸۹ تاریخی ٥ میزان نشان استوردرجه سوم.

(٤) برای ع ، ج عبدالرحمن عزام وزیر مختار دولت شاهی مصر بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ٥۹۷ تاریخی ۱٦ عقرب نشان سردار عالی.

(٥) برای عزتمند پروفیسر بای حسن رشاد رئیس فاکولتهٔ طبی بموجب اعتبارنامهٔ نمبر ٦۷۹ تاریخی ۲۹ قوس نشان استور درجه اول.

(٦) برای عزتمند دکتور بای رفقی کامل دکتور حضور ومشاور طبی وزارت صحیه بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ٦۷۸ تا ریخی ۲۹ قوس نشان سردار عالی.

(۷) برای ع ، ج کیتا دا و زیر مختار دولت جاپان بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۸۳۱ تاریخی ۱۷ دلو نشان سردار عالی.

۸ عزتمند مایور شانك المانی سرمعلم کورس عالی حربیه بموجب اعتبار نامهٔ نمبر ۲۰۸۸ ـ ۲۹ حوت ۱۳۱٦ استور درجه دوم.

مجلس شورای ملی

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس شورای ملی

معاهدات وقرار داد ها :

۱ : معاهدهٔ عدم تعرض بین ممالك جهارگانه افغانستان ، ترکیه ، ایران ، عراق .

۲ : پروتوکول تمدید معاهدهٔ مودت بین دولت شاهی افغانستان و دولت جمهوری تورکیه .

۳ : معاهدهٔ مودت بین افغانستان وحکومت چکسلواکی .

٤ : معاهدهٔ مودت بین افغانستان و دولت جمهوریه لیبریه .

٥ : قرار داد تجارتی دولت افغانستان ودولت جمهوریه چکسلواکی .

٦ : قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلینید اکسپور شن کمپنی) امریکائی .

۷ : قراردادامتیازمعادن افغانستان باشرکت مختلط افغان والمان .

اصولنامه ها :

۱ : اصولنامهٔ توزید ادویهٔ مخدره درافغانستان .

۲ : « صکوکات وتکت های محصولی .

۳ : « تلگراف .

٤ : لایحهٔ صنعت زرگری .

ضمایم اصولنامه ها :

۱ : تعدیل اصل ۲ ضمیمهٔ نمبراول اصول اساسی مملکت .

۲ : ضمیمهٔ اصولنامهٔ خزائن راجع به ضمانت ووکالت خزینه داران .

۳ : « « بلدیه درموضوع تعیین مرجع انتخاب مأمور های حکومات کلان وسایر حکومات تصویب بودجهٔ سال ۱۳۱٦ مملکتی .

مجلس اعیان

تصویبات سال ۱۳۱۶ مجلس اعیان :

معاهدات ها و قرار داد ها :

۱ـ معاهدهٔ عدم تعرض بین ممالک جهار گانه افغانستان، ترکیه، ایران، عراق.

۲ـ پر وتوکل تمدید معاهدهٔ مودت بین دولت شاهی افغانستان و دولت جمهوریه ترکیه .

۳ـ معاهده مؤدت بین افغانستان و حکومت چکسلواکی .

٤ـ معاهدهٔ مودت بین افغانستان و دولت جمهوریه لیبریه .

٥ـ قرارداد تجارتی دولت افغانستان ودولت جمهوریه چکسلواکی .

٦ـ قرار داد استخراج نفت افغانستان با (ایلند اکسپلو ریشن کمپنی) امریکائی .

۷ـ قرارداد امتیاز معادن افغانستان با شرکت افغان والمان .

اصولنامه ها :

۱ـ اصولنامه بورید ادویه مخدره در افغانستان .

۲ـ « « صکوکات وسکت های محصولی .

۳ـ « « تلگراف .

٤ـ لایحهٔ صنعت زرگری .

ضمایم اصولنامه ها :

۱ـ تعدیل اصل ۲ـ ضمیمهٔ نمبراول اصول اساسی مملکت .

۲ـ ضمیمهٔ اصولنامهٔ خزائن راجع بضمانت ووکالت خزینه داران .

۳ـ « « « بلدیه درموضوع تعیین مرجع انتخاب مامور های حکومات کلان و سائرحکومات تصویب بود جه سال ۱۳۱۶ مملکتی .

بلدیهٔ کابل

۱ ـ خرید چندین عراده موترهای لاری برای امور عمل و نقل بلدی .

۲ ـ اقدام توربد یك دستگاه ماشین مسلخ برای نگه داشت (۴۰،۰۰۰) گوسفند ، گاو ، گوساله ، ترکاری و میوه جات و غیره که بسال ۱۳۱۷ ساختمان آن شروع خواهد شد .

۳ ـ همکاری در تاسیس شرکت عمران جهت ساختمان عمارت جدید در شهر.

۴ ـ همکاری در تاسیس شرکت ارزاق جهت توربد مقدار کافی ارزاق و ازوقه جات .

۵ ـ تهیهٔ (۵۰۰) خروار روغن برای مصارف زمستان شهر و دوائر رسمی .

۶ ـ ساختمان پنجاب مسجد در شهر .

۷ ـ تعمیر چندین آب روهای گذرهای شهر و ترمیمات نل‌ها و جادها.

۸ ـ خرید و انهدام خانه های ده افغانان برای کشیدن یك سرك جدید ازپیش روی ولایت کابل الی چهار راهی منصل مجلس اعیان .

۹ ـ تخریب دکانهای دورگنبد کوتوالی برای کشیدن یکسرك اساسی.

۱۰ ـ خریداری یك تعداد خانهای اهالی واقع لب دریا و برج وزیر وتخریب آن برای توسیع سرك تعمیر اپارتمان‌ها مطابق حصهٔ مقابل آن .

۱۱ ـ پخته کاری سرك های جدید شهر نو .

۱۲ ـ فرمایش بلهای بزرگ آهنی برای موضع شادوشمشیره و باغ عمومی.

۱۳ ـ ترمیمات و اصلاحات سرکها و فرش ریگ به تمام جاده‌های بزرگ شهر.

۱۴ ـ وضع مقررات برای حفظ الصحهٔ دکانهای خوراکه فروشی.

مطبوعات وطن

جرائد و مجلات حاضره

اسم	سال تاسیس	مدیر فعلی
جریدهٔ اتحاد مشرقی	ـ ۱۲۹۸ شمسی	جناب شمس الدین خان قلعتکی
(بزبان پشتو)		
جریدهٔ اتفاق اسلام هرات	ـ ۱۲۹۹	شمسی جناب میر محمد عثمان خان
« طلوع افغان قندهار	ـ ۱۳۰۰	« عبدالحی خان حبیبی
(بزبان پشتو)		
« بیدار مزارشریف	ـ ۱۳۰۰	« عبدالصمد خان
« اتحاد خان آباد	ـ ۱۳۰۰	« سید محمد خان
« ایس کابل پښتو و فارسی	ـ ۱۳۰۶	« محمد امین خان خوگیانی
« اصلاح « «	ـ ۱۳۰۸	« برهان الدینخان کشککی
مجلهٔ اردوی افغان	ـ ۱۳۰۰	« از ریاست ارکان حربیهٔ عمومیه نشر میشود
« آئینهٔ عرفان کابل	ـ ۱۳۰۳	« از ریاست تعلیم و تربیهٔ معارف
« صحیهٔ کابل	ـ ۱۳۰۶	« « عبدالرشید خان لطیفی
« الفلاح کابل	ـ ۱۳۰۹	« « عبدالکریم خان گدا
« اقتصاد کابل	ـ ۱۳۱۰	« « محمد زمان خان تره کی
« کابل پشتو و فارسی	ـ ۱۳۱۰	« ازمدیریت نشریات انجمن ادبی
« ادبی هرات	ـ ۱۳۱۱	« از انجمن ادبی هرات
« بلدیهٔ هرات	ـ ۱۳۱۱	« جناب صفر علی خان امینی
جریدهٔ زیری تعلیمی پښتو	ـ ۱۳۱۶	« ازمدیریت نشریات انجمن ادبی

سفرائیکه درسال ۱۳۱۶ وارد کابل شده اند.

وزیر مختار مصر

جلالتمآب آقای عبدالرحمن عزام وزیر مختار و نمایندهٔ فوق العادهٔ حکومت پادشاهی مصر در دربار کابل بتاریخ ۶ مارچ ۱۸۹۳ درقاهره تولد شده ، پس از تحصیلات لازمه در نهضت ملی بمقصد استقلال وطن شامل شدند . و در تمام مدت قبل از حرب عمومی و در دوران محاربه چه در داخل و چه در خارج مملکت برای همین منظور ملی مشغول کوشش بودند بعد از جنگ از طرف حرب وفد که شخصا از اعضای مبرز آن بشمار میروند ، وظائف وکالت ملی را در مجلس شورای مصر بعمل می آوردند ولی همواره هدف مقصودشان آزادی مملکت بوده هرچندیکه مأموریت های مهم از قبیل رتبه های وزارت و



سفارت بایشان پیش نهاد میشد ، نمی پذیرفتند ولی بالمقابل همواره بطور غیر مستقیم در امور مملکتی حصه گرفته در چندین مجالس بین المللی شامل و مخصوصا در قضیهٔ رفع اختلافات مصر و عربیهٔ سعودیه سهم زیادی گرفتند تا آنکه پس از امضاء شدن معاهدهٔ استقلال مصر از طرف کابینهٔ نحاس باشا وزارت مختاری مصر در دول اسلامی شرق یعنی افغانستان ، ایران ، عراق ، عربیهٔ سعودیه بایشان تفویض شده .

درماه سنبله با ترتیبات لازمه درکابل وارد وبروز سه شنبه ۱۵ سنبله ساعت ۱۱ قبل از ظهر در قصر دلکشاء بحضور اشرف ملوکانه مشرف و اعتماد نامه های خود را تقدیم کردند .

و پس از گذشتاندن سه ماه برای وارسی بامور دیگر وزارت مختاری های مفوضهٔ خود بتاریخ ۱۰ عقرب از کابل عزیمت کردند و آقای احمد جمال الدین سرکاتب سفارت بحیث شارژ دافر در وزارت مختاری کابل باقی ماند .

وزیر مختار المان

جلالتمآب آقای هانس پلنگر بتاریخ ۲۱ می ۱۸۸۶ درشهر کولون علاقه رائن تولد شده بعد از تکمیل دورهٔ مکتب تحصیل علوم حقوق را درشهر های (لورن) ، (گمسن) ، (بن) انجام داده اند درشروع محاربه عمومی در محکمهٔ عالی (بوژن) خدمت کرده و درتمام ایام محاربه بحیث منصبدار شعبهٔ توپچی در میدان عربی بوده درسال ۱۹۱۹ لقب (اسسور) راحاصل کرده در همان سال بوزارت خارجهٔ المان داخل شده اند . بعد از آن در نمایندگیهای سیاسی المان درمادرید ، بارسلونا و قاهره خدمت کرده اند . درسال ۱۹۳۵ بحیث مشاور وزارت خارجهٔ المان وبتاریخ ۲۹ جون



۱۹۳۷ بحیث وزیرمختار المان درکابل مقرر گردیده اند.

درحین ورود به افغانستان از وزیرمختار موصوف پذیرائی لازمه بعمل آمده وبتاریخ ۵ سنبله ۱۳۱۶ ـ ع ـ ۱۱ قبل ازظهرمعزی الیه با تزئینات معموله بحضوراعلیحضرت شاهانه مشرف شده اعتماد نامهٔ خودرا با نامه ئیکه از طرف جسمیمات هر هتلر قائد المان ، بنام اعلیحضرت شهریاری باخود داشته بحضور شاهانه تقدیم نمودند .

سفیر کبیر شوروی

جلالتمآب آقای میخائیلوف کونستانتین الکساندروویچ سفیر کبیر فوق العاده و نمایندهٔ مختار اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شورائیه دردربار کابل در سال ۱۹۰۶ در لیننگراد تولد شده وپس از تحصیلات عادی در موسسهٔ مطالعات شرقیهٔ مسکو شامل و از آن جا درجات تعلیمی را حاصل کرده اند . قبل از سمولیت در خدمت سیاسی ، در دار الفنون مسکو سمت



معلمی مسائل تاریخی را دارا بودند . ودرسال ۱۹۳۸ به حیث سفیر کبیر بدربار کابل معرفی وپس ازصدور اگریمان ، بتاریخ ۳ حوت بایدپذیرائی

معموله وارد کابل شده در ۲۳ حوت ساعت ۱۱ قبل از ظهر در طی تشریفات لازمه در قصر دلکشا اعتماد نامه های خویش را بحضور اعلیحضرت معظم همایونی تقدیم کردند

فوت وزیر مختار فرانسه

جلالتمآب آقای دوفور دولا براد وزیر مختار فرانسه مقیم دربار کابل که سوانح شان در سالنامه گذشته مندرج است در ماه سنبله ۱۳۱۶ بنابر مرض قلب که از مدتی دامنگیر شان شده بود، بمقام ابیت آباد هند وفات یافتند و حکومت متبوعه ما به تقریب فوت مشارالیه مراتب همدردی خویش را به حکومت فرانسه



و بازماندگان فقید مذکور ابراز نمود چنانچه متعاقب آن آقای ناریه از طرف حکومت فرانسه بحیث وزیر مختار به دربار کابل معرفی و اکریمان ایشان صادر و عنقریب وارد کابل خواهند شد

کور دیپلو ماتیك مقیم دربار کابل

سفارت کبرای ترکیه

سفیر کبیر : ع ، ج آقای ممدوح شوکت .
سرکاتب : آقای حامی بایور .
کاتب وعهده دار امور قونسولی : آقای حقی کنتلی .
ترجمان : آقای عباس .
داکتر : آقای فواد .

سفارت کبرای ایران

سفیر کبیر : ع ، ج آقای علی اکبر بهمن .
مستشار : آقای شایان .
کاتب سوم : « حکیمی .

سفارت کبرای سوروی

سفیر کبیر : ع ، ج آقای میخائیلوف کونسنتین الکساندرویچ .
سرکاتب : آقای سیچوف .
آتشهٔ نظامی : آقای کولونل الکزندر بندیکتوف .
داکتر : آقای ایوان یاسف گی کاس آندرویچ .

وزارت مختاری انگلیس

وزیر مختار : ع ، ج آقای لفتننت کلونل فریزر تتلر .
مستشار : آقای میجر ای ، ای ، اچ میکن .
آتشه نظامی : آقای میجر ای ، سی لنکاستر .
کاتب : آقای رود ویك پار کس .
داکتر : « کاتین آچ دبلیو فارل .
کاتب : « خان بهادر سکندر خان .

وزارت مختاری ایطالیا

وزیر مختار ع ، ج آقای کوم دوت پیتر و کوارونی.
سرکاتب : آقای آنزی اوتی هانری کو .
دفتر دار : « دوت اولف کریشینی .

وزارت مختاری المان

وزیر مختار : ع ، ج آقای پلگر .
دفتر دار : آقای شمت .

وزارت مختاری مصر

وزیر مختار : ع ، ج آقای عبدالرحمن عزام.
سرکاتب: آقای احمد جلال‌الدین (فعلاً شارژ دافر).
کاتب : عمان حلمی .
دفتردار : حسن وهبی .

وزارت مختاری فرانسه

وزیر مختار : ع ، ج آقای باربیه .
کاتب : آقای گابریل بونو ـ (فعلا شارژ دافر) .

وزارت مختاری جاپان

وزیر مختار ، ع ، ج آقای وارو موریا .
کاتب : آقای کوابارا ـ (فعلا شارژ دافر) .
کاتب : ستارو ایفازاکی .
آتشه : « اوماگاوا .
« سایتو
دکتور : « هیچی ایماگاوا .

گذارشات دنیا

در سال ۱۳۱۶

بقلم جناب میر محمد صدیق خان

اگرچه سال ۱۳۱۵ متضمن اغتشاشات و کشیدگی های زیادی در اوضاع سیاسی جهان بود اما در اوائل ۱۳۱۶ بهبودی رو نموده اضطرابات مذکور اندکی تخفیف یافت و امید آن میرفت که شبح مخوف و وحشتناك جنگ محو گردد و روح تساند و اعتماد دوباره عودن کند متاسفانه این آرزو صورت خارجی پیدا نکرد و درجریان این سال وقائعی رخ داد که امید طرف داران صلح را مبدل به یاس و اعتماد ملل را از یکدیگر سلب نمود و حتی آتش جنگ و جدال در بعضی از نقاط عالم سر کشید.

دو چیز ازهمه زیاده تر اضطرابات بین المللی و ارتجاع سیاسی عالم را درین سال مشهود می سازد اول - ضعف جامعهٔ ملل - اگرچه سقوط حکومت ملی حبشه وتسلط عسکری ایطالیا بران مملکت، بزرگ ترین لطمهٔ بود که برپیکرسیاسی (جینوا) واردآمد امانتائج وعواقب این واقعهٔ شوم در سال ۱۳۱۶ ظاهر گردیده اعتماد و اطمینانی را که اکثرملل عالم بوساطت و حمایت موسسهٔ جمعیت اقوام داشتند زائل ساخت طوریکه اولیای این موسسه نیز به ضعف خود پی‌برده دروقائعی که بعد از قضیهٔ حبشه رو نمود راه احتیاط را پیش گرفتند و برای آنکه زیاد ترعدم قدرت و ناتوانی خود را فاش نساخته باشند حتی از اظهار رأی هم در اکثر موارد خود داری نموده حل مشکلات

را بمجالس سیاسی دیگری سپردند که بکلی از روح میثاق ملل بیگانه بود مثلاً کمیتهٔ عدم مداخله ، کنفرانس نیون و بروسل وغیره .

از علل مهم ضعف جامعهٔ ملل یکی آنست که مجلس مذکور از همه بیشتر یك مجلس سیاسی و مقصود آن جلوگیری از وقوع جنگ عالمگیراست، ولوکه درین راه حقوق بعضی ازدول بای‌مال هم شود ، زعمای جینوا پروای آنرا ندارند، چنانچه درموقع جنگ حبشه وقضیهٔ اسپانیا این مفکوره بخوبی ظاهر شده رؤسای بزرگ جمعیت اقوام بیان نمودند که حاضر نمی باشند برای اضفای مائرهٔ حرب در خاك افریقا و یا حفظ استقلال حبشه و حقوق دولت مادرید بجنگ بزرگی اقدام‌نمایند وطبیعی‌است که این‌سیاست جلب‌اعتماد دول رانتوانیکرد ،

و دیگر آنست وقتیکه ویلسن پلان جمعیت اقوام را طرح میکرد فرض نموده بود که در اندك مدتی اسلحهٔ جمیع دول عالم خلع و با اندازهٔ معینی محدود میگردد ودرانصورت البته امداد اخلاقی و اقتصادی بامظلوم واحرای مواد ۱۶ و۱۷ میثاق، برعلیه دولت متعرض کفایت میکرد . حالا نکه قضایای پس از حرب پیش بینی های مشار الیه را تکذیب نمود واز حنان تفاوت فاحشی بین قوای دول موجود است که تجاویز اقتصادی وانهم بطور ناقصی که درمورد ایطالیا استعمال‌گردید ازاقدامات متجاوز جلوگیری نمیتواند وکلمات قشنگ با اسلحهٔ آتشین بس نمی آید .

۲ـ دسته بندی دول بزرگ : در جریان سال ۱۳۱۶ کیفیت مدهشی در روابط بین المللی عرض اندام کرد که آنرا مینوان علامهٔ سقوط کاخ صلح وآرامش عالم دانست و آن عبارت است از تقسیم‌گردیدن دول عالم بدو دستهٔ معین وتاریخ نشان میدهد هر دفعه

که این وضعیت در دنیا رو داده نتیجهٔ مستقیم آن ظهور جنگ و تصادم دو دستهٔ مذکور بوده است با یك دیگر علل مهم دسته شدن دول بزرگ ازدو نوع است :

الف : علل اقتصادی : ـ معاهدهٔ ورسای که تحت تأثیر احساسات دول فاتح امضا گردیده بود دست چندین مملکت را بنام دول مغلوب ومسئول حرب عمومی از منابع ثروت کوتاه نمود و بر علاوه چنان بار سنگینی ازقروض محاربه وخسارات جنگ بالای شان گذاشت که سیستم زندگانی اقتصادی آنها منقلب و بفقر وفاقهٔ عظیمی مبتلا شدند. ازطرف دیگر دربین دول فاتح نیز تفریقی بعمل آمده آنهائیکه ازهمه مقتدر بودند غنائم بزرگ رابه خود وحلفای خویش تخصیص دادند و برای دیگران چیز قابل اعتنائی باقی نماند ـ روی همرفته معاهدهٔ ورسای از حیث اقتصادی مخالف حفظ امنیت وتعاون بین المللی بوده ونتیجه آن شد که چند سال پس ازعقد آن طبعاً دول عالم بدو دسته : دول محتاج ودول ثروت مند تقسیم گردیده وبحران اقتصادی شدیدی عالم را فرا گرفت .

اغتشاشاتی که درچند سال اخیر رو داده در حقیقت چیزی نیست بجز تجاوز دول محتاج وفقیر بردول ثروتمند و دفاع اینها از حقوق وامتیازات خویش .

ب : علل اجتماعی : ـ بحران اقتصادی بعد از حرب تاثیر عمیقی در روحیات ملل نمود و دول محتاج و یا بهتر بگوئیم جمیع دول حسود وناراضی را ، ازموسسهٔ جینواوسیاست بین المللی ومنصفانه آن که اساساً مخالف هرنوع تجاویزاست روگردان و وادارباخذ سیاست مستقل وملی نموده تابوسیلهٔ آن شئون ازدست رفتهٔ خویش را که بدیگروسایل ممکن نبود حصول شود بدست بیاورند ـ رویهمرفته این انقلاب یك ارتجاعی

بود ازاصول مسالمت بجانب اصول تشدد که بانظام اجتماعی امروزه شایسته نمیباشد ومما لکی که از ان پیروی نمودند اولا در داخلهٔ خود ها برای مقابله با تاثیرات ممانعت کننده وتسریع عملیات خویش ، اقتدار مطلقه را روی کار آورده و درزمینهٔ سیاست بین‌المللی آهسته آهسته از حیث اشتراك مفاد بیکدیگر نزدیك شده و بالاخره در سال ۱۳۱۵ دستهٔ معینی در مقابل دول محافظه کار و ثروت مند تشکیل دادند . مخالفین آنها نیز برای حفظ مفاد و دفاع ازتهذیب وامتیازات خودها چارهٔ جز رو آوردن بسوی اتحاد و اتفاق و ازدیاد قوای عسکری و تسلیحات ندیده باین صورت دول بزرگ در دو دسته منقسم و مسابقهٔ تسلیحات بشدتی در بین آنها قائم گردید که عواقب آن بس خطرناك دیده می شود . ضمنا دول نامتعارض ازوضعیت تردد دستهٔ مقابل که نسبت اتفاق باهمی خودنشان میدهندوهم ازضعف جامعهٔ ملل استفاده کرده روز بروز میدان اقدامات خود را وسعت دادند بطوریکه در ظرف سه سال اخیر چندین مملکت مستقل از صحنهٔ هستی نابود و ضمیمهٔ دول دیگر شده است و دامنهٔ این اقدامات بطور نامحدودی ادامه دارد . مباینت مسلك اجتماعی وجذبات حزبی نیز آتش نفاق و بد بینی را در بین این دو دسته دامن زده روز بروزآنها را از یکدیگری دورنمود وتعصب وعداوت را جانشین مفاهمه واعتماد ساخت . یکی از نتائج وخیم این دسته بندی همانا مسابقهٔ تسلیحات و مبالغ خطیری‌است که ملل عالم دیوانه وار درین راه صرف مینمایند وانجام آن معلوم نیست که بکجا خواهد کشید ، چنانچه میگویند روزی خواهد رسید که دیگر ملل عالم توان ادامهٔ تسلیحات و بودجه های کمر شکن آنرا نداشته برای خلاصی از چنگال آن

دست بجنگ بزنند و نتیجهٔ زحمات یك عالم را صرف خونریزی و انهدام تمدن و تهذیب بشر سازند .

جامعهٔ ملل ومجالس بین المللی :

جامعهٔ ملل

بتاریخ ۷ جوزا اجلاس جامعهٔ ملل تحت ریاست رشدی آراس نمایندهٔ اول و وزیر خارجهٔ ترکیه تشکیل یافته در خواست حکومت مصر راجع به قبولیت آن بحیث عضو جامعهٔ ملل قرائت و با کثریت آراء تصویب گردید چنانچه افغانستان نیز باین تقریب یك تلگرام سفارش بنام سرمنشی جامعه مخابره کرده بود. راجع بقضیهٔ سنجاقهای انطاکیه و اسکندرون عینا فیصلهٔ که مستقیما بین فرانسه و ترکیه در ژنیو زمینه بعمل آمده بود تصدیق شد . « دل وایو » نمایندهٔ حکومت اسپانیا قرطاس ابیض راجع بمداخلهٔ اجانب و مخصوصا ایطالیا و المان به مجلس رویت داد ودر خواست نمود که بین حکومت قانونی و باغیان تمیز نموده باول الذکر اجازهٔ خرید اسلحه از خارج داده شود اما این درخواست طرف قبول واقع نشد . در اواخر سنبله اجلاس سالانهٔ جامعهٔ ملل تحت ریاست آغا خان نمایندهٔ هند و رئیس فرقه اسماعیلیه بعمل آمد . « ولنگتن کو » نمایندهٔ چین عرض حالی راجع به تعرض جاپان تقدیم نموده از جامعهٔ ملل امداد خواست. باثر درخواست مشارالیه هیئتی مرکب از ۱۳ نفر برای مطالعهٔ اوضاع شرق اقصی مقرر شد که هیئت مذکور پس از چندین اجلاس عملیات جاپان را مذموم و مخالف میثاق ملل و معاهدهٔ نه گانه وقرار داد بریان کیلاگ قرار داده و بجمیع دول عالم سفارش نمود که باحکومت چین امداد اخلاقی کرده شود. درعین حال رئیس الوزرای

دولت جمهوری اسپانیا بر علیه مداخلات ایطالیا و الما ن اقامهٔ دعوی و اجرای ماده ۱۶ میثاق ملل را بر علیه ایشان مطالبه کرده اما مجلس مذکور در خواست مشارالیه‌را به کمیتهٔ عدم مداخله رجعت‌داده و سفارش نمود که برای اخراج داو طلبان اجنبی از خاك اسپانیا اقدامات فوری بعمل آورد .

این بود رویدادهای مهم جامعه ملل در پنسال ولی ازطرف‌دیگر موسسات علمی واجتماعی وعرفانی وصحی و غیرهٔ جامعهٔ ملل که برروی اساسات غیر سیاسی استوار میباشد بموفقیت تمام کار کرده و میتوان گفت که تنها در ین زمینه هاست که مفهوم حقیقی جامعهٔ ملل و تعاون بین المللی صورت حقیقی پیدا کرده است .

کنفرانس مونترو

پس از انکه دولت مصر استقلال کامل خود را حاصل نموده در صدد آن افتاد که کاپیتولاسیون (امتیازات) مما لك خارجه را نیز رفع‌نماید زیرا اکثر دول اروپائی درخاك مصردارای امتیازات مخصوص بود و تبعهٔ ایشان در حین ارتکاب جرم و جنایت و یاداشتن دعوی از طرف محاکم مخصوص محاکمه و قضاوت شده و این وضعیت منافی استقلال وتمامیت حقوق دولت مصر بشمار میرفت. همان است که باثر پیشنهاد نحاس پاشا و موافقت‌دولت انگلیس ودیگر دول ذیعلاقه کنفرانسی بتاریخ ۲۳ حمل در شهرمونترو (سویس) تشکیل یافت نحاس پاشا که شخصا ریاست هیئت نماینده گان مصر را داشت درخواستی راجع برفع کاپیتولاسیون قضائی جمیع دول تقدیم نمود پیش‌نهادمذکور اساسا تصویب گردید و پس از اندك‌مخالفتی که فرانسه

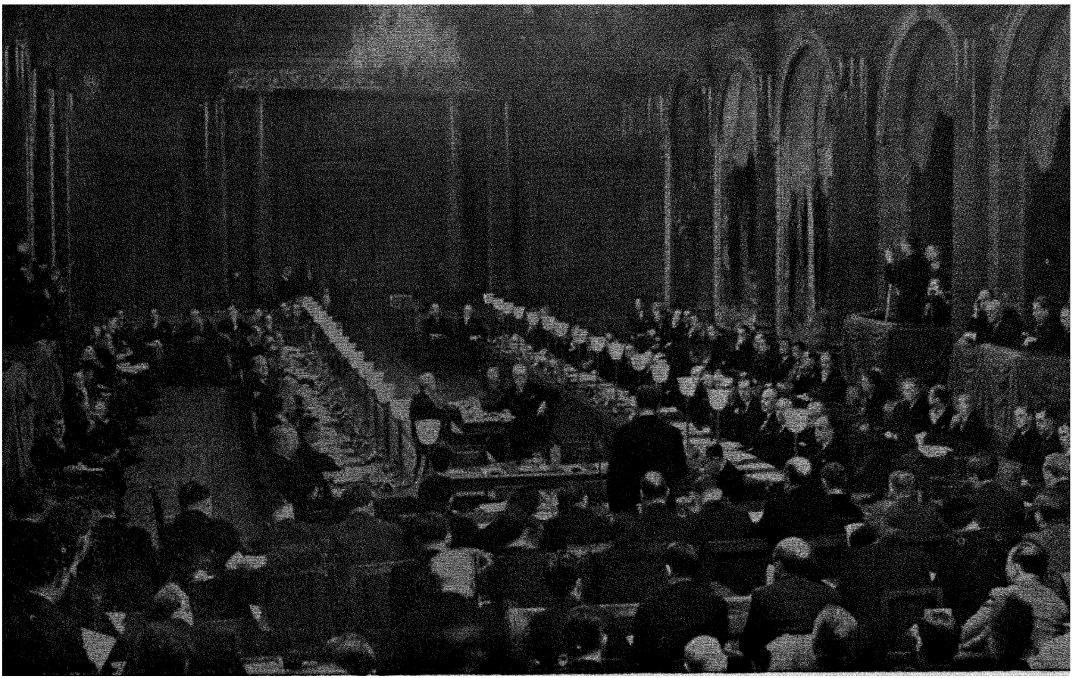

افتتاح كنفرانس بروسل راجع به قضاياى شرق اقصى توسط سپاك وزير خارجهٔ بلژيك.



کنفرانس نیون راجع به رهزنان دریائی بحرمدیترانه . ـ دلبو نمایندهٔ فرانسه نطق میکند .

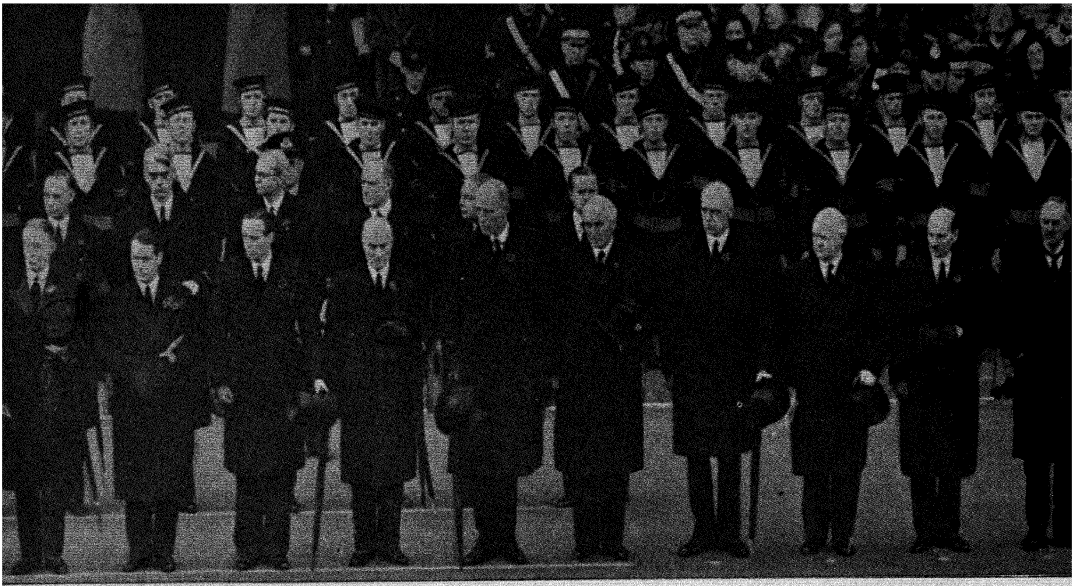

نایبه انگلستان ؛ ازراست چپ ؛ نیوائل چمبرلین رئیس الوزراء ، میجر اتلی رئیس حزب کارگر (خارج) کابینه)
لاردهیلشام معاون رئیس‌الوزراء ـ کپیتن فترای نطاق دارالعموم (خارج کابینه) ، سرجان سائمن وزیرمالیه ،
لارد هیلیفکس وزیر خارجه ، سرسموئیل هور وزیرداخله ، لارد دلی وزیر مهر شاهی ، مالکم مکدانلد
وزیرممالك بیم مستقل، لارد رتلبند وزیر هند.(صف‌دوم) دف‌کوپر وزیربحریه ، هور لیشا وزیر حربیه
مافی معاونین وزارت خانه ها .

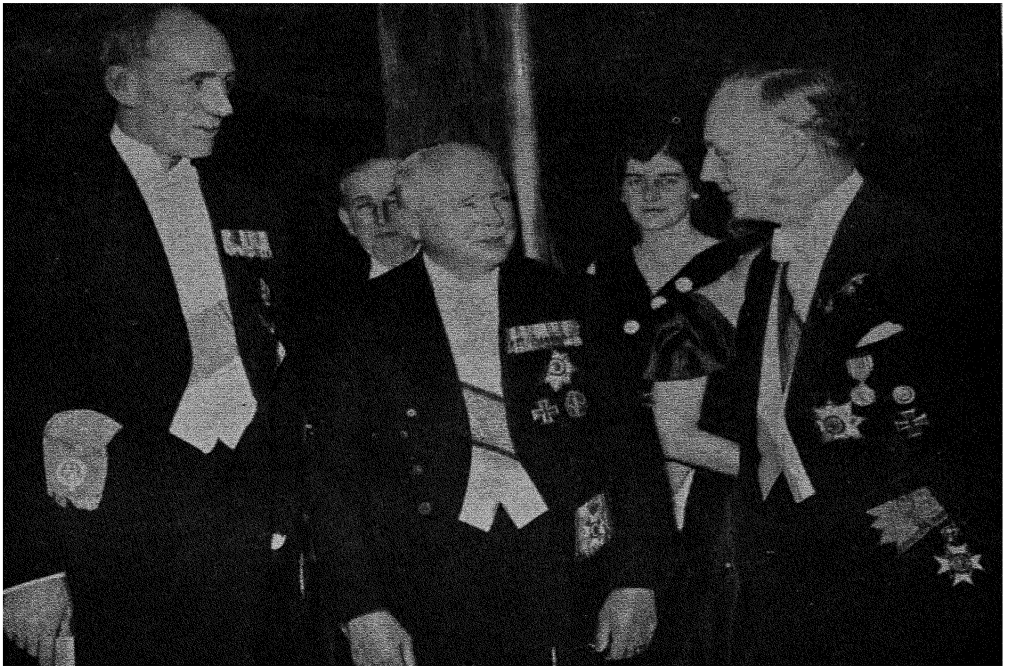

پذیرائی لارد هیلیفکس در برلین : طرف چپ لارد هیلیفکس (وزیر خارجهٔ انگلستان) در وسط شهزاده گوتا ، طرف راست فون ریبنتروپ وزیر خارجهٔ آلمان .

نشان داد بالاخره در ۱۹ ثور نمایندگان دول بر یك معاهدهٔ امضاء نمودند که بموجب آن دولت مصر از قیود کاپیتولاسیون آزاد شد و پس از یك مدت کوتاه برای سر رشتهٔ امور قضائی و حقوقی مذکور، دیگر تمام امتیازات خارجیها از مصر مرفوع میگردد.

کمیتهٔ عدم مداخله

این کمیته که در سال ۱۳۱۵ برای جلوگیری از مداخلهٔ اجانب در امور اسپانیا و محدود ساختن جنگ در ان مملکت تشکیل گردیده بود باوجود خطرات بزرگی که هر آن وجود آن را تهدید میکرد درجریان سال ۱۳۱۶ مرتبا اجلاس نموده وحتی موفق باجرای دساتیر جدی در راه مقصد خود گردید. روی همرفته میتوان گفت که تاحال در یك قسمت از مقصد خود کامیاب یعنی از سرایت جنگ اسپانیا در باقی ممالك جلوگیری بعمل آورده است چنانچه اجرا آت مهمهٔ آن در ذیل شرح داده میشود.

بتاریخ ۳۱ حمل ۱۳۱۶ مراقبت سواحل و سرحدات اسپانیا که در جون ۱۳۱۵ از طرف جمیع دول شاملهٔ کمیته، تصویب گردیده بود انفاذ یافت. بتاریخ ۷ جوزا درحالیکه یکی ازجهازات مراقب جرمنی موسوم به «دو یچلند» در منطقهٔ نظارت فرانسه ایستاده بود مورد حملهٔ طیارات دولت اسپانیا واقع گردیده دوعدد بم بآن اصابت کرد و ۲۳ نفر ملاح آن تلف و ۸۳ نفر مجروح شد ـ حکومت المان ازین مسئله بغیظ آمده به انتقام ملاحین خود بندر گاه المیریارا ازطریق بحر بمبارد نموده ضمناً بهمراهی ایطالیا مراقبت سواحل را ترك داد اما بمبارد المیریا نتائج بسیار وخیمی تولید نکرده دولت انگلیس فوراً در کمیتهٔ عدم مداخله پیشنهاد کرده که منطقهٔ مخصوص در آبهای اسپانیا برای

توقف جهازات مراقب تعیین گردد وباصرار او دولتین ایطالیا وجرمنی بتاریخ ۲۷ جوزا مراقبت سواحل را ازسرگرفتند تا آنکه دراوائل سرطان حکومت جرمنی باز دعوا نموده که بالای یکی ازجهازات او موسوم بهٔ «لا ئزیگ» از طرف تحت البحری های دولتی تارپیدو انداخته شده و بدین علت ایطالیا و جرمنی دوباره از کنترول سواحل کناره گرفتند . درین بار دولت فرانسه پس از مشوره با لندن بتاریخ ۲۳ سرطان اعلان نمود که سرحدات خود را بروی دولت جمهوری اسپانیا آزاد می‌نماید . تهدید مذکور کار خود را کرد و دولتین المان وایطالیا کمی آرام گردیده نمایندهٔ انگلیس پیشنهادی تقدیم نمود که مراقبین جدیدی در سرحدات فرانسه وایطالیا وبنادر ومیدانهای طیارهٔ طرفین متحار بین اعزام شود وداوطلبان خارجی هم اخراج گردیده بطرفین حقوق متحارب اعطا گردد. قسمت اول این پیشنهاد یعنی تعین مراقبین جدید طرف قبول جمیع دول واقع گردیده قسمت دوم بعلت مخالفت شدید نماینده گان ایطالیا وروسیه معطل ماند :

در اوائل ماه میزان مجمع ملل در اثر شکایت رئیس الوزرای حکومت مرکزی اسپانیا بکمیتهٔ عدم مداخله سفارش نمود که داوطلبان خارجی را ازخاك اسپانیا خارج نماید ـ همان بود که دولتین فرانسه وانگلیس پیشنهادی درین باره تقدیم کردند و چون ایطالیا صریحاً پیشنهاد مذکور را رد نموده و از شمولیت در یك مجلس سه گانه هم برای مذاکرهٔ این موضوع اعراض کرد دولت فرانسه دوباره تصمیم گرفت که سرحدات خودرا بروی حکومت مادرید باز نماید ولی بمشورهٔ ایدن وزیر خارجهٔ انگلیس قبلاً موضوعرا بمثل اتمام حجت بکمیتهٔ

عدم مداخله رویت داد وکمیته پیشنهاد مذکور را دوباره باطلاع دول ذیعلاقه رسانیده نظریات ایشان را مطالبه نمود ـ درین بار برخلاف امید، دولت ایطالیا تشدد را کنار گذاشته با اساس پیشنهاد موافقت کرد ومجلس فیصله نمود که دوکمیسیون برای این امر با سپانیا اعزام شود ـ ولی تاکنون نتیجهٔ ازاین اقدام بدست نیامده است.

کنفراس نیون

ازموقعی که محاربهٔ داخلی اسپانیا شروع گردیده وقتاً فوقتاً درآبهای ساحلی آن مملکت واحیاناً درقسمت غربی مدیترانه برجهازهای تجارتی دول بیطرف تعرضاتی بعمل می آمد اما دول بزرگ اکثر ازین قضایا چشم پوشی کرده به تشدد نمی پرداختند. تا آنکه در تشرین ماه سرطان و اوائل اسد تعرضات مذکور بطور وخیمی شدت یافت و در عرصهٔ چند روز یك تعداد جهازات انگلیسی، روسی و فرانسوی مورد حملهٔ طیارات و تحت البحری های مجهول واقع شده بعض ازآنها غرق وملاحین آن تلف گردید ـ جراید این ممالك باهیجان وغضب تمام برعلیه دزدان دریائی مدیترانه احتجاج وپروپاگند نموده ممالك فاشیست ومخصوصاً ایطالیارامحرك ومسئول آن قراردادند

همان بود که دو لتین فرانسه و انگلیس جمیع دول ساحلی بحر مدیترانه وروسیه والمان را بشمولیت درکنفرانس دعوت نمودند که برعلیهٔ دزدان دریائی مدیترانه دساتیرمجربی اتخاذ نمایند. مقارن اینحال دولت روسیه که چندین جهاز او در حصص مختلفهٔ مدیترانه وحتی درمدخل دردانل غرق شده بود دولت ایطالیارا مسئول این امر قرارداده پروتست شدیدی باو داد و تقاضای غرامات کرد ـ حکومت ایطالیا و جرمنی این قضیه را اساس گرفته از شمولیت در کنفرانس

اعراض نمودند . باوجود این ، کنفرانس بتاریخ ۱۸ سنبله در قصر نیون (سویس) افتتاح و دلبو وزیر خارجهٔ فرانسه بریاست آن انتخاب شد . مجلس پس ازمذاکرات مختصری فیصله نمود که سیستم مراقبات در بحر مدیترانه جاری شود و هر مملکت بحری در سواحل خود و بحریهٔ انگلیس و فرانسه بحر آزاد را مراقبت نموده جهازات مجهول ومتعرض را بسزا برسانند. نقل این فیصله را بحکومت ایطالیا نیز فرستاده درخواست شمولیت آنرا نمودند ـ دولت مزبور در بدو امر اعراض کرده ثانی تقاضای مساوات حقوق را با فرانسه و انگلیس نمود وبالاخره راضی شد که متخصصین بحریهٔ خود رابرای مشاوره بامتخصصین دو دولت دیگر به پاریس بفرستند مجلس متخصصین بتاریخ ۵ میزان بعمل آمده بالاخره بتاریخ ۲۰ عقرب ایطالیا نظارت بعضی از راه های تجارتی مهم ایطالیای غربی و ادریاتیك را بعهده گرفت .

کنفرانس بروسل

در اثر تعرضات عسکری جاپان در داخل مملکت چین بتحریك انگلیس و موافقت امریکا و دیگر امضاء کننده گان معاهدهٔ نه گانه کنفرانسی برای مطالعهٔ اوضاع شرق اقصی بتاریخ ۱۲ عقرب دربروسل (بلژیك) بریاست اسپاك وزیر خارجهٔ آن مملکت افتتاح شد. جاپان والمان با انکه در کنفرانس دعوت شده بودند ازشمولیت آن انکار ورزیدند . نمایندگان دول از عدم حضور جاپان اظهار تاسف نموده و دولت مذکور را بشمولیت در مجلس کوچکی مرکب از نماینده گان چند دول منتخب دعوت کردند اما وزارت خارجهٔ جاپان باین درخواست نیز راضی نشده علاوتا الغای معاهدهٔ نه گانه را اعلان کرد و کنفرانس پس از چندین اجلاس جاپان را ملامت و

مسئول وقائع شرق اقصی قرار داده بدون انکه به نتائج بهتری واصل شود و یا تجاویز درستی برای امداد دول باچین اتخاذ نماید منحل گردید دول آسیائی

ایران

دولت ایران سال ۱۳۱۶ را بر فاهیت و آرامی تمام بسر برده و بموفقیت های بزرگی در زمینهٔ حیات اجتماعی واقتصادی نائل گردیده است. هم چنین روابط دوستانهٔ آن با اکثر ممالک تشیید یافته ومخصوصاً باممالک شرق وسطی وشرق نزدیك ذریعهٔ معاهده سعدآباد رشتهٔ اتحاد ویگانگی خلل ناپذیری عقدنموده است که درین عصرپرآشوب واضطراب آلود کامیابی بزرگ و بنیان محکمی برای صلح ممالك مشرق زمین محسوب میگردد ـ دراوائل این سال خط آهن ماورای ایران به طهران واصل گردیده ، دولت وملت ایران بیکی از آرزوهای دیرینهٔ خود واصل شدند و نیزدولت برای استخراج نفت ولایت خراسان اقدام نموده بایك کمپانی امریکائی قرار دادی عقد نمود .

کشیده گی هاواختلافاتی که راجع به تقسیم نواحی سرحدی بین ایران وعراق ازچند سال باینطرف موجود بود درین سال بمسالمت فیصله شد ومتعاقب آن حکومت ایران مسئلهٔ پیمان شرقی وعقد معاهدهٔ عدم تعرض و عدم مداخله بین ممالك افغانستان وایران وترکیه وعراق را که ازچندی زیرنظر اولیای دول مذکور بود پیش کشیده ووزرای خارجهٔ سه مملکت فوق را برای امضاء آن درطهران دعوت کرد وبتاریخ ۱۷ سرطان پیمان شرقی در قصر سعد آباد بین وزرای خارجهٔ دول چهارگانه بامضاء رسید. چنانچه معاهدهٔ مذکور درظرف امسال از طرف مؤسسات

تقنینیه دول موصوف به تصویب رسیده و قوهٔ قانونی را حاصل کرد و متعاقب آن مجلس سالانهٔ دول چهار گانهٔ شرقی در جینوا موقع جلسهٔ سالانه جامعهٔ ملل انعقاد یافت.

بتاریخ ٦ حوت آقای سمیعی وزیر خارجهٔ ایران وفات نموده و آقای عدل بکفالت وزارت امور خارجه مقرر شد. مراسم تعزیت آقای سمیعی که ازرجال کار آگاه وخدمت گذار ان بزرگ ایران بوده باتشریفات مهم بعمل آمده دول خارجه خصوصاً دول شرقو ومنجمله افغانستان بتقریب این ضایعه ، مراتب همدردی خویش را بحکومت وملت ایران ابراز نمودند.

دولت شوروی

اگر چه پلانهای اقتصادی و اجتماعی اتحاد جماهیر اشتراکیهٔ شوروی بقدر کفایت بکامیابی اجراء میشود ، اما درزمینهٔ سیاست زعمای کمونست بامشکلات بزرگ و مخالفت های شدیدی دوچار گردیده اند که هنوز راه حل آن پیدا نیست . در ین سال نکتهٔ اساسی سیاست شوروی درداخل رجوع آن مملکت بود با صول دموکراسی آزاد وقلع وقمع عناصر مخالف ودرقسمت روابط بین المللی دولت شوروی که خودرا مورد تهدید حریفان نیرومندی درشرق وغرب مشاهده میکرد راه احتیاط راپیموده حتی المقدور رشتهٔ اتحاد خودرا بادول دیموکرات محکم کرد ودر امور دیگران کمتر مداخله بعمل آورد.

بتاریخ ۱۳ تور کانال بزرگی که شهر مسکو مرکز اتحادجماهیر اشتراکیه را بدریای ولگا وصل میدهد افتتاح شد . این کانال از عجائب روزگار و از شاهکار های انجنیری عالم بشمار رفته با زحمت زیاد و صرف پول هنگفت تکمیل گردیده و شهر مسکو را بصورت بندرگاه بحری در آورده در ترقی تجارت آن کمک بزرگی نموده است .

در اواخر جوزا دفعتا مارشال توخاچفسکی رئیس ارکان حربیهٔ عمومی شوروی باهشت نفر از جنرال های بزرگ قشون سرخ توقیف ومحاکمه گردیده بجرم خیانت بوطن محکوم باعدام گردیدند.

بتاریخ ۱۰ سرطان دریکی از جزایر مختلف‌فیه دریای آمور تصادمی بین‌عسکریان شوروی وجاپان رونداده وچندنفر بقتل رسید وفوراً طرفین‌تیاری حرب‌را گرفتند اما دراخیرحکومت شوروی قضیه را با مسالمت ویك اندازه بدلخواه‌جاپان فیصله‌کرد. یك هفته پس از واقعهٔ دریای آمور تصادم لو کوچیائو بین جاپان و چین رو داده منجر بجنگ شدید و محاربات خونینی بین دولتین مذکور گردید و دولت شوروی اگر چه درظاهر مظاهراتی برعلیه جاپان بعمل آورده قوای‌عسکری خودرا در شرق اقصی و جمهوریت مغلستان خارجی تقویه کرد و حتی بتاریخ ۸ سنبله معاهدهٔ عدم تعرض را باجمهوریت مرکزی چین امضا نمود اما جداً درگیرودار شرکت‌نجست و امداد معتنابهائی هم باچین برعلیه جاپان بعمل نیاورده آنچه از معاونت و مداخلهٔ او درین امر ظاهر گردیده است امداد چند عدد طیاره وچند نفر هوا باز وانتظام قشون کونست ولایات شمال غربی چین و اخیراً امضای یك قرار داد راجع به‌تعمیر خط آهن بین چین و شوروی از راه ترکستان شرقی میباشد. درماه سرطان کنگرهٔ بین‌المللی طبقات الارض درمسکو انعقاد یافته ازطرف افغانستان آقای نجیب‌الله خان بحیث نماینده دران شمولیت ورزید.

در قضیهٔ اسپانیا دولت شوروی تا جائیکه مقدور او بود در داخل و خارج کمیتهٔ عدم مداخله با دولتیان امداد بعمل آورده ازاعطای‌حقوق متحارب بحکومت فرانکو مخالفت وجلوگیری کرد اما بعلت اوضاع مدیترانه ومراقبت سواحل‌اسپانیا ومشغولیت های داخلی امداد اوازحیث لوازم و

ضروریات حربی باندازه سال گذشته نبود :

درماه سنبله باثر غرق شدن بعض جهازات خود دربحر مدیترانه حکومت شوروی ایطالیا را مسئول قرار داده و اعتراض شدیدی را بران دولت نموده تقاضای غرامات کرد و نزدیك بود که روابط سیاسی دولتین قطع شود اما کنفرانس نیون کنترول عمومی را در بحر مدیترانه قایم کرد . واز تکرار حوادث مذکور یك اندازه جلوگیری بعمل آمد حتدی بعد ایطالیا هم در معاهدهٔ ضد کمنترن بر علیهٔ کمونیزم شرکت ورزید .

بتاریخ ۲۲ حدی اولین پارلمان مرکزی شوروی مرکب ازنماینده‌های جاهیر اشتراکیه مطابق قانون اساسی جدید در مسکو افتتاح شد . اما تشکیلات قوهٔ اجرائیه بحال سابق باقیمانده کالینن بحیث رئیس جاهیر اشتراکیه ، مولوتوف بحیث رئیس کمیساری‌های ملی وستالین بحیث منشی‌حزب رنجبر ازطرف پارلمان تصدیق وتقرریافتند . در جریان سال ۱۳۱۶ علاوه بر محاکمهٔ صاحب منصبان بزرگ یك تعداد از رجال مهم و سیاسیون و زمامداران جاهیر مختلفه بجرم خیانت محاکمه و اعدام شدند . در انجمله ریکوف (رئیس‌الوزرای اسبق) ، کرستنسکی (کفیل امور خارجه) قراخان (معاون سابق کمیساری امور خارجه وسفیر کبیر آنقره) یاگودا (رئیس سابق گ ، پ ، او) بوخارین رئیس کمنترن ، فیض‌الله‌خواجه آخند بابا اوف وغیره نیز شامل بودند . در روز های اخیر حوت دولت شوروی از الحاق آستریا متأثر گردیده بهمراهی فرانسه سرحدات چکوسلواکی را ضمانت کرد وهم لیتوینوف وزیرخارجهٔ آن پیشنهادی بدول بزرگ عالم راجع به انعقاد یك کنفرانس بر علیه

مربوط به واقعات ترکیه و ایران



مرحوم آقای سمیعی وزیر امور خارجهٔ ایران موقع امضای معاهدهٔ سعد آباد

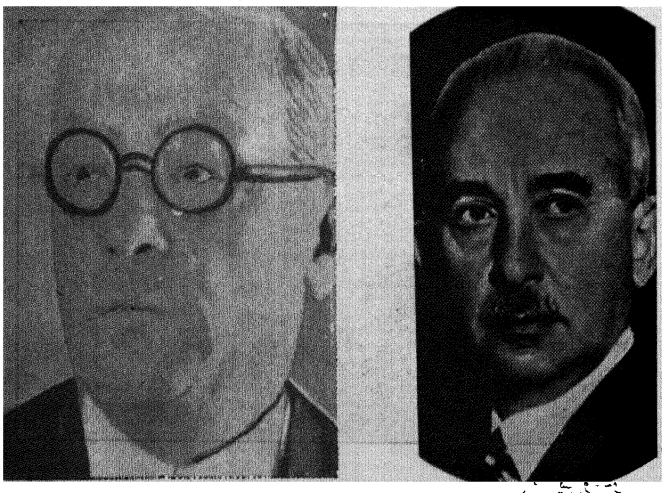

عصمت اینو رئیس الوزرای سابق ترکیه　　جلال بایار رئیس الوزرای جدید ترکیه

مربوط بامور بین المللی



نحاس پاشا رئیس الوزرای مصر
در کنفرانس مونترو



آغا خان نمایندهٔ هند در جامعهٔ ملل
ورئیس هجدهمین اجلاس آن



کنفرانس بروسل راجع بشرق اقصی ازچپ براست ایدن ، بارمن دیویس ودلبو

جلوگیری ازتجاوزات دول فاشیست تقدیم کرد که مورد قبول واقع نشد .

هند

درین سال تغیرات بزرگی درحیات سیاسی ملت هند رو داده و فاقیهٔ دیموکراسی نیم مستقل جانشین حکومت مطلقهٔ سابق گردید وملت هند برای اولین دفعه پس ازمدت دراز درزندگانی سیاسی وادارهٔ مملکت خود موقع شرکت را یافت به این تفصیل : چنانچه سال گذشته دیده شد کانگرس ملی هند در انتخابات وفاقیه شرکت ورزیده دراکثر ولایات اکثریت قطعی را حاصل نمود . اما چون قانون اساسی جدید مخالف سیاست او بود بدواً از تشکیل کابینه های ولائی خودداری نموده و مخصوصاً برعلیه اختیارات فوق العادهٔ حکام انگلیسی قیام کرد و از بدجهت بحران شدیدی روی کار آمده احرای تشکیلات جدید به تعویق افتاد . اما اوضاع بحران آلود هند تاثیرات مهمی در مراکز لندن وحلقه های سیاسی آنجا نموده بالاخره در ۱۷ حمل لارد لوتیان که ازسیاسیون بزرگ انگلیس است ، مکتوبی بجریدهٔ « تائمز » نگاشته وضعیت کانگرس وگاندهی را که درینموقع نازك ازشمولیت در قضایای سیاست کناره گرفته بود سخت تنقید نمود . گاندهی جواب او را درهمان جریده داده ومتعاقب آن تلگرامهای مفصلی بین لارد موصوف وپندت نهروزعیم احرارهند تبادله شد وبرای اولین دفعه کانگرس ملی با حکومت انگلیس تماس مستقیمی پیدا نمود . درنتیجهٔ این اقدامات گاندهی راضی شد که بین کانگرس و حکومت هند واسطه وباب مذاکرات صلح رامفتوح نماید وهمان بود که بتاریخ ۱۳ اسد دردهلی بانائب السلطنه ملاقات نمود وضمانت های چندی راجع به محدود بودن

امتیازات حکام انگلیس ازو حاصل کرد ودر اوائل خزان و کلای کانگرس درچندین ولایت هند کابینه های خود را تشکیل دادند .

اما در ماه دلو رئیس الوزرای کانگرسی ولایت بهار تصمیم گرفت که محبوسین سیاسی ولایت مذکور را آزاد نماید. اما حاکم انگلیس ولایت مذکور مخالفت ورزید وپیشنهاد کرد که هیئتی مقرر شده بعضی ازمحبوسین را که جرایم ایشان بسیارسنگین نباشد آزادنماید، اما کابینه به این فیصله راضی نشده استعفا نمود درینوقت کمیتهٔ اجرائیهٔ حزب کانگرس تصمیم گرفت که اعتصاب عمومی کانگرس را برعلیه حکومت اعلان نماید اما سیاسیون لندن مداخله نموده و پس از مذاکرات زیاد نایب السلطنه هند بهانهٔ مسالمت آمیزی رانشر کرد و راجع به محبوسین بهار پیشنهاد کابینهٔ سابق را قبول و حاکم انگلیس که مخالف این امر بود عوض شد .

درین سال بموجب قانون اساسی جدید بتاریخ ۱۳ حمل بر ما و عدن از هند منفك گردیده هریك مستقیماً به لندن مربوط گشت . مخالفت هندو ومسلمان در سر مسئله مسجد شهید گنج لاهور با وجود اقدامات حکومت پنجاب وزحمات طرفین فیصله نیافت و زدوخورد های کوچکی به عمل آمد . همچنین درروزهای اول محرم و روز عاشورا تصادماتی بین هندووسلمان وشیعه وسنی دربلاد مختلفه روداد . قضیهٔ شورش اقوام وزیرستان و مخالفت ایشان با بسط و توسعهٔ نفوذ انگلیس در اراضی سرحد آزاد ادامه یافته زد و خورد های متوالی واقع شد و قبائل مذکور باوجود فشار عساکرمستعمراتی از تمدید سرك و باقی تعمیرات انگلیسی تاکنون جلوگیری بعمل آورده اند .

در زمستان این سال (چندرابوس) که از زعمای درجه اول

کانگرس است مسافرتی در اروپا به عمل آورده با اکثر سیاسیون آنجا ملاقات نمود درمراجعت به هند از طرف مجلس عمومی کانگرس بریاست حزب مذکور مقرر شد و جواهر لال نهرو رئیس سابق به عضویت کمیتهٔ اجرائیه انتصاب یافت .

ترکیه

جمهوریت ترکیه در این سال به پیشرفت های بزرگ و ترقیات اقتصادی مهمی از قبیل تمدید خطوط آهن و تکوین صنائع و تاسیس بانك خلق و غیره نائل گردیده در زمینهٔ سیاست خارجی با جمیع دول از در مسالمت و صلح پیش آمده ذریعهٔ معاهدهٔ سعد آباد مناسبات دوستانهٔ خود را بادول آسیای وسطی تقویه وهم رنجشی را که دراثر قضیه سنجاق‌های انطاکیه بافرانسه واهالی‌سوریه رونداده بود رفع کرد .

از وقائع مهمهٔ داخلی آن مملکت یکی شورش قبائل کرد بود درماه جوزا که در اثر اقدامات سریع عساکر وطیارات حکومتی رفع گردیدودیگراستعفای عصمت اینونواست ازمقام ریاست وزراء . مشار الیه یکی از رجال درجهٔ اول ترکیه و از روسای متنفذ حزب‌خلق بشمار رفته در نهضت ملی اخیر سهم بزرگی داشت و از عرصهٔ پانزده سال به اینطرف بحیث رئیس الوزراء دوش بدوش کمال اتاتورك برای ترقی وتعالی ترکیه جد وجهد میکرد . همان بود که جلال بایار وزیر سابق اقتصاد کابینهٔ جدید را ازوزرای سابق با اندك تغیرات تشکیل نمود . رئیس الوزرای جدید بیشتر هم خود را صرف مسائل اقتصادی نموده قرار داد های تجارتی زیادی را با اکثر ممالك روید ست گرفت ودر داخل برای تقلیل معیارمعیشت زحمت زیادکشید . دراوائل حوت کنفرانسی

اتحادیهٔ بالقان درانقره انعقاد یافت ودولت تورکیه به اشتراك رومانیه و یوگوسلاویه ، و یونان رسمیت امپراطوری ایطالیا را درحبشه تسلیم نمود. درخزان این سال وزیرخارجهٔ ایران رسماً به ترکیه مسافرت کرد. وعلاوه بران روابط ترکیه درعین زمان با انگلستان وروسیه ازیکطرف وبا ایطالیا وآلمان ازطرف دیگرخوب بوده یعنی دولت مذکور سیاست میانه روی رادرتمام روابط خارجهٔ خویش بدرجهٔ کمال حفظ کرده است.

ممالك عربی

مصر : مملکت جوان مصرکه بقیمت فدا کاری های بزرگ تازه استقلال خود را بدست آورده ، وزمینهٔ سیاست خارجی درین سال بموفقیت های بزرگی نائل گردید و امتیازات خارجه را که بهزاٌر اسم و رسم به آزادی و افتخار او صدمه میزد رفع نمود اما در داخل مشکلات و بحران های بس مهمی درآن مملکت رو داده حزب وفد که محصل حقیقی استقلال مملکت بود از ادارهٔ امور کناره گرفت و انعکاس اقدامات و مخالفت های دول اروپائی در بحر مدیترانه در بین احزاب سیاسی آن تشتت ونفاق را جانشین یگانگی و اتحاد ساخت.

در اواخر حل نمایندگان مصر در کنفرانس (مونترو) شرکت ورزیده برفع کاپیتولاسیون قضائی و غیره امتیازات دول اروپا کامیابی بزرگی را حاصل نمودند و چندی بعد در ماه جوزا دولت مصر در جامعهٔ ملل رسما شامل شد چنانچه افغانستان نیز برای پذیرفتن مصر در جامعهٔ ملل سفارشات بعمل آورد . درین موقع شورش اعراب فلسطین بشدت دوام داشت و افکار جوانان عرب سخت برعلیه انگلیس برآشفته بود ، یکی از روسای بزرگ وفد نقراشی پاشا

پیشنهاد کرد که حکومت مصر درآن قضیه مداخله‌نموده اعراب فلسطین رادرحصول‌خواهشات ایشان امداد نماید. امانحاس پاشارئیس‌الوزرای وقت که بعلت خرابی اوضاع مدیترانه و قشون کشی های ایطالیا در طرابلس نمیخواست روابط خود را بادولت برطانیا خراب بسازد به این بلان موافقت ننموده و در نتیجه نقراشی پاشا باطر فداران خود از وفد خارج گردید وحزب مذکور اندکی درپارلمان ضعیف شد

بتاریخ ۱۶ اسد شاه فاروق اول بسن‌رشد (۱۸ سالگی) رسیده زمام مملکت را بدست گرفت و علی ماهر پاشا را که یکی از دوستان و طرفداران شاه فقید بود بمشاوریت سلطنت مقرر نمود. اما رئیس الوزرا این اقدام را مخالف قانون اساسی دانسته بر تقرر مشار الیه اعتراض نمود وخواست که احزاب دست راست‌را زیر فشار بگیرد. درین موقع به علت دوری نقراشی پاشاوتحزبهٔ حزب وفد موقعیت او بمانند سابق محکم نبود زیرا که افراطیون وفد با اومخالفت می ورزیدند و حتی در مسافرتی که بجنوب مملکت بعمل آورد یکی از جوانان پیراهن آبی سوء قصدی بمقابل او بعمل آورد که خوش بختانه ناکام شد. بهر صورت کشیدگی بین رئیس الوزرا ودربار سلطنت زیاد گردیده بالاخره بتاریخ ۹ قوس به اثر درخواست شاه فاروق، نحاس پاشا ازمقام خود استعفا داد ومحمدمحمود پاشا(رئیس‌حزب احرارمشروطه) کابینهٔ جدید راتشکیل نمود وچون اکثریت‌پارلمان با اومخالف بود بموجب‌فرمان‌سلطنت پارلمان را باوجود احتجاج شدید و فدیون منحل ساخته انتخابات جدید را اعلان کرد و تشکیلات نیمه نظامی‌حزبی پیراهن سبز و پیراهن آبی‌را نیز لغو قرار داد. آیندهٔ اوضاع البته مربوط به انتخابات‌جدیداست‌که نتیجهٔ آن هنوزظاهرنشده.

در زمستان این سال که گفتگوی مذاکرات بین حکومت انگلیس وایطالیا بالا شد یکی ازدرخواست های اخیر الذکر حصول امتیازاتی در کانال سویز بود . از این جهت رئیس الوزرای برطانیه بیان نمود که حکومت مصر را از جریان مذاکرات اطلاع دهی شده و در قضایای مربوطه با آن دولت مشوره بعمل خواهد آمد . حکومت مصر به مشورهٔ صاحبمنصبان انگلیس پلان و سعی را برای تهیهٔ یك عسکر منظم جهت دفاع مملکت و حفظ کانال سویز وغیره رویدست گرفته و مبلغ خطیری را برای خریداری اسلحه و لوازم عسکری تخصیص داده است که در آینده او را از احتیاج اجنبی فارغ خواهدساخت .

عراق : پس از انقلاب مختصری که درسال ۱۳۱۵ رویداد ومنجر به تبعید نوری سعید پاشا وقتل جعفر پاشا العسکری شد ادارهٔ مملکت بدست رجال افراطی افتاده مشارالیهم اصلاحات مهمی را روی دست گرفته که از نکات عمدهٔ آن یکی اجرای نظام اجباری در بین عشائر وقبائل کوهستانی مملکت ودیگری توسعهٔ معارف بود. همچنین درسیاست خارجه روش دولت کمی تغییر یافت ودرقضایای فلسطین بحیث یك مملکت عربی مداخله بعمل آورده بر پلان تقسیم فلسطین احتجاج شدیدی بعمل آورد اما بتاریخ ۲۰ اسد جنرال بکرصدقی رئیس ارکان حرب ورکن مهم حکومت جدید درمیدان طیارهٔ موصل بقتل رسید ومتعاقب آن بتاریخ ۲۵ اسد کابینهٔ حکمت سلیمان سقوط کرد وکابینهٔ جدید بصورت اتحاد ملت تشکیل شده رؤسای جمیع فرق بشمولیت درآن دعوت شدند. چنانچه برای نوری سعید وباقی سیاسیون تبعید شده نیز حق مراجعت بوطن داده شد.

درین سال دولت عراق مخالفت های سرحدی را که از دیر با دولت ایران داشت بصورت دوستانه فیصله نمود . بتاریخ ۱۹ سرطان

وزیرخارجهٔ آن مملکت بطهران آمده قراردادهای سرحدی را با ایران و معاهدهٔ سعد آباد را با دول افغانستان و ایران و ترکیه امضا نمود.

عربیهٔ سعودیه : دولت عربیهٔ سعودیه درین سال در داخل، پلان اصلاحات مدنی واقتصادی خودرا تعقیب نموده ودرخارج مناسبات خودرا با اکثردول ومخصوصاً دول عربیه مانند مصر، یمن وعراق استحکام بخشیده است وهمچنین زمامداران آن علاقه مندی خود را بقضیهٔ فلسطین و دفاع از حقوق اعراب ظاهر ساخته اند.

یمن : این مملکت که کم دارد بطرف تجدد وعصری ساختن خود قدم بر دارد روابط خویش را روز بروز با ایطالیا و سعت داده وضمناً مناسباتش بادیگر ممالک عربی نیز روی همرفته خوب بوده است.

• در باقی ممالک عربی از قبیل کویت ومسقط و حضر موت و غیره وقائع قابل ذکری بظهور نپیوسته است.

فلسطین وشرق اردن : هیجان اعراب بمقابل اسکان یهود در فلسطین که ازدوسال باینطرف شدت کرده درین سال وخامت بیشتری کسب ودولت برطانیه برای اصلاح امور هیئتی تحت ریاست لارد پیل به فلسطین اعزام نمود هیئت مذکور که بنام هیئت شاهی یاد میشود پس ازچند ماه تحقیقات بلندن مراجعت نموده راپورت خودرا مبنی بر تقسیم مملکت کوچك فلسطین وشرق اردن به سه قسمت بین اعراب ویهود ودولت انگلیس تقدیم نمود. اما راپورت مذکور در پارلمان انگلیس مورد اعتراض حزب کارگر قرار گرفت وهمچنین ممالك عربیه وحتی محافل بین المللی یهود عدم قناعت خود را به نسبت آن اظهار نمودند. در داخل مملکت شورش اعراب بیش از پیش کسب شدت نمود چنانچه دولت انگلیس هم بنای تشدد را گذاشته اکثر اززعمای

ملی را محبوس و بعضی ها را اعدام نمود . مفتی اعظم که زعیم آزادی خواهان است بدواً درمسجد اقصی اعتکاف نموده پس از سه روز محرمانه بسوریه فرار کرده از چنگال عساکر مستعراتی نجات یافت . اما پلان تقسیم اراضی فلسطین دراجلاس جامعهٔ ملل بامخالفت دول آسیائی مقابل گردیده دولت انگلیس هیئت دیگری بنام هیئت تخنیکی به فلسطین اعزام نمود که نقائص پلان مذکور ووجوه مخالفت یهود و اعراب را از نقطهٔ نظر اجتماعی و اقتصادی مطالعه نماید . درخلال این حال خونریزی بطور فجیعی دران سرزمین ادامه دارد .

مملکت سوریه که دراواخر سال گذشته معاهدهٔ

سوریه و لبنان : استقلال خودرا از فرانسه حاصل کرد ، ازان پس داخل یکدورهٔ جدیدی شده که عنقریب منجر به آزادی تامهٔ آن مملکت خواهد گردید . قضیهٔ سنجاق های اسکندرون که میان ملیون سوریه وحکومت تورکیه اختلاف نظری را پیش کرده بود . دراوائل سال بین فرانسه و تورکیه بموافقت انجامیده و جامعهٔ ملل نیز موافقت مذکوررا تائید نمود وبه اثر آن رئیس جمهور سوریه به انقره مسافرت دوستانه بعمل آورد . ازطرف دیگر مردمان سوریه ازلحاظ علائق مذهبی ونژادی با اعراب فلسطین همدردی خود را نشان داده لکن حکومت موجودهٔ سوریه در امور فلسطین کدام سهمی نگرفته و تنها مفتی بیت المقدس را با بعضی پناه گزینان دیگر پناه داده است .

شرق اقصی

فضای سیاسی شرق اقصی درین سال وضعیت شوم ووحشتناکی را بنظر مجسم مینماید زیرا که صلح وامنیت ازان سامان رخت بربسته و قشون جاپان مملکت پهناورچین را مورد تاخت وتاز قرارداده است ـ

مربوط بواقعات ممالك عربى



محمد محمود پاشا رئيس الوزراى مصر



جنرال دل حاكم نظامى
فلسطين

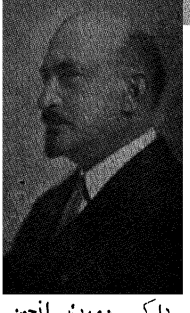

داكتر ويزمن رئيس انجمن
بين المللى يهود

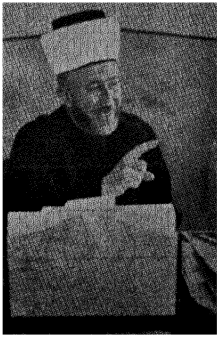

مفتى اعظم بيت المقدس

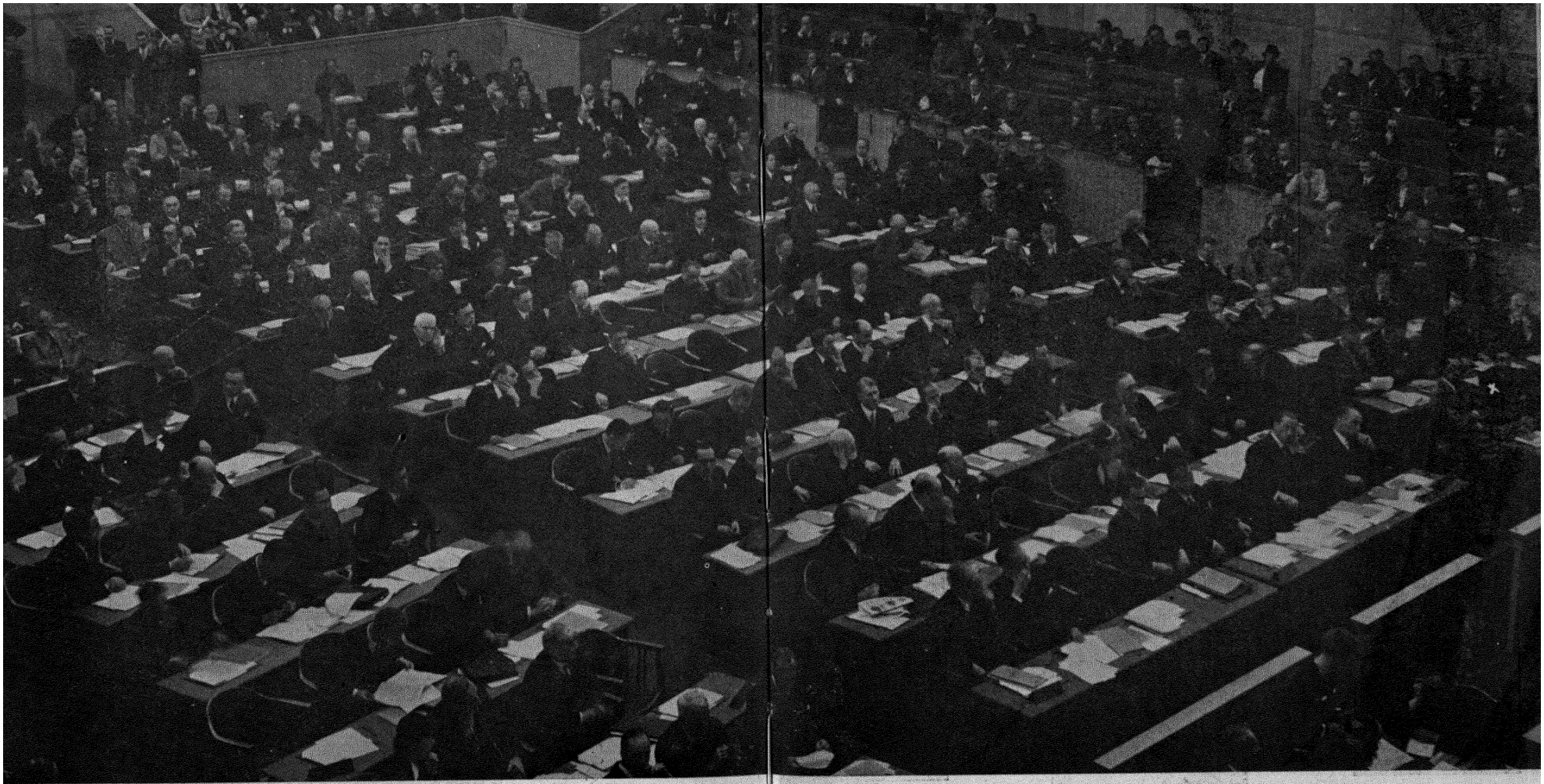

هژدهمین اسامبلهٔ عادی (اجلاس) جامعهٔ ملل (ستامبر ۱۹۳۷) که نمایندگان سائر ممالك عضو جامعه مجتمع گردیده و از طرف افغانستان نیز عالیقدر جلالتمآب علی محمد خان وزیر مختار اعلیحضرت در لندن و عالیقدر جلالتمآب محمد حیدر خان نمایندهٔ دائمی افغانستان متعین جامعهٔ اقوام (که نشانی شده) دران شامل اند.

18ê. Assemblée ordinaire de la S. D. N. : les délégués afghans sont marqués par un croix

مربوط به واقعات شوروی و شرق اقصی



ورو شیلوف کمیسر ملی مدافعه و سپه سالار قشون سرخ شوروی

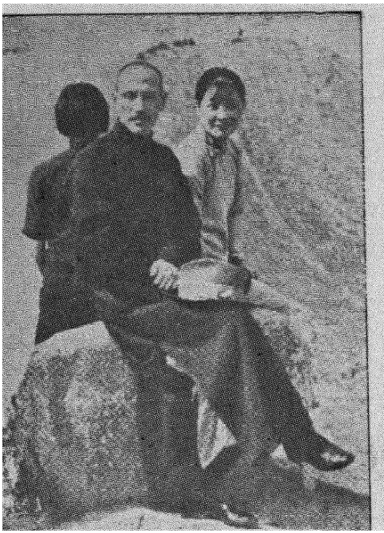

مارشال چیانگ کای شیك د کماتورجین با حاتم و دختر خود

عجالتاً باهمه قدرت وتوانائی جاپانیها وفتوحات مهمهٔ ایشان نتیجهٔ حرب معلوم نیست وامیدآن نمیرود که درین زودیها صلح وآرامش جا نشین قتل و خون ریزی بشود. تفصیل وقائع مذکور اینست که حزب عسکر واستعمار طلبان جاپان ارقضا یای سال ۱۹۳۱ وفتح منچوریا و جیهول و غیره ولایات چین و ضعف دفاع حکومت مرکزی بجرئت آمده همیشه آرزوی تجدید حمله و توسعهٔ ممالك مفتوحه را بخاطر داشتند لاکن محافظه کاران وطبقهٔ سرمایه دار چندان باین اقدامات خطرناك راضی نبود ودر داخل مملکت جاپان جنگ و جدال سیاسی بین دوفرقهٔ مذکور دوام داشت تا آنکه یکدفعه درسال گذشته منجر بهقتل عناصر محافظه کار ازطرف عسکر گردید ودفعهٔ دیگر در اثراقدامات همین عساکر در ۱۱ جمل ۱۳۱۵ پارلمان منحل وانتخابات جدید اعلان شد دربن فرصت قضایا در اروپا بحد آخر تیره گردیده هر یك از دول روس وانگلیس بمعاملات خود درغرب مشغول بود از تصادم دریای آمور بین قشون جاپان و شوروی همان است که یك هفته بعد بتاریخ ۱۷ سرطان جاپان یك واقعهٔ سرحدی کوچك را که در مقام (اوکوچیانو) باعساکر چینی، رویداده بود اساس گرفته از دولت نانکن تقاضا نمود که استقلال پنج ولایت چین، یعنی ولایات، شانسی شنسی، هوبی، چاهار وشانتونگ را مستقل ساخته تعرفهٔ گمرك اموال جاپانی را تقلیل بدهد وبا کمونیزم جداً مخالفت نماید. اگرچه مارشال چیانگ کای شیك باین شرائط تن نداداما مذاکرات بین مامورین سرحدی طرفین شروع گردید ودرحال حکومت چین-سوقیاتی بسرحد مذکور بعمل آورد - حضور عساکر مسلح طرفین درمقابل یکدیگر موجب تصادمات شدیدی شد وقشون جاپان بمانند سیل سرازیر گردیده

شهرهای پیکن و ئین‌تسین راتسخیر نمود وجنگ بزرگی بدون اعلان حرب بین طرفین شروع شد ـ کابینهٔ جاپان برای اجرای عملیات عسکری مبالغ بزرگی را منظوری داد وچند لك عسکر بسرحدات چین سوق کرد ـ حکومت نانکن نیز ملت رابرای دفاع مملکت تحریك نموده حتی‌المقدور وسائل حرب را آماده ساخت و با کمونست های داخلی صلح نمود بجامعهٔ ملل شکایت کرد . بتاریخ ۱٤ اسد قشون بحریهٔ جاپان در بندر شنگهائی بغرض تسخیر محلهٔ چینی حمله آورده جنگ شدیدی بین طرفین شروع شد و درعرصه سه ماه قشون جاپان تحت امر جنرال منسوئی خطوط دفاعیهٔ دشمن را در هم شکست و شهرمذکوررا بااراضی مجاورآن فتح نمود و پس ازان بجانب نانکن حمله برده آخرین استحکامات و مدافعین چین را در مقابل این شهر مضمحل نمود و بتاریخ ۲۲ قوس پایتخت رامسخر کرد . در تمام این مدت طیارات جاپانی برشهرهای بزرگ چین بمبارد مان مهیب و وحشت ناکی را اجرا نموده درین بین وقائع وتصادمات چندی بین عساکرجاپان ودول امریکاوانگلیس وفرانسه روداد مثلاً واقعهٔ مجروح شدن سفیر انگلیس وحادثهٔ جهاز بانی امریکائی وغیره که هرکدام میتوانست سبب بروز جنگ شوداماهیچ یك ازین دول بجنگ اقدام نکرد وباعتذارات جاپان اکتفا نمودند .

پس از چندی پیش از فتح نانکن مارشال چانك کای شیك با اعضای حکومت وکومتانگ (مجلس مرکزی) به هانکورفته شهرمذکور رامرکزحکومت قرارداده و باوجودیکه جاپانیهادرشهرنانکن حکومت جدیدی از طرفداران خود تشکیل داده اند اما جنگ ادامه دارد و عساکرجاپان درشمال ازحیث وسعت جبهه و حملات منظم وغیر منظم

جبنی‌ها بمشکلاتی دچار آمده وهنوز قادر بعبوردریای زرد نشده اند تا باقشون نانکن ملحق گردیده ازانجا بطرف هانکوحمله ببرند .

حکومت چین پس‌ازشروع جنگ مناسبات خودرا باروسیهٔ شوروی اصلاح نمود و بتاریخ ۸ سنبله به‌آن دولت یك قرارداد عدم تعرض وعدم امداد بامتعرض رابصورت مقابله امضاء نمود وحکومت شوروی یك اندازه اسلحه و یك تعداد طیاره و ضیاره را بامداد نانکن فرستاد وهم دوانین موافقت نمودند که یك خط آهن بین چین وروسیه ازراه ترکستان شرقی تعمیر گردد دول انگلیس و امریکا وفرانسه که هر یك مفاد بزرگی درچین داشته وهم بموجب میثاق ملل موظف بامداد دولت مذکور میباشند در کنفرانس بروسل بهمین اکتفا نمودند که عملیات جاپان را مذموم قرار داده و بحکومت چین وعدهٔ امداد اخلاقی بدهند . مملکت المان که آنهم مناسبات اقتصادی مهمی با چین داشته و با جاپان هم ذریعهٔ اتحاد ضد کمنترن مربوط است در اوائل امر اقدام بوساطت ومیانجیگری بین متحاربین شرق اقصی نموده اما بعد از آن صرف نظر کرد .

دول اروپائی :

انگلستان

اگر چه درین سال اوضاع داخلی و مالی انگلستان بهبود زیادی حاصل نموده بازار تجارت گرم وکار خانه‌جات بفعالیت زیادی مشغول کار بوده از رهگذر سیاست خارجی کابینهٔ لندن به غوامض بزرگی دچار گردیده و هنوز راه صحیحی برای استحکام موقعیت بین المللی خود نیافته اند ـ رویهمرفته در قسمت بزرگ این سال (یعنی تا موقع استعفای ایدن) سیاست دولت انگلیس و اضحابر

اساس امنیت مشترکه وصلح تقسیم ناپذیر یعنی مطابق میثاق ملل قرار داشت و مناسبات آن با بعضی از دول و مخصوصا بادیموکراسی های بزرگ تشیید یافت اما از اقدامات دول فاشیست و مستعمره طلب جلوگیری بعمل آورده نتوانست و پس از قضیهٔ مدهش حبشه صدمات جدیدی بمفاد اقتصادی و استعماری آن در اسپانیا و چین وارد آمد .

از وقایع مهم انگلستان درین سال یکی تاج پوشی جارج ششم است که از روزهای اخیر ماه ثور باشکوه وجلال تمام درلندن بعمل آمده نماینده گان جمیع دول عالم و ممالک امپراطوری و ملیونها نفر تماشاچی دران شمولیت ورزیدند چنانچه از طرف افغانستان ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت سردارشاه ولیخان غازی وزیر مختار اعلیحضرت درپاریس و ع ، ش سردارا سد الله خان قوماندان فرقهٔ شاهی و ع ، ج عبدالصمد خان وزیرمختار اعلیحضرت در روما در مراسم مذکورشمولیت و رزیده بودند . وهم درین وقت کنفرانس امپراطوری درقصر سینت جیز درتحت ریاست بالدوین رئیس الوزرای وقت افتتاح گردیده نماینده گان ممالک امپراطوری ونمایندهٔ هند با اولیای امور لندن تبادلهٔ آراء بعمل آوردند متفقاً باهمدیگر تعهدتعاون نموده تاتجارت باهمی خود را ذریعهٔ معاهدات دوجانبه وتخفیف تعرفهٔ گمرکی ترقی بدهند .

اما درمقابل مناسبات دولت آزاد آیرلند با انگلیس روز بروز سرد تر گردیده چنانچه بتاریخ ۲٤ ثور پارلمان این مملکت قانون اساسی جدیدی راتصدیق نموده اسم مملکت را (آیر) وادارهٔ سیاست خارجی را که تا آنوقت ازامتیازات پادشاه انگلیس بوده برئیس جمهور مملکت تفویض کرد چنانچه دراخیرسال مذاکرات دولتین شروع شد وانگلستان اتحاد آیرلند آزاد والستر را قبول نکرد . بتاریخ ۷ جوزا

با دوین رئیس الوزرای انگلستان در اثر پیری ازمقام خود استعفا نمود چنانچه قبلاً پیش بینی شده بود نیوائیل چمبرلین وزیرمالیه به تشکیل کابینهٔ جدید موظف شده کابینهٔ خود را تقریباً از وزرای سابق باندك تغیرات تشکیل نموده - چمبرلین درعین حال مقام ریاست حزب محافظه کار را نیز اشغال کرد - بتاریخ ۲۴ جوزا دوك آف ونسرشاه مخلوع انگلستان بدون حضور هیچیك ازخانوادهٔ سلطنتی انگلیس در یکی از کلیسا های فرانسه (بمقام کان) باخانم سمپسن ازدواج نمود .

در اواخر ماه سرطان حکومت انگلیس موافقتهای را که سابقا در قسمت بحریه با المان و شوروی بعمل آورده بود بشکل معاهدات بحری در آورده و هر یك از مملکتین من بور متعهد شدند که کمیت و کیفیت بحریه جملگی خودرا باطلاع انگلستان برسانند . اماشوروی درین قسمت بحریهٔ شرق اقصای خود را استثناء کرد .

بتاریخ ٤ سنبله هو جیسن سفیر کبیر انگلیس متعین نانکن در بین راه شانگهائی مورد حملهٔ طیارات جاپانی واقع شده جراحت شدیدی برداشت ودرانراین قضیه آرای عامهٔ ملت انگلیس سخت برعلیهٔ جاپان برآشفته گردید وجراید تحریك مقاطعهٔ اقتصادی رابرعلیهٔ جاپان نمودند امادولت باعتذار رسمی وزارت خارجهٔ جاپان اکتفاء ورزید . روابط انگلیس وایطالیا روز بروز بدترشده رفته پروپاگند جرائد دوام داشت تا آنکه پس از پیشرفت سیاست المان دراطریش گراندی سفیر کبیر ایطالیا در لندن موضوع مناسبات مملکتین را دوباره پیش کشیده به چمبرلین و ایدن اطلاع داد که اگر درینوقت اقداماتی بعمل نیاید احتمال دارد که درآینده ایطالیا برای مذاکرات حاضر نخواهد شد . ایدن باین خواهش راضی نشده چون چمبرلین طرفدارآن

بود ، با معین پارلمانی خود لارد کرانبورن استعفی داد .
لارد هیلیفکس عوض ایدن وبملر جانشین گران بورن گردیده مذاکرات
مملکتین شروع گردید و بزودی پیشرفت کرد قبل از رسیدن بمقام
وزارت خارجه لارد هیلیفکس مسافرتی دراالمان بعمل آورده و باهتلر
ملاقات های مفصل نموده بود . پس از مراجعت هیلیفکس در اوائل
عقرب شوتن ودلبو رئیس الوزرا وزیر خارجهٔ آ نوقت فرانسه بلندن
مسافرت نموده درقضایای بین المللی باوزرای انگلیس مذاکره کردند .
اما پیشنهادات هتلر طرف قبول واقع نشد ـ در ۱۸ ماه دلو دولتین
مذکور باتفاق امریکا یاد داشت متحدالمالی بدولت جاپان راجع
باحترام مقررات معاهدهٔ بحریهٔ لندن تقدیم کردند اما دولت مذکور
جواب منفی بایشان داده و معاهدهٔ بحریه را درهم شکست
در واقعهٔ الحاق آستریا بالمان نیز انگلستان بجز از یك
اعتراض دیگر اقدامی نکرد و به چکوسلواکی هم ضمانت نداده

فرانسه

اوضاع سیاسی فرانسه درین سال پر آشوب ومضطرب بود
دو کابینه جبههٔ عامه (اتحاداحزاب دست چپ) ویك کابینهٔ رادیکال
که احزاب دست چپ تشکیل نموده بود پی هم سقوط کرد و دهشت
افگنی ها و اغتشاشات خطرناکی بدسیسهٔ افراطیون دست چپ و
دست راست و تحریك اجنبی در داخل مملکت و مستعمرات رو داده
حکومت مذکور را دچار اندیشه واضطراب نمود. از رهگذر سیاست
خارجی و بین المللی هم اولیای مملکت بمشکلات عظیمی بر خورده و
دقایق خطرناکی راطی نمودند معهذا سیاست فرانسه براساس سابق
خود یعنی بطرفداری از جامعهٔ ملل و سیستم امنیت مشترکه ثابت

مانده حتی المقدور روابط خود را با دول دیموکراسی (مشروطه) استحکام بخشید و با نقشه های دول فاشیست مخالفت نشان داد و بر تعرضات دول غیر قانع همواره اعتراض نمود.

بلوم رئیس الوزرای سوسیالست فرانسه پلان‌های اجتماعی بزرگی راترتیب داده برای ملی ساختن کارخانه جات و مستقل ساختن شرح مبادله تیاری کرد اما سرمایه داران باومخالفت ورزیده بواسطهٔ خارج کردن مقدار کلمی طلاء وتنزل مسکوك بحران شدیدی را روی کار آوردند. بلوم بتاریخ ۳۱ حوزا ازمقام ریاست وزرا استعفاداد وشوتان که یکی ازاعضای مهم حزب رادیکال است کابینهٔ جدیدی بشراکت تمام احزاب جبههٔ عامه تشکیل نمود. تقربونه بوزارت مالیه سرمایه داران واحزاب دست راست را آرام ساخته پلانهای اوپس ازاندك مخالفت تصویب شد شوتان بهمرای دلبو وزیرخارجه دراوائل عقرب مسافرتی بلندن نموده پیشنهاداتی را که لارد هیلیفکس ازبرلن آورده بود با دیگر قضایای بین المللی بازمامداران انگلیس مطالعه کرده پس ازان دلبو مسافرتی درممالك متحدفرانسه یعنی پولند ورومانیه ویوگوسلاوی وچکوسواکی بعمل آورده درمسائل مهمه با اولیای انها تبادلهٔ نظر کرده وازنفوذ دول مخالف درانجا تا یك اندازه جلوگیری نمود. درهمین دورهٔ ریاست وزرائی شوتان بود که اغتشاش شدیدی درمراکش فرانسوی روداده وقشون فرانسه برای اطفای آتش انقلاب درشهرفاس ودیگرنقاط باستعمال اسلحهٔ ناریه متشبث گردید ویك تعداد اربومیان ناراضی بخاك وخون غلطیدند اما دراثر اقدامات عسکری شورش مذکورزود خاتمه یافت ومتعاقب آن حکومت فرانسه پلان اقتصادی جدیدی برای آبادی مراکش ترتیب داده که بزعم ایشان شکایت اهالی بومی رارفع خواهد کرد

مقارن این حال درکارخانه جات اسلحه سازی فرانسه وحتی درنفس شهر پاریس بمبهای زیادی انفلاق نموده باعث قتل نفوس وخرابی وانهدام عمارات زیاد گردیده ـ پلیس وحکومت فرانسه تحقیقات وسیعی را روی دست گرفته دراثر توقیف چند نفر ازمجرمین که بعضاً خارجی ومربوط بدول فاشیست بودند معلوم گردید که جمعیت خطرناکی برعلیه حکومت جمهوری مشغول دسیسه وتوطیه می باشد و اسلحهٔ فراوان برای تهیهٔ یك انقلاب عظیم جمع آوری شده است .

درعهد ریاست وزرائی بلوم نمایش بین المللی صنائع و فنون درپاریس افتتاح شد (ماه نور) و اکثر دول عالم در آن شمولیت ورزیده و غرفه های قشنگی را اطراف قصر بزرگ تروکادیر و دو طرفهٔ نهرسن تعمیر نموده بودند در اواخر جدی حزب سوسیالست با تقسه های بونه مخالف ورزیده وزرای سوسیالست بهمراهی بلوم یکجا استعفا دادند و کابینهٔ سوتان سقوط کرد و پس ازچند روز بحران بالاخره شوتان دو باره اقدام نموده و کابینهٔ جدیدی را خاص از حزب رادیکال تشکیل نمود ـ جمیع احزاب باین فیصله راضی گردیده و بحران رفع شد . درین بار شوتان همکاری و تعاون خود را با انگلیس وامریکا ادامه داده نوته بحریه را بسراکت آن دودولت بجاپان صادر کرد و برای جلوگیری از بمبارد طیارات بر شهرها و نفوس ملکی هسپانیا که اخیرا شکل فجیعی را اختیار نموده بود اقدام کرد ودرماه جوت که المان بفشار نظریات خودرا برحکومت اطریش (استریا) تحمیل نموده ، سیاست الحاق را روی دست گرفت کابینهٔ شوتان علاقه مندی خودرا بدفاع حقوق واستقلال اطریش وچکوسلواکی اظهار نموده اما وقایع داخلی مجال اقدامی را درین موضوع

مربوط به واقعات انگلستان



دی ولیرا رعیم ملی ورئیس مملکت آیرلند

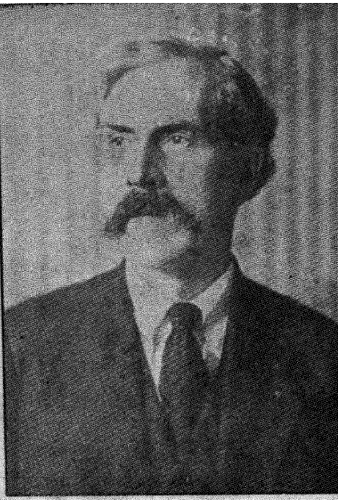

ریمری مکدانلد رئیس الوزرای فعلی انگلستان

مربوط به واقعات المان

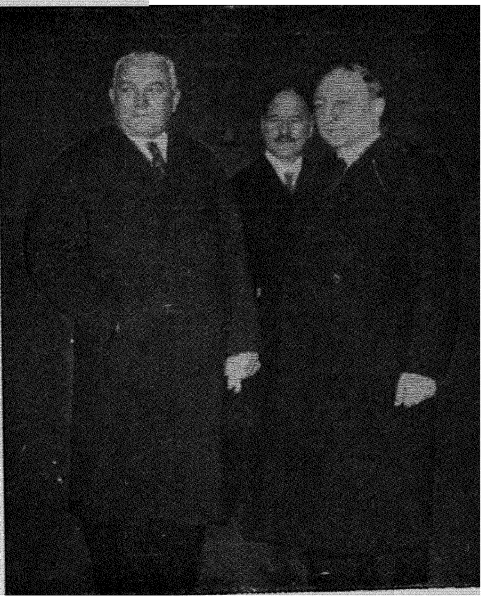

ملاقات فون نوراث وزیرخارجهٔ المان بادلبو وزیرخارجهٔ فرانسه‌درپرلین ، موقع‌مسافرت اخیرالذکر بطرف پولیند

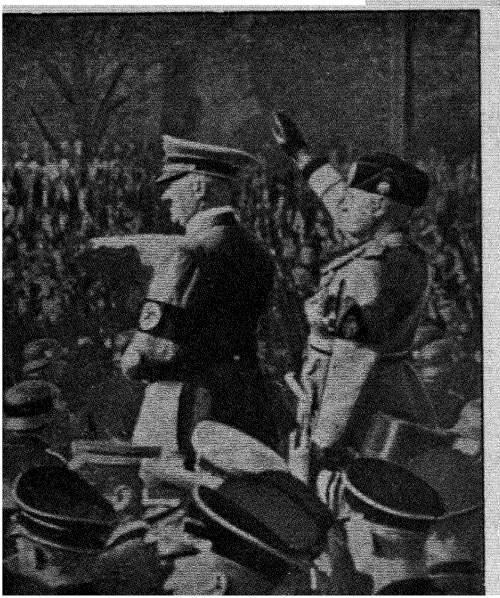

مسافرت موسولینی بالمان : سلام نازی و سلام فاشیست در موقع نمایش عسکر آلمان



امضای معاهدهٔ صد کسری بین جاپان ، المان و ایطالیا



جنرال کیتل رئیس ارکان حربیهٔ
حدید المان



جنرال فون براو شتش قوماندان عمومی
اوجاق بری المان

مربوط به واقعات ابطالیا



دیوك اوستا نایب السلطنهٔ حدید حبشه
که اخیراً باین رتبه مقرر شده



گرازیانی سفیر کبیر ایطالیا در لندن وعامل
مهم نزدیکی حدید انگلیس و ایطالیا

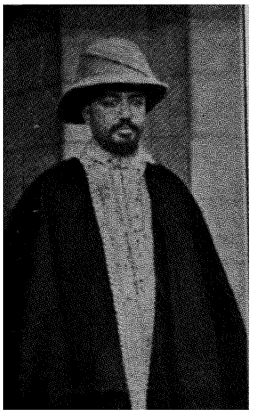

راس دستا آخرین مدافع ملی حبشه
که اخیراً دستگیر ومقتول شد

و بلژیك اتحاد گمرکی بنام اتحادیهٔ او سلو تشکیل دادند ـ

دو ل بالتیك (استو نیا ، لتونیا ، فنلند) روابط باهمی خود را افزوده و از دسته بندیهای اروپائی تا اندازهٔ زیاد احتراز کردند دراخیر سال دراثر کشته شدن یك سیاهی پولیندی درسرحد لیتوانیا پولیند برآن مملکت فشار آورده ، تاسیس روابط سیاسی را که در اثر تصرف پولیند بر شهر ویلنو در سال ۱۹۲۲ بین مملکتین قطع شده بود بر او قبولانید .

هالیند وسویس ازاقدامات آلمان ترسیده قوای حربی خود را افزودند.

پرتگال سیاست سال گذشتهٔ خود را بطرفداری جنرال فرانکو دوام داده کمونست ها را در داخل مملکت تحت فشار گرفت . و روابط سیاسی خود را با چکسلواکی قطع کرد .

مجارستان اتحاد خود را باایطالیا دوام‌داده مناسبات او باجرمنی نیز خوب بود اما در اواخر سال پس از مذاکرت شوشنگ وهتلر حزب نازی را در داخل مملکت خود لغو نمود .

ممالك امریکائی

ممالك متحدهٔ امریکا

دولت اتازونی درین سال میل وعلاقهٔ واضحی بمسائل بین‌المللی وقضایای اروپا نشان داده بادول دیموکراسی اروپا معاونت وهمکاری بعمل آورده ، از اقدامات دستهٔ مخالف تااندازهٔ جلوگیری کرد وباسیاست استعمال قوه وبخصوصاً بااصول اکتفاء بخود (یعنی استغنای اقتصادی) دول فاشیست مخالفت ورزید. ودرعین حال به تکمیل تسلیحات خویش پرداخته وخاصةً بحریهٔ جنگی خودرا وسعت زیاد بخشید. در اوائل ماه نوامبر کانگرس واشنگتن لائحهٔ بیطرفی اتازونی را تصویب

نمود. واگرچه برای حفظ بیطرفی وعدم مداخلهٔ امریکا در محاربات خارجی ترتیب شده اما شرائط آن طوریست که عملاً درموقع حرب به نفع انگلستان وفرانسه تمام میشود. ازطرف دیگر اوضاع اقتصادی امریکا درین تبادله نسبت بسال گذشته بهتر بود.

در ماه اسد روزولت رئیس جمهور امریکا و ان ز یلاند رئیس الوزرای بلژیك را که از طرف حکومت خود و حکومات فرانسه و انگلستان برای مذاکره دراطراف قروض گذشته وتمام مسائل اقتصادی عالم درنزد اومأمور شده بود درواشنگتن پذیرفته راجع به اصلاح وضعیت اقتصادی عالم بامشارالیه مبادلهٔ آراء بعمل آورده ودراثر این مذاکره نمود. درقضیه چین و جاپان اگرچه اتازونی بیطرفی را اختیار نمود اما علاقه ودلچسپی خودرا باستقلال چین بارها اظهار نموده وبموافقت فرانسه وانگلستان برای بیطرف ساختن شهر شانگهائی اقداماتی بعمل آورد، همچنین در کنفرانس بروسل شمولیت ورزیده عملیات جاپان رامذموم قرار داد وبالاخره درماه دلو بهمکاری انگلستان وفرانسه نوتهٔ راجع به تجدید اسلحهٔ بحری بجاپان صادر کرد وچون دولت مذکورجواب منفی داد اتازونی نیزپلان بحری را روی دست گرفت.

ازطرف دیگر رشتهٔ اتحاد دول امریکا (پان امریکا) که از سه سال باینطرف روی کار آمده و روز ولت مشوق آن میباشد درین سال تااندازهٔ زیادتقویه یافته دول امریکائی از سیاست جامعهٔ ملل حتی المقدور کناره گرفتند.

درباقی ممالك امریکائی وقائع قابل ذکری اتفاق نیفتاده تنهاروابط باهمی دولیکه درسابق باهم منازعه داشتند اصلاح وهم دربرازیل دیکتاتوری روی کار آمده قانون اساسی جدیدی با ساس فاشیزم وضع گردید.

نگارش جناب ژوزف ها کن عضو
هیئت عتیقه شناسی فرانسه در افغانستان

ترجمهٔ : جناب احمد علی خان (۱)
« کهزاد » مدیر شعبهٔ تالیف و ترجمه

حفریات جدید در افغانستان

خلص اجراآت هیئت اعزامی حفریات فرانسه

در افغانستان

از سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷

(سال ۱۳۱۶)

اعضای هیئت اعزامی حفریات فرانسه درافغانستان از ماه سپتامبر ۱۹۳۶ تا اگست ۱۹۳۷ تحت مراقبت وزارت معارف این مملکت یك سلسله تجسسات را در نقاط مختلفی که فواصل آن گاه گاه از هم خیلی زیاد بود انجام داده اند . در خزان ۱۹۳۶ (از سپتامبر تا دسامبر) هیئت درمنطقهٔ چخانسور که حصهٔ افغانی سیستان قدیم را تشکیل میدهد و بفاصلهٔ ۱۳۰۰ کیلو متر بجنوب غرب کابل افتاده به علاوه گردش های مفصل مقدماتی حفریات هم در چندین نقاط مختلف نمود «موسیو گرشمین» هم درین وقت موقتا در هیئت ما شرکت جسته بود تا راجع به شهر زرنج « نادعلی » فعلی که بچند صد میتری سر حد ایرانی افتاده تحقیقاتی بعمل آرد ـ درین اثنا سایر اعضای

(۱) راپورت مفصلی که درین موضوع تهیه میشود در جلد ۹ خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشر خواهد شد .

هیئت ، مدام ها کن « مو سیو کرل» و موسیومونیه » تحت هدایات من درمناطق دشتی که بشمال رو دهلمند مبسط است در حوالی خرابه های شهر « سارو تار » Sar-o-tar مشغول کشفیات و معاینهٔ اراضی بودند چون بعض آثار عتیقهٔ بودائی درقندوز (۱) یعنی در قلمرو بکتریان قدیم تازه پیدا شده بود در ماه ژانویه ۱۹۳۷ بغرض مطالعهٔ آثار مکشوفهٔ آنجا مسافرتی بطرف شمال افغانستان نمودیم چون اسناد ما را جع به تحقیقاتی که در سیستان بعمل آمده هنوز کاملا مرتب نشده عجالتا از ان گذشته بصورت خیلی مختصر نتایج حفریاتی‌را شرح‌میدهیم که ازاول بهار تاتابستان(ازماه اپریل تا اگست) در « کاپیسی » قدیم « بگرام فعلی » تقریباً به ۶۰ کیلو متری شمال کابل بعمل آمده است .

این جلگهٔ وسیع‌مرسوبی که‌قرار محاوره بومیان بنام (دشت‌بگرام) یاد میشود در ۱۸۸۳ توجه سیاح انگلیس « مسن » را بخود جلب نمود و مشارالیه بعلاوهٔ اینکه کولکسیون خوبی از مسکوکات شاهان « هندویونان » و « هندودسیت » فراهم نمود بعض استوپه ها را هم معاینه کرد. (۲) موسیو فوشه در ضمن تعین خط سیر «هیوان تسنگ در افغانستان یك حصه مطالعات خود را در اینجا هم صرف

(۱) رسالهٔ صنعت بودائی بکتریان و مبداء صنعت « گریك و بودیك » تالیف موسیو ژوزف هاکن مطالعه شود . این رساله را جناب احمدعلیخان کهزاد مدیر شعبهٔ تالیف و ترجمهٔ انجمن ادبی بفارسی ترجمه نموده ازطرف شعبهٔ مذکور بنام(صنعت باختر) درمطبعهٔ عمومی طبع شده است.

(۲) J.A.S.B سال ۱۸۳٤ و ۱۸۳۵ صفحه ۳٦-۱

بمشار الیه نداد وحزب سوسیالست دو باره بانقشه های مالی حکومت مخالفت ورزیده کابینهٔ شوتان در همان شبیکه فردا ی آن الـ ـن درآستریا اقدام عملی میکرد سقوط نمود (۲۱ حوت) چنانچه شاید درانتخاب وقت اقدا م باشغال استریا همین سقوط کابینهٔ فرا نسه نیز دخیل بوده باشد ـ بهر صورت و ضعیت سیا سی ازاثر مسائل استریا خیلی باریك بوده تشکیل فوری کابینه فوق العاده ضرور افتا د و پس ازاندکی بلوم کابینه را ازسوسیالست‌ها وراد یکال‌ها تشکیل دا د ولی باوجود این درکار تشکیل کابینه آنقدر تعطیل بهم رسید که مسئلهٔ الحاق آستریا شکل عملی پیدا کرده وبرای جلوگیری ا ز ا ن جز بوسیلهٔ اقدام مسلح ، و سیلهٔ باقی نما ند و برا ی اینکار نیز حو ن انگلستان حاضر نبود فرانسه چیزی کرده نتوانست‌ازطرف دیگردرهمین وقت جنرال فرانکو درهسپانیه پیشرفت های خیلی زیادی‌حاصل کرده درین موضوع نیز انگلستان جهت کدام اقدام مؤثر موافقت ننمود ه وبالاخره ازسمتی نیز اوضاع داخلی‌مواجه بحران شدید بولی‌گردیده سرمایه داران بواسطهٔ‌خارج کردن‌طلا وغیره اقدامات مالی‌قیمت فرانك را بطور فاحشی تنزل‌دادندو این موضوع بیشترتوجه حکومت‌را بسوی قضایای داخلی‌معطوف‌ساخته روی‌همرفته حکومت‌فرانسه تا اخیراین‌سال بجزازدادن‌ضمانت‌به چکوسلواکیه دیگرکدام اقدام مؤثری نه درموضوع استریا ونه‌درموضوع هسپانیه‌بعمل‌نیاورده حتی‌فرانسه درخواست روسیه را برای تشکیل مجلس دول‌دیموکراسی جهت‌جلوگیری ازاقدامات‌دول‌فاشیست منظورکرده نتوانسته و بالمقابل به تسلیحات خویش افزوده است .

آلمان

سیاست خارجی المان درین سال باساس مخالفت کمونیزم اتحاد

براد رزمن و استقلال مذهب [redacted] با دول فاشیست قرار داشت و بموفقیت‌های جدی نائل گردید - علاوه بر تشیید مناسبات خود با ایطالیا وجانان دولت باری تشبثاتی برای پهن کردن رسوخ خود در بالکان و اروپای وسطی بعمل آورده و مملکت اریس را بخود ملحق کرده و در عین حال بطور مسالمت مطالبهٔ مستعمرات سابقهٔ خود را از انگلستان وفرانسه بعمل آورد



لودیدورف جنرال فقید المان

در داخل مملکت بزرگ ترین اقدامات حکومت باری سیاست اقتصاد ملی بود بغرض تهیهٔ مواد ضروریه بصورت مصنوعی و رفع احتیاج ازخارج. ازانجا که این اقدام باعث ضعف روابط وکساد بازارتجارت است درممالک متمول غرب اروپا وجماهیر متحدهٔ امریکا بخوشی استقبال نشد وروابط المان مخصوصا با فرانسه و انگلیس بهبودی حاصل نکرد بتاریخ ۱۷ نور چهار هوائی بزرگ المان موسوم به هند نبورگ که امریکای شمالی مسافرت میکرد انفلاق نموده و با یک قسمت از مسافرینش تلف شد در اوائل جورا بابر گلوله باری طیارات حکومتی بر چهار مراقب المانی (دوبجلند) به بحریهٔ المان بندرگاه اسپانیوی المیریا را بمبارد کرد. درموضوع جنگ اسپانیا المان تقریباً قدم بقدم ازسیاست ایطالیا

پیروی نموده دو دفعه بهمرای آن دولت مراقبت سواحل راترك گفت اما عملاً معاونت وامداد اوبا فرانکو نسبت به سال گذشته کمتربود بتاریخ ۲۹ اسد دولت‌المان معاهدهٔ بحریهٔ رادرلندن با انگلیس امضاء کرد وتعهد نمود که ازقوا وتعمیرات بحریهٔ خود آن دولت اطلاعدهی نماید . درماه میزان موسولینی بالمان مسافرت ومذاکراتی باهتلر بعمل آوردکه شاید نتیجهٔ آن شمول ایطالیادرمعاهدهٔ ضدکمنترن وخروج آن دولت ازجامعهٔ ملل بوده باشد - بتاریخ ۲۰میزان دولت المان بموجب وعدهٔ که قبلاً به بلژیك داده بود معاهدهٔ عدم تعرض‌را با آن مملکت امضاء کرد واز ادعای ارأضی از دست رفتهٔ خود درسرحدات آن مملکت صرف نظرنمود هم چنین بتاریخ ۱۵عقرب معاهدهٔ راجع به حقوق اقلیت های طرفین بادولت پولیندامضانمود واکثرمسائل منازع فیهارا بآن مملکت قطع وفصل کرده در اواخر عقرب لارد هیلیفکس بالمان مسافرت نموده با هتلر ملاقات نمود و نظریات قائد المان را درموضوع اکثر قضایای سیاسی استعلام کرد . معلوم میشود که هتلر بالارد موصوف پیشنهاد ضمانت بیست و پنج ساله صلح اروپای غربی را نموده است مشروط براینکه دست المان دردیگرنقاط آزاد گذاشته وانگلستان وفرانسه درقضایا مداخله ننمایند چنانچه چندروز بعد ازین دربرلین ملاقاتی بین وزیر خارجهٔ المان بارون‌فون‌نوراث ودلپووزیرخارجهٔ فرانسه که عازم وارسابود دست داد معهذا پیشنهاد مذکورطرف‌قبول واقع نگردید. دراواسط ماه دلو بحران بزرگی درکابینهٔ المان رو داده بلومبرگ وزیر حربیه با چندین نفر ازجنرالها ازعهدهٔ خودها منفصل‌وخود هتلروزارت‌حربیه‌را اشغال‌وفون ریبن‌تروپ سفیرکبیرلندن جای فون نوراث را در وزارت خارجه‌گرفت .

این تغیرات سیاست خارجی و قشون را نیز مانند دیگر شعب حیاتی مملکت مستقیماً تحت ادارهٔ حرب بازی قرار داده درین وقت هتلر از شوشنگ رئیس الوزرای اطریش تقاضای ملاقات فوری را نموده در نتیجهٔ آن شوشنگ بمجرد مراجعت به وین در کابینهٔ خود تغیراتی وارد کرده چند نفر از روسای حرب بازی اطریش را در بعضی از وزارت قبول کرد و امتیازاتی به ملیون سوسیالست در امور سیاسی

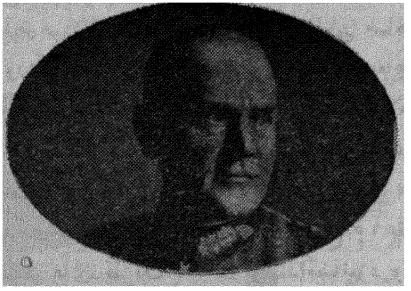

فون بلومبرگ وزیر حربیهٔ سابق المان

ومراسم حربی ایشان قائل گردید اما چون نهضت بازیها شدت کرد و شوشنگ برأی گیری متوسل شد دفعتاً بتاریخ ۲ جون هنرالیما بومی باطریش صادر کرده و از شوشنگ درخواست نمود که از مقام خود استعفا داده سپس آن کوارت رئیس بازیها بریاست وزرا تعیین شود والا المان اقدام عسکری خواهد نمود فردای آن با وجود استعفای شوشنگ قشون المان بدعوت بازیهای اطریش داخل خاک آن مملکت شده بدون اندک زد و خورد آن را تسخیر کرد و هیتلر و گویرنگ نوین مسافرت نموده الحاق اطریش را بالمان اعلان نمودند و یک کابینهٔ بازی تشکیل و اعلان شد بتاریخ ده اپریل رای عامه بعمل آمد اما این واقعه در خارج بی تاثیر نمانده مملکتین فرانسه و انگلیس وشوروی احتجاج شدیدی نمودند اما عملا کدام اقدامی

نکردند و همسایه گان دیگر المان از چکسلواکی و هولاند و سویس و پو لیند و هر یك دا رای یك تعداد اقلیت المان نژاد میبا شند در صدد تقویهٔ فوری عـکری و تهیهٔ وسائل دفاع بر آمدند مخصوصادولت چکسلواکی تعهد امداد عـکری را در صورت حملهٔ المان ازفرانسه و شوروی بدست آورده اما انگلستا ن در قبول آن انکار ورزید .

ا یطا لیا

دولت ایطـالیا درین سال سیاستی را که از موقع جنگ حبشه به بعد مبنی بر مخالفت جامعهٔ ملل و دول دیمو کرات پیش گرفته تعقیب نموده بلکه موسسهٔ جمعیت اقوام را بکلی ترك گفت و در ا تحـا د ضد کو نیزم با آ لمان و جا پان رسما شر کت ورزید . در قضیهٔ اسپانیا هم تا جا ئیکه مسئله منجر بجنگ عالم گیر نمیشد تشد د نموده ملیون را با انواع وسائل امداد و حمـایت کرد . در دا خل مملکت حکو مت فا شیست برای تهیهٔ مواد خام باصول مصنو عی و تکمیل تسلیحات عسکری جد و جهد ورزیده ، و در خارج تا که ممکن بو د اسباب نگرانی فرانسه و انگلستان را در ار و پا و مستعمرات شان فراهم آورد . اما درعین حال برای اصلاح روابط خود بابعضی‌دول درجه دوم اروپا وخارج آن نیز اقداماتی بعمل آورده وتایك اندازه کامیابی حاصل کرد . در روز هـای اول حمل موسولینی مسا فرتی درطرابلس بعمل آورده وجادهٔ بزرگی‌را که درطول ساحل آ نمملکت تا سرحد مصر کـشیده شده بود افتتـاح نمود و ضمنا نطقی در محضر اعراب ایراد نموده خو یش را حـامی جامعهٔ مسلمین معر فی کر د . این نطق که در حقیقت سیاست سی سال پیش قیصر ویلهم آ لمان را زنده میساخت تاثیرشدیدی درانگلستان نموده مناقشهٔ جراید بامقالات

تند و تیزی بین مملکت شروع گردید و بالاخره منجر به تبعید چندنفر از جریده نگاران انگلیسی از ایطالیا شد . همچنین در ماه حمل کونت چیانو وزیر خارجهٔ ایطالیا در بلگراد مسافرت کرد و چون قبلا بوساطت رشدی آراس وزیر خارجهٔ جمهوریت ترکیه ، راه مفاهمه بین مملکتین مفتوح گردیده بود وزیر موصوف دو معاهده یکی راجع به تجارت و دیگری معاهدهٔ عدم مداخله و تعرض با یوگوسلاویه امضا نمود و روابط مملکتین که از مدت درازی تیره بود اصلاح شد . درطول این سال گویرنگ وزیرهوابازی وبلومبرك وزیرحربیهٔ المان بروما آمده باموسولینی و حیانو ملاقات نمودند وتمام قضایای مربوط به محور برلین و روما را با ایشان ازنظر گذرانیدند ـ در ماه جورا و سرطان دو دفعه ایطالیا بهمراهی آلمان کنترول سواحل اسپانیارا ترك گفت و برعلیه سیاست عدم مداخله قیام نمود اما باصرار انگلیس ولجاجت وتهدید فرانسه دوباره درکمیتهٔ عدم مداخلهٔ لندن مراجعه کرد . بتاریخ ۱۰ اسدمار کونی معروف مخترع تیلگراف بی سیم وفات نموده مراسم تعزیت او با ترتیبات زیاد از طرف حکومت ایطالیا بعمل آمد چنانچه وزارت پست و تلگراف افغانستان هم به تقریب فوت عالم موصوف مراتب تعزیت خودرا بحکومت ایطالیا تقدیم کرده بود .

در اوائل میزان موسولینی با لمان مسافرت نموده بین دو نفر دیکتاتور مذاکرات مهمی بعمل آمده در اکثر قضایای بین المللی توافق نظر حاصل و پروگرام سیاسی محور برلین و روما را وضع کردند بتاریخ ۱۶ سنبله دولت روسیه پروتست شدیدی برایطالیا صادر کرده او را مسئول غرق جهارات خود در بحر مدیترانه قرار داد و تقاضای غرامات نموده ـ اما وزارت خارجهٔ روما از جواب اعراض

نموده وهم باین علت ازشمولیت در کنفرانس نیون خود داری نمود در ین موقع مخالفت بین ایطالیا و کمونیزم بسرحد کمال رسیده وچند روز بعدحیانوباب مذاکرات را با دولتین جاپان و المان افتتاح نموده در معاهدهٔ ضد کمنترن رسما شامل شد تقریبا یکماه بعد موسو لینی با طمطراق زیاد خروج ایطالیا را از جمعیت اقوام اعلان نمود و مخالفتاو با فرانسه وانگلیس دوام داشت تاانکه قضایای اخیر در المان رو داده بهتفصیلیکه درقسمت وقائع انگلستان ذکر شدایطالیاخواهش مذاکرات را از انگلستان نموده مذاکرات مذکور بموفقیت جریان یافت درموقعیکه تازه مذاکرات بین این دومملکت شروع گردیده بودواقعهٔ اطریش رو داده قشون المان آن مملکت را تسخیرکرد ودولت فرانسه مطابق معاهدهٔ ستریسا ازایطالیا درخواست نموده که متفقا برعلیه المان اقدامی بعمل آورده شود اما موسولینی درخواست مذکور را ردنموده وفاداری خود را به محور برلین و رومابیان نموده در روز های اول جوت بك وزیر خارجهٔ پولیند بروماسافرت نموده رسمیت امپراطوری حبشه را اعتراف نمود ، همچنین در ایام اخیر پارهٔ ممالك دیگر از قبیل ترکیه ویوگوسلاویا و رومانیا وغیره امپراطوری مذکور را قبول نمودند . اما ازنقطه نظراقتصادی ومالی اوضاع ایطالیا اطمینان بخش نبوده مشکلات مواد خام وذخایراعتباریه در تمام سال اسباب نگرانی حکومت روما را فراهم نموده بود . ازطرف دیگر درین سال جندین نهضت ملی درحبشه رخ داده هربارانقلابیون به سزای سنگینی رسیدند بطوریکه درهمین سال ، آخرین مدافع ملی حبشه (راس دستا) نیز دستگیرواعدام شد وهم گرازیانی ازحبشه بایطالیا احضار ودیوك اوستا بعوض اونائب السلطنهٔ حبشه مقرر شد .

اسپانیا

مملکت بدبخت اسپانیا تمام سال در آتش انقلاب و خانه جنگی فجیعی که از دو سال باینطرف شروع شده ، میسوخت اقدامات کمیتهٔ عدم مداخله اگرچه از سرایت خانه جنگی اسپانیا بدیگر ممالک جلوگیری بعمل آورده و در داخل سرحدات آن باقی مانده اما بحال ساکنین این مملکت بدبخت خیلی گران تمام شده است . مختصر احوال جنگ در سال ۱۳۱۶ بقرار ذیل است :

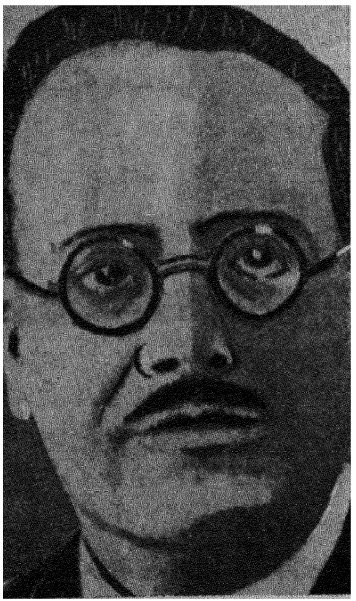

نگرین رئیس الوزرای حکومت اسپانیه

در اوائل حمل قوای حکومت در محاذ گواد الاجارا (منطقهٔ اراگون) فتح بزرگی نموده ، چند فرقه از عسکر ملیون که اکثر آن از داوطلبان ایطالوی بود تباه شد و باینقسم ولایت کاتالان از خطر نجات یافت اما در ماه های آینده حملهٔ عمومی را بمقابل حکومت ولایت مستقل باسك (بسکی) شروع کرد وقشون او بطرف بلبائو پیش قدمی

نمود. درین موقع جنگهای سختی رو داده . جنرال مولا سر افسر ملیون ، دراثر حادثهٔ ضیاره تلف گردید. وبالاخره پس ازمحاصره شدن بندرگاه بلبائو وآدوقه‌رسیدن به‌آنجا بعد ازآنکه انگلیس و فرانسه آذوقهٔ حوزه‌که بشهر مذکور رسانیده هزاران نفر طفل و پیر مرد و زن را ازصدمات حرب خارج کردند بتاریخ ۳ حوزه‌ران فرانکو داخل شهر بلبائو گردید و مرکز به سنتاندر نقل یافت .

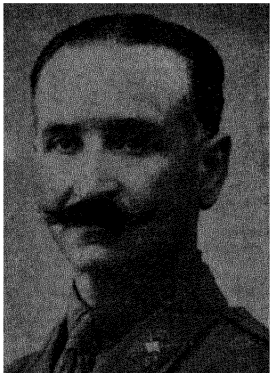

جنرال کوئیودلانو صاحبمنصب بزرگ فوج فرانکو

اینکس حندی بعد شهر مذکور نیز در مقابل ملیون سقوط نموده و جمهوریت باسك فرانکو را مسلم گشت. مقارن این حال قوای حکومت دار العلوم مادرید را که از مدتی بدست قوای فرانکو بود از ایشان انتزاع کرده حملاتی برقریه های غرب مادرید بعمل آورده بر حمت ریاد اندك پیشرفتی حاصل نمود . همچنین در جریان این سال دولتیها بر (ترول) حمله آورده شهر مذکور را باقرای مجاور آن فتح نمودند . اما فرانکو بیاری های بزرگی گرفته ، درماه دلو دوباره بر ترول حمله بردوپس از یك سلسله جنگهای خونین شهر مذکور را دو باره بدست آورد دراواخرسال جنرال فرانکوحملات تارهٔ بخطمواصلات بین‌مادرید وکاتالونیا بعمل آورده وقوای‌او درمحاذات مختلفه پیشرفت ریادی حاصل کرده

بطوریکه قشون او به سرحد ولایت کاتالونیا که بعد ازمادرید یگانه ولایت تحت تصرف دولتی ها میباشد ، رسیده است .

اطریش (آستریا)

دولت کوچك اطریش در موقعیت بس خطرناکی دچار بوده هر روز حوادث جدیدی در سیاست آن رو میدهد که عموما ناشی از آرزوی المان است بالحاق آن مملکت با خود در اوائل سال شوشنگ رئیس الوزرای اطریش یگانه وزیرنازی وطرفدار المان را از کابینهٔ خود خارج نمود وبعد باز آزادگی شدید المان ، بایطالیا رفته مذاکراتی با موسولینی بعمل آورد که از قرار معلوم نتائج مثبتی نداد و دیکتاتور ایطالیا نخواست که برای حمایت استقلال اطریش متحدین ناری خویش را از خود برنجاند . بهر صورت همین حال باقی بود تا آنکه درماه داو هتلر رئیس الوزرای اطریش را بصورت فوری بالمان دعوت کرده و در برشتسگادن با او ملاقات نمود . معلوم میشود که دیکتاتور المان تهدیدات شدیدی بعمل آورده و هرطوری که بود شوشنگ را راضی ساخت که چندتن از رؤسای حزب نازی را در کابینهٔ خود قبول کرده و امتیازاتی جهت نازیهای اطریش قائل گردد . همان بود که به خواهشات مذکور تمکین کرده بوقوع مرام هتلر اجراء نمود . اما این قضیه حزب نازی آن مملکت را آرام نساخته بلکه برجرئت شان افزود که تیاریهای بزرگی برای سقوط دادن حکومت شوشنگ بعمل آوردند چنانچه درظرف یکهفته بحران شدیدی درسرتاسرمملکت بروز کرده ، شوشنگ صلاح را دران دید که قبل ازقبول خواهشات نازیها ازملت رأی بگیرد . اما حینیکه میخواست رأی گیری را شروع کند ، هتلر اولتیماتو می بنام اوصادر کرده ، استعفای او

وترك رای گیری را خواهش کرد. چنانچه شوشنگ برای حفظ استقلال مملکت این خواهش راهم پذیرفت وبتاریخ ۲۲ جوت ازمقام خود استعفا دادو سس ان کوارت رئیس بازیها که وزیر داخله بود زمام امور را بکف خود گرفته، ازالمان امداد خواست وعساکرالمان بتاریخ ۲۳ جوت داخل خاك اطریش شده، در حالیکه هیچکس با آنها مقابله نکرد - وین وسائر بلاد آن را اشغال کردند وفردای آن خود هتلر با گویرنگ به وین آمده رسما الحاق آسترپا را بالمان اعلان نمودند ودرظرف ۲ روز عسکر، پولیس، مسکوك وباقی امور مملکت مذکور بالمان مربوط وهم اعلان شد که رأی گیری عمومی بتاریخ ۲۰ حمل بعمل می آید ضمنا یك عده مخالفین، دستگیر وبعض اعدام شدند

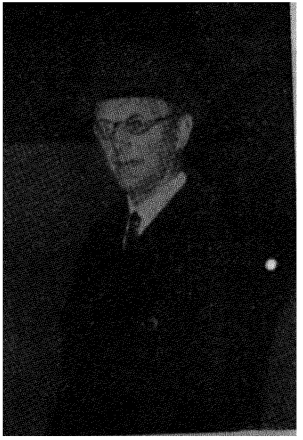

سس انکوارت رئیس بازیهای آسترپا وعامل مهم الحاق آسترپا بالمان

اتحادیهٔ صغیر

اتفاق ویگانگی رومانیا چکوسلاواکی ویوگوسلاویا یعنی سه مملکتی که اتحاد صغیر را تشکیل میدهد درین سال بیش ازپیش ضعیف گردیده

هریك سیاست خارجی مشخص اتحاد نمودند ، اما بازهم اشتراك مفاد (مخصوصاً وجود دشمن مشترکی مانند هنگری که باهر سه مملکت مذکور دعوای اراضی دارد) وجد وجهد فرانسه نگذاشت که اتحاد آنها لغو شود . ازین سه مملکت تنها چکوسلاواکی بسیاست سابقه یعنی طرفداری جامعهٔ ملل و اتحاد فرانسه و روسیه پایدار مانده و وضعیت آن در مقابل ممالك فاشیست تغیری نیافت و حتی دولت چکوسلاواکی به یکی از کارخانه جات خود که فرمایش یکنوع ماشیندار مخصوصی را از پرتگال قبول نموده بود اجازه نداد که آنرا بدولت مذکور بفروش رساند و در نتیجهٔ این امر پرتگال بروتست شدیدی داده روابط سیاسی دولتین بکلی قطع شد و دراخیر سال از سبب اقدام المان در آستریا اضطرابی درچکوسلواکی پدید آمده اما فرانسه و روسیه ضمانت او را درصورت حملهٔ المان ذمه وأرسدند و تنها انگلستان از آن اعراض کرد و در داخل حکومت چکوسلواکیه در اثر خواهشات حرب باری ، بعضی امتیازات را برای شان قائل شد و هم درین سال بود که مشاریك استقلال بخشندهٔ چکوسلواکی فوت شده مراسم جنازهٔ او با تشریفات ملی فوق العادهٔ بزرگی بعمل آمد .



هیلاین رئیس بازیهای چکوسلواکیه

دو دولت دیگر یعنی رومانیا ویوگوسلاویا هریك برای تامین مقاصد خصوصی خود ها اقدامات بعمل آوردند. یوگوسلاویا با دشمن دیرینه خود ایطالیا موافقت نموده، چیانو را در بلگراد پذیرفت و معاهدات تجارتی و سیاسی بامشارالیه امضاء نمود و هر رئیس الوزرای آن مملکت

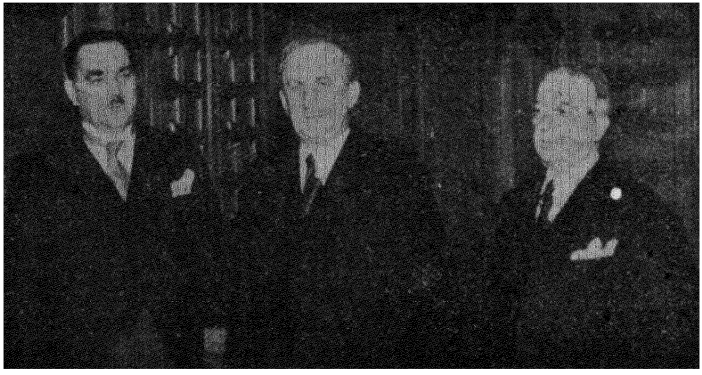

کنفرانس اتحادیهٔ صغیر از چپ براست. وزرای خارجه یوگوسلاویه، چکسلواکیه، رومانیه

درالمان مسافرت نموده روابط اقتصادی خودرا مخصوصاً با آن مملکت تحکیم وتشیید کرد.

دولت رومانیا درین سال با بحران های شدیدی دچار شده پادشاه آن از اصول پارلمانی واختلاف احزاب به تنگ آمده در زمستان ۱۳۱۶ مداخلهٔ بزرگی در امور سیاسی بعمل آورده کابینهٔ

تاتار سکو را که مرکب از احزاب دست چپ بود مجبور باستعفا ساخت و گوگا رئیس یکی از احزاب کوچك دست راست را موظف به تشکیل کابینه نمود . کابینهٔ گوگا دساتیر شدیدی برعلیه یهود های رومانیا بعمل آورده و اگر چه پایداری خود را بدوستی فرانسه و اتحادصغیر اعلان نمود اما سیاسیات آن با دولت شوروی فوق العاده سرد گردید و با لعکس بادول فاشیست از در صمیمیت پیش آمد .

مقارن این حال شارژ دافر شوروی در بخارست مفقود شده و دولت روسیه شدیداً بر رومانیا پروتست داد و هم احزاب دست چپ بر علیه کابینهٔ گوگا قیام نموده مشار الیه سقوط کرد و یکنفر از اعتدالیون که شخصا اسقف است کابینهٔ مرکب از روسای تمام احزاب تشکیل نمود و سیاست ضد یهود را تخفیف داده و موازنهٔ احزاب داخلی نفوذ احالب بعمل آمد .

اتحادیهٔ بالقان

اتحادیهٔ بالقان که‌ربط قریب با اتحاد صغیر داشته مرکب‌ازرومانیه یوگوسلاویه ، یونان و ترکیه و بلغاریه است ، روابط بعضی شان نسبت به اتحادیهٔ صغیر بهتر بوده ، مجلس سالانهٔ اتحاد مذکور که در اخیر سال درانقره انعقاد یافت، دراین سیاست بیطرفی در دسته بندی های اروپا و داشتن روابط نیك‌بادول فاشیست و منجمله اعتراف رسمیت الحاق حبشه به ایطالیا تصویب گردید. دریونان وبلغار یا با وجود کشمکش بعضی ازاحزاب سکون حکمفرما بود. وقائع دیگرممالك‌مذکوریعنی تورکیه و رومانیه و یوگوسلاویه علیحده ذکر شده حاجت به تکرار نیست .

لهستان (پولیند)

دولت پولیند که از حیث قوای عسکری وموقعیت جغرافیائی خود مقام مهمی را در اروپا اشغال نموده است ، درین سال هم سیاست

میانه روی دوجنبه دار خودرا بمهارت تمام تعقیب کرد و بدون آنکه رابطهٔ دوستی و اتحاد خود را با فرانسه قطع نماید با آلمان نازی یك اندازه گرمجوشی بعمل آورد . و حتی معاهدهٔ راجع باقلیت های طرفین با آن مملکت عقد نمود . و یکی از مشکلات بزرگی را که در روابط ایشان واقع بود ، رفع کرد . از طرف دیگر یك وزیر خارجهٔ آن مملکت مسئلهٔ احتیاج مستعمراتی پولیند را با لحن مسالمت آمیزی گوش زد اولیای امور فرانسه و انگلیس و جامعهٔ ملل ساخت . ضمنا روابط پولیندباجاپان وایطالیا نیز خوب شده در اخیر سال وزیر خارجهٔ آن مملکت رسما بروما مسافرت و رسمیت الحاق حبشه را بایطالیا اعتراف کرد . همچنین در زمستان این سال هورتی نائب السلطنهٔ مجارستان به پولیندمسافرت کرده روابط مملکتین تشیید یافت . اماروابط پولیند باچکوسلواکیه ومخصوصا بالیتوانیا

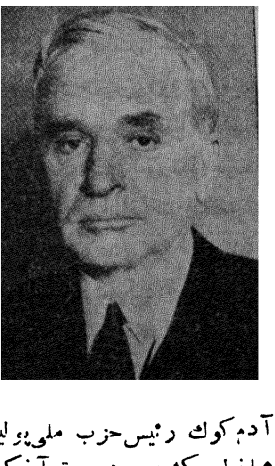

آدم کوك رئیس حزب ملی پولیند

همانطور کشیده بوده ، تا آنکه دراخیر سال باثر قتل یك نفر سیاهی پولیندی بر سر مدلیتوانیا ، حکومت وارسا به لیتوانیااو لتیماتوم شدیدی صادر کرد که باید بصورت فوری لیتوانیا روابط سیاسی خود را که پس از تصرف عسکر پولیند برشهر ولنا (در ۱۹۲۲) قطع شده بود ، دوباره برقرار سازد. حنانچه لیتوانیا بالاخره بجز قبول چاره ندیده روابط مملکتین تجدید شد. درداخل حزب فاشیست که بسرکردگی کریل آدم کوك ازچندی باینطرف تشکیل شده بود ، نهضت زیادی نموده اما حکومت حزب مه کور زامنحل

وحزب جدیدی بنام حزب ناسیونال (ملی) تشکیل داده است .

بلژیك

دولت بلژیك که در سال گذشته اساس بیطرفی را در سیاست فرانسه و المان اتخاذ نموده بود ، درین سال به سیاست مذکور ادامه داده در طور خود را رسماً از قیود معاهدهٔ لوکارنو آزاد ساخت درعین حال روابط خود را با دول کوچك و بطرف اروپائی شمالی تقویه بخشیده در اتحادیهٔ اسلو که بین هالیند و ممالك اسکاندینا و (سویدن ، ناروی ، دنمارك) بغرض تسهیل معاملات تجارتی ورفع تعرفات شدید گمرکی تشکیل شده ، سرکت جست وهم شاه بلژیك درانگلستان مسافرت نموده با اولیای امور لندن مذاکره بعمل آورد و ظاهراً ازایشان وعده گرفت که درموقع خطر انگلستان بامداد بلژیك خواهد شتافت . بتاریخ ۲۰ میزان دولت المان معاهدهٔ عدم تعرض را با بلژیك امضاء نموده استقلال و تمامیت خاك آن مملکت را ضمانت و احترام نمود . بتاریخ ۳ عقرب وان زیلاند در اثر مخالفت شدیدی که مابین احزاب دست چپ و حزب فاشیست ریکس رخ داده بود ، از مقام خود استعفی داده ، بحران وزارتی مدت یکماه طول کشید ، بالاخره احزاب دست چپ بمعاونت شخصی شاه کابینه تشکیل کردند که هنوز ارکان آن از سبب کشمکش های سیاسی و نهضت عناصر ریکسیست (فاشیست های بلژیك) محکم معلوم نمیشود .

باقی ممالك اروپائی

درباقی ممالك اروپائی و اقعاتیکه تاثیرات بین المللی قابل ذکری داشته باشد، رخ نداده رؤس واقعات ممالك مذکوره قرار ذیل است :

دول اسکاندینا و یا (سویدن ، ناروی ، دنمارك) باهالیندو

نموده(۲) و در نتیجه راجع به موقعیت چندجای قدیم نظریات مفیدی پیش کرد هکذا موسیو « برتو » هم در ۱۹۲۵ بعضی کاوش هائی در شهرجدید شاهی وحفریاتی در (دامنه غربی کوه بچه) شرق بگرام نمود ـ سپس پلان تجسسات اصولی در ۱۹۳۵ ترتیب داده شده و به صحنه «کمسون تفحصات عتیقه شناسی درافغانستان» که مقرآن وزارت تربیه ملی فرانسه است رسید ـ برای تعمیل این پلان در بهار ۱۹۳۶ شروع به اقدامات شده بار اول « موسیو کرل و مونیه » حفریات را در اوایل ۱۹۳۶ درخرابه های « شهرجدید شاهی » شروع نموده و حین کاوش شمالا و جنوبا کناره های گود الی را تعقیب نمودند که روی خرابه ها ی شهر عرضا افتاده است ـ در نتیجه ازین محل یك مقدار زیاد ظروف سفالی مخصوص رفع احتیاجات خانگی کشف شداین ظروف که تزئینات آن برجسته و با مهر یا تاپه بعمل آمده به اوایل عصر استقرار کوشان یعنی قرن اول و دوم مسیحی نسبت میشود .

در۱۹۳۷ دوباره تجسسات تحت مراقبت خودم شروع شده «موسیو کرل» بتاریخ ۱۶ اپریل درهمان جائی که سال گذشته حفریات نموده بود شروع بکار کرد بفاصله دوصد متری شرق اینجا محل دیگری به مدام « ژ ـ ر ـ ها کن » سپرده شد « وموسیومونیه » را مامور نمودم که درخرابه ها یك معبد بودائی که ۵ کیلومتری شرق ـ شمال ـ شرق (شهر جدید شاهی) افتاده عملیات حفریات را تعقب کنند ،

برگردیم به حفرگاه نمره اول : در اثر خالی کردن منازل ودکانهای که کنار کوچهٔ بزرگ شهر واقع اند مجدداً یك عده

(۲) مطالعات آسیائی که در موقع بیست و پنجمین سالگره تاسیس مکتب فرانسوی درشرق اقصی شایع شده I ـ صفحه ۲۷۳ ـ ۲۶۶

طروف سفالی پیدا شد که مانند ظروف مکشوفهٔ سال گذشته با تاپه تزئینات دارد ومربوط به عصر کوشان میباشد وو قتیکه حفریات دکانها در هردو رستهٔ کوچهٔ بزرگ تمام شد فوراً « موسیو کرل » دراخرماه می عازم درهٔ « فندقستان » شد این دره تقریباً در وسط راه بین کابل وبامیان واقع و « موسیو کرل » درآنجا حفریات را درخرابه های معبدی شروع نموده درنتیجه آثار خیلی مهم بدست آمد.

در حفرگاه نمبر دوم بگرام ، که سر پرستی آن به « مدام ها کن » و آقای « احمد علیخان کهزاد » وآقای محمد اسلم خان سپرده شده بود ۹ اطاق بزرگ کشف شد دیوار های این اطاق ها ضخیم ودر ساختمان آنها مواظبت خوبی بکار رفته ، طوریکه روی هم رفته دیوار از پارچه های کوچك تشکیل وحد بحدیك سنگ بزرگ گذاشته شده بود اطاق نمبر ۱۰ این محل نسبت به سایر اطاق ها وسیع تر ودورا دور آن بمواظبت دیوار شده بود اولین اشیای مکشوفه این اطاق بعد از کشیدن خاك ها در عمق ۶۰ بر ۲ میتر پیداشد تمام قسمت شمالی اطاق از ظروف شیشهٔ نازك ، ظروف سنگ رخام ، واشیای مفرغ پربود . گیلاس هایکه به تعداد زیاد از اینجا کشف شده خواص کارخانه های شیشه سازی سواحل شام را ارائه میکند (از قرن اول تا اوایل قرن ٤ مسیحی) بعضی گیلاس های منقوش باوجود مرور زمانهٔ مدید به منتهای خوبی محافظه شده ودرا کثرآن مواد شیشه ئی شفافی که جلای خود را بصورت حیرت آوری نگاه کرده است تزئینات منقوش روی ، صفحهٔ شیشه ئی گیلاس ها قشرملون خیلی لطیفی تشکیل داده که بصورت بسیارنازك برجسته معلوم میشود رنگهای تیزآنها که باناخن مخطط نمیشود مانند الوان مینائی

درخشان معلوم میشود روی یك جام بزرگ شیشئی دوصحنه ئی معلوم میشودکه دران دومرد برای دوزن میوه می آرد ، نباتات را دراین صحنه بواسطهٔ یك درخت خرما والکه های سبز روشن دیگر نمایش داده اند چند سطر بالا راجع به تیزی الوان اشاره نمودیم همکذا قابلیت نقاش آن هم قابل ملاحظه است اثر دست رسام در مقابل کار رنگ دهنده آن خوب معلوم نمیشود زیرا اخیرالذکر با خامه خفیف و سبك رنگ پری خود انرا مخفی ساخته درقسمت های روشن تر بدن خط خفیف سفید که عموماً کج ومعوج است معلوم میشود روی یك پارچهٔ کوچك ظرف شیشه ئی دیگر صحنهٔ مقابله دونفر پهلوان عصر رومن که انرا «گالید یاتور» میگفتند معلوم میشود . یکی از جنگجویان بسبك «تراس» یکنوع گیتراهنی آبی پای پیچ زرد دارد وسپر مربع کوچك موسوم به «پارما Parma» دردست گرفته . حریفش مانند «گلید یاتور» پهلوانان عصر رومن دریك پا پا پیچ دارد و ران هایش برهنه میباشد پارچه‌های دیگر صحنه‌های مقابله بین سوار وپیاده را نشان میدهد دیگر مظاهر تخنیك شیشه هم‌درظروف مکشوفهٔ اینجا ملاحظه میشود دربعضی‌ها تزئینات برحسنه‌را علیحده ساخته وبعد به‌ظرف چسپانیده‌اند ودربعضی های دیگر جزئیات خیلی باریك ولطیف را بواسطهٔ پارچه های کوچك شیشه به تنهٔ ظرف چسپانیده اند در یك ظرفی که به این تخنیك ساخته شده شخصی فراز برجی معلوم میشود که تجملاً عبارت از پوزه ئی دون Poseidon (رب النوع ابحار) میباشد وحتی با «پوزه‌ئی‌دونی» که با لای یك قاب ساخت «کوبرن» کنار رود (موزل) است شباهت دارد.

گیلاس های شیشهٔ الماس تراش و شیشهٔ کوچك ویا پارچه های

ظروف ماهی شکل وبوتل ویاجامی که دورا د ورآن تارشیشی ا فقی د و یده و حد بحد با پا ر چه ها ی ما ر پیچ عمو د ی به تنهٔ ظرف محکم شده وغیره اقسام و مظا هر تخنیك شیشه در میان این ظرو ف مشا هده میشو د ـ در میان ظروف مفرغ که تعد اد آن رو ی هم ر فته تقر یباً به ۵۰ میر سد سنگك تر ازو یك نوع ظرفی که بشکل شا خ است و آن را « ریتون » ؛ گویند قاب ها ی چقو ر کاسه نما و غیره اشیا بد ست آ مد ه و مهمترین همه یکنوع سپری است که از دوقطعه مفرغ تشکیل شده که اصلا روی یکدیگر قرار میگرفت قطعهٔ مفرغ فو قانی از حیث اندازه نسبت به قطعهٔ تحتا نی کو چکتر و تزئینات آ ن حیزی‌درخودقطعهٔ مذ کور و چیزی هم علیحده در آن افزود شده است تصویر مر کزی قطعهٔ فوقانی سپر با وجود ز نگ زدگی صورت « مدوز Méduse (۱) نشان میدهد . بالها ی متحرکی که بر سرش سایه ا فگنده علیحده سا خته و نصب شده ، به دوطرفهٔ سر به ارتفاع خط چشم ها چار مار خود را مبسط کرد ه اند و از پیچ خور د گی آنها هم گرهی تحت زنخ او معلوم میشود بدورا دور صو رت « مدوز اشکال ماهی هائی معلوم میشود که دم های

(۱) در افسانه های یونانی مجموع سه خواهر عجیب ا لخلقه که بنام های « مدوز Méduse » یوریال Euryale » و « استه‌نو Stheno » موسوم بودند « گورگن » می خواند. این سه خواهر مخصوصاً مدوز دارای قوای روحی عجیبی بو د که هر چیزی را به یك نگاه به سنگ تبدیل می نمودند . در روی سپر ها تصویر او را معمو لاً برا ی ترسانیدن دشمن ترسیم می نمودند .
(مترجم)

آن‌ها متحرك است عواملی را که علیحده ساخته شده و بازدرماهی‌ها نصب گردیده حلقه های کوچکی محکم گرفته که مجموعهٔ آن طرف چپه قطعهٔ فلز فوقانی سیر را مزین نموده در هر حلقه زنگولهٔ مدوری آویزان است که‌وجود آنها حرکت عوامل متحرك را آسان میسازد ناگفته نماند که‌بالای یك آئینهٔ عصر «اتروسکك Etrusque» که در اطاق مدال های کتابخانهٔ فرانسه تحت نمره ۱۳٤۵ قید شده تصویر روبروی «کورگن» طوری نمایش یافته که دورادور آن را امواج مناظر آب گرفته و درمیان آن ٦ «ماهی دوفن» که کلهٔ آن بزرگ میباشد شنا میکنند.

ظروف سنگ رخام مکشوفهٔ بگرام عبارت ازیك شیردانی دسته دار ویك گلدان دو دسته نی ویك قالب دسته دار میباشد.

* * *

اشیائی که در قسمت جنوبی اطاق کشف شده به استثنای چند ظرف شیشهٔ همه صندوقچه های جواهرات بود که اصلاً از صفحات نازك چوب ساخته شده و روی آن قطعات مزین و منبسط عاج و استخوان‌را نصب نموده بودند چوب صندوقچه ها بغیر از بعضی جاها باقی بشکل گرد نصواری رنگی تحویل یافته بود و ازین جهت در اکثر موارد حصص مختلف صندوقچه‌ها از هم جدا و متلاشی شده بود در بعضی جا ها بین صفحات و چوب و قطعات مزین عاج واستخوان ورقهٔ ابرك هم دیده می شود. این قسمت اشیای مکشوفهٔ ماچیزهای بی سابقه ایست که از هند مرکزی یا «ماتورا Mathura» به‌اینجا آورده‌شده است. راجع به‌فعالیت کار خانه ها وکاریگران عاج هند معلومات ما خیلی محدود است فقط اینقدر میدانیم که کار

خانهٔ « ویدا سا Vidasa (بیلسا Bilsa) حالیه در حکومت گوالیار) سنگی را که یکی از کارکنان آن تراشیده بود به معبد سانشی Sânchi (۱) تقدیم نمود چنانچه امروز کنار در وازهٔ جنوبی استوپهٔ بزرگ آنجا را مزین نموده است (وسط قرن دوم ق م)

درحالیکه ازخودهند ازآثار کنارخانه های فوق‌الذکر تا امروز چیزی بدست نیامده اربگرام صدها قطعات واوایح عاجی واستخوانی کشف شد . این قطعات به انواع مختلف کنار شده در بعضی نقوش فقط کنده شده دربعضی های دیگر موضوع حك شده وحون‌قسمت هائیکه خارج موضوع است دست نخورده تزئینات بصورت خفیف‌وشکل برجسته بخود گرفته است . دربعضی مواد دیگر موضوع مکلوب تراش وباقی حصص متن خالی کرده شده و قطعهٔ عاج شکل مشبکی بخود اختیار نموده روی هم رفته تمام این سبك وشیوه ها واجد روح‌صنعتی خیلی لطفی است که بامزایای خود مظاهر حقیقی هیکل تراشی را نشان داده وتمام پهلوها ومحاسن قالب گیری درآن گنجانیده شده است . خطوط خارجی همه جا درتمام موارد بایك خط درشت وصحیح کنده شده است تزئینات بعضی قطعات حفرگاه نمره ۲ بگرام مثل برگ‌های « لوتوس Lotus » پرنده‌ها ـ حیوانات خارق‌العادهٔ بالدار به تزئینات « سانشی » شباهت‌بهم میرساند خصوصی تزئینات‌سر دروازه

(۱) در وازهٔ شرقی استوپه سانشی (در سالنامهٔ موزهٔ کیمه در کتاب خانهٔ نشریات) جلد ۳۳ صفحه ۱٦٤ (نگارش موسیوفوشه ملاحظه شود)

شرقی استوپه بزرگ « سانشی » که عبارت از برگ‌های « لوتوس » با ساقه های طویل منظم میبا شد بالوایحی که از محل حفریات نمره ۲ بگرام یافت شده خیلی شبیه است وبرای مقایسه نقطهٔ مهمی بدست میدهد تا گفته نماند که لوایح بگرام تقلید کورکورانه عوامل « سانشی » نیست بلکه آزادانه مفکورهٔ انرا ارائه میکنند . علاوه برین تصویر (لئو گریف - شیر)واضحاً به آثارهم جنس خود که در سانشی نمایش یافته شبیه است (طاق فوقانی صفحهٔ خارجی دروازهٔ غربی استوپه بزرگ ونقوش برجسته بایهٔ همین دروازه) .

درصندوقچه های بگرام اشکال حیوانات بالدار بکثرت نمایش یافته این اشکال نفوذ صنعتی مملکت دور دست بین النهرین را ارائه میکند که باجزئیات تزئیناتی صاف هندی ضم شده است مرغ آبی و قاز با اشکال مختلفهٔ خود مثل مرغ آبی های کوچکی که قطاربشت هم قرار گرفته اند موضوع تزئیناتی قشنگی تشکیل میدهد .میشودگردن خمیده سربلند وسائر اختصاصات وضعیت آنهارا باقطار قاز هائی مقایسه کرد که درحاشیه ظرف مقدس کنیشکا نقش میباشد - اشکال زن ها با بدن های چاق وصورت های گوشتی خیلی باسبك کار مجسمه های مکتب « ماتورا » عصر کوشان (قرن اول ودوم عهد مسیحی) شباهت دارد بعضی لوایح عاجی یا استخوانی دیگری که تزئینات انهابه اصول مشبك است و موضوع های منقوشه بصورت خفیف برجستگی دارد هم بهمین عصر اطلاق شده میتواند ازصحنهٔ دیگری که یك شخص درمرکزقرارگرفته و دوحیوان عجیب الخلقه را خفه میکند چندین نمونهٔ جداگانه پیداشده که با الهام صنعت قدیم « سومر Snmer » اسباب مقایسه بدست میدهد . حیواناتی که حصهٔ اخیر بدن انهابه دم ماهی تمام میشود

وبادم های مناظر درعصرکوشان در« ماتورا » معروف بود هم با لای صندوقچه های مکشوفهٔ بگرام دیده میشوند دراینجا آنچه قابل مقایسه بین اساطیر « ماتورا » « سرنات »وبگرام میباشد این است که درنقطهٔ اخیرالذکر دم های متناظرآنهارا حیوانات عجیب الخلقه بحری خورد است و« ماکارا » (حیوانات عجیب بحری) دارای دم های برحاسته میباشند . بزرگترین مظهر قابلیت صنعت عاج درقسمت ها ئی معلوم میشود که موضوع نمایش آن زن هائی است که مصروف آرایش خود میباشند ـ بدن ها بکمال لطافت تجسم یافته ووضعیت بیقیدانه و آراد آنها خطوط خمیدهٔزیبای سرین ها را مضاعف ساخته است وخطوط خارجی حون مهارت کارا به‌رسم شده برلطافت کیفیت فوق افزوده است . خلاصه تمام زیبائی صنعت قرن ۳ « گوپتا » در نمایش دادن این صحنه ها که حاشیهٔ قشنگی از تر ئینات گل هادارد گنجانیده وتصویر شده است گل های حاشیه که‌بدات خود موضوع خیلی دلچسپی است از دهن آدمی برآمده که به نیم رخ راست نمایش و گردن او امتداد یافته به سر اسپ منتهی میشود و پائین تر باز سر مرغابی نمودار است این موضوع حتما حصهٔ مجموعهٔ عجیبی است که‌در گنج فوقانی راست‌صحنه نمایش یافته و گمان نمیرود که نواقصی داشته باشد بر علاوه درگل های حاشیه حزئیات دلچسپ دیگری هم موجود است . در آخر اولین گلی که بطرف راست خم و پیچ خورده میرود برگ « لوتوسی » قرار گرفته که‌از آن دو گل ویك شاخه راست با سه برگ دیگر جهیده‌است گل مابعد بر عکس بطرف چپ خم و پیچ گرفته است ـ ما گفته نماند که یکی از عواملی که ساقهٔ گل ها را تشکیل میدهد بدور ساقهٔ عمومی مشترك گل اول و دوم



ار آثار نفیس وتاریخی وطن . تکهٔ عاج دارای اشکال انسانی مکشوفه ارنگرام

Trouvaille de Bégram, morceau d'ivoire portant une figure humaine.
(chambre 10 du chantier no.2)



ارآثار نفیس وتاریخی وطن : تکهٔ عاج دارای اشکال انسانی مکشوفه ارنگرام
Trouvaille de Bégram· morceau d'ivoire portant une figure humaine. (chambre 10 du chantier no 2)

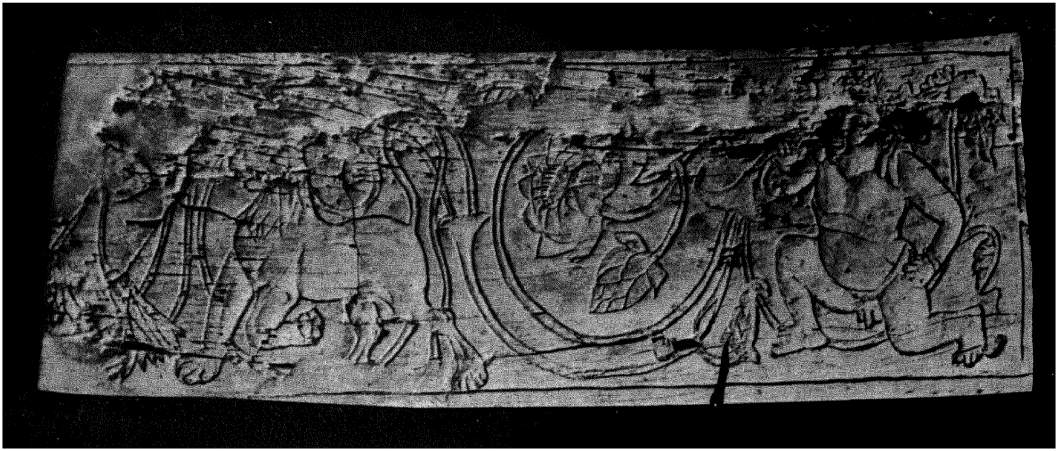

از آثار نفیس و تاریخی وطن : تکهٔ عاج دارای اشکال انسانها و حیوانات مکشوفه ازبکرام
Trouvaille de Béram: morceau d'ivoire portant des figures humaines et animales
(chambre 10 du chantier no. 2)



از آثار نفیس و تاریخی وطن : تکهٔ عاج دارای اشکال انسانی مکشوفه از بگرام
Trouvaille de Bégram morceau d'ivoire portant des figures humaines (chambre 10 du chantier no 2)

پیچ میخورد گل دوم دارای چو چهٔ مرغابی است که بطرف راست به پرواز میباشد : منظرهٔ خیلی مخصوص این گل ها قابل ملاحظه است زیرا فراموش نباید کرد که این سبك تزئینات درصنعت غربی هم مدخلیت دارد یکی از قطعات شیشه ئی که Scaurus اسکوروس » روی دیوار های تیاتری در (۵۸ ق م) روما گذاشته این رویه را ارائه میکند هکذا اصل ومبداء این عوامل مرکبه راکه اشکال انسانی (سرحیوانات) وبدن های پرندگان را بهم یکجا کرده وآنرا « گریل Grylles » مینامند میتوان خارج از هند در صنعت یونانی اسیای صغیر هم سراغ کرد چنانچه درسنگ های منقوشی که بنازه گی موسیو زیکان Zykan شایع نموده واصل آن دریك انرجرمنی موسوم به (سنگ های منقوش قدیم و حاضر) لوحهٔ ۸۳ شایع شده است عوامل مقایسهٔ خیلی زیاد است که روی همرفته گلهای که ازان صحبت کردیم ودرتزئینات حواشی قطعات عاج بگرام استعمال شده مراتب وشکل اخیرآنرا نشان میدهد .

در تزئین این صندوقچه ها عوامل دیگری که عبارت از اشکال حیوانات باشد نیز بکار رفته واستاد بکمال خوبی از عهدهٔ انجام آن برآمده است .

❀ ❀ ❀

معبد بورهٔ شترك :

دورا دورکوه پهلوان که مجزا وعلیحده بطرف شرق بگرام افتاده یك عده بنای مذهبی آباد بود که بعضی ها درپوزه های کوه وبعضی های دیگر درپای آن روی پیش برامدگی های سنگی فراز رود خانه (پنجشیر) معمور بود چنانچه معبدیکه بشمال کوه پهلوان تحت هدایات

من « موسیو مونیه حفریات نمود (۱) هم‌جایز چنین‌موقعیتی بود ـ چون این بنای مذهبی د ر مر و ر زمانه پیهم چند مرتبه مرمت ـ کاری و وسعت داده شده اصل شکل پلان اولیه ان مغشوش گردیده قدیمی ترین قسمت‌آن اگرچه آنهم بذات خود دست خورده ـ عبارت ازمحوطهٔ مربعی بودکه دروسط آن درمیان حویلی استوپه بزرگی داشت و این حویلی ازطرف شرق به حیاط دیگر مربوط بود وملحقات آن عمو ما بطرف جنوب و جنوب غرب معلوم میشود استو پهٔ بزرگ با مجسمه ها وصحنه های دیگرمزین شده بود چنین ملعوم میشود که صنعتگران‌درخود این محل به تراش مجسمه ها درسنگ سلیت می پرداختند واثار در خود اینجا ساخته شده باشد چنانچه و خود یك اوزار هیکل تراشی و یك صحنهٔ نیم کاره این نظریه را تقویت میکند .

علاوه براشیای‌سنگ سلیتی‌آثار دیگری‌که درگل ـ وچوبه‌قالب گرفته شده هم بدست آمده است ازمیان اثار قدیم چند پارچه حین حفر یات هنوز بجای خود در دیوارهای بنا باقی وبرقرار بود ازانجمله پا رچهٔ که خیلی دلچسپ است صحنه‌ئی را نشان میدهدکه را هبین و مریدان انها وارباب النوع فرعی (دواتا) بودارا تمجید و احترام میکنند امکان دارد را هبین سه برادر (کاسیاپا Kasyapa) و سه نفر مریدا ن ایشان بوده باشد درروی همین صحنه یك جوره اعانه د هندگانی هم معلوم میشود که لباس مرد آن عبارت از البسه ایست که معمو لاً در عصر کوشان پوشیده میشد بر علاوه موـو مونیه پارچهٔ لوحه ئی را یافته است که روی آن اعانه دهند گی بلباس قدیم هم معلوم می‌شود ـ

(۱) را پورت مفصل « موسیوژاك مونیه » درجلدد هم سلسله خاطره های هیئت حفریات فرانسه در افغانستان نشرخواهد شد .

تعداد مجسمه ها وصحنه های سنگی که ازینجا کشف شده خیلی زیاد است بسیاری صحنه ها از نقطهٔ نظر تصورات مذهبی بودائی خیلی اهمیت زیاددارد منجمله باید متذکرشدکه در یك صحنه شخص مرکزی که عبارت از « مینریا » باشدچهار زانو تحت کمان طاقی قرارگرفته ودو شخص کوچك در حالیکه به منصفهٔ بدن نمایش یافته اند از تحت پایه های کمان مذکور اورا احترام میکنند. دو شاهزاده یا « بودیس اتوا » دیگر بدوطرفهٔ کمان دیده میشوند. درمنتها الیه طرفین صحنه « دوارا پالا » یا جنگك جویان نمایش یافته اند اگر این پارچه باصحنه جینائی که کارعصر (وی Wei) (حوالی قرن ۵ ب م) میباشد مقایسه شود فوراً معلوم می شود که تا کدام اندازه صنعت بودائی چین در عصر (وی) تحت نفوذ موضوع های مذهبی صنعت « گریك وبودیك » آمده بود در یك لوحه قبل ازملاقات طالب العلم حوان بر همنی بابودا « ویبان کارا » چندین صحنه‌های دیگرمربوط افسانهٔ آنها نمایش یافته هیکل جهارشانه « ویبان کارا » بادست‌های بزرگ برای اثبات تنزل صنعتی بعضی آثار گریك و بودیك تمثال خوبی فراهم نموده ارائه وضمناً میکنند که این اثر چقدر با نزاکت و لطافت مجسمه ها و تصاویر مکتب « ایران و هند » قرن ۵ و ۶ مغایرت دارد .

فندقستان

« سیاه گردغورنند »

کشفیات اتفاقی چند پارچه مجسمه گك های بودائی در

« فندقستان » (۱) که به ٤٠ کیلومتری « سیاه گرد » وتقریبا دروسط راه کابل و بامیان واقع است ودرباب آنها مقاله درمجله « صنایع اسیائی » شایع نموده ام (۲) مراتحریك نمود تادر ۱۹۳٦ برای معاینه محل وتدقیق موقعیت آن بروم چون اهمیت محل مذکور برایم ثابت شد را پورتی مبنی به درخواست اجازهٔ حفریات بحضور ع ، ج والاحضرت سردارمحمدنعیم خان وزیر معارف افغانستان تقدیم نموده ودرنتیجه یکی از همکاران خود « موسیو کرل » را مامور نمودم که بعد ازختم کارهای مربوطه اش به بگرام ، حفریات را در فندقستان شروع کنند چنانچه این منظور

(۱) چون درماه اکتوبر ۱۹۳۷ وارد پاریس شدم ملاحظه نمودم که سیاح انگلیس مسن » که اسناد او همیشه بما کمك زیاد کرده است در ۱۹۳٦ فندقستان را یاد کرده ودرباب آن مینویسد : -

« فندقستان » درمنطقه « غوربند » به غرب سلسلهٔ بزرگ کوهی واقع است که ازهندوکش به قفقار میرود وحد غربی کوهدامن راتشکیل میدهد که در خود درهٔ غوربند و چه در دره های کوچك ملحقهٔ آن مخصوصاً دریکی انها موسوم به فندقستان آثار تاریخی قدیمی زیاداست لهذا بادلیل گفته میتوانیم که مسکوکات قدیمی از اینجا به تعداد زیاد یافت شده و بعضی برجستگی های مهمی در آنجا وجود دارد لیکن چون محل مذکور را دیده نتوانسته ایم راجع به چگونگی آن ازحدس وفرضیات احتراز میکنم) V.J.R.A.S.B (۱۸۳٦) صفحه ٦

(۲) مجله صنایع اسیائی جلد دهم شکل ۳ صفحه ۱۳۱-۱۳۰ مقالهٔ موسیو هاکن راجع به چند مجسمه گچك های بودائی که تازه از افغانستان کشف شده ملاحظه شود .

درماه می ۱۹۳۷ عملی شده و «موسو کرل» حفریات را در خرابه های یك بنای مذهبی یامعبد بودائی شروع کردیم که بالای تپه خاکی فرا ز دره کوچك «فندقستان» اباد شده بود « موسیو کرل » (۱) حین حفریات خود از اخر ماه می تا اگست ۱۹۳۷ عموماً درتخلیه معبدی کار کرده که اطاق آن بزرگ و مربع وسقف آن گنبدی بود و خرابی آن دهن طاق هائی رامسدود نموده بود که عمقاً دردیوار ها کنده شده بود. دروسط اطاق معبد «استوپه» بشکل ونمونه کلاسیك وجود داشت حصص مقابل طاق‌ها با اشکال گل های مارپیچی مزین شده بود که بشکل کمان های ساده روی پایه ها قرار داشت . روی دیوارهای طاق وته آن ومنطقهٔ بین پایه‌ها ومدخل‌انرا تصاویر دیواری مزین نموده بود - موسیو کرل پیش از همه شروع به برداشتن یکی ازتصاویری نموده که «میتریا» حامل بوتل کوچك را بابرگ های آبی «لوتوس» نشان میدهد اگرچه جنبهٔ نزاکت این اثرکمی محدود است اما از نقطهٔ نظر تشابه که با صنعت بودائی قرن ۵ و ٦ هند بهم میرساند قابل ملاحظه است زیرا میتوان آنرا سرچشمه الهامات صنایع بودائی تبت خواند . در سایر تصاویر رنگه «فندقستان» واضحاً علایم نفوذ ایرانی نمودارست واین محل یکی ازپله‌های نرد بانی است که‌این نفوذ را بطرف اسیای مرکزی پیش میبرد . رب‌النوع مهتاب و افتاب جنبهٔ ماورای هندی صنعت فندقستان را ارائه‌میکند رب النوع مهتاب

(۱) موسیو ژاك مونیه بعد ازاختتام حفریات خود درشترك بگرام (آخر ژویه ۱۹۳۷) به فندقستان رفته و به موسیو کرل ملحق شد. راپورت مفصل حفریات فندقستان درجلد ۱۱ خاطر های هیئت اعزامی حفریات فرانسه درافغانستان شایع خواهد شد .

که گرد صورت رنگ پریدهٔ خود هالهٔ نور دارد تاحی پوشیده که ازاشکال سه ماه نوتشکیل شده که درنوك های هرکدام آن گل ها میباشد. درگوش هایش کوشواره های مدور بزرگی است که دران مروارید کار شده بجانش حین چپه‌گردن دار وبه پاهایش موزه‌های پوستی ـ (پلنگ‌ها) است .اسلحه‌اش عبارت‌ازیك‌سپرکوچك مدورویك شمشیرعریض دسته‌طویلی است‌که ازقبضهٔ آن گرفته است (۱) گرداگرد صورت خراب‌شدهٔ رب‌النوع آفتاب‌هالهٔ نورارقرص‌سرخی تشکیل شده لباس‌اوعبارت ازجوشن‌است‌که ازقطعات فلزی تشکیل گردیده وارکمربند پایان دنبالهٔ آن بشکل حلقه های مشبك نازك معلوم میشود هکذا حصه تحتانی لباسی که بصورت پیش دامنی مدوری (۲) تمام میشود ران های او راپوشانیده است درپاهایش موزه واسلحه اش بعلاوه چماق شمشیری است بادستهٔ دراز وغلاف مزین ودستهٔ حب خود را روی آن گذاشته است .

این دو ارباب النوع درحداراطراق راست (نسبت به رب النوع ته طاق) طاق K تصویر شده اند .

تزئینات داخلی طاق ها چنین وا نمود میکند که قرار پروگرام واحدی بعمل‌آمده باشند زیرا تصاویررنگه وآثار حجاری شده طوری پهلوی هم قرار گرفته که جدائی بین انهاحس نمیشود وعلت آن این است که میان این دوسبك تزئینات عواملی قرارداده اندکه با آهنگ

(۱) کتاب « البسه واسلحه ایرانی پالمیر ، شام تالیف موسیو سرویك » H. Servig صفحه ۲۸ لوحهٔ ۱۷ ملاحظه شود .

(۲) کتاب آثارعتیقهٔ کوتل خیرخانه تالیف موسیوژوزف هاکن و « ژان کرل » صفحه ۱۲ شکل O ملاحظه شود .

مخصوصی تصاویر رنگه وآثار برجسته راهمنواساخته است چنانچه اینجا وآنجا اگر روی دیوارها ارباب النوع فرعی نیم تنه و باسینه های برجسته نمایش یافته واز زمین هیکل های نیم تنه شاهان ـ ماران آبی » (ناگاها) سربلند کرده است (طاق D) طرف دیگر اشکال حجاری شده به اندازهٔ برجستگی خفیفی دارد که ازتصاویر رنگه روی دیوارها چندان فرق نمیشود ـ هیکل یك « بودیس اتوا » که مانند شهزاده بیقید وآرادنشسته به بعضی (بودیس اتواهای) مقام (تین ـ لونگ ـ شان) Tien-long-chan (جین) شباهت زیاد دارد ـ روی جداراطراف راست طاق C) زنی دراز کشیده وپهلوی اوپردهٔ مثلث نما، اززبانه وشعله های آتش معلوم میشود ـ این زن بلا شبهه ما در بچه ایست موسوم به « یوتیسکا » Jyotiska. که قرارافسانه های بودائی ، بودا اورا ازشعله‌های مذکور نجات داده است (۱) درتنهٔ (طاق E) یك جوره اسحاص غیر روحانی معلوم میشود ـ یکی آن شهزاده ایست که صورت نشستن او بوضعیت شاه یا شهزاده شبیه است که روی یکی از زیورات عصر ساسانی ترسیم میباشد وپروفیسور سار Sarre » آنرا شایع کرده است (۲) شهزاده آرنج خودراروی یکعده زیر گوشی ها تکیه داده است ـ البته شهزادهٔ فند قستان لباسهای مروجه اسیای مرکزی وایران را بخاطر می آرد .

(۱) کتاب صنعت گریك و بودیك گند هارا جلد اول صفحه ۵۲۸ـ۵۲۵ شکل ۲۵۸) تالیف موسیو فوشه ملاحظه شود .

(۲) کتاب « صنعت قدیم ایرانی ها » لوحه ۱۱۱ تالیف پروفیسر « سار » ملاحظه شود .

مشارالیه چین خیلی چسپ چپه گردن داری پوشیده که با مدال های بزرگ مزین و حاشیهٔ مرکب از قطار مروا ریدی دارد که در ان ها اشکال خیلی خیره (پرنده ها ؟) (صورت انسان ؟) معلوم میشود - موزه های او طویل و بطرف نجهٔ نوك تیز شده رفته هیکل دیگر مجسمهٔ خانمی را نشان میدهد که خیلی خود را آرایش نموده و از زراکت ها و انبساط سینه ها وسایر اعضای او معلوم میشود که زن هندی باشد -

در زیر حای مجسمه ها ظرفی پیدا شده که دران بعلاوه خاکستر مسکوکاتی هم گذاشته شده بود - یکی ازین مسکوکات مربوط به خسرودوم ساسانی (۶۲۷ - ۵۹۰ م) ودیگرها مسکوکات مخلوط مس و نقره ئی ایست که به « نابکی ها » (قرن ٤ — ٥ م) نسبت میشود .

اهمیت این اکتشافات درین نظریه مضمر است که آثار مکشوفه قندقستان نمونه های اخیر صنعت بودائی است که بقرن (٦) بعد از مسیح نسبت میشود و در حالیکه نفوذ صنعتی ایرانی در آنها مشرف برسقوط است نفوذ هندی تفوقی نشان میدهد .

آثاریکه از اینجا بدست آمده چه از نقطهٔ نظر سبك وچه از پهلوی تخنیك (مجسمه ها از گلی قالب گرفته شده که دران کاه میدهد باموی وپشم وغیره مخلوط است) به تصاویر منقوش وآثار حجاری شده اسیای مرکزی ارتباط وقرابت دارد (هیئت گریون ولید) (فن کولك) (اولند نبورگ) (وتانی - پلیو - ستین) قندقستان بحتملاً حد جنوبی این سبك مخصوص صنعت بودائی را تشکیل خواهد داد .

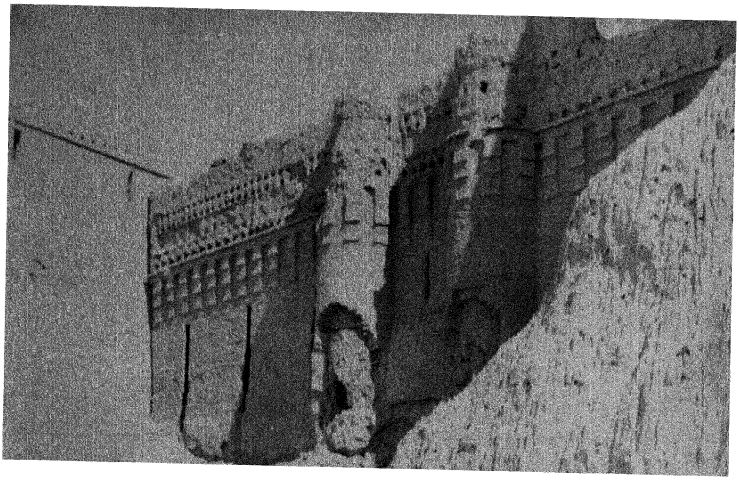

آثار تاریخی اهالستان خرابه‌های سیستان درعلاقهٔ چخانسورك (عکس بالا خارج ارگ قدیم)

Les ruines de Seistan à Tchakhansourak (en haut l'extérieur de la citadelle

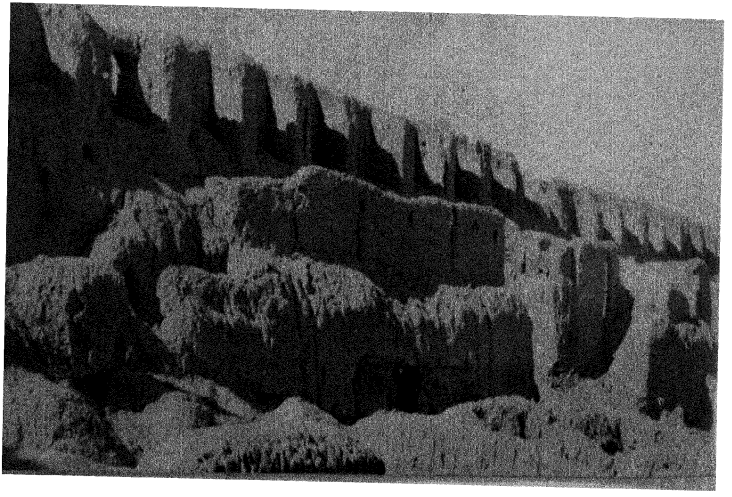



ازآثار تاریخی افغانستان . مدخل بالاحصارخرابه های سیستان (احاطهٔ دوم) بمقام سروتار (حجانسور

Les ruines de Seistan, entrée de Bala-Hissar de la 2ê enceinte à Sar-O-Tar



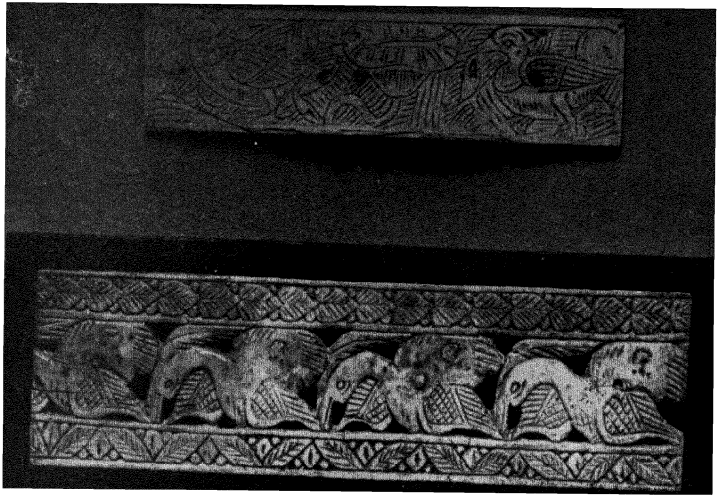

تکه های عاج دارای اشکال گلها و حیوانات مکسوه از بگرام
Trouvailles de Bégram ivoires portant des dessins des fleurs et des animaux (chambre 10 du chantier no. 2)

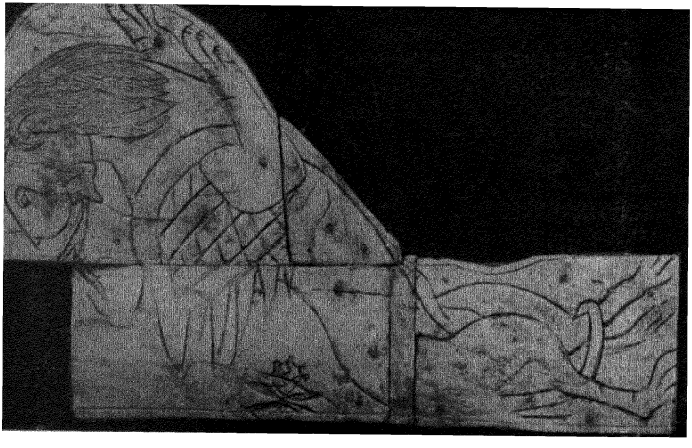

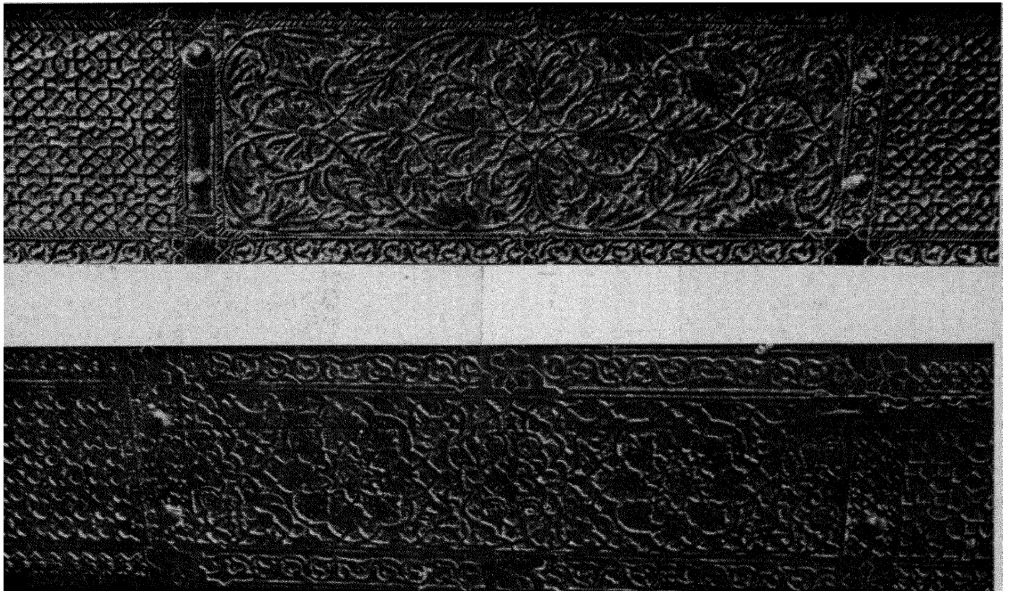

از آثار نفیس وتاریخی ولایت مزار شریف : حجاری‌های قدیمی مکشوفه ارشرغان (دورهٔ اسلامی)

Spécimens de l'ancienne sculpture d'Afghanistan (Ere islamique): dalle trouvée à Chibirghan (Prov. de Mazar-i-Chérif)

*

د پښتو پرادبياتو يوه کتنه

په قلم د جناب امين الله خان «زمريالی»
د پښتو ټولنی دادبياتو دشعبی معاون

د نشريياتو شعبی رما حجه خواهش وکی چه د ستر کال دسالنامی له پاره د پښتو دادبياتو دتاريخچی په عنوان خه وليکم :

دا د نشريياتو د شعبی په دی خواهش زه ډير خو شحا له سوم زکه زما سر لوئی او ماته په درنه ستر گه کتل وه مگر په عين د خوشحالتيا کی می تعجب وکی او هيښ پيښ پا ته سوم ولی ! داسی کارته و گمارل سوم حه نه پوازی ماته بلکه د ښ روزی ټولو ليکو نکواو پوهاو نوته له خو را ډير و سختو کار و شميرل کيږی .

گما ن کو م چه د پښتو د ادبياتو د تا ريخ ليکل په د ی بی وسيله توب کی چه يوه پرزه وثايق اومدارك په منز کی نسته - داسی کاردی لکه چه سړی نوی اختراعات او اکتشافات کوی يا د پيستون کلتيی او دهير و کليف خط لولی .

او حال دادی حه علائم او قرائن چه په علم کی پوازنی بنا داستدلال او برهان ده موژته يقين را کوی چه پښتو د ډير ی پخوانی زمانی او په تير و پيړ يوکی ئی لوړ اوزلانده ادبيات در لود اوس چه يا د هغو اثر نسته او که سته ز موږ عر فانی او علمی سو يه دا قابليت نه لری چه له هغو څخه استفاده وکو -

نو گمان کیږی چه پښتو د ادبیاتو تاریخ نه لری او یا تاریخ ئی اوس نوې او دکیت له کبله بابیزاو خوشی شی د ی .

سره د دی ټولو دیرو می پـه قرار د د ی حکم سره (الامر فوق الادب) جرئت وکی چه دا خولاندنی کرښی پښتنو ورو نوته وایکم او گمان کوم چه د ژبی د علم په ټینګو او محکمو دلیلو سره چه یه دی مقالهکی ماته لار شو و نکی د ی د پښتو د ادبیـاتو ا و لغت د پخوانیتوب په باب کی څه شك پاته نسی- او که څه نقصان او کمی ولری پوره کول اوسرته رسولئی و را تلونکی نسل ته پر پردم زکه ما په دی اوسنی حالکی فقط یو اساس کښینبود اوزه دیوه یا دوئنکی حیثیت ارم نه د محقق .

امین الله « زمریالی »

• ◆ •

پښتو دافغانستان ملی اواصلی ژبه ده او د دی ژبی و ویو نکوته پښتون یاپـه صورت د جمعی پښتانه وائی چه نژادا آریـائی اواصلی اوسید ونکی دافغانسـان دی (۱) .

ز نو پخوانیو مؤر خینو اومستشرقینو یاداچه پوهیدل دخپلی ماپو هی په سبب یاد سیاست له کبله ئی پښتنو اوپښتو تـه دیرهغه اود غه و یلی اوناپو هه و گړی ئی په شبه اوحیرانی کی اچولی دی مگرله یوی زمانی څخه داخبره په ټینګه ملی سوی ده چه پښتو د آریائی دژبو څخه یوه

(۱) دامو پخواویلی دی چه پښتون په خته آریائی او د دی وطن اصلی اوسید ونکی اوخلور زره کاله پخواه دده نوم اخستلی سو ی د ی او پښتو دآریائی دژبو څخه یـوه مستقله او ځانته ژبـه د ه ، د ۱۳۱۲ ، ۱۳ ، ۱٤ پـه سالنامو کی دی زما او دجناب یعقوب حسن خان مقالی وکښلی سی .

ربه دی ، امايوازی جگړه په دی کی ده چه پښتود « ايرانی آريه » ټوک ده اوکه د « هندی آريه » سانگه ده او که ځانته لکه هندی آريه يا ايرانی آريه دخپل واک خاونده ده ددی له پاره چه داخبره ښه جوته سی اويوه سمه لار چه رښتيا اوحقيقت ته نيژدی وی زنی مونده کو دزنو مستشرقينو اوبوهانو خيالات په دی باب کی ليکو :

د ځنو مستشرقينو نظريات :

« سرولیم جونز » وائی چه پښتو چالدی (Chaldaie) يعنی کلدائی (۱) يا خالديه ژبی ته ورته ده امابروفيسر کلپرته (Klapreth) د ده خبره مانه وی او وائی چه پښتو سامی تيقی (سامی) ژبوته نه په ترکيب کونه په صرفی او نحوی قواعدواونه به الفاظوکی ورته ده بلکه پښتو دهند وژرمن د ژبو حجه يوه ژبه ده .

بروفيسر « دورن » دسن پترز بورگ (St. Petersbourg) اوسيدونکی وائی چه دپښتو ژبه په هيس ډول دعبرانی سره يورنگ والی نه لری او پښتانه د تيوتن دنکم سره خه اړه لری او دوی دافغانستان اصلی اوسيدونکی دی .

مسترا دلينگ (M. Adelung) په خپل کتاب کی ميتريديقس (Mithridates) ج(۱) ص ۲۲۵ وائی چه پښتو ځانته اواصلی ژبه ده .

مستر الفنستون (Elphinstone) په خپل کتاب کی (Kabul ج اص) ۳۰۲ وائی چه د پښتو دژبی اصليت په آسانه نه څرگند يژی زکه يوه لوبرخه الفاظ او ډير افعال اوحروف ئی په نامعلومو مصادرو اړه لری اوپه دی برخه کی هغه الفاظ سته چه داصلی ژبی داجزاؤ څخه

(۲) کلدائی د سامی ژبی يوه شعبه ده .

ترکیب اویوځای سوی دی (۱) اوزنی الفاظ ئی دژند او پهلوی وژبو ته ورته دی لکه مور (مادر) پلار (پدر) خور (خواهر) ورور(برادر) .

پروفیسر « مولر » په خپل اثر (راجع د پښتنو وژبی ته (über des sprache der Afghanen) کی دا نظریه څرګنده کړی ده چه پښتو په ژند اړه لری(۱۸۶۲ ع) .

داکتر ترومپ (المانی) په خپل پښتو ګرامر کی (۱۸۷۳ع) په علمی دلیلو سره وائی چه دپښتو ژبه هیسکله نه په ایرانی اړه لری اونه د هند وآریائی د کورنی ټوك ده بلکه ځانته یوه مستقله اوپخوانی ژبه ده چه د هند وآریائی اوایرانین په منز کی دنقل او انتقال ذریعه ګرزیدلی ده اوله دی لامله د دواړو ژبو نښانی په کی سنه او دپراکرت (د سانسګرت د ربی سانګی) یعنی د هندی د کورنی نښانی نسبت وایرانین ته په کی ډیری دی ـ داد داکتر ترومپ علمی نظریه پروفیسر « فون سپیکل » هم په خپل اثر کی (مدنیت ایران (Erânische alterthumskunde) منلی ده اوددا کتر « هارنل » دخواهم په ګرامر کی ئی (ګودین لینګوج (Gaudian languages) دا نظریه منلی سوی ده

مسیو درمستر هم لمری وار په خپل یوه اثر کی ۱۸۸۷ ع (فیلولوژی د هیئت راپورت په هندوستان کی . (Rapport sur une mission philologique dans l'Indoustan)

داخبره منلی وه اما وروسته له دروکلوڅخه په خپل بل اثر کی

(۱) زماهم دا نظریه ده اودلمړی کال په سالنامه کی می داخپله نظریه څرګنده کړی ده .

(راجع دافغان وملی نشیدونه . Chants populaires des afghans)
له دی فکرخخه وگرزیدی او په نوی کتاب کی یی دا نظریه خرگنده کړه چه پښتو له ژند خخه یاله یوی محلی ژبی خخه چه ژند ته نژدی یا متحد وی مشق سوی ده او پښتو د ژند سره داسی نژدیکت لری لکه چه نوی فارسی د زړی فارسی سره (هغه فارسی چه د هخا منشیانو په وخت کی په میخی خط سره په کتیبوکلیکلی سوی ده) که خه هم د پښتو ژبه په خپل ذات کی د ایرانین دکورنی ده مگر د هند د شمال مغرب خخه راوتلی ده .

د پورته بیان خخه د مستشرقینو او پوهانو په نظریاتو تر یوخایه پوه سو مگرداخرگنده نه سوه چه حق د چا پخوادی اوموږ دا ژبه د هند وآریائی دکورنی و بولواوکه د ایرانین دکورنی ئی وگنو یا څانته بیله ژبه ده چه د دی دواړوسره دور وری یا د اکانسبت لری نه دز وی اولمسی .

په دی مسئله کی موږ ته دوی خبری داد گیرنه را کوی اول داچه اصلی ځای اووطن داریائی دکهول په صحیح صورت مونده کو او دا جوته کو چه د هند و ایران تکم د افغانستان خخه هند و ایران ته تللی دی ؟ او که پښتانه د هند و ایران خخه راغلی دی ؟ .

او دویمه دامسئله موږ ته لارښئی چه ددی درو ملتوچه بنسټ ئی سره یو دی ژبی سره وگورو او که مووس و سی هغی ژبی ته یی ورسوو چه دوی ټول په گړیده .

لږی مسئله خو تراوسه په صحیح دول سره جوته سوی نه ده اونه خوك پردی خرگند دلیل لری چه دا رین لږی تاتوبی چیری و

هرچا په خپل حرث سره یو ځای ورته تا کښلی دی موږ هم په خپل وارخه پرلیکلی دی اوبه خپل خیال امړی تا ټوبی د آرین ، باختر بولو چه د افغانستان د قطب ډډی ته دی او دا خبره په کلکه عقیده سره منوحه د هند اوایران ارین له دی ځای څخه تللی دی پښتانه هیسکیه د هند و ایران یا د بل ځای څخه نه دی راغلی او په دی وطن کی چه اوس میشت دی پخواهم میشت و ه او داخپله عقیده مو په وارو وارو د کابل په سالنامو او مجلوکی لیکلی ده بیائی دلته لیکل تحصیل د حاصل دی (د کابل سالنامی اومجلی دی وکتلی سی) .

نو په دی ډول چه اصلی ځای د آرین د تکم د غه مز که اولینګ (مهاجرت) هم له دی ځایه و هند و ایران ته سوی وی او د ډیری پخوازمانی څخه د پښتو او پښتانه نوم اخستلی سوی وی څه رنګه کیږی چه داړیه د سنسکرت یا د زند او فارسی څخه ژیړیدلی وی بلکه په زغرده و یلای سوچه پښتوودی ژ بوته د مشر ورور یا د تره پر ځای ده .

څه رنګه موچه پورته و ویل دویم د ژ بی مسئله ده چه موږ ته لاراښئی ـ او تر لمړی خبری چه د آرین اصلی تا ټوبی دی د ژ بی مسئله موږ یوه ربنتنی او څرګند حقیقت ته نیږدی کوی ـ نو دادی تر هغه ځایه چه موږ پوهیږ و او معلومات لرو په لاندی ډول سره زنی لغات او الفاظ د دی ژ بو سره ګورو .

وړاندی تردی چه لغات سره وګورو او اشتقاق او ریښه ئی موندو نکو باید دی چه د ژ بی د پیدایښت پرفلسفه باندی چه علماؤ او پوهانو ویلی ده ، او څه رنګه د ژبو ریشه سره کښله کیږی او ژ به څنګه تحول کوی اوخه عوارض ور پیښیږی څه خیږنه او بحث وکو .

د ژ بو د فلسفی د تحقیقاتوقواعد یوپخوانی اصول دی چه د یونان د فلاسفه ؤ څخه پاته دی او له دی فن څخه دراز راز ژ بو اصول او هغه اړ والی او علاقه چه د دوی په منز کی سته څرګندیږی په ایشیا کی خوتراوسه ددی علم دونه رواج نسه او ارو پاګیانو هم ددی علم اخیستنه د یونان څخه کړی ده او یو قرن کیږی چه دا علم یی د فلو لوجی (فلسفه د ژبو) په نامه کمال ته رسولی دی موږ هم د دی علم په اساس سره باید ، اول د خبر و او اقاضو لمړی قاپی او فلسفه مونده کو ، نو دادی چه د مطلب خبرنه کو و .

کوچنی هلك چه لمړی سرله مورخخه ریږی تر خو میاشتو پوری بیله ژړا نور هیس نه کوی وروسته له خو میاشنو هر شی چه و یني یائی غواړی لاس وراچوی او اشارت ورته کوی یا یوازی یوژغ تر خوله باسی او تر تو لوشیانوچه مور او پلار ده ته ښودی او ګران دی ، دی هغه کوی چه مور او پلارته ژغ کی او نوم ئی واخلی مګر غږی د ده په اختیار کی نه وی تر خو چه په حروفوکی دی تو پیروکی په دی وخت کی یوازی شوندان دی چه د هر شی څخه ورانده حرکت په کی پیدا کیږی نو محض د شوندانو په ښو رولو-ره دی م ، م یاب ، ب وائی .

څنګه چه انسانان په ترکیب او غږو کی یوشی دی نو معلم د قدرت هم په یوه خیراما په لژ خه تغیر سره دوی ته زده کړه کوی او تول بنیادمان په لمړی سرکی چه پر خبرو رازی یو دول الفاظ په ډیرلږ بدلیدو سره تر خوله باسی او همد غه سبب دی چه د مور او پلار نوم چه کوچنی ئی تر هرشی ورانده زده کوی تقریبا په تولو ژ بو کی یورنګ اوله همغو آوازو څخه یو ځای سوی دی چه یوازی

د شوندانو په ښو رولو یاد خولی په پرانیستلو سره ویل کیږی یاژغ نی راوزی مثلا : -

په پښتو کی پلارته بابا ، یا بکه وائی
« عربی « « « اب ، ابا «
« انگلیسی « « « پا پا «

انسانی طبیعت او یورنګ والی خنګه مو چه پورته وویل گردو کوچنیا نوته یو ډول تعلیم ورکوی لکه چه کوچنی لمړی پلا داشارت د پاره گوته پورته کوی بیاد گونګسی په خیر آواز را باسی تر څو چه دغه گونګسی دنږدی له پاره دغه اودلری له پاره هغه وتا کل سی او اشاره و گرزی .

کوچنی چه په گړیدو راسی نولمړی د شیانو نومونه زده کوی هرشی چه عواړی د هغه نوم اخلی مثلا که وږی سی ډډی وائی او که میوه و غواړی ککه وائی هر کله چه دویلو قوت په ده کی د پیدا سی افعال داسماء سره یو ځای کی ، اما په ماته ژبه ئی وائی تر څو چه حروف داسماء اوافعال سره یو ځای کی او پر خبر وراسی .

یو وخت زه د قندهار څخه د هندوستان پرلار کابل ته را تلم په اردو نیوهیدم فقط د څو ضروری شیانو نو مونه چه ز ما زده وه ما خپل کار په کاوه مثلا که به ډوډی ته اړ سو م د ډوډی و ا لا دکان ته به ورغلم پیسی به می ورکړی او در و ته نوم به می ورته واخیست او که به می او به وغوښتی پانی به می وویل او که به زما داسی شی په کار سو چه نوم به ئی ز ماته و ز ده نو په گونه به می هغه شی ته اشارت و کی او په دی چل می خپل کار کاوه او نور اروپائیان یامسافر هم په کابل کی د پرلیدل کیږی چه په ژبه نه پوهیږی

یوازی دهغه شی نوم ا خلی یا هغه شی چه د ی ئی غو اړی په گو ته اشارت ورته کوی او د کم یوه چه څه خبری زده وی نو په ناقصو جملو سره خپل مطلب څر گندوی مثلا (نان برای ما لازم) نو ددی څخه دا جونه سوه چه امړی نوم (اسم) په درد خوری او سړی ئی زده کوی بیافعل اوبیا حرف زده کوی اوبیا په ارویدواو ویلو سره ژ به روسی او سړی نیم گړی نیم گړی جملی سره یو ځای کوی که څه هم اشارت په اعتبار د پیدایښت امړی دی مگر کلام د کار په اجرا کی ډیر اهمیت لری .

د الفاظو څر گند یده یا پیدایښت :

لفظ دژ بی تصویر یا د یوه شی نښان یا یو فعل دی .

که چیری یو لوی تکم چه دیوه پلار اولاده وی سره بیل سی او په گوښی گوښی ملکو کی سره خپاره سی دوی و نوی معا شرتی او مدنی شیا نوته اړسی په اثر د احتیاج یا اتفاقی نوی شیان مونده کی دا شیان که څه هم په دی ځایو کی له یوه جنسه وی بیاهم په بیلو بیلو نومو یاد یژی ورو سته له یوه وخته چه دا نومونه سره ټول سی هر شی د خونو مو خاوند وی .

یا په بل عبارت سره دنیا تل دترقی او لوړتیا پرلاری زی ، مدنیت پر اخیژی علم او فنون نوی شیان څرگند وی را کړه او ورکړه دیوه ځای شیان و بل ځای ته وړی نوله دی لامله نوی الفاظ په هر ځای کی زیژی او دیوه ملك څخه و بل وطن ته زی زکه چه ټول شیان او کارونه نوی وی مگر په کلوکی الفاظ لژ او په ښهر وکی ډیر وی داډیر والی دالفاظو په ښهر وکی داړو الی له کبله کلی وال دښهر والو و شا گردی ته امته داره کوی او و دی ته اتفاق دخاص

او عام وائی چه لهدی څخه الفاظ او اصطلاحات پیدا کیږی.

ددی پورته بیان څخه دانتیجه راووته چه امړی اشارت و بیا آواز او روسته له هغه نه په اثر د اتفاق او یو دبل دپوهولوله پاره الفاظ و ټاکل سوه .

تبصره :

هر کله چه وګړی ډیر او ودانی مخ پر زیاتوب سی استعمال او ویل د هغو الفاظو لازم کیږی چه عام وخاص په پوهیږی او نسبت و نورو لفظوته د وګړو ډیر په کار وی یا په بل عبارت هغه لفظ صحیح او فصیح ګڼل کیږی چه په محاوره کی رواج وی او که صحیح لفظ وی او په محاوره کی رواج نه وی او ټول وګړی د هغه ملت نه په پوهیږی صحیح نه بلل کیږی.

تصرف او ایجاد په ژبه کی روا نه دی او څوك اختیار نه لری چه یو لفظ د ځان څخه جوړ کی یائی راو باسی مثلاً مړی ووائی او دسړی معنی زنی و غواړی ، که فرض کوچه د ویونکی خپلوان دده په مطلب پوه سی اما عام خلق چیری په پوهیږی . یو سړی کولای سی چه څو الفاظه جوړ کی اما دژوند دپاره ئی دټولو وګړو منل شرط دی.

پوهان وائی لغت هغه دی چه ټولو وګړو هغه منلی وی او اصطلاح هغه ده چه یوی مخصوصی ټولنی اتفاق ترکړی وی .

دژبی دولیو (ریښو) پلتل:

د ژبی دولیو پلتل خو په متخصص (فیلولوګ (Philologue) دژبو اړه لری او متخصص هغه دی چه دژبی په مرکبو جملو کی

هر لفظ پلتی اوتحقیق په کی کو ی جه اصل ئی څه واو دخواو کموکمو ما دو څخه حوړ سوی او ا صل ئی کم ځای ته رسیږی ا و په معنی کی ئی فکر کو ی او اصل و نسب ئی مو نده کوی لفظ هم نسل ا و ولادت‌اری خرگندول ئی داسی کیږی حه متخصص اجزا د لفظ سره پرا نږی او وئی گوری جه اصل ئی څنگه ملك په ملك او قوم‌په‌قوم گر ز یدلی چه وده ته رسیدلی دی او رینبی ئی کمی دی او څه راز پیدا سوی‌دی‌او په‌حرف او معنی کی ئی اه‌دی گرز یدو اوسفر څخه‌څه تغیرموبدلی‌دی ـ بیا پر خپلو خبرواه حیث دزنی ژ بو فکر کو ی او نتیجه ئی سنجوی او یوټر بل ئی سره گوری چه دیوی ژبی لفظ‌دبلی ژبی سره په کمو ځایوکی یورښگ والی او په کمو ځایوکی مخالفت لری او هم کم الفاظ یوی ژبی ته مخصوص دی چه په نور وکی نسته بیائی د تغیر او تبدیل دعمل اسباب او علل پلتی او دخپل تحقیق‌پای یو ځای ته رسوی .

داهم دویلو خبر ده چه‌دبدلید وعمل کله مخ پر لوړ ا و کله‌مخ پر زوړوی اما تگ او پېدل (جریان) یې‌تل وی او دغه دبدلیدووعمل ته اصل و نصب دژبی وائی له پاره ددی جه مطلب ښه وپوهیدل‌سی لاندنی مثال را وړم :

گریوان : منخصص په دی لفظ کی گوری چه له گریوه اوبان څخه مرکب‌دی وان په سانسکرت کی په‌معنی دسا ښدی او لرونکی ، او گریو په معنی دستونی یاغاړی دی اوپه زړه پاړسوکی (فارسی) گری په معنی دستونی یا غاړی او بان په معنی دساتندوی اولرونکی دی او (و) او (ب) په فارسی کی تل سره بدلیږی لکه (او ، آب) (باغبان

باغوان) په پښتو کې ګروی دغاړی لاندی اړوکوته وائی چه په فارسی کې ئی (توقك) بولی او وان لکه پارسو او سانسکرت دلرونکی او ساتندوی په معنی استعمالیږی نوهغه برخه دخت چه دغاړی ساتندویه ده ګریوان یاګریبان نومیږی اوپه نتیجه کې داجو تیږی چه ګریوان اوګریبان دیوی کورنی دی اودرمانی داوژدوالی په واسطه او اختلاف د محیط اوازبدل سوی دی ۰

ناهارا وښار ؛ دا مرکب دی له نایانه څخه چه حرف د نفی دی او هار په پارسو اوسانسکرت کې په معنی دخورك را غلی دی او په پښتوکې هم دخورك معنی زنی اخیستله کیږی څوك چه سهار تر یوه وخته څه وڼخوری نووائی ماسبا ناری یاسبانهاری نه دی کړی یاوائی نهاریاناهاریم اوپه پارسوکې وائی (نهار حاضر است) .

تبصره :ـ

که څه هم الفاظ په ظاهر سره زغ یابوه هواده چه ترخوله وزی اما که څه زیر سو زانته یوشی دی مثلاً که ووایو چه قلم او مشوانی یادودی اواوبه راوړه که یو کوچنی هلك هم موږ ته ناست وی هغه شی راوړی حال داچه موږئی محض نوم واخیست نه داچه دهغه شی څهره موایستلی وی ۰

دالفاظو بدلیدل :ـ

الفاظ یوازی دشیانو نوم دی او هغه شی ښئی چه په هغه لفظ سره یادیږی مګر لکه نورشیان لږ اوزوړ اوسفر لری اوپه سفرکې ئی د ول اوطبیعت بدلیږی اوپه پای کې مړ ګځ هم لری .

يابل عبارت اسما په حقيقت سره نوم د شيانودی ، که کله شی بدل نسی اونوم ئی وگرزی هغه علاقه چه دلفظ اومعنی په منز کی ده سره وشليژی مگر بدرنگه والی نه زنی خرگندیژی مثلاً :-

شمع : عربو موم ته شمع ويل کله چه د موم څخه ئی دلگو لو شمع جوړه کړه پر هغه ئی هم دشمع نوم کښينبود - په پارسواوپښتو کی ټولواقساموته دشمعی بيله څه تويپره دهرشی څخه چه جوړه سوی وی شمع وائی .

کله يو لفظ اشتقاق کی لکه اورلړوتی او کله يونوی شی دخپل نامه سره راسی لکه (تلگراف) او (تيلفون) نو هر کله چه علم تل په فرقی اواصلاح قبلوونکی دی زنی زاړه الفاظ پرينبو دسی اوزنی نوی خرگند اومسعمل سی .

څه رنگه چه په بشرکی ډير قوموته اوظائفی سته اومخ پرلو پرزی اووده کوی او بيامخ پرزوړسی اودنيستی لارونسی همدارنگه په ژ به کی هم قوموته اوتبرونه سته او څنگه چه عالم گرزی الفاظ هم له يوه زای څخه وبل رای ته سفرکوی حرکات او حروف او معنی ئی تغير مونده کوی وضعيت ئی بدليژی وده کوی اومخ پرلوړزی او بيا مخ پرزوړسی په پای کی مړه سی .

د الفاظو مرگ او ژوند ، لور والی او زوړ والی ، تگ اورا تگ تل جاری وی هيس کله نه د ريژی او هيسوک ئی هم لکه د سيل اوبه نه سی دردولای - که زاړه آثار اوکتا بو نه و کتل سی په سوو پرينبود سوی لغات به په کښ لبدل کيژ ی چه اوس نسته يو ا زی ئی دقاموسو څخه موندلی سو بلکه ډيرئی په قاموسوکی هم نسته .

ډير الفاظ داسی هم سته چه په يوه مخصوصه معنی مستعمل اوويل

کیدل، دزمانی دگرزید و(تغیر) په اثر یا دنوی فکر و په علت سره ئی خپل وضعیت بدل کړی اوپه نوی معنی مستعمل سوی دی لکه په عربی کی :-

تهذیب : په لغت کی په معنی دپاك والی او اصلاح کولو را غلی دی اواوس داخلاق او مدنیت په مجموعی هیئت سره اطلاق کیږی یامدنی چه په لغت کی په معنی دشهری دی او اوس مدنی هغه چا ته وائی چه په ټولو نوو وضعیو دار وپاپوه وی.

دژبی ژوند اومرګ :-

ژبه هغه وخت ژوندی او په زوانی کی وی چه په هرعلم وفن کی بی شمیره مؤلفات ولری او الفاظ او محاورات ئی هر دول مطلب ادا کولای سی که الفاظ ئی اصلی وی یا د خپل پاك نه لری.

استقلال اوټل او سیدل د ژبی پرخلورشیانوباندی لری (۱) د قوم خپلواکی (۲) دقوم سلطنت (۳) مذهبی شعائر (٤) مدنیت اومعارف.

هرکله چه دا خلورساتونکی غښتلی او پخپل قوت ولاړوی ژبه هم قوت پیدا کوی او که دا خلور د پښو لویدلی اوضعیف وی ژبه هم ناتوانه سی او د پښو لویږی او په پای کی مړه سی - دژبی مرګ هغه دی چه د هغی ژبی ویونکی، ویل اولیکل په کښ پریږدی او تالیف په هغه ژبه کی له رواج څخه لویږی او اکثر دامرګ د ملتو د انقلاب په ترس کی ژبی ته پیښ سی.

دپښتو او فارسی اوسانسکرت په منز کی رابطه اوخپلوی :

په دی دری ژبوکی زیاته او پخوانی خپلوی اورابطه سته الفاظ

ددی ژبو د دوی په وړاندی (ریښه) دلیل د ی د ژبی د علم پوهانو وروسته له پلټلو او تحقیق څخه د ټول عالم ژبی پرځوبرخو ویشلی دی او هری برخی ته ئی څوشعبی تاکلی د ی او د هر ی شعبی الفاظ تر خپلی برخی لاندی رازی او یوله بله بیلژی ـ نوله دی لامله د الفاظو په تحقیق کی اسانتیا کیژی اودیوه لفظ په پلټلوکی هغی برخی اوشعبی ته سړی رجوع کولای سی‌اوهغه برخی دادی :

هند و اروپائی یاار یائی .

هندوستان ، افغانستان ، ایران ، ارمینیا ، تو له یورپ بیله ژیړ پوستو څخه او اروپائی ژبی چه امریکه ، جنوبی افریقه ، استریلیا او ینوژ پلنه ته تللی دی .

سامی :

عربی ، عبرانی، سریانی ، کلدانی ، اشوری ، آرامی ، فنیقی او سینائی .

حامی :

بربری او قدیم قبطی یعنی شمالی افریقه .

یورال الطائی :

جاپان ، کوریا ، مغل وتاتار ، ترک ، هنگری ، یورال اوشمالی برخه د بحیرهٔ اسود ، فنلینډ او لیپ لینډ .

د مشرقی جنوبی آسیا (آسیای جنوب مشرقی) :

چین ، برما ، تبت ، سیام‌اونور .

د جنوبی او شمالی امریکی د بومیانو ژبی :

د افریقی د حبشیانو ژبی :

د استرالیا د حبشیانو ژبی :

د علم‌الالسنه پوهانو ، هند و اروپائی ژبه پر یوالسو شعبو ویشلی ده (۱) اوموږ حاجت نه لرو چه د ټولو بیان وکو زکه ز موږ مطلب یوازی په سنسکرت اوزبند او پښتو کی دی چه د باختری ژبی ریښی او بالتسلسل و اریائی ژبی نه رسیږی .

د زند او سنسکرت ژبه :

سنسکرت Sanscris : د سنسکرت ژبه . هغه ژبه ده چه د هندوانو مذهبی کتابونه پرلیکلی سوی دی او هغه دادی : رگ وید سام وید ، یجر وید ، اتهر وید .

زند Zend د زند ژبه هغه ژبه ده چه د زرد ست کتاب (اوستا Avesta) پرلیکلی سوی دی دی ژبه ته باکتریانی (Bactriane) هم وائی زکه د دی ژبی ځای د افغانستان بلخ و ، د زند نوم د اروپائیانو له خوا پر اینود سوی دی .

مطلب :

د ژبو د کیفیت او نوموړه بیان وسو او هم مود ژبی حالات او

---

(۱) که څوک ئی تفصیل غواړی د « ۱۳۱۳ » په سالنامه کی دی د جناب یعقوب حسن خان مقاله د ژبانها درافغانستان » وګوری .

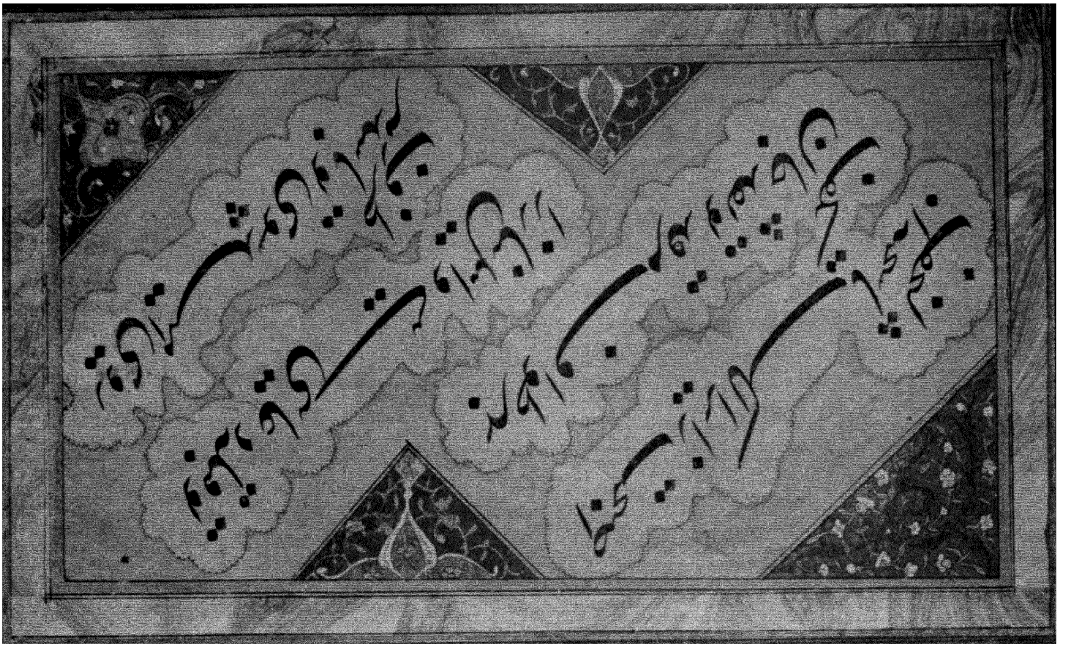

نمونهٔ خط نستعلیق یکی ارخطاطان قرن سیردهم هجری افغانستان میرزا محمدیعقوب خان کابل

Spécimen d'écriture d'un des calligraphes du 19ê. siécle d'Afghanistan

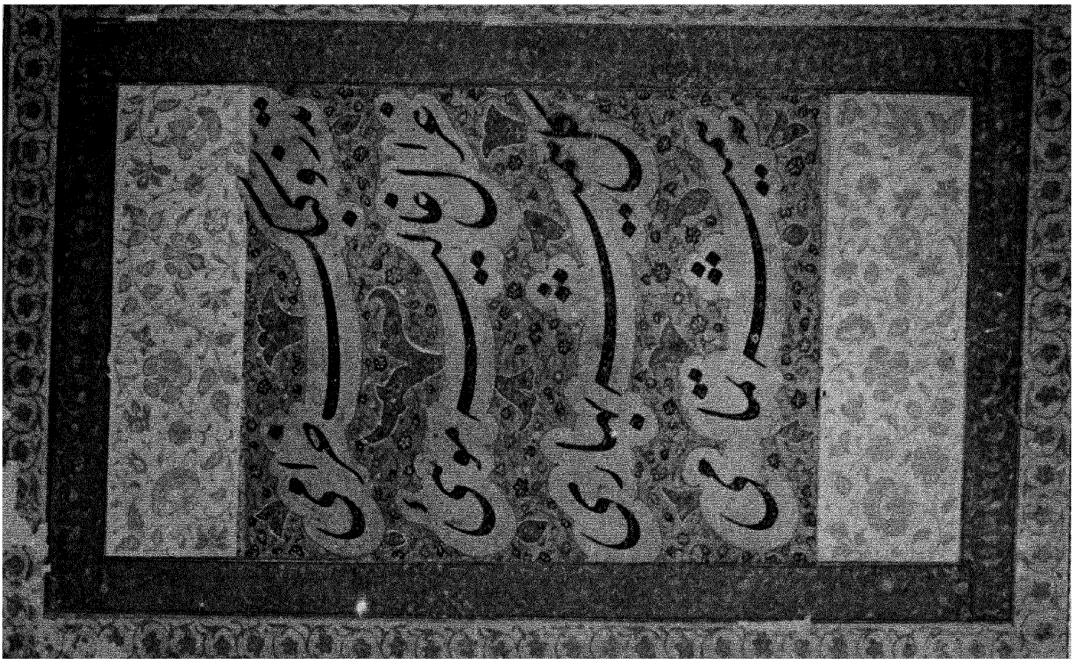

نمونهٔ خط نستعلیق یکی از خطاطان قرن سیزدهم هجری افغانستان میرعلی هروی
Spécimen d'ecriture d'un des calligraphes du 19è.s d'Afghanistan



نمونهٔ خط نستعلیق یکی ار خطاطان قدیم افغانستان

Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan



نمونهٔ خط نستعلیق یکی ازخطاطان قدیم افغانستان

Spécimen d'écriture d'un des anciens calligraphes d'Afghanistan

پيدايښت او څه رنګ والی تريو ځايه پوری وليکل سواوس نوغواړو چه د پښتو او سنسکرت او ز ند الفاظ سره و ګو رو او خپل مطلب موچه پښتو آ يـا ځا نه ژ به ده او که د هند ی او ايرانی ار يا ټوک ده زنی و باسو .

پخواه موو ويل چه کله ديوه ملك شيان د خپل نـامه سره ز ی او کله پرلاری يا په بل ملك کی نوی نومونه مونده کی که نوی شيان په هر ځای کی ويل پيل نومونه لری مګرلازمی اوضروری شيا ن چه انسان له لمړيه سره ورته اړو ، اوهرقوم او تکم په وخت ديليد و ډلخان سره وړی که په يوه ډول وی يا از څه تغير ولری دليل پر دی دی چه د هغو قومو په منز کی اتحاد د قومی اوخپلوی سته اوکه و پلټل سی ښائی چه نورهم داسی الفاظ مونده سی حه ددوی پراتحاد دليل و ګرزی د هغو ضروری شيانو څخه لمړی د کورنی اوخپلو انو نو مونه دی چه هيس بنيادم به زنی خلاص نه وی اوبيا اعضا دبدن اوجوی اوعددی اود خوراك اونورشيان دی اوموژ لاندی ددی در وژ بو (پښتو ، سنسکرت ، زند) الفاظ ترهغه اندازی چه موژ ته څر ګند سو ی دی يامعلومات په کښی لرو ليکو : (۱)

پښتو : ايشنا ، ايشنه . سنسکرت : اش يا اوش بمعنی بسيار ګرم

: اوبه	‹ :	آپ فارسی آ ب
‹ : اته (۸)	« :	اښټ اوستا اشتا
‹ : اتم	« :	اښتم فارسی هشتم
« : اتيا	« :	اشيتی اوستا اشتا ايتی فارسی هشتاد

(۱) دژبو دابدال اصول جناب يعقوب حس خان پوره ليکلی دی دتکرار په سبب می دلته نظر زنی وا ړاوه .

پښتو : او یا سنسکرت : سپتتی اوستاهپتا ایتی - نوی فارسی هفتاد
: آس‌مفرد ، اسونه جمع ، مونث اسپه‌سنسکرت : اشوه اوستا اسپه
نوی فارسی اسپ
« : اوښتل مصدر، حال‌دد ریم سری اوپ ری سنسکرت : وون ، نوی
فارسی گشتن ، گردیدن
پښتو : اوښ سنسکرت : اشتر (ت ښتو) - نوی‌فارسی‌اشتر
: به ، داسم به پای‌کی دنسبت علامه ، جمع یانه مثلاً غوبانه ،
اوښبه جمع اوښبانه (اشتربان ، ساربان) په نوی‌فارسی‌کی وان ، بان
پښتو : خه ، حله . نوی فارسی چه ، چرا (خ په فارسی کی‌په چ
بدلیږی)
پښتو : خور . سنسکرت خوار . اوستا چدوار - نوی فارسی چهار
: خلورم ، چترتم . نوی فارسی چهارم
: خلوښت چتوار نشت . اوستا چدوارسنا-نوی فارسی چهل
: خرمن « جرمن . اوستا چرمن . نوی فارسی جرم
: خیری ، خیره مصدرخیریدن ، خیرول . سنسکرت جیرا یاخیره
نوی فارسی چیر
: خیر (وصف) شبیه ، برابر ، موافق ، مساوی . سنسکرت
حتر ازچتر نم (شبیه شدن) اوستا چیدره زره فارسی حیدا - نوی
فارسی چهر
پښتو : خو . اوستاچواز ، چوت ، چوانتو - نوی‌فارسی‌چند
« : خرب (وصف) قوی ، سمین . نوی فارسی‌چرب
« : دیرش (سی) سنسکرت ترنشت - اوستا دریسته

پښتو : درست (صفت مذکر) درسته (مؤنث) همه : کل ، تمام .
نوی فارسی درست اوستا دروستی
« : دری . سنسکرت تری اوستا درایو ـ نوی فارسی سه
: دروميدل ، درومل مصدرواحد غائب درومی . اوسنا دراومان
پښتو: دوه (مذکر) دوی (مؤنث) . سنسکرت دوا ـ نوی فارسی دو
پښتو : گینه . نوی فارسی انگبین مگر په سنسکرت کی مدهو
راغلی دی معلومیږی چه گینه به اریائی کی دویمه کلمه دشهدوله پاره وی
زکه دانگریزی سره حه (هنی ـ Honey) ورته وائی خه
نژدیکتیا ری گینه یا انگبین بومی یعنی امری الفاظ نه دی .
پښتو: گریوان سنسکرت گریوا ـ نوی فارسی گریبان .
« : غر جمع غرونه سنسکرت گیری (اوله یادیره سکه ویله گیژی)
اوستا گایری نوی فارسی کوه (دپښتو «غ» اکثر په گ بدلیژی) .
پښتو : غاړه . سنسکرت گیلا ، گپ ، گلپ اوستا گاراه ـ نوی
فارسی گلون .
پښتو : غرمه (حاشت ، وقت گرمی روز) سنسکرت گهرم
(گرمی یا آفتاب) او سنا گرما ـ نوی فارسی گرم یا گرما .
پښتو : غوشایه یا غوشالی (سرگین) سنسکرت گاؤ (غوالی) شکرت
(فضله) غوشایه شالی چه د دوو لفظو څخه اخستلی سوی وی .
پښتو: غوږ او سنا گاو سه ـ نوی فارسی گوش .
« : غوا (ماده گو) سنسکرت گئو اوستا گو
: هاغه یا هغه (آن) سنسکرت سا (برای مؤنث) اوستاها .
« : هسك (بلند مرتفع) اوسنا اوسکت .
« : غنم سنسکرت گود هوم نوی فارسی گندم .

پښتو : کوم (کدام) سنسکرت کا (برای مؤنث) کتم (کدام یکی) نوی فارسی کدام - زده فارسی که.

پښتو : کښل (کندن ، حفر نمودن) سنسکرت کهنتی بمعنی (میکند) نوی فارسی کندن .

پښتو : کرل سنسکرت کرښتی بمعنی (میکارد) وی فارسی کشتن .

« : کشر (خورد ، کهتر) سنسکرت کنشتهتر او ستا کا سو نوی فارسی کهتر .

پښتو : کښتل ماضی کوت ، کاته سنسکرت ویکهش ، ا کهښ . او ستا کاس - منزوی فارسی اکاس - نوی فارسی نگاه .

پښتو : کړل ، کول سنسکرت کرت او سنا کرتیا نوی فارسی کردن .

پښتو : کمکی (خورد، کم) او ستا کامنا نوی فارسی کم .

« : کوڼ (کر) مؤنث کنهه ، کنوالی سنسکرت کرڼ (بمعنی گوش) او ستا کر نیا نوی فارسی کری .

پښتو : خښل مصدر ، واحد غائب خیژی ، ماضی خوت ، ختلای حاصل مصدر خاته نوی فارسی خاستن .

پښتو : خوب (خواب ، رؤیا) سنسکرت سئو پن (Dream رویا) سواپ (خواب) اوستا خفنا - نوی فارسی خواب .

پښتو : خور سنسکرت سوسری . او ستا خانهر - نوی فارسی خواهر (خ په سانسکرت کی په س بدلیژی).

پښتو : خوله (عرق) جمع خولی سنسکرت سوید .

پښتو : خو ړ ل مصدر وا حد غائب خو ری ماضی و خوړل - نوی فارسی خوردن .

پښتو : خر سنسکرت کهر - نوی فارسی خر (خ کله په سنسکرت کی په کهر هم بدليژی .

پښتو : لر (پست تر ، کمتر ، پائين) سنسکرت ادهر او ستا اداراـ منزوی فارسی ارنوی فارسی زير .

پښتو: لړل سنسکرت دهرن اوستادر تا نو - زړه فارسی ادرا ماننوی فارسی داشتن

پښتو: لس سانسکرت دش اوستاداسا - نوی فارسی ، کرد ، بلوچی د ه (ل په د بدليژی)

« ، لار اوستا رايد يا . منزوی فارسی رس نوی فارسی راه

« : ليری سنسکرت دو ری اوستا دويری نوی فارسی دور (په پښتو کی دوری په معنی د(انجا)يعنی هغه ليری خواته واټی)

پښتو . ليوه سنسکرت ور يك او ستاديوه

« : ليور (برادر شوهر) سنسکرت د يور - نوی فا ر سی ايو ر

« : لومه (حلقه دام) سنسکرت دمن

« : لور سنسکرت دو هيتا ، دو هيتر او ستا دو غدار منزوی فار سی دخت نوی فارسی دختر

پښتو: لوز (د اس) سنسکرت دا تری منزوی او نوی فار سی داس

« : لوشل سنسکرت دو هنم (نم علامه مصدر) نوی فارسی دوشيدن

« : مچ سنسکرت مکښی او ستامخشی نوی فار سی مگس

: مخ سنسکرت مکه

پښتو : منی (تیر ماه) اوستا همینا
« : منل سنسکرت منتم (مصدر) او ستا ماین اینی
« : مرغه سانسکرت مریگه مری په معنی د مرغزار او گه په معنی د تلونکی (رونده) نو مریگه په معنی د هغه حیوان چه څړ کوی (حیوان چرنده) اوستا مرغ ـ نوی فارسی مرغ
پښتو: مړ سنسکرت مر ـ نوی فارسی مرده
« : مړنی (پهلوان ، دلاور ، شجاع) سنسکرت مرتیه (ویلهلم گیگر) دمړنی په معنی لیکلی دی مگر دمړ کنډی ـ مردنی په معنی دی) او ستا مرتان منزوی فارسی مرت ـ نوی فارسی مرد ، مردانه
پښتو: مشر سانسکرت مشر منزوی فارسی مه . نوی فارسی مهتر او ستامسیا
پښتو: مزی (قوی، بعباره عام فهم تسمه)سنسکرت مها (بمعنی کلان) اوستا مسیشنا
پښتو: مز (گوسفند نر) میژ (میش) سنسکرت میښ
« : مژك سنسکرت موښك یا موش نوی فارسی موش
« : ماغزه سنسکرت مجا او ستا مارگا،نوی فارسی مغز
« : میلمه جمع میلمانه سنسکرت مهی من (شخص بزرگ و کلان) اوستامادمان نوی فارسی مهمان ـ سنسکرت کښ « مدهومان » هم ورته وائی
پښتو: میره اوستا ما دریا نوی فارسی مادر اندر
« : مور سنسکرت ما تریا ماته ـ نوی فارسی مادر
« : ملا (کمر) سنسکرت مدهی (Madhya) بمعنی وسط او ستا مایدیا نوی فارسی میان

پښتو: مړل مصدر واحد غائب مړی سنسکرت مرن (ن علامه مصدر) اوستا مرتا نوی فارسی مردن

پښتو: نن (امروز) اوستا نورم

« : نړل مصدر (اواز کردن ، عفیدن) سنسکرت ندن (ن علامهٔ مصدر) ندتی (اوار میکند) نوی فارسی نالان ، ناله ، نالیدن .

پښتو : نوی (اسم عدد نود) سنسکرت نوتی ـ نوی فارسی نود .

« : ناستل مصدر (کښیناستل) واحد غائب کښینی ماضی ناست سنسکرت نیښیدن (ن علامه مصدر) سیدتی (می نشیند) اوستا نی شیداینی نوی فارسی نشستن .

پښتو : نیکه (پدرکلان) اوستا نیاکا - نوی فارسی نیا .

« : نوم (اسم ، شهرت ، عزت) سنسکرت نام یا نامن اوستا نامان ـ نوی فارسی نام .

پښتو : نو (ناف) سنسکرت نابهی ـ نوی فارسی ناف .

« : نژور (زن پسر) سنسکرت سنو ښا ـ نوی فارسی سنو .

« : په (در ، بر) سنسکرت اوپه اوستا اوپه .

« : پل (پا ، نقش پا) سنسکرت پد اوستا پدا ـ نوی فارسی پای .

« : پله (پی) اوستا پمان نوی فارسی پی .

« : پنزوس (اسم عدد پنجاه) سنسکرت پنچاشت اوستا پنجاستا نوی فارسی پنجاه .

پښتو : پر ، پری ، پی (حرف استعلا بمنی بر بالای) سنسکرت پوپاری اوستا اوپایری نوی فارسی بر .

پښتو : پرو سژ ، پروس (سال گذشته) سنسکرت پرت ـ نوی فارسی پارسال .

پښتو: پړ (ملامت ، مغلوب ، مات) سنسکرت پت اوستا پر تیا .
« : پانه (برگ ، ورق) سنسکرت پرن اوستا پر نیا .
« : پیری (اجنه) اوستا پایریکا- منزوی فارسی پا ریك- نوی فارسی پری .
پښتو: پیرونی . نوی فارسی پروین .
: پښنی (قبرغه) سنسکرت پك بنتی اوستا پرشتی (په سنسکرت کی پرښتی دپښتو په ټ دشا به معنی راغلی دی .
پښتو : پوښتیدل واحدغائب پښنی . اوستا پرشا ث . نوی فارسی پرسیدن
« : پلن اوسا پدانه . نوی فارسی پهن .
: پلا (سفر ، دفعه) سنسکرت پد- اوستا پاد- زړه فارسی پدی
« : پلار (پدر) سنسکرت پیتر اوستا پیتر ، پتر .
« : پرانګ نوی فارسی پلنګ .
: ړیل ، رایل (آواز کردن حر) واحد غائب رائی .
سنسکرت ریکو (نم علامه مصدر) واحد غائب ریکوتی (خر هنگس میکند) .
پښتو : رش (چرك ، ریم) سنسکرت رج یارحس- نوی فارسی ریش (زخم) .
پښتو : ریچه (تخم شبش) سنسکرت لکنا- نوی فارسی رشك
« : روزاوستا راوچه - نوی فارسی روز .
« : سل (اسم عدد ، صد) سنسکرت شت اوستا سا تا نوی فارسی صد .
پښتو : سخر (پدر زن) مقلوب خسر . سنسکرت شو سر . اوستا خوا سورا - نوی فارسی خسر .

پښتو : سپی . سنسکرت شوا (مفرد) شوان (جمع) اوستاشپان نوی فارسی سگ .

پښتو : سپژه ، شپژه صفت‌حالیه سپژن . اوستا سپیش- نوی فارسی شپش .

پښتو : سپین . اوستا سپینا - نوی فارسی سپید .

" : سبك ، نوی فارسی سبك .

" : ستن . سنسکرت ستهونه اوستاستونه - نوی فارسی ستون .

: ستر صفت (کلان ، بزرگ ، قوی) سنسکرت ستهویر اوستاستا ورا - نوی فارسی سترگ .

* پښتو : سور (سرخ) سنسکرت شکر (بمعنی خوشرنگ که چشم آنرا خوش کند) اوستا سحرا - نوی فارسی سرخ .

پښتو : سوری . نوی فارسی سفتن ، سوراخ .

" : سوړ نوی فارسی سرد .

: ساړه (خنکی ، خنك) اوستاسارتا - نوی فارسی سرد ، سردی

: سوه (سم) سنسکرت شپهه اوستا ساتا فارسی سم .

: سوی (خرگوش) سنسکرت شش .

: سول . سنسکرت حول (نم علامه مصدر) فارسی سوختن

: شنل . سنسکرت ایښن .

" : شپه : سنسکرت کښپا . اوستاخشپ - نوی فارسی شب .

: شپون جمع شپانه نوی فارسی شبان .

" : شول مصدر (رفتن ، آمدن ، بودن ، شدن) حال واحد غائب شی ماضی شه فارسی شدن .

پښتو : شپیشه (رشقه) منزوی فارسی اسپوست نوی فارسی اسپیست .

پښتو : ته‌ضمیر واحد مخاطب نوی‌فارسی‌تو سنسکرت‌توم اوسناتوم

« : تم (تورتم) برای تاریکی می آید سنسکرت تمه یاتمس اوسنا تما ـ روسی تم .

پښتو : تنا (رعد) سنسکرت ستن ، پښتو ـ نوی فارسی تندر (صاعقه) عیناً درپښتو هم تندر است . لاتینی تونا ری ، تونیترو ، پخوانی جرمنی دونار اوسنی دونار :

پښتو : تر (حرف جر) نوی فارسی تا سنسکرت ترس زنده فارسی تارا اوسنا تارور .

پښتو : تش (خالی) تشول (خالی نمودن) تشیدل (خالی شدن) ـ سنسکرت تجه ـ نوی‌فارسی تهی

پښتو: تژی سنسکرت تریښیت (مذکر) تر ښځه (مونث) اوستا ترشته نوی فارسی تشنه

پښتو: تیره‌اوسنا تایرا فارسی تیز

« : تریخ ، ترخه نوی فارسی تلخ

« : تریو ، تروه « : ترش

« : تون‌داسم وروستی برخه (محل ، جا) لکه میزه تون ـ سنسکرت شتانا او ستاستانه نوی فارسی ستان

پښتو: تومه ، تومنه (تخم ، اصل ، ریشه) سنسکرت‌تکمن اوستاتا وخمان زنده فارسی تاوما

پښتو: تور (سیاه) اوستا ماد را نوی فارسی تار ، تاریك

« : ام ، اوم مونث اومه سنسکرت ا م

« : او مه (اسم يك نبات) سنسکرت سوم (و او مجهول) او سنا هاوما ـ نوی فارسی هم (په فارس کی يوه و نه ده لکه شين غزی چه مجوس ئی د زمز می په وخت کی به لاس کی نيسی فرهنگ رشيدی)
پښتو : اور ـ اوستا اذر

« : اوره سنسکرت ابهر اوستا آورا

« : وريدل (باريدن) سنسکرت ورښ

« : اوسی ، هوسی ويلهام گيگر و ائی حه په سنسکرت کی آ شو د هوسی په معنی ر ا غلی دی. مگرداصحيح نه ده بلکه بکتيا دهوسی په‌معنی‌ده موژ غرخه هم ارو او په سنسکرت‌کی گری ش پمعنی د هغه سوا چه په غره کی اسنو گنه کوی را غلی دی .

پښتو : اوښه ، اوښکه سنسکرت اشرو اوستا آسرو نوی فارسی اشك

پښتو : اوه (اسم عدد هفت) اوستا هپتا نوی فارسی هفت

« : وله (بيد) سنسکرت و يتس او ستا واينی منزوی فارسی و يت نوی فارسی بيد

پښتو: ونه (درخت، شجر) سنسکرت ون اوستا وناـمنزوی فارسی وان

« : وندنی (ريسمان گياهی يا علفی که به آ ن پشتاره می بند ند) سنسکرت بندهن اوستا بندهفارسی‌بستن- يه پښتو کی وند بند(آب‌جمع‌شده)

پښتو : ور (در) سنسکرت دوار ـ او ستا د واری ـ زده فارسی دوارا يا ـ نوی فارسی در

پښتو: وړی (پشم) سنسکرت اورنا اوستاوار نا

« : واله ، وله (جو،جوی) سنسکرت واری بمعنی آب‌اوستا وايدی

« : واوره ـ اوستا وافره نوی فارسی برف

پښتو ولیشت (بلست) سنسکرت وبشتی ـ فارسی بلست
« : وریت (کباب ، بریان)سنسکرت بهرح نوی فارسی برشته
« : وروحهٔ سنسکرت بهرونوی فارسی ابرو
« : ورور سنسکرت براتر ـ اوستا برادر فارسی برادر
« : زنه ـ اوستازانوا ـ نوی فارسی زنخ
« : زده (یادگرفته) اوستا ارذا
« : رش (آب دهن) سانسکرت را زا Rasa
« : زغم (زحمت) سانسکرت کسم (K'sham)

داوه زنی الفاظ اونومونه دپښتو اوسنسکرت او اوسا او فارسی چه پورته مو ولیکل ، هغه خپلوی اوقرابت چه ددوی په منز کی ددی الفاظو دیورنگوالی څخه خرگندیږی ـ سبائی محترم ویونکی په پوهیدلی وی اوهغه نسبت اوتناسب چه دپښتو اوسنسکرت اود پښتواواوستا په منز کی سته هم بنائی چه پوهان پرو پوهیږی ز که : په هغه اندازه چه پښتو وسنسکرت ته نږدی ده هغونه او ستاله نږدی ده ـ اوددغه تناسب له لامله دی چه مستشرقین اوپوهان ئی په شبه کی اچولی دی اوپښتو کله د سنسکرت شعبه بولی او کله ئی داو ستاله نسل څخه شمیری او بیله زنو پوهانو لکه دا کنر ترومپ د دی ژبی وحقیقت ته نه دی رسیدلی له پاره ددی چه دادتناسب مسئله هم نبه خرگنده کو ، څومثالونه دپښتو اود سنسکرت دنږدیکت او دپښتو او داوستا د خپلوی هم لیکو بیا به ئی نتیجه باسوا وخپل فکربه په قطعی صورت سره خرگندوو ـ چه مثالونه ئی دا دی : ـ

پښتو	سنسکرت	پښتو	اوستا
اتم	ـ اتمتم	اس مؤ نث اسپه	ـ اسپه

پښتو	سنسکرت	پښتو	اوستا
ګریوان	ـ ګریوان	دری	ـ در ایو
څرمن	ـ جرمن	غاړه	ـ ګاراه
غرمه	ـ ګهرم	مرغه	ـ مرغا
کشر	ـ کنشهتر	ماغزه	ـ مازګا
لس	ـ دش	نیکه	ـ نیاکا
لیور	ـ دیور	ساړه	ـ سارتا
مخ	ـ مکه	تیره	ـ تایرا
مې	ـ مر	واوړه	ـ وافره
مشر	ـ مشر	زنه	ـ زانوا
پل	ـ پد	زده	ـ ارذا
پاڼه	ـ پرن	لیوه	ـ دیوه
سوه	ـ شپه	اوړه	ـ اورا

اوم موږ اومه ـ ام

ونه ـ ون

اوس نو دامثا لونه اوتناسب چې د پښتو او د سنسکرت او د پښتو او داوستا په منځ کې سنه موږ ودې نتیجې ته رسوې چې سنسکرت اواوستا دوه وروڼه دي که پښتو د سنسکرت زوی اواولاد وبولو ـ نو اوستاته دوراره نسبت مونده کوی ـ همدا رنګی که داوستا له نسل څخه وی سنسکرت ته د وراره نسبت پیدا کوی ـ اودا خرګنده ده چه اولاد نسبت وتره ته دپلار سره دیر پورتنګ والی اوځهره ګی ویلا رته ډیره ورته وی نوکه پښتو د سنسکرت دنسل څخه وای داوستا سره به ګی دونی نژدیکتیا دراود اوکه داوستا اولاد وای د سنسکرت سره به ګی خپلوی نه وه ـ هرکله چه پښتو د سنسکرت او اوستا سره

یو دول او برابره خپلوی اویورنګ وا لی لری دازنی خرګندیږی او دی نتیجی ته رسیږو چه پښتو ، او ستا او سنسکرت ته لکه مشر ورور یا پلار یا ترهده حه دوه کشری و رونه یادوه زامن یادوه وریرونه لری او دیـوه سره هم هغه خپلوی او نژدیکت لری لکه چـه دهابل سره یا په بل عبارت سره ژب بـو هـا نـو د هند و ار و پائی (آریائی) ر بـه پـه دوو بر خـو و یشلی ده چـه یـو ی بر خی تـه شرقی او بلی برخی سه غر بی وائی او د شرقی د برخی څخه دو ی برخی نـو ر ی راو تلی دی چـه (هنـد ، ایرا نی) ور تـه وا ئی اودا دوی ژبی چه سنسکرت او اوسنا دی دونه سره نژدی دی چه باید دیوه پلار اولاد ورته ووایوزکه دی دواړو ژبوته دباختری یا بخدی شعبی ویلی سواودا زموږ ویل دحقیقت څخه خه لیری خبر نه ده اوژند ته له دی لامله با کتر یا ی وائی چه اصل ځای او ټاټوبی ئی باختر و همدارنګه د پخوا ی اوزاړه سنسکرت اساس او ځای چه رګ ویدی ژ به هم ورته و یلای سو هم د غه افغانستان و (د ۱۳۱۳ په سالنامه کی دی دجناب یعقوب حسن خان مقاله و کتله سی) او د هند و ایران او سیدونکی هم د افغانستان د قطب د پډی څخه ویشلی سوی اوهند و ایران نه تللی دی لکه چه درګ و ید څخه دا مطلب پوره خرګندیږی اوداهم پخواجوته سوی ده چه د سنسکرت او اوستا په زمانه کی د پښتون قوم په همد غه افغانستان کی میشت او د غه ئی ځای و .

که موږ په دنیا کی و ګورو داخبره به موږ ته جوته سی چه مسافر او هغه خوك چه د خپل ځای څخه تللی دی یا د محیط د تاثیر له کبله یا د بل قوم د همسایه توب له لا مله ئی په ژ به کی د یر تغیر پیښ سوی

د ی بلکه خپله ژ به ئی په لژ و خت کی ورکه کړی او د بل ژ به ئی اخیستی ده او د هغو په دود اوعادات ورګرزیدلی دی .

موږ د پښتانه ایدلی دی چه کابل ته راغلی‌دی یا بل ځای ته چه فارسی و یله کیږی تللی د ی اوس ئی زامن په یو ه حرف پښتونه پوهیږی او همدارنګه چه په فارسی ژ به ګړ ید ل هرکله چه د پښتو د ژ بی‌منطقی ته تللی دی ذن پشتو وائی او به فارسی نیو هیږی ـ یا په پښتو کی مثلاً وردګ قند هار ته تللی دی خپله لهجه ئی پری ایښی ده د قند هار په لهجه ګړ یز ی او که قند هاری مشر قی ته تللی د ی د مشرقی لهجه ئی اخیستی ده خپله لهجه یی هیره کړی ده همدارنګه ټول ګړی او اقوام د دنیا .

د دی معلول علت دادی چه د مسافروا ومهاجروتعداد خواه مخواه تراصلی او سیدونکو د یوه و طن لژ وی هرکله چه تعداد ئی لږوی قوت ئی هم لږوی ـ قوت چه لژ سو اراده سسته سی د ضد ینو مقابله کولای‌نسی د بل‌تراراده‌لاندی سی ـ له بلی خوامسافرودی ته اړدی چه‌دخپل معاش او ژوند ما یحتاج لاسته راو لی ـ د ما یحتاجو حصول په ټولنه او اجتماع اړه لری ـ او خو دی د ټولنی پرخپال و لاړنسی اجتماع د ده پرخپال نه زی ـ او یوازنی وسیله د ګډون په ټو لنه کی او حصول د معاش ژ به ده ـ نودی خواخواه ودی ته اړسی چه خپله ژ به پریږدی اوخپل دود ترک کی ـ د محیط او اجتماع ترتاثیرلاندی راسی او د هغه محیط ژ به و منی چه دی په کښ میشت دی ار ژوند په کښ کوی .

ښائی خوك و وائی چه ډیر مهاجر داسی سوی دی چه د اصلی او سیدو نکو ځای ئی نیولی دی او اصلی اوسیدو نکی ئی په ځان کی محو کړ یدی .

هو ! داخبره صحیح ده اوداسی ډیر .قومونه سته چه د یوه ځای څخه و بل ځای ته تللی دی او هغه ځای ئی نیولی دی او اوس د هغو اصلی او سیدونکو نخښه هم نسته ـ مګر داکار چه دوی اصلی او سیدونکی محو کړ یدی او ځای ئی دوی نیولی دی په څو زمانه کی به سوی وی ؟ ـ دوی به څونه ور سره جنګیدلی وی ؟ ایا دا اصلی او سیدونکی به ئی پیلا محو کړی وی که ورو ورو ؟ .

اوس ګورو چه پر و سبز کمال ایطالیا حبشه و نیوله ایا د حبشی وګړی ټول مړه سوه ز به ئی ورکه سوه عادات ئی محو سوه ؟

په ! خو داکار کیږی او دایطالیاملت هلته ځای نسی په سر و کلونه به نیږ وی او ایطالویان ودی خبری ته امر دی چه د حبشیانو په واسطه د حبشی څخه ګته واخلی او په حبشه کی ځان پلدکی ددی کاردپاره ایطالویان مجبور دی چه دحبشیانو سره ګډون وکی او ژبه ئی زده کی ددوی په دوداوعادت و پوهیږی ـ کله چه دوی ټوله حبشه محوکی دوی به هم لکه نن خالص ایطالوی نه وی دحبشی او ایطالیا په مینز کښی به څه زنی جوړسی لکه چنګیز چه را غی او دا ملکو نه ئی لاندی کړ ه په پای کی ئی اولاد که څه هم پادشاهان اوددی ملکو واك داران وه بیاهم په ژبه ، دین اودودکی هغسی بوب پاته نسول لکه چه چنګیز و .

ژبه هم کټ مټ همدا رنګه ده لکه چه پورته مو وویل او هم

موداويلي دی چه دهند و ايرانی و گړی له دی ځای څخه تللی دی نو اوس بايد ددوی دژبی حال هم وگورو چه ددی تګ څخه دوی ته څه ور پيښه سوی ده اوله څه حال څخه و څه حال ته رسيدلی دی.

دهند د ژبو حال:

په لمړی سرکی جه موژته څرګنده سوی ده دهند دمهاجروژبه رګ ويد وه چه اساس اومنشأئی بايد هغه باختری ژبه وبولو وروسته له څه مدی چه د رګ ويد ژبه له افغانستان څخه ووتله او به هند کښ ئی ځای ونيو خپل حالت ئی بدل کی لهجه ئی وگرزيده له چه په دی نوی لهجی باندی دسنسکرت مشهور فاضل (پانيني) دچهندس نوم ايښی دی بياد چهندس لهجه او ژبه هم ور که سوه خپل ځای ئی و سنسکرت ته پريښود - يا دسنسکرت ژبه په پالی بدله سوه - بيا ديالی څخه پخوانی پراګرتو نه و زيژيدل او دپخوانيو پراګرتو وضعيت په اوسنی ژبو دهند چه اوسنی پراګرت ورته وائی بدل سو.

ددی څخه داجوته سوه چه دهند وګړو له هغه وخته چه دباختر څخه تللی دی تر او سه شپږ واړه بلکه زياته خپله ژبه اړه و لی ده سره له دی چه دی ژبو اکثر و مذهبی جنبه هم لرله خصو صاً سنسکرت چه دبرهمنو او پالی دبوداياتو دينی ژبه وه.

دايرانی ژبو حال:

وروسته له دی چه ايرانی له باختر څخه ييل او ايران ته ولاړ ددوی ژبه د اوستاد کتاب ژبه وه سره له دی چه اوستا ددوی مذهبی او رسمی ژبه بلله کيده دونه پايښت ئی ونکی - بيازړه فارسی چه دهخامنشيانو کتيبی پرليکلی سوی دی څرګنده سوه داژبه هم وروسته له

څه مدی مهه سوه ـ پهلوی ژبه رواج سو ه روسته له پهلو ی څخه ننتی فارسی معمو ل وگرز یده ـ که ښه ورته ځیر سوننتی فارسی هم دهغه وخت څخه چه‌ددی پیدا ینښت دی (دسا ما نیانو زمانه) بیاتراوسه ډیر تغیر کړیدی که داتغیر سړی په زمانو او نسبنو سره وویشی اوبیل بیل نومو نه ورته کښیږ دی ښائی چه تر لسو نو مو څخه زیات و منی دا و د ایرانی‌ژبوحال چه په ډیر لنډ صورت سره موبیان و کی ـ اوس باید د پښتو د ژ بی هم څه خبرنه و کړا و وی گو رو چه څه حا ل گی تیر کړی دی .

دپشتو دژبی حال :

رموژ پهعقیده سره کله چه‌دار یاتکم له باختر څخه وویشل‌سو څه هندته ولاړل او څه‌په‌ایران‌کی میشت‌سول څه هم‌څپله په‌افغا نستان‌کی پاته سول لکه چه‌زنی محققین او مستشرقین هم داوائی او په دی عقیده‌دی د وی هغه د خپل واکی او د مالداری (پونده توب) خوی ټینګ‌کی د دی له پا ره چه ددوی خپل واکی په خپل حال پاته سی تر سموئی غړونه خو نښ کړل او دمالداری‌دپاره به ژمی یوځای وه او او ړی به ئی‌بل‌ځای تیراوه ـ پاپه‌بل‌عبارت اوړی به سړواوژمی به‌تودوملکوته تلل لکه چه تـرا وسه ډیری هم هغسی دی ـ که موژ دښخوانیو پښتنو حالات اودود گورو دنن‌روزی‌دپښتنوسره دونه‌توپیرنه لری‌او ژبه ئی هم هغه ژبه ده چه دپښتو په نامه دوه نیم زره کاله‌پخوا‌یادەسوی ده .ـ

که څه هم پخواتر اسلام موژ څه اثار اوسند په لاس کی نه لرو چه داخپله خبره چه پښتو هغه پښتو ده چه و ړاندی وه ، جو ته کو اوښوت ته‌ئی ورسومگر دا ویلوسو ـ چه څنگه چه دهندو ایران ژبی

پرله پسی مړی سوی دی او ځای ئی بلی ژ بی نیو لی دی ـ پښتو دا سی نه ده سوی اونه ئی د ونه توپیر کړی لکه چه نو ی فارسی کړ یدی زکه ؛ هر کله چه داتو سووکالو آ نار گو رو او ادبیات ئی سته هغه پښتو ده چه نن روز ویله کیږی سره له دی چه نه ئی مذهبی غوره والی دراوداونه ئی په رسمی طور سره څوك مرستی و ـ اونه ئی د پاللو په غم کی چاسر غوڅ کړی ولکه چه دهند وایران ژبی پا للی کیدی ـ اوزیات پردی چه پښتو خپل ځان ساتلی دی پردیرو ژبو بر یالی سوی هم ده اوبه خپل ځان کی ئی حل کړی دی .

داوه ددی سیموالو دژبو حالات چه پورته می محض سر سری او لنډ بیان وکړ ـ نوددی تغیر څخه چه په دی ژبو کی پیښ سوی دی او پښتو پرخپل حال پاته سوی ده جوتیږی چه پښتو ځانته او د خپل واك خاونده ده نه د سنسکرت څخه راوتلی او نه داوسنا څخه زیږیدلی ده اوداهم ویلی سوچه سنسکرت او اوستا ـ وپښتو ژبی ته دکشر وروریا دوراره نسبت لری اوموږ پردی خبره نوردلیلونه هم لرورکه پەپښتو کی زنی داسی لغات اوالفاظ سته چه داریا دژبی داصلی ریښی سره یورنگ والی لری لکه : تگ (رفتار: ـ teg)چه داریایه اصلی ولی کی په دغه معنی راغلی دی اوپه سنسکرت کی په تا کتی(takti) بدل سوی اوله هغه څخه ئی دبیړی (چابکتیا) او یریی(هجوم) معنی اخستی ده اوپه زندکی په (تا کا taka) راغلی دی اودزغستا معنی ورکوی ـ اوداسلاو (دروسی ژبی پلار) پەژبه (توك tok) ورته والی اومعنی ئی بهیدل ده .

په پښتو کی وینو چه د غه تگ د نن روزی په پښتو کی په معنی دتگ (رفتار) استعمالیږی او پردی پوره دلیل کیدلا ی سی چه پښتو داریا داصلی ریښی څخه ده اوپخواه تر سنسکرت او زند وه .

یاد (راشتی) کلمه چه داریا په ژبه کی په معنی دسم (موافق) اورښتیا (راست) اوحکمدار ده مکر په زندکی دغه کلمه په (رایای) بدله سوی اودبډائی (ثروت) اوحشمت معنی زنی ا خیستله سوی ده اوپه لاتین کی په (رکس - رگیس - روئیس) بدله سوی او دپادشاه- عمومی مدیر دمملکت مفهوم اومعنی ورکوی اودفرانسه په ژبه کی RICHE وویله سوه چه دبډائی معنی ورکوی اوپه نننی جرمنی کی ((Reich) اوپه انگلیسی کی rich) سوه چه په ټولو اروپائی ژبو کی په معنی دقدرت ، بری (سلطه) بډائی استعمالیژی حال دادی چه ریشه ئی هغه (راشتی) یعنی سم (موافق) او رښتیا (راست) او حکم دار ده چه داریا په ژبه کی لیدله کیژی .

دلته هم په زغرده ویلای سوحه پښتو دټولو اریائی ژبو څخه داریا واصلی ریشی ته نژدی ده زکه په پښتو کی دغه د (راشتی) کلمه په لږ څه تغیر سره یعنی (رښتیا) په هغه اصلی معنی چه رښتیا ده(راست) ویله کیژی (۱) .

نورداسی الفاظ اولغات هم سته چه زموږ دهر مطلب قوی دلیل گرزی چه پښتو ځانته اومستقله ژبه ده اوترسنسکرت اواوستا مشره بلله کیژی .

زیات پردی یوبل لوی دلیل هم سته اوهغه دادی چه پښتو علاوه پر سنسکرت اواوستا دټولو اروپائی ژبو سره په زنو لغاتو اوالفاظو کی چه ماعلم راوستلی دی یورنگ والی لری خصوصا دپولنډی سره ډیر: داډول دلیلونه اومثالونه په دی باب کی ډیر راوړی سواوڅیړنه پرکولای سو. ددی له پاره چه زموږ مقاله په سالنامه کی یومحدود اومعین ځای لری زیات پردی ئی نه سو اوږ دولای نو په دغونه موبس کړه - او ددی پورته

(۱) د جناب محمد قدیر خان تره کی مقالی دی د کابل د مجلو په ۷۶-۷۷ گڼه کی وکتلی سی .

مثالو څخه دی نتیجی ته ورسیدو چه که څنو مستشرقینو یا نورو داخبره کوله چه پښتو د سنسکرت او او ستا څخه ده ـ کلی غلطه او بی اساسه نظریه ښکاریږی زکه په پورته دلیلو او په سوو نورو دلیلو سره چه ځای ئی د ویلونه دی دپښتو ژبه دار یا د ژبو لوی غړی او غوره ژبه ده چه دسنسکرت او اوستا په زمانه کی وه اودزنو دلیلو څخه(لکه دتګ دلغت اشتقاق)داسر ګندیږی چه پښتو نسبت وسنسکرت او او ستاته داریا ، واصلی ولی ته نژدی ژبه ده او که چیری فرض کوچه پښتو له سنسکرت یا اوستاسخه زیږیدلی وی نو باید خپل لغات ئی داریا داصلی ریښی څخه نه وی اخیستی ددی دوو ، ورستنیو ژبو څخه ئی اخیستی وی او باید ریښه ئی نسبت واصلی ریښی ته داریا و هغی ژبی ته نژدی وی چه دازنی راو تلی ده ـ حال داچه داسی نه ده ـ پورته مثالونه ښئی چه دپښتو ژبه دسنسکرت او اوستالوی ور ورده دو راره والی یادزوی نسبت هیڅ دی دوو ژبوته نه لری :

ادبیات :

دا خبره خومو تریوزایه ورسوله اوخپله ډاډګیر نه مو وکړه چه پښتو پخوانی او ځانته دخپلواك ژبه ده نو هر کله چه پښتانه پخوانی اوژبه ئی هم پخوانی لرله خواه مخوائی ادبیات هم در لودزکه افلاطون اونور ډیر فلاسفه وائی چه دانسان په خته کی دجمال غوښتل اخښلی دی زکه چه دبدیع حس ، دده سره یوځای خلق سوی دی نوله دی لامله تر هغه وخته چه انسانانو مدونه ژبه نه در لوده داخپل حس ته ئی په څهر و چه په خپلو سوړوکی به ئی ایستلی یاخپل د ډبروشیان او اسباب به ئی کښیده (نقشی) کول ډاډ ګیرنه ور کوله هر کله چه دژبی خاوندان

سره پخپل سربه ئې گنگوسی کاوه او دا گنگوسی په عین ددی کی چه بی معنی وه بیاهم دوی ته خواژه وه ولی چه ددوی دبدیعی اړتیا ئی سرته رسوله ، بیا هغه وخت چه ددوی ژ بی استعداد مونده کی په معنی لرونکو اشعاروئی پیل وکی ـ نودادی چه په دی ډول شعراو ادب اوپه نتیجه کی داد بیاتوتاریخ اودا ادبی شاه کارونه څرگند سول .

نود دی غریزی په دستور سره پښتو ادبیات درلود او پښتانه د خوژ وادبیاتو خاوندان وه .

که څه هم موژ داخبره د هغو وخنو دادبیاتو په نمونه او نښان سره نسوثابته ولای زکه چه دهغه وخ ـ ادبیات زموژ په لاس کی نسته او نه مونده کیژی .

داولی ؟

پورته مو وویل چه د ژ بی اساس په څلور شیانو ولاړدی او دا څلورشیان دی چه د ژ بی مرسته کوی لکه دقوم استقلال د قوم ، سلطنت ، مذهبی شعائر ، مدنیت اومعارف اوس موژ باید داڅلورشیان بیل بیل دپښتنو داحوال سره وگورو او ددی خبری علت مونده کو چه تراسلام وړاندی ددوی دادبیا تونښه ولی نسته اوکه سته ترڅو عوا ملو لاندی راغلی دی چه موژ ئی نه وینو اوثبوت ئی نه سو کولای .

الف : دقوم استقلال :

پښتنو خوخپل قومی استقلال درلود ـ ترهرشی تیر سوی دی مگر خپل استقلال ئی خوراتینگ ساتلی دی ـ هرکله چه دتاریخ پانی سره اړه ووگورو چه پرپښتنو هیچابری نه دی موندلی اوکه ئی موندلی دزړه په چاودسرڅوړه سره له نقصانه بیرته تللی دی ـ هخامنشیانو (۵۵۰ـ۵۳۰ قام) دهندوکش قطب ډډه ، بلوچستان ، سند ه ، کابل او پیښورونیومگر

په لغمان ، کنړ ، نو رستان او د سلیمان په غروکی ئی تر پایه بری و نه موند ـ سکندر (۳۲۹ ـ ۳۲۷ ق م) هم چه هندوستان ته تی د پښتنو له لاسه ئی وینی په زړه کی و چی سوی ـ تر څو چه د دوی د لاسه په سوات کی ټپی (زخمی) سو . مغل هم که تیمور وکه بابراو که دانور ، دوی (پښتنو) درپه درکړه ترپایه ئی د پښتنو دلاسه خوژه گوله (لقمه) په خوله نکړه که زه داټول بیان کوم نوبیل کتاب به سی فقط دغه یوعامل د دوی دخپلوا کی اودخپل د ملیت دگرانښت ودلیل ته بس دی چه د دوی ژ به ترا و سه مړه سوی نه د ه او ژوندی پاته ده .

ب : سلطنت د قوم :

پښتنوته خو پخواترا سلام هیڅ کله د سلطنت و ار نه دی رسیدلی اونه چیری دوی سلطنت کړیدی ز که په افغانستان کی د طوائف الملو کی قانون جاری و ـ هری علاقی ځانته رئیس او مشر درلود کله به چه د باندنیو ملتو لکه هخا منشیان ، اسکندر ، یونانیان یا مغلو پر دوی هجوم راوی ـ تر یوه وخته پوری ئی به زنی ځایونی ونیول مگر کله به چه دوی د لمړی تر په و لویدل او پښتنو به واری مونده کی بیا به دخپل سرسول ـ نوله دی کبله پښتنو ته تراسلام وړاندی دیوی متحدی اداری وار لاس ته نه دی ورغلی په خپلو غروکی ئی خپل ژوندون کاوه .

ج : مذهبی شعائر :

پښتنو دینی آثار هم نه در لود ز که د کفر او شرك په زمانه کی (دریم اودوم قرن ق ، م) علمی اودینی ژ به دافغانستان سنسکرت وه خصوص په بنیر ، سوات ، دیر ، چترال ، مهمند ، تیرا ، جلال آباد ټول وادی د کابل او غزنی تر بلخه پوری امانه په صورت دمحاوری او محلی ژبی .

له بلی خواه د بلخ او گرد چاپیر د بلخ (۱۰۰۰ ـ ۵۰۰ ق م) او یستائی ژبه وه او په ټول شمال د هندوکش کی ویله کیده ـ اما هغه وخت چه د بردا دین په افغانستان کی نفوذ د زرد شت د دین ئی ویوست دسنسکرت ژبه مسقله دینی اوعلمی ژبه سوه زکه خه تحریر اولیك چه له بامیان څخه راوتلی دی دسنسکرت په ژبه دی ـ اودافغانستان ورسنتیو یونانی شاهانو اویو ئیچیانو په خپلو سکو کی دسنسکرت ژبه استعماله وله .

دهخامنشیانو دغلبی په وخت کی (۵۵۰ ـ ۵۳۰ ق م) دایران په ټول شاهنشاهیت کی زړی فارسی (فرس قدیم) رسمیت در لود ـ وروسته له هخامنشیانو دهندوکش قطب دډی ته رسمی اودرباری ژبه یونانی وه دساسانیانو به زمانه کی پهلوی ژبی درسمیت مقام نیولی و ـ تر څو چه داسلام روښانه دین څرګند سواو دپاك خدای کلام په عربی ژبه راغی اوداسلام دینی اورسمی ژبه عربی سوه ـ کوم څه ئی هم دساسانیانو دزمانی څخه بیاتراوسه په افغانستان کی خپل رسمی زای واو سنی فارسی ته پریښود مګر په دینی اوعلمی صورت سره لکه پخوا په درنه ستر ګه ورته کتل کیږی نوزیات پردی چه پښتو مذهبی حنبه نه در لوده در سمی مقام وارهم تراوسه نه دی ور رسیدلی .

د : مدنیت اومعارف :

پښتنو خومدنیت او معارف درلود مګر داچه په زړو زمانو کی ئی ددوی په نامه نسو موند لای یاداچه ددوی معارف په پښتو ژبه کی نسته څوعلتونه اوسببونه ورته تا کلی سواوموږ ددی جنبو (مدنیت ، معارف) بیل بیل څه بحث کوو .

الف : مدنیت : پښتانه دتاریخ په هره دوره کی دتمدن اونام و نښان خاوند ان وه هرکله چه دوی ترورستنیو پیړیو پوری دافغانستان دبومی

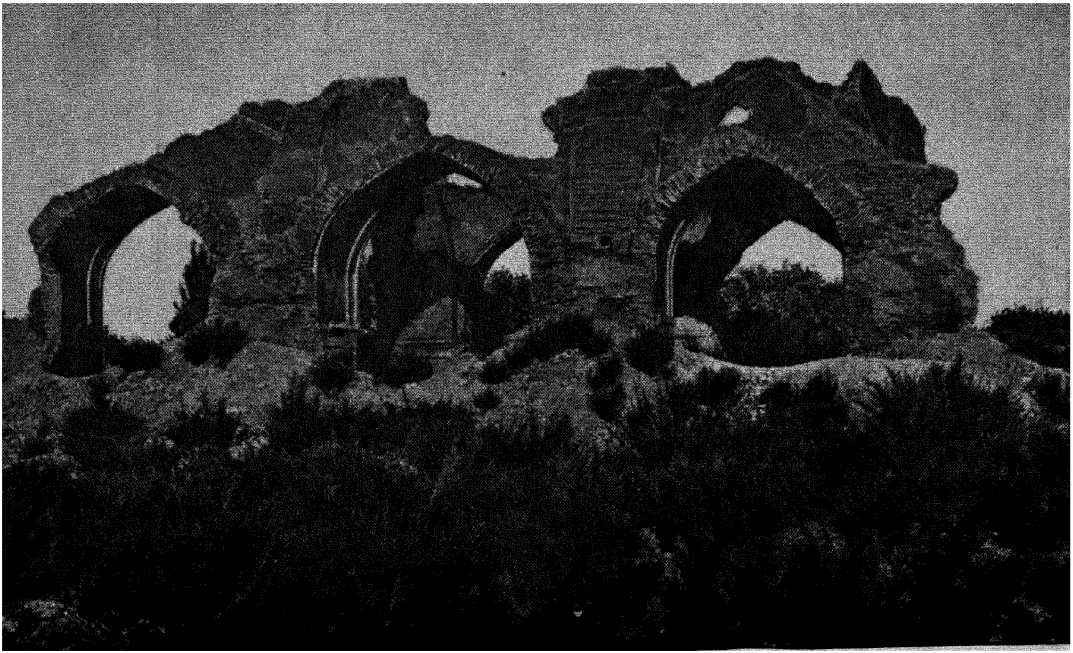

از آثار تاریخی بلخ یک حصه از خرابه‌های شهرقدیم
Une partie des ruines de Balkh (Bactre)

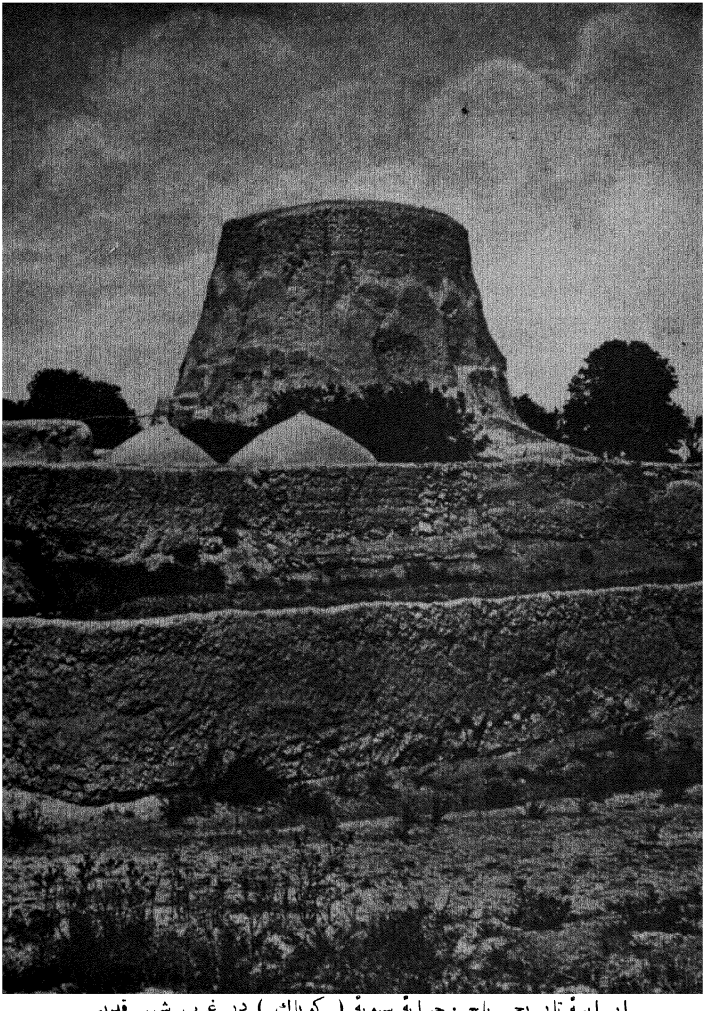

ار ابنیهٔ تاریخی بلخ ؛ حرابهٔ ستوپهٔ (کوتك) در غرب شهر قدیم
Stuppa de Konak à Balkh (Bactre)

سلاطینو اوامراؤ تابع وه لکه غزنویان ، غوریان اونور . . . . . اویا لکه چنگیز یان ، تیموریان او . . . . . نود تاریخ په شهادت سره دا ټوله کورنی او پادشاهان ددوی په توره اومیرانه بریالی سوی او زلا نده مدنیت ئی پری اینبی دی چه په ټولوهغرمدنیتو کی فکراً اوعملاً دپښتنو تاثیر خرگند اوښکاره ریږی ـ مگر دپخوا بیو تاریخو عموماً او د شرقی تاریخوخصوصا داعادت و ، چه یوازی به ئی دکم مشهورسرې حالات لیکل دعسکری اوملکی تشکیلات ، سیاسی ، مدنی ، اقتصادی، جغرافیائی حالات زراعت، ولاحت، حتی دملت دعمومی وضعیت به ئی هیڅ یاداوبحث نه کاوه .

یا په بل عبارت سره دیوه ملت تمدن به ئی دهغی کورنی مولود گڼله چه پرهغه ملت یاقوم ئی حاکمیت اومشرتوب درلود ـ نوله دی لا مله دپخوانیو اومنزویو قرنو مدنیت دپښتنو د هغه کورنی په نامه یاد سوی دی چه پردوی پادشاهان اوحاکمان وه ـ حال دادی چه په هغوټولوکی دپښتنو نوم هم باید یاد سوی وای .

ب : معارف په پخوانی دنیا کی خوملیت اوقومیت دونه اعتبارنه درلود هرڅه چه و ـ مذهب و اوهغی ژبی ته اعتبارورکول کیده چه مذهبی ارکان به په کښ لیکل کیده ـ او دادود په یوه قوم یاپوه ژبه کی نه و دنن روزی لوی او دتمدن خاوندان ملتونه اوژبی چه تاریخ ئی پخوانی حال رابښئی هم په دی لومړکی بندوه مثلا دایطالیا ، جرمنی ، فرانسه روسی اوانګریزی ملی ژبی چه نن روز ئی پرټول جهان برم پروت دی خو پیړی پخوا داسی نه وی اونه ئی عام آثار درلود اونه عام لوستل په کښ کیده هرڅه چه وه په لاتینی ژبه کی چه ددوی دینی اومذهبی ژبه وه لیکل اولوستل کیده بلکه که چاپه پخپله ملی ژبه کی څه ولیکل هغه ته به ئی په بدنظر کتل او رتلی به ئی باله مثلا په خلور لسمه

پیړی کی یـه ټول اروپا کښی یوه رسمی اود لیك ژبه یې له لاتینی ژبی نه لیدله کیده او ټول کتابونه یه هرباب کی چه وه دلاتین یه خط اوژبه لیکل کیده او دادلیك دنده (وظیفه) هم رهبانانو سرته رسوله ـ دیر کتابونه ئی ولیکل مگر دخپلی ملی ژبی یه ژ و نـدکی ئی هیڅ هانـد (کوشش) نه و ـ دانته لوی شاعر او ادیب دایطالیا چه خپله کمیدی ئی یه ملی ژبه ولیکله ټولو خواصو ده ته یه بنویلو پیل وکی که څه هم عـمو وګړو یه دیره مینه و منله .

څنګه چه داروپا احوالو ، هغسی داسیا احوال هم و ـ مثلا ، تر اسلام وړاندی د افغانستان یه شمالی خوا اوایران کی دزر دشت دین و او ستارسمی او مذهبی ژ به بلله کیده ـ بیا بودائیت یه افغانستان او هندوستان کی رواج سو ـ سنسکرت رسمی او مذهبی ژ به وګرزنده ترخو چه د با طلوا دیا نو پر ځای د اسلام پاك دین خرګند سو او د خدای کـلام یه عربی ژ به نازل سو ـ که پښتون و که بل څوك هاندئی پردی کاوه چه عربی ژ به زده کی او تصنیف او تالیف ئی یه عربی کی وی ـ او یه همدغه سبب ترعر بو عجمو یه عربی کی دیر خدمت وکی او دیر علما او فضلا یه کښی خرګند سول او تصنیفو نه او تالیفونه ئی یه کښی وکړل اوتراوسه ئی هم کوی ـ مثلا د یوه بست یه سو و سچه پښتانه بنوولای سو چه یه عربی کی ئی یه سو وکـتابونه لیکلی دی ځانته ئی مدرسی درلودی دهغو جملو څخه دی خطابی ابوسلیمان احمد بن محمد چه معالم السنن او غریب الحدیث اودنورو مصنف و ، ـ اوابو حاتم محمد بن حبان او نظام الدین ابو الفتح بستی و غیره .

نودپورته بیان څخه دانتیجه اخلوچه پښتنو وړاندی تراسلام اووروسته معارف درلو دمګرنه یه پښتو ژبه ـ دیر پوهان یه کښی وه نه یه پښتوکی .

زیات پردی دلیلو چه پورته مود پښتو د پخوانیو اثار و د نیستی په باب کی وویل داهم د کړ و خبرده چه وړاندی تراسلام دا رسم الخط او حروف چه نن روز پښتو ژ به لری او پر لیکله کیژی نه وه ضرور نور حروف او بل رسم الخط رواج در او د ـ نو که څه اثار د هغو زمانو پاته وی ضرور به بله څهره لری چه نن موژ نه په یو هیژو ښائی یو وخت د پښتون او لاد د حفریانو په ذریعه یاد علم او د تحقیق په قوت سره د پښتو د پخوانیو اثارو په موند لو سره بریالی سی ـ خدای دی وکی .

یوه بله خبره هم باید و کو او هغه داده چه داز موژ پورته لیك یوازی ددی لامله دی چه پخواه تر اسلام څه تحریری او کتبی اثار زموژ په لاس کی نسته اما هغه څه چه دوکړ و په سینو کی دی او پښت پر پښت موژ ته را رسیدلی دی ښائی له هغو اثار وڅخه وی چه پخواه تر اسلام وه او په لژ تغیر سره ئی تراوسه خپل مو جودیت د عمو په سینو کی ساتلی دی او دیوه څخه وبل ته را نقل کیژی .

تردی ځایه خو مود پښتو دژبی څه پاشلی بیان و کی اوس نو پرخپل اصل مطلب چه د پښتو ادبیات دی څه څیړنه کو و او مقاله پای ته رسو وکه خدای کول.

دادب او ادبیاتو پرفلسفه او معنی ډیروفلاسفه و او پوهانو ویل کړیدی او په سو علومو او فنونو ئی ویشلی دی که موژ نور علوم او فنون چه تعریفا په ادبیاتو کی داخل دی زنی وباسوگور وچه دارسطو په عقیده سره څلرمه برخه د منطقی صنعتو چه « اپولتیك » یعنی د صنعتو قوانین ورته وائی او هغه شعر دی ، پاته کیژی .

شعر : د شعور څخه اخیستلی سوی دی او مطلب ئی هغه احساسات

او عواطف دی چه دالفاظو په غالب کی څرګندیږی خواه هغه الفاظ وزن او قافیه ولری لکه دخوشحال خان او حمید منظوم اشعار او خواه ئی و نه لری لکه نقلونه او نور منثور لیکنې نو پردی اساس شعر دوی برخی لری (۱) نثر (۲) نظم یا په بل عبارت شعر هغه قیاسی ماده ده چه بیله قید څخه د وزن او قافیې ، فکر متوجه او روح و بنوروی او دا دروح بنوریدل او حرکت به یاد لذت له کبله وی او یا به دنفرت له لامله - یعنی منطقی یاتعلیمی شعرهغه دی چه د مجسم کولو یادښیګړ و اوعیبود څرګندولو په واسطه دویونکو به فکرو کی یوه مخصوصه ناقراری (هیجان) پیدا کی .

دپښتو نثر :

موږ دمخه هم وویل خنګه چه بشر په تطور او انقلاب کی د ی الفاظ اولغات هم چه شعراو ویل دهغو زوکړی دی دبشر دفکری او اجتماعی تحولاتو په سبب ګرزی او تحول کوی یابل عبارت خیل دول او بڼه اړوی نوموڑهم خرنګه چه دپښتو ادبیاتو تحول کړیدی په خوبرخو اوزمانو ویشو اولمړی دپښتو دنثر څیړنه کوو :

د پښتو نثر دری لوئی او غوره برخی لری (۱) قصصی (۲) تاریخی (۳) مذهبی .

قصصی :

د دیر و پخواینو زمانو چه دپښتو نثر موږ ته را پاته او اوس ئی لرو او پیړی په پیړی دو ګړ و او خرلو په ذریعه موږ ته را رسیدلی دی دغه عشقی اوحماسی (رزمی اوبزمی) نقلونه اوروایات دی داغوره نقلونه او روایات زموږ د وطن اوژبی تاریخ او د نومه وړو میړو او

جنګيا ليو او بريالیو حالات چه پردوی تير سوی د ی موژته رازده کوی او په يادئی راولی او موژ ته د هغو بريالیو مې و نو مونه رازده کوی چه د تاريخ څخه پټ پاته دی او تاريخ ئی يادنه دی کړ ی .

هغه شی چه دالم غلمی زمانی دلاس څخه پاته دی اوموژته ادبی اوتاريخی سند بلل کيږی دغه عشقی او حماسی نقلونه د ی چه له ډيری پخوا نی زمانی څخه مو ژ ته ميراث پاته دی اونن روز ئی موژ خاوندان يو .

دانقلونه اوروايات دونه زړه تهنژدی اومهيج اوتاثير راوړونکی اوشو را چوونکی دی چه ډيرنومه وړی (معروف) ليکونکی او رومان چيان هم نسی کولای چه په خپل ا ثرکی څوڅتلف احسا سات لکه عشق ، عفټ ، غم او په عين هغه وخت کی ملی تور يالی توب اوحماسه ـ اوغوره اخلاقی اوفطری ښيکړی وښی يائی وليکی .

که څه هم دانقلونه اوروايات دروائی اشعارو په دله کی را زی غنائی اوتمثيلی اشعار هم لری چه دليد ووړدی اوډير پاسته اوزړه منونکی مظا هر د طبيعت يعنی عشق ، خو شحالتيا او وصال په زړه ژوندی کوو نکو ناړو سره څر گندوی اودانسانی نفسيه جذ بـا ت دشور په صورت سره لړزوی اوخوشحالتيا وريښوی چه ډير ما هر اوپوه کاميدی ليکونکی ئی پيښی نه سی کولای ـ اوکله په ډيرجذابيت سره دملی حماسی اولوړ وعواطفو نمايندگی کوی او کله د جنګ مړ گټ ، ډاراوهول مناظر داسی رسم کوی چه ډيرغښتلی او تو ا نـا تراژدی ليکونکی ئی هم نه سی رسمولای . سره له د ی بياهم د طبيعت دډگر څخه نه دی وتلی او بنائی پر ر ښتيـا او صحيحو وا قعـا توده پهلوانان ئی نه فرضی دی اونه وهمی بلکه واقعی او اصلی د ی ،

سی ، ای ييدولف انګليس د دی دول پښتو اشعارو صفت په دی

ډول کوی : « دپښتو ادبیات یواز نی مظهر داحساساتو ، عواطفو تاریخ اواخلاق دپښتنو دی ـ دا اشعار دونه طبیعی او مؤثر دی چه پرارویدونکی بی اختیاره اغیزه کوی مثلاً کله چه دجنګ بیان کوی دارویدونکی سترګی وبریښی اودخپل ځای څخه بیزایه سی او د جنګ حسیات ئی په ښور راسی - اوپه هغه ځای کی چه د عشق بیان کوی دارویدونکی پر عواطفو تردی حده اغیزه وکی او عواطف ئی دونه نری (رقیق) کی چه دزړه پر له پسی او سیلی ئی نمایندګی کوی زکه دونه لطیف اوجنګیالی احساسات د هیڅ قوم په زړه کی لکه دپښتنو لاندی اوژوری ریښی نه‌دی زغلولی » :

دمشرق ډیرو نقلچیانو او نقل لیکو نکو لکه (لیلی او مجنون) او (فرهاد و شیرین) او (امیرحمزه) اونور لکه شاه نامه لیکو نکو نقلونه ویلی اولیکی دی مګر د واقعاتو په تصویرکی د طبیعت د ډګر څخه وتلی دی او داسی نقلونه ئی د ځان څخه جوړکړی اورا ایستلی دی چه بلکل د انسانی فطرت څخه پورته او انسانی عقول او مدارك ئی نه منی او اعتبار نه ورکوی ـ اما د شه مرغه د پښتو د ژبی لمن له دی ادبی نقصان څخه پاکه ده . او هغه شیان په کښ دی چه د انسانی دغرائز واوفطرت سره سم دی .

دا ډول نقلونه‌هم نثرلری اوهم نظم ـ نثرئی دپهلوانانو اونومه‌وړو مړو نقلونه اوهغه حوادث دی چه پردوی تیرسوی دی اونظم‌هغه ناری دی چه دوومینو یادوو حریفانو یوبربل کړیدی (دنارو بیان به دنظم په قسمت کی وسی) دا ناری خورا تاثیرلری اودسړی اډونه ریژ دوی .

لنډه ئی پردی چه ډیرسوز ، عاشقانه احساسات ، عفت ، مړانه توریالی توب اوساده والی او نوری ډیری اخلاقی ښیګړی د پښتنو

د دی نقلو او روایاتو څخه څرګنده ږی چه د پښتنو د اخلاقو او عواطفو او میرانی وراست وال بلل کیږی .

دهغو جملو څخه دفتح خان بړیځی ، ادم خان یوسف زی ، مومن خان ، خویداد ، ظریف ، شاهو اوتوردلی او نور . . . . . دی . (۱)

دانقلونه د ډیری پخوانی زمانی دی چه زنی ئی پخواه تر اسلام هم ګنلی سوکه څه هم دا زموږ خبره د نقل د ظاهرو الفاظو څخه نه جوتیږی زکه هغه دینداری چه په پښتنوکی ده اوهغه مینه چه و دی خپل پاك او مقدس اسلامی دین ته لری د ډیر خپل پخوانی او تاریخی شیان ئی اړولی اواسلامی رنګ ئی ورکړیدی لکه نومونه اووافعات او حوادث چه په دی نقلوکی یادسوی دی مګر بیاهم که څوك ښه و رته ځیرسی داسی الفاظ اوکلمات او واقعات په کښ موندلی سی چه دنقل پخوانیوب او زمانه ئی تر اسلام وړ اندی وښی مثلاً : دهغو جملو څخه دفتح خان بړیځی نقل دی چه موږ څه خبره په کښ کو و .

فتح خان په څته بړیځ و ـ او بړیځی دشرخبون د اولادی څخه دی چه شرخبون د څرښ نیکه زوی دی او د ډیرو پښتنی قبائلوسلسله ده ته رسیږی ، بړیځ داوسنی افغانستان په جنوبی سرحداتو اوها غاړه دهلمند اوریګ اودښوراوك شاو خوا او په بست کی میشته دی په پخواه پیړیوکی څه هندوستان ته تللی وه چه یانه سونکی ئی تر اوسه په پنجاب او د سر حد په صوبه کی سته .

بهر ایچ د بمبئی په صوبه کی تر اوسه یو شهر دی چه ددی قوم په نامه مشهور دی اوددی ملی نقل اساس دادی چه شیبته تنه ددی قوم څخه

(۱) دانقلونه اکثره څنګه چه دوګړو په سینو کی پراته دی زما همکار ورور محمد ګل خان « نوری » ټول کړیدی امیند سته چه زردی چاپ سی .

په پخوا زمانو کی دهند دنیولو دپاره تللی وه مشرددی دلی فتح خان داسلم‌خان زوی وجه‌خپله معشوقه «رابیا» ئی‌هم دځان سره بیولی وه.

کله چه‌دوی تله دبست خخه تللی‌دی زکه اصلی ځای‌ئی بست و او ددوی دتګ‌ګ په وخت کی بست ودان او په ترقی کی و ـ اوددی خبری ثبوت دا د نقل نارہ کوی لکه چه وائی :

« که دوی دی ، کلا بست در وازی دوی دی

پریوه‌فتح‌خان‌وزی‌پردابله ئی مور،مورسوی‌ناری‌دی »

بل ځای په نقل کی وائی چه « دفتح خان پلار اسلم خان‌د کلا بست پاچاو » ددی خخه دا جوته سوه چه دفتح خان اصلی ځای‌بست او دتګ‌ګ په وخت کی‌ئی بست ودان و او دپادشاه یاد قوم دمشرځای هم هغه ځای وی چه و دان او ترقی و لری او په نهضت کی و ی.

بل داچه په تاریخو کی موږ داسلام په زمانه کی داسلم خان په‌نامه یو پادشاه په بست کی نه سو موندلای ـ نو ضرور د فتح خان دپلار پادشاهی په هغه زمانه کی وه چه په افغانستان کی طوایف الملوکی رواج وه ـ دطوائف الملوکی زمانه څرګنده ده چه یخواه تراسلام یاداسلام په لمړی قرن کی وه‌نوکه دانقل یخواه تراسلام یاداسلام په لمړی قرن کی وی ضرور دفتح خان اواسلم خان نرمونه هم بل‌څه‌وه ز که تاریخ پردی شاهد دی چه اسلام هرځای وینوی سم دلاسه ئی تبلیغ داسلام شروع او داسلام تبلیغ خو په تعلیم دقرآن عظیم الشان اړه لرله نوله دی کبله په هرځای کی چه اسلام اوعرب داخل سو دعربو ادب او لغات هم یو ځای ورسره داخل سوه او دا طبیعی اوځرګنده ده چه دعربوادب اولغت په نوموکی هم اغیزه درلوده. نوکه دفتح‌خان اواسلم‌خان یانورکسان چه‌په‌دی نقل کی اړه‌لری گرزولو

سوی وی اوفتح خان واسلم خان سوی وی هم ښائی .

بل ځای وائی چه فتح خان د شمس الدین کافر سره چه د هندوستان پادشاه وجنګ وکی ـ د هندوستان په پادشاهانو کی تاریخ موږ به دغه یوشمس الدین راښی چه د قطب الدین ایبك دخوادګوا لیار او بیاد بدوان حاکم او دده د مرګه و روسته د دهلی پرپادشاهی کښینوست اول داچه شمس الدین کافر نه و ـ مسلمان وبیاموژشمس الدین پښتون بولو اوهیس پښتون دبل پښتانه سره څنګه چه د فتح خان اوشمس الدین په منز کی تیرسوی دی نه کوی .

بله داخبره ده څنګه چه تاریخ ښی دشمس الدین په زمانه کی بست وران سوی و، ودان نه و زکه اسلامی دائرة المعارف په خپل اول جلد په ۸۰۵ مخ کی د بست کیفیت په دی خیر څرګند کړیدی :

« څنګه چه دبست د شاوخوا خاور و څخه معلومیژی یوزوړ مرکز د مدنیت و ـ اوپه پخوا پیړیو کی ئی خورا شهرت اولوئی اونوړ والی حاصل کړی و ـ دعیسوی شپژم قرن په سرکی بست هفتا لیبیا نو (هفتالیت ها) یا هیاطله ونیو اوبیا بو شیروان زنی و اخیست .

داسلام په زمانه کی لمړی وار عبدالرحمن بن ثموره فتح کی بیایعقوب لیث دصفاری کورنی موسس دخپلوجنګو په وخت کی یوکال په بست کی تیرکی او په (۲۶۶ه ۹۷۶ع) سبکتګین فتح کی .

څنګه چه دبهرامشاه(دغزنویانو دکورنی) سلطنت علاوالدین جهانسوز وران کی دبست دوړی ئی هم وئیستی ـ اوپاته ئی داتم(۸)قرن هجری په پای کی (۱٤قرن م) تیمور وران کی په دی اړو دوړکی یوازی د بست کلا (قلعه) روغه پاته سوه اوهغه هم په (۱۷۳۸ع) کی نادرشاه افشارټوله ړنګه کړه ـ اوس یوازی دیوا لونه ئی دهلمند د رودپرغاړه ښکاریژی .

نوددی بیان خخه داخرگنده سوه چه شمس الدین نه ، بلکه بل خوك و ، چه یخواه تراسلام ئی یه هندوستان کی سلطنت در لود او دا چه د کافر په نامه ئی یاد کړیدی صحیح معلو میژی ز که یه هندوستان کی هغه وخت هندوانو پادشاهی کوله او نوم ئی چه دشمس الدین په نامه گرزیدلی دی سبب ئی هم هغه شی دی چه موژ پورته وویل - او که فرض کو چه شمس الدین دغه شمس الدین دی چه ورو سته له قطب الدین خخه پادشاه سوی دی نود کافر به نامه ئی ولی باله او بیایه هغه وخت کی بست وران سوی ویوداسی ځای چه د حکومت وړوای نه وچه اسلم خان پادشاهی په کښی کوله .

دا هم دویاو خبر ده چه ملی نقلونه او روایات ضرور یو تاریخی اساس لری د خپلی گیډی خخه ئی خوك نسی جوړ ولای - مگر دیږیو په تیر یدو خپل وضعیت اړهوی واقعات دمبالغی په سبب په کښی زیاتیژی یاد هیریدو په سبب به کښی کمیژی اوخه رنگه چه الفاظ او لغات بدلیژی نومونه هم چه د الفاظو او لغاتو زوکړیدی بدلیژی .

اوس له پاره ددی چه ددی ملی نقل او روایت په خیږیوه تاریخی واقعه مو نده کو او په تطبیق سره ئی د اصحا حل کو باید تاریخونه و گورو - اما تاریخونه ز موژ درد دو ا کولای نه سی باید د تاریخ د زمانی خخه لوړ ولار سوزکه د اواقعه دتاریخ د زمانی خخه وړاندی ده که د تاریخ د زمانی وای تاریخ به هرو مرو لیکلی وه درروایت پر ډول به نه ویله کیده .

وړاندی د تاریخ خخه خو یوازی رگ وید دی چه نن ر وز زنی یخوانی واقعات موزته راښئی اوداواقعات یاجغرافیائی حالات او بیان موژته ښه مرسنه را کوی او ویسا هم پرکیدای سی .

هلبرانت (Hillebrandt) وائی په رگ ويد کی راغلی دی چه په ارا کوشيا (قندهار) کی يوه قبيله ميشته وه چه « واسو ديوا » نامی حکومت او پاچهی (پادشاهی) پرکو له او د ی قندهاری قبيلی د دده دزوی « سوداس » نامی په مشر تو ب سره د فتو حا تو لمن تراند س د سنيد پوری و رسوله او د « سوداس » جنگی کا ر نامی د نقل پر دول ويلی کيدی .

درگ‌ويد په‌زمانه کی اريا لاپه خط و کتابت اشنانه وه نوز که هغه واقعات چه د تار يخ وړ وه د نقل په جامه کی ويل کيده او بنائی چه دا قبيله پر يځ او دا زوی او پلار د پيريو په تيريدو وروسته له اسلا م څخه فتح خان او اسلم خان سوی دی ـ او خنگه موچه پورته وويل چه بهرايچ يا بهروچ تراوسه په هندوستان کی سته د وی (پر يځ) ورو ورو د پيريو په تيريد و سره د پرو دی د علا قی څخه تير سوی اوتر بهروچ پوری را رسيدلی وی ـ (بهروچ د سوات د بندر قطب د دی ته د نمبئی په علا قه کی يو ښهر دی) او د پرو دی ا و بهر يچ او پر يځ په منز کی کلی مشابهت او يو رنگ والی سته ـ او دا چه دا قبيله د قندهار وه موژ د شك څخه باسی او يقين ته مونز دی کوی چه د « واسو ديوا » ا و « سو د اس » نقل د غه نقل د ی چه د فتح خان او اسلم خان په نامه تراوسه ياد يژی .

او بل دا دليل هم سته چه سرسوتی په رگ ويد اوهرا و وتی په اوستا کی را غلی دی چه د واړه يو نوم او مفهوم ئی د ارغنداب رود دی چه بست ئی پرغاړه پروت دی اودا چه دوی شپيته کسه وه اودپاچهی سره چنگيدل هم دليل پردی دی چه دا نقل پخواترا سلام وزگه وروسته له اسلام څخه داسی واقعه هيڅ کله پيښه سوی نه د ه

اودا چه په رگ ویدکی د قبیلی په نامه یاد سوی پردی دلالت کوی چه ددوی تعداد لږ وز که په ارا کو شیا کی یوه قبیله نه وه ښائی چه په دونی پراخ ملك کی ډیری قبیلی وی .

د ځیر پرقصصی اوروائی ادبیاتو موخوخه ځیر نه وکړه او ښائی داموهم تریوی اندازی ثبوت ته رسولی وی چه زموږ قصصی اوروائی ادبیات دډیرو ټخوانیو زمانودی چه دخپلو و یونکو په سینو او د خپلواویو اولوړوغروپه منز کی ئی خپل ځان ساتلی اوبیړی په پیړی یې خه تغیر سره ترموږئی ځان رارسولی وی اوس به ددی برخی په د غونه بحث پس کو او د تاریخی نثر پرادبیاتو به خه ځیر نه وکوکه خدای کول .

تاریخی :

تاریخی کتابونه خود ډیری پخوانی زمانی زموږ لاس ته نه دی راغلی اونه موهوم ار ویدلی دی که وی هم یا به د خارج په موریمو او کتاب خانو کی وی یا به په غرو اور غو کی پټ پاته وی چه جاب سوی نه دی ـ لمړی د تاریخ کتاب چه په پښتوکی موږ ته معلوم دی د (سوات) تاریخ دی (۱٤۱۳ـ۱٤۲٤ م) چه شیخ مالی یوسف زی (دخپلی قبیلی مشراوصوات هم ده پخپله فتح کړیدی) لیکلی دی له شیخ مالی څخه وروسته خانجو نامی دده دمشرتوب پرځای کښینوست او د خپل تبر په مشرتوب ومنل سو ـ هغوهم یو کتاب د سوات د نیولو په باب کی و لیکی چه دا کتاب د حافظ رحمت د تاریخ مآخذ دی (۱۷۷۰ ع) د شیخ مالی کتاب د لندن په برټش موزیم کی سته .

نورداخند درویزه تاریخی کتابونه دی چه یو تذکرة الابراردی او افضل خان خټك په تاریخ مرصع کی د هغه نوم وړی د ی ښائی چه د چا څخه وی ـ او بل ئی مخزن دی چه یوجلد قلمی ئی د معارف

د وزارت په عمومي کتابخانه کې و ړ ه کال مالیدلی وښائی د نور چا څخه هم وی (د اکبر جلال الدین په زمانه کې ۱۵۴۲-۱۶۰۵ م) .

بل مشهور تاریخ به پښتو کې تاریخ مرصع دی چه افضل خان خټک د خوشحال خان خټک لمسی لیکی دی - چه پنز م باب ئی په کلشن روه او کلید افغانی کې (راورټی) نقل کړ یدی او پوره نسخه ئی زما په ګمان اوس نه مونده کیږی - اما بو وخت ماته جناب سرورخان ګویا » د ملا اغا د قندهار د بخوانی نائب ۱ ۰ کومه (سردار محمد عثمانخان مرحوم) ورور دخولی ویلی وچه پوره ۱ مکمل تاریخ مرصع دا کبرخان لعل بوری څخه و او ملا اغا پخپله لیدلی و .

بل تاریخی کتاب چه په پښتو لیکلی سوی دی دراورټی په قول سره تذکرة الملوك دی چه دراورټی لاسته ورغلی دی او دسدوزو د حکومت په زمانه کې لیکلی سوی دی راورټی ددی کتاب بیان په دی خیر کوی : « په دی باب کې چه یوحقیقت زما لاس ته راغلی دی هغه د تذکرة الملوك تاریخ دی چه په شپږ سوه او خلویښتو څو او اتو برخوکې لیکلی سوی دی چه اوس نه پیدا کیږی او زما په خیال یوه نسخه به ئی هم په افغانستان کې نه وی د دروبر خو څخه دوی بر خی ددی کتاب هغه و اقعات دی چه د احمد شاه د مرګ څخه و روسته پښی سوی دی مګر ماخپل مطلب ددی کتاب ددیباچی څخه پوره کې اوتذکرة الملوك په پښتو لیکلی سوی دی - دا کتاب یوه مقدمه او دوه اصله اویوه خاتمه لری مآخذئی دا کتابو نه دی : تاریخ سلاطین سوریه، طبقات اکبری، مراة الافغانیه، تاریخ شاهان صفویه، شاهجهان نامه ، عالمګیری ، تاریخ فرخ سیری ، تاریخ محمد شاهی ، نادر نامه تاریخ احمد شاهی ، رسالهٔ اکبر خاد که » .

په‌اوسنی بیړی‌کی خوډیر تاریخی کتابونه په پښتو لیکلی‌سوی اوترجمه سوی دی دهغوجملو څخه تاریخ دافغانستان دی‌چه منشی‌احمدجان لیکلی دی اوتاریخ دسلطان محمود دی چه مولوی‌احمد ترجمه‌کړیدی اونور .

مذهبی :

په‌هره زمانه کی چه تاریخی کتابونه موندلای سو مذهبی کتابونه هم موندلای سو اولیکلی سوی دی له هغوجملو څخه‌دی مخزن‌الاسرار او ارشادالطالبین او مخزن‌الاسلام داخلند درویزه - چه دمخزن الاسرار یوه برخه راوړتی په‌گلشن روه او کلید افغانی کی هم نقل کړ یدلی او ټول ضروری اولمړی دینیه مسائل په دی کتابونو کی په منثور نظم لیکلی سوی‌دی اوزوی ئی هم دپلا رمخزن ټول کړی اوبرهنه ئی څه زیاتوب کړیدی اوبل کتاب ئی په‌ذمه د خلاصة البحر لیکلی دی او یوبل‌زوړ شلیدلی کتاب چه سراوپای‌ئی نه معلومیږی اونه سنه اوتاریخ لری زموږ په پښتو ټولنه کی سنه بنائی د اخلاصة البحروی یامخزن - او یوبل زوړ کتاب هم په پښتو ټولنه کی سته چه سراوپای نه لری اوپانی ئی سره توسویدی - مصنف‌ئی حسین نامی اوداخوند درویزه په‌سبك لیکلی سویدی معلومیږی چه‌داخند درویزه وزمانی ته‌نزدی او داخند درویزه دپیروانو څخه وی (کله چه ماوخت وموند پوره تحقیق به ئی وکړ او بیلو گرافی به‌ئی د کابل په مجله کی ولیکم) .

نور د بازید (۱) نامی کتابونه دی (۱٤ قرن م) چه د خوږیان اوخیرالبیان په نامه لیکلی سوی دی جارج مارگن سترن دنار وی اوسید ونکی چه داسلوپه اکاد می کی د هند اوایرانی ژبو پروفیسردی په شلم (۲۰) دد سمبر ۱۹۳۷ ئی په یوه مکتوب کی موږ ته لیکلی وه

(۱) دبازید مفصل کیفیت دی د ۱۳۱٤ به سالنامه کی وکتل‌سی .

چه د خيرالبيان قلمی نسخه د (سردينی سن راس) مستشرق خخه سته .

بل فوائدالشريعه داخوند محمد قاسم دی چه په (۱۵۶۰ع - ۹۶۷ه) کی ليکلی سوی دی محمد قاسم په خته پاپنی خيل د شنوارو اوداخند در ويزه خيل دی اويوه برخه ئی راورتی په کلشن روه کی ليکلی دی .

بل دا بو جان کتاب دی چه داخند درويزه وزمانی ته نژ دی ليکلی سوی دی اوبا بوجان په خته دبلورسنان اوجديد الاسلام دی . يوه برخه دکتاب ئی راورتی په کلشن روه کی نقل کړ يده .

داوه غوره تاريخی کتا و نه چه ما ته معلوم وه او زيات پردی چه دری سوه يا دوه سوه پاسل کاله پخوا ه يا کښته ترهغه ليکلی سويدی په سو واوزرودی چه د ټولو ليکل رموز محدوده مقالهاجازه نه را کوی او مادا رازکتابونه دامړی کال په سالنامه کی خه ليکلی دی که د چا تفصيل په کاروی هلته دی و گوری .

زيات پردی دروتوگو (قصصی ، تاريخی ، مذهبی) اخلاقی اواجتماعی کتابونه هم په پښتو کی ترجمه اوليکلی سوی دی لکه کليله دمنه ترجمه دافضل خان خټک اودسعدی گلستان دعبدالقادر خان خټک ترجمه او نور . . .

داو نثر د پښتو چه پورته موخه شيړنه پروکړه اوس به نو دنظم پر برخه هم خه وليکو چه د پښتو نظم د کمی زمانی او تر هغه لمړ يه چه زه معلومات لرم پرخو بر خو ويشلی سوی دی :

نظم :

پښتو تر تر نظم د پرلری او ا کثره اثار او کتابونه په نظم کی ليکلی سوی نثرئی هم د نظم پردول دی چه داوس په ا صطلاح سره شعر منثور ورته ويل کيږی خصوص په پخواز مانوکی خو داشعر منثور خورا رواج در لود خنګه چه په شعر کی دقافيی اووزن رعايت

کیږی همدارنګه دوی په خپل نثر کی دقافیی رعایت کاوه زه څو کرښی د هغه زاړه کتاب څخه چه حسین نامی لیکلی او په پښتو ټولنه کی سته اومائی پورته څه بیان وکی دنمونی پر ډول لیکم چه هغه دادی .

خراب خاطرم (می) تل د شاه پر اوردی - زه د شاه په ننداره یم - زکه دا بشر را څخه خوردی په وحدت کی شاه یو دی د کثرت بازارئی لون لون جوړ دی - په طلب کی ئی ژوندون کړم دا طلب ئی پرتاپوردی - هر چه منکر شی له طلب - بی پوښتنی به دوزخ لره وررې سزائی او ردی غافل مړدی ژوندی نه دی - دی په ژوند بندی دګوردی - هر چه و مړ په ژوندونی - دا ړمود مارانو باندی زوردی عاشق ولیده په ځان کی دا غافل - نه غوژو کړ، په سترګو کوردی - دمحبت په اوردی ډیزاومه پاخه شوه - ستایو څه عجب کرجوړدی - شاه به ووینی حاضرای طالب - که دی مخ د شاه پراوردی - ای حسین نیت پرکل خلق یکسان کړ - که دښنه (دښمن) دی که دی وروردی »

یعنی د پښتو ژبه په سبب دخپلی ارت والی دشعراوطبیعی والی ژبه ده چه هر راز مطلب په شعر کی راتلای سی او په پخواه زمانو کی ټول واقعات او سوالونه او جوابونه که رزمی وه که بزمی په شعر کی ویل کیده دار مستر چه تریو ځایه دپښتو په منز نتوتلی او دپښتو دژبی حقیقت ورڅرګند سوی دی دا پورته مطلب په دی لاندی عبارت سره ادا کوی :

« پښتانه اخبار نه لری غزل د اخبار ځای نیولی دی - ټول روز مره افکار او خیالات او واقعات په شعر کی ویل کیږی او عامو خلقوته رسیږی - د پښتو تاریخ د دوی داشعار و څخه غونډیدلای سی که څه هم دا تاریخ د اروپائیانو د تاریخ څخه مخالفت ولری مګر یوښه عمومی فکر په نسبت د ذهنیت د پښتنو سړی ته ورکوی او وقایع

داسې په زړه کې ټينګولای سې لکه چه انسان د هغه ملت په زړه کې ناست دی او خبر وی .

د پښتو د شعر برخې :

هغه ټول مسجع الفاظ او جملات چه په لحن او تغنی او غلباً د ساز سره ويل کيږی هغوته پښتانه سندری يا بدلی وائی دا سندری يا بدلی په خپل کور کښې په لاندی نبو برخو ويشلی کيږی :

(۱) ناری يا ژغونه (۲) لنډی يامصری (۳) ټيمکی (٤) رباعی (٥) غزل (٦) چار بيتی (۷) لوبه (۸) داستان (۹) ستانه (۱۰) دا ټول ناری .

هر کله چه د پښتو د ادبياتو په دی موضوع باندی ترا وسه شپه بحث نه دی سوی او به دی لارکی قلم نا بلده دی ـ نو هر څوك چه په دی موضوع کی څه لیکی يا ګړيژی د اجمال د غولی څخه به ونه وزی ولی چه د دغسه پورته اقسامو څه داسې منطقی تعريف نه دی سوی او نه ژرا ميندسته چه ودی شی ـ بلکه د دوی امتياز او توپير يو تر بله د استقراء او تتبع په مهارت سره اړه لری او دا توپير تراوسه پوری داسې دی لکه د شاتو ، ګوړی اونباتو د خوند توپير ، دا ټول خوازه دی خو څکونکی پوهيږی چه داشات دی او ګوړه نه ده ، دغسی د سندرو دغه پورته اقسام هم يو تر بله په ذوق پوری اړه لری چاچه دغه مخصوص ذوق د استقراء پر دول حاصل کړی وی هغه پوهيږی چه دا رباعی ده ، دا غزل دی دا لوبه ده او دا چار بيته .

سره له دی تولوموږ هاند کوو چه ددی پورته اقسامو په منز ک
تر یوه حده پوری څه ییلو و نکی حد اوتو پیر مونده کو چه د ماندنو
پلتونکی ترڅه حده په یوه سی .

(۱) ناری یا ږ غو نه : څنګه چه په نثر کی قصصی بر خه د یر
پخوانی ده اوناری هم په قصو کی و یلی کیږی او د قصو یو مهم ا
غوره غړی شمیر ل کیږی نو ناری هم د ډیری پخوانی زمانی یعنی
هغه زمانه موچه قصصی نثرته مقرره کړیده ناروته ئی هم تا کلی سو .
ناری عموماً د بیت پر دول دوی مصری چه په پای کی یو نوع قافیه
هم لری دی مګر دامصری اغلباً د عروضی او زانو لا ندی راتلای
نسی ـ اوداداسی یوشی‌دی لکه د یورپ د ننو روزی اراد شعرُونه
که چاد فتح خان او کرمی ، ادم خان و درخانی او موسی و ګلمکی
قصی اړویدلی وی هغوی پوهیږی چه دا څه دول شعر دی مثلاً :
که د وی د کلابست در و ا ز ی دوی د ی

په یوه فتح خان وزی‌پردابله ئی د مور ، مورسری ناری دی
یا : ـ هرمرغه چه دانه اخلی څنګك ئی ریږ دی

چه اجل و ر باند ی را سی لو مه و ا خلی دانه پر یږ د ی
یا : ـ خوش ګیار په کلی زی کچکول بانه کی

که‌خدای ورکړه شاه‌تربنه خوش‌کیار به دا کچکول دانه دانه کی

تاسی ګوری چه په دی‌ناروکی دویم بند تر اول او ږ دی
او په لمړی نا ره کی « دوی » او « ناری » د کلاسیك
شعر په‌لحاظ قافیه هم کیدلای‌نه سی ـ داسی ناری هم سته چه تردی

اوژ دی یالنډی وی یعنی دنا رو په منز کی یو ډول و حدت سته اما په خپل کورکی ټوله سره په یوه تله نه تللی کیژی .

(۲) لنډی یا مصری : دا یو بل خاص ډول بیتونه دی چه د نارو پر دول هر بیت ئی بیله بیله ځانته معنی او مدعا لری په دی کی هم دویمه مصری تراولی اوژده وی مگر دلته په دواړو مصر یوکی د قافیی شرط نسته او قافیه نه لری لکه :

چیر ته لندن چیرته چترال دی بی ننگی زورسوه پرنگیان چترال له زینه

یا

جانان می سر په سنگر کښیښود په تارد زلفوزه کفن ورله گندمه »

یا

د غم ډیوه را ته لگیژی : اندیښنو په بالښت خوب و رته کومه

یا

درزره صدف می هجران مات کی رکه په سترگو مر غلری تو یومه

یا

په تور وټوك ټوك را سی مینه چه پرهارونه دی گندم خوله درکومه

یا

تو ری به نکړ و نو به څه کړو چه مو شیدی د پښتنی رو دلی دیه

یا

« ته چه زما په غیژ کی ریژ دی هلته به څه کړی چه دتورو بریښنا سینه »

د پښتنو په سند روکی دا نوع ډیر عام او شایع قسم دی نر ، شزی ، واړه ، غټ ، خوا ننده او ناخوانه ټول په لنډیو پوهیژی

او ویلای ئی سی ، په تو لولنډ یوکی دتقطیع او تللو په لحاظ همرنګی او هم آهنګی سته بی نظمی نه لری .

هو ! لنډی په وینا او لهجه کی د مناطقو په اعتبار ډیر زیات توپیر لری په تیرا ، پیښور ، باجوړ تګاو ، وردك ، شلګر ، ګر مسیر د قندهار او جنوبی کی په بیلو بیلو نغمو او لهجو ویلی کیږی مګر په دی و زنو کی اول تیرا والی اوبیا پیښور لنډی ډیری خوند وری او موثری دی اوزه افسوس کوم چه دقلم په څوکه دلنډ یووزن بنودلای نه شم ـ دادهغه آلی کیاردی چه ژغ جذب کوی اوبیائی په برقی موجونو بیرته هواته ورکی .

زما به اتیکل سره لنډی دزړه څخه و روستی دی مګر بیاهم ډیری پخوانی زمانی دی ز که لنډی د طبیعت زاده دی اوداخرګنده ده چه طبیعی شی هرو مرو پخوانی او ډیر وزمانو وی که موږ ئی ډیر پخوانی توب څرګنداو ثبوته ولای نسومګر دوګړو په سینوا وخولوکی داسی لنډی سنه چه خپل عمر زرکاله پخواه بنی لکه :

چه د خالو لشکری را غلی زه به ګومل ته د خپل یاردیدن له څخه)

دپښتو ملی اشعار اکثراً دښزو له خواه وی چه خپل یارته ئی وائی ـ دالنډی هم هغی ښځئی ویلی ده چه میړه یامین ئی د هندوستان د فتح د پاره تللی و ـ اومعبرد ګومل په پخواه زمانه کی د هندوستان اولار وه ـ ډیرفاتحان لکه سلطان محموداوتیموراو . . . . د دی لاری هندوستان ته تللی دی ـ ملك خالود سلطان محمود په پاچهی کی ډیر اوی سردار اومشرد پښتنو و ، چه د سلطان محمود سره د هندوستان د فتحی

له پاره تللی و ـ او خور شید جهان ، خصائل السعادت د سعاد تخان تور ترین (طبع ۱۲۹۷ ه) دده نوم د سلطان محمود دلویو سردارانو په جمله کی لیکلی دی .

(۳) نیمکی : په نیمکیو کی دوه غوره اومهم عنصره دی یو هغه جزء دی چه بیا بیا (مکرر) ویل کیږی هغه جزء ته سروائی ، بل په منز منز کی نوری نوری مصری ورلویږی ، دامصری چه په سرکی مسلسلیږی تش په همد غه اعتبار سره نیمکی‌ورته وائی ، نوپه نیمکیو کی یوسردی اونوری نیمکی‌داسر ، دهری نیمکی‌سره‌اوږی را اوږی لکه :

« ماویل که زه به درته ژارم ؛ آ ، وږی لیلی سهاردی ؛ د مانه سرگی ؛ او بنکی ستا پرمخ رازینه . اخ وږی لیلی سهار دی ، شمال لگیږی ـ ژیړی پانی رژوینه ـ آ ، وږی لیلی‌سهاردی شمال‌لگیږی»

په دی پورته نیمکی سر فقط همد ونه دی چه « آ ، وږی لیلی سهار دی؛ شمال‌لگیږی ، تنکی پانی خو زینه یا ژیړی پانی‌رژوینه » باقی ورسره یومنز منزکی نیمکی لویږی‌مثلاپه پورته مثال کی‌نیمکی‌داده : « ماویل که زه به درته ژارم ـ زمانه سرگی‌او بنکی ستاپرمخ رازینه » توله نیمکی په همدی یووزن او مقام نه دی بیل بیل و ز نو نه ا و نمونی لری مگر کلی قاعده ئی همداوه چه پورته وویله سوه .

(٤) رباعی: د پښتو په ادب او موسیقی کی رباعی په دغه عی بی معنی نه ده چه در بعی څخه جو ړه سو یده او یا هغه شعر چه څلو ر مصری لری . بلکه په پښتو کښ بیله او ځانته معنی لری د پښتو رباعی لکه غزل دپنزونه بیاتر پنزلسو او شلو پوری بیتونه لری دوی لږ ی

مصری چه مطلع ورته وائی په قافیه او ردیف کی موافقت لری اونور بیتونه په پای کی په قافیه او ردیف کښی سره یووی او توافق لری - لمړی مصری ازادی او سیژی لکه درحمن بابا اوحمید اکثرو سندر و ته رباعی و یلی کیژی پښتانه په خپل موسیقی قانون کی دا لازمه گڼی چه اول رباعی وویله سی وروسته غزل پرواخلی .

دا رباعی ده :

دا یو څر نگه ژوندون دی نپو هیژم
خواب وخیال دی که افسون دی نپو هیژم
جام د میو چه د ځان په وینو مومم
تروز لال که زگر خون دی نپو هیژم
د پتن او د بلبل تر مبان حیرانم
مخ دی او ردی که گلگون دی نپو هیژم
په شانه سره دی تار دزلفو بیل شه
که غوڅ شوی می نارون دی نپو هیژم
عشق په هسی رنگ مقام باندی قائم کړم
چه وصال دی که بیلتون دی نپو هیژم
د خپل زړه دی علامت و ته حیران یم
چه موسی دی که قارون دی نپو هیژم
د «رحمان» سهره ئی ژیړه زعفران کړه
خدای زده عشق دی که طاعون دی نپو هیژم

(٥) غزل : غزل زیات درباعی په څیروی ، مگر کله کله دغزل

بندونه دری مصری اوکله تردرو زیاتی وی دغزل او رباعی فرق په اکثرو ځایونکی خوراگران وی خصوصا په‌هغو غزلوکوچه‌دوی مصری ولری .

د رباعی اوغزل توپیر :

درباعی بیتونه ضرور دوی مصری والا وی اودغزل زیات هم کید لای سی مثلا :

« رنا دعلم وعرفان — که وی فانوس ئی قران »
دنوی دوایره جهان — خالی لمبه وایره‌جهان لره‌سوختن دی »
« جناب « خادم »

دا دغزل یو بنددی چه خلور مصری لری په دی خلو رو کی دری لمړی مصری ځانته قافیه لری او ورستنی مصری د مطلع سره موافقت کوی مطلع ئی داده :

« ستاله کرمه‌ئی تازه‌دزړه‌گلشن‌دی شکاره‌کمال‌دی‌پرتول‌وطن‌دی »

ولی هغه غزلونه چه دوی مصری والا دی هلته په خپل مخصوص آهنگ او طرز سره درباعی څخه پیژندل کیږی لکه دنو روز ، توکل میرا ، رمضان . خرم اوسیدکمال سندری اکثره غزلی دی چه نمونه ددوو مصریو والا اوخلور ومصریو والا داده :

دوی مصری والا :

نن می رنز دبیلتانه دی چه کړیږم نه رغیږم
که‌وصال را باندی راسی‌دغنچوپشان غوریږم

دلیلاسینه باغچه ده رنگارنگ گلان په زانگی
زه بلبل دصبحدم یم د شبنم پر مخ پر ږژم
دظالم رقیب دلاسه بندی پروت په زولانه کی
خپل اشنای می راخبر کی صبا بیا په دارزړیژم
دتهمت به خم کی رنگ سوم پاك به نه شم لکه زاغ
دصیقل طبیب رابولی په رنگ روز په رور ژړیژم
زه میران بی خه پرواکم چه خپل یارلرم غمخوره
په دعا د فقیر نوا د بلبل په شان جو نیژم

څلور مصری والا :

بی اعتباره سنا په درکی یم شر میژم کوه پر ما نظر صنمه
ټپ می ناصور په وینو سور کله رغیژم زخمی دزړه پر سر صنمه
که وفا دار ئی زما یار ئی په زیر یو واری سم و گوره
بڼه می ژیړه پر منز دړه زما زړه لکه قلم و گوره
په زړه رنزور سینه تنور رما فریا دونه په هر دم و گوره
مریض یم شپه و روز و لیژم ته نه کوی باور صنمه
ولی و ماته سم نه گوری درب د پاره مرم در پسی
ته بی پروا شاه شاهان ئی د زړه وینه زه خورم در پسی
هیڅ دی طلب زما و نه کی شتاب شتاب لرم در پسی
لکه بورا د گل پرمخ باندی چغیژم ناری می کال وسر صنمه
دعشق له تاوه می ناری زی تردهانه داڅه کانی راوسوی پما
خبرمی ولاړی تر ډیرو وترملتانه داڅه کانی راوسوی پما

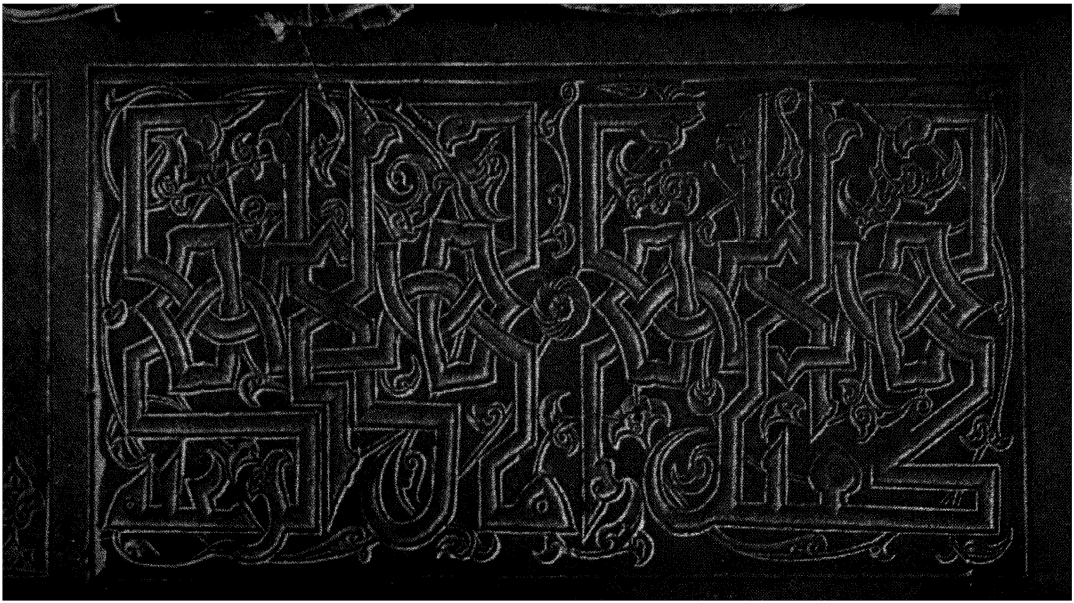

از آثار نفیس و تاریخی هرات ، قسمتی از نوشته جات حکاکی از مناره های مصلی
Une partie des inscriptions d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

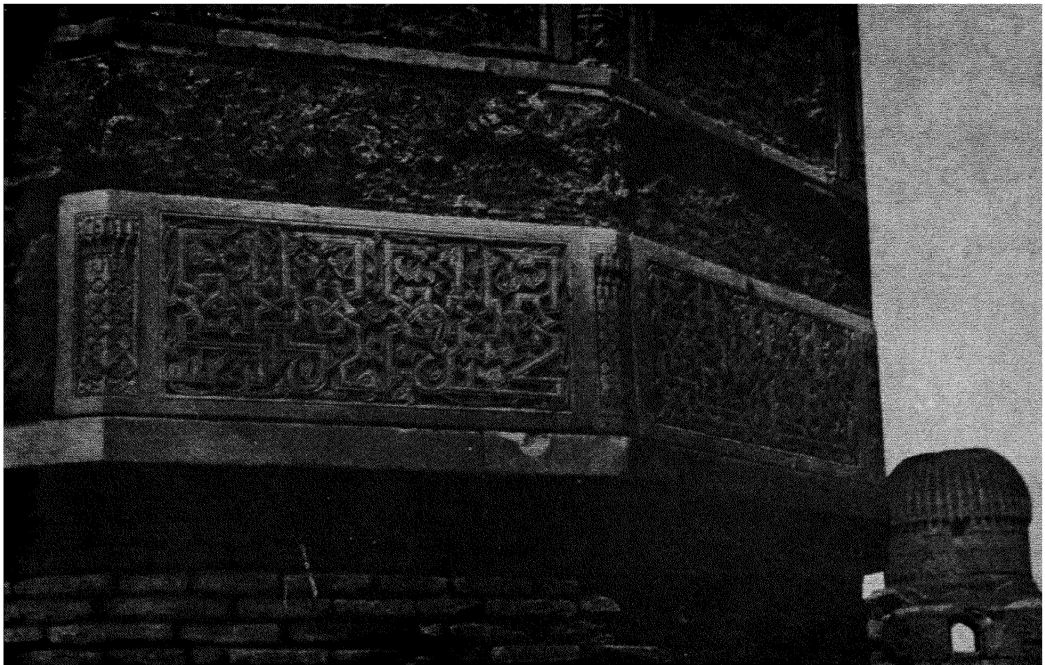

از آثار نفیس و تاریخی هرات ـ حصهٔ تحتانی یکی از مینار های مصلی
La base d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat



نمونهٔ حجاری قدیم افغانستان : لوح مزار سلطان غیاث الدین غوری در هرات

Spécimen de l'ancienne sculpture d'Afghanistan . La dalle du tombeau de sultan Ghiassud-Din Ghouri à Hérat

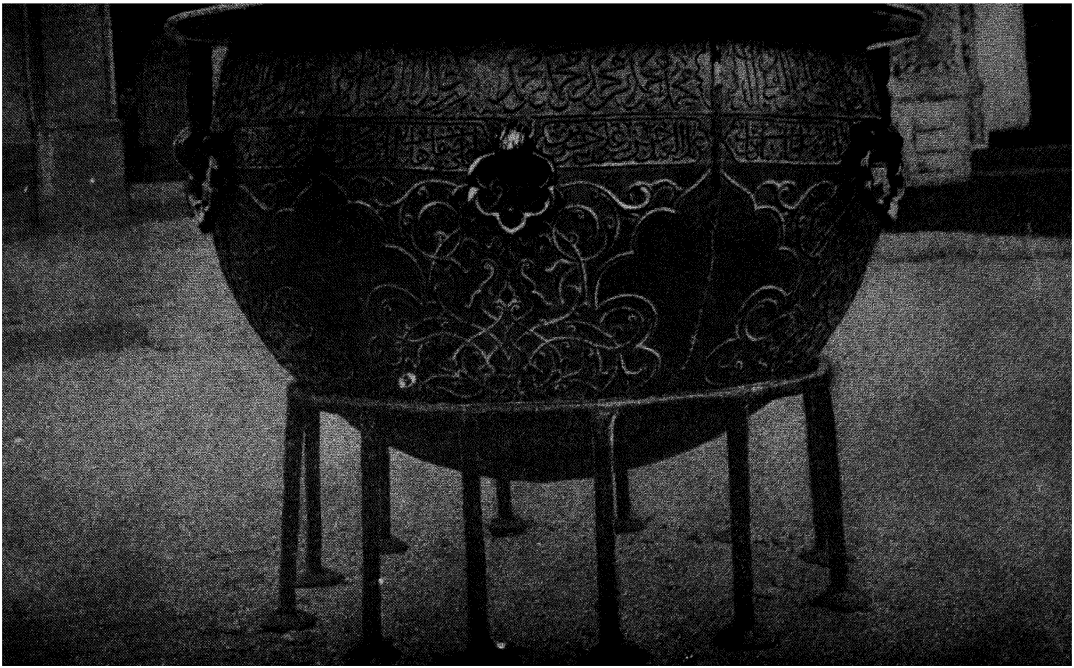

ار آ ثار تاریخی هرات . دیك فلزی ار قرن (٦) هجری

Enorme marmite en bronze sur laquelle on a gravé les noms des saints de l'Islame (21 ê s.) à **Hérat**

په خپل آشنای پسی دی کړم سینه سوزانه دا څه کانی راوسوی پما
سندری وایم تل ژغیژم ناری می پر هر در صنمه
مینی دی سوی په اورو دهجران تل پروت یم د ننګ دمینی
زه خوار «سلیم» ستاد وارونو حیران تل پروت یم د ننګ دمینی

(٦) چار بیتی : لکه چه د نوم څخه ئی معلومیژی د دی بندونه عموماً څلور بیته یعنی اته مصری وی کله د دی نه زیات هم رازی کله کم هم وی مثلا :

په بازار کی د دنیائی بدل نشته بی بدله دی نعمت د آزادی
په لعلونو ، مرغلروئی تلل نشته گوهر نه لری قیمت د آزادی
دله دخل د قریبو ودچل نشته پاسبانان لری جنت د آزادی
نه مونده شی په حړا او په عذرونو بی له برقه دشمشیرو دسنانه «خادم»

دا د چار بیتی یو بند دی چه څلور بیته لری ، د دری لمړ یو بیتو وروستنی مصری یو رنګ او لمړی ئی بل رنګ قافیه او ردیف لری مګر وروستی بیت دچاربیتی ، دمطلع سره یو رنګ والی اوموافقت کوی په دی څیر چه او له مصری داولی او دویمه د دویمی سره . دچار بیتی مطلع داده :

« حاصلیژی د زلمیانو په سرونو آزادی هسی قیمته ده بیشانه »

چار بیتی هم لکه غزل ډیر اقسام لری چه دتولو بیان په دی لنډ مضمون کی نه ځائیژی - بل چار بیته دغزل څخه په دی پیژندله کیژی چه په دی کی چستی ډیره وی او غزل اکثره په راګ سره اوژد (کشال) ویل کیژی .

(۷) لوبه : دایو ځانته رقم دی ، دچار بیتی څخه په دی یېژندله کیژی ، چه ددی دبندو مصری ددوو څخه زیاتی اوداتو څخه کمی وی د آهنگ په چابکتیا (چستی) سره دغزل څخه بیلیژی - بل دا چه عموماً په لوبه کی دچار بیتی په شان مسلسل مضمون ادا کیژی مضمون ئی عموماً عاشقانه او رومانتیك وی مثلاً دا لوبه ده چه :

(۱) « دحکم جانی خلق ډیر ، ډیر صفت کوی - توری سترگی خماری »

(۲) « حکمه ئی سین ته کړه گذاره - بیائی پری تیژی کړی انبار - چه راونه وزی دوباره - تقدیر له گوره چه او بو ، او بو کړه سرسری - توری سترکی خماری »

هغه اول ئی مطلع اودادویم بندی - دارنگه « لوبی پی لیلی کړیدی » چه په گرافو نوکی ویل کیژی یا لکه د سمندر خان « ارمان دی زلمیتوبه » اوداقسم نوری سندری لکه د « خادم » ارمان دی تربگنی دی ته لوبه وائی .

(۸) داستان : دا د رباعی یا مثنوی په ډول یو مسلسل مضمون دی چه دشلوبیتو څخه ډیر وی لکه : دسیف الملوك او آدم خان و درخانی او داسی دنورو قصو داستانونه .

(۹) سنا ینی : دا لکه ژغونه او ناری مگر اکثره ئی بی قافیی بیتونه وی یعنی دقافیی شرط په کښ نسته او په مړی باندی په مخصوص آهنگ او اواز سره ویلی کیژی ، یو ښزه ئی په موثره لهجه وائی او نوری دژړا په آخرکی موافقت ور سره کوی - اکثره ډیرزړه ریبونکی او سوزونکی دی لکه دا :

د پلار پر مرګ : « ارمان ارمان دی زما پلاره ـ بيا بـه دی ونه وينم پلار ـ دا دنيا دربانديی ورانه سوه له واره دا دنيا در بانديی ورانه سوه له واره »

دورور پر مرګ : « ای زما ور وره دا زمان ـ ته له موژ سولی روان ـ په طرف د گورستان ـ هی افسوس ارمان ارمان »

د خو ر پر مرګ : « ز ما خو ری گـل په څير ی ـ بخو نی نسته داسی نوری ـ زکه ژړا کړم په سر توری »

د مور پر مرګ : « زما موری گـل رنگينی ـ تا به ساتلم زه په مينی ـ غور زوم در پسی وينی . زه سومه بی موره های ارمان ارمان ،»

د ميړه پر مرګ : « زماواك د سر خو ستا و ـ زکه پاد شاه را ته گـداو ـ د پادشاهت عمر خو داو »

د لور پر مرګ : « ای زما لوری نازولی ـ په ښه شان می ته پا لـلی ـ اوس له مانه جدا سو لی ـ داد نيا دار مان ځای دی »

(۱۰) دا تن ناری : داد نيمکيو په دله کی حسا بيژی ـ ز که چه سراو تيکی لری خو په خپل مخصوص طارز سره جلاشميرلی کيژی

دا د پښتو دنظم اقسام تر هغه ځايه چه په دی مقاله کی لازم و ه په لنډ صورت سره می بيان و کی مگر دا اقسام هغه نظمی ادبيات د ی چه خاصرد پښتو اوزان لری‌او موژ ملی پايه بل عبارت سره رو مانتيك ادبيات ورته وا يو يعنی د عربو او عجمو د او زانو ا و قا فی تر تاثير لاندی نه دی راغلی هغه خپل پخوانی ملی اهنگ او وزن ئی‌ساتلی

دی ـ هغه ادبیات چه د عربی داد بیا تو څخه متاثر سوی او د عربو دادبیاتو اوزان او اصول ئی منلی دی بله خانته برخه ده چه د یوی تاکلی زمانی څخه شروع سوی دی په دی پورته حساب کی نه شمیرل کیږی چه موږ به ئی کښته بیان و کو .

ددی ملی اشعار وشاعران ډیری ناخوانه وه یا اکثر هغه کسان وه چه دښار والو سره ئی دونه تګ اوراتګ نه درلود اود عربو او عجمو په عروض چندان نه پوهیدل اودا اقسام موچه پورته وښودل ضرور پخواه ترهغه وه چه دپښتو شعر د عربو عروض مانه ـ نو په دی حساب څه رنګه چه انسان دری مرحلی د کوچنی والی او زوانی اوزړتوب لری د پښتو ادبیات هم په درو دور ویادر وزمانو ویشلی سوپه دی ډول :

څنګه چه دباندنی عوامل ، تاثیرد محیط اووضعیت دټولنی (اجتماع) دانسان پرنفسیه احوال، فکراوجذ باتو اغیزه کوی اوتل بشر په تحول اوتطورکی وی ـ شعر وادب هم چه دانسان دافکارو او احساساتو استازی بلل کیږی ددی تحول او تطور څخه خلاص نه وی تل خپله بنه او ډول بدلوی او دمحیط رنګ اخلی نودپښتو ادبیاتو هم په مختلفو زمانو کی داتحول قبول کړی اودی تحول ته موږ دری تعبیره کولی سو (۱) طبیعی ادبیات یاپخوانی زمانه (۲) نیم مصنوعی ادبیات یامنزوی زمانه (۳) مصنوعی ادبیات یاوروستنی زمانه .

طبیعی ادبیات یاپخوانی زمانه خود هغی زمانی ادبیات دی چه پخواه تراسلام او بیاد اسلام د دریم قرن پوری رواج وه او پښتنو په خپلو اودو غروکی ویل ـ صنعت بری نه دی پرموندلی لکه قصصی برخه

دئتر اولندی او دانور زنی اقسام دنظم چه ماپورته یاد کړه .

نیم مصنوعی ادبیات یامنزوی زمانه : ددریم قرن هجری یاپه بل عبارت د سلطان محمود دزمانی څخه شروع کیږی او ترشاه جهان او اورنګ زیب ترزمانی چه دمصنوعی ادبیاتو پلارخوشحال خان ختك نبوغ کاوه رارسیږی که څه هم دا کبرجلال الدین اونور و مغلو په زمانه کی زنی شعرا وه چه عروضی اومصنوعی شعرئی وایه اودیوانونه ئی درلود لکه دولت ، ارزانی او . . . بیاهم هغواشعاروته پوره مصنوعی نه سو ویلای .

دینم مصنوعی دادبیاتو د شروع سبب خو په دی خبر تعبیرکولی سو چه د سلطان محمود د زمانی څخه دطوائف الملوکی کښله ټوله سوه ـ علم و ادب دو نی عام سو چه غړه او سمی ته و ر سیده پښتانه د سلطنت په اوضاع و پوهیدل د پادشاه په دربارکی لکه « ارسلان حاجب » دلویو منصبو خاوندان سوه فتوحات ئی و کړه اودیوه ملك څخه ئی و بل ملك ته لښنګ و ی . دهغه دربار نثردیکت او معاشرت چه باید د علم و ادب (فارسی ، عربی) دربار و رته و وایو پر دوی هم اغیزه و کړه ـ معاشرت او ژوندون ئی د خاص مدنیت په غولی کی داخل سو ـ دعربو اوعجمو ادبیات ددوی پر ادبیاتو تاثیروکی او ورسره گډ سوه او ورو ورو ئی خپل عمل په کښ کاوه تر هغو چه شعرا و د عربو او عجمو عروض و ماته او بیخی تر دی تاثیر لاندی راغله د دی سبك د شعراو مشر خوشحال خان ختك دی

چه تفصیل ئی آینده ته پریژ دو .

دنیم مصنوعی ادبیاتو نمونه هغه داخند درویزه اوبازید او حسین او بابو جان او نور چه مائی پورته څه څه بیان وکی گڼلی سو .

داهم باید و وایو چه د عربو اوعجمو د عروض تر تاثیرلاندی هغه شعرا ډیر راغله چه یائی په عربی اوفارسی علوموکی بلدیت درلود یا ښهروته نثر دی او د دربار تر تاثیر لاندی وه او هنه چه طبیعی شاعران او په خپلو غروکی استیدل یا ناخوانه وه په همغو خپلو ملی قواعد و سره ئی اشعار ویل او تراوسه ئی وائی .

مصنوعی ادبیات یا وروستنی زمانه : هغه اشعار دی چه د عروض او قافیی په زنزیر تړلی سوی اود عربو او عجمو او هندیو د مصنوعی ادبیاتو تر تاثیر لاندی راغلی دی ـ که څه هم په دی مصنوعی شعرکی دینی او اخلاقی مضمونونه ډیر سته مگر عاشقانه اشعار ئی تر نور و مضمونو ډیر دی او د پیدایښت سبب ئی ماپورته و وایه مگر د نهضت او ترقی سبب ئی دادی :

مغلو د دهلی تخت د پښتنو څخه ونیو او د پښتنو وبادشاهی ته ئی په دهلی کی خاتمه ورکړه نو دوی او پښتانه سره بدور ده سول او هم مغلو روز په روز تیری کاوه او غوښتل ئی چه د خپلی استعمار طلبی تنده د پښتنو په نیولو سره ماته کی .

له بلی خواه دپښتنو مشران اوپوه چه ددوی په مطلب پوهیدل غوښتل ئی چه خپل قوم و یښ کی اودمغلو په مخ کی ئی لکه د پولا دو

سوك استعمال کی اوخپل استقلال وساتی نوودی خبری ته اړ سول چه په داسی ژبه دوی په دی مطلب پوهکی چه پردوی اغیزه وکی او تاثیرولری نوهغه ژبه خو دشعر وادب ژبه وه اوددی میدان پهلوان خوخوشحال خان وچه شعرئی هم زده وعلم ر فضل ئی په فارسی اوعربی او هندی کی هم درلود ـ دده حو یو داخیال وچه دټولو ژبو د ادبیاتو ښه و ا لی اومزیت په پښتو کی ټول کی اوپښتو دفارسی (چه په دی وخت کی عروج درلود اومغلو غوښتل چه عامه سی) په مخ کی ودروی او بل ئی دا غوښتل چه دوله دول اورنګ رنګ فلسفی ، اجتماعی ، سیاسی ، عشقی اوحماسی او . . . مضامینو سره د پښتو حسیات لوړکی ـ نو عر و ضی یا په بل عبارت مصنوعی ادبیاتوته ئی نهضت ورکی اولوړی درجی ته ئی ورساوه چه نن روز دعروضی یامصنوعی ادبیاتو پلار بلل کیږی .

وروسته له خوشحال خان څخه په دی وروستنی زمانه یا مصنوعی ادبیاتو کی داسی اورژبی شعرا اوادیبان څرګند سول چه دپښتو د شعر مرتبه ئی اسمان ته ورسوله .

دپښتو دشعرا ، اودپښتو دادبیاتو مفصل بیان او نمو نی ئی خو بیل بیان دی چه دسژ کمال په دی مقاله کی زیات تر دی ځای نلری که ژوندی وم بنا ئی دا تاریخچه بشپړه کم او که نه وم یا وخت په لاس را نغی بل دپښتون ژوی به په دی لارکی زیاروباسی اوزما نیمګړی ارمانونه به سرته ورسوی او د خپلی ملی ژبی مزیت به څرګند اوتاریخ به ئی بشپړکی که خدای کول .

مآخذ او مدارك می په دی مقاله کی دا کتابونه دی .

(۱) سخندان فارس تالیف د مولینا محمد حسین آزاد
(۲) تاریخ ادبیات ایران تالیف د میرزا جلال الدین همائی
(۳) دویلهلم گیگر المانی دفقه‌اللغه رساله (۱) (۱۸۹۳ ع)
(٤) د دار مستتر کتاب (شان یو پو لیر دیز فگان
Chants populaires des afghans
(٥) د راورتی د گرامر مقدمه
Grmmar of phustu by Raverty
(٦) د هندوستان وژ بوته کتنه مؤلف ابراهام کریرسن
Linguistic survey of India
(۷) د کابل سالنامی او نمبر ۷۱ ـ ۷٦ ـ ۷۷ مجلی
(۸) د طلوع افغان د ـ دیر لسم کال کلکسیون
(۹) د جناب قیام الدینخان « خادم » زنی یاد داشتونه
(۱۰) زنی پاشلی نو ټونه د متفرقو کتابو څخه



(۱) د جناب رحمت‌الله خان لیوال (دبانك ملی ترجمان) څخه تشکر کوم چه زماسره ئی د جرمنی ژبی په ترجمه کی مرسته کړیده .
(۲) دا ه چه په سنسکرت کی معمول‌ده نه وه‌آبله « ه » چه لاندی چیه واو غواړی په کښ‌ترتیب سوه‌لوستونکی دی‌د سنسکرت ه وگڼی

مسکوکات افغانستان

قبل الاسلام

نگارش جناب احمد علی‌خان کهزاد
مدیر شعبهٔ تالیف و ترجمهٔ انجمن

این پارچه‌های فلزات طلائی ـ نقرئی ـ مسی که دست‌بدست میگردد وبنام « پول » یاد میشود اگرچه بالذات به هیچ درد نمیخورد ولی اسباب رفع تمام احتیاجات و حوایج بشری است و در عالم مادیات امروز بدرجهٔ صاحب اقتدار است که‌تمام قواهای‌دیگر راتحت الشعاع خود گرفته است . این پول که‌در حیات بشر حنین رول مهمی را بازی میکند اول بصورت‌عمومی دارای‌تاریخچهٔ مفصل وباز انواع واقسام آن در دنیا وحتی در یك مملکت ویك شهر بواسطهٔ مرور زمان بدرجهٔ زیاد است که‌تحقیق آن علم مخصوصی شده ویکدسته علمای معینی بنام « سکه شناسان » در اطراف آن مطالعه و تدقیق مینمایند .

مسکوکات برای روشن کردن و قایع گذشتهٔ تاریخی یکی از مهترین منابع موثق است وهرجائی که زبان تاریخ خاموش و از کتیبه های سنگی وغیره منابع اثری نیست بدان متمسك‌شده‌و بجائی‌رسیده‌اند . مسکوکات هردوره و هرمملکت بعلت اینکه اول یك‌چیز فلزی است وباز درنوع وزمان خود به تعداد زیاد در دسترس عموم بود با اینکه آن دوره وآن‌عصر باتمام موجودیت و اثارخود ازبین رفته باشد این پارچه های فلزی که باتمام معنی نمایندهٔ صادق آن دوره و قوم وجامعه

بوده از بین نرفته وامکان ندارد که از میان گرد وخاك وخرابه‌های آن نقطهٔ مجهول یکدانه ، دودانه پیدانشود وچون در مسکوکات تمام اعصارعوامل دینی وزبانی ـ رسم‌الخط ـ طرزلباس ـ اسم وصورت‌شاه سنه ـ محل ضرب ـ بعضی اوقات اسلحه و حیوانات و دیگر چیزها بضرب رسیده یك دانه و دو دانه سکه باز بان فصیح بسیار چیز های مهم آن دوره را معلومات میدهد وهمین که یکبار سررشته بدست آمد و یك اندازه معلومات اساسی جمع شد از روی سکه های مختلف یك پادشاه ویك شهر ویك محل وباز از روی مقایسهٔ مسکوکات مختلف چندین‌شاه تمام وقایع یك عصر طولانی را میتوان روشن ساخت . ،،

پس اگر مدققین اروپائی امروز در اطراف مسکوکات تدقیق میکنند وعلمای مخصوصی حیات خودرا در پالش وکولکسیون آنهاصرف مینمایند حق دارند ، زحمت انها بهدر نمیرود ، سکوکات در حقیقت اوراق فلزی کتاب تاریخی است که شیرازه آن از هم گسیخته و سر سر حوادث روزگار انها رابهر طرف پریشان ساخته است . برای اینکه این کتاب‌مطالعه و ازان استفاده شود اول در جمع آوری وترتیب اوراق ان باید زحمت کشید .

پول چه وقت به میان آمد ؟ — سکه چه وقت اختراع شد ؟ علت‌ظهوران چه‌بود ؟ جواب این مسائل وامثال آن‌باما تب تدریجی تکامل بشر همدوش است و انسان تازمانی‌که بحالت انفرادی می‌زیست چون احتیاجات ابتدائی خود را خودش رفع میکرد ، وموضوع کك اجتماعی در میان نبود بناء علیه پول هم‌که اسباب وواسطه‌تحصیل کك

غیر است وجودنداشته بعد ازینکه انسان وارد مرحلهٔ حیات اجتماعی شد وضعیت تغیر کرد ، احتیاجات زیاد شد وچون یکنفر به تنهائی تمام احتیاجات خود را رفع نمیتوانست مجبور شد که یك حصه حوائج حیاتیه خود را ذریعه دیگران فراهم کند . این وضعیت باعث شد که «عامل» یا « واسطهٔ » پیدا شود که ذریعه ان « کمك دیگران » بدست آید . بهاساس همین نظریه قبل ازظهور «پول» درتمام ممالك روی زمین « کمك دیگران » یا « ماحصل زحمت دیگران» بهجنس حاصل میشد یعنی جنس بهجنس تبدیل میگردید چنانچه وحشیان اوقانوسیه وامریکای شمالی وافریقا هنوزهم مابه الاحتیاج خودرا بهجنس میخرندوجنس را بهجنس تبدیل میکنند.

قرار تحقیقاتیکه نموده اند بعدازین مرحلهٔ ابتدائی درممالك اسیای غربی واراضی کنارسواحل بحرالروم که افغانستان وهند هم جزء آن باشد خریداشیا بیشتر باتبادلهٔ حیوانات بعمل می آمدچنانچه یادگار این معامله هنوز دربعضی السنه آریائی مانده و ازروی کلمهٔ پول(Pecunia پکونیا) درزبان لاتین ، (fee یا ieh ۱ فه یافیه) درجرمنی ، (رو پیه) در سانسکریت که همه دراوائل بهمعنی (حیوان) بود حقیقت این نظریه معلوم میشود .

اهالی ممالکیکه بهساحل دریاقریب بودند (پارچه‌های نمك) و (صدف دریائی) را بهسائراشیاتبدیل میکردند چنانچه قبل ازعهدمسیح این صدف بهنام (Cypraea سیپرآ)و(Couris کوریس) درشرق اقصی خیلی رواج داشت ودربعضی نقاط افریقا هنوزهم ازبین نرفته است .

وقتیکه فلزات وارد میدان مبادله شد قبل ازینکه برنگ سکهٔ حقیقی درآیند مراتب مختلف را پیمو ده اند .

درمصر درعصر فراعنه که سکه وجود نداشت تمام فلزات ازقبیل طلا الکترم ـ نقره ـ مس ـ سرب و آهن درمبادله استعمال میشد چنانچه تصاویر مصری پارچه‌های فلزات رابصورت طبیعی طوریکه ازمعدن می‌برامد یا بشکل گرد درخریطه‌های کوچك ، یابصورت پارچه وخشت ومیله وغیره اشکالی که عملیات ذوب به‌آن میداد نشان میدهد وفلز هر شکلی که داشت معیارآن ازروی وزن باترازوی کوچکی سنجیده میشد و چون برای خریداری یك‌چیز هردفعه مجبور میشدند که برابر ارزش آن چیز فلز بدهند گنج‌های آنرامیساویدند ومی بریدند وآخراشکال این کار ایشانرا مجبور کرد که مقطوعه‌های فلزی به‌اوزان معین بسازند .

پسان‌ترمصری‌ها حلقه‌های فلزی ازطلا و نقره ایجادکردند که آنرا « Outen » اوتن میگویند ویك‌دانه‌آن به‌ده « Kat » کت تقسیم‌میشود ووزن یکدانه‌آن ۷۲ ر ۵ گرام‌بود این حلقه‌ها بعبارت دیگر نخستین « سکه‌حلقه‌ئی » مدوری بود .

همچنان کلدانی هاوعیلا می‌هاهم این‌مراتب را پیموده و به‌تدریج آنهاهم‌دارای پول‌های حلقه‌ئی شده اند. اهالی کلده وعیلام درمیان اسیائی‌ها ازهمه اول ترفلزات را شناخته اند واحد فلزی آنها که کار سکه‌را میداد (مین mine) نام‌داشت وآن‌دونوع بود «مین بزرگ و«مین کوچك» اولی ۱۰۱۰ گرام و دومی نصف آن ۵۰۵ گرام وزن داشت و به اصول ۶ در۶ به ۶۰ سیکل sicle خورد وکلان تقسیم میشد .

مسکوکات‌حلقه‌ئی که اول درمصروبعد نزد کلدانی هاوعیلامیها رواج یافته بود اگرچه دارای علائم اعتبار ضمانت نبود معذالك‌چون

کارسکه رامیداد گفته میتوانیم که نوع خودش قدیم‌ترین پولی بود که انسان درسواحل بحرالروم اسیای غربی می شناخت حتماً اهالی قدیم افغانستان ماهم این نوع مسکوکات داشتند .

تا گفته نماند که نزد تمام ملل مذکوره معیار تبادله فلزات بهمین اساس روی کار بیامده است بلکه اوائل آن در بعضی جاها طور دیگر هم بوده و اوائل قضیه مسکوکات آنها به مبادلهٔ اشیا واوزار فلزی شروع شده است چنانچه در شرق افغانستان درمملکت پهنا ورچین واحد معیار مبادله (کارد) و در امریکا (تبر نقره بود .)

از سکوکات حلقه ئی که فوقا منذکر شدیم حین حفریات اسیای غربی بسیار پیدا شده چنانچه « دو مرگان » سکه شناس معروف و فقید فرانسه در ۱۸۸۹ ازقبرستان قدیم ارمنستان روس به تعداد زیاد کشف کرده وقرارگفتهٔ خودش جون فلز حلقه‌های مذکور از آسوری آمده تقسیمات خورد و کلان آنهم ازنقطهٔ نظر وزن به اصول همان مملکت شده است . هکذا ازین قبیل مسکوکات چه طلا وچه نقره وچه مس از تهداب معابد سوز هم بسیار بدست آمده و قراریکه « موسیو موریس بزارو » ۷۷ حلقه طلارا وزن نموده وزن آنها ازیکدیگر مختلف واختلاف آن بین ۶۵ گرام و ۴٫۵۰ گرام تفاوت میکند . این مسکوکات بشکل انگشتری میباشد که حلقهٔ آن بسته نشده و قطر آن ۱۵ میلیمتر میباشد .

پس گفته میتوانیم که نزد [illegible] تصوری که تاریخ این معابد را به آن نسبت میدهند در سوز و اراضی قفقاز یعنی نقاط

غربی اسیا فلزات بصورت حلقه در آورده شده بود تا داد و ستد و مبادلهٔ آن با اجناس آسان باشد ولی هنوزهم کار پول را نداده‌رول جنس را بازی میکرد بصورت جنس تبادله میشد .

بعد حون دامنهٔ زندگانی اجتماعی وسعت پیدا کرد و با آن دایره احتیاجات هم وسیع تر گردید معاملات مبادله و خرید و فروش بیشتر گردیده تجارت هم روی کار آمد ودر نتیجه، دست بدست گردیدن فلزات هم بیشتر شد. درین وقت برای اینکه از تقلب جلوگیری بعمل آمده باشد و تقلب نه از نقطهٔ نظر وزن بلکه از لحاظ معیار صاف فلز جلوگیری شود قواهای اجتماعیه آنوقت ویا سودا گر خانه‌ها بفکر افتادند تا پارچهٔ فلز را نشانی کنند چنانچه با قلم و چکش وسندان فلزات مقطوعه را نشانی میکردند تا نزد عوام از نقطهٔ نظر وزن و خصوصا صاف فلز اعتبار داشته باشد و این مرحلهٔ اولی ظهورمسکوکات است که در قرن هفت ق م مصادف میباشد .

اختراع فلزات‌مقطوعه نشانی شده را برخی به اهالی شهر (سارد Sarde) پایتخت (لیدی Lydie) مملکت قدیم اسیای صغیر و بعضی به ساکنین یونانی جزیرهٔ (اژین Egine) که در خلیج «اژین» واقع است نسبت میدهند ولی چون اهالی «لیدی» قدیم تجار اند و در تجارت از همه پیش قدم میباشند با لعموم اختراع فلزات مقطوعه نشانی شده را به ایشان نسبت میدهند ومیگویند که (ژی جس Gyges) موسس خانواده سلطنتی (مرم نادMermnades) قرن ۸ ق م کسی است که قدیم ترین فلزات مقطوعه نشانی‌شده را بمیان آورده است .

که وزن آن ها از ۱۰۸۲۰ تا ۱۴۲۵۵ گرام فرق میکند و برطبق «استاترس «Stateres» بابلی ها و فنیقی ها تقسیمات دارد .

این مسکوکات مقطوعه ازروی شکل ، غیرمنظم ومختلف وعموماً مایل به گردی و لوزی است . یکطرف آن عموماً رده رده علائم ضرب روی سندان و طرف دیگر آن نشانی هائی که با قلم و چکش نموده اند معلوم میشود . بعضی های دیگر یکطرفش چقور و غیر منظم و طرف دیگر ان دو رو باهم بحال دوش معلوم میشود .

در عصر کروروس «Croesus» پادشاه دیگر «لیدی» که بین ۵۵۴-۵۶۸ ق م سلطنت نموده سکه یکقدم دیگر پیش گذاشته و دارای خواص صنعتی گردید چنانچه روی راسته فلز مقطوعه نیم مقابل بدن شیر و گاو رو بروی هم وطرف دیگر دوم مربع چقور معلوم میشود .

اگر چه هخا منشی ها بعد از فتح اسیای صغیر سکه را شناختند معذالك در زمانه هائی که مقارن باولین تصادف آنها با غرب اسیا بود خود شان سکه نزدند قرار گفته «هرودت» داریوش اول پسر «هشتاسپ» درمیان ایشان سکه رارواج داد .

چون روابط تجارتی یونانی ها با سواحل اسیائی خصوصا بالیدی های اسیای صغیر مخترع او لین فلزات مقطوعه نشانی نشده زیاد بود این عمل در زمان انها هم رواج یافت وچون قوم تجارت پیشه بودند به دادوستد احتیاج زیاد داشتند قبل از هخامنشی ها بضرب فلزات پرداختند و هر ولایت و شهر یونان به حساب و او زان خود سکه هائی بمیان آورد و چون هخامنشی ها که درین وقت در غرب اسیا حاکیت

داشتند به پول و سکه توجه نکردند در بابل و سائر قسمت های اسیا همان پارچه های مقطوعه فلزات ماند و یونان دارای مسکوکات شد . بعد سائر ممالك سواحل اسیائی هم شروع به ضرب مسکوکات نمودند و هخامنشی ها هم به تقلید دیگر ها داخل این کار شدند . فراریکه F.Lénotmant « لنورمانت » درکتاب (مسکوکات در عصر قدیم جلد ۲ صفحهٔ سوم) میگوید داریوش اول ضرب طلارا برای خود اختصاص داده وباقی نایب الحکومه‌ها وشهرها را اجازه نداده بود که نقره ومس سکه زنند اما «دومورگان» سکه شناس فرانسوی قول او را صحیح نمیداند و میگوید که نایب الحکومه ها و شهر ها در انتخاب فلزمسکوکات خود آزاد بودند .

سکه شاهی عصر هخامنشی سکه بود طلائی موسوم به (دادیك) که ۸٫۴۲ گرام وزن داشت و از روی وزن برابر نصف سکه شهر (فوسه Phocée) اسیای صغیر بود زیرا سکه شهر اخیرالذکر ۱۶٫۸۴ گرام وزن داشت سکه‌نقره‌ئی هخامنشی موسوم‌به « سیکل sicle» ۵٫۶۰ گرام وزن‌داشت . درزمان‌داریوش‌سوم«داریك» مضاعف طلا بوزن ۱۶٫۶۵ گرام هم‌برامد . یونانی‌ها عموماً آنهائی که محکوم هخامنشی ها بودند و یا نبودند « الکترم » یعنی‌فلزی را که ازسه حصه طلا ویکحصه نقره مرکب‌بود ضرب میزدند . خود هخامنشی‌ها گاهی مفرغ سکه نزده‌اند .

« دادیك » و « سیکل » شاهی هخامنشی ها مانند سکه های قدیم یونان مدور بود . بطرف روی سکه شاه به زانو نشسته بجاش

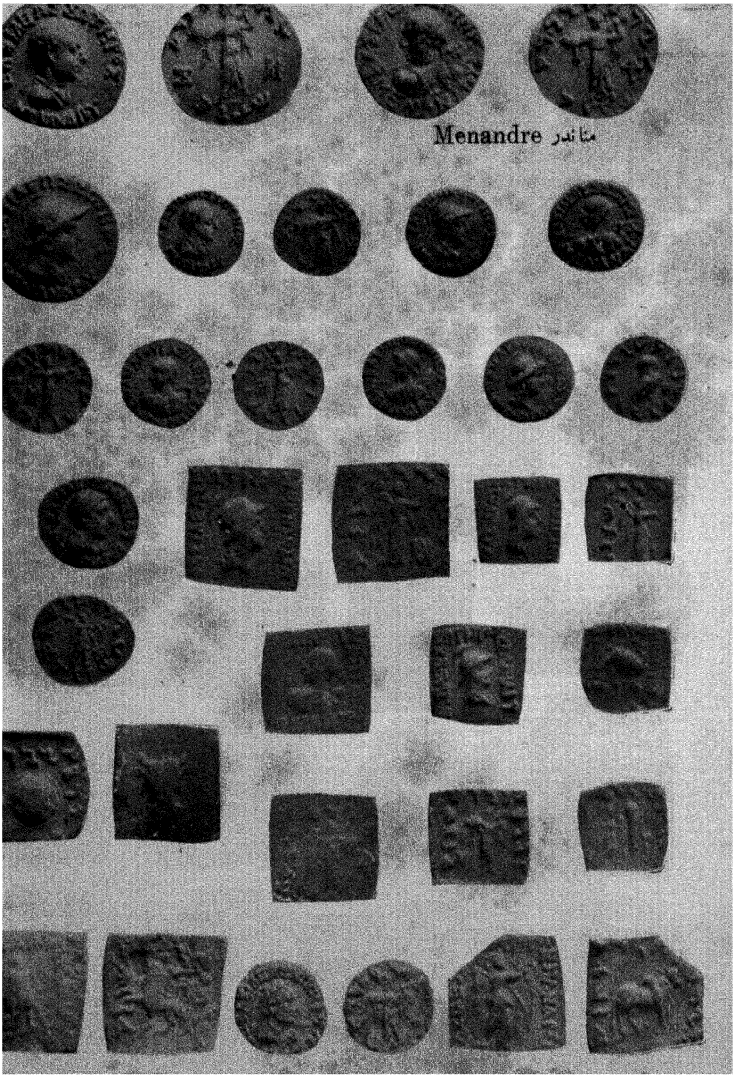
Menandre مناندر

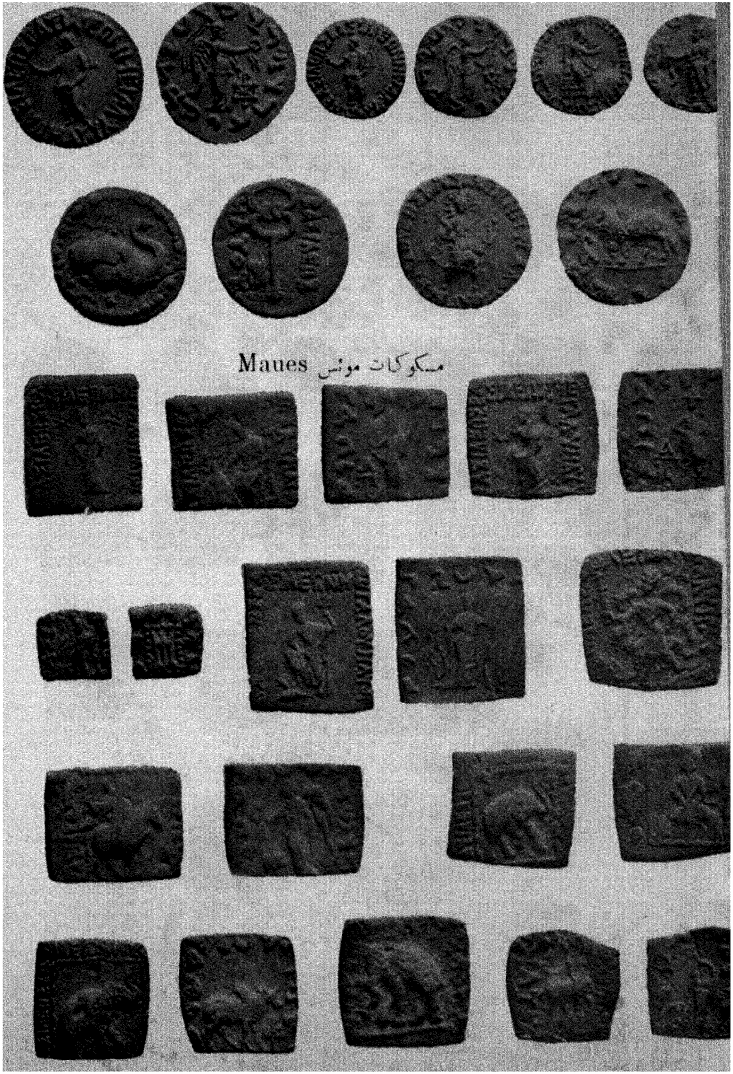

مسکوکات موئس Maues

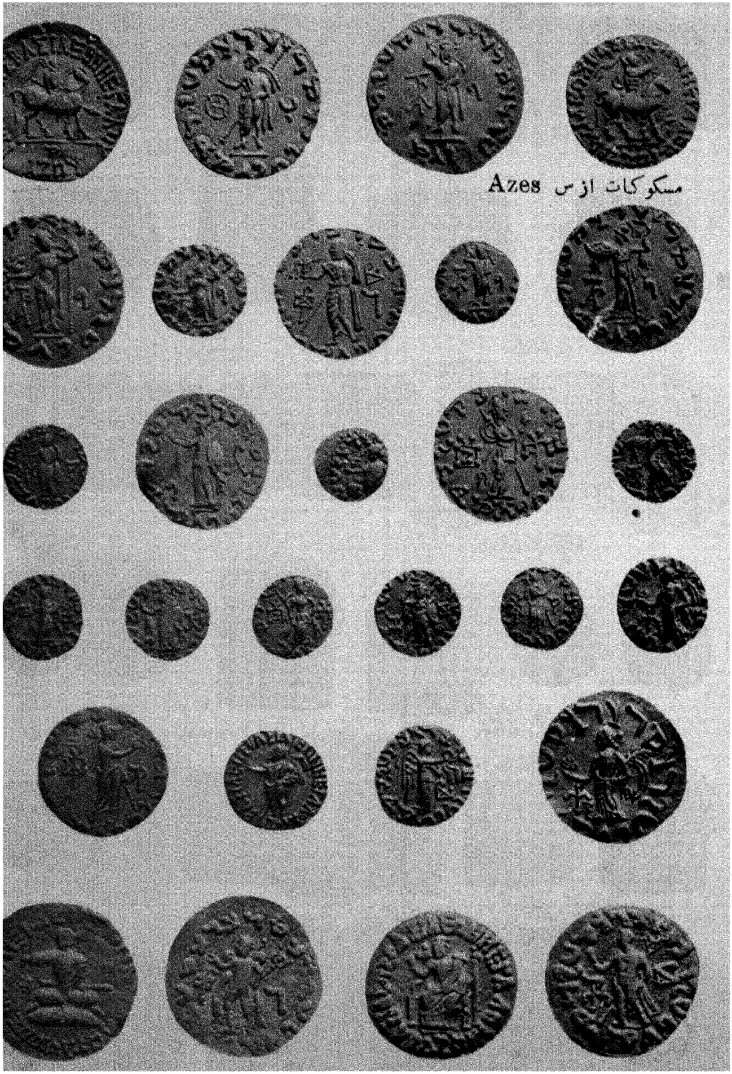

مسکوکات ازس Azes

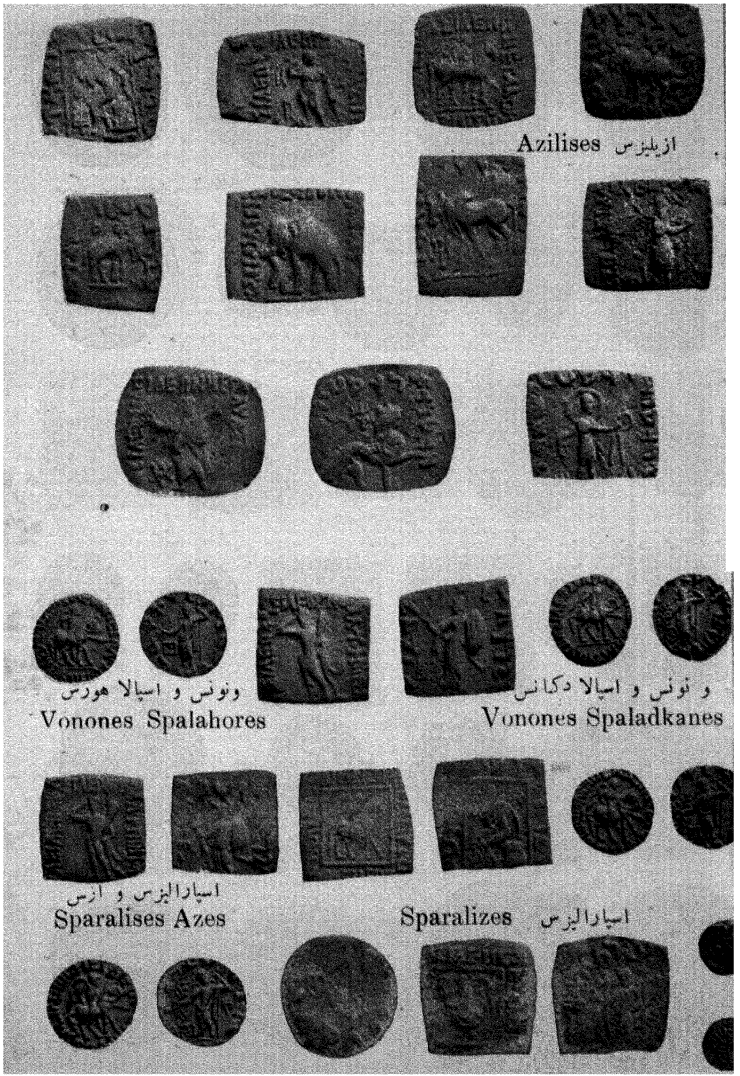
Azilises ازیلیزس
ونونس و اسپالا هورس
Vonones Spalahores
و نونس و اسپالا دکانس
Vonones Spaladkanes
اسپارالیزس و ازس
Sparalises Azes
Sparalizes اسپارالیزس

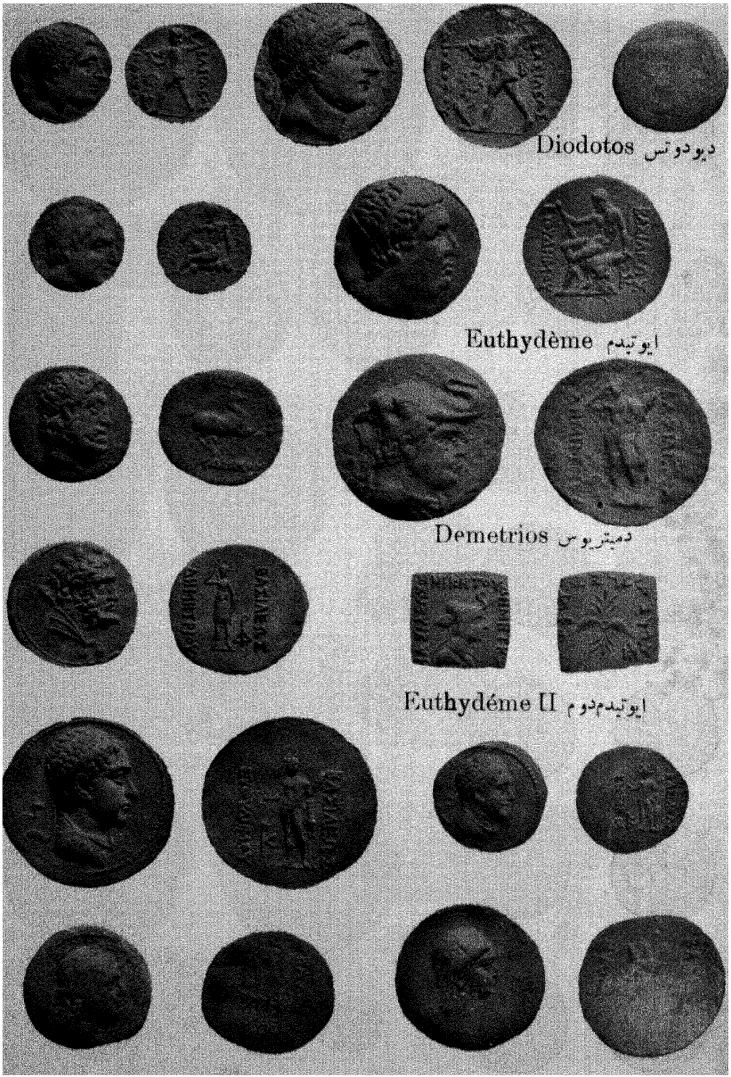
Diodotos دیودوتس
Euthydème ایوتیدم
Demetrios دمتریوس
Euthydéme II ایوتیدم‌دوم

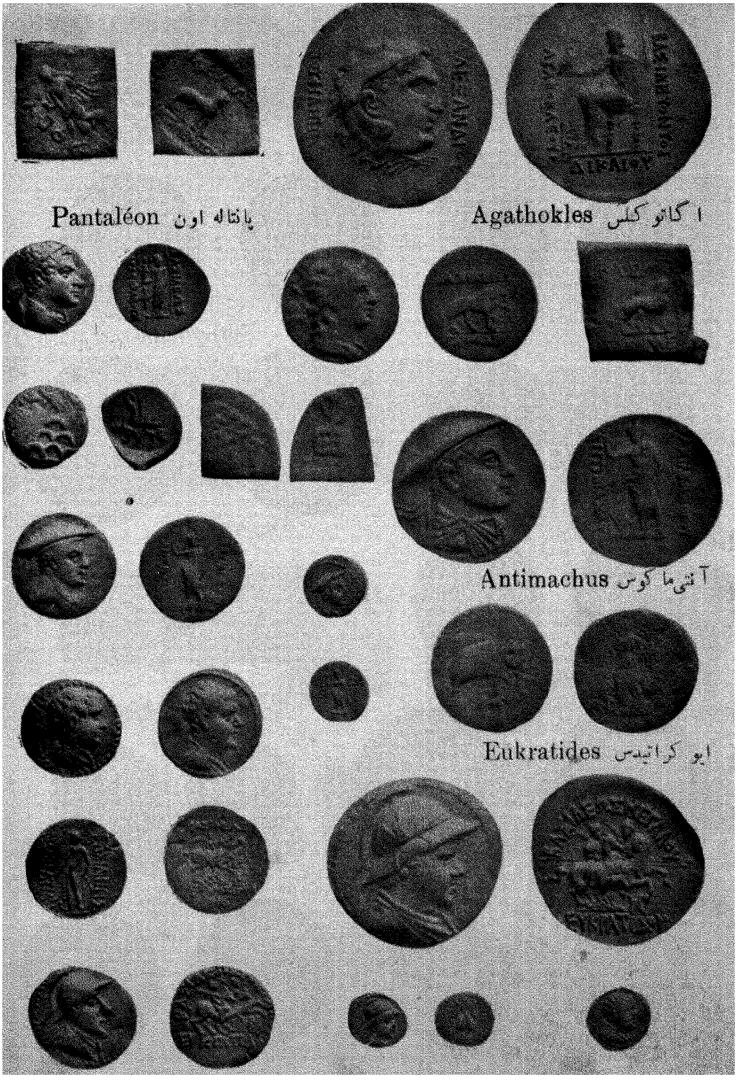
Pantaléon پانتاله اون
Agathokles اگاتو کلس
Antimachus آنتی ما کوس
Eukratides ایو کراتیدس

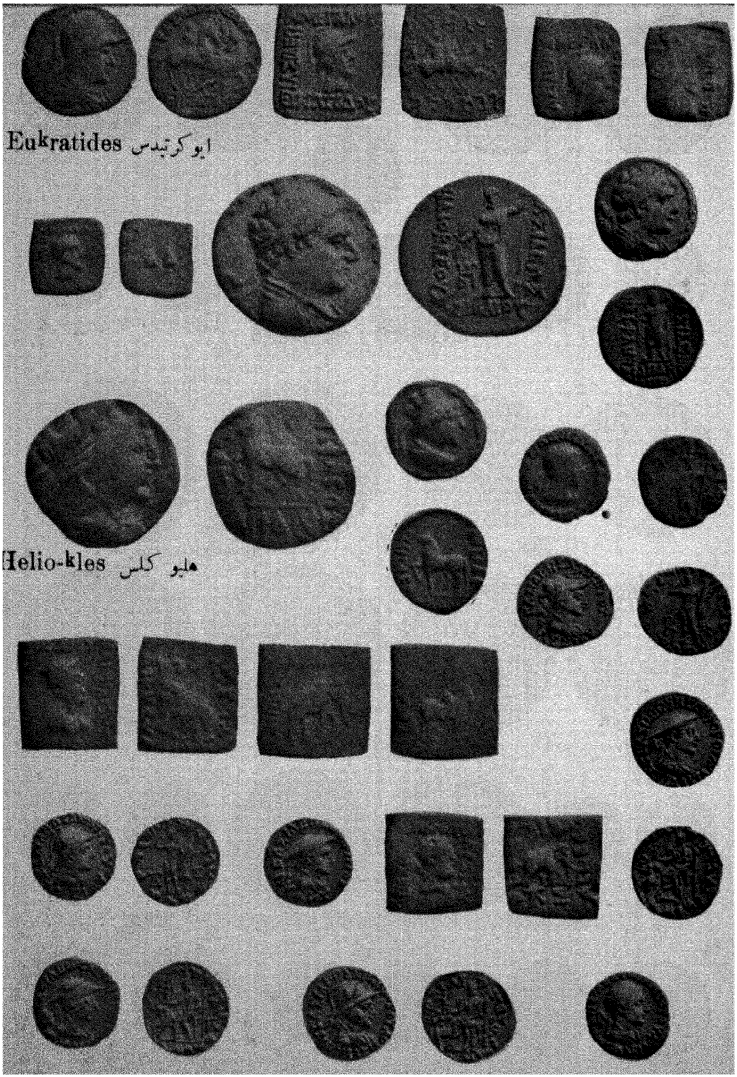
Eukratides ایوکرتیدس
Helio-kles هلیو کلس

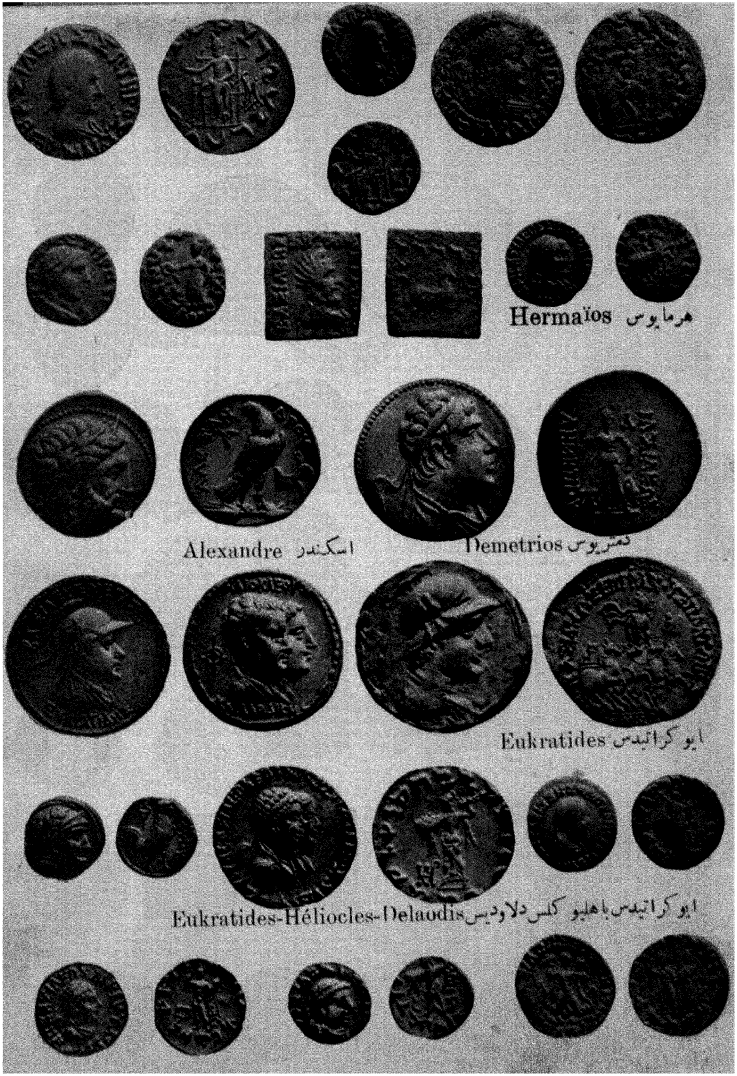
Hermaïos هرمايوس
Alexandre اسكندر
Demetrios ديمتريوس
Eukratides ايوكراتيدس
Eukratides-Héliocles-Delaodis ايوكراتيدس باهليوكلس دلاوديس

(کندل Candyle) و بسرش (سیدارس Cidaris) بکنوع کلاه گرد دانه دار است . در دست چپش کمان و در دست راستش نیزه ـ خنجر یا تیر میباشد . پشت سکه تازمان داریوش سوم حزی نداشت جز سوراخی که در وقت ضرب روی سندان میداده میشد در زمان داریوش سوم به پشت سکه هم اشکال ساده از قبیل دو ماه نو پشت به پشت ، خطوط مواج و غیره ظهور کرد . این مسکوکات نوشته ندارد فقط بعضی بطرف روی سکه دارای علامه ضرب یا حرف دیگری است که تاحال خوانده نشده .

* * *

حالا که مبدء ظهور سکه ومراتب تدریجی آن درغرب آسیا بملاحظه رسید میخواهیم ببینیم که مسکوکات در شرق افغانستان در سر زمین سری هند حضور بود وچه مراتبی را طی کرده است . هندی ها مانند حبشائی و اکثر ممالک دیگر آسیائی در تمام اعصار قبل التاریخ حتما صدف دریائی را در مبادله اجناس و معاملات خرید و فروش خود استعمال نموده اند وچون بعدها درشرق اقصی استعمال صدف و فلز در یک عصر هم رواج داشت میشود معیار ارزش این صدف‌ها یا پول های اولیهٔ هند را تعین نمود . « کوری » خورد ترین واحد پول هند بود بعدگند ganda معادل چهار « کوری » و بالا تر « پانا Pana » ۲۰ گندا یا ۸۰ کوری میشد که ازروی وزن با ۳۳۰ ر ۹ گرام تعادل داشت . ازین چیزها بالا تر « تنکه Tangka یا « انا ana » می آمد که مساوی چهار « پانا » میشد و اخر « کرشه karsa » واحد عالی بود که یکدانهٔ آن مساوی ٤ تنکه و معادل ۲۸۰ ر ۱٤۹ گرام مس و ۳ر٦۲۸ گرام نقره میشد .

با این حساب‌ها چیز عجیبی که یافته اند این است که سکه « کرشه » نقره‌ئی هندی از روی وزن کاملا مساوی سکه « سیکل » فنیقی‌ها است و به اساس این نظریه مورخین میگویند که سکه فنیقی‌ها یا ذریعهٔ خودشان یا ذریعهٔ ملاحان عرب که برای تجارت به هند می آمد درین سر زمین وارد شده و بعدها نفوذ مقدونیه با اسکندر سرایت کرده است.

قدیمترین سکه هندی که نقرئی و مسی است بشکل فلزات مقطوعه نشانی شده است اما ازین نشانی ها به هیچ صورت محل ضرب و ضرب زننده آن معلوم نمیشود. تقریبا معاصر همین زمان در هند سکه های مفرغ ریخته شده هم به میان آمده. بعضی سکه شناسان اوائل سکه هند را به هزار سال ق م بلند میبرند اما « دو مرگان » در کتاب مسکوکات شرق جلد دوم صفحه ۳٤٤ میگوید که این نظریه مبالغه کارانه است و احتمال دارد که اوائل مسکوکات این سرزمین در حوالی قرن ٥ یا ٦ ق م شروع شده باشد. دو مرگان این را هم میگوید که این هم معلوم نیست که آیا اختراع سکه در هند بومی است یا از خارج وارد شده اگر از خارج گرفته شده باشد اثرات نفوذ هخا منشی، فنیقی یونانی در آنجا سرایت کرده است.

خلاصه این مسکوکات بی نام و نشان یا طوریکه درقسمت اول مطالعات خود تعریف نمودیم این مقطوعات فلزی نشانی شده در تمام خاك هند رواج داشت و اشکال آن عموما مربع و مستطیل و نشانی که میکردند علی الخصوص در روی سکه بوده و طرف دیگر آن لشم بود و قرار مطالعاتی که نموده اند ازین نشانی‌ها ۳۰۰ رقم مختلف در هند یافت شده.

حالا که تاریخچهٔ عمومی ظهور مسکوکات به اندازه کافی شرح یافت میخواهیم چند سطر در رشته عمومیات راجع به افغانستان هم گفته بعد بصورت خصوصی تغیرات مراتب مسکوکات را در مملکت خود شرح دهیم.

طبیعی است که در افغانستان ما هم مبادلهٔ اشیا اول بصورت جنس شروع شده و بعد طوریکه در آسیای غربی اجناس بیشتر به حیوانات مبادله میشد درافغانستان هم حتما این معامله رواج داشت چنانچه هنوز از نورستان بعضی چیز ها را به « گاو » میخرند . همینطور مبادله اشیا با صدف هم در افغانستان دورهٔ داشته و گفته میتوانیم که این دوره درمملکت ما طولانی تر بوده چنانچه تاهمین یك قرن قبل هم به یاد بود همان معامله ها « کودی ها » را دربازار میگرفتند وهنوزهم درمواد بی اهمیتی یك چیز میگویند که به « یك کودی نمی ارزد » سپس فلزات مقطوعه نقره ومفرغ هم مراتب خود را پیمود چنانچه اخیراً از کول چمن حضوری ازپای تپه مرنجان مسکوکات زیادی یافت شده که نوشته ندارد ومحض دارای نشانی ها وعلائم مخصوصه میباشد وحتماً بخیال من درجمله مقطوعات فلزی نشانی شده حساب میشوند .

* * *

وضعیت مسکوکات در ممالك آسیائی بهمین منوال بود که لشکر کشی های اسکندر شروع شد. فتوحات اسکندر در اوائل به مسکوکات دول مفتوحه چندان اثر نکرد بلکه برعکس مسکوکات فاتح یونانی

زیرنفوذ شرق آمد چنانچه دربعضی سکه های اسکندر حرف اول نام محلی که درانجا به ضرب رسیده به رسم الخط فنیقی تحریراست. علاوه برین درچهارسکه که اسکندر رو شهر هیرا پولیس Hierapolys یا (بام بایس Bambye شهری بود درشام) بضرب رسانیده نام او به رسم الخط سامی نوشته شده است . همین طورچندی دیگر هم مسکوکات یونانی تحت نفوذ سکه های شرق بود چنانچه در مدت ۲۵ سالیکه ازسقوط امپرا طوری هخامنشی تازمان مرگ اسکندر میگذرد مسکوکات یونانی ها به سبك و رویه هخامنشی بضرب میرسید .

بعد از مرگ اسکندر چون حصه بزرگ آسیای غربی بدست سلوسیدها افتاد ایشان مسکوکات خود را به رویه مخصوص یونانی در آوردند لیکن هنوز هم دربعض سکه ها مثل مسکوکاتی که در منطقه فنیسی Phenicie (کنارسواحل غربی شام) بضرب رسیده هنوز نام کنار خانه ضرب به رسم الخط سامی نوشته شده است لیکن پسان تر آخرین اثرشرق هم ازمسکوکات یونانی ها زایل شده و باسلاطین یونانی خاندان سلوسید شامی مسکوکات کاملا یونانی بمیان آمد چون ایشان خود را به تنهائی وارث اراضی مفتوحه اسکندر درآسیا تصور میکردند مسکوکات ایشان درایران وافغانستان کم وبیش شیوع داشت و درعین زمان بامداخلت خاندان موریای هندی وپیش قدمی آنها در افغانستان جنوبی مسکوکات شاهان این سلسله هم درجنوب هندوکوه انتشار یافت همین طور این وضعیت پراگندگی تاوقتی دوام داشت که درحوالی ۲۵۰ ق م سلطنت مستقل یونانی دربختر و متعاقبا سلطنت دیگری درپارتیا بمیان آمد . اگرچه مسکوکات « ارسا سیدهای » پارتی هم

در افغانستان بکثرت یافت میشود و موسس این خانوادهٔ سلطنتی هم باختری است لیکن چون معاصرشان شاهان یونانی باختری مستقیم تر جزو تاریخ قبل الاسلام افغانستان است چندکلمه راجع به مسکوکات « ارساسید » گفته بذکر مسکوکات یونانی‌های باختری میپردازیم .

ارساسید های پارتی فقط نقره ومس سکه زده اند وپولی طلائی از آنها دیده نشده سکه های نقره ئی آنها مدوروکلان وخورد است ومسکوکات مفرغ آنها در زمان « مهردا » اول و جانشینان او خورد ترشد . روی مسکوکات خاندان « ارساسید » عموما نوشته ندارد ونوشتهٔ آن بطرف پشت سکه است ومضمون آن عموماً طوری تحریر شده که شکل مربعی بخود میگیرد . سنه این مسکوکات از روی عهد سلوسیدها که مبدء آن سال ۳۱۲ ق م میباشد حساب شده . پشت مسکوکات آنها خیلی مختلف است وعموما شخصی را نمایش میدهد که بالای تخت نشسته ، به سرش گوش پوشك مخروطی ودر دست راست کمانی را گرفته است این شخص در پشت تقریبا تمام مسکوکات خورد وکلان نقره ئی ودربعضی مسکوکات مفرغ هم دیده میشود . روی هم رفته شاهان ارساسید از روی سکوکات سلوسیدهای شام تقلید نموده اند مضمون ضرب و سنهٔ ان طور یکه بالا گفتیم بطرف پشت سکه است و نام بادشاه عموما نوشته نیست و این بزرگترین اشکالی است که در تعین مسکوکات شاهان مختلف این سلسله بمیان می آید .

❀❀❀

بعداز فتوحات اسکندر و ادعای سلوسیدهای شامی و تجاوزهای خاندان موریا هندی بهترین مسکوکات افغانستان بعد از ۲۵۰ در اثر تشکیل سلطنت مستقل باختری بمیان می آید . درین وقت چون

افغانستان یکطرف ازقلمرو امپراطوری یونانی سلوسیدهای شام مجزا شد و از طرف دیگر تجاوز خاندان موریا عقب نشست با سلا طین یو نانی با ختری که در شمال و جنوب هندو کوه سلطنت نموده اند مسکوکات افغانستانی ضرب(باختر) و (کا پیسیا) رائج شد .

این مسکوکات قطع نظر از ینکه باختری و کاپسیائی است و تعریف انرا از ین‌جهت نمیکنیم که در سر زمین وطن ما بضرب‌رسیده بلکه همه سکه شناسان همقو ل و معترف اند که در نفاست نقو ش و اشکال ورسم الخط و تمام جهات ضرب در دنیای قدیم نظیر نداشت چنانچه باز یبائی خود حتی‌امروز هم از بهترین سکه های ممالك متمد نه خوب تر ، قشنگ تر و با دوام تر اند وهر یك از مسکوکات شاهان یونانی باختری‌خصوص مسکوکات « اوتیدموس » و « ایو کراتیدس» مانند مدال های زیبائی است که دیگر نظیر آن بمیان نخواهد آمد.

یونانی هائی که در باختر سلطنت مستقل‌تاسیس‌نمودندا بتدادر ضرب مسکوکات خود تنها زبان یونانی را استعمال می‌نمودند چنانچه این نظریه عموما در مورد آن شاهانی حقیقت دارد که در شمال هندو کوه سلطنت‌نموده اند ولی‌چون‌زبان یونانی را کس نمی‌فهمید دیری نمیگذرد که مجبور شده زبان بومی « پرا کریت » ورسم الخط « خروشتی» را که قسمی از رسم الخط (ارامی) بود و قرار عقیدهٔ مستشر قین ازعصر هخامنشی به‌بعد درافغانستان رواج داشت در پشت مسکوکات خود استعما ل میکنند ا گر چه « ایو کراتیدس» شاه یو نانی باختر اولین کسی است که درمسکوکات خود دو زبان ودو رسم الخط را

استعمال کرده لیکن این‌رویه بیشتر نزد ان‌طبقهٔ شاهان یونانی افغانستان معمول بود که ظهور اسکائی‌هاایشان‌را بجنوب هندو کوه محدود ساخته وعموما مسکوکات آنهابه (کاپیسیا) به ضرب رسیده‌است و قراریکه از شهادت مسکوکات معلوم میشود زبان و رسم الخط یونانی همیشه به روی سکه وعین ترجمه آن به زبان پراکریت و رسم‌الخط خروشتی بطرف پشت آن تحریر میباشد .

یونانی ها عموما چه درباختر وچه در کاپیسا بطرف روی سکه تصویر خود و در طرف چپه آن ارباب النوع یونانی مثل : - زوس هراکلس - پالاس - ارتمیس - اپلو - پوزیدون - وغیره‌را به‌وضعیت های مختلف ضرب میزدند . اما آنهائیکه محض در جنوب هندو کوه سلطنت‌نموده‌اند بعلاوهٔ اینکه‌زبان و رسم‌الخط یونانی درپشت مسکوکات شان عمومیت دارد بعضی اوقات تصاویر ارباب النوع محلی را نیز در مسکوکات خود بضرب رسانیده اند چنانچه . قرار نظریه « موسیو فوشه » بعضی‌مسکوکات « ایوکراتیدس » که در شهر کاپیسیا ضرب زده‌شده رب‌النوع مخصوص‌این‌شهررا نشان‌میدهد

بهرحال‌یونانی‌های جنوب هندوکوه تازمان‌هرمایوس (٥٤ — ٥٠م) اخرین شاه یونانی کابل زمین زبان پراکریت‌ورسم الخط خروشتی‌را درچپه مسکوکات استعمال نموده اند وحتی‌اگر به‌مسکوکات اتکا شود دراواخر ازنقطه نظردین ولباس وزبان ورسم‌الخط بیش ازبیش تحت اثرات ، محیط وممکنت ماواقع شده بودند چنانچه بعضی مسکوکات. « ماندر » وحتی«دمتریوس » شاهد این‌مدعااست‌شاهان‌یونانی‌جنوب هندوکوه سر اسر نقره‌ومس‌سکه زده‌اند .

بعدازیونانی‌ها درزمان تهاجم اسکائی ها و شاهان ایشان یا « هندو یست » وپهلو اها یا « هندو پارت » مسکوکات افغانستان سراسر نقره ئی ومسی است وضرب آن از نقطهٔ نظر سبك زبان، اربب النوع وغیره تقلیدی بود یعنی چیز نوی ارخود نداشت بلکه ازروی مسکوکات شاهان یونانی باختری که درافغانستان به‌تعداد زیاد موجود است تقلید میشد . بوشه این مسکوکات مانند عصر یونانی های جنوب هندوکوه یونانی برروی سکه وپراکریت به‌رسم الخط خروشتی به‌پشت آن بود . اسکائی هائی که بعد از فتح باختر از راه سیستان وارا کوزی مساوی قندهار به‌حوضه اندوس مساوی سندفرود آمده اند ودرپنجاب وحصه مشرقی افغانستان حکمفرمائی کرده اند هم به دو زبان سکه زده اند همین طوریهلواهای سیستان وقندهار ، که موسس خانواده شاهی آنها « ونونس » راتصور میکنند برعلاوه زبان یونانی درروی سکه پراکریت را به‌رسم الخط خروشتی به‌طرف چپه مسکوکات خود استعمال نموده اند ازین ملاحظات معلوم میشود که درزمانه های قبل الاسلام مدت مدیدی زبان « پراکریت » و رسم الخط خروشتی که انرا رسم الخط « باختری » یا « آریو — باختری » هم گویند تقریباً در تمام افغانستان وپنجاب معمول بود والازبان ورسم الخط بومی گفته درمسکوکات استعمال نمیشود

کوشانی هائی که آخرین عناصر یونانیت را ازجنوب هندوکوه میبر دارند هم از نقطهٔ نظر مسکوکات چیز تازه بمیان نیاوردند بلکه سراسر تقلید مسکوکاتی را نمودند که حین ورودشان درافغانستان معمول ومروج بود چنانچه « کجولا کدفیزس » که « هرمایوس »

(مضمون ذیل بعد از سطر ۱۳ کلمهٔ آفتاب «صفحهٔ ۳۱۷» خوانده شود)

ما او ـ ماه و ارباب انواع هندی مثل : ـ « شیوا » ، « نانا » و غیره میگیرد « دی کد فیزس » مس و طلا سکه زده و عموما بطرف راسته سکه بلباس کوشانی ایستاده معلوم میشود . بطرف چپه سکهٔ او بلا استثنا شکل « شیوا » بضرب رسیده است « و یما کد فیزس » در مسکوکات عناوین مجلل و با شکوه اختیار نموده و خود را : ـ شاه کبیر ـ شهنشاه ـ با وار دینا ـ پیر و شیوا خوانده است .

تصویر « کنیشکا » درمسکوکات شبیهٔ تصویر ایستاده ویما کدفیزس است و دور صورت او عموما هالهٔ نور دیده میشود . در سکه های کوچك طلا بصورت نیم تنه یاربع تنه نمایش یافته . درچهٔ مسکوکات « کنیشکا » تمام ارباب انواع یونانی ـ باختری ـ هندی دیده میشود .

« هوویشکا » سکه های طلائی بیشتر دارد در بعضی فقط سراو در بعضی های دیگر مناصفهٔ بدن او نمایش یافته است . در سکه های مسی یا برفیل سوار است یا بالای تختی دراز کشیده و یا بوضعیت چهارزانو معلوم میشود . بعد از « واسودوا » قوای خارجی کوشانی ضعیف شده و قلمرو آنها به اراضی دره کابل و گندها را محدود میگردد و مسکوکاتی که بنام « کانیشکو » و « وازو » دارند متعلق به همین عصر انحطاط آنها است .

بعد از تهاجم هیا طله و سقوط آنها کوشانی هائی که به کوهای چترال بالا رفته بودند به وادی کابل فرود آمده چند نفری ازایشان به سلطنت رسیده که بنام کوشانی های خورد موسوم اند و ایشان را معمولا (پنکی) هم میگویند مسکوکات آنها عموما

یونانی وآخرین عناصرهلینزم را ازصفحات جنوب هندوکوه محومیکند بدرجهٔ درتقلید مبالغه میکند که در مسکوکاتی که دارای تصویر « هرمایوس » استنام خودراضرب میزند وحتی دربعضی مسکوکات نام هردوی شان ذکراست. پسان ترنام « هرمایوس » یونانی را کاملاً از بین برده ونام خودرا بضرب رسانیده است اما رسم الخط وزبان یونانی وحتی تصویر هرمایوس درتمام مسکوکات او باقی مانده . علاوه برین دربعضی مسکوکات مسی سری را بضرب رسانیده که قرار نظریهٔ سکه شناسان ازروی سکه « اگوست » امپراطورروم تقلیدشده است.

بعدازوبا عصر « ویما کدفیزس » وسائر کوشانی هائی که بعداز کنشکا می آیند مسکوکات کوشانی ها آهسته آهسته خواص مخصوصی بخود میگیرد ؛ رسم الخط یونانی کم کم بدرجهٔ تغیر کرده وخراب میشود که درآخر ازخواندن می باید ـ جای ارباب انواع یونانی را آهسته آهسته ارباب انواع محلی باختری مثل :ـ میرو ـ مهر ـ افتاب نقرئی ومسی وازروی شکل نازك میباشد درروی مسکوکات آنها عموماً شکل شاه وکلمه «پنکی ملك» ودرپشت آن دروسط ، دویایه ودوطرف آن دونفرمعلوم میشود وبعلاوه درین طرف سکه بعضی اوقات کلمهٔ «شاه» هم خوانده میشود. این مسکوکات روی هم رفته ازروی شکل و اندازه شبیه سکه های ساسانی ها وازروی البسه وزیورات اشخاصی که روی آنها نمایش یافته به هندی ها قرابت دارند.

ازین گذشته آخرین دسته سکه هائی که به آنها مسکوکات عصر قبل الاسلام افغانستان تمام میشود سکه های نقرئی ومسی است که عموماً در

نزدعوام بنام «فیل‌سوار» و «گاوسوار» معروف است. این مسکوکات مربوط بیك‌دسته شاهان هنوداست که‌درتاریخ بنام «کابل‌شاهان هنود» یادشده‌اند وچون‌آخرین‌اولادهٔ کوشانی کابل‌زمین آهسته‌آهسته ضعیف شده واز بین رفتند جای ایشان را گرفته و بسلطنت رسیدند چنانچه البیرونی درین‌موضوع اشاره کرده میگوید که‌جای آخرین شاه‌کوشانی کابل‌را Lagaturman «لاگاتورمان» نام‌داشت وزیر برهمنی اش «کالار Kallar» گرفته وسلسلهٔ «هنود شاهی‌ها» را بمیان آورد. این‌دسته‌که‌روی‌هم رفته از ۸۷۵ ب‌م تا ۱۰۰۰ ب‌م سلطنت کرده اند حین‌ورود فاتحین اسلام وچندی بعدترهم درکابل و اراضی شرقی آن‌حکومت نموده‌اند. مسکوکات این‌سلسله‌را سکه شناسان فرنگ‌از روی نقوش به‌سه دسته تقسیم نموده اند:

۱ ـ رقم‌گاو وسوار کار.

۲ ـ رقم‌فیل‌سوار

۳ ـ رقم‌شیر وطاؤس

روی‌راستهٔ‌این‌مسکوکات عموماً اشکال گاو وفیل‌ودرپشت آن بعضی‌اوقات شاه‌بالای‌اسپ وبعضی‌اوقات شکل‌شیر نمایش‌یافته‌است‌ازین مسکوکات اگرچه «گاودار» و «فیل‌دار» مسی آن زیاداست ازرقمی که‌شیروطاؤس درآن‌نمایش یافته‌فقط یك‌دانه‌بدست آمده که‌در (برتش موزیم) لندن‌میباشد.

مسکوکات شاهان یونانی باختر

« دیودوتس » که ازطرف شاهان یونانی خاندان (سلوسید) شاهی دربکتریان باختر حکمران بود درحوالی ۲۵۰ اعلان استقلال نموده وازین تاریخ بعد سلطنت مستقل یونانی در (اریانا) یعنی افغانستان تاسیس میشودکه تاچندی مرکز آن درشمال هندوکوه شهر (بکتر) و بعد از تهاجم اسکائی ـ کوشان درحالیکه نفوذ یونانی ها بهجنوب هندوکوه محدود میشود د ر کاپیسا یا بگرام فعلی منتقل میگرد د .

نفوذ یونانی ازشمال هندوکوه با « هلیوکلس » واز کابلستان با « هر یالوس » در حوالی شروع عهد مسیحی به آ خر میرسد . مسکوکات ایشان تا یکزمان تنها به ز بان یونانی و بعد ازینکه بجنوب هندو کوه منتقل میشوند به دو زبان یو نانی و پرا کریت افغا نستان و رسم الخط یونانی و خروشتی به ضرب میر سد . باقی تفصیلا ت قرار آ تی است :

دیودوتس Diodotos ؛ حوالی ۲۵۰ـ ۲۴۵ ق م

(۱) سکهٔ منور طلا وزن مساوی ۱۳۰ گرین
اندازه مساوی(۷۵ر.) انچ

روی سکه ؛ سر پاد شاه به نیم رخ راست

پشت سکه ؛ تصویر ایستاده (زوس) رب النوع یونانی ، دیودوتس پادشاه .

(۲) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ۲۵۵ گرین
اندازه « (۱/۱) انچ

روی سکه : سر پادشاه.

چپه سکه : تصویر ایستاده (زوس) ، دیو دوتس پادشاه

(۳) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۶۹ گرین
اندازه « (۷۵ر.) انچ

روی سکه : صورت پادشاه. برسرش کلاه مقدونوی (کوسپا) که بشکل کلاه بارانی است مشاهده میشود.

پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ ، دیو دوتس پادشاه اوتیدموس Euthydemos (حوالی ۲۲۰ ق م)

(٤) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ٦۰ گرین
اندازه « (٦۵ر.) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم رخ

پشت سکه : « هیراکلس » (رب النوع یونانی) برهنه بالای سنگی نشسته در دست راستش چوبی میباشد.

(۵) سکهٔ مدور مسی وزن مساوی ۱۱۰ گرین
اندازه مساوی (۹ر.) انچ

روی سکه : تصویر ریش دار هراکلس

پشت سکه : اسپ بحالت خیز کردن

دمتریوس Demetrios پسراوتیدموس درحوالی ۲۰۰ ق م بجنوب هند وکوه وپنجاب سلطنت نموده است. این شاه نقره و مس سکه زده و خود را « دمترلوس پادشاه » خوانده .

(٦) سکهٔ مدور نقره : وزن ـ ۲۵۵ گرین
اندازه (۳ر۱) انچ

روی سکه : صورت پادشاه به نیم رخ راست‌نمایش یافته‌وبسرش کلاهی بشکل سر فیل است .

پشت سکه : هرا کلس برهنه ایستاده است .

(۷) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲٦ گرین
اندازه مساوی (۹ر.) انچ

روی سکه : در اینجا پاد شاه ریش دارد و به نیم رخ راست دیده میشود .

پشت سکه : « ارتمیس » Artemis (رب النوع یونانی) ایستاده است .

این‌شاه سکهٔ مسی مربعی هم دارد که در پشت‌آن به‌رسم‌الخط خروشتی نوشته است .

اوتیدموس دوم‌پسراوتیدموس اول : این شاه در نقره و نیکل و مس سکه زده است .

(۸) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ۲٦۰ گرین
اندازه مساوی (۳ ر ۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه : تصویر برهنه ایستادهٔ هر اکلس
(۹) سکهٔ مدور نیکل : وزن مساوی ۱۱۰ گرین
اندازه مساوی (۹۵ر۰) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنهٔ شاه
پشت سکه : سه پایه

(۱۰) سکه مدور مسی : این سکه هم مانند سکه (۹) است اما وزن و اندازهٔ آن خورد تر میباشد .

پانتالئون Pantaléon (حوالی ۱۹۰ ق م) در روی سکه بزبان پراکریت در پشت آن به زبان یونانی نوشته دارد و خود را « پانتالئون پادشاه » خوانده است این شاه بیشتر مس سکه زده

(۱۱) سکهٔ مربع مسی وزن مساوی ۱۶۵ گرین
اندازه مساوی (۸ر۰) انچ

روی سکه : دختری به لباس شرقی میرقصد
پشت سکه : شیر ایساده است

اگاتوکلس Agathokles (حوالی ۱۸۵ ق م) این شاه درنقره ونیکل ومس سکه‌زده‌وخودرا « اگاتوکلس پادشاه » یا « اگاتوکلس پادشاه کبیر » خوانده .

(۱۲) سکه مدور نقره : وزن مساوی ۲۲۲ گرین
اندازه مساوی (۵۵ ر۱) انچ

روی سکه : سر اسکندر
پشت سکه : زوس رب النوع یونانی بالای تخت نشسته است
(۱۳) سکهٔ مدور نیکل : وزن مساوی ۱۰۵ گرین
اندازه مساوی (۰٫۸۵) انچ
روی سکه : تصویر نیم تنه دیونی زوس رب النوع یونانی
پشت سکه : پلنگ ایستاده
(۱٤) سکهٔ مربع مسی : وزن مساوی ۱۸۵ گرین
اندازه مساوی (۰٫۷۵) انچ
روی سکه : مانند (سکه ۱۵)
پشت سکه : مانند سکه (۱۰)
انتی ماکوس تهاوز Antimachos Theos در نقره ومس سکه زده وخود را به لقب (تهاوس ـ کبیر) خوانده
(۱۵) سکهٔ مدور نقره وزن مساوی ۲۵۰ گرین
اندازه مساوی (۱٫۱) انچ
روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه : پوزیدون Posridon (رب النوع بحار) ایستاده است.
ایوکراتیدس (حوالی ۱۷۵ ق م) درنقره ومس سکه زده وخود را «ایوکراتیدس پادشاه» خوانده.
(۱٦) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ٦۵ گرین
اندازه مساوی (۰٫۷) انچ

روی سکه : سر شاه

پشت سکه : اپلو (رب النوع یونانی) ایستاده بدست را ستتر تیر و بدست چپش کمان میباشد .

(۱۷) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۸۸ گرین
اندازه (۸۵ر۰) انچ

روی سکه : شاه درحالیکه کلاه فولادی به سر دارد به نیم رخ راست نمایش یافته

پشت سکه : (دیوسکوری) ستارهٔ صبح و شام بالای اسپ ها سوار اند

هلیوکلس Heiokles (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) درنقره ومس سکه زده وخودرا « هلیوکلس شاه کبیر » خوانده .

(۱۸) سکهٔ مدورنقره : وزن مساوی ۲۴۶ گرین
اندازه « (۱ر۳) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه

پشت سکه : زوس (رب النوع یونانی) استاده وبدست چپ چوب درازی را گرفته است

(۱۹) سکهٔ مدورمسی : این سکه مانند سکهٔ نقره فوق الذکر میباشد وزن آن کمتراست .

اپولودوتس Apollodotos : (حوالی ۱۴۰-۱۵۶ ق م) درنقره ومس سکه زده وخودرا به لقب (سوتروس یعنی منجی) یاد کرده مضمون

ضرب سکهٔ اوچنین است : (اپولودوتس پاد شاه منجی)

(۲۰) سکهٔ مد ورنقره : وزن - ۳۱ گرین
اندازه - (٦ر.) انچ

روی سکه : فیل استاده
پشت سکه : گاو استاده
این شاه سکهٔ مربع نقرهٔ هم دارد .

مناندر Menandre : حوالی ۱٤۰-۱٦۰ ق م - درنقره ومس سکه زده وخود« را مناندراس پادشاه منجی» خوانده . این شاه به نمونه‌های مختلف خورد وکلان ، مسی ونقره ، مربع و مدور سکهٔ زیاد دارد

(۲۱) سکهٔ مدور نقره : وزن مساوی ۱٤۰ گرین
اندازه مساوی (۱) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم تنه
پشت سکه : پالاس Pallas رب النوع جنگ یونانی استاده
همین قسم سکه مدور نقره خورد هم دارد که وزن آن ۳٤ نخود واندازهٔ آن (٦٥ر.) انچ است .

(۲۲) سکهٔ مربع مسی : وزن مساوی ۲٤۰ گرین
اندازه (۹ر.) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنه پالاس
پشت سکه : نیک Nike بالدار ایستاده است

هرمایوس Hermaias (حوالی ٤٥ - ۲۰ ق م) در نقره

ازس درمسکوکات، خود راشاه شاهان شاه‌کبیر خوانده است.

(۳۰) سکهٔ مدورمسی:

روی سکه: پادشاه چهار زانونشسته و شمشیری بردوزانوهای خود گذاشته است.

پشت سکه: هرمسHermès رب‌النوع یونانی قدم میزند

ازس در میان شاهان اسکائی مسکوکات خورد و بزرگ خیلی زیاد دارد.

ازس و ازیلیزس: بطرف روی سکهٔ ازس نوشتهٔ یونانی نام ازس » ودر پشت سکه در رسم الخط خروشتی نام « ازیلیزس » تحریر است.

(۳۱) سکهٔ مدورنقره: وزن: (۱۵۱) گرین
اندازه: (۱) انچ

روی سکه: پادشاه بر اسپ سوار و در دست چپ نیزه را در حال زدن گرفته.

شهنشاه کبیر ازس

پشت سکه: رب النوعی ایستاده و در دست راستش شعلهٔ نوررا گرفته است.

شاه کبیر، شاه شاهان « ازیلیزاسا »
ازیلیزس (حوالی ۴۸ ق م)

(۳۲) سکهٔ مدور نقره: وزن: ۱۵۰ گرین
اندازه: (۱) انچ

روی سکه : شاه بر اسپ سوار است
شاه شاهان از یلیزس
پشت سکه : تصویر ایستادهٔ « زوس » رب النوع یونانی
شاه شاهان « ائی لی ر.اسا »
(۳۳) سکهٔ مربع مسی وزن : ۱۲۳ گرین
اندازه : (۸۵ر.) انچ
روی سکه : شاه بالای اسپ سوار است و در دست راست قمچین را گرفته است .
شهنشاه کبیر از یلیزس
پشت سکه : « هراکلس » رب النوع یونانی بر هنه بالای سنگی نشسته است .
شاه کبیر « ائی لی زاسا »

مسکوکات پهلوا های سیستان

و قندهار

پهلوا ها عبارت از یك سلسلهٔ پارت هائی است که در حوالی « قرن دوم ق م » یا « ونوس » استقلال خود را از پارت های خراسان گرفته و در سیستان وقندهار، قسمتی ازحوضهٔ اندوس (رودسند) سلطنت علیحده تشکیل نمودند. معاصر شان در حوالی کابل آخرین شاهان یونانی درپنجاب شرقی اولاده اسکائی ها حکمفرمائی داشت و تااندازهٔ که

تخمین میکنند علت سقوط یونانی های کابل زمین این بود که ازطرف شمال کوشانی ها از جانب غرب وجنوب غرب پهلوا ها و از طرف شرق اسکائی ها برایشان فشار می آوردند. مسکوکات پهلوا ها طلائی نقره‌ئی ومسی است در روی سکهٔ آنها زبان یونانی و در پشت آن زبان پرا کریت و رسم الخط خروشتی استعمال شده . ارباب انواع یونانی هنوز از بین نرفته است . تفصیل مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است .

و نونس Uonônés: (حوالی ۱۰۰ ق م)

(۳٤) سکهٔ مدور نقره : اندازه مساوی ٦٥ ر. ۱ انچ

روی سکه تصویر شاه بالای اسپ .

بازیلوس بازیلون ملا اوس و نونوس شهنشاه کبیرونونس .

پشت سکه : زوس رب النوع یونانی ایستاده .

مهاراجا براتا درامی کاسا سپالاهوراسا یعنی شهنشا کبیردین دار اسپالا هورا . ملتفت باید بود که درین سکه درسمت پرا کریت نام (سپالا هوراسا) هم ذکرشده ونشان میدهد که شاه با نائب السلطنهٔ خود یکجا سکه‌زده .

همین قسم و نونس با (اسپالا گاداس) هم سکه زده است .

اسپالیریزس Spalirisés برادروجانشین ونونس (حوالی ۱۰۰-۹۰ ق م)

(۳۵) سکهٔ مربع مفرغ ، وزن ۲۲۷ گرین اندازه (۸۵ ر.) انچ

روی سکه : پادشاه در حال رفتار . بازیلون بازیلوس ملااوس اسپالیریزس یعنی شاهنشاه کبیر اسپالیریزس .

پشت سکه : زوس رب‌النوع یونانی .
مهاراجاسا ماها تا کاسا اسپالی ریزیسا شهنشاه کبیر اسپالیریزس .
گندفارنس Gondopharnps حوالی ۱۹ تا ٤٥ ب م
(۳٦) سکهٔ مدور مسی . : وزن ۱۵۱ گرین
اندازه (۹ر.) انچ
روی سکه : تصویر شاه براسپ
بازیلوس بازیلون ملاأوس گندوفارنس یعنی شاهنشاه کبیر گندوفارنس.
پشت سکه : تصویر ایستادهٔ زوس.
مهاراجا راجاتی راجا ترا نا را گند وفا را سا یعنی شاه کبیر شاه شاهان گندو فارنس .
قرار سکهٔ فوق سکهٔ مدور از ممزوج مس با نقره هم دارد .
ابدا گازس Abdagases (حوالی ٦۰-٦۵ ب م) .
(۳۷) سکهٔ مدور مخلوط مس و نقره : اندازه (۹۵ر.) انچ
روی سکه : پادشاه بالای اسپ سوار است.
باز یلوس باز یلون ابدا گاسوس یعنی شاه شاهان ابدا گازس .
پشت سکه : (ژوپی‌تر) رب‌النوع یونانی تاجی دردست دارد.
گندو فرابراتا پوترا سامها را جا ترا تاراسا اوا را کاسا یعنی شهنشاه کبیر ابدا گازس برادر زادهٔ گندو فارنس .
اورتا گنس Ortagnes «حوالی ٦۰-۷۰ ب م »
(۳۸) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲٤ گرین
اندازه « (۹ر.) انچ

روی سکه : تصویر شاه بصورت نیم‌تنه نوشتهٔ فوقانی آن پریده و خوب خوانده نمیشود .

پشت سکه : نیکNike بالدار .درین‌طرف سکهٔ او نام گندوفارنس وGuada گودا برادرش هم ذکر شده .

پاکورسPacores : «حوالی ۷۵-۷۰ ب »

سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۱ گرین
اندازه « (۹ ر.) انچ

روی سکه : تصویر نیم تنهٔ شاه

بازیلوس بازیلون ملاس پاکورس یعنی شهنشاه کبیر پاکورس .

پشت سکه : تصویر نیکه رب النوع یونانی بالدار

مهاراجاسارا جاتی راجاسامها تاسایاکوراسایعنی شهنشاه کبیرپاکورس.

مسکوکات این شاه زیاد از قندهار پیدا میشود .

مسکوکات سلاطین کوشانی

هر مایوس یا کجو لا کد فیزس :

(٤٠) سکهٔ مدور مسی : وزن مساوی ۱۱۵ گرین
اندازه « (۰۹) انچ

روی : تصویر نیم تنهٔ هر مایوس «شاه منجی هرمایوس» .

پشت : « هرا کلس » پوست شیر را روی بازوی چپ گرفته «کجو لا کازاسا رئیس کوشانی»

کجو لا کدفیزس یا کدفیرس اول «حوالی ۶۰-۴۵ ق م » :

(٤١) سکهٔ مدور مسی :

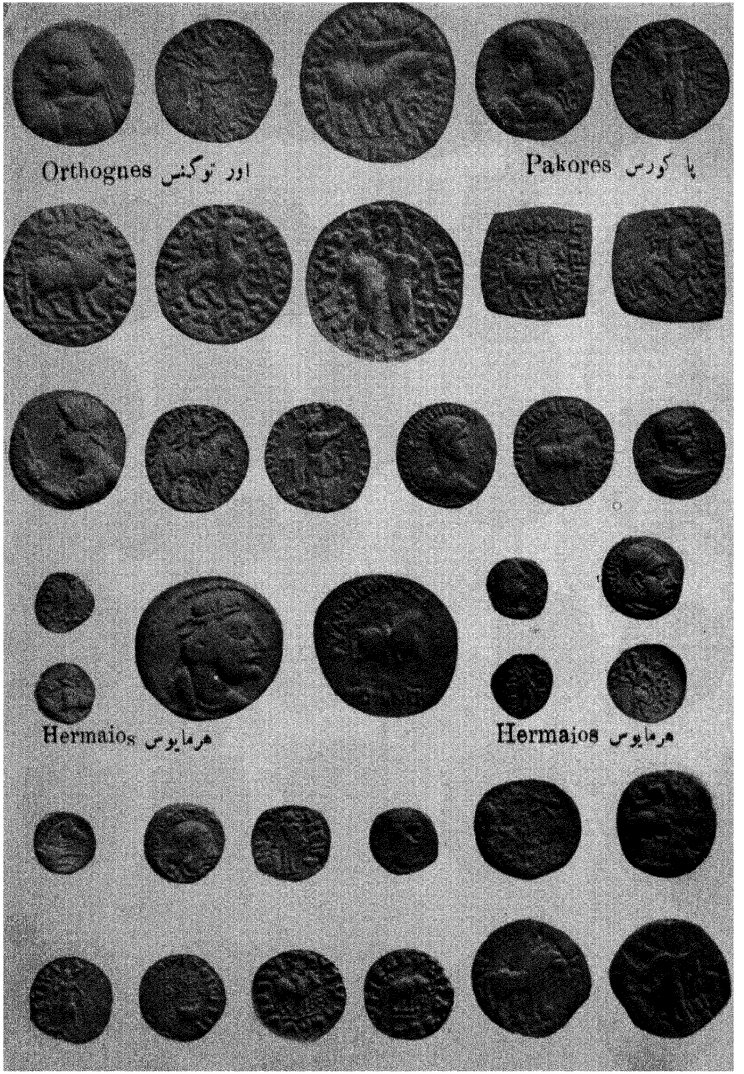
Orthognes اورتوگنس
Pakores پاکورس
Hermaios هرمایوس
Hermaios هرمایوس

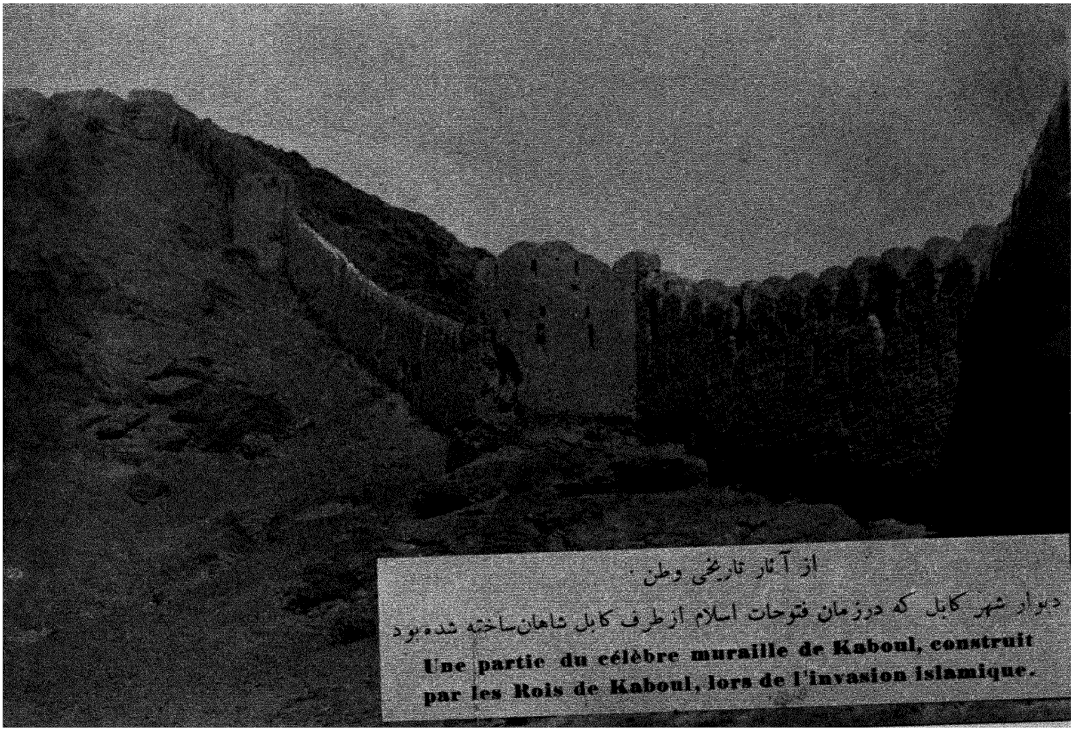

از آثار تاریخی وطن .

دیوار شهر کابل که درزمان فتوحات اسلام ازطرف کابل شاهان ساخته شده بود

Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion Islamique.

روی : صورت نیم تنه هر مایوس « کوزولو کد فیزس » نام هرمایوس به رسم الخط خراب یونانی نوشته شده .

پشت : تصویر ایستاده «هرا کلس» «کوجولا کازاسا رئیس کوشانی»

(٤٢) سکه مدور مسی :

روی : سری‌نمایش یافته‌که قراراحتمال ازروی‌سکه «اگوست» امپرا طور رومن تقلید شده « رئیس کوشان کوزولا کد فیزس »

پشت : شاه بالای چوکی نشسته « بزبان خروشتی مضمون فوق نوشته است »

ویما کدفیزس یا کدفیزس‌دوم « حوالی ۷۰ - ٦۰ ق م »

(٤٣) سکه مدورطلا ، وزن مساوی ۲٤۲ گرین

اندازه « (۱ر۸) انچ

روی : شاه روی چوکی نشسته « و موکد فیزمن یاد شاه »

پشت ، شیوا و گاو » شاه کبیر ، شاه شاهان - بادار دنیا ، مدافع و یما کد فیزس »

کنشکا حوالی (۸۰-۱۱۰ ق م)

(٤٤) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۱۲۳ گرین

اندازه « (۰۹) انچ

روی ، تصویر ایستاده شاه بلباس کوشانی « بازیلوس بازیلون گانیشکوس » یعنی شاه شاهان کنشکا .

پشت : صورت ایستاده « هلیوك » رب النوع آفتاب .

(٤٥) سکه مدور طلا : وزن مساوی ۱۲۲ گرین

اندازه « (۸ ۰) انچ

روی : تصویر ایستاده شاه بلباس کوشان به سر شاه کلاه پیك دار آهنی - بجانش چپن بلند و شلوار است. پیش رویش میز کوچك قربانی است و به‌دست چپ نیزهٔ طویلی گرفته است « شاه اونا نوشا او کانیشکی کوشانو یعنی ازشاه شاهان کنیشکا، کوشانی» .

پشت : تصویر «میرو» رب النوع آفتاب .

(٤٦) سکه مدور مسی : وزن مساوی ۲۵۷ گرین ۰

اندازه « (۱٫۰۵) انچ

روی : قرار تفصیل (٤٥)

شا او کنیشکی - کنیشکا پادشاه

پشت : « میرو » رب النوع آفتاب

هو و یشکا « حوالی «۱۶۲- ۱۸۳ ق م »

«٤٧» سکه مدور طلا : وزن ۱۲۱ گرین

اندازه - « ۸ ۰ » انچ

روی : تصویر نیم تنه شاه . پادشاه کلاه آهنی مدور بسر کرده وچپن خامك دوزی پوشیده است . بدست را ستش چوبی را گرفته که علامهٔ سلطنت است .

شاونانوشااو : هوشکی : کوشانو یعنی ازشاه شاهان هوویشکه کوشانی

پشت : (میرو) رب النوع آفتاب

(٤٨) سکه مدور مسی : وزن ٢٤٥ گرین اندازه «١» انچ

روی : پاد شاه برفیل سواراست شا او ، نانو ، شا او ، هو شکه کوشانو یعنی ازشاه شاهان هوویشکاه کوشانی .

پشت : (میرو) رب النو ع آفتاب

واسودوا « حوالی ١٨٢ـ٢٢٠ ق م »

« ٤٩ » سکه مدور طلا وزن ١٢١ گرین اندازه ٨٥ ، انچ

روی : شاه استاده کلاه آهنی مخروطی بسردارد بجانش لباسی است به‌شکل‌زره و بادست‌راست بالای میزکوچك چیزی تقدیم میکند ، دردست چپش چوب درازی میباشد .

شااو ، نانو ، شااوبازو دوکوشانو یعنی‌ازشاه شاهان واسودوا کوشانی

پشت : شیوا رو بروایستاده . عقبش گاو معلوم میشود .

« ٥٠ » سکه مدور مسی وزن١٥٤ گرین اندازه « ٩٠ » انچ

روی : بقسم « ٤٤ » نوشته یونانی آن کامل خراب شده

پشت : مانند سکه « ٤٣ »

مسکوکات شاهان هیاطله

من های هفتالیت دراوائل قرن ٥ ب م ظهورنموده کوشانی ها را موقتاً مضمحل ومدت تقریباً نیم قرن درافغانستان وپنجاب سلطنت نموده اند مسکوکات شاهان ایشان قرار آتی است :ـ

تورامانا Toramana «حوالی ۵۰۰ ب م »

« ۵۱ » سکه مدورمسی ؛ وزن مساوی ۴۷٫۳ گرین

اندازه « « ۸۰ » انچ

روی سکه ؛ تصویر شاه بصورت نیم تنه ونیم رخ

پشت سکه ؛ درو سط سکه خطی افقی کشیده شده بالای آن قرص آفتاب وپائین کلمه « تورا » به رسم الخط خروشتی نوشته شده است

مهی را کولا یا مهر گل پسر تورامانا

« حوالی بین ۵۱۰-۵۴۰ ب م »

« ۵۲ » سکه مدورمسی ؛ وزن مساوی ۵۶/۳ گرین

اندازه « « ۷۰ » انچ

روی سکه ؛ تصویر نیم تنه شاه به قبافه ساسانی . به رسم الخط خروشتی چنین نوشته دارد :- شری « می‌هی‌را کولا » یا « گولا »

پشت سکه ؛ خط افقی دروسطه سکه - بالای آن تصویر گاو .

درروی بعضی مسکوکات نقره شاه به‌رسم کوشان ایستاده نمایش یافته واین نوشته را دارد « شاهی می هی را گولا »

بطرف چپه مانند مسکوکات کوشانی رب النوع بالای تخت نشسته است .

مسکوکات هیاطله ازافغانستان وهندبسیار پیدامیشود لیکن متاسفانه یکعده زیاد آن خوب تشخیص نمیشود .

مسکوکات « نیکی ها » یا کوشانی های « کوچك »

چون حین تهاجمات هن های هفتالیت کوشانی ها مضمحل شده واز آخرین ملجاء خود « علاقه کابل » به کوها بالا رفته بودند نیم قرن بعدازسقوط هن هادوباره به وادی کابل فرودآمده وبسلطنت رسیده اند . اگرچه نام های ایشان صریحاً معلوم نمیشود روی هم رفته سلسله شان به « کوشانی های خورد » موسوم است وایشان را معمولاً « نیکی » هم میخوانند وعصرشا نرا بعدازوسطه قرن ٥ تا اخیرقرن ٦ هم نسبت میدهند . مسکوکات آنهاعمومانقره ئی ومسی - شکل آن بزرگ ونازك است . این مسکوکات ازروی شکل واندازه به سکه های ساسانی وازروی قیافه ولباس شاه به هندی نزدیك است .

شرح یك سکه آنهابطور نمونه قرار آتی است .

سکه مدور نقره ؛ وزن ٢ر٥٢ گرین اندازه «٣ر١» انچ

«٥٣» روی سکه ؛ تصویرشاه بصورت نیم تنه قیافه شاه بیشتر به هندی شباهت دارد ، درگوشش گوشواره است ودرکلاهش بالای پیشانی ماه نوی دیده میشود پیش روی شاه « نیکی ملك» وعقب او کلمهٔ « شاه » نوشته است .

پشت سکه ؛ در وسط مجمر دو پایه ئی دیده میشود و به دو

طرف آن دو نفر ایستاده بالای سر آنها عراده رسم شده ، نوشتهٔ آن خوانده نمیشود .

این سکه درموزهٔ کلکتهٔ هند است .

مسکوکات کابلشاهان هنود

چون آخرین اولادهٔ کوشانی کابل زمین آهسته آهسته ضعیف شده و از بین رفتند جای ایشان را طبقهٔ از اهل هنود گرفته و بسلطنت رسیده‌اند « ونسنت سمیت » مورخ انگلیسی درجلد اول کتلاك مسکوکات موزیم هند کلکته اززبان البیرونی صورت قضیه‌را چنین‌مینویسد که‌جاه آخرین شاه کوشانی کابل را که«لا گاتورمان» نام داشت وزیر برهمنی اش «کالار» گرفته وسلسلهٔ (هندوشاهی) را بمیان آورد .

این دسته از ۸۷۵ تا ۱۰۰۰ ب م تا زمان ورود فاتحین اسلام و بعد تر در کابل زمین سلطنت نموده اند مسکوکات چند نفرآنها قراریکه در جلد دوم کتلاك مسکوکات موزیم هند کلکته تشریح یافته قرار آتی است :

اسپالاپاتی دوا Spalapati - deva حوالی

اواخر قرن ۹ب م رقم گاو وسوار کار

سکه مدور نقره وزن - ٥٤ گرین

اندازه (۸) انچ

روی سکه : گاو در رفتار بطرف چپ‌بالای آن به‌زبان ورسم الخط

هندی نوشته : Sri Spalapati - deva

پشت سکه : پاد شاه بالای اسپ سوار است و نیزهٔ را در دست راست گرفته . پیش روی او کلمه (گرا) به هندوئی نوشته شده

سامانتا دواaSmanta-devaحوالی اوائل قرن ۱۰ ب م)

رقم گاو وسوارکار

(۵۵) سکه مدور نقره : وزن ۲ر۵۱ نخود

اندازه ـ (۸) انچ

روی سکه : مانند سکه (۵۵) فوق

پشت سکه : « « « « منتها عقب‌سرشاه کلمه (بهی و) نوشته است .

مسکوکات مسی این شاه مانند سکه هائی نقره‌ئی او میباشد

رقم فیل وشیر

(۵۶) سکهٔ مدور نقره : وزن ۷ر۳۰ نخود

اندازه ـ (۰۷۸) انچ

روی سکه : فیلی استاده است و پائین این نوشته است

Sri Samanta-deva

پشت سکه : شیر دم خود را قر قره نموده

واکا دوا Vakk-deva (قرن ۱۰ ب م)

(۵۷) سکه مدور نقره : رقم فیل و شیر

وزن مساوی ۳۱٫۶ نخود

اندازه‌مساوی (۰٫۷۵) انچ

روی سکه : فیل و نوشتهٔ ذیل Sri Vakka - deva

پشت سکه : تصویر شیر

حوداوا یا کا Chudavayaka قرن ۱۰ ب م

رقم گاو و سوار کار

(۵۸) سکه مدور نقره : وزن ۷ ر۴۹ نخود

اندازه ۰٫۴۷ انچ

روی سکهٔ گاو Seri Chudavayaka

پشت سکه : سوار کار

ستاپالا Asta - Pala حوالی ۱۰۰۰ ب م

بعد تر

۵۹ سکه مدور نقره : وزن ۴۷ ـ گرین

اندازه ۰٫۶ انچ

روی سکه : گاو Asta pâla

پشت سکه : سوار کار

*

صنایع وفنون درافغانستان

صنایع ملکی ـ قسمت مادی

بقلم جناب احمدالله خان کریمی
عضو انجمن

مقدمه ـ اهمیت صنایع ـ سیر تدریجی صنایع مادی درافغانستان بصورت اجمالی ـ صنایع و فنون موجودهٔ ملکی ـ خاتمه و تبصره .

تحت عنوان فوق درصددیم تابصورت اجمالی راجع بآن قسمت از صنایع وفنون وطن بحث رانیم که به عناوین خصوصی بدان اشاره رفته وتعلق به صنایع وفنون مادی ملکی (غیر از نظامی) دارد . نظر باین خصوصیت مقاله ، کارخانه های حربی که دران انواع آلات ولوازم حربیه وعسکریه اعمال میگردد ، بابعضی ازصنایع وحرفت های خورد وریزهٔ دیگریکه به عناوین خصوصی بدان اشاره نشده خارج بحث مانده است . ذواتیکه این مقاله رامطالعه میفرمایند البته این خصوصیت را مدنظر خواهند داشت . درتحریراین مقاله علاوه اریك سلسله مشاهدات وکنجکاویها ونوتهای شخصی درقسمت تاریخی بیشتراز کتاب پروفیسر (دنیسکی) و پروفیسر (بارتولد) روسی کتاب قلمی تاریخ طاهری نگارش جناب محمد طاهر خان هراتی و تاریخ ترکستان (ترکی) تحریر مختار بکر ودرخصوص مسائل علمی اقتصاد از کتب اقتصادی ودرقسمت

صنایع موجوده ازمقالهٔ « پیشرفتهای اقتصادی افغانستان » تحریر فاضل محترم « رشتیا » منتشرهٔ سالنامهٔ ۱۳۱۵ و مقالهٔ « جغرافیای اقتصادی افغانستان » تحریر جناب میر محمد صدیق خان منتشرهٔ سالنامه ۱۳۱۳ استفاده شده است .

اهمیت صنایع :

صنایع جهت استحصال ثروت ونیروی یك قوم ورفع قسمت کلی احتیاجات جوامع بشرواسطهٔ بس مهم است . اندك عطف نظر بماضی واضح میکند که بشراز آوان ترك مغاره هاواستفاده ازپارهٔ عناصر خارجی دست بدامان صنعت زده بیاری ومدد آن توانست برای خود بصورت خیلی ساده و بسیط خانه ، لباس ، آلات . . . و غیره تهیه کند تا ازبرودت ، حرارت و حملهٔ حیوانات درنده و هم نوعان خود مصؤن بماند . ازهمین تاریخ است که صنعت به نظرها محبوب جلوه نموده اهمیت آن حس و آهسته آهسته نظر به تنوع وزیادت احتیاجات بشری اهمیت آن کسب فزونی کرده انسانهادرتکامل و ترقی آن بایك مجاهدت خسته گی ناپذیری کوشیدند تا اینکه از دورهٔ ابتدائی بدورهٔ لونجه ویا « لوجه » (جمعیت صنفی) و (صنایع کوچك) و (مانوفاکتور ـ کارخانه ها) وبالاخره باین دورهٔ محیرالعقول صنایع بزرگ رسیدند . ازبدوشروع این دورهٔ اخیرالذکراهمیت آن باندازهٔ بلند رفت که دیگر امورنتوانست با آن رقابت وهمسری کند . مشهودات بما ثابت میکند که دنیای صنعتی برای خریداری مواد خام بقیمت نازل واستهلاك مستحصلات خود چه شاربات خفیه را روی کار آورده وچه کوشش ها

مینماید ویك چیز مسلم است که درعوامل مستعمره گیری وکشورستانی آینده موضوع صنعت دخل قوی دارد . خلاصتاً میگوئیم که صنعت مولد ثروت و ثروت مولد قوت وقوت هم معاون تفکر یعنی آلهٔ فعل ، شرط نهضت وبالاخره مرجع اسناد ملل ومحورتحولات وتطورات است . این بود شمهٔ ازاهمیت صنعت اینك لازم است مختصراً به بینیم که سیر آن درافغانستان که یك مملکت خیلی باستانی است ، چه بوده ؟

سیر اجمالی صنایع مشهور در افغانستان :

صنایع افغانستان در ازمنهٔ قدیم ، تاریخ خیلی درخشان و مشعشع دارد . قبل‌از ورود اسکندر مقدونی این سرزمین از خود صنایع بزرگ ومخصوصی‌داشت . در زمان سلوکس(موسس سلسلهٔ سیلوکوها) صنایع یونانی با صنایع سابق این مرزبوم مخلوط گشته و رفته رفته بحدی این صنایع مرکب‌ترقی نمود که در صنایع مشرق و حتی چین نفوذ کرد . باوجود از دست رفتن و تالق زیاد و آثار عمده در فتنهٔ مغل و تهاجمات خراب کارانهٔ کشور ستانان سفاك و ۲۴ مرتبه منهدم شدن ام البلاد (بلخ) و بیش تر از ده مرتبه از هم ریختن دیگر شهرهای افغانستان، از روی انقاض تاریخی و سیاحتنامه های اجانب‌مثلا یونانی ها و چینی ها وغیره میتوان ثابت کرد که این خاك مهد پرورش چه صنعت کاران زبر دست و چه کارگرهای با ذوق و سلیقه و ماهری مثل مجسمه سازان ، سنگ تراشان ، معماران،نقاشان

زرگران ، (۱) و غیره . . بود . در عهد کوشانانیان عمارات و صنایع مخصوصا صنعت‌حجاری و مجسمه سازی باندازهٔ ترقی داشت که بسی‌آثار آن تاحال در بازار های دنیا بقیمت های خیلی گزافی بفروش میرسد . بخصوص‌در زمان کانشکاء اول ، این ترقی به منتهای عروج رسیده عمارات بزرگ ومتعددی بنا گردید وهمین موقع است که‌شکل‌صنایع بودائی بصنایع یونانی‌افزوده شده صنعت (گریکوبودیك) « یونانی و بودائی » بوجود آمد . وقتیکه انسان‌مجسمه های زمان برهمن وبودائی را بابسی آثار نقره ئی و غیره ئیکه در اثر حفریات بدست امده دقیقانه از نظر میگذراند ممکن نیست که انسان به بیش عظمت صنایع‌باستانی قبل‌از اسلام این مرزبوم متحیرانه‌سر فرود نیارد زیرا اکثر این‌اشیاء انقاضی‌باندازهٔ دارای‌ظرافت‌وناز کی‌های صنعت است که‌انسان را در نگاه اول‌دچار بهت‌وتعجب میسازد. ازین گذشته هر گاه بدور ساسانیان نظر افگنیم باز هم می بینم که این خطه شهرت پیشینهٔ خود را از دست نداده تیکه های پشمی و ابریشمی و زربفت وقالین . . . ان باعث گرمی بازار های دنیا بود . از ین پایان تر برویم ؛ظهور دیانت حقهٔ اسلامی‌گرچه در ابتدا صدمهٔ بررخ بعضی از صنایع این خطه فرود اورد لیك دیری نگذشت که علاوه بر احیای صنایع سابقه، به‌استثنای مجسمه سازی و هیکل تراشی ،بسی چیز های دیگری مثل الات رصد خانه ها ، اسطرلاب ، اسباب تقطیر

(۱) در حفریات ۱۹۰۹ از تهداب استوپه ها ئیکه کانشکاء اول درحصص مشرقی وطن بنا نموده بود بسی یادگار های نقره ئی بوجود امده که عظمت صنعت زرگری ان وقت را ثابت مینماید .

تصعید ، ترشیح وغیره روی کار امده مردم بدرجهٔ بلندی به صنعت و حرفت اهمیت داده صنعت را بدر جهٔ تقدیر نمودند که پادشاهان و حکام نیز برای یاد گرفتن صنعت ، با طفال خود نصیحت ها نموده مساعدتها میکردند و بسی مرتبه در مواقع تشویق به صنعت از زبان ایشان این جمله شنیده شده که «صنعت انسان را از فقر نجات میدهد»

اگر بصورت مجموعی دوره‌های حضارت صنعتی اسلامیه‌را درین مرزبوم قید کنیم میگوئیم که ازدور عباسی ها گرفته الی اواخر دور مغل باصرف نظر نمودن از بعضی وقفه های خورد یکه باعث بعضی بربادی ها گردیده ، ادوار نهضت و تکامل صنعت بود عمارات کتابخانهٔ کاغذ سازی ، رصد خانه ها ولوازم مسی وبرنجی و غیرهٔ دور سامانی‌های بلخ ، همچنان رصد خانهٔ غزنی‌ورسامی ، نقاشی مسگری‌زرگری وحجاری ومعماری وغیرهٔزمان‌غزنویهاوغوریها همه‌دلالت برعظمت صنایع دوراسلامی این مرزبوم‌میکند . همچنان است دور مغل . لیك تاجائیکه تاریخ بما معلومات میدهد این دور را خیلی در خشان ترمییابیم چه پارچه‌های پشمی وابریشمی آن درنفاست وخوبی سرآمد تمام پارچه های دنیا بود بالخاصه پارچهای زربفت تصویر دارآن‌تجار را ازنقطه های خیلی دور دست بطرف خود جلب نموده بازار معاملات‌را گرم میساخت همچنان رسامی ومیناطوری به منتها عروج رسیده بود . مکتب هرات‌ابتدای‌صنعت رسامی‌ومیناطور شمرده‌میشود و درآنجا این صنعت بدرجهٔ ترقی نمودکه دربلاد مجاورنفوذ کرد چنانچه صنعت رسامی ومیناطور ایران‌راهم بلاشك میتوانیم گفت که از هرات نشئت‌کرده است . درزمان تیموریان،هرات یکی ازبزرگترین مراکز

پرورش صنعت رسامی ومیناطور بود . ابتداء تأسیس مکتب رسامی ومیناطوردرزمان شاهرخ ۱۴۰۵-۱۴۴۷ع بوده ودر۱۴۳۳ به اکادمی استحاله نمود. ازین وقت است که نفوذ آن نخست درمیناطور آسیای وسطی محسوس ورفته رفته رول مهم را بازی نمود. عروج انتهائی این اکادمی در زمان سلطان حسین بایقرا (۱۴۶۹ - ۱۵۰۶ ع) بوده در (۱۵۰۷) باعظمت عمرانی هرات قشنگ یکجا از میان رفت . بهزاد بزرگترین و مشهور ترین رسامان آنوقت بوده در ترقی اکادمی صنعت رسامی ومینا طور هرات خدمات خیلی ذیقیمتی نموده که آثار وی تاحال بهنظر احترام دردنیا دیده میشود . در اثر همان خدمات قابل قدر و رسمهای قیمت دار وی است که دنیا برای وی عنوان (رهنمائل شرق) را داد (۱) . راجع به رسامهای اینوقت هرات خلاصتاً مستند به نظریهٔ (مارتین) میگوئیم که هرات مرکز بهترین رسامهای عصر خود بود . صنایع مشهور هرات نه تنها منحصر به رسامی و میناطور سازی بود بل درین اوقات شهرت تکه های زربفت تصویر دار و ابریشمی و پشمی و قالین و قالینچهٔ آن با کار زرگری ، برنج کاری ، آهن گری و غیرهٔ آن هم شهرت بسزادارد . دیك برنجی که درسنه ۱۱۶۳ع مطابق ۵۵۹ هجری اعمال و در هرات موجود است شایان تعجب و حیرت میباشد همچنان چراغ کوچك برنجی متعلق بقرن ۶ هجری که درموزیم کابل موجود است

(۱) بهزاد درسنه ۱۴۴۰ م درهرات تولد یافته ازایام خوردسالی نزد شخصی موسوم به سید احمد شروع بشغل رسامی نموده از ۱۴۶۸ - ۱۵۰۶ رئیس اکادمی رسامها و نقاشهای هرات بود .

بصورت خوبی این حقیقت را روشن میسازد همچنان بر وفق دیگر صنایع صنعت معماری این ادوار اسلامی هم قابل ملاحظه است. اندك مطالعه در تاریخ افغانستان برای انسان واضح میسازد که چه قصور و عمارات عظیم الشان و مجلل درین ادوار بوجود آمده و چه شهر های قشنگ و بزرگی بهنیروی معماران و نجاران وطن آباد و از دست جهان گیران سفاك منهدم وخاك ریز شده است، باوجود این همه خرابیهای بس زیاد. آثار نسبتاً کمی هم که ازطوفان حوادث زمرتاً محفوظ مانده بصورت خوبی شهادت بر عظمت صنعت معماری آنوقت میدهد. درینجا بطورمثال مصلی های هرات، مسجد جامع هرات، مضجع مولینا جامی وپیر بزرگوار شان، مقبرهٔ حضرت خواجه عبدالله انصار، روضهٔ مزار شریف، مسجد خواجه محمد پارسا دربلخ، منار های غزنی، مسجد سنگی بابر شاه در کابل، وغیره عمارات هرات، بلخ، قندهاررا تذکارمیکنیم خلاصه افغانستان ازنقطهٔ نظر صنعت الی اوایل قرن ۱۶ م (قرن ۹ ه) دارای شهرت بسزا بوده ازین تاریخ به‌بعد انحطاط آغاز و آهسته آهسته ازاهمیت صنعتی خود کاسته رفت. گرچه درزمان اعلیحضرت احمدشاه درانی (۱۱۶۰ ه) صنعت معماری، نقاشی، نجاری، اسلحه‌سازی وغیره سر از نو قدم بنمو گذاشت لیك محاربات پی در پی وقتی نداد که صنایع ترقی شایانی نموده همان شهرت ازدست رفتهٔ خود را بصورت صحیح دوباره بستاند - بهترین نمونهٔ معماری و نقاشی ان دورمقبرهٔ خود اعلیحضرت احمدشاه میباشد. منبت کاری‌های روی چوب عمارات آن وقت بطرز قلمدانی تاوه دان ها، قرمز کاری ها و نقاشی

سیم گل کاری و سرطاق و گنبد بستن آنوقت خیلی استادانه بوده یادی از دور تعالی باستانی وطن میدهد - این وضعیت دیری دوام ننموده درزمان فتور یعنی بعدازوفات اعلیحضرت تیمورشاه روبخاموشی گذاشت وتا زمان امیر عبدالرحمن خان صنایع بکلی خفك گشته اثری ازان معلوم نمیشود . درزمان امیر عبدالرحمن خان یك جنبش بسیار خفیفی در صنعت معماری و اسلحه سازی دیده شد علاوه از اینکه یك تعداد معماران وطن شروع بکار نموده مثل مسجد عیدگاه و مسجد چوب فروشی چند عمارت خوبی ساختند کارگر های انگلیسی هم خواسته شده معماران و نجاران وطنی جمع و بزیر دست شان سپرده شد تا عمارات چند بطرز اروپائی بسازند این معماران و کارگران حسب تعالیم و هدایات متخصصین خارجی چند عمارت بطرز اروپائی که دران کمی سلیقهٔ معماری وطن هم دیده میشود با یك فابریکه باسم (ماشینخانه) ساختند درین فابریکه علاوه از کارخانهٔ اعمال بعضی از اسلحه و لوازم ساده و بسیط حربی و غیره کارخانهٔ نجاری ، رنگمالی ، شطرنجی بافی ، چوکی ومیزسازی ، نقاشی ، مسگری ، کلاه‌دوزی ، خیاطی ، گلیت‌گری (لعاب کاری) ریخته‌گری ، ضرابخانه . . . وغیره کارخانه های خورد خورد هم بصورت ابتدائی وجود داشت که بذریعهٔ دست بعضی‌فرمایشات شاهی را تهیه وتدارك مینمودند. درزمان پسروی امیر حبیب‌الله خان این جنبش چیزی بیشترشده فابریکه هائی چند مثل فابریکهٔ چرمگری ، یك فابریکهٔ مختصر پشمینه بافی (درماشینخانهٔ عمومی) باسه پایه ماشین برق جبل السراج تأسیس گردید. دیگر قسمتهای فابریکهٔ عمومی ماشینخانه

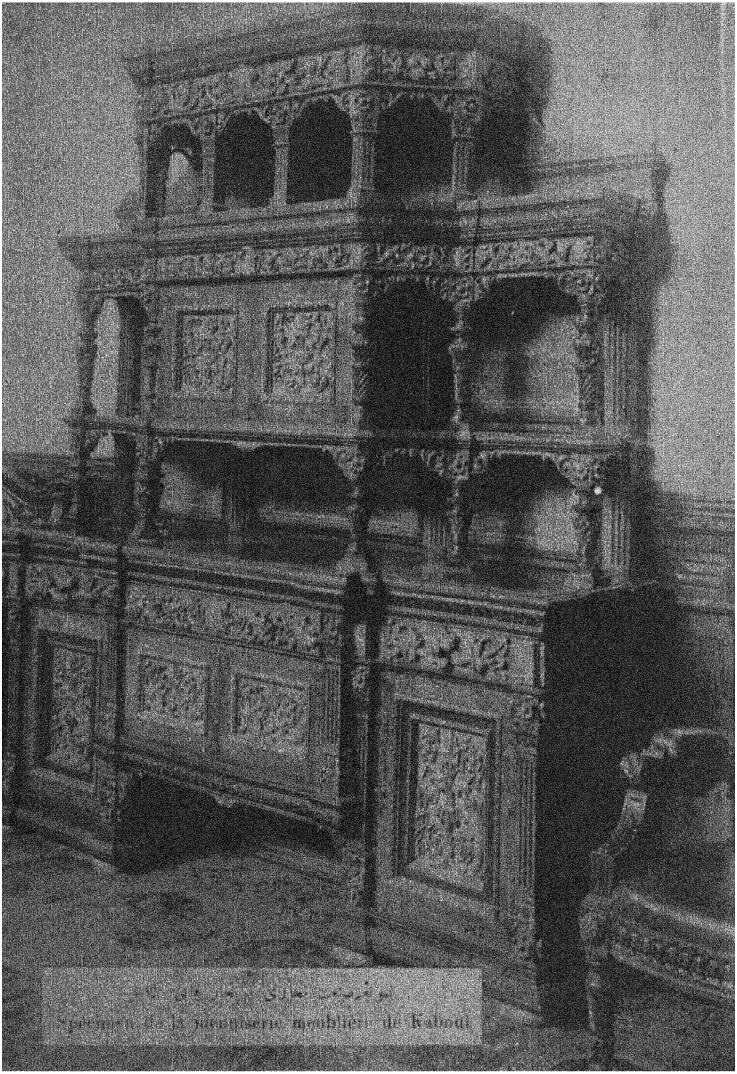

[illegible]

Spécimen de la menuiserie meublière de Kaboul

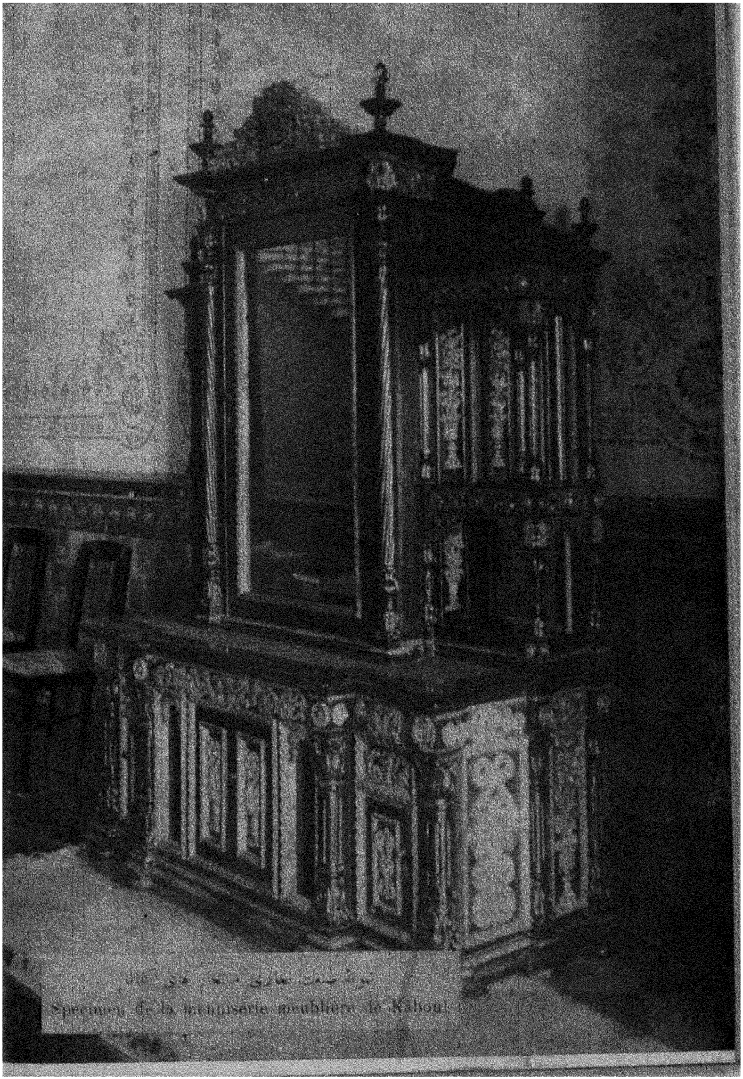

Spécimen de la marqueterie meublière de Kâhoul

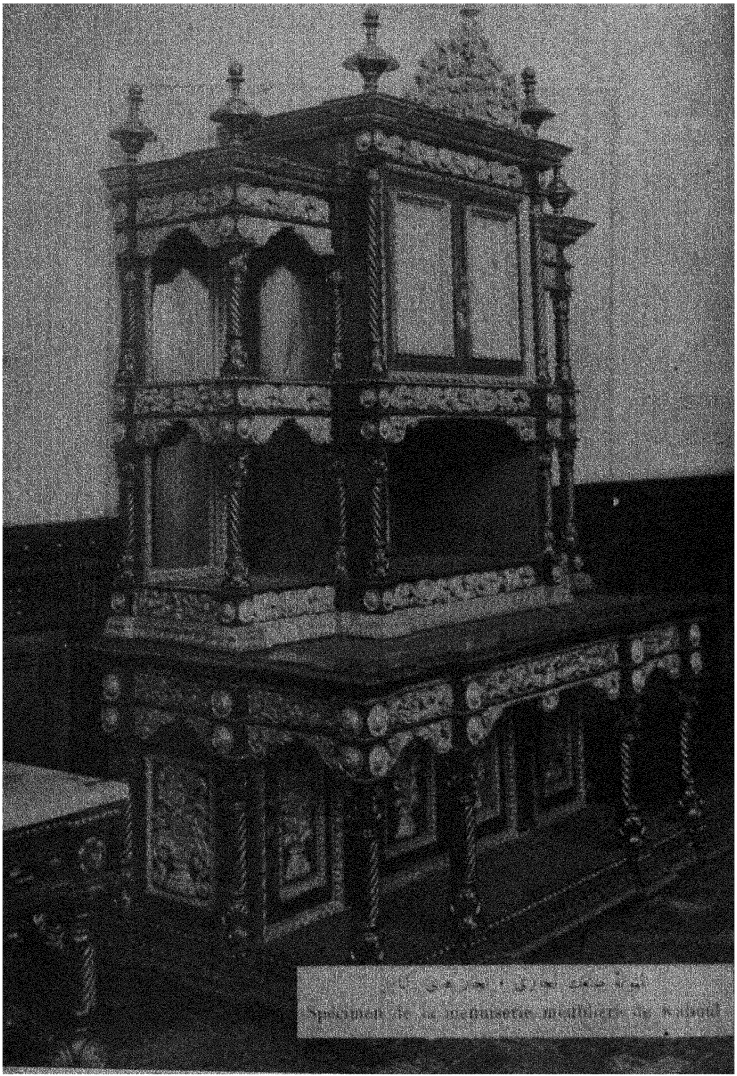

Spécimen de la menuiserie meublière au XVIIIe



قالیچهٔ نفیسی که از طرف شاگردان مکتب صنائع ساخته شده
Joli tapis fabriqué par les élèves de l'école des arts et métiers

هم قدری وسعت یافت. ازهمه بیشتر صنعت زرگری خیلی ترقی نمود که این هم زادهٔ احتیاج شخصی شاه بود. درکارخانهٔ زرگری اقسام اقسام ریورت ، گلوبند ، انگشتر ، دست بند ، و انواع لوازم خانه مثل بشقاب ، صراحی ، قاشق ، سماوار ، آبخوره ، آفتابه ، لگن و غیره از طلا و نقره درست میشد. صنعت این زرگران باندازهٔ ترقی نموده بود که میتوان گفت با کار زرگران دنیا همسری میکرد و همین زرگران است که در صنعت زرگری رول مهمی بازی نموده شاگردان شان تاحال شهرت بسزائی دارند. کار های دستی این زرگران خیلی نفیس وقابل دید است و باید متذکر شد که این صنعت موجودهٔ زرگری برای ما به صرف ملیونها روپیه نصیب گشته است. علاوتاً این حرکت در نجاری ، معماری و خیاطی و رنگمالی هم دیده شده ؛ وی مثل پدر خود بزیر دست چند نفر انگلیس بعضی معماران و نجاران را و بزیر دست چند نفر استریائی که در وقت حرب عمومی فرار نموده و به افغانستان آمده بودند چند نفر رنگمال را داده بذریعهٔ ایشان چندین عمارت مثل قصر دلکشا و چهل ستون و زین العمارت درکابل وسراج العمارت وقلعهٔ السراج درجلال آباد و لغمان و همچنین سامان موبل و غیره را بصول اروپائی ساخت. ازین به بعد معماران ونجاران و رنگمالان در اثر ممارسات متمادی به طرز معماری و نجاری و رنگمالی اروپائی هم آشنا شده اندك اندك پیشهٔ خود را ترقی دادند همچنان چند نفر خیاط بزیر دست استاد خارجی به «مود» اروپائی هم آشناشده کم ، کم این مود را عمومیت دادند. نخست مثل برق، تیلفون وتلگراف هم در زمان وی بافغانستان

آمده آهسته آهسته وسعت یافته ترقی نمود. بعد از فوت امیر شهید حبیب‌الله خان با اینکه چند فابریکهٔ دیگری مثل فابریکهٔ گوگرد سازی سمنت سازی ، کار خانهٔ شیشه سازی روی کار آمد لیك بالعوض بعضی از شعب فابریکهٔ عمومی (ماشینخانه) بکلی لغو و اکثر آن ده چند خورد گردید یعنی اگر دریك کار خانه یك صد نفر کار میکرد (۱۰) نفر باقی ماند و همین دو سه فابریکه تأسیس یافته بود جز فابریکهٔ گوگرد سازی دیگر ان نتیجهٔ ندا ده سبب مصرف لکها روپیه گردید . و نیز شرکتی بنام شرکت رفیق و ریاستی بنام (تعدیل صنایع) روی کار امده تا اندازهٔ اشیای نفیس و خوبی ساختند وهم مکاتب خیلی خوردی بنام رسامی ، سمنت سازی شیشه سازی ، مهندسی تأسیس گردیده اما دیری از تاسیس این مکاتب نگذشته بود که جز مکتب رسامی یکی متعاقب دیگر از باعث نبودن لوازم واساس صحیح و اصول اساسی در همان آوان سقوط نموده هرکدام ازشاملین برای خود شغل جدا گانهٔ اتخاذ و نتوانستند که حتی مبادی صنعت را هم بخوبی بیاموزند چه‌رسد به اینکه در مسلك اعملی از خود نشان دهند ضمناً چند مؤسسهٔ مختصر فنی مثل اکسریز و دستگاه بسار کوچك را دیو تاسیس یافت که در زمان انقلاب اکثرا تلف و ار هم پا شیده شد . آمدیم بقسمت معماری ، نجاری ، حجاری، درین صنایع نسبت به زمان امیر حبیب‌الله خان‌شهید چیزی ترقی دیده میشود، معماران ، نجاران ، حجاران‌در اثر یك سلسله کار،تحت تعلیم و هدایات مهندسین وطنی و جرمنی ها و ایطالوی ها تا اندازهٔ کسب مهارت نمودند یك این فائدهٔ ما هم مثل فائدهٔ ما در صنعت زرگری است که در اثر

صرف پول بس زیاد که معادل چندین قیمت عمارات آن وقت است یك عده عمارات معدود بوجود آمده و یك عده معماران ، نجارها حجاران ما باصول تعمیر جرمنی ، ایطالوی آشنا شدند . در زمان انقلاب اخیر فابریکه ها وکارخانه هائیکه از سابق باقیمانده بود اکثراً برهم و خراب شده پرزه ها و اکثر اسباب آن بدست هر کس و ناکس افتید. از زمانیکه نابغهٔ بزرگ وطن اعلیحضرت فقید شهید (رح) سریر آرای سلطنت افغانستان شدند بر وفق دیگر امور معارف ، عسکری ، اقتصادی و . . . و غیره، صنعت وفنون هم آهسته آهسته سراز نوجان گرفته مانند طفل شیرخواری مجدداً به پا ایستادن شروع کرد . فابریکه های برهم و خراب حکومتی مجدداً تکمیل گردیده علاوه برتوسیع فابریکهٔ عمومی نساجی فابریکه های جدیدی مثل کارخانهٔ ترمیم موتر و بسته کاری ، دو کارخانهٔصابون سازی، کارخانهٔ سنگ لاجورد ، کارخانهٔ تیل کشی از نباتات ، کارخانهٔ نجاری مرکز وکارخانهٔ نجاری دارالفنونٌ ، کارخانهٔ اساسی جراب و بنیان بافی ، کارخانهٔ دکمه سازی . . . و غیره کارخانه ها با بسی موسسات قیمتدار دیگر تاسیس گردیده وسائل تشویق و ترغیب صنعتکاران از هر سو مهیا گردیده و با اهل صنعت بسی مساعدتها بعمل آمد . برای اصلاح و بهبود صنایع نفیسه ، مکتب صنایع نفیسه به اصول خیلی خوب و اساسی تأسیس و جهت ایشان معلمین لایق داخلی وخارجی استخدام شدکه اکنون در بعضی شعب صنعت تاثیر این مکتب را بطور بارزی مشاهده میکنیم ـ گذشته از ین درقسمت فنون ومعماری ، نجاری ، حجاری هم نهضت جدیدی دیده شده بسی عمارات عظیم الشان تعمیر و یك تعداد معماران ، نجاران ، حجاران

بالعمل بصورت بهتری کار آگاه گشتند علاوتاً مدیریتی باسم مدیریت عمومی فابریکات در وزارت فوائد عامه تشکیل شد تا در راه ترقی فابریکات وصنایع وطن خدمت کثیری نماید چنانچه تا اکنون مصدر خدمات خوبی شده است. همچنین در همین زمان راجع به تیلفون و تلگراف اصلاحات خوبی بعمل آمده سلسلهٔ تلگراف و تیلفون در بسی ولایات و اطراف تمدید شد. خلاصه در زمان این پادشاه ترقیخواه، افغانستان با وجود مدت بس قلیل، گامهای وسیعی بسوی ترقی صنعت برداشت. در زمان خلف الصدق وی اعلیحضرت جوان بخت معظم المتوکل علی الله همه پلان ها و پروژه های آن فقید شهید یگان یگان تطبیق شده از اثر آن روز بروز تطور بزرگی در امور صنعتی به فنی دیده میشود. در بن زمان بر علاوهٔ توسیع و اصلاح فابریکهای بزرگ سابقه مثل فابریکهٔ بزرگ پشمینه بافی قندهار، کارخانهٔ بزرگ نخ تابی و پارچه بافی جبل السراج کارخانهٔ عصری پخت حرم، کارخانهٔ پشمینه بافی قندهار، کارخانهٔ کنسروه (حفظ میوه) کارخانهٔ سنگتراشی، کارخانهٔ دباغی مزار، ماشین برق قندهار، ماشین برق هرات، مزار شریف، چهاریکار، ماشین دیزل ماشین خانهٔ کابل، ماشین جدید برق جهت جبل السراج .... و غیره در همین زمان سعادت اقتران روی کار آمده است که جز کارخانه کنسروه و چرم گری و یخ سازی دیگر همهٔ آن از طرف حکومت تاسیس یافته. بر علاوه بسی فابریکهای دیگر مثل فابریکهٔ بزرگ نساجی که دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی است و فابریکهٔ چرم گری و نجاری جدید ما ورای سه فابریکهٔ نجاری سابقه با استیشن بزرگ تلگراف، رادیو، اکسریز (به استثنای اکسریز سابقه) و.... و غیره در

شرف تکمیل و تورید است که عنقریب از ین ها استفاده گرفته خواهدشد. ضمناً روز بروز به مکتب صنایع توجه شده معلمین لائق استخدام و شعبات آن وسعت یافته میرود. همچنین در امور عمرانی نرقی محسوسی دیده شده میرود. برای صلاح امور عمرانی علاوه بر مدیریت عمومی تعمیرات و مدیریت مهندسی و شعبهٔ مهندسی ریاست بلدیهٔ کابل ودیگرولایات که دارای مهندسین لائق بوده برای تعمیر اصولی های تخت و باقی بلاد و طن خدمت میکنند در مرکز شرکتی باسم (شرکت عمران) تشکیل ودران مهندسین لائق و مقتدری موظف گشته اند تانهضت عمرانی را تسریع نمایند این ریاست علاوه ازاینکه یك سلسله عمارات را تعمیر ونگرانی میکند حسب‌هدایات منخصصین آن ، معماران ومهندسین دیگرهم بصورت بهتر وجدید تر کار آگاه میشوند. از ین هم گذشته بعضی اصولات Protection (محافظت صنایع ملکی) هم مثل منع صادرات اثاث‌البیت (چوکی‌میز ، الماری‌وغیره) وقالین و غیره و غیره ، تزئید محصول‌برصنایع‌خارج وتشویق وترغیب جهة ساختن شرکتها ، دادن انعام درجشن‌ها ، اعطای تقاوی هم بعمل آمده که این هم نوید آتیهٔ درخشانی رابوطن پرستان میدهد. ازهمه بیشتراقدامتیکه راجع بتاسیس کارخانهٔ بزرگ برق‌آبی‌بقوه ۳۰۰۰ کلیوات برای تسویر کارخانه جات‌آتیهٔ‌که درکابل تاسیس‌میشودواقدام به تورید کارخانهٔ سمنت‌سازی (غیراز کارخانهٔ سابقه) و کارخانهٔ قندسازی‌ازلبلبو (غیرازکارخانهٔ قندسازی مرمت طلب که از نیشکرقند میسازد) کارخانهٔ ساخت پنبهٔ هیدروفیل برای شفاخانه‌ها وغیره مؤسسات‌فنی وکارخانه های‌صنعتی‌دیگر باقراردادیکه راجع به‌تیل نفت‌هرات‌باشرکت (اینلیندا کمپلوریشن کمپنی)

و قرار داد معاهدهٔ جنوب که با یك شرکت المانی شده مارا بیشتر مسرور میسازد . خلاصتاً باید گفت که درین عرصهٔ ۹ سال حکومت ترقیخواه نهضت پسند ملت پرورما باوجود مدت قلیل درراه صنعت وفن هم خدمت قابل‌قدری نموده است که اولاد موجوده و آتیهٔ وطن باوجود مرور قرنها این خدمات ایشان را نیز فراموش نخواهند کرد .

فنون و صنایع موجودهٔ ملکی

قسمت مادی

صنایع متعلقه به منسوجات و پوشاکه

دراثر اقدامات جدیدهٔ حکومت موجوده صنعت نساجی روز بروز اصلاح شده و روبترقیست و این صنعت را از نخست به دو قسم تفریق میتوان کرد (۱) نساجی بذریعهٔ ماشینهای برقی (۲) توسط آلات وکارگاههای دستی . کارخانه هائیکه بذریعهٔ ماشینهای برقی فعلاً مصروف کار و تدارك منسوجات اند عبارت از فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار، فابریکهٔ تختابی و پارچه بافی جبل السراج و فابریکهٔ نساجی کابل است که اینك تایك اندازه راجع به آنها معلومات میدهیم :

فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار :

این فابریکه از جملهٔ فابریکه های جدیدالتاسیس بوده دارای بهترین وجدیدترین ماشینهای شست وشوی پشم، خشك نمودن وتاب دادن و بافت و غیرهٔ اتو ماتیکی است که هر نوع نکهٔ پشمی بکمال نفاست ولطافت ازان بیرون میشود . این فابریکه درین نزدیکی شروع بکار نموده در عرصهٔ کمی بخوبی میتواند که یك قسم احتیاجات عدهٔ

کثیری ازاهالی افغانستان‌را رفع وضمناً منافع کثیری بدست آرد .
تعداد مجموعی ماشینهای این فابریکه تقریبا بالغ به (٦٠) میشود .

فابریکهٔ نختابی و پارچهٔ بافی جبل السراج :

این فابریکه نیز از جملهٔ فابریکه های جدید التاسیس است که بدورهٔ فرخندهٔ اعلیحضرت المتوکل علی الله تاسیس یافته . این فابریکه دارای (٧٨) پایه ماشین اتوماتیکی عصری بوده ازپنبه‌های وطن که خوبی آن دردنیا شهرت بسزائی داشته ودراکثر نقاط افغانستان به یك پیمانهٔ خیلی زیادی بدست میآید نخ وپارچه‌های خوب نخی‌ازقبیل : جیم کشمیره‌ها تسرنخی ، چیت مخصوص به یك پیمانهٔ زیادی تهیه میکند. این فابریکه تقریبا مدت ٥ ماه‌است که تکمیل گردیده شروع بکارنموده‌است تکه‌های این‌فابریکه ازاکثر تکه‌های نخی خارج تفوق ومزیت‌دارد. درهمین زودی ها محصولات آن در بازارهای وطن آمده گرمی بازار یك تعداد منسوجات نخی خارج را به برودت مبدل خواهد ساخت .

فابریکهٔ نساجی کابل :

این‌فابریکه مدت زیادیست بکارانداخته‌شده روز بروز اصلاح و بزرگ شده‌رفته. حاضراً یك‌فابریکهٔ پس‌مفیدی بوده به‌یك مقیاس‌زیاد تکه های گرم زمستانی وبهاری ازپشمهای وطن‌تهیه‌میدارد. این فابریکه هم‌شعبهٔ شست‌وشوی، خشك کردن وریسیدن و بافت وغیره علیحده دارد. تکه‌های آن بصورت عمومیه به‌سه‌نوع تقسیم‌میشود : اعلی، اوسط ، ادنی ، تکه‌های اعلای آن از اکثر تکه های خارجی ممنوعش برتری دارد . ماشینهای این فابریکه نیز برقی‌میباشد .

علاوه برین فابریکه ها یك‌فابریکهٔ بزرگ دیگر نساجی که دارای

(۲۰۰۰) دستگاه عصری اتو ماتیکی است قریب ۲ سال میشود که از طرف شرکت نساجی خریداری شده معطل تکمیل پارهٔ ازامور است که ان شاءالله بطرف یکنیم سال آینده کار آن تمام شده بکار شروع خواهد کرد.

فابریکهٔ بنیان وجراب بافی:

این فابریکه ازمدتیست که جاری بوده انواع بنیانهای مردانه وزنانه، حرابهای مردانه، دستمالهای گردن از پشم خالص وطن بصورت خوب ونفیسی میسازد که ازاکثر امتعهٔ خارجی بهتر ونفیس تر وبا دوام تر است. این فابریکه دارای ۱۶۵ پایه ماشین برقی بوده یومیه محصولات زیادی میدهد. شعبهٔ پشم ریسی فابریکهٔ پشمینه بافی قندهار عقریب درقسمت تهیهٔ پشمهای باریك ولطیف این فابریکه خدمت خوبی نموده بقیمت نازلتری امتعهٔ درجهٔ اول وخیلی اعلای آن دربازار خواهد بر آمد. امتعهٔ این فابریکه بیشتر درمغازهٔ مخصوصهٔ مدیریت فابریکه‌های عمومی بکثرت وجود میشود.

آمدیم بقسمت دوم یعنی نسج بذریعهٔ کارگاهاو آلات دستی؛ صنعت نسج بذریعهٔ کارگاهای دستی درا کثر نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد. بذریعهٔ این کارگاها کشمیرهٔ نخی وپشمی تیکه درحبل السراج ومشرقی و کابل میبافند اکثراً ازنکه های بافت ماشین فرقی ندارد نقصی که مشاهده میشود تنها قلت استحصال است نسبت بزحمتکشی وصرف وقت. دربین تکه‌های پشمی تیکه بذریعهٔ کارگاهای دستی بافت میشود تکهٔ کرك، قاقمه، بشرویه، برك، شهرت زیادتری دارد. کرك و برك خیلی مضبوط و گرم و با دوام است حتی دیده شده که بیشتر از ۱۰ سال هم باوجود استعمال زیاد دوام کرده است. این دوتکه جهة کرتی، برجس، بالاپوش استعمال میگردد کرك درهرات ومیمنه وبرك درعلاقه‌جات مرکزی، غزنی، سمت شمالی کابل ونیز هرات بهیك اندازهٔ

زیادی برنگ های مختلف بصورت خوبی بافته میشود ، تکهٔ قدمه یك تکهٔ نازك ونفیس وبریشتهٔ پشمی استکه نخ آن دراثرتاب دادن زیاد حون نخ پنبه‌ئی باریك وعاری ازموهای برجسته میگردد . ازین تکهٔ خوب ونفیس اهالی کرتی ها ، واسکت ها ، چین های بهاری میسازند بافت آن بیشتر درهرات ، مزار ، قطغن وبدخشان صورت میگیرد رنگ آن مثل کرك وبرك مختلف است . بشرویه یکی ازقسم های نازك ولطیف کرك است که ازان مردم کرتی ، چمن ، پیراهن های زمستانی میسازند . گذشته ازین درشغنان ، نورستان ، سمت جنوبی ، پنجشیر بعضی تکه‌های مثل برك بذریعهٔ کارگاهای دستی میبافند که اکثراً ازان چپن ها وچکمن ها (۱) ساخته میشود .

درحصص مرکزی ، نورستان وسمت شمال مملکت شالهای مختلف کرکی ودرکابل واستالف پتوهای مختلف بافته میشودو بالخاصه پتوهائی نفیس کابل خیلی‌ها قابل تعریف بوده به یك پیمانهٔ زیاد بخارج بفروش میرسد .

تکه های ابریشمی :

بذریعهٔ کارگاهای دستی ازابریشم های وطن درکابل،هرات ، جلال آباد سمت شمالی قناویزهای خوب ، کیش بافها ، تسر ، لنگی‌های سر، روجائی، دستمال . . . وغیره بافته میشود لیك تکه هاواشیائیکه در کابل وهرات ساخته میشود ازهمه نفیستروبهتربوده فروش آن به یك پیمانهٔ محدودی درخارج هم‌صورت میگیرد . قناویز ولنگی‌های سرکه مطابق لنگی‌های یزدی ،بل بمراتب بهتروخوبتر ازان است بیشتر تکه های قابل تعریف میباشد یك قسم تکهٔ ابریشمی دیگری درحصص قطغن وبدخشان به اسم الچه

(۱) چکمن نوع لباس است که اکثراً مردم سمت جنوبی آنرا بعوض کرتی استعمال میدارند .

بافته‌میشود که دارای الوان مختلف بوده اهالی مزار وقطغن بیشتر ازان جین های اعلی میسازند . علاوتاً درجلال آباد لنگی‌های سرشانه که حواشی آن مزین باابریشم های ملون است بصورت خوبی میبافند .

نسج امتعهٔ نخی :

کشمیره‌های مختلف ، تسر ، چادرشب‌ها ، لنگی‌های سر ، لنگی‌های سرشانه ، روجائی‌ها ، دستمالهای دست ، کرباسهای اعلی وغیره به یك اندازهٔ زیاد ازینبه های تابدادهٔ وطن ونخ‌های خارج درا کثر نقاط افغانستان و بالخاصه جبل السراج و نواحی کابل ،مشرقی بافته میشوذ . لنگی‌های سرنخی که درجبل السراج وجلال آباد ساخته‌میشود مطابق لنگی‌های شاوریست علاوتاً درمشرقی یك نوع لنگی‌های سرشانه باحاشیه‌های مخصوص ازنخ تیارمیکنندکه مورداحتیاج اکثر اهالی مشرقی میباشدو نیز در حصص شمال وطن تکه‌هائی به اسم الچه ازنخ به الوان مختلفی (رهدار وغیررهدار) بکثرت تهیه میدارند بعضاً گلابا تون وابریشم ونخ راملخلوط نموده تکهٔ خوبتر ونفیس تری بوجود میآرند

انواع بافت بذریعهٔ آلات دستی :

به استثنای کارخانهٔ بنیان وجراب بافی ، دربسی نقاط افغانستان بکثرت زنهاومردهاوجود داردکه بذریعهٔ ماشین خورد دستی و کرشنیل وسیخ‌ها مصروف بافت انواع امتعه اند. چنین امتعه بصورت عمومی عبارت ازسه قسمت است ، پشمی ، سندی ، نخی ، قسمت پشمی آن به دوتفریق است . امتعهٔ که دران پشم تاب دادهٔ الات دستی (که بذریعهٔ چرخه وچیلك تاب میدهند) وامتعهٔ که با پشم تاب دادهٔ ماشین بافت میشود . امتعه ئیکه بذریعهٔ پشم اول الذکر بافته میشود قدری کلفت ودرشت است اما امتعه ئیکه ازپشم موخرالذکرساخته میشودخوب و نفیس بوده

اکثراً ازامتعهٔ تجارتی اروپائی پس نمیماند . بصورت عمومی امتعهٔ پشمی عبارت ازبنیانهای مردانه وزنانه ، جرابها ، دستمالهای گردن ، کلاها وغیره میباشد ، آمدیم به امتعهٔ سندی،امتعهٔ سندی عموماً ازسند هائیکه ازخارج میآیدبافته میشود واین عبارت ازجاکتها ، رو پطلوسی ها ، سرمیزی های گلدار ، کلاها ، چادرهای گل داراست . امتعهٔ نخی منحصر به جراب ، کلاه و پیراهن هامیباشد . این صنعت روزبروز در بین مردم رواج پیدا کرده میرود. هرگاه اشخاصیکه بذریعهٔ دست جراب و پیراهن میبافند نیز تهیهٔ ماشین خورد دستی را بنمایند استفادهٔ ایشان بمراتب بلند خواهد رفت . این صنعت بیشتر درکابل ، هرات ، قندهار سمت شمالی ، مشرقی ، علاقه جات مرکزی، مزار رواج دارد .

بوت و موزه دوزی :

این صنعت درین اواخر ترقی خوبی نموده روز بروز دیده میشود که بازار چنین امتعهٔ خارج سمت واموال وارداتی شان ازسالی بسالی میماند حاضراً فابریکهٔ به اسم فابریکهٔ بوت دوزی درحصهٔ زنده بانان کابل وجود دارد که بذریعهٔ یك تعداد ماشینهای برقی و دست دوز روزانه ۸۰ جوره بوت رقم سائزی و ۷۰ جوره موزهٔ اعلی واوسط وچیزی بوت خاصه تهیه میدارد. علاوتاً یك عمارت جدیدی هم برای فابریکهٔ جدید بوت دوزی تعمیر و یك تعداد ماشینها تهیه شده که چندی بعد مابقی کار آن تکمیل گردیده شروع بکار خواهد نمود. درشرکت ودکانهای شخصی کار اکثراً بذریعهٔ دست است، تنها رویهٔ بوت وموزه و غیره وا بذریعهٔ ماشین های که بذریعهٔ پا و دست چرخانده میشود میدوزند. دراین صنعت کاران ازعهدهٔ دوختن هر نوع بوت وموزه وغیره

برامده کار را بکمال نفاست وخوبی میکشند . اکثر بوت وموزه های ساخت وطن از بوتهای کم دوام تجارتی خارج بمراتب برتری و مزیت دارد ـ درین صنعت بوت دوز های کابل وقندهار شهرت بیشتری دارند . نمرهٔ دست همین صنعت کاران است که احتیاج یك طبقهٔ ریادرا تدارك میکنند . از ۱۰ هزار یك نفر خواهد بود که ازین قبیل مستحصلات وطن استعمال نکرده امتعهٔ خارج را ترجیح دهد. طوریکه در فوق به ان اشاره رفت بوت دوزهای وطن نهابوت وموزه تهیه نکرده بوت موره ، گیس ، بوت نیم ساق و ساقدار ، سلیپر مسیح سربائی ، چپلی . . . . هم بیك تعداد زیاد اعمال ودرمعرض فروش میگذارند . خلاصه این صنعت یکی ازصنایع ترقی یافتهٔ وطن است لیك نقصیکه دران وجود دارد همین اتحاد انفرادی صنعتکاران باراز وعدم توجه به تاسیس شرکتهائیست که از عهدهٔ تولید ماشین های برقی بر امده بتوانند. اگر به این هم موفق شوند دراینده قریب میتوانند که بمقابل امتعهٔ خارجی که محصول ماشین های بزرگ است در بازارهای خارج نبردآزما گردند. گرچه شرکتی بنام « شرکت رفاه » تأسیس وچندی از کار یگر ها جمع و رونقی بکار بخشیده اند لیك از باعث قلت سرمایه نتوانسته که ماشین‌های لازمهٔ برقی تولید و درجهٔ مستحصلات خود را به اندازهٔ که ازواردات خارج بی‌نیازی حاصل شود ، بلندبرد .

پیزار دوزی :

این صنعت از ادوار تاریخی در ین مملکت رواج داشته حاضراً هم مثل بوت وموزه بهیك پیمانهٔ خیلی زیادی اعمال میگردد . صورت ساختمان پیزارها بهاین طریق است که اکثراً چرمهای گاوی و

گاو میشی و آهوگی را گرفته بصورت چپه و بعضاً راسته بصفائی بطرز مخصوصی دوخته به آن پسکی دراز تر از نیم ساق و بینی چپه داده تلی های مضبوط و محکمی را ضم و در وسط رویهٔ آن جری میکشند. پیزار ها جون بوتهای جیر حاجت برو غن و جلا نداشته بدون استعمال هیچ نوع مواد شحمیه چندین سال دا شت ودوام دارد بعضا بروی پیزار ها از ابریشم و بعضا هم از گلا باتون گل هم میدوزند این صنعت در تمام جلال آباد ، کابل ، غزنی ، قندهار ، هرات بیشتر رواج دارد.

پوستین دوزی :

اکثراً پوست بره ، روباه ، خفك ، سگ آبی، قره گلی. . . . وغیره را گرفته بعد ازدباغی بصورت مخصوصی جهت خنك های زمستان پوستین و پوستینچه های اعلی وخوبی میسازند. نظر بهدیگر پوستها ازپوست بره بیشتر پوستین تیار میکنند. مهمترین مراکز پوستین دوزی،غزنی، هرات ، سمت شمالی (اسنالف وچهار یکار) ، کابل (زنده بانان وبی بی مهرو) میباشد. دراین مواضع پوستین به یك اندازهٔ خیلی زیادی ساخته شده دربازارهای داخل وخارج بفروش میرسد. پوستین های غزنی درهمه جاشهرت بیشتری دارد . این صنعت روز بروز اصلاح شده اکنون مطابق ذوق هرنوع مشتری بقسم یلان ، بالاپوش وغیره نیز میسازند اکثراً پوستین های بره ئی را که در روی آن رویهٔ از تکه گرفته نمیشود بادوخت ابریشم های نارنجی وزرد مزین میکنند . به استثنای پوستینهای که درفوق بدان اشاره رفت ودرین مملکت به کثرت وجوددارد ازپوستهای سمور ، خز ، آلتای . . . هم پوستین های نفیس وخوبی

میسازند . خلاصه این صنعت با کمی اصلاحات فنی یك صنعت خیلی قیمتدار شده بخوبی میتواند که دربازار های مناطق بارده و معتدله مشتریهای بس زیادی پیدا کند .

خیاطی :

درخیاطی از زمان امیرعبدالرحمن خان تجدد دیده میشود و مشارالیه یك عده خیاطها را برای کار شخصی خویش بزیردست یك نفرخارجی داده وادارشان به آموختن خیاطی جدید نمود . همچنان امیرحبیب الله خان نیز خیاط خانهٔ شخصی تحت اثر یك نفرخارجی داشت که اکثرخیاطها ازان استفاده نموده اند. ازهمین تاریخ است که بعضی خیاطهای وطن ، «مود» اروپائی هم آشنا شده آهسته آهسته آنرا عمومیت دادند. حاضراً بسی خیاطهای ماهری در وطن وجود دارد که از عهدهٔ دوخت هر نوع لباس اروپائی و ملی بخوبی بدر شده میتوانند . تمام خیاطهای وطن جز امور یکه ازماشین ساخته نیست قسمت زیاد دوخت خود را ذریعهٔ ماشینهای دستی خیاطی اجرامینمایند . در سنهٔ گذشته برای زیادت خیاطهای خیلی ماهر ومتخصص، صنفی برای خیاطی درمکتب صنایع نفیسه ایزاد گشته که دران به اندازهٔ ٤٥ نفر طلبه بزیر دست یك نفر متخصص وطن مصروف تعلیم خیاطی اند .

کلاه دوزی :

کلاه دوز ها دوقسم اند ، کلاه دوزهائیکه کلاهی رقم عسکری ومامورین ملکی ازقبیل قره گلی ، پیری ، شاپو ، کاسکت میسازند و کلاه دوز هائیکه کلاهای فتیله ئی قرص مردانه و زنانهٔ سیم دوزی تیار میکنند کلاه دوزهای اول الذکر ازعهدهٔ ساخت هرنوع کلاه

بدر شده بسی کلا های قشنگ و نفیسی میدوزند این نوع کلادوز ها بیشتر در کابل و دیگر شهرهای مهم وجود دارد . کلا دوز های موخرالذکر هم در رقم کار خود ماهر بوده انواع کلا ها ی قرص وسیم دوزی وغیره میدوزند . درساخت کلاه قرص وسیم دوزی کلاه‌دوزها وعرقچین‌دوزهای‌قندهار وکابل‌ودردیگر نوع کلا های فتیله‌ئی وغیره مزار ، قطغن وبدخشان ، مشرقی ، هرات‌وکابل‌شهرت ومهارت بیشتری‌دارند. این‌قسم دوم کلاه‌وعرقچین دوزی اکثراً مشغلهٔ زنهاست

دکمه سازی :

جهته ساخت دکمه های مختلف شاخی خورد ، وسط و کلان یك کارخانهٔ درکابل موجوداست که بذریعهٔ ۱۵ پایه ماشین برقی‌ومتخصص وکار گرهای وطنی ازشاخ گاو ، بز و شنگل های گوسفند و غیره دکمه های خیلی خوب وقشنگ مثل دکمه هـای شاخی خـوب و نفیس خارج میسازند . این کارخانه از۸ سال باینطرف مصروف کارمیباشد علاوه برین درشعبهٔ ریزه کاری ماشینخانهٔ عمومی دکمه های برنجی محراب ومنبردار وردکانهای‌ریخته‌گرها دکمه های برنجی ساده به یك پیمانهٔ زیادی اعمال میگردد

صنایع متعلقه بمفروشات

قالین‌وقالینچه :

این صنعت مثل صنعت حجاری یك صنعت خیلی مشهـور قدیمی است . حـاضراً در افغـانستان انـواع قـالین هـای منقش و زیبـا که ازحیث دوام وپخته گی‌رنگ ونفاست‌باتمام قالین های اعلای دست

بافت دنیا همسری میکند بذریعهٔ کارگاهای دستی ازپشم های متنوعهٔ وطن به یك پیمانهٔ خیلی زیادی بافته میشود . این صنعت به‌اعتبار اکثریت مشغولیت وپیشهٔ خانمهاست . مشهورترین قالین وقالینچه های افغانستان قالین وقالینچه های دولت آبادی ، قزل‌ایاقی ، آقچه ئی ، کرخی ، کابلی (۱) وغیره میباشد لیك ازهمهٔ اینها قالین ها وقالینچه های دولت آبادی بهترونفیس تراست زیراهمان قالین موری (مروی) که سابقاً درمروساخته میشدا کنون بهمان نفاست توسط همان صنعت کاران دردولت آباد افغانستان بکثرت اعمال میگردد . صنعت قالین برعلاوهٔ مواضع فوق الذکردرفراه واسفزار . . . وغیره جاهای هرات وقندهار بکثرت وجود دارد لیك باعتبار اکثریت باقالین و قالینچه های مواضع فوق الذکر حه از نقطهٔ نظر بافت وحه از نقطهٔ نظر رنگ همسری کرده نمیتواند .

اکثرقالین های افغانستان به‌اندازهٔ بادوام ومضبوط است که باوجود استعمال دائمی الی ۱۰۰ سال هم دوام دارد . درظرف این مدت در رنگ های پختهٔ آن نیرتغیری رخ نمیدهد .

مستحصلات قالین به اندازهٔ زیاد است که قسمت زیاد آن در داخل ویك قسمت آن درخارج بفروش میرسد . این صنعت‌روزبروز روبترقی بوده سالانه یك‌تعداد صنعت کاران ماهر چه ازمکتب صنایع نفیسه وچه از زیردست صنعت کاران دیگرخارج میشود .

گلیم :

گلیم درافغانستان یك فرش عمومی بوده به یك پیمانهٔ خیلی‌زیادی

« ۱ » درکابل ازطرف طلاب مکتب صنایع نفیسه وفارغ التحصیل‌های آن مثل قالین وقالینچه های ایرانی مفروشات نفیس ساخته میشود .

ساخته میشود . این صنعت هم یك صنعت قدیمی بوده باچیز ی تغیر و ترقی تاحال دوام نمو ده است صورت بافت آن مثل قالین ذریعهٔ کارگاه دستی بوده نظیر به قالین سهل‌تر بافته میشود . مشهورترین ونفیس‌ترین گلم‌ها گلم‌های : حصص شمالی ، مقری ، اندری ، فراهی ، هراتی میباشد . بعض گلم های فرمایشی بزرگ فراهی ، قاقمه‌ئی ، مزار ی هراتی به اندازه ۴۰۰ و ۵۰۰ افغانی هم قیمت دارد . برعلاوهٔ مواضع فو ق درحصص سطح مرتفع مرکزی ، غوربند ، سمت شمالی کابل ، غزنی وغیره هم به یك پیمانهٔ وسیعی گلم میسازند لیکن این گلم ها اکثر بدرجهٔ دوم وسوم است . دربین گلم های قاقمه‌ئی ، مزاری ، فراهی مقری و غیره آ نطور گلم های مضبوط پیدامیشود که بیشتر از ۳۰ ۴۰ سال دوام دارد اگر از طرف کارگرهاقدری دقت بعمل آمده درطرز ورنگ آن ذوق وسلیقه بخرج دهند این صنعت بیشتر ترقی یافته مشتریهای خارج را زیاد تربسوی خود جلب خواهد نمود .

چنانچه اخیراً صنعت گلم بافی درمحبس عمومی باصول صحیح ترقی کرده واز لحاظ مضبوطی ساخت وخوبی رنگ ونفاست خود خیلی جالب توجه واقع شده است

شطرنجی :

شطرنجی یك فرش بهاریست که از نخ های تابداده بذریعهٔ کارگاه دستی بصورت گلم نازك ، بافت ودربهار بعوض قالین وگلم استعمال میشود . این صنعت درجبل السراج ، شتل ، سالنگ ، مقر بکثرت وجود دارد مستحصلات آن عبارت ازفرش خانه سرچهار پائی ها جانماز ها میباشد باین نوع سطرنجی ها ابتداءً درزمان امیرعبدالرحمن خان توجه بعمل آمده مشارالیه یك کارخانهٔ سطرنجی بافی تأسیس نمود که دران

به الوان و اقسام مختلف سطرنجی بافته میشد . اینك در محبس عمومی یك شعبهٔ سطرنجی بافی در جملهٔ دیگر شعب صنعتی از طرف حکومت متبوعه تأسیس یافته که محبوسین بکمال ذوق وشوق این صنعت را آموخته کار میکنند .

نمد :

بمثل قالین وگلیم وغیره کارگاه نداشته بذریعهٔ فشار و مالش های متمادی وزیادیك فرش گرم برای خنك های زمستان تهیه میدارند این صنعت بیشتر درهرات ، قراه ، قندهار ، وردك ، حصص سطح مرتفع مرکزی وجود دارد . نمد آبداری هرات که آن را نمد کرکی هم میگویند که نفیس ترین وخوبترین نمدهای افغانستان است . بعد ازین ، نمدهای سه تکه ئی هرات و ازین بعد تر نمد های سه تکهٔ قندهار سپس نمد های دیگر حصص میباشد .

برق و آلات مختلفهٔ برق

فابریکهٔ و ماشین های تولید برق :

چون برق در امورصنعتی موجوده دخل قوی دارد و آن بمثابهٔ روح صنایع بزرگ ماشینی است لذا درافغانستان ازچندیست که بدان توجه شده وروزبروز به ترقی وتوسیع دامنهٔ آن اهتمام میشود . قریب ۲۲ سال قبل سه ماشین آبی بقوهٔ ۱۵۰۰ کیلوات در جبل السراج نصب وازان یك قسمت اهالی شهر کابل و بعضی فابریکه ها استفاده مینمودند لیك رفته رفته ماشین های متعددی تولید ودامنهٔ آن تااندازهٔ وسعت یافت در حاضر برعلاوه سه پایه ماشین فوق الذکریك ماشین دیزل که بذریعهٔ

تیل تولید برق مینماید بقوهٔ ۲۲۰ کیلوات در ماشینخانهٔ کابل ، یك ماشین آبی بقوهٔ ۵۰۰ کیلوات در هرات ، ماشینی بقوهٔ ۳۰۰ کیلوات در قندهار ، ماشینی آتشی بقوهٔ ۲۵ کیلوات در مزار ، ماشینی آبی بقوهٔ ۲۰۰ کیلوات در پغمان و ماشینی بقوهٔ ۲۵ کیلوات در جلال آباد وجود دارد که ازتمام آنها جهة تنویروغیره بذریعهٔ متخصصین و کارگرهای داخلی و چند نفر مستخدمین خارجی کار گرفته میشود . بر علاوهٔ این ماشین ها در همین نزدیکی ها چند ماشین ترین جدید بقوهٔ (۹۶۰) کیلوات برای فابریکهٔ برق جبل السراج وارد شده است . گذشته ازین چون کار خانه های متعدد دیگری در نظر است بکار افتد فابریکهٔ مالك ماشین های چند بقوهٔ (۳۰۰۰) کیلوات برای مقام وردك که کار تعمیر آن جاریست وماشینی بقوهٔ (۴۵) کیلوات برای جهاریکار تهیه دیده شده که عنقریب ماشین های آن وارد و بمواضع مذکوره نصب خواهد شد . خوشبختانه وجود آب فراوان و آبشار های قدرتی زیاد جهة انبساط کار خانه جات برق سهولت زیادی پیش کرده و بنابران ترقی آیندهٔ کارخانه جات برق که عامل درجه اول ترقی و توسعهٔ صنایع است یك امر یقینی میباشد .

تیلفون و تلگراف سیم دار :

تیلفون بهتمام ولایات وحکومتی ها وحتی علاقه داریها تمدید یافته روزبروز دامنهٔ آن وسعت یافته میرود ازین جمله اکثر سیمهای تیلفون و تلگراف سیمدار یکجا میباشد وبهمه نقاط مهمه مخابره میکند. حاضراً به اینندرجه تعمیم یافته که درشهر های مهم علاوه برتمام دوائر و شعب رسمی

شایقینیکه استعداد تادیهٔ محصول آن را دارند به یك تعداد زیادی بخانه ها و شرکت های خود تیلفون دارند. درین چند سال اخیر تیلفون های مرکز بصورت سیستم جدید «سنترل بیتری» وسیم های آن همه « کیبل » زیر زمینی شده امور مخابراتی ذریعهٔ تیلفون به یکصورت بسیار منظم و خوبی جریان یافته است . برای مخابرات (شخصی) محصولی هم تسهیلات خوبی فراهم گردیده هرشخص بتادیهٔ محصول خیلی جزئی بدور ترین زوایای مملکت شخصا مخابره میتواند برعلاوهٔ تیلفون سیمدار یك نوع تیلفون بی‌سیم هم وجود دارد که از کابل باهرات ومزار ودایزنگی مخابره میکند. متخصصین وکارگرها اکثراً داخلی وفقط چند نفر خارجی میباشد .

تلگراف بی سیم :

فعلا بذریعهٔ تلگرافهای موجوده فیمابین کابل ، هرات ، میمنه مزار ، دایزنگی و ترمز (و توسط ترمز بدیگر نقاط خارج) و در صورت سقوط سیم تیلفون تورخم با پشاور بحروف (مورس) مخابره میشود. درصورت تکمیل کار مرکز مخابرهٔ متون (سمت جنوبی) که درهمین زودی ها تکمیل خواهد شد با آنجا هم مخابرهٔ تلگرافی جاری خواهد شد . برعلاوهٔ این ، یك استیشن خیلی بزرگ عصری درزیرکار است که جز کار نصب کردن « آیرل » آخذه وبعضی کار های جزئی ، دیگر امور فنی و تعمیر آن تکمیل شده که بعد از سه چهار ماه ان‌شاءالله با تمام نقاط دنیا بالخاصه اروپا و امریکا وآسیا مستقیما مخابره خواهد شد. متخصصین وکارگرهای تلگراف‌ها جز یك دو نفر خارجی دیگرها تماما داخلی میباشند که بعض در خارج و برخی در همین جا تحصیل کرده اند .

رادیو :

تا اکنون استیشن صحیح درافغانستان وجود نداشته ویك استیشن بسیار خورد مرسله که محض جهة شهر کابل در سابق وجود داشت درزمان انقلاب وطن بکلی از میان رفت. حکومت منبوعه از چندیست به تهیهٔ یك استیشن بقوهٔ ۲۰ کیلوات اقدام فرموده که عنقریب انشاءالله تمام لوازم آن تکمیل یافته شروع بکار خواهد نمود. برای نصب و ترمیم و رفع نواقص رادیو های که بدست اکثر اشخاص موجود بوده وازاستیشن های خارج استفاده میکنند چند نفر متخصصین داخلی وجود دارد که بسی رادیو های مرمت طلب را ترمیم و تکمیل مینمایند .

آلات مکبر الصوت :

چند دستگاه مکبرالصوت که اصوات را برای استماع یك جم غفیر ، بزرگ میسازد وجود داشته دراکثر نطق ها از ان استفاده میشود کارگران آن هم داخلی بوده در صورت خرابی بعضی حصص آن از طرف او شان ترمیم و تکمیل میشود .

لوازم برقی جهة معاینه و تداوی :

یك موسسه ازطرف حکومت درکابل وجود دارد که بنام «موسسهٔ اکسریز» یاد میشود این موسسه دارای چهار شعبه میباشد : اکسریز دیاترمی ، ویریوستاد ، کوارتس لمپ. اکسریز آن داری رادیو سکوپی ، رادیوگرافی ، رادیوتراپی است. اول الذکر برای معاینه ودومی برای گرفتن عکس اعضای داخلهٔ وجود وسومی برای معالجهٔ بعضی امراض مثل

سرطان وغیره میباشد . شعبهٔ (۲) که عبارت ازدیاترمی است برای تداوی روماتیزم، فلج وغیره تخصیص یافته و شعبهٔ سوم برای کمزوری وفلج دست ویا وشعبهٔ (٤) یعنی کوارتس لمپ جهته شعاع جلد و تداوی سالدانه و غیره میباشد . و هم یك دستگاه اکسریز در سا توریم وجود دارد که مریض های سل یومیه ذریعهٔ آن معاینه میشود کذا در دیگر شفاخانه ها و مؤسسات هم بعضی لوازم برقی وجود دارد که بعضی امراض را بذریعهٔ آن معاینه و معالجه مینمایند . بر علاوهٔ این ماشینها ولوازم برقی ، حکومت یك دستگاه مکمل وجدید ترین معالجات برقیه را خواسته است که بعضی لوازم آن رسیده ومابقی آن عنقریب وارد و بهذریعهٔ متخصصین وطن بمورد استفادهٔ اهالی گذاشته میشود .

صنایع معدنی

کشف و قرار داد معادن :

در افغانستان روز بروز بمعادن اهمیتی زیاد تری داده میشود بالخاصه درین اواخر توجه مخصوصی را جع به آن شده یك تعداد متخصصین لائق خارجی و داخلی مامور شده اند تا حتی الممکن معادن را کشف نمایندچنانچه تا کنون منجاوز از ۳۰۰ معادن مفیدهٔ متنوع کشف گردیده که نمونه های آن در موزیم وزارت تجارت موجود بوده و از چند آن استفاده هم شده است . علاوه برین درین زودیها راجع بهمعادن تیل هرات بهمراه کمپنی اینلینداکسپلوریشن امریکائی و راجع به معادن سمت جنوب باشرکت المانی که با شرکت افغانستان متفقاً کار خواهد نمود قرار داد شده چنانچه نماینده های ایشان

از چندیست که مصروف تحقیق و تتبع بوده عنقریب بصورت اساسی شروع بکار خواهند نمود .

حکاکی :

به نسبت وجود احجار کریمهٔ زیاد و قیمت دار، این صنعت مدتهاست که در افغانستان وجود داشته از اعها ولاجورد بدخشان ، یا قوت و سنگ شاه مقصود و غیره احجار نفیسهٔ دیگر حصص مملکت دانه ها وبعضی اشیاء خیلی نفیس میساختند. امیرعبدالرحمن خان چندنفر حکاکها را جمع نموده جهة کار شخصی خود داخل ماشینخانه ساخت ازین تاریخ به بعد حکاک های ماهری دوباره بوجود آمد لیك به نسبت عدم وجود ماشین نمیشد که ازمعادن به یك پیمانهٔ زیادی کار گرفته شود. حکومت موجوده باین موضوع ملتفت گشته تقریباً سه سال قبل باندازه ۱۵ پایه ماشین حکاکی احجار کریمه از خارج وارد نموده بکار انداخت که اینك آثار آنرا در بازار های وطن وخارج ملاحظه میکنیم. درین فابریکه اشیائیکه حکاکی میشود عبارت از سنگهای سرمیزی ، دستهٔ ناپه های مهر ، خاکستر دانیها، نگینه ها. و غیره، ازسنگ لاجورد ـ ونگینه های ریر گوشی ، انگشتر و غیره از معدن امتیست و یا قوت وغیره میباشد. حکاك.های قندهار و کابل که به ذریعهٔ آله های دستی کار میکنند نیز بعضی نگینه ها و قطیهای نصوار دماغ و سگرت و حتی پیاله و نعلبکی ، بوطلهای خورد ، سنگ های سر میزی و غیره از احجار قیمت دار بکثرت میسا زند بالخاصه حکاکهای قندهار تسابیح و غیره اشیائیکه از

سنگهای نفیس لاجورد ، سنگ شاه مقصود و غیره میسازند خیلی نفیس و بیمثل است .

زر شوئی:

این صنعت در قطغن و بد خشان بکثرت وجود داشته بذریعهٔ پوست های گوسفند و بز و غیره از دریای کوکچه بیشتر در ایام خریف بصورت مخصوصی ذرات طلا را جمع میکنند برعلاوه در کابل و بعضی شهر های دیگر افغانستان هم خاك شویهائی وجود دارد که ذرات طلا و نقره را از بین خاك ها و برادهٔ مس و غیره جدا مینمایند.اما سه سال پیش برای زرشوئی ماشینهای جدید خریداری و در ولایت قطغن بکار انداخته شده که ذرات طلا را بصورت فنی جمع آوری میکنند .

صنایع متعلقه بفلزات

زر گری:

این صنعت هم یك صنعت خیلی قدیمی بوده در معابد و مساجد بسی آثار قیمدار و نفیسی که در دیگر جاها مثل آن بندرت سراغ میشد وجود داشت. این نوع شاه کاریهای صنعت دردورهای اسلام بیشتر و بهتر از سابق بنظرها جلوه گر بوده اشیاء مصنوعهٔ اوشان باعث حیرت ناظرین میگردید در قرون اخیره این هم مثل دیگر صنایع رو بخاموشی گذاشته بود در زمان شهنشاه افغان اعلیحضرت احمد شاه دوباره شروع بحیات نوین نموده با وجود بعضی وقفه ها آهسته آهسته

ترقی نمود وحد انتهای ترقی آن در زمان امیر شهید حبیب الله‌خان بود چه وی ازباعث احتیاجات زیاد شخصی به‌این صنعت توجه خاصی داشت . اکنون بعضی از همان زرگران و بسی شاگردان شان وجود داشته در بازارهای شهرهای مهم افغانستان و با لخاصه کابل مصروف ساخت انواع زیورات نفیس وقابل دید ازقبیل گلو بندها دستواره‌ها ، طوق‌ها ، لاکت ها ، انگشتر ها و آویزه های گوش دانه نشان ومنقش طلائی و اشیا وزیورات قشنگ نقره‌ئی میباشند حتی اینها ازروی نمونهٔ کتلاك ازعهدهٔ ساخت بسی زیورات اروپائی وظروف که عمل آن بدست ممکن باشد بخوبی بدر شده میتوانند. گذشته ازین بعضی صندوقچه ها و قطی ها و سگرت دانی ها وغیره سامانهای ظریف وکارآمد منقش طلائی که در روی آن خطوط نقره بصورت نفیسی کارشده‌باشد میسازند. علاوهٔ سواد ومینا کاری هم ازدست‌استادان ماهرپوره بوده بخوبی میتوانند که دربالای بعضی اشیاء نفیس سواد ومینا کارکنند . تمام این کار ها بذریعهٔ دست وآلات دستی اجرا میشود . خلاصه زرگری موجوده نفیس بوده منتها اگر تشکیل شرکت های متعددگردیده وشرکت ها هم بعضی‌لوازم‌ضروری عصری را به پیمانهٔ زیاد تهیه وقدری تجدد وانتظام دیگرهم‌بدین صنعت نفیس بخشند، ترقی آن بایهٔ بلند رسیده بیشتر جلب‌توجه مردم راخواهد کرد .

صنایع فولاد وآهن :

صنایع فولاد وآهن از ازمنهٔ خیلی قدیم درین سر زمین باشهرت خوبی‌وجود داشته درهردورآلات واسباب مختلفی‌ازقبیل پیکانهای تیر

ژوبین ها ، سرنیزه ها ، خنجر ، تبرزین ، خود ، زره ، سپرها ، . . . وآلات شخم زمین وغیره بکثرت بوجود آورده میشد این صنعت در دوره های اسلام بیشتر ترقی نموده بعضی آلات دیگری جهت رصد خانه ها وبعضی اسلحه از قبیل کریح ها و غیره ساختند تاآنکه آلات ناریه اختراع و بساختن تفنگ های جقماقی ، فتیله ئی پتاقی دار ، قره بونه . . . واخیرا درسایه فابریکهٔ عمومی (ماشینخانه) به اعمال تفنگ های متنوع ، توپ ، کارطوسها ، شرپنل ، بم ها ، انواع باروتها وبعضی لوازم واسلحه دیگر موفق شدند که توضیح این نوع صنایع نظامی بمسلك مقالهٔ ما تعلق ندارد . آمدیم بدیگرصنایع فولاد وآهن ، حاضراً سه کارخانه نسبتاً بزرگ به استثنای کار خانه های مخصوص نظامی جهة صنایع فولاد وآهن وجود دارد : کارخانهٔ فولاد وآهن گری فابریکهٔ عمومی (ماشینخانه) ، کارخانهٔ موتر و بسنه کاری حکومتی وفابریکهٔ ترمیم موتر شرکت اسهامی . کارخانهٔ فولاد و آهن گری دارای یك تعداد لوازم ارقبیل وسائط ذوب ، حرادی ، آهن بری کوره . . . وغیره آلات وادوات ریخته گری وغیره بوده بسی سامان آهنی و فولادی نظر به احتیاجات و کار آمد میسازند ، در دوفابریکهٔ ترمیم موتر انواع موترها و برزه های شکسته ترمیم و تکمیل گردیده مالك سامان لیمکاری لوازم پرکاری آکومولاتورها وغیره آلات، وادوات لازمه ومتخصصین است .

علاوه برین دربسی نقاط افغانستان (کابل ، قندهار ، هرات ، مزار جاغوری ، لغمان ، غزنی ، چهاریکار . .) بعضی کارخانه های خورد خورد شخصی که بذریعهٔ وسائط بسیط ودست کار میکند موجود است

که دران انواع تیغ ها وآلات جارحه مثل حاقو ، قمه ، خنجر ، کارد پاکی ... و دیگر لوازم مثل مقراض ، ساتور ، بیل ، کلند تبر ، قسمت آهنی لوازم شخم زمین ، میخ‌ها ، آهن جامه های عمارات بعضی‌قفل های پیچی . . . وغیره بسازند لیك اشیاء قابل توصیف این کار خانه های خورد شخصی عبارت از چاقوها ، قمه ها وغیره آلات جارحه میباشد بالخاصه در اعمال آلات جارحه چهاریکار و چهار باغ وتیگری لغمان ، خاغوری وغزنی وشهر قندهار شهرت بیشتری داشته اکثراً این نوع مستحصلات اوشان از نقطهٔ نظر برش ومضبوطی و آبداری از بسی سامان نجارتی خارج مزین و برتری دارد . در همین‌حصص بعضی از آلات خورد ناریه هم ترمیم میگردد وبیز بعضاً تفنگ های شکاری دهن پر و بغل‌بر حربه‌ئی وکارطوسی در بعض از همین مواضع بصورت بسیط ساخته میشود .

درشهرهای مهم و حصهٔ خاغوری و چهار یکار کار خانه های خورد ، خورد شخصی نیز برای ترمیم عراده ها وجود دارد . با این‌هم درین قسمت صنایع فولاد و آهن کارگرهای ملی از باعث فر و گذاشت از شرکتها و عدم توزید لوازم ذوب ، خرادی وغیره سامان ریخته گری . . . عصری خیلی‌ها پس بوده تاحال نتوانسته اند که اکثر سامان فولادی و آهنی خارج رابواسطهٔ مستحصلات خود ازین خاك مانع شوند. بالخاصه ازنقطهٔ نظر فابریکه داری خیلی عقب مانده اند واین مسلم است که جز ازاتحاد واتفاق یك دسته کارگرهای صاحب ثروت ودیگر مستعدین از دست دیگر ها ساخته نیست .

اما بالمقابل‌حکومت متبوعه که‌همواره بفکر ترقی ونهضت های علمی

اقتصادی، صنعتی وغیرهٔ مملکت است اخیراً درمکتب صنایع یك صنف بزرگ دسته کاری تأسیس ومعلمین اروپائی وماشین و لوازم ذوب وغیره برای آنها خواسته که عنقریب در جوار فابریکه های خواجه ملای چهاردهی عمارت آن تعمیر و ماشین ها دران بکار خواهد افتاد و دران وقت بسیاری از آلات فلزی دستی و افزار ها وغیره وحتی بعض ماشینهای ساده و پرزه جات ماشین دران اعمال خواهد شد و احتیاجات ما را ازین ناحیه تااندازهٔ تقلیل خواهد داد.

صنعت مسکوکات

این صنعت مثل مجسمه سازی سابق افغانستان، یك صنعت خیلی قدیمی است چنانچه از مقالهٔ (مسکوکات افغانستان) این موضوع بخوبی فهمیده میشود. حاضراً در افغانستان یك فابریکه که دارای ماشین های ذوب، حلاجی، برش، ضرب و غیره لوازم است تحت ریاست ضرابخانه و جود دارد که حسب احتیاج و ضرورت مملکت یومیه طلا، افغانی، ۵۰، ۲۵، ۱۰ و ۵ پولی طوریکه در دنیا مروج است ضرب میزند (مسکوکات کاغذی اکثراً درمطبعهٔ عمومی و بعضی در خارج بطبع میرسدولی ماشین های طبع نوت تازه وارد شده است).

مسگری، برنج ورو کاری

این صنایع ازجملهٔ صنایع قدیمی افغانستان است که راجع به هریك آن آتیا معلومات میدهیم:

مسگری :

ظروف مسی عصر تعالی غزنو یها و غوریها که در موزهٔ کابل موجوداست بصورت واضح ترقی این صنعت را درایام سابق نشان میدهد . این صنعت درهرحصص افغانستان وجود دارد لیك مسگران قند ها ر کابل ، غزنی ، رستاق ، مشهور بوده بسی ظر وف و لوازم را مثل صراحی ها ، پطنوس های مشبك وپایه دار ، سماوارهای خورد وبزرگ جامها ، آفتابه لگن ها وانواع ظروف طعام خوری طشت ها ، آبدانها و غیره بذریعهٔ دست و آلات دستی بصورت خوبی و نفیسی میسازند برای اینکه ظروف تولید نیل طوطیا ننماید یعنی اززنگ زدن محفوظ بماند روی آن را بذریعهٔ قلعی ملمع میکنند . بعضا قسمت خارجی ظروف را صیقل نموده بدون ملمع میگذارند این صنعت روز بروز رو بترقی بوده اشیأ مصنوعهٔ مسگران رنگ ورونق بهتری گرفته میرود .

برنج کاری :

پلهٔ ترازوی برنجی که دارای اشکال بروج قمری وخط کوفی است وچراغ برنجی متعلق به قرن ٦ ﻫ ، وپایهٔ چراغ برنجی متعلق به قرن ٤ ﻫ غزنی که در موزیم ما و بسی آثار دیگریکه در موزیم های دنیا وجود دارد ، همه شاهد قوی و دلیل قاطعیست برای اینکه صنعت برنج کاری افغانستان در ازمنهٔ قدیم نفاست و رونق بسزای داشت حاضراً در کار برنج صنعت کاران غزنی وکابل نسبت بدیگر حصص مهارت زیادتری داشته از برنج آفتابه لگن های رقم روسی ، شمع سوزها ، پطنوس های حاشیه مشبك ، چلم ها ، آون ها ، شیر دهن ها

وغیره لوازم برنجی به کمال خوبی به یك مقیاس زیاد میسازند. درین صنعت غزنی از کابل هم بیشتر کسب شهرت نموده اکثراً اشیای مصنوعهٔ برنجی آن مورد استعمال اهالی است. علاوه برین صنعت کاران بازار در فابریکهٔ عمومی یك شعبهٔ برنج کاری موجود بوده انواع لوازم کار آمد را از قبیل نشان، گل های کمربند، دکمه‌ها وغیره بکمال صفائی و خوبی اعمال میکنند.

رو:

درغزنی ازترکیب جست و بعضی فلزهای دیگر یك نوع صراحی وگیلاس نفیس وخوبی میسازند که در دیگرجاها ساخته نمیشود.

خلاصه صنعت مسگری و برنج کاری و روگری افغانستان اگر قدری اصلاحات فنی دران بعمل آید و تعداد مستحصلات هم بذریعهٔ تشکیل شرکت ها و تورید ماشین ها و ادوات لازمه جهت تجارت خارج به یك مقیاس زیادتری بلند رود بخوبی میتواند که در بازارهای خارج بدر شده پول زیادی نصیب صنعت گران خود گرداند.

گلیت کاری (لعاب دادن فلزات):

درشعبهٔ گلیت کاری فابریکهٔ عمومی و سائر بازارهای افغانستان روی اشیای مسی وبرنجی را بصورت خوبی صیقل نموده جلا می بخشند. علاوتا بعضی اشیای برنجی ومسی را بذریعهٔ مواد کیمیاوی ولعاب فلزات قیمتی بصورت نقره وطلا وغیره رنگ میدهند این صنعت برای درخشان نمودن وجلا بخشیدن اشیای مسی و برنجی وحتی طلا ونقره یك صنعت قیمت داراست

سرب کاری:

از سرب در مطبعه به اندازهٔ مکفی حروفها و خط کش ها و

در بازار ها انواع ساچمه ها و گله ها میسازند .

چودن کاری :

درما شینخانه به یك اندازهٔ زیادی ازچودن بعضی اشیای کارآمد تهیه میکنند. برعلاوه دربدخشان و کابل وبعضی حصص دیگرهم ریخته گرها دیگ ها ، کرالی ها ، کندااله ها ، آون ها . . . وغیره به یك پیمانهٔ زیادی میسازند. این صنعت بیشتر در بدخشان رواج دارد.

حلبی سازی :

ازحلبی وآهن چادر بسی لوازم کارآمد ساخته میشود این صنعت در تمام ولایات افغانستان وجود دارد امتعه ئیکه از آهن حلبی ساخته میشود عبارت از آفتابه ، چایجوش ، قیف ها ، پیپ . . . وسامانیکه از آهن چادر اعمال میگردد عبارت از آبدانها ، بخاریها تپ های غسل قایق های خورد سطل ها . . . و غیره میباشد علاوه تاً سقف های عمارات جدید را بذریعهٔ آهن چادر حلبی سازها به یك صورت مقبول و قشنگ می پوشانند ودر بعض حصص روی کار عمارات ودود کش‌ها وناوه ها آهن چادر را که بصورت مشبك استعمال میکنند قشنگ بوده باعث زینت عمارات میشود .

ترمیم ساعت :

درتمام ولایات ساعت سازهاوجود دارد که هر نوع ساعتهای برهم وخرابراترمیم میکنند در کابل حرمت کاران ماهری وجود دارد که بعضی پرزه های شکستهٔ ساعت را نیزلیم میتوانند .

صنایع کیمیاوی

ساختن ادویه و پنبهٔ هیدروفیل :

مدتیست که متخصصین لائقی جهة تعلیم دواسازی ازخارج استخدام و بزیر دست او شان یك تعداد طلاب داده شده تا ساخت بعضی ادویه را از نباتات وطن وغیره بصورت اصولی وفنی به ایشان تعلیم نمایند. ازجملهٔ این طلاب یك تعداد آن قریب ۵ ماه است که مکتب را تمام نموده مصروف ستاژ(کار) عملی اند که عنقریب ستاژرا تکمیل نموده به تهیهٔ بعضی ادویه مشغول میگردند. برای ساخت بعضی ادویه عمارت جدیدی هم تعمیرشده که عنقریب کار آن ختم میگردد ، کذا برای مصارف بنبهٔ شفاخانه های افغانستان فابریکهٔ جدیدی درنظر است که از طرف مدیریت عمومی فابریکات در پهلوی فابریکهٔ نخ تابی و پارچه بافی جبل السراج تاسیس میشود تابنبهٔ هیدروفیل را طوریکه در دنیا مروج است تهیه نموده بمصرف شفاخانه ها رسانده ماشین های این فابریکهٔ جدید عنقریب تهیه گردیده بکار خواهد افتید .

گوگرد سازی :

درحصص دارالفنون فابریکهٔ بنام گوگرد سازی از چندیست در جریان بوده به اندازه (۹۰۰۰۰۰) قطی گوگرد درایام بهار روزانه تهیه میدارد و این فابریکه دارای ماشین های برقی بوده بخوبی می تواند که احتیاج اهالی را ازین رهگذر رفع نماید در سایهٔ این فابریکهٔ قیمت دار صنعتی یك قلم واردات گوگرد خارج منع شده است ، گوگرد مصنوعهٔ آن مثل گوگرد های بی خطر



نمونهٔ کار زرگری در کابل (دکان عبدالله خان زرگر)
Spécimens d'orfévrerie existante à Kâboul

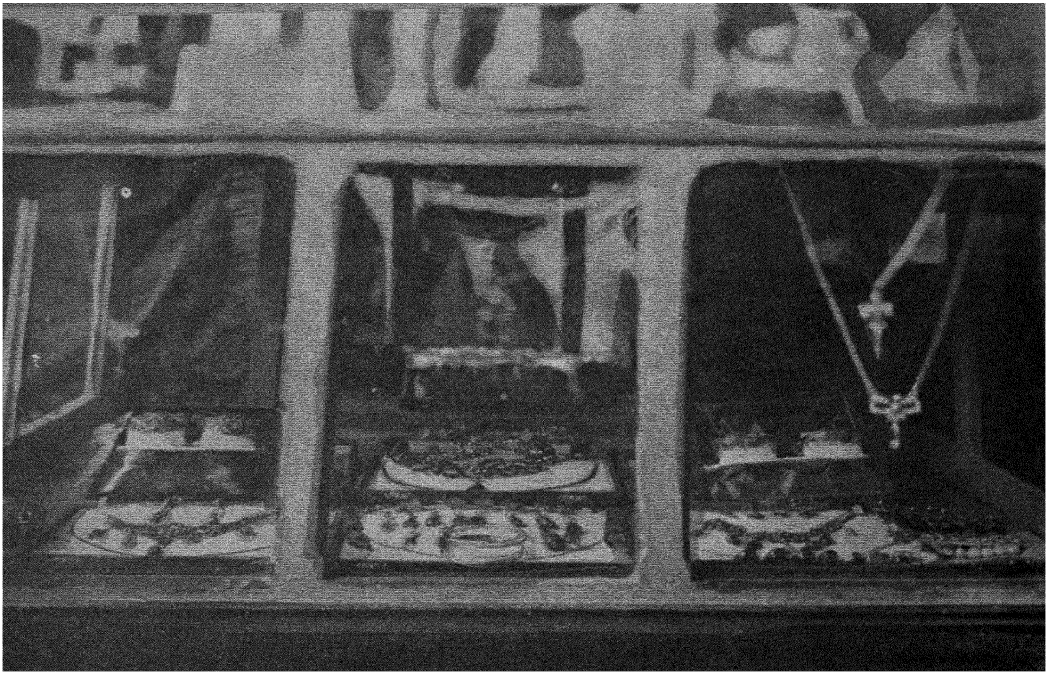

نمونهٔ کار زرگری در کابل (دکان عبدالله خان زرگر)
Spécimens d'orfévrerie existante à Kaboul



نمونه‌های اشیای سنگی (مرمر ، رخام ، لاجورد ، شاه‌مقصود وغیره) در نمایشگاه فابریکهٔ حکاکی وسنگ‌تراشی مرکز

Les objets en pierre (marbre , lapi - lazuli etc.) fabriqués avec art en Afghanistan

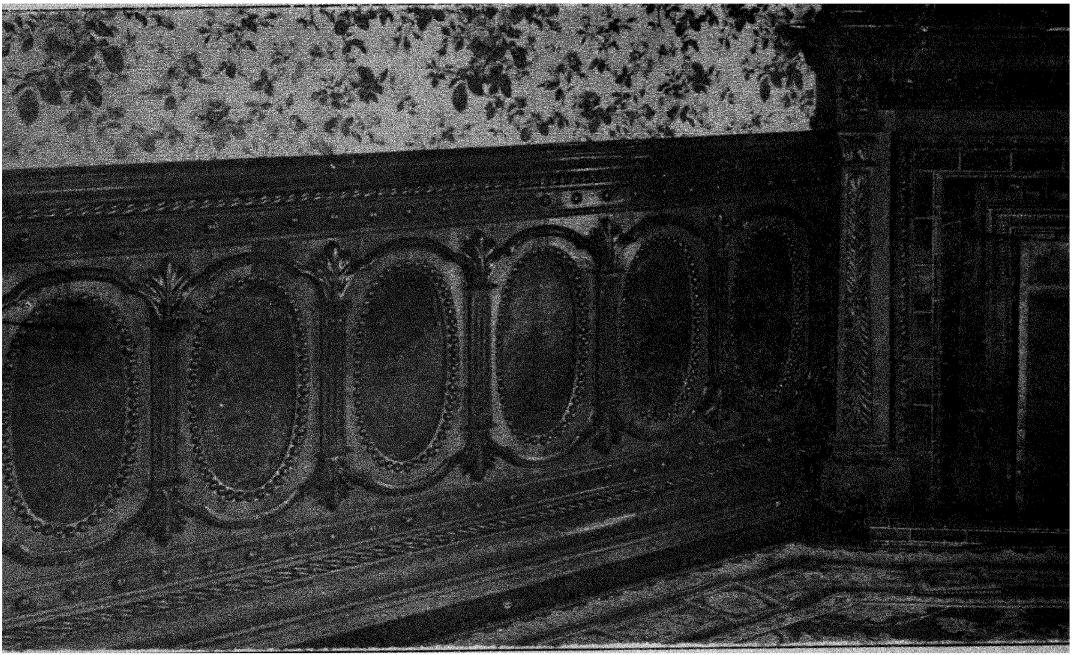

نمونهٔ کار نجاری نجار های کابل
Spécimen des travaux des menuisiers de Kaboul

هوا پیمای روسی است که بجزاز قطی خود توسط دیگر چیزها بسهولت در نمیگیرد اکثر مواد آن از داخل مملکت تهیه و بذریعهٔ متخصصین وطن در ساخت آن یومیه مجا هدت بخرج داده میشود .

صابو نسازی :

فعلاً دو کارخانهٔ صابون سازی که روزانه تقریباً (۳،۰۰۰) کلچه صابون میسزد وجود دارد برعلاوهٔ این ، دربسی نقاط افغانستان صابونهای مختلف کلاشوئی به یك پیمانه‌ئیکه احتیاجات داخلی را کفایت میکند ساخته میشود به استثنای این یك نوع صابون های مخصوص روی زنانه هم میسازندکه اکثرزنها این صابون وطنی را ازبسی صابو نهای قیمت دار خارج مزیت وبرتری میدهند .

ساخت عطر وعرق گلاب :

بذریعهٔ عطـا ران و غیره ازگل گلاب ، چنبیلی ، را بیلی و غیره گلهـای خوشبو که تکثرت و جود دارد عطر هـای خوبی میسازند لیك به نسبت و رود عطریات خارج ونبودن ماشینهای لازمه نتوانسته که این صنعت قد راست نماید ونیز همین عطاران به یك مقیـاس خیلی زیادی از گل گلاب عرق میکشند که در بسی اطعمه استعمال میشود . یك مرتبه درزمان امیر حبیب‌الله خان شهید یك نفرعطرساز از اروپاء استخدام ومشارالیه چند نفررا تحت تعلیم گرفته بعضی عطریات ازگلهای اهلی ووحشی ساخته بود . اما دنبالهٔ این صنعت نفیس ترك شده امروز عطرکشی بازباصول قدیم واینهم بهپیمانهٔ مختصری رواج دارد .

رنگ ریزی :

درفابریکهٔ عمومی (ماشیخانه) کارخانهٔ تحت نگرانی متخصص داخلی جهة رنگریزی وجود داردکه بصورت فنی امتعهٔ پشمی ونخی بایك صفائی ونفاست خوبی بصورت ساده درآن رنگ میشود. این کارخانه برعلاوهٔ انجام امور رنگریزی و احتیاجات حکومتی بعضی از امتعهٔ اهالی را هم رنگ میدهد. علاوه برین فابریکه درتمام حصص افغانستان دکانهای متعدد رنگریزی وجود دارد که باوجود عدم ماشین های لازمه استادان این فن ازعهدهٔ هرنوع رنگ دادن ساده بخوبی بدرشده میتوانند بالخاصه الوان مختلفیکه به ابریشم وسند وپشم میدهند خیلی روشن ونفیس است. رنگ ریزها درتلوین اشیاء بیشتر ازالوان نباتات پیدا وار افغانستان استفاده میکنند اکثراً اشیای رنگ شدهٔ اوشان پخته بوده بزودی تغیری بدان رخ نمیدهد وحتی دراکثرتابش متمادی آفتاب هم لون خود را نمیبازد.

تجربه‌خانهٔ کیمیاوی رنگ :

درکمرك کابل تحت نظرجناب نورالله خان متخصص کیمیا «لابراتواری» تأسیس یافته که دران ترکیبات رنگهای معدنی آموخته میشود.

جیوه گری :

درکابل بذریعهٔ آئینه سازها وغیره کارگران بیك پیمانهٔ خیلی زیادی آئینه های خورد و کلان جیوه میشود. در افغانستان جیوه به دوصورت انجام میگیرد، بدون لاك وبالاك، جیوهٔ که درروی آن لاك گرفته میشود خوب وفنی است امابدون لاك آن کم دوام بوده باآنك

حرارت انتظام خود را می‌بازد این صنعت در کابل به یك مقیاس بیشتر وجود دارد .

صنائع عمرانی

معماری :

در معماری موجودهٔ افغانستان نهضت وتجدد خوبی دیده میشود یك تعداد عماراتیکه اززمان امیر عبد الرحمن خان الی اکنون ازطرف حکومت وموسسات واشخاص صاحب ثروت بوجود آمده اکثراً دارای یك نظام وترتیب خوب اروپائی است بالخاصه یك تعداد عمارات کشیریکه از ۱۳۰۵ الی اکنون انشاء گردیده خیلی مقبول وقشنگ است . این نوع عمارات یك تعداد قلیل نبوده به اندازهٔ زیاد است که شکل شهرها را بکلی تغیرداده رنگ ورونق جدیدی بآنها بخشیده است ازجملهٔ این عمارات جزچند عمارات محدود ، دیگر تمام آن بدورهٔ اعلیحضرت فقید شهید (رح) واعلیحضرت نهضت خواه المتوکل علی‌الله تعلق میگیرد . گذشته ازین حسب یك پلان منظم همه ساله یك تعداد عمارات مکفی ازطرف حکومت متبوعه بذریعهٔ مهندسین داخلی و خارجی به تعداد این عمارات افزوده شده میرود واین فعالیت عمرانی نوید میدهد که انشاالله به آیندهٔ قریب طرز شهرهای سابقهٔ افغانستان بکلی تغیر نموده بوضعیت شهرهای قشنگی درآید . تمام عمارات دولتی و بالخاصه عمارات جدیدهٔ افغانستان که ازطرف حکومت اعلیحضرت فقید شهید واعلیحضرت موجوده تعمیر یافته اکثراً دومنزله بصورت پخته کاری است . زینه ها و ساقهای روی کار آن ازسنگ های مختلف و طن بوده دارای در وازه ها و روشن دانهای معتدد وبزرگیست ، سقف ها بعضامسطح وبعضا ازسمنت

و (بتون) کار میشود بامها هم آهن پوش وباسمنتی و سفالی بوده ارتفاع اطاقها اکثراً از ۱۵ الی ۲۰ فوت است. فیل پایه ها دردهلیزها وحصص زینه رواج دارد. فرش عمارت عالی اکثراً سنگ مرمر وبعضا سندله وسمنت وتخته پوش است. روی کار اکثراً ساده بدون منبت کاری وبعضا دارای سلاتین وفیته ها و علائم نشان وغیره میباشد داخل عمارات بصورت خیلی نفیسی رنگ آمیزی میشود بالخاصه حواشی قسمت علیاء دیوار ها پیزارها اکثراً چوبی میباشد . سرهای در وازه و روشن دان ها اکثراً بصورت کمان وبعضا بصورت مسطوی بنا شده. خلاصه عمارات موجودهٔ دولتی (ازچندسال قبل) افغانستان هم به اصول فنی بوده به یك صورت قشنگ وزیبائی تعمیر یافته و دران هر نوع مسائل هندسی و معماری سنجیده شده است . این نهضت عمرانی نه اینکه تنها درتعمیرات حکومتی دیده میشود بل درعمارات تودهٔ ملت هم کم وبیش نمایان است هرشخصیکه درشهرها بنای تعمیر جدید داشته باشد اعم ازینکه درشهرجدید باشد مجبوراست که ازبلدیه نقشه ودستور گرفته ، مطابق آن عمل کند تا عمارات شهر مطابق نقشهٔ کاداستر و (نقشهٔ مخصوص بلدیه) اصولی ویك نواخت تعمیر گردد . چنانچه عمارات شهرنو کابل وبسی عمارات جدید تعمیر دیگر این شهر وشهرهای مهم بهمین اساس تعمیر یافته است .

اکثر این عمارات به نقشهٔ مهندسی وطن وتمام آن توسط معماران وطن تعمیر گردیده است . خلاصه اکثر مهندسان و معماران وطن به نقشه وتعمیر عمارات جدیدهٔ اروپائی وسابقهٔ وطن اقتدار داشته میتوانند که عمارات بزرگ وعظیم الشان تعمیرنمایند. معمافیه برای اینکه یك تعداد مهندسین ومعماران لائق تری بوجود آیداز چندیستکه شعبهٔ مهندسی ومعماری در مکتب صنایع نفیسه بوجود آمده تحت اثر

متخصصین لائق داخلی وخارجی مصروف تعلیمات اند که بعد از فراغ تحصیل مانند مهندسین خارج دیپلوم گرفته درانتظام ترتیب عمارات ما خدمت بیشتری خواهند نمود.

نجاری :

افغانستان درین صنعت هم طوریکه درسیر صنعت اشاره نمودیم سابقهٔ خوبی دارد مجسمه های قدیم نورستان، منبت کاریها وشبکه کاریهای لطیف ونازك روی پایه ها وتاوه دانها وغیره که حاضراً نمونهٔ آن را درموزیم و بعضی عمارات قدیمی میتوانیم یافت گواهی خوبی است بهتر وثاقت این مدعا ـ در زمان امیرعبدالرحمن خان نجاری قسمت عمارات شکل جدیدی بخود گرفت. ازین تاریخ به بعد آهسته آهسته درصفائی خود افزود. قسم منبت کاری وگل و برگ کاری آن هم شکل نوینی بخود گرفته و روز بروز فورم آن به شکل بهتری تغیر یافته رفت. درزمان موجوده لوازم عمارات به اندازهٔ خیلی خوبی کسب نفاست نموده است. از روی نقشه، استادان از عهدهٔ اعمال هرنوع دروازه های عالی، روشن دانها، مسطح ها، پیزاره ها ... وغیره بخوبی برشده میتوانند اکثر کارقسمت چوبی عمارات هم ازعمارات اروپائی فرقی ندارد دربعضی ازعمارات استادان این فن، ازذوق وسلیقهٔ خود هم نجاران چیزی گل وبرگ افزوده اند. حاضراً برعلاوهٔ صنف نجاری مستعجله و مسلکی که مشتر کاً کار عمارات و چوکی ومیز و غیره را مینمایند یك فابریکهٔ مخصوصی جهة تهیهٔ لوازم عمارات در دارالفنون وجود دارد که بذریعهٔ ماشین های مختلف برقی اره کشی چول کشی، زنده زنی، ریگمال وصفا کاری، تیز کاری پلها ... وغیره کار گران کار میکنند. گذشته ازین در کابل، قندهار

هرات ، مزار ، قطغن و بدخشان و دیگر حصص مملکت بسی نجار های خوبی موجود است که مصروف اعمال قسمت چوبی عمارات میبا شند . درین قسمت نجاری موجوده هم طلاب فارغ التحصیل مکتب صنائع رول مهمی بازی نموده وطلابیکه در آینده از صنف مسلکی مکتب صنایع می برآیند مسلماً تطور بیشتری در امور نجاری تولید خواهند کرد .

حجاری :

حجاری یك صنعت خیلی قدیمی این مملکت کوهستانی بوده بر وفق امور معماری ، نجاری وغیره مجدداً زنده گشته کثرت احجار نفیسه و اهتمام حکومات ومردم، حجاران وطن را بشوق آورد تا این صنعت میراثی خود را سر از نو در معرض نمایش گذارند. این صنعت در قندهار و کابل و نواح آن بیشتر رواج پیدا کرده صنعتکاران موجوده از سنگ های مرمر قلم کارخواجه بغراوغیره سنگ های وطن خشت های متنوع ، لوحه های قشنگ و غیره فرش ها ، پیزاره های داخل و ساقهای خارجی عمارات ومزارهای اشخاص بزرگ ومنارها وطاقهای ظفر، فیل پایه ها ، حوض ها وفواره ها ... را بایك نفاست وقشنگی جالب دقتی اعمال کرده اند وحسب الخواهش از عهدهٔ اعمال هرنوع اشیای سنگی بدرشده میتوانند بهترین نمونهٔ حجاری موجوده در قسمت عمارات مشهد اعلیحضرت نادر شاه شهید (رح) و مضجع با تربادشاه ومرقد حضرت تمیم انصاری است. درهر سه جا سنگتراش های وطن باریکی های صنعت خود را بخوبی نشان داده اند .

از چندیست که از طرف حکومت متبوعه کارخانهٔ به اسم کارخانهٔ سنگتراشی در مرکز تاسیس یافته که دران بیشتر از ۶۰ عمله مصروف

کار بوده برای عمارات و غیره بسی اسیای نفیس میسازند علاوتا کار گاهای بس بزرگی در پغمان وچهل ستون و غیره دائر وبرای عمارات پایتخت سنگهای خشتی و غیره لوازم سنگی به یك پیمانهٔ خیلی زیادی تهیه میکنند .

رنگمالی وسفیدهکاری :

تاریخ رنگمالی موجوده با تاریخ معماری جدید ما یکی است یعنی از زمانیکه ساخت عمارات تغیر نمود وبه اصول اروپائی شده رنگمالی جدید هم چهره کشوده است رنگمالهای موجوده علاوه از ینکه ازذوق وسلیقهٔ خود رنگ های بس نفیس وخوبی بعمارات میدهند از روی هر نوع کتلاك نیز متوانند که با تمام باریکی ها ونازکی ها رنگ آمیزی نمایند گل های مختلف حواشی قسمت داخلی اطاقها وپیزاره های سنگ نما ورنگ های قسم جاغر و رگ دار و غیره رنگ های ورنسی واسپریتی ولاکی کار رنگمالهای ماهر نهایت نفیس وخوشنماست برای امور رنگمالی عمارات وغیره لوازم حکومتی از چند یست که کارخانهٔ برای رنگمالی ـ تاسیس گردیده است که بامهارت مخصوصه کار نموده اثرات قیمتداری ازخود گذاشته اند تاچندی قبل رنگمال ها تماما الوان خارجی را مورد استعمال قرار میدادند لیك مدتیست که رنگهای آبی (که توسط آب کار میشود) بامیانی وغیره وطن را استعمال میدارند. خلاصه در ین رشته هم صنعت کاران ما جنبش بکار خود داده اند . بعضی از برادران هندی ما که استعداد مالی اوشان اجازه میدهد وکار رنگمالان ما هر وطن را مشاهده کرده اند رنگمال ازین جا برده منازل خود را با ذوق تمام توسط ایشان رنگ و روغن میدهند . برای بیشتر ترقی دادن و خوبتر اصولی ساختن این

صنعت نفیس شعبهٔ در مکتب صنایع نفیسه ایراد شده که در آن یك تعداد طلاب مصروف تعلیم قوانین فیزیکی و کیمیاوی و صورت امتزاج رنگ ها و استحصال الوان ازبعضی نباتات وپوست درختها وغیره میباشند . آمدیم بسفیده کاری . سفیده کاری هم بذریعهٔ رنگمالان اجرا میشود جهة سفیده کاری رنگمالان در بالای چونه سفیدهٔ مرمر ودر بالای سیم گل یك نوع سنگ دیگری را که خیلی نرم وسفید (گل ایرانی) است به ترتیب مخصوصی که قطعا دراثر تماس ، رنگ ندهد استعمال میکنند جهة سفیده کاری نیز در مکتب صنایع صنفی تخصیص یافته که بصورت اساسی و فنی مصروف تعلیم و تطبیقات اند .

سمنت سازی :

فعلا فابریکهٔ که دران سمنت ساخته شود وجود ندارد گرچه قبل از انقلاب وطن فابریکهٔ خورد سمنت سازی تأسیس یافته و دران یکعده متخصصین و کارگرها مصروف کار بودند لیك باوجود صرف لکها روپیه مع الاسف نتیجهٔ درستی از ان گرفته نشده در همان ایام دست ازان برداشتند . اکنون حکومت موجوده در نظر دارد تا علاوه لزینکه همان فابریکهٔ ویران را تعمیر و تکمیل نماید فابریکهٔ بزرگی تاسیس نماید تا اگر خدا بخواهد مصرف سمنت عمارات افغانستان که سالیانه بیك پیمانهٔ زیادی بکار میشود ار افغانستان تهیه گردد .

ساخت خشت کپریل :

تا کنون سقف اکثر عمارات بزرگ بذریعهٔ آهن چادریو شانده شده به نسبت نبودن خشت کپریل خسارهٔ زیادی را متحمل می شدیم اکنون مکتب صنایع موفق بساخت خشت کپریل گردیده که بغداز

تورید یك تعداد ماشین های خشت مالی جدید بیك اندازهٔ خیلی زیادی ازین خشت بدست آ ورده سالیانه تقریبا یك میلیون افغانی ما که جهة خرید آهن چادر بخارج میرفت بجیب ما باقی خواهد ماند. این خشت کپریل مثل خشتهای کپر پلیکه در ار وپا ساخته می شود خیلی مضبوط بوده به هر نوع حرارت وبرودت جوی مقاومت دارد.

خشت پخته :

در تمام حصص افغانستان و بالخاصه نواحی کابل داشهای متنوع بوده در ایام بهار ، روز ملیونها خشت جهة عمارات پخته میشود در اینجا پخته کردن خشت بدو صورت است یکی بذریعهٔ داشهای قسم سابق که دران بته افروخته میشود و دیگر توسط دا شهای زمینی و بس کلانیکه سنگ ذغال و چوب افروخته شده بیك دور ، لکها خشت پخته بیرون میکشد. این پخته کردن خشت از زمانهای قدیم در افغانستان وجود دارد چنانچه اکثر عماراتیکه از دوره های سابق باقیمانده بذریعهٔ همین خشت پخته انشاء یافته است.

چونه :

از سنگ چونه که در بسی نقاط افغانستان بکثرت وجود دارد چونه میسازند برای پخت چونه داشهای خشت استعمال میشود.

سفیدهٔ مرمر و غیره مواد پخته کاری :

سفیدهٔ مرمر را از سنگ مخصوص استخراج و بذریعهٔ داشها پخته میکنند . دیگرمواد پخته کاری مثل صندله وغیره را از اختلاط چونه وگرد خشت پخته وغیره میسازند. گچ خاك مخصوص داردوسیاه چونه ازامتزاج چونه وخاکستر ومنج بدست میآید.

خشت کاشی :

صنعت کاشی سازی درافغانستان سابقهٔ خوبی دارد. گرچه کاشی سابق را باهمان نازکی ها کسی ساخته نمیتواندلیك رویهمرفته کاشی هائیکه درکارخانهٔ مجس عمومی کابل ودرمزاروغیره نقاط افغانستان کمویش میسازند خوب و قابل استفاده است . درین اواقات مکتبی درمزار شریف به اسم مکتب کاشی سازی تاسیس یافته تا این صنعت را بصورت بهتری بیاموزند .

صنایع تزئینی

نقاشی :

با اینکه از قرن نهم هجری نقاشی روبه انحطاط گذاشت لیك بکلی نمرده بحالت نیمه خاموشی تازمان ما دوام نموده است گرچه نقاشی حاضره را نمونهٔ نقاشی قدیم گفته نمیتوانیم لیك باوجود سادگی و محدودیتی که دارد بکلی مغایر آن هم نیست یعنی در بعضی خیال وسلیقه مشابهت بهم میرساند درنقاشی قدیم شکل های اشیاء بصورت خیلی نفیس که گویا عین اشیاء است وجود داشت لیك درنقاشی موجوده این قسمت مرده وجای خود را برای رسامی گذاشته است . حاضراً نقاشان گلهای مختلف وبالخاصه ، سوسن ، گلاب ، شبو . . . وغیره را بابعضی خطوط واشکال هندسی وجدولها کار میکنند. این صنعت درغزنی وکابل وفرخار وغیره وجود دارد لیك شهرت نقاشی غزنی درحال هم بیشتر است. چندی قبل که میخواستند بعضی نقاشی مضجع اعلیحضرت احمد شاه غازی را که به نسبت مرور زمان خراب شده بود ترمیم کنند

از غزنی چند نفر نقاشها پیدا شده بصورت خوبی که از نقاشی قدیم فرقی نمیشود ترمیم نمودند. اثر نقاشان موجودهٔ وطن، به اعتبار اکثریت در روی بساط شطرنج، تخته نرد، پطنوس ها، چوب دست، پایه‌های چپرکت وغیره جلوه میدهد. دربین نقاشی‌های موجوده به آنطور نقاشی های هم تصادف میشود که از هرحیث قابل تقدیر و شایان توصیف است بالخاصه از نقطهٔ نظر پخته گی رنگ و باریکی صنعت! بسی دیده شده که رنگ های بعضی از نقاشی ها بذریعهٔ آب جوش وحرارت زیاد آفتاب هم تغیری نکرده است.

گل سازی:

۴ کشر أ از تکه ها و کاغذ وبعضی مواد دیگر انواع گلها جهت زینت خانه ها، طاقهای ظفر، دروازه ها در ایام جشن ها) حمائل عروس در شب حنا، تخت خینه... و غیره بصورت نفیس و قشنگی میسازند بالخاصه گلهائیکه جهت سر عروس مثل شگوفهٔ نارنج و گل های متنوع و گل تخت خینه و اکلیل های گل که جهت بغل عروس‌ساخته میشود خیلی‌نفیس و لطیف است برعلاوهٔ این بعضی از گلسازها موجود است که از پرهای مختلف طیور به یك صورت نهایت دلفریب جغه های بس نفیسی میسازند. این صنعت گلسازی در هر ولایت کم‌وبیش موجود است لیك گل سازهای کابل‌شهرت بیشتری دارند

شیت سازی:

ازتکه های ابریشمی نازك اعلی شیت های نفیس وخیلی خوبی

توسط گل‌سازها وغیره به یك پیمانهٔ زیادی ساخته میشود. بعضا بدامن شبت‌ها پرك‌های متناسب وبعضی هم مهره‌های مختلف‌را علاوه میکنند.

صنایع تمثیلی

رسامی :

رسامی این‌صنعت بعدار یك‌مدت طولانی در زمان امیرحبیب‌الله‌خان باجناب مرحوم غلام محمد خان پروفیسر در صحنهٔ حیات قدم نهاده واین فرزند قابل قدر وطن علاوه ازین که در ایام مدیریت مکتب صنایع در راه ارتقاء صنعت کاران خدمت بسزا نمود، بسی اثار قیمت داری هم از خود بیاد گار گذاشته که‌انسان بی اختیار میشود که باثار او بنظر تحسین بنگرد ازین بعد تر آهسته آهسته جنبشی در صنعت رسامی دیده میشود ابتدا مکتب رسامی دائر و چندی بعد در زمان اعلیحضرت شهید فقید (رح) مکتب صنایع روی کار آمده صنعت بزرگی برای‌آن دران مکتب تخصیص داده شد که اکنون بسی‌طلاب ازین مکتب عالی فارغ التحصیل شده بعضی عهدهٔ معلمی دارند وبرخی درشعب مختلفه مصروف‌صنعت رسامی‌اند حاضراً شخصی که در مملکت ما درین صنعت ممتاز و سر آمد تمام رسامهاست جناب عبدالغفورخان « برشنا » فارغ التحصیل یونیورستهٔ جرمنی مدیر مکتب صنایع میباشد. این‌شخص علاوه برخدماتیکه درراه تعلیم طلاب نموده یك عده رسمها وتابلوهای رنگ آبی وروغنی‌قیمت داری هم ازخود بیادگارگذاشته است دیگر رسامهای جوان وطن هم از عهده استعمال رنگ آبی و روغنی بخوبی برنزشده در بسی‌جا هاتابلوهای قشنگ ودلربا و پورتریت

های بس طبیعی وجانداراپشان دیده میشود . دیری نخواهد گذشت که درسایهٔ مکتب صنایع رسامهای بیشتر وقیمت دار تری پیدا شده از آ ثارجذاب خود ز یاد تر مارا محظوظ ومستفید سازند .

عکاسی :

صنعت عکاسی درافغانستان اززمان امیرعبدالرحمن خان قدم گذاشته آهسته آهسته رو بترقی گذاشت ا کنون درهر ولایت برعلاوهٔ اشخاص صاحب ذوقیکه کامره هاداشته بگر فتن عکس مهارت دارند یك عده عکاسهای قابل کار وماهری نیز وجود دارد بالخاصه در کابل این صنعت ترقی خو بی نموده عکاسها از عهدهٔ رتوش وا اج و غیره امور عکاسی بخو بی بدرشده میتوانند بعضی ازعکاسهای وطن مخصوصاً در ارو پا تحصیل هم نموده است . در کابل عکاس خانه های مشهور یکه دارای اسنده ی خوب ولوازم مکمل عکاسی است عبارت ازعکاس خانهٔ وزارت دربار . عکاسخانهٔ مطبعهٔ عمومی، عکاس خانهٔ ملی صاحبداد خان عکاس ، عکاسخانهٔ قوماندانی طیاره ، عکاسخانهٔ قوماندانی کو توالی ، عکاسخانهٔ بنسی لال . . . و غیره میباشد . همچنان در دیگر ولایات بعضی عکاسخانه ها وجود دارد .

سینما :

قریب (۱۸) سال است که در افغانستان سینماوجود دارد گر چه قبل ازانقلاب وطن سینمای عمومی طعمهٔ حریق گشت ودرزمان انقلاب وطن که بعضی لوازم باقیمانده بود همه برباد شد لیك در اثرتوجه نهضت خواهانهٔ حکومت متبوعه مجدداً لوازم سینما تهیه وعمارت سینمای عمومی و بزرگ که قبل از انقلاب سوخته وخراب شده بود دو باره باصول

بهتری تعمیر وتکمیل گردید که اینك ازعرصهٔ چندیست بافلم های مختلفه چه اخلاقی و چه رنگه یومیه و سیلهٔ تفریح اهالی را فراهم نموده است اکنون درکابل دو سینما وجود دارد که یکی آن جهة عسکری و دیگر آن برای افراد ملکی واهالی تخصیص یافته . درسینمای متعلق وزارت حربیه بیشتر فلم های تعلیمی عسکری و محاربه وی نشان داده میشود . برعلاوهٔ این دو سینما در ایام جشن باافتخار استقلال یك سینمای موقتی درمنطقهٔ جشن استقلال همه ساله دائرشده تامدتی دوام میکند برعلاوه در ین ایام وزارت جلیلهٔ معارف در نظردارد که یك سینمای مخصوص تعلیمی طور یکه در دنیا معمول است جهة اطفال مکاتب دائر سازد تا اطفال ازان بصورت محسوس بعضی چیزهارا بیاموزند چنانچه ماشینها و لوازم آن مرکز رسیده ودرشرف تاسیس است همچنین یك سینمای طبی و حفظ الصحه نیز از طرف وزارت جلیلهٔ صحیه تاسیس میشود .

طباعت درافغانستان :

طباعت در افغانستان از زمان امیرشیرعلیخان قدم بعرصهٔ حیات گذاشته آهسته آهسته ترقی نمود . حاضراً در افغانستان ۷ مطبعهٔ نسبتاً خورد ملکی و یك مطبعهٔ بزرگ عمومی (به استثنای مطابع عسکری) وجود دارد در مطبعه های خورد بعضی از مجلات و جرائد و کتب و درمطبعهٔ عمومی تمام ضروریات و امور طباعتی رسمی وغیر رسمی بیك صورت بسیار خوبی بطبع میرسد . مطبع عمومی افغانستان یك ریاست بزرگ بوده دارای شعب بزرگ حروف چینی ، طبع حروفی وعکس لیتوگرافی ، وخطاطی ، آفسیت ، زنکو گرافی، صحافی ، حروف ریزی . . . . وغیره میباشد بالخاصه ماشینهای متعدد و مختلف جدیدالورود

و عصری اتوماتیك به سرعت نشر و کثرت کار و زیبائی طباعت این مطبعه تطور بزرگی بخشیده است . (که تفصیل آن تحت عنوان «مطابع افغانستان» درج است) .

دیگر مطابع فوق الذکر افغانستان بعضی دارای شعب حروف چینی و طباعت و برخی مالك شعب کلیشه نویسی و طبع میباشد یعنی بعضی آن حروفی و برخی آن (لیتوگرافی) است . مکتب صنایع حسب هدایات مقامات مربوطه جهت اصلاح لیتوگرافی ، صنفی در مکتب صنایع ایزاد و دران یك عده جوان ها را مشغول تعلیم فن لیتوگرافی ساخته است که با وجود مدت قلیل تحصیل از روی اثرات نفیس او شان میتوان گفت که ترقی خوبی نموده و عنقریب صنعت لیتوگرافی ما را رنگ ورونق عصری خواهند بخشید . خلاصه طباعت موجودهٔ افغانستان نظر بدوره های سابق بمراتب کسب نفاست و زیبائی نموده در آیندهٔ قریب میتواند که با طباعت اکثر ملل شرق که دارای طباعت نفیس و عالی اند همسری کنند فعلاً از روی همین سالنامه در بارهٔ طباعت موجودهٔ افغانستان میتوان فکری حاصل نمود .

صنایع متعلقه بسامان چوبی

ساخت میز ، چوکی ، الماری و غیره :

صنعتکاران ما درین قسمت هم ترقی خوب و نمایانی نموده روز بروز تجدد و رونق بهتری باینصنعت می بخشند . اکثر مستحصلات استادان این فن از سامان اروپائی که بکمال دقت و نفاسه بوجود آمده فرقی ندارد . برای فرمایش دهندگان اکثراً از روی کتلاك سامان تهیه میدارند در جملهٔ کار های چوکی سازان (که الماری ، میز

وغیره هم میسازند) بالخاصه کار های ورق شانی وچوب جاقر خیلی نفیس وقابل تعریف است . مستحصلات اینها عبارت از انواع میز : میز کار ، جایخوری ، نانخوری ، میوه خوری ، میز آرایش میز های بازی . . . و اقسام کوچ ها ، چوکی ها ، الماری ها ، کنجی ها . . . وغیره به یك پیمانهٔ میباشد که تمام احتیاجات مملکت را تکافو کرده میتواند . فعلا بر علاوهٔ صنعتکاران بازار سه کار خانهٔ نجاری وجود دارد که بیشتر مصروف اعمال همین قبیل اشیاء هستند : کارخانهٔ مرکزی وکارخانهٔ دارالفنون ، کبارخانهٔ مکتب صنایع نفیسه . کار خانهٔ نجاری مرکزی و دار الفنون دارای ماشینهای برقی از قبیل ماشینهای مختلف اره کشی ، چول کشی ، رنده زنی ، ریگمال وصفا کاری ، تیز کاری یل ها میباشد که درتسریع کار وصفائی اشیاء خدمت خوبی مینماید درین فابریکه درظرف یکماه : اندازهٔ ۴۰۰ میز وصدها دروازه وغیره ساخته میشود . کار خانه مکتب صنایع یك کار خانه تعلیمی بوده این هم دارای ماشین های برقی بزرگ و دیگر نوع سامان و لوازم است که بسی سامان نفیس ، تهیه و تدارك میکند . این نوع صنعتگران که پیشهٔ ساخت وتهیهٔ میز ، چوکی ، الماری وغیره اثاث البیت رادارند درتمام شهر های مهم موجود میباشند لیك باعتبار اکثریت صنعتگران کابل مزیت خاصی دارند چه در اشیاء مصنوعهٔ او شان بعضی ظرافتها و باریکی هائی خوبی بمشاهده میرسد . باید تذکر نمود که در نجاری موجوده طلاب فارغ التحصیل صنف مسلکی مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلاب آیندهٔ آن تطوری زیادی را درین صنعت بما خاطر نشان میکنند .

پرکاری چوکی و بیت بافی :

چوکی سازها بعد ازانکه قسمت چوبی کوچ و چوکی وکنجی را تکمیل نمودند تفویض ا پرکارهای چوکی) و یا تسلیم بیت بافها نموده از طرف ایشان چوکی ها پرکاری و بیت بافی میشود ، در پرکاری بعضا فنر وبعضا هم ریشهٔ نالیار ، پشم . . . و غیره را استعمال نموده بروی آن تکه های نفیس و قشنگ میگیرند .

ساخت لوازم موسیقی :

ساخت لوازم موسیقی با تاریخ موسیقی و این هم با تاریخ دیانت در افغانستان توام است ساخت لوازم موسیقی بالخاصه در زمان موجودیت دیانت برهمن و بودائی علی الرغم ساده و بسیط بودن لوازم بیشتر اعمال میگردید در زمان اسلام الی سقوط خاندان تیموریها درترقی خود افزوده رفت . حاضراً درافغانستان به یك پیمانهٔ زیادی ازطرف صنعتگران ، رباب ، تنبور ، دلربا ، سارنگ ، غیچك دایره ، ارمونیه ، انواع توله ها ، زنگ . . . وغیره ساخته میشود . در بعضی از لوازم مثل تنبور ، دلربا ، سارنگ ، غیچك بصورت اشکال منظم هندسی صدف کار میکنند که از هرحیث به نفاست اشیأ صدف کاری شده میافزاید .

خرادی چوب :

بر علاوه تیکه در فابریکهٔ نجاری مرکز و دار الفنون بذریعهٔ ماشینهای برقی خرادی اجرا میشود در تمام ولایات اشخاص و جود

وغیره هم میسازند) بالخاصه کار های ورق شانی وچوب جاقر خیلی نفیس وقابل تعریف است . مستحصلات اینها عبارت از انواع میز : میز کار ، چایخوری ، نانخوری ، میوه خوری ، میز آرایش میز های بازی . . . و اقسام کوچ ها ، چوکی ها ، الماری ها ، کنجی ها . . . وغیره به یك پیمانهٔ میباشد که تمام احتیاجات مملکت را تکافو کرده میتواند . فعلا بر علاوهٔ صنعتکاران بازار سه کار خانهٔ نجاری وجود دارد که بیشتر مصروف اعمال همین قبیل اشیاء هستند : کارخانهٔ مرکزی وکارخانهٔ دارالفنون ، کارخانهٔ مکتب صنایع نفیسه . کار خانهٔ نجاری مرکزی و دار الفنون دارای ماشینهای برقی از قبیل ماشینهای مختلف اره کشی ، جول کشی ، رنده زنی ، ریگمال وصفا کاری ، تیز کاری پل ها میباشد که درتسریع کار وصفائی اشیاء خدمت خوبی مینماید درین فابریکه درظرف یکماه ؛ اندازهٔ ۴۰۰ میز وصدها دروازه وغیره ساخته میشود . کار خانه مکتب صنایع یك کار خانه تعلیمی بوده این هم دارای ماشین های برقی بزرگ و دیگر نوع سامان و لوازم است که بسی سامان نفیس ، تهیه و تدارك میکند . این نوع صنعتگران که پیشهٔ ساخت وتهیهٔ میز ، چوکی ، الماری وغیره اثاث البیت را دارند درتمام شهر های مهم موجود میباشند لیك باعتبار اکثریت صنعتگران کابل مزیت خاصی دارند چه در اشیاء مصنوعهٔ او شان بعضی ظرافتها و باریکی هائی خوبی بمشاهده میرسد . باید تذکر نمود که در نجاری موجوده طلاب فارغ التحصیل صنف مسلکی مکتب صنایع رول مهمی بازی نموده و طلاب آیندهٔ آن تطوری زیادی را درین صنعت بما خاطر نشان میکنند .

پرکاری چوکی و بیت بافی :

چوکی سازها بعد ازانکه قسمت چوبی کوچ و چوکی وکنجی را تکمیل نمودند تفویض ا پرکارهای چوکی) و یا تسلیم بیت بافها نموده از طرف ایشان چوکی ها پرکاری و بیت بافی میشود ، در پرکاری بعضا فنر وبعضا همریشهٔ نالیار ، پشم . . . و غیره را استعمال نموده بروی آن تکه های نفیس و قشنگ میگیرند .

ساخت لوازم موسیقی :

ساخت لوازم موسیقی با تاریخ موسیقی و این هم با تاریخ دیانت در افغانستان توام است ساخت لوازم موسیقی بالخاصه در زمان موجودیت دیانت برهمن و بودائی علی الرغم ساده و بسیط بودن لوازم بیشتر اعمال میگردید در زمان اسلام الی سقوط خاندان تیموریها درترقی خود افزوده رفت . حاضراً درافغانستان به یك پیمانهٔ زیادی ازطرف صنعتگران ، رباب ، تنبور ، دلربا ، سارنگ ، غیچك دایره ، ارمونیه ، انواع توله ها ، زنگ . . . وغیره ساخته میشود . در بعضی از لوازم مثل تنبور ، دلربا ، سار نگ ، غیچك بصورت اشکال منظم هندسی صدف کار میکنند که از هرحیث به نفاست اشیاً صدف کاری شده میافزاید .

خرادی چوب :

بر علاوه تیکه در فابریکهٔ نجاری مرکز و دار الفنون بذریعهٔ ماشینهای برقی خرادی اجرا میشود در تمام ولایات اشخاص وجود

دارد که وظیفهٔ اوشان مخصوصاً خرادیست . این نوع خرادها بذریعهٔ آلات دستی ازچوبهای متنوع وطن ، پایه های چرکت ، چهارپائی ، نی های چلم ، گاز های چوبی جهة اطفال واز شاخها سرهای چوب شاخی اعمال میکنند این صنعت درتمام ولایات کم و بیش وجود دارد لیك به نسبت فقدان ماشینهای خرادی نمیتواند که تطوری در کار خویش تولید کنند .

د باغی و سراجی

د باغی :

برای دباغی چرمهای گاوی و گوسفندی و بزی . . . و غیره فعلاً دو کار خانه در کابل وجود دارد : کار خانهٔ دباغی حکومتی کار خانهٔ د باغی ملی که از طرف شرکاء تاسیس یافته . در هر دو کار خانه یك تعداد ماشینهای برقی وجود داشته چرم های مختلفی به اصول جدید دباغی میشود چرمهای رقم کرم وجیر هم درهمین فابریکه ساخته میشود . علاوه برین فابریکه ها در ولایت مزار هم از طرف شرکاء فابریکهٔ دباغی بنا نهاده شده که عنقریب شروع بکار خواهد کرد و نیز ماشین های اتوماتیکی سیستم جدیدی برای کارخانهٔ دباغی حکومتی خواسته شده تا بذریعهٔ آن ماشینها هم درجهٔ مستحصلات چرم بلند رود وهم چرمهای خوبتری بدست آید عنقریب این ماشینها وارد و در عمارت مخصوصه نصب خواهد شد . گذشته ازین کار خانه ها در بسی نقاط افغانستان هم آش دادن و پخته کردن چرم به اصول قدیم به یك پیمانهٔ زیادی رواج دارد . مشهور ترین مراکز دباغی

بطریق قدیم ، مزار ، قطغن و بدخشان ، هرات سمت شمالی ، کابل میباشد .

سراجی :

برای تهیهٔ قطار و زنه ، کمر بند ، قیزه و زین و غیره کارخانهٔ در پهلوی فابریکهٔ بوت دوزی وجود دارد که بیك پیمانهٔ زیادی سامان سراجی دران تهیه میشود علاوتا در بازار های کابل ، قندهار ، هرات ، قطغن و بدخشان وغیره جاها هم سراج‌ها وجود دارد که کمر بند ها ، زین ها ، پوشهای تفنگ ، بکس ها طبراقها ، قیزه‌ها و غیره میسازند لیك سراجی کابل نسبت بدیگر جا ها بهتر و خوبتر بوده و لوازم مصنوعهٔ اوشان نفاست خوبی دارد .

صنعت استحصال ابریشم

این صنعت در حصص مشرقی ، قندهار ، قطغن و بدخشان بکثرت وجود دارد ابریشم قندهار مشهور و بهتر است . پیله های افغانستان اکثراً خورد و دارای الوان مختلف میباشد ازحصص قندهار قریه جات متصل شهر و بالخاصه ارغنداب و از حصص مشرقی بالخاصه چپرهار و سرخ رود و از قطغن و بدخشان رستاق ، چایان بیشتر به این شغل ذوق نشان میدهند . در دیگرحصص ولایات شمالی‌هم‌صنعت پیله رواج دارد ازین ابریشم ها یك قسم زیاد آن بخارج رفته و یك قسم آن در داخل بمصرف میرسد ، صنعت شست و ریسیدن غوزه ها هم درهمین حصص بعمل میآید . اگر به این صنعت‌قدری اصلاحات فنی بعمل آید ترقی خوبی نموده و ابریشم آن از بسی ابریشم های دنیا بهتر و خوبتر خواهد شد . از چند سال به اینطرف از طرف حکومت درین

مورد توجه زیادی بعمل آمده علاوه از توزیع رایگان تخم پیله ، یك تربیه خانهٔ دولتی بصورت نمونه جهت پرورش کرم ابریشم در کابل دایر میباشد .

صنایع خورا که

قند سازی :

حکومت موجوده درنظردارد که علاوه برتکمیل کارخانهٔ قندسازی که سابقا خریداری شده وحال ترمیم طلب میباشد یك فابریکهٔ جدیدی قند سازی که از لبلبو ، قند استخراج نماید وارد ساخته از لبلبوی قطغن وغیره جهة صرفیات افغانستان قند استخراج نماید . فعلاً بوره ازخارج آمده و بذریعهٔ قناد های بازارقند سرآب وغیره ساخته میشود .

یخ سازی :

مناطق افغانستان دارای هوای مختلف است بعضی جا ها سرد و بعضی جاها معتدل و بعضی هم گرم است جاهای سرد احتیاج بهیخ و برف ندارد جاهای معتدل وسرد از زمستان در یخدانها یخ و برف ذخیره نموده در بهار بمصرف میرسانند حصص گرم چون زمستان شدید ندارد و اکثراً برف هم نمیشود .

لذا نمیتوانند که یخ ویا برف ذخیره کنند . قندهار ازجملهٔ مناطق گرم افغانستان است درین ولا کارخانه جهة ساختن یخ تأسیس شده که برای تمام اهالی قندهار یخ مصنوعی بذریعهٔ ماشین میسازد وهم درنظراست که کارخانهٔ مذکور در۱۳۱۷ توسیع داده شود .

حفظ اثمار :

میوه درافغانستان بصور مختلفی حفظ میشود بعضی ها خانه های مخصوصی جهته حفظ میوه تعمیر نموده میوه‌را بذریعهٔ پنبه ، کاه ... ازهمدگر بعید داشته دراطاق آتش وچراغهای تیلی میگذارند تاهم تأثیرهوا به این طریق کم گشته و هم میوه از یخ بستن محفوظ ماند برای انگور طرزمخصوصی دارند بعضی انگورهارابیشتربذریعهٔ قطی ها و بعضی را بذریعهٔ کنگینه (۱) حفظ میکنند اکثرمیوه های تازه که دربازارهای افغانستان درایام زمستان دیده میشود بهمین طریق حفظ میشود در ۱۳۱۵ ازطرف شرکت پشتون قندهار یك کارخانهٔ حفظ میوه (کنسروه) تاسیس یافته که بذریعهٔ ماشین های برقی بصورت جدید کنسروه میکنند این کارخانه دارای (۱۱) پایه ماشین برقی است .

صنعت گر وشکر :

در بعضی حصص مشرقی‌مثل جلال آباد ، لغمان ... وغیره بذریعهٔ ماشین حلاجی نیشکر حلاجی شده از شربت آن گر و شکر بیکمقدار زیادی ساخته بقیمت نازلی در تمام نقاط افغانستان بفروش میرسد .

علاقه بندی و کار سوزن

علاقه بندی :

علاقه بندی صنعتیست که از ابریشم ، سند ، گلاباتون ، نخ بذریعهٔ

(۱) کنگینه ، محفظهٔ از گل ویاظروف سفالین ساخته انگور را

دست و کار گاهای دستی روبل ها و جالیهای نفیس و پوپکهای خیلی خوب جهة پرده‌ها و با این‌ها ، قیطانها ، ریشه‌ها ، پهمك‌ها ، فیته ها وغیره میسازند ضمنا تسابیح و غیره را پتوه مینمایند .

کار سوزن :

این صنعت متنوع بوده بصورت عمومی مشهور ترین آن را به (٦) عنوان تفریق نمود : خامك دوزی ، پخته دوزی ، سیم دوزی گلابا تون دوزی ، جکن دوزی و گل دوزی .

خامك دوزی:

صنعت خیلی نفیس است که بذریعهٔ سوزن و ابریشم های مختلف غیر تاب خورده اشکال هندسی و گل‌های برجسته بر روی سرمیزی ها و پیشکی های بقره ، قطیفه ها . چپن‌ها ، لنگی‌های سرشانه و سروغیره بصورت خیلی نفیس وقشنگ دوخته میشود این صنعت در بسی نقاط افغانستان وجود دارد ایك قندهار وغزنی ، به این صنعت بیشتر نسبت شهرت نموده است درغزنی این صنعت را بیشتر درپوستین ها استعمال میکنند .

پخته دوزی :

ابریشم را تاب داده بصورت غیر برجسته عین اشکال هندسی و گل خامك دوزی را بصورت غیر برجسته (عمیق) میدوزند که این صنعت را تور بخیه هم میگویند توربخیه اکثراً بروی یخن ها و دهن‌های پاچه و کلای بقرهٔ زنانه استعمال می شود این صنعت در قندهار ، مشرقی ، جنوبی ، وردك بیشتر مروج است .

سیم دوزی :

سیم های خیلی باریك تاب داده را بصورت خوشه های گندم و گل اکثراً در کابل و قندهار بر روی پخن و پیك های کلاه های رسمی عسکری ویکنوع کلای ملکی که به اسم کلای سیم دوزی یاد میشود بصورت خوب و نفیسی میدوزند این صنعت در زمان امیر عبدالرحمن خان وامیر حبیب الله خان بیشتر رواج وترقی داشت چه این صنعت در لباسهای رسمی و غیره خیلی زیاد استعمال میگردید وهم در کابل و بعضی ولایات سیم های نقرئی را در روی چادرها بصورت ستاره های متعدد دوخت میکنند .

زر دوزی :

بیشتر در قندهار ، کابل ، مشرقی بذریعهٔ گلاباتونها در روی عرق چین‌ها ، رو پطنو سی‌ها ، رویهٔ پیزار ها ، بوتهای زنانه ، چپلی و غیره با یك سفتی مخصوصی دوخت میشود که در گلها و بته های دوخت شده تار های گلا باتون تمام سطح تکه را مطلا و یا نقره کوب نماید. این صنعت بیشتر درقندهار ، کابل، مشرقی وجوددارد.

چکن دوزی :

بذریعهٔ ابریشم های رنگه و گلاباتون اشکال هندسی و گلها به یك صورت مخصوصی بروی روپطنوسیها ، سرمیزی ها ، سرصندلیها یکنوع کلای های مخصوصی جلال‌آباد، و چکمن ها .... میدوزند چکن دوزی زیاد تر درمشرقی ، ترکستان ، ورزك ، سمت جنوبی

رواج دارد . بالخاصه چکن دوزی اشیای خورد وردك خیلی نفیس بوده و بچنان مهارت روی اشیاء را بذریعهٔ دوخت از اشکال هندسی مزین میسازند که گویا بذریعهٔ یك ماشین خیلی حساس دوخته شده که تمام تقسیمات هندسی را رعایت توانسته است .

گل دوزی برجسته :

بذریعهٔ پشم وابریشم های ملون، سند ، گلابا تون انواع گلها وطیور دخت، انسان بصورت برجسته وبزرگ میدوزند این اکثراً در تکیه ها (پشتی ها) رو پطنوسی ها پرده ها دوخته میشود بذریعهٔ ماشین هم درروی چادرها وغیره بعضی گلهای سندی نفیس و خوبی میدوزند این صنعت در کابل بیشتر رواج یافته .

انواع صنایع سوزنی فوق به یك مقیاس زیادی رواج داشته اکثر آمشغولیت زنهاست .

دندان سازی

این صنعت در تمام شهر های مهم افغانستان وجود دارد لیك در کابل بیك صورت اساسی و عصری بوده علاوه ازپر کاری وپوش کردن و پاك و صفا کردن دندانهای طبیعی دنهای صنعتی بیك صورت بسیارخوب و اساسی تیار میشود ، علاوه برمؤسسات شخصی در کابل یك مؤسسهٔ عالی تحت ریاست یك نفر متخصص لائق از چند بست تاسیس یافته که دارای لوازم عصری بوده از عهدهٔ هر نوع تداوی ، پر دیز ساخت دندان و غیره امور دندان سازی بخوبی بدر شده میتوانند

این مؤسسهٔ نظر بدیگر مؤسسات خیلی مفید بوده برای مراجعین تسهیلات لازمه فراهم میکنند در تمام مؤسسات دیگر متخصصین وطن که بعضی در خارج و بعضی هم در همین جا تحصیل دیده اند مصروف کار اند .

کشیدن تیل از نباتات

کار خانهٔ جهة تیل کشی از نباتات وجود دارد که توسط آن از نباتات حربی دار تیل کشیده میشود این کار خانه در ۱۳۱۱ تأسیس یافته است . علاوة در بسی نقاط افغانستان بذریعهٔ ماشین هائیکه ذریعهٔ حیوانات بحرکت آورده میشود ازشرشم ، بنبه‌دانه ، زغر ، کنجد . . . و غیره تیل میکشند . مستحصلات شرشم ، و بنبه دانه ، و زغر به یك پیمانهٔ خیلی زیاد است .

کلالی

این صنعت بر وفق ممالك سائره درین مملکت نیز یکی از صنایع خیلی قدیمی است که حسب احتیاجات به آن در هر وقت تغیری داده شده حاضراً این صنعت در اکثر نقاط افغانستان کم و بیش رواج دارد . ازجمله ظروفیکه دراستالف ، بعض حصص جلال آباد ، قندهار و هرات اعمال میگردد نفیس تر و مضبوط تر میباشد . اشیاء مصنوعه عبارت از صراحی ها ، کوزه های آب بخی ، دیگ های مختلف ، گلدانی ها ، تغاره های خمیر ، کاسه های شیشه دونده (کاشی) و ساده وغیره ظروف میباشد .

بعضی حرفه های متنوعه

علاوه بر صنایع که در فوق بدان اشاره رفت بعضی صنعت ها و حرفتهای دیگری هم بمثل : مهر کنی ، لوحه نویسی بصور مختلفه (به حرف سایه دار ، برجسته ، مشبك . . .) ، رفوی قالین وپتوها ، شانه سازی که از چوب شانه های رنگه و نقش دار میسازند ، سیم و مهره کاری های نی چلم وغیره ، بافت پکه ها ، بوریا و غیره صنایع وحرفتهای ضروری ولازمی حیاتی وجود دارد که در راه تطمین احتیاجات اهالی خدمت میکنند که تفصیل همهٔ این ها در حور کتاب خیلی ضخیم است . حال لازم است که راجع به دو مؤسسهٔ مهم صنعتی چیزی عرض معلومات نمائیم :

مکتب صنایع نفیسه

اعلیحضرت فقید شهید (رح) بخوبی درك فرموده بودند که صنایع افغانستان در خور اصلاح بوده و میدان وسیعی جهت ترقی دارد که این اصلاح و ترقی جز بوجود آوردن یك عده صنعت کاران خیلی لائق وطن که صنعت را با تمام باریکی ها بیاموزند چارهٔ دیگر نیست که صنایع ملی رنگ و رونق جدیدی بخود گیرد. بتأسی این فکر ، مکتب عالی بنام مکتب صنایع نفیسه تأسیس فرمود که چنین مکتب در شرق خیلی کم نظیر دارد ، برای امور تعلیمی آن متخصصین مجرب داخلی و خارجی را تهیه و به اندازهٔ زیادی طلاب را امر شمولیت فرمود . در اول به نسبت ابتدائی بودن کار ، گرچه خالی از نواقص نبود لیك رفته رفته نواقص آن تکمیل واینك به اندازهٔ ۱۲۰۰

نفر طلبه به شعب رسامی و نقاشی، رنگمالی، رنگریزی، نجاری (مسلکی ومستعجله)، مهندسی، معماری، بسته‌کاری، قالین بافی خیاطی، لیتوگرافی، سفیده کاری ... تقسیم یافته بعضی شعب که سابقاً تأسیس یافته بود ازان یك تعداد طلاب زیادی فارغ التحصیل شده و درشعب مختلفه مصروف‌کار اند وبعضی شعب که بعد تر بوجود آمده طلاب آن رشدی واعدادی وبعد تر ازان ابتدائی اند. حاضراً مکتب تحت مدیریت یکی از جوانهای لائق تر این کار جناب عبدالغفور خان برشنا فارغ التحصیل یونیورستهٔ رسامی آلمان به یك‌صورت عصری و اطمینان بخشی جاری بوده روز بروز فعالیت و نطوی خوبی دران دیده میشود.

صنعت درمحبس مرکزی

جهت تهیهٔ مشغولیت و آموختن صنعت و ضمناً استفادهٔ مادی محبوسین، حکومت ترقیخواه ما ازمدتیست‌که کارخانهٔ چندی مثل کار خانهٔ شطرنجی بافی، الچه بافی، تسر بافی، گلیم بافی، خیاطی، بوت دوزی و سراجی، کاشی سازی، آهنگری و حلبی سازی، نجاری و خرادی، رنگریزی، ساخت نل و خشت سمنتی، سرلوحه نویسی، بنیان بافی و جراب بافی ... و غیره تأسیس و محبوسین بکمال ذوق ورغبت‌هریك بیکی ازین کارخانه های دستی که اکثراً بذریعهٔ دست و آلات دستی کار میکنند مصروف بوده روز بروز بمهارت شان افزوده شده میرود. حاضراً اکثر مستحصلات محبس مرکزی خوب ونفیس بوده در بازار کابل بکثرت بفروش میرسد. این بود نبذی ازفنون وصنایع مادی موجودهٔ افغانستان که مختصراً

بدان اشاره نمودیم . حال بی‌مورد نخواهد بود که دراطراف اصلاح وترقی صنایع عمومیه تبصره خوردی بنمائیم :

تبصرهٔ مختصر دراطراف اصلاح وترقی صنایع

درین جای شك نیست و منکری ندارد که افغانستان درسایهٔ حکومت ترقیخواه درین مدت خیلی کمی جدیت وفعالیت زیاد و خوبی نموده بسی فابریکه‌ها وکارخانه‌های بزرگ تأسیس و بسی مؤسسات که در راه تطور صنایع خدمت‌های خوبی نموده‌میرود روی کار آمده وروز بروز بعدهٔ آن افزود شده میرود که در آیندهٔ قریب نتیجهٔ آن را بصورت خیلی درخشان خواهیم‌دید لیك . ازباعث کمراهتمام نمودن اهالی مخصوصاً صنعتکاران ملی منصفانه باید گفت که نظر بملل صنعتی دنیا خیلی عقب مانده سالها مجاهدت طاقت فرسا میخواهد تا خود را ازین ناحیه همقطار ایشان بسازیم . این پس ماندگی ما بیشتر زادهٔ کوشش‌های انفرادی وپابندی تودهٔ صنعتکاران به طرز قدیم وبیکاری ملیونها دهاقین ومزدور کاران در ایام زمستان است . هرگاه تمام صنعتکارانیکه بصورت انفرادی در اثر یك سلسله حرکات یدی تهیهٔ متاع ولوازم مینمایند دست اتحاد و اتفاق را بسوی همدگر دراز نموده شرکت‌های متعددی تأسیس وازمجموع اندوخته‌های خویش لوازم وماشین‌های لازمهٔ عصری ازاروپا وارد کنند واز دیگر طرف رونق جدید واصلاحات در صنعت خویش به تعاون صنعتکاران ماهر بنمایند درمدت قلیل یك تطور عظیم در درجهٔ مستحصلات ویك نفاست خوبی درصنایع ملی بعمل آمده هم مملکت مسعود و هم خود ایشان شیرین کام میگردند . ازین جمله اخیرالذکر اصلاح صنعت چنین فهمیده نشود

که صنایع موجودهٔ ملی را میخواهم بکلی ازمیان رفته صنایع جدیدی جای گیر آن شود. نه خیر!

مطلب از اصلاحات تعدیل وتصحیح نواقص است یعنی میخواهم بفهمانم که باید درشکل صنایع موجودهٔ ملی یك تجدد و رونق بهتری داده شود. مابعضی صنایع نفیس ملی داریم که اندك نقص باعث تنقید مشتریها دربازارهای دنیا میشود مثلاً قالین را بصورت نمونه نشان میدهیم، دربازارهای دنیا تنقیدی که راجع بقالین ما میشود عبارت ازین است که میگویند رنگ تمام آن بیك نواخت نبوده بعضی جاها کم رنگ و بعضی جاها تیز است. همچنان گل های تمام قالین ها چند نمونهٔ تغیر ناپذیری دارد. نقص اول ناشی از کم، کم رنگ کردن پشم است که این هم زادهٔ محدودیت سرمایه و نقص دوم مشتق از عدم وجود رهبران ماهر و فنی است که جز در سایهٔ شرکت ها وتدابیرفنی بدیگر صورت اصلاح آن بزودی میسر نمیشود، همچنان است بعضی ازصنایع دیگرما که به اندك همت بصورت نهایت خوبی اصلاح شده ترقی میکند. آمدیم به این شق که دهاقین ما با مزدوران اکثراً در ایام زمستان بیکار میمانند: هرگاهیکی از شرکتهای ما و یاجمعی از صاحبان ثروت که تشکیل شرکت میتوانند مطابق هدایات حکومت ترقیخواه برای چنین اشخاص که تعداد آن از ملیونها تجاوز میکند مثلاً ماشین های خورد دستی جهة بافت جراب، بنیان، .... وچندین امتعه ایکه بسهولت بذریعهٔ ماشین های خورد تهیهٔ آن ممکن است وارد نموده و به اقساط معینه بالای ایشان بفروشند و بذریعهٔ مستخدمین شرکت درخانه ها این دهاقین وغیره کار آگاه شده ومستحصلات اوشان را بقیمت مناسبی که برای طرفین فائده باشد

بخرند در ماه فوائد هنگفتی بشرکت رسیده ضمناً یك عدهٔ زیاد برادران وطن صاحب‌ثروت خواهند شد کذا بسی‌طریقه های دیگری وجود دارد که به جیب ما ثروت هنگفتی را میریزد . امروز مملکت جاپان که ازنقطهٔ نظرصنعت شهرت بلندی حاصل و بمقابل امتعهٔ دیگر ملل اعلان دمپنگ (ارزان فروشی) نموده بسا فابریکه هاراورشکست میکند درسایهٔ همین نوع تدابیراست که شرکت آ برابکار میاندازد .

خلاصه عصرحاضرعصرترقی وتعالی صنعت بوده بدون رسیدن بدور صنایع بزرگ ولوانیکه زراعت وفلاحت‌ماخیلی ؛ترقی‌باشدغیرممکن‌است که مثل ملل مترقی وصنعتی دنیا شاهد سعادت ملی را به آغوش کشیم امروز سعادت مند ترین ملل آ نانیست که مستحصلات آن چون سیل در بازار های دنیا جریان داشته بمقابل ده روپیه مواد خام ۱۰۰ ها روپیهٔ نقد را بجیب خود می اندازند .

در اینجا مورد روشن کردن دارد که پیشرفت و ترقی صنایع تنها وابسته بمساعی و مجاهدت صنعتکاران نبوده یك قسمت مهم متوجه مشتریان ، وطن هم میگردد یعنی اگر مشتریان به پاس حقوق وطن و به لحاظ ملت دوستی امتعهٔ خارج راکه ازان صنعت کاران و طن بکثرت تهیه کرده میتوانند ازقلب خود دورکرده به استملاك مستحصلات خود بکوشند یعنی بعوض تانهای بی دوام ، گلم های خوب و قشنگ بجای تکه های پوده و بی داشت خارج انواع تکه های با دوام و مضبوط وطن‌را و بعوض ظروف برنجی ، المونیمی ، حلبی‌خارج‌صراحی آفتابه لگن ، بشقاب ، سماوار ، پطنوس وصدها سامان مسی و برنجی و حلبی و طن را و بعوض چاقو ، کارد ، قیچی ... و غیرهٔ آلمانی ، جاپانی ... وغیره‌چاقوهای‌آبدارفولادی وخیلی‌بران وطنی‌راباهزارها

اشیاء کارآمد دیگرکه دروطن دست یاب میشود استعمال کنند هم صنعت کاران و طن دارای سر مایهٔ خو بی گشته پو ل ما بجیب خـارجی ها نمی افتد وهم لوازم مضبوط و با دوام بقیمت نازلی بد ست میآید بالعکس ا گرچنین نشود واین حس غریزی وطن بماتأثیری نکند صنعت ملی ما ازین هم پست ترگشته صنعت کاران مو جـودهٔ که دار یم آهسته آهسته ازمیان خواهد رفت . چه ثابت شده که تمام ترقیات بشرزادهٔ احتیاج است واحتیاج هم ما درایجاد ! وقتیکه ما احتیاج خودرا ازخارج رفع کنیم آ یاممکن خواهد بود بچیزیکه احتیاج نداشته باشیم ترقی کنند ؟ پس درینصورت گناه انحطاط صنایع وطن بدوش فرد فرد ما افتیده ظلم برخویشتن ووطن خواهیم کرد .

چون درفوق راجع به ترقی واصلاح صنایع وطن تبصره نمودیم حال بی مورد نخواهد بودکه پیشنهادات (تایلر) مهندس امریکائی را که قریب ۲۵ سال قبل برای تنظیم وتشکیل صنایع دستی نموده وآن را (طریقهٔ کارعملی) نام نهاده است برای استفادهٔ شرکتها وذواتیکه خیال تشکیل شرکتها را مینمایند در معرض اشاعه بگذاریم :

کار عملی یاطریقهٔ تایلر

روح طریقهٔ مذکور این است که کارگر صنائع دستی طرز کار را نمیداند وباید مراعات اصول ذیل باید تعلیم یافته و آموخته گردد :

۱ ـ تجزیهٔ کار بعناصر ساده و تنظیم اوقات هریك از آ نها .

۲ ـ حذف حرکـات زائدیکه بدرد حصول نتیجه نمیخورد و استفاده ازان اوقات نقسمکه جز زمانی که برای استراحت کـارگر ضروریست

وقت اوتضیع نگردیده وحرکات مفیده متصل بهیك دیگر انجام شوند .

۳ - جریان کار قسمی منظم گردد که خبط و خطائی دران رو نداده و یك مرتبه که کارگر شروع بکار نمود تا اختتام بکمال صحت وانتظام پیش برود .

٤ـ مصالح وآلات هر کار پراقبلا برای کارگر تهیه نموده ودردسترس اوبگذارند .

٥ - عدهٔ نگرانها ومفتشین فنی برای نظارت حسن جریان کار وضمناً تربیهٔ کارگران معین کرده وکار فرمایان فاسدیرا که باتحکمات خود روح کارگر را متألم سازند دور نمایند .

٦ - حداقلی برای کار کار گرواجرت او مشخص ساخته و برای اضافهٔ کار نسبت معینی به اواجرت اضافی دهند .

درصورتیکه نکات فوق کاملاً مرعی ومجرا گردد نتائج خوبی ازان بدست خواهد آمد .

شرط عمدهٔ استفاده ازان،صورت عمومیت پیدا کردن این اصول است .

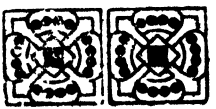

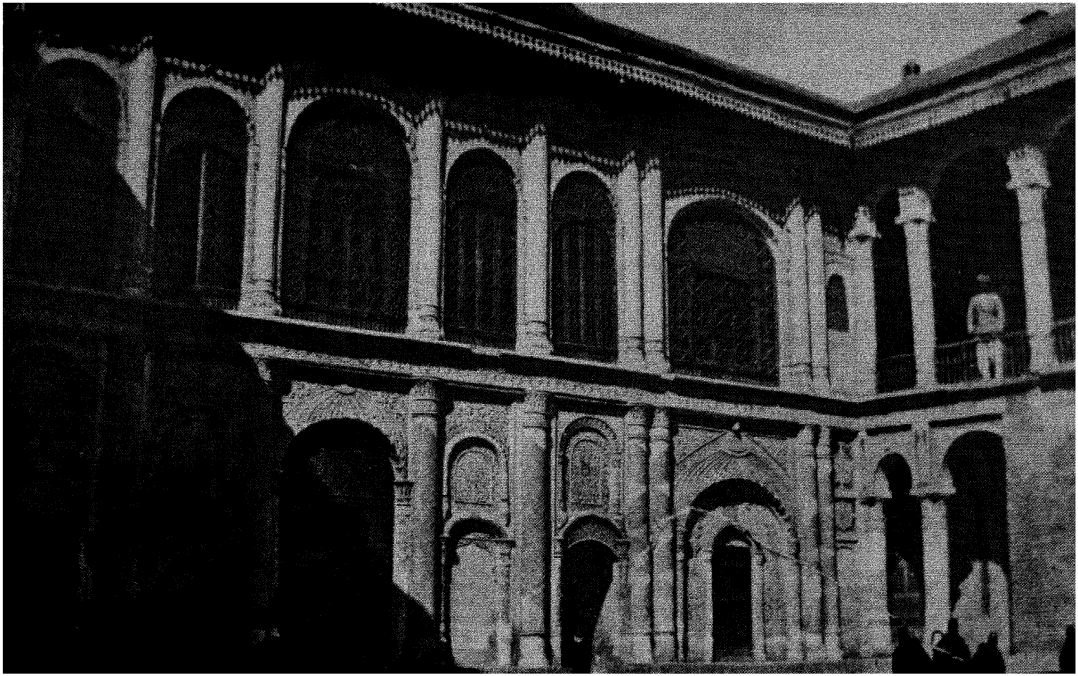

از عمارات قدیمهٔ هرات : حرم سرای باغ کارته

Type des anciens bâtuments du 18è. siecle a Herat

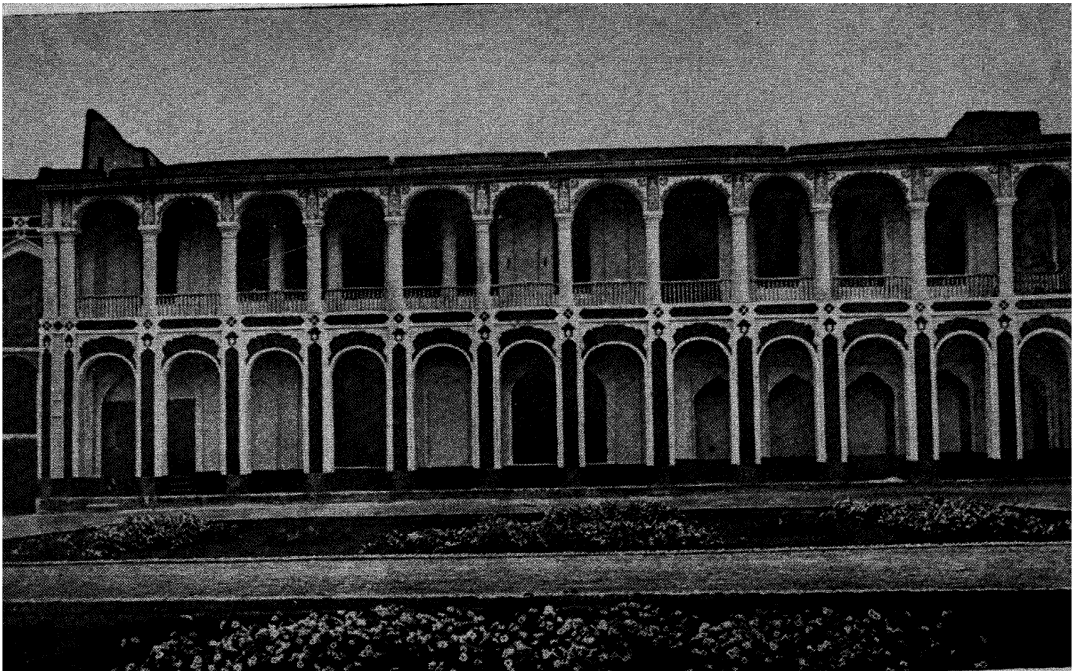

یکی از عمارات قدیمهٔ هرات که سبك عمارات قرن یازدهم هجری ساخته شده

Type des bâtiments du 18è siècle à Hérat

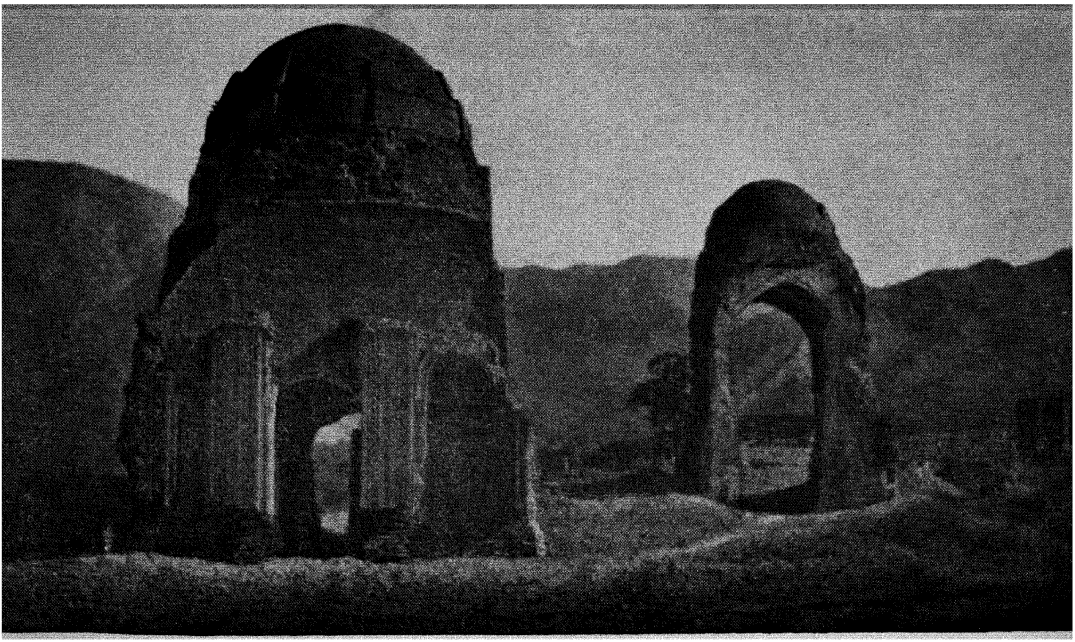

از آثار تاریخی هرات : بعضی از مقابر قدیم (قرن ۱۰ و ۱۱)
Types des anciennes mausolées de Hérat (17-18 ê. s.)

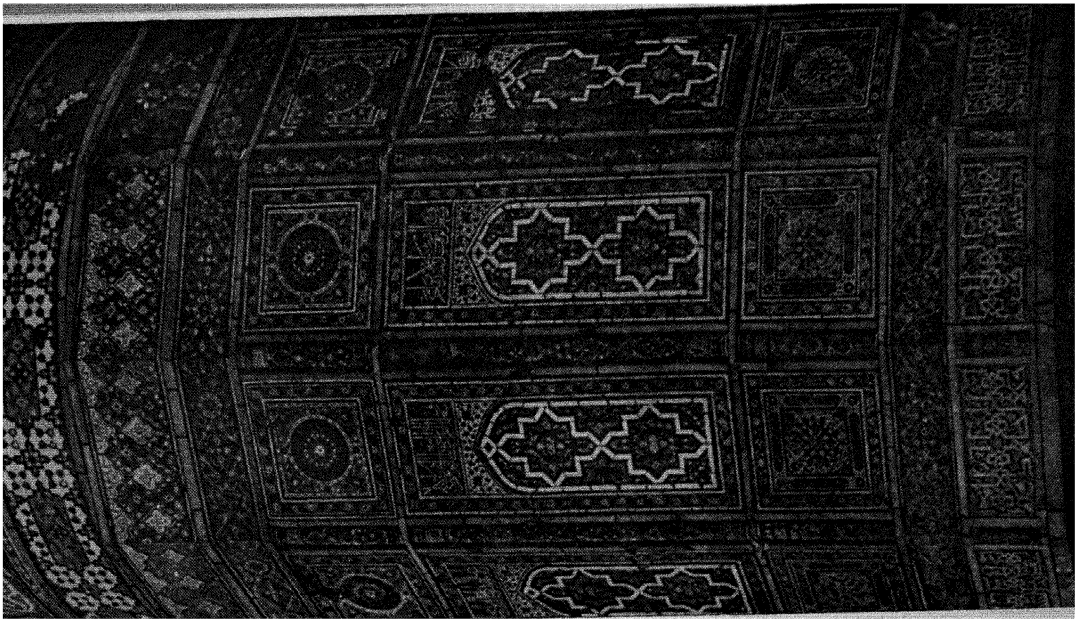

از آثار نفیس و تاریخی هرات : حصهٔ تحتانی یکی از مناره‌های مصلی

La partie inférieure d'un des minarets de la grande mosquée de Hérat

نباتات مشهور افغانستان

ومعلومات طبقات الارضی آن

بقلم جناب محمد زمان خان منخصص ، مدیر عمومی زراعت

سال گذشته مقالهٔ تحت عنوان (نباتات مشهور افغانستان) نگاشته معلومات خودرا نسبت به نباتات مشهورقطغن و بد خشان وقندهار وهرات وفراه ، مشرقی وجنوبی تحریر وبا بعضی توضیحات طبقات الارضی حصص مذکور جزای درج سالنامهٔ سنه ۱۳۱۵ کابل فرستاده وعده داده بودم که نباتات مشهور وخصوصیات زراعتی حصص ولایت کابل ومزار شریف ومیمنه رابرای سالنامهٔ سنه۱۳۱۶ ترتیب داده بانجمن ادبی تقدیم خواهم داشت . اینك قرارمعهود وحسب خواهش انجمن محترم ادبی معلومات مختصری که نسبت بزراعت علاقه جات مذکورهٔ فوق داشتم درسلك تحریر درآورده تقدیم مینمایم ، ضمناً کمك هائی که جناب فاضل سید قاسم خان رشتیا درقسمت معلومات ولایت کابل بابنده فرموده اند تشکرمیکنم .

« محمد زمان »

حصص مرکزی افغانستان یا ولایت کابل

حصص مرکزی افغانستان که از روی تقسیمات ملکیه شامل ولایت کابل میباشد ازحیث وسعت خاك وزراعت مهمترین و حاصل خیز ترین حصص افغانستان راتشکیل داده ، دارای اراضی کشتمندی

و نخلستانها وباغات و دره های پردرخت ورود خانها وچشمه سارهای فراوان است که رویهمرفته این علاقه را باوجود اختلافات اراضی آن که بعضی کوهستانی و برخی دشتی وقسمتاً سطوح مرتفعه است ، یك علاقهٔ پر برکتی گردانیده است . بطورعمومی آب وهوای ولایت کابل بری وسرد بوده ، مناطق گرم سیردران وجود ندارد و درزمستان تمام حصص آن برفگیر و درتابستان شاداب میباشد . باران کمتر میبارد واکثریت زراعت آبی بوده ، مناطق للمی کاری دربعضی حصص خاص میباشد اراضی ولایت کابل که اکثراً ازنقطهٔ نظر طبقات الارضی به زمانهٔ جدیدنیوژن Néogène متعلق بوده شامل اراضی مختلفهٔ طبقات الارضی است (که تفصیل آن علیحده علیحده درذیل آمده) که بیشتر آن دارای مواد آزوت وفوسفات بوده ازین رهگذر حاصل خیزی زیادی را دارا بوده استعداد پرورش اقسام نباتات را از قبیل غله جات ، سبزیجات ومیوه جات مناطق معتدله دارا میباشد .

حصص مرکزی افغانستان یا بعبارت دیگر ولایت کابل را ازنقطهٔ نظر مناطق جغرافیائی به شش منطقه میتوان تقسیم کرد ، اتفاقاً همین تقسیم با تقسیمات ملکیه نیز تا اندازهٔ مطابقت میکند : ـ

اول ـ کابل و نواحی آن
دوم ـ سمت شمالی
سوم ـ غزنی
چهارم ـ لوگر
پنجم ـ سطح مرتفع مرکزی (دایزنگی)
ششم ـ سروبی

اول ـ کابل ونواحی آن :

شهر کابل بشمال مشرق افغانستان وبجنوب سلسله کوه هندو کش واقع بوده نواحی مشهور و زراعتی آن قرار ذیل است : ـ

۱ : پغمان ـ بطرف شمال مغرب .

۲ : چهارده ـ بطرف غرب وجنوب غرب .

۳ : ـ ده سبز و بتخاك و شیو کی و غیره بطرف شمال شرق، شرق وجنوب شرق

کابل:

شهر کابل ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد واز جبال شیر در وازه و آسمائی و قوروغ و پغمان محدود بوده بجنوب کوهدامن واقع است

دریای کابل که از سمت جنوب آمده از بین کوه آسمائی و شیر دوازه میگذرد بمون اینکه بمزروعات قریبهٔ شهر از آب آن فائدهٔ برسد بطرف تنگ غارو وسروبی ومشرقی جریان پذیرفته بالاخره بحد اتك داخل دریای سند میگردد .

آب و هوای شهر کابل بری بوده در زمستان سرد و در تابستان گرم است : درجهٔ حرارت تابستانی در ماهای سرطان واسد تا به ۳۶ درجه سانتی گراد فوق الصفر بوده در ماهای جدی و دلو گوقت سرما و برودت است تا ۲۰ درجه تحت الصفر نیز پایان شدن مقیاس الحرارت ممکن است .

طور مثال حرارت سالانه کابل را از ۲۵ جنوری (۵ دلو) یك سال تا ۱۵ فروری (۲۵ حوت) قرارذیل معلومات میدهیم:

۲۵ جنوری سنه ۱۹۲۳		۱۰ جولائی سنه ۱۹۲۳		۱۵ نومبر سنه ۱۹۲۳		۱۵ فروری سنه ۱۹۲۴	
درجهٔ اعلی	درجهٔ ادنی	درجهٔ اعلی	درجهٔ ادنی	درجهٔ اعلی	درجهٔ ادنی	درجهٔ اعلی	درجهٔ ادنی
۵ / ۳۳	۲ / ۱۷	٤ / ۳٤	٤ / ۱۷	۱۸	۸ / ۲	۲۰	۹ / ۱۳
فرق مابین درجهٔ اعلی و ادنی	۳ / ۱٦	۱۷		۸ / ۲۰		۹ / ۱۵	

از ۲ بجه بعد ظهر تا ۳ بجه درجهٔ حرارت خیلی بلند میرود. و حرارت ۸ بجهٔ صبح باحرارت ۹ بجهٔ بعد ظهر خیلی مشابه است.

از نقطهٔ نظر زراعتی آب وهوای کابل برای زراعت هر گونه نباتات ممالك معتدله مستعد است. تمامی اقسام سبزیجات در گرد و نواح کابل ذریعهٔ دهاقین زرع میشود. غله جات مشهور نواحی کابل گندم، جو، جواری، کل جو، ارزن است. اصلاح غله جات مذکور ازمهمات است برای اصلاح غله جات از طرف ریاست زراعت برای سال آینده ترتیبات لازمهٔ فنی گرفته شده است.

ازاقسام سبزیجات کچالو، لبلبو، شلغم، سبزی پالك، پیاز، گندنا، زردك، لوبیا، فاسولیا و بادنجان سیاه و بادنجان رومی و غیره زرع ونتائج خوبی ازان گرفته میشود. برای اصلاح سبزیجات وطنی و ترویج سبزیجات خارجی موسیو اوزاکی متخصص جاپانی که مستخدم ریاست زراعت است، در باغ بینی حصار تجارب خود را شروع نموده، اصول جدید زراعت سبزیجات را بطلبهٔ زیردست خود تعلیم مینماید. متخصص مذکور در اطراف امراض نباتات نیز مطالعات و تجسسات نموده بعضی امراض سبزیجاترا بطلبهٔ زیردست خود آموخته است.

جهت اصلاح سبزیجات درکابل ترتیبات لازمهٔ اصولی گرفتهشده و بعضی سامان فنی نیز بخارج فرمایش داده شده است.

از قبیل اشجار مثمر درخت سیب و ناك و آلو و زرد آلو و قیسی و آلو بالو و آلو بخارا و شفتالو و بادام و چار مغز درکابل نموکرده نتیجهٔ خوبمیدهد درخت انجیر وانار بنابهسردی اواخرسال چندان نتیجه نمیدهد درکنار تپه ها و دامنه های کوها بشرط بودن یاکمقدار آب لازمه زراعت انگور نیز میشود و نتیجهٔ خوب میدهد.

لا کن نقائصیکه در زراعت اشجار دیده میشود همانا اینست که اصول قطع اشجار بطورفنی بهیچ یك ناحیهٔ افغانستان مروج نیست. جمیع مواد غذائیه که توسط ریشه های اشجار ازاعماق زمین جذب میشود بطرف شاخچه هـای درخت رجعت می کند . شاخچه های زاید و بی ثمر نیز مانند شاخچه‌های میوه دهنده ازمواد غذائیه مستفید گردیده درخت شکل غلو و آ گندهٔ را بخود میگیرد ، روشنی و هوا بخوبی در میان شاخچه هـا نفوذ نداشته میوهٔ درخت در بعضی جا ها خیلی زیاد بنظر میرسد و در بعضی جاها لا اثر میباشد قطع درخت هـا بطو ر فنی قوهٔ آ نرا زیاده می سازد ، بمقدار حاصل می افزاید و منتج باصلاح نبات میگردد ، از چندیست که تحت هدایات فنی مو سیو او زاکی متخصص بکعده طلبهٔ افغانی مشغول اخذ معلومات عملی قطع اشجـا ر و پیو ند وشاخه خوابانی وغیره بوده طلبهٔ مذکور دراصول قطع اشجار معلومات کافی حاصل نموده اند .

در باغ بابر شاه اشجـار مثمر تماماً در شروع سال تحت اثر موسیو اوزاکی توسط طلبهٔ زیر دستش باصول جدید قطع می شود و نیز پیوند نهالها بطرز جدید بعمل میآید درباغ مذکور یکعده اشجار میوه‌دار جاپانی که ازجاپان خواسته شده است درسنه ۱۳۱٤ غرس گردیده الان یك تعداد مهم آ ن سبر گردیده رو به نمو است .

درخصوص اشجار جنگلی نیز تحت نگرانی (موسیو آیزاوا) متخصص جنگلات در پغمان و چهار ده اقسام متعدد آ ن از قبیل سرو صنو بر و بلوط و پسته و ارغوان و اکاسی و غیره زرع شده نتیجهٔ بعضی از آ نها اطمینان بخش است . عملیات موسیو آ یزا وا در سنه

۱۳۱۶ جهت اخذ معلومات ابتدائی بوده برای سال آینده در نظر است که قوریه های وسیع و مهم اشجار جنگلی ترتیب یافته یکمقدار نهال زیادی هرسال ازقوریه‌های مذکور کشیده و به نقاط قابل الزرع جنگل نقل داده وغرس شود یك گونه نبات تجارتی موسوم به (سوژ) در باغ بینی حصار زرع گردیده و نتیجهٔ محصوله اطمینان بخش بوده ازتخم سوژ ۲۵ فی ۱۰۰ تیل کشیده میشود که درخورا که نیز بکار برده شده میتواند .

زراعت پنبه در نواحی کابل به نسبتیکه حرارت هر ماه های ستاله ومیزان دروقت شب خیلی پایان میشود نتیجه نداده غوزه‌ها ناشگفته میماند . زراعت خربوزه و تربوزدر نقاطیکه شب باده داشته باشد نیز نتیجهٔ اعلی میدهد. ازجملهٔ غله جات چیزیکه زراعت آن مروج نیست گندم سیاه است ، واون گندم سیاه علاوه برینکه سخت سر بوده بهر قسم زمین نتیجه میدهد قوهٔ غذائیهٔ آن نیز زیاد است . خوردن گندم سیاه در روسی خیلی مستعمل است واگردر ترویج زراعت آن درنواحی کابل کوشش شود نتیجهٔ خوبی بدست خواهد آمد .

اون یك گونه غنهٔ خیلی مفیدی است که درممالك اروپا بهزارها هکتار زمین را فرا گرفته محصول آن بحیوانات خصوصاً برای اسپ ها داده میشود . درمکتب زراعت مرکز یکمقدار تخم آن موجود است وقراریکد دراراضی متعلقه مکتب مذکور تجربه بعمل آمده است اون بخوبی درکابل نمومیکند . اون دوقسم است یکی اون سفید بهاری ، دیگر اون سیاه زمستانی . اگرچه اقسام متعدد دیگرنیز دارد لاکن دوقسم مذکور خیلی مشهور است .

درعلاقه چهاردهی زراعت گندم به نسبتیکه ترکیب طبیعی زمین

آن رستی وآهکی است و نیز درجهٔ حرارت مستعد است خیلی زیادمیباشد. دو قسم گندم شهرت تامی دارد ، یکی گندم لچك ودیگر خاردار . درهردوقسم گندم مذکور مقدار آزوت زیاده بوده قوهٔ غذائیهٔ آن زیاداست. انواع مذکور متعلق به جنس گندم سخت Hordeum Compactum است .

کابل از نقطهٔ طبقات الارضی :

سیستم پریدوینیه Système prédovinienn کوه خواجه هزاره (هزارهٔ بغل) که بشمال کابل واقع است ازصوانه ورقی Gneiss احجارورقی ابرك دار Micaschiste تشکیل یافته .اراضی که بدامنهٔ کوه مذکور واقع است طبعاً از تجزیهٔ احجارمذکور تشکیل پذیرفته چونکه متعلق به اراضی زمانه اولی Ereprimaire است دارای یکمقدار (پتاس) بوده (حامض فسفور) و (چونه) آن کم است ، لهذا برای تقویه اراضی مذکور مواد کیمیاوی فسفوری و یکمقدار چونه لازم است که بصورت پاروی کیمیاوی داخل زمین گردد .

بطرف مشرق کابل درکوتل پای منار نیز صوانه ورقی Gneisa دیده شده علاوه بران احجار شیستی Schiste نیز بنظر رسیده خواص زراعتی اراضی محدودهٔ کوتل مذکورقرارفوق است . یعنی حامض فسفور وچونهٔ آن کم بوده لازم است که مواد مذکور بصورت پارو داخل زمین کرده شود بطرف مغرب کابل کوهای باغ بالا نیز از احجار متبلوره ورقی ساخته شده اراضی قریهٔ آن مانند اراضی فوق الذکر فاقد مواد فوسفوری وچونه بوده برای اصلاح آن دخول مواد فوق دراراضی مذکور لازم است .

بطرف جنوب کابل کوه شیر دروازه و به غرب جنوب کابل کوه آسمائی نیز ازاحجار صوانی وصوانی ورقی ساخته شده متعلق بزمانهٔ اولی میباشد . بطرف جنوب مشرق اگر بیشتر برویم در درهٔ لوگر بعضی طبقات اراضی متبلورهٔ ورقی terrains cristallophylliens دیده میشود ، بدامنه سمت چپ درهٔ لوگر (کوه نوشته) احجار صوانی ورقی Gneis و احجار شیستی ابرك دار Micaschiste که دارای دانهای یاقوت و (آندلوزی میباشد دیده میشود . ساختمان درهٔ سمت چپ لوگر مربوط بزمانه اولی Primaire بوده اراضی که ازتجزیه احجار کوهای سمت مذکور حاصل شده است دارای حامض فسفور و چونه نبوده برای اصلاح اراضی مذکور لازم است که یکمقدار پاره‌ی فسفوری ویکمقدار چونه داخل زمین کرده شود .

بطرف سمت راست دره لوگر کوه شاخ برنته (ارتفاع ۲۳۲۰ متر) نیز دارای ساختمان فوق بوده علاوتاً طبقات آهك های خاکی و سیاه نیز دربین طبقات احجار کوه مذکور بنظر میرسد معلوم است که اراضی تحت دامنه سمت راست درهٔ لوگر تا یکحد دارای چونه بوده برای اصلاح آن تنها دخول یکمقدار حامض فسفور لازم است .

ساختمان طبقات الارضی کابل مربوط عصر جدید نیوژن Néogène عصر نیوژن Meogène مربوط زمانه ثالث Tertiaire است ومشتمل بدوره های پلئیوسن Pliocène و ملیوسن Miocéné میباشد .

سطح شهر کابل که ۱۷۶۲ متر ارتفاع دارد از رسوب جدید التشکیل Néogène ملفوف بوده و تپه (تپه بی بی مهرو و تپهٔ سیاه سنگ) که ۱۹۴۵ متر بلندی دارند از طبقات رسوبی عصر نیوژن تشکیل یافته بالای طبقات پالیزوئیك Paléozoïque قرار گرفته اند.

پغمان :

صیفیهٔ پغمان بشمال مغرب کابل واقع و درهٔ شاداب آن دارای آب سرد و صاف بوده از سبب مجاورت جبال برف گیر و ارتفاع زیاد خود همیشه هوای مطبوع ومصفائی را داراست منبع آب نوشیدنی اهالی کابل از درهٔ پغمان است ودر هر کنج و کنار این ناحیه زیبا در بین اشجار سر سبز کوتی های متعدد و نفیسی جلب نظر مینماید در پایان درهٔ پغمان وادی شاداب ارغنده وقوع دارد که دارای زراعت غله جات و بعضی درختان از قسم بیدوچنار و غیره است اما کشمکش که قریب پغمان است دارای باغات میوه میباشد در پغمان درخت سیب و ناك خیلی کم است ، لا کن درخت گیلاس و آلوبالو وزرد آلو و چارمغز وآلوبخارا و بادام و توت بکثرت دیده می شود . چنار عرعر و سفید ارو پنجه چنار ونیله چنار و بیدو اکاسی و زیره از جملهٔ اشجار جنگلی مهمی است که در ناحیه مذکور بکثرت میروید به نسبت ریگی بودن اراضی درخت چارمغز و پنجه چنار که ریشه های شان بزمین خیلی عمیق فرومیرود نتیجهٔ خوبی داده بزرگی وضخامت اشجار مذکور قابل توجه است .

زراعت سبزیجات از قبیل کچالو و شلغم و سبزی پالك و بخود و زردك و باقلی و غیره نتیجهٔ خوب میدهد و نیز زراعت گندم و جو وجواری و ارزن در ناحیهٔ مذکور معمول است ، لیکن بسبب سردی هوا در حصص بلند تر درهٔ پغمان حاصل غله جات کم میباشد .

چیزیکه مهم است مسئله توسعه جنگل است که در پغمان باید از همه زیاده تر مورد توجه واقع شود . زیرا که برای زراعت و توسعه

و نموی جنگل یکمقدار رطوبت در هوا و بارانهای کم دوام موقتی لازم است و اینچنین شرائط درآب وهوای پغمان دیده می شود . خوشبختانه ازچند سال باینطرف برای مشجر ساختن کوه های پغمان ترتیبات گرفته شده و در یك قسمت کوه ها درختان بادام و چار مغز و توت و زیره و غیره غرس شده است .

معلومات طبقات الارضی ناحیهٔ پغمان

۱ ـ سیستم پریدونیه : در نقطهٔ انتهائی کوه های پغمان بطرف شمال قدری دور تر ازتوپ دره آهك های (عصری دیونیه) دیده می شود که دارای (هماتیت) Hématite بوده بالای طبقات احجار صوانی ورقی Gneiss و میکائیست Micacshiste قرار گرفته از تجزیهٔ احجار فوق خاکیکه حاصل می شود حامض فسفور کمتر داشته برای تقویهٔ آن دخول مواد کیمیاوی فسفوری لازم است . بدون دخول مواد لازمهٔ فسفوری بودن (پتاس) و (آزوت) و (چونه) و غیره نیز در هرچه اراضی فائدهٔ مطلوبه را داده نخواهد توانست ، زیرا برای اینکه از یك زمین حاصل خوب گرفته شود بودن آزوت و فسفور و پتاس چونه لازم است .

چهاردهی:

چهار دهی کابل میدان سبز و خرمی است بطرف جنوب مغرب کابل اشجار سبز و بر جسته واراضی مزروع زمردین خود را از دور بنظر جلوه میدهد . کوه قوروغ بطرف مغرب چار ده قلل شامخهٔ برف گیر خودرا بانظار عرضه میدارد مخلوط طبیعی اراضی چارده ی

از آ هك ورست بو ده برای زراعت غله جات خصوصاً گندم خیلی مساعد است از همین جهت است که گندم لوچك و خار دار چهارهی بهمه جا مشهور بوده باوجودیکه ا کثریت زمین های آن ا نبار داده نمیشود هر سال یکمقدار مهم گندم بار می آورد . آ بیاری ار اضی چـا ر د هی تو سط جو ی بهسو د و جو ی خنگو ت می شو د و د هـا قین این عـلا قه با آ نچنـا ن مهـا ر ت آ خر ین جر عـه آب را بصرف زراعت خویش میرسانند که میتوان گفت امروزهیچیك قطعه در چهار دهی نیست که بصورت خاره ولا مزروع دیده شود . سمت شرقی وجنو بی چهاردهی موسوم به چار آسیاب است که وادی شاداب و حاصل خیزی بوده در زراعت شبیه چهارد هی ولی در حاصل خیزی کمتراز آن میباشد . درچاردهی چنار عرعر و درچار آ سیاب زراعت فالیز کاری ز یاده است . تمامی ا قسا م غله جات در چار د هی زرع میشود و نتیجهٔ محصوله نیز اطمینان بخش است پارودادن زمین چندان مروج نیست و ا کثراشخاص خاك تعمیرات کهن وخرابه را که دارای یك مقدار آزوت است بصورت پارو بالای زمین های خود میپـا شند . این قسم خاك را که خاك شوره می نامند برای زراعت غله جات خصوصاً گندم مفید است . شالی کاری نیزدر بعضی حصص سیراب چهار د هی رواج دارد .

زراعت سبز یجات درنقاطیکه آب وافر میسر باشد بخو بی میشود و زراعت تمامی اقسام سبز یجات معروف کا بل از قبیل بادنجان وکچالو وشلغم وکدو وکلم و پیاز وسبزی پالك وغیره ممکن است ، فالیز کاری چندان مروج نیست تنها در بعض نقاط خر بوزهٔ تر کستانی و باد رنگ و تر بوز خوب نتیجه داده است . اهالی چاردهی میگو یند که برای

حاصل گرفتن از فالیز کاری شب باده لازم است از قبیل میوه جات آلوچه وزرد آلو و قیسی وتوت وسیب چاردهی مشهوراست آلو بالو وشفتالو کم است ازدرخت چارمغز نتیجهٔ درست گرفته نمیشود ، زراعت بادام ممکن است لاکن کم دیده میشود . برتیه های قریب دارالفنون یك تعداد زیاد نهال خورد بادام بتازگی غرس شده و رو به نمو میباشد لاکن توجه و مواظبت بکاردارد زراعت تاك در چهار دهی مروج نیست و از سببیکه شب باده نیست میگویند که زراعت تاك در چاردهی نتیجه نمیدهد .

درختیکه از همه بهتر نتیجه میدهد درخت چنار عرعر است که دور اکثراراضی زراعتی رافرا گرفته برزینت چاردهی افزوده است اگرحفاظت این‌درخت درسال اول قلمه نمودن بطوراصولی کرده شود بعد ازان بدون زحمت آبیاری دیگر تکلیفی بکارندارد و حاصل آن عموما بعد از مدت ده سال خیلی اطمینان بخش است زیرا که دستك چناری امروز از ده الی پانزده افغانی قیمت دارد . مع الاسف آب چهاردهی کم است و اگر بکدام صورتی مقدار آب این حصه زیاد شود از مقبول ترین نقاط همجوار مرکز محسوب می شود . باوجود قلت آب گفته میتوانیم که چهار دهی از حیث سرسبزی و قشنگی یك علاقهٔ جالب الطبع و بس حاصل خیزی است . درخت اکاسی ونیله چنار و سفیدار و بید و سنجد نیز به تعداد زیاد بوده درین ناحیه خوب نمومی‌کنند . آنچه سبب قلت روز افزون آب چهار دهی شده همانا توجه مردمان آن علاقه بسوی سبزی کاری و باغ سازی است که روز بروز دامنهٔ آن وسعت یافته میرود و سبزیجات و میوه جات چهاردهی در کابل بصرف میرسد .

از نقطهٔ طبقات الارضی اراضی چهار دهی متعلق به عصر پرید و ینبه بوده حامض فسفور آن کم است و اگرحامض فسفور بصورت پاروی کیمیاوی و یا پاروی عضوی در اراضی مذکور داخل کرده شود اراضی مذکور قوه و حاصل خیزی فوق العاده حاصل نموده محصولات زراعتی مهمی ازان گرفته خواهد شد .

ده سبز ، بتخاك و شیوکی و غیره :

این سه علاقه بسمت شمالی شرق و شرق کابل افتاده و عبارت از دشت های حاصل خیزی میباشد که حاصلات فراوانی از آنها گرفته میشود ، زمین ده سبز خیلی مستعد پرورش فالیز بوده خربوزهٔ آن شهرت زیادی دارد . اما غله جات نیز دران جا زراعت شده بعضی باغات زرد آلو و آلو و سیب و ناك و درختان توت و چنار نیز وجود دارد .

اراضی بتخاك که تاچند سال قبل کاملا دشت خاره بود ، بعد از آبادی بند خورد کابل (۱۳۰٤) عموما مزروع وحاصل خیز شده اکنون در پرورش گندم وجو و فالیز کاری ورشقه کاری در تمام ولایت کابل شهرت پیدا کرده است .

باقی در بتخاك باغات وجود نداشته تنها بعضی درختان بید و چنار و توت اینجا و آنجا بنظر میرسد .

شیوه کی ، بینی حصار متصل شهرکابل ودارای باغات زیاد میوه دار واراضی خیلی حاصلخیز زراعتی میباشد حاصلات گندم اراضی شیوه کی مشهور بوده ، جویهای متعددی سبب ایجاد باغات وسیع وزیبائی

گردیده است که شامل درختان آلو واقسام زرد آلو ، قیسی، سیب، ناك شفتالو ، بادام ، بی ، توت سنجد وغیره میباشد چون این علاقه جات قریب کابل است زراعت سبزیجات از قبیل باد نجان ، سبزی پالك کچالو ، کاهو ، پیاز ، سیر ، زردك وغیره وزراعت شبدر (شفتل) رشقه وغیره نیز رواج دارد . چنارعرعر ودرخت پنجه چنار بنابرانیکه اکثرحصص زاء آب دارد ممکن نیست .

دوم سمت شمالی :

سمت شمالی یکی ازحاصلخیز ترین علاقه جات ولایت کابل بلکه تمام افغانستان را تشکیل داده در حقیقت عبارت از نشیب های جنوبی هندوکش میباشد که حصص شمالی تر آن کوهستانی و حصص جنوب ترآن دشتها ودره‌های شاداب بوده ، آب هندوکش بصورت نهر ها ودریاها و چشمه ها و کاریز ها حصص مختلفهٔ آنرا آبیاری می کند سمت شمالی دارای زراعت مختلف بوده ، اقسام غله جات و انواع میوه جات وسبزیجات فراوانی دران بعمل میآید ومخصوصاً محصول غله ومیوهٔ آن بقسم آذوقه درشهر کابل وارد وحتی قسمتی‌ازمیوه‌جات تازه وخشك آن بخارج نیز صادر میگردد . مهمترین وحاصل خیز ترین حصص سمت شمالی کوهدامن و کوهستان است که ذیلاً به تفصیل ذکر میگردد .

این دو علاقه که قسمت بزرگ (سمت شمالی) کابل را تشکیل میدهد ، ازحیث حاصل خیزی خود در تمام افغانستان شهرت زیادی را مالك بوده ، نخلستانهای شاداب وتاکستانهای فراوانی دارد که مقدار کثیری‌میوهٔ تازه وخشك ازان حاصل شده در کابل و قسمتً

در خارج باستهلاك میرسد . اما بسبب کوهستانی بودن آن وسعت اراضی زراعتی کوهدامن و کوهستان نسبةً کم است و قسمت عمدهٔ آبادیهای مذکور دردره جاتیکه بپای سلسلهٔ کوه یغمان افتاده ، وقوع داشته آب کافی دارد . لیکن به دشتهای زراعتی آ نقدر آب زیاد نمیرسد - زراعت کلان این علاقه جات عبارت است از اقسام گندم وجو وارزن وباقلی ومشنگ وجواری وفالیز کاری (خربوزه وتربوز وخیار) وغیره - لیکن زمینهای کوهستان استعداد پرورش پنبه را نیز داشته ، زراعت پنبه روز بروز درترقی است . درههای حاصلخیز ومعروف کوهدامن که آب وهوای خوش نیز دارد قرار ذیل است شکر دره ، گلدره ، فرزه ، استالیف ، استر غچ وازمناطق سرسبز ونخلستانهای آن سرایخواجه وشش‌ده وباغعارق‌وقره باغ وچاریکار وگل بهار وجبل‌السراج مشهور میباشدازمیوه‌های مشهور کوهدامن وکوهستان یکی زرد آلوست که نوع میرمحمدی آن که ازپیوند سیب وزرد آلو بعمل میآید خیلی مشهور است . قیسی و سفید چه وزرد آلوی خشك وزرد آلوی خسته تلخك زرد آلوی قندك که میوهٔخورد وخیلی شیرینی دارد از اقسام زردآلوی این علاقه جات بشمارمیرود .

اقسام سیب کوهدامن وکوهستان متعدد است ، مثلا سیب نازك بدن وسیب حنیفه که خیلی شیرین وبادوام است و سیب آ هنگری که رنگك سرخ تیره دارد وسیب جورس که اقسام مشهورسیب کوهدامن وکوهستان را تشکیل میدهد .

اقسام ناك نیز درکوهدامن وکوهستان زیاد بوده مشهورترین آنها ناك شکرامردوناك گل امردوناك ثمرقند وناك آبی است شفتالوی

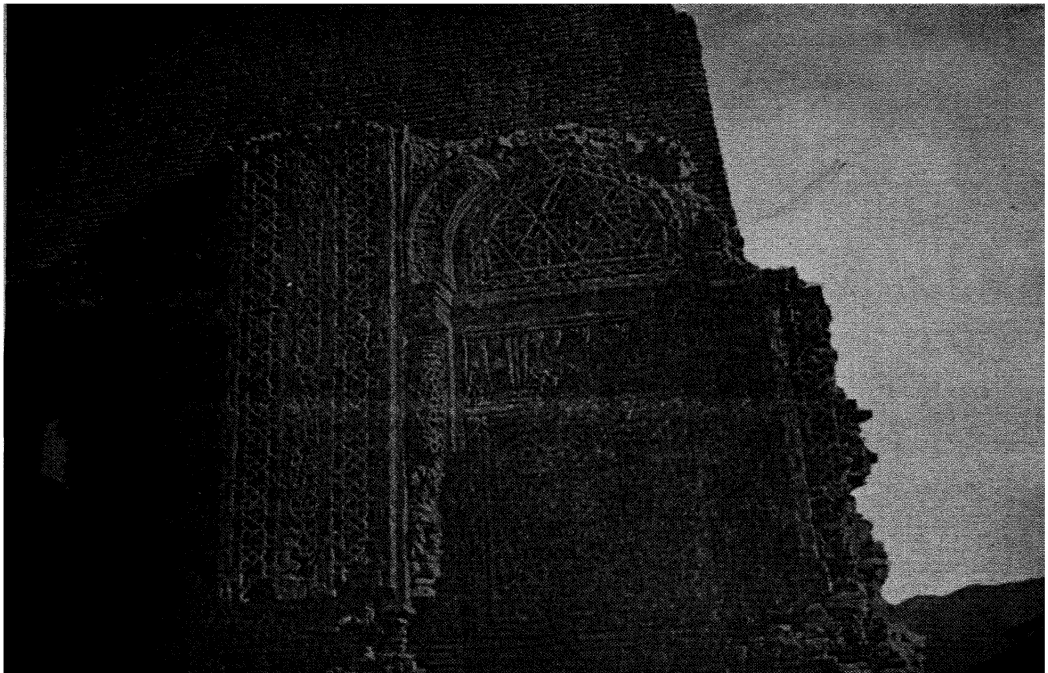

از آثار نفیس و تاریخی وطن : مقبرهٔ خواجه چشت در هرات

Une partie des ruines de la mausolée de Khodja Tchecht à Hérat

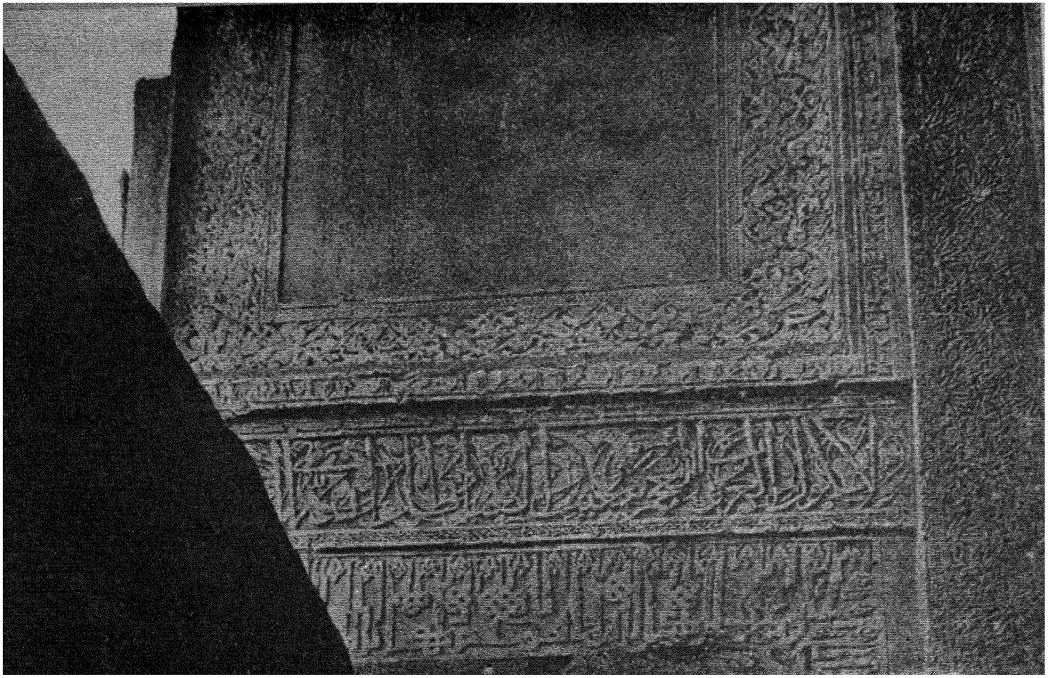

ار ا ثار نفیس و تاریخی وطن : مقبرهٔ خواجه چشت درهرات

Une partie des ruines de la mausolée de khodja tchacht à Hérat

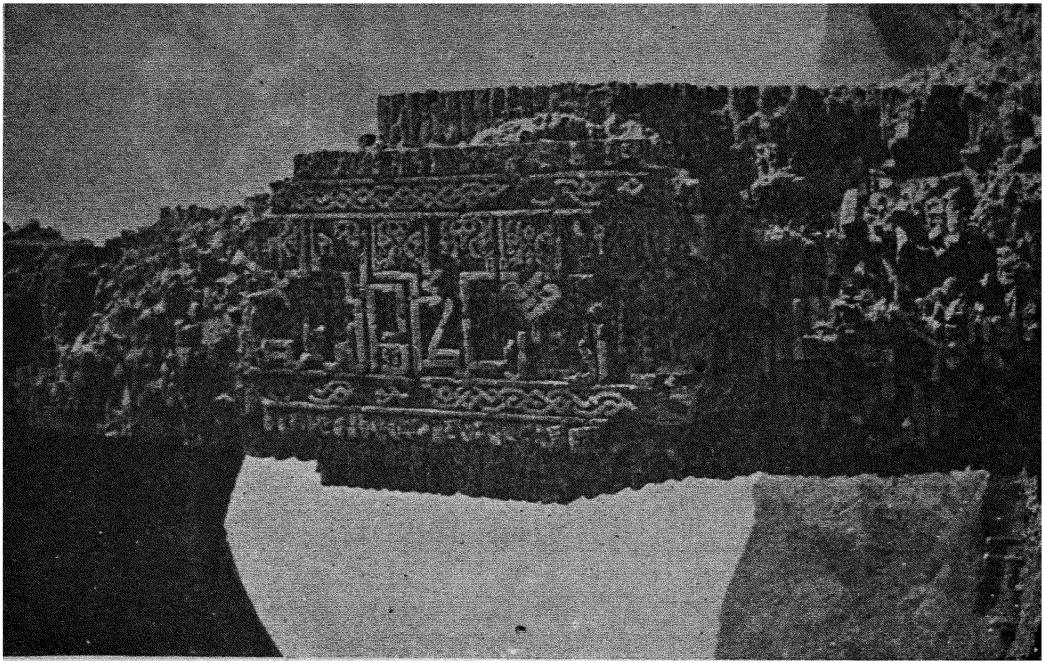

از آثار نفیس و تاریخی وطن : مقبرهٔ خواجه چشت درهرات
Une partie des ruines de la mausolée de Khodja tchacht à Hérat

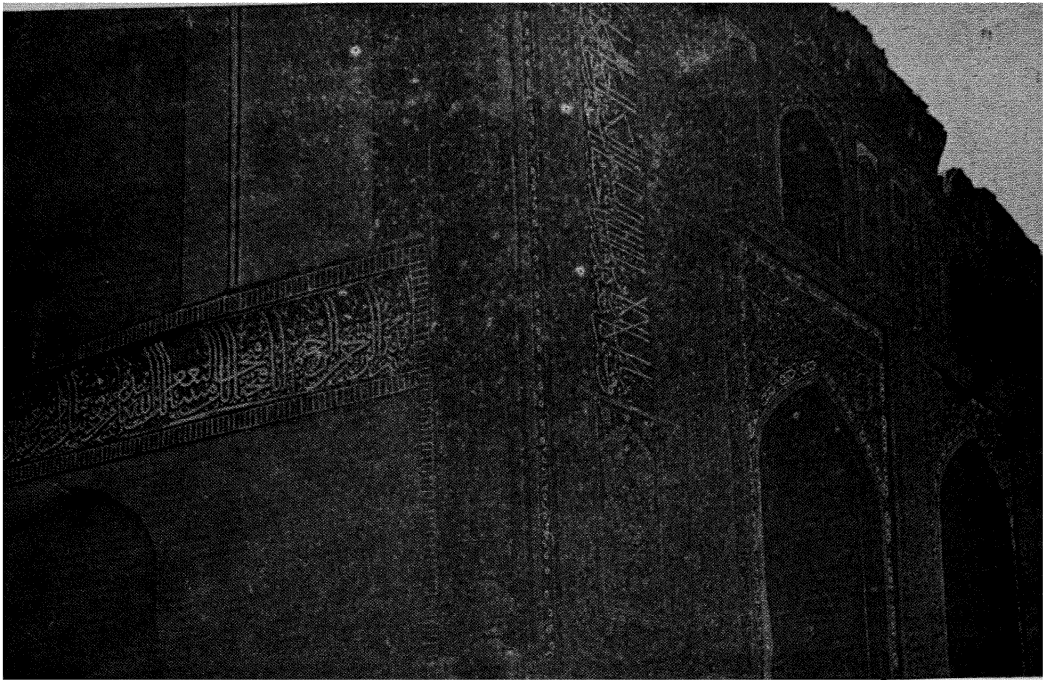

از ابنیهٔ تاریخی وطن : یك قسمت از دیوار های خارجی جامع هرات (قرن ۷ ه مطابق قرن ۱۳ ع)
Une partie des murs externes de la grande mosquée de Hérat (13 è s.)

نواح مذکور نیز خیلی اعلی و دارای انواع زیادی است مثلاً شفتالوی قندهاری که میوه اش ریزه وخوش رنگ و زودرس است وشفتالوی میان کالی که خیلی بزرگ است و شفتالوی گل پسر وشفتالوی قاضی که میوه اش بزرگ ورنگ آن زرد میباشد و شفتالوی شلیل که سه نوع دارد سفید وسرخ وسبز .

انگور کوهدامن وکوهستان خیلی مشهور است : انگور قندهاری حسینی و کشمشی وصاحبی وآبجوش وانگور لعل وانگور خلیلی وانگور تیرماهی وامیری وانگور ایته از اقسام مشهور آن محسوب میگردد . درخت توت و اقسام آن مثلا شیرتوت ، قندری ، قندهاری ، رخس ، پلاچ توت ، سیاه توت ، پرکبك و توت برفی و غیره است .

درخت چارمغز نیز زیاد است ، مثلا چارمغز کاغذی و چار مغز کورکی و چار مغز فرنگی و غیره .

اقسام بادام و انار و انجیر نیز متعدد است : مثلا بادام کاغذی و سنگی است و انار ترش و شیرین و میخوش و قسم قندهاری دارد انجیر مثلا جنس تا شقرغانی و جنس خسك : قسم تاشقرغانی آن به اندازهٔ بزرگی یك سیب میرسد و خیلی شیرین است و به نسبت دیگر اقسام کلان تر میباشد . انجیر خسك دو رقم دارد که یکی آن سیاه رنگ است و رقم دوم آن زرد رنگ . ازقسم آلو : آلوی بخارا و گرد آلو و سبز آلو و آلوچهٔ کوك سلطانی و غیره زیاد بعمل می آید .

ساختمان طبقات الارضی کوهدامن متعلق به زمانهٔ اولی است . چنانچه در استالف و استرغچ و توپ دره احجار صوانی ورقی

Gneiss وسلیت ابرك دار نقاط Micaschiste که در بعضی نقاط خود پیچ خورده ودارای کفیده گی ها معلوم میشود موجود است قدری دورتر ازنوپ دره بطرف شمال بانتها نقطهٔ کوه پغمان آهك های عصری دیونین Dévonien که متعلق بهزمانهٔ اولی دیده میشود Calcaires dévoniens آهکهای مذکور دا رای احجار هیمتت سرخ Hématité rouge است که بالای احجار صوانی ورقی و سلیت ابرك دار واقع است .

بطرف جنوب کوهدان کو بچهٔ خواجه هزاره و کوتل خیرخانه نیز از احجار صوانی ورقی و سلیت ابرك دار تشکیل یافته . اراضی زراعتی کوهدامن نیز از تجزیهٔ احجار صوانی ورقی و سلیت ابرك دار حاصل شده است .

در اراضی مذکور تیزاب فسفور Acide phosphorique کم است و باید بصورت انبار کیمیاوی آورده شود ، تا زمینها حاصل بیشتری بدهند ـ ازین رو است که دشتهای کوهدامن از حیث حاصل چندان قناعت بخش نمیباشد .

بعد از کوهدامن و کوهستان در حاصل خیزی تگاب و نجراب و پنجشیر اهمیت دارند این علاقه جات کاملا کوهستانی بوده شامل باغات و جنگلات خود روی میباشند و زراعت غله جات در آن ها کمتر است . پنجشیر علاقهٔ سرد سیر و دارای باغات خوب و تگاب خصوصا در حصص شرقی و جنوبی خود گرمتر بوده دارای جنگلات جلغوزه و باغات انار بوده این دومحصول بخارج نیز صادر میگردد .

غور بند ، بامیان وسبغان و کهمرد نیز در جملهٔ علاقه جات سمت شمالی بشمار رفته آب وهوای آنها عموما بسیار بری بوده ، زمستان

سخت و باد های شدیدی دارند و بنابران حاصلات آ نها نیز کم است . غله جات به مقدار کم و درختان میوه بندرت یافت میشود اما در بعض حصص ازسبب فراوانی آب شالی کاری نیز میشود تنها در غوربند میوه جات زیاد بعمل میآید و منجمله بادام آن اهمیت تجارتی زیاد دارد . در سیفان درختان میوه دار موجود است لکن بنابر تبدلات نا گهانی هوا بعضی اوقات شگوفهٔ شان بارور نگردیده بزمین میریزد . تپه های گرد و نواحی سیفان از علف های طبی وسبزه ملفوف است در گوشه های جنوبی سمت شمالی که متصل با نواحی کابل است دشت های نسبتهٔ کم آبی وجود دارد که دربعضی امکان للمی کاری موجود میباشد (مثل چمتله) اما اگر آب از دیگرنقاط آورده شود دشتهای مذکور استعداد آبادی زیادی را دارا است .

سمت شمالی را رود خانه های پنجشیر، غور بند و انهاریکه از آنها کشیده شده با چشمه ها و کاریز های که از کوهستانات مختلفه خصوصا سلسلهٔ پغمان بوجود می آید ، آ بیاری میکنند .

سوم ــ غزنی :

غزنی که مهد تمدن یك هزار سال قبل افغانستان بوده است . از حیث آب و هوا بری و سرد و شامل کوهستانات و دامنه های فراوانی میباشد . فراوانی آب و احداث بند های جدید اراضی غزنی را حاصل خیز ساخته است ، اقسام غله جات از قسم گندم و جو وجواری وحبوبات مختلفه از قبیل باقلی و نخود و مشنگ و سبزیجات وشلغم و غیره مانند کچالو ، بادنجان ، پالك و از میوه جات اقسام آلو و زرد آلو و بادام و توت در علاقهٔ غزنی پیدا می شود

آلوبخارای غزنی مشهور است . بادام وزیره در تپه ها بصورت خود روی نیز زیاد است . تپه های اطراف شهر غزنی و کوهستانات دورتر آن مانند واغز و غیره برای پرورش بادام خیلی مستعد بوده ، اگر این محصول در آنجا توسعه داده شودبرای تجارت صادراتی بسیار کمك میرساند . انگور در غزنی بسبب سردی هوای اخیر تابستان بدرستی بعمل نمی آید ، از درختان بی میوه بید و کمی گز وبعضی اقسام چنار درغزنی یافت میشود باوجود این در غزنی باغات کم بوده ، و اراضی دشتی مصروف زراعت غله‌جات و فالیز کاری میباشد . از توابع غزنی سرده و قره باغ در حاصل خیزی شهرت دارد ولی مقر عبارت از دشتی است که آب نداشته ولی هموار و درصورت پیدا کردن آب خاك آن خیلی مستعد زراعت میباشد .

حصص کتواز هم دشتی و بعضی حصص آن کوهستانی ، بوده زراعت‌مهمی ندارد . درحصص‌مختلف‌علاقه‌جات‌غزنی‌چمن‌های سرسبزبرای چرای مواشی‌وجود دارد که مشهور ترین آن‌چمن زار ناور است . رویهمرفته علاقهٔ غزنی طبعا استعداد پرورش اقسام غله جات وسبزیجات و میوه جات را داشته ، بند هائیکه دران حاسر دست تعمیر است ، آیندهٔ زراعتی خوبی را برای حکومت کلان غزنی پیش‌بینی میکند .

چهارم — لوگر :

حکومت کلان لوگر که بسمت جنوب و جنوب غرب کابل واقع و شامل سطوح مرتفع ودشت های هموار و بعضی کوهستانات است یکی از حاصلخیز ترین مناطق ولایات کابل بشمار رفته علمای

جغرافیائی آن را گدام غلهٔ شهر کابل نامیده اند . ار اضی لوگر بسبب زیادی مواد اغذیهٔ زمینی وفراوانی آب برای پرورش غله جات از قبیل گندم وجواری وجو و برنج لك خیلی استعداد داشته ، باغات در خود علاقهٔ لوگر رو به ازدیاد است و درختان سیب و زرد آلو و سنجد و توت وغیره خوب پرورش میبابد . آبیاری لوگر از دریای لوگراست که یکی ازبافیض ترین دریاهای افغانستان بشمار میرود . آب و هوای لوگر نسبت بکابل گرمتر بوده ، دشت های سرخاب و خروار بواسطهٔ بند سرخاب و بند خروار حاصلخیزی زیادی حاصل خواهد کرد . درختان چنار در لوگر خوب بعمل آمده برای پهشش عمارات بکابل نیز آورده می شود . تنباکوی لوگر نیز شهرت زیاد دارد . دیگر ازعلاقه جات حکومت کلان لوگر میدان و وردك است که شامل سطوع مرتفع و بعضی دره ها بوده دریای کابل وبعضی چشمه سار ها و نهر های دیگر آن را آبیاری میکنند، درمیدان و وردك غله‌جات خوب بعمل می آید ولی باغات کمتر است تنها در ختان بید و مخصوصا چنار بصورت جنگل زیاد بوده چنار میدان برای تعمیرات شهرت زیادی دارد . در دشت های وردك و میدان نباتات‌طبی بصورت وحشی زیاد است .

پنجم ـ سطح مرتفع مرکزی

سطح مرتفع مرکزی که در تقسیمات ملکیه بنام حکومت کلان دایزنگی یاد میشود عبارت از کوهستانات و تپه های خاکی بلند و سردسیر بوده آب و هوای آن خیلی شدید و زمستانش قریب ۸ ماه طول کشیده تنها در ٤ ماه کشت و زراعت آن بعمل می‌آید، حاصلات

آن خیلی کم و منحصر به گندم و جو و کل جو و باقلی و مشنگ بوده درختان آنجاعبارت از بید و چنار میباشد ، دراطراف ومرکز دایزنگی مثل دایکندی و یکاو لنگ زرد آلو و توت کم کم پیدا می شود. اما دره ها و سطوح مرتفع دایزنگی در تابستان سر سبز و شاداب بوده برای پرورش مواشی خیلی مساعد است ، چنانچه مردمان کوچی مالدار ولایات شمالی ، جنوبی ، مشرقی ، قندهار که بهزارهاخانوار می شوند ، همه ساله رمه های خودها را در تابستان برای چرابه‌علاقهٔ مذکور می آورند ، خصوص‌برای فربه‌ساختن مواشی‌مالدار کوچی دوعلف که بوفرت در دره‌ها وتپه های خاکی‌علاقه دایزنگی پیدا می شود کمك زیاد میکند که علفهای مذکور‌موسوم به (کمی) و (غیفان) است که تقریباً در ظرف ۲۰ الی ۳۰ روز مواشی لاغر و ضعیف مردمان کوچکی را نهایت فربه می سازد . غیفان مذکور یك خاصیتی‌دارد که اگر برای اسپ داده شود فوری اسپ را کور می سازد ، مگر برای دیگر حیوانات بغیر ازفایده ضرر نمیکند . وازین قبیل نباتات عجیب و غریب در علاقهٔ دایزنگی زیاد است که اکثراً خواص طبی را داراميباشد . اگرنباتات مذکور جمع آوری شود استفادهٔ خوبی ازان گرفته خواهد شد .

ششم — سروبی :

سروبی علاقه ایست بجانب غرب جنوبی کابل و از حیث منطقهٔ جغرافیائی در بین کابل و مشرقی بوده ، کوه های آن پراز جنگلات بلوط وخنجك وکمی سرو و صنوبر میباشد ولی باوجود این برفگیر و دردامنه های کوه های مذکور باغات انار وتوت وغیره پرورش

می یابد . زراعت سر و بی قلیل و منحصر به کمی غله جات و بعض حبوبات عادی است و رو بهمرفته زمین کشتی چندان وسعت ندارد . مردمان مذکور جنگلات را قطع کرده ارزان ذغال درست می کنند وبکابل آورده میفروشند . ازهمین سبب روز بروز دامنهٔ جنگلات کوتاه شده میرود . این منطقه مخصوصا برای پرورش انار که اهمیت صادراتی روزافزون دارد و نیز برای نموی جنگلات بلوط که ارزش اقتصادی مهمی را داراست استعداد زیاد داشته اگر این دومحصول دران جا ترقی داده شود ، علاقهٔ سروبی یکی از علاقه جات مهم زراعتی و اقتصادی مملکت خواهد شد .

ولایت مزار شریف

ولایت مزار شریف از حیث دارائی میدانهای وسیع و اعتدال آب وهوا - مشروط بمساعی وتوجهات لازمه - میتواند که منطقهٔ بس حاصلخیز ووسیعی را تشکیل بدهد . لاکن برای قابل الزرع ساختن میدانهای وسیع نواحی ولایت مذکور بحفرکاریزها ونهرها ودر بعضی نقاط به تعمیر بندها احتیاج بوده برای توسعه و اصلاح امور زراعتی مناطق متعلقهٔ آن مجبوریم که بوسائل زراعت عصری دست زده آیندهٔ زراعت آنولارا سرازحالامدنظرداشته باشیم . زیرا که بحال موجوده اصول زراعت جدید در حصص ولایت مزار شریف مرعی نبوده و دشتهای وسیع کم نفوس تطبیق زراعت عصری و استعمال ماشینهای زراعتی رادران جا ایجاب میکنند وعلاوه بران مقدار آبیکه مخصوص آبیاری آنست کفایت بخش نمیباشد .

اگرچه تجزیهٔ کیمیاوی اراضی ولایت مزار شریف تا حال بعمل

نیامده لاکن قزاریکه نجر به نشان میدهد اراضی مذکور دارای مواد عضوی بوده اگرآب لازمه برایش برسد خیلی حاصلخیز میباشد عموما زمین های مذکوررستی آهکی و یا رستی‌شنی (ریگی) است .

زراعت گندم وجو وجواری وارزن ومشنگ و باقلی نتیجهٔ خیلی خوب میدهد . درین سالهای اخیر دهاقین آنولا بغرس اشجار رجوع کرده بعضی حصه های اراضی آن که پیشتر زمین های زراعتی بوده باغهای اشجار مبدل گشته ، لاکن در وسعت باغهای مذکور نسبت به قلت آب مردم دچار مشکلات خواهند شد. تنها همان یك دریا که ازان هژده نهرمنشعب گشته اراضی موجودهٔ نواحی ولایت مزار شریف را آبیاری کرده خود شهرونواح همجوار آنرا تا دولت آباد و آقچه آبیاری میکند . لاکن باوجود آن برای زراعت اراضی‌وسیع دشتی مربوطات ولایت مذکور مجبوریم که انهارجدید حفر نموده به کندن کاریزها بپردازیم .

شهر شبرغان ازسرپل آبخوره دارد. درمناطق زراعتی ولایت مزارشریف جنگل بجز برقبه های خورد و بی اهمیت بصورت وسیع و غلو موجود نیست. از جملهٔ اشجارجنگلی چیزی که خوبتر میر و ید پنجه چنار و سفیدار است . از قسم اشجار میوه دار چیزی که دیده میشود ، درخت تاك و سیب وزرد آلو و شفتالو وآلوبالو وانگور وآلو است ، لاکن تعداد آن کم است . چیزیکه زیاده است درخت بادام است وحاصل‌آن از ولایت مزارشریف بخارج هم صادرمیشود در وسعت زراعت بادام باید صرف مساعی شود ، زیرا که بادام یکی

از مواد تجارتی خیلی مهم و توسعه پذیر وطن عزیز ما بشمار میرود خوشبختانه درین سالهای اخیر ازحسن توجهات‌ذات شاهانه که دراز دیاد جنگل ودرخت مبذول‌فرموده اند ، سال بسال عدهٔ درختان در ولایت مزار نیز کسب زیادت مینماید .

زراعت سبزیجات خیلی کم است . تنها در گرد و نواح مزار شریف بادنجان رومی و بادنجان سیاه و کچالو و سبزی پالك و زردك بمقدار کم‌زراعت می‌شود. مردم خارج شهر بخوردن‌سبزیجات چندان عادت ندارند و خیال میرود که عدم وسعت‌زراعت سبزیجات هم ازجنبهٔ قلت آب است . زراعت کنجد و زغر نیز بنا براینکه بعضی مردمان تیل آنرا کشیده با خوراکه میخورند معمول است .

فالیز کاری بصورت للمی در دشتهای ولایت مزار خیلی وسعت داشته خربوزهٔ مزار در تمام افغانستان از حیث نازکی و شیرینی مشهور است. اما متاسفانه تا کنون بسبب‌نازکی خود امکان صادرات را پیدا نکرده در خود محل صرف می شود. پیشتر گفته شد که در ولایت مزارشریف و نواحی آن‌جنگلهای وسیع‌موجود نیست. جنگلهای خوردخورد ارچهٔ کوهی اینجا وآنجا بنظر میخورد. چوب آن‌بدون محروقات بچیز دیگری کار نمیدهد. قراریکه معاینه می شود ممکن که در سابق دامنهٔ این جنگل های خورد خیلی وسیع بوده بالتدریج دست مخرب اهالی باعث استیصال اشجار آن گردیده .

از اشجار کوهی چیزیکه زیاده دیده می‌شود . درخت پسته است که‌آنهم‌ازبی رعایتی‌اهالی‌بمرورایام قلت‌پذیرگردیده . ازقرینه معلوم‌میشود که در سابق دامنهٔ جنگل پسته خیلی وسیع بوده از میمنه تا بدخشان امتداد داشته است و حالا تنها در بعض حصص سنگ چارك و سرپل

و ایبك تاغوری (قطغن)وجود دارد. درین اواخر از طرف حکو مت متبوعه احتیاطات لازمه گرفته شده ازقطع نمودن جنگلهای پسته جلو گیری بعمل آمده است. یك نوع درخت جنگلی دیگر نیز بنام سکساول دیده می شود که اهالی آنرا بسوخت میرسانند.

از قسم نباتات طبی ترخ و هنگ و سرنجان پیدایش دارد.

قراریکه مدیریت زراعت ولایت مزار شریف اطلاع میدهد انواع میوه های مشهور ولایت مزار شریف قرار ذیل است:

نام میوه	انواع
شفتالو	بهاری تیرماهی
بادام	عبدالواحدی کاغذی سنگکی
پسته	
زرد آلو	قیسی باقی خانی تهلو خسك
بهی	تیر ماهی
سنجد	خرمائی خسك قندك
انجیر	
انار	دانه دار بی دانه میخوش
سیب	بهاری رخش شیرینك تیرماهی
ناك	یخ ناك امروت ثمر قندی
آلو بالو	
توت	ابراهیم خانی شیر توت خسك
آلو کوك سلطانی	
«	دم روباه
«	بخارا

نام میوه	انواع
گرد آلو	
گیلاس	
شاه توت	
الوی زلك	

انگور عاقلی، قندهاری ، کشمشی ، حسینی ، مسکه ، شورتاك ، کالیفی ، شهابی ، کله زاغ ، بیدانه

اقسام غله جات مشهور نیز قرار ذیل میباشد :

نوع غله	اقسام		
گندم للمی	سفید چه	سرخ چه	
گندم آبی	»	»	گل گندم
جو	جو عمومی	کل جو	
جواری	گرمه	سرده	سفید
ارزن	گال		
زغر	آبی	للمی	
کنجد	»	»	
ماش	»		
پنبه	»		
اوبیا	»		
نسك	»		
نخود	للمی	آبی	
برنج	باریك	لك	

نواحی مربوطهٔ ولایت مزار شریف از نقطهٔ نظر زراعت خیلی قابل توجه است .

تاشقرغان :

در حصهٔ تاشقرغان از حیث خوبی آب و هوا زراعت هر گونه درخت میوه دار ممکن است به نسبتیکه زمین آن تا یکحد ریگی است زراعت انجیر وناك وزرد آلو نتیجهٔ خوب بدهد و بحال موجوده نیز این سه نوع درخت اراضی وسیعی را فرا گرفته . درخت انار نیز نتیجهٔ خوب میدهد ، زراعت خربوزهٔ للمی و آبی نیز معمول است . گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پنبه ، خربوزه ، تربوز ، کدو ، بادرنگ نیز یافت میشود .

فیروز نخجیر :

درحصهٔ فیروز نخجیر که از مربوطات حکومتی تاشقرغان است ، تمامی انواع میوه‌هائیکه پیشتر به تفصیل معلومات داده شد یافت میشود و باغات واراضی قابل الزرع در هرطرف جلب نظر مینماید . ازحیث اینکه اراضی علاقهٔ مذکور زا زمین بوده چشمه های متعدد دارد مقدار آب کفایت بخش بوده میتوان اراضی وسیع دیگری را نیز تحت زراعت آورد . درخت زرد آلو و سفید چه و اقسام انگور خیلی زیاد است .

هژده نهر :

در منطقهٔ هژده نهر ولایت مزار شریف از حیث فراوانی آب زراعت هرگونه سبزی وغله وغرس هر نوع درخت میوه ممکن است .

دهدادی :

اراضی حصهٔ دهدادی ریگی است ، در بین دهدادی یك نهر جریان دارد که بنام نهر شاهی موسوم است که ازحصهٔ گل درگب جدا شده اراضی وسیعی‌را تابحصهٔ گورمار آ بیاری میکند. گندم ، جواری وجو و تمباکو وپیاز و کچالو ، بادنجان‌سیاه ، بادنجان‌رومی، گندنا ، خربوزه ، تربوز ، بادرنگ ، کدو در حصهٔ مذکور زراعت میشود . اناراعلی و آلوی کوك‌سلطان وتوت وبادام نیز پیدایش‌دارد.

شیر آباد :

زراعت حصهٔ شیر آباد وبابه یادگار وعلی جوپان و قزل آباد نیز مانند زراعت دهدادی است .

سلطان بابه علی شیر :

سلطان بابه‌علی شیر بمسافهٔ تقریباً ٦ کیلومتر (دو کروه) بجنوب مزارشریف واقع است در آنجا خربوزه واقسام غله زرع میشود. زراعت للمی نیز معمول است . آب اراضی حصهٔ مذکور از درهٔ شادیان میرسد. سبزی پالك خودروو‌پیاز کوهی وسمارق و قوزه قرنی نیز در نقاط مرتفعهٔ حصهٔ مذکور یافت می شود .

دشت شادیان :

دشت شادیان مدعا از دشت وسیعی است که در ان نباتات مخصوصی ازقسم پیاز های کوهی ورواش وسمارق بقسم خود رو نمو

میکند ، اشجارچار مغزوسفیدار بمقدار زیاد است . شادیان مربوط علاقهٔ چار کشت است ، درعلاقهٔ چار کشت چیزیکه زیاده تر معمول است زراعت للمی است ، لاکن بعضی اقسام میوه از قبیل آلو و انگور وسبزیجات از قسم گندنا ، پیاز کوهی و سبزی پالك نیز موجود است ، تمام نقاط چار کشت چشمه سار میباشد .

مارمل :

بحصهٔ مارمل که بجنوب ولایت مزار شریف واقع و دارای سطح مرتفع است انگور وتوت وزردآلو درین اواخر بسیار غرس شده ، گندم وجو و اشجار کوهی ازقسم ارچه زیاد دیده میشود .

سیاه گرد :

حصهٔ سیاه گرد بشمال مزار واقع است وگندم وجو و جواری ورشقه وپیاز وخربوزه و تربوز بمقدار زیاد دران زرع میشود زمین آن ریگی است وآب جاری دارد کهازنهراصفهان جدامیشود .

بلخ :

درحصه بلخ که در ازمنهٔ قدیم شهر مشهور و معموری بوده انواع نباتات در آن زرع می شد ، بحال موجوده گندم وجو وجواری ومرچ وپیاز وبادنجان وکدو وگند نابمقدار کافی زرع میشود ، بادرنگ آن که به بادرنگ سواره مشهور است در ولایت مزار شریف شهرت تامی را داراست . از انواع میوه ، توت زردآلو ، آلوی کوك سلطانی وبهی بسیار است .

ثمر قندیان :

درناحیهٔ ثمرقندیان که از مربوطات بلخ است ، آلوبالو،زردآلو قیسی ، ناك ، انگور، بهی فراوان است . گندم ، جو ، جواری پیاز ، گندنا ، کدو وخربوزه وتربوز نیز زیاد میباشد .

بلخ ونواحی آن ذریعهٔ نهر بلخ که از پل امام بکری جدا می‌شود ، آبیاری میگردد .

دولت آباد :

درحصهٔ دولت آباد گندم ، جو ، جواری ، نخود ، پیاز ، کدو بادرنگ ، خربوزه تربوز زرع می‌شود. اراضی آن ازنهر دولت آبادمشرب می‌شود،توت‌وانگور وزرد آلو نیز یافت می شود ، لاکن بالعموم اشجار میوه دار دراین ناحیه کم است.

ایبك :

علاقهٔ ایبك برای غرس هرگونه درخت مساعد است ، و به‌نسبت فراوانی آب آن میتوان درآنحصه بزراعت سبزیجات‌مشاغلت ورزید زراعت گندم للمی وخربوزه زیاد است درحصص کوهی ایبك و حصهٔ رباطك ولرمیمون وگنده چه جنگلهای پسته موجود است که حفاظت وتوسعهٔ آن از مهمات امور زراعتی است ، درخت ارچه نهز در بین جنگلهای مذکور دیده می شود . خوشبختانه آبادی ایبك طرف توجه مخصوص ع ، ج محمد گل خان رئیس تنظیمهٔ ولایت شمالی واقع شده است.

چیزیکه مهم است همانا آبیاری زمین های خاره ولا مزروع نواح ولایت مزار شریف است در موضعیکه مشهور بآب مکی است و درین خرم وروئی واقع است. تعمیر بند ممکن میبا شد ، ومیتوان توسط آب بند ، حصص لا مزروع ایبك را سیراب نموده زمین های خاره ولا مزروع تاشقرغان را تحت زراعت آورد . قراریکه معلوم است درسالهای سابق از دریای قندوز یك نهر بطرف مزار شریف جاری بوده که دشتهای حصههای سیاه گردرا آبیاری مینمود ـ از علائم خرابهای علاقهٔ سیاه گرد معلوم میشود که سابق علاقهٔ سیاه گرد دارای تعمیرات زیاد ومحل سکونت نفری زیادی بوده است ، لا کن دراثر تبدلات مجهولی مردم علاقهٔ مذکور پرا گنده ونهریکه آبیاری اراضی شانرا مینمود از گل وریگ مسدود گردیده جون نهر مذکور بیشتر ازچهار صد سال آباد وآب دران جاری بوده حالا نیز ممکن است که نهر مذکور را دوباره صاف نموده اهالی ازآب آن مستفید گردد. چنانچه برای این مقصود اعزام متخصصین فنی زیرنظر است.

یکی دیگر ازمشغولیات خیلی مهم اهالی ولایت مزار تربیهٔمواشی اهلی خصوصا گوسفند قره قلی است که محصول آن بهترین ومهمترین اقلام تجارت صادراتی افغانستانرا تشکیل میدهد وقسمتی ازاین مواشی دردشت های ولایت مزار پرورش شده باقی دردیگرحصص بچرا گذاشته میشوند.

حکومت اعلای میمنه

حکومت اعلای میمنه اکثراً دشتی و قسمتا دارای دره های شاداب است پس ازنقطهٔ نظرآب وهوانیزاراضی مذکور مختلف میباشد. ولی عموماً زراعت غله جات وبسیاری اشجار دران ممکن است .

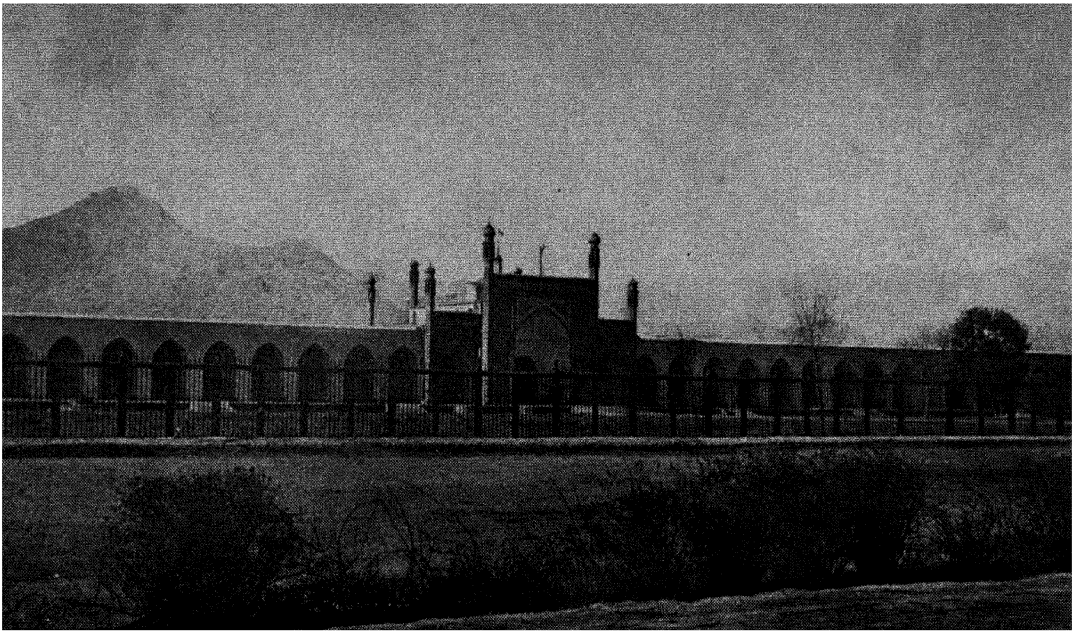

ارایهٔ معروف کابل : مسجد عیدگاه که در عصر اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان ساخته شده
La grande mosquée de Kaboul (19ê. s.)

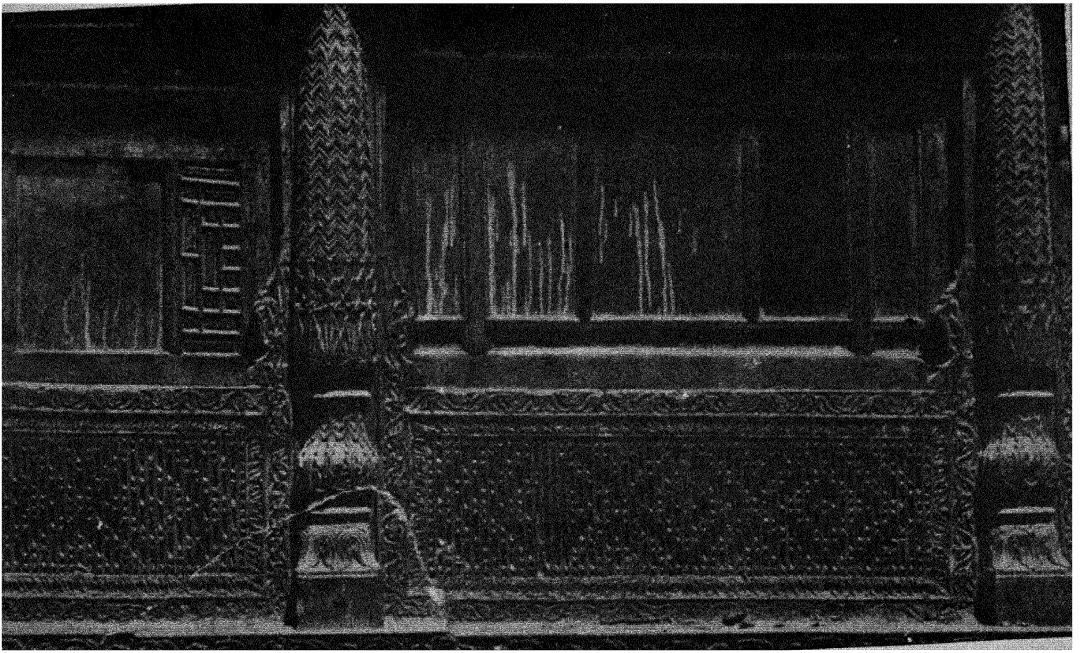

یك نمونه از چوب کاری قدیم کابل که دریکی از منازل شخصی عکس گرفته شده

Spécimen de l'ancienne menuiserie de Kaboul

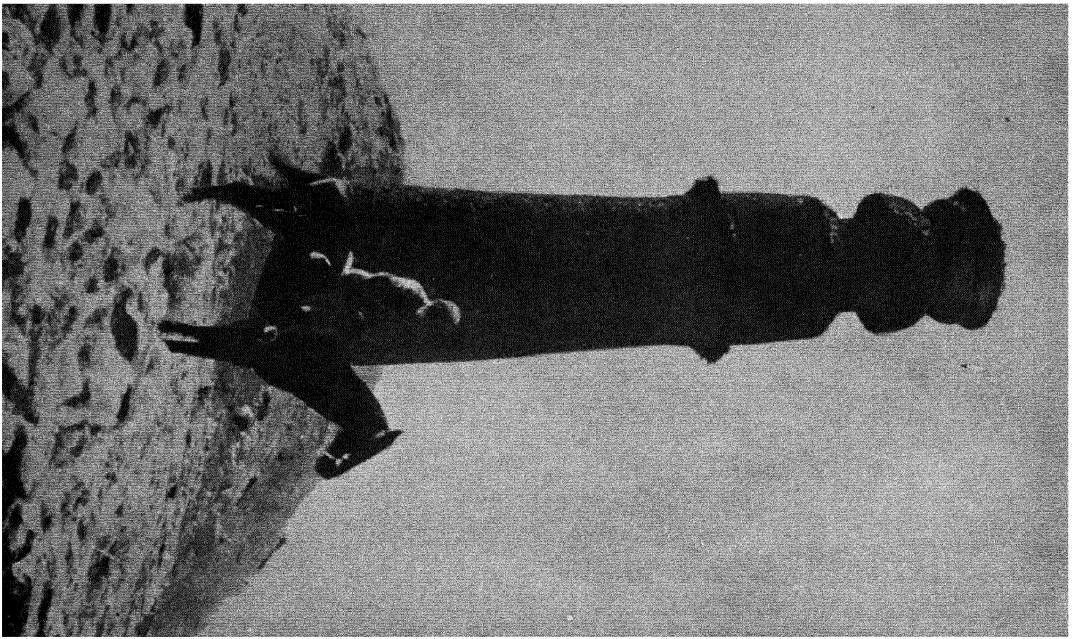

از آثار تاریخی وض مینار حکری (منیك کامل) کهدر دورهٔ بودائی ساخته شده
La célèbre colonne bouddhique, nommée Minar-i-tchakari à Kaboul

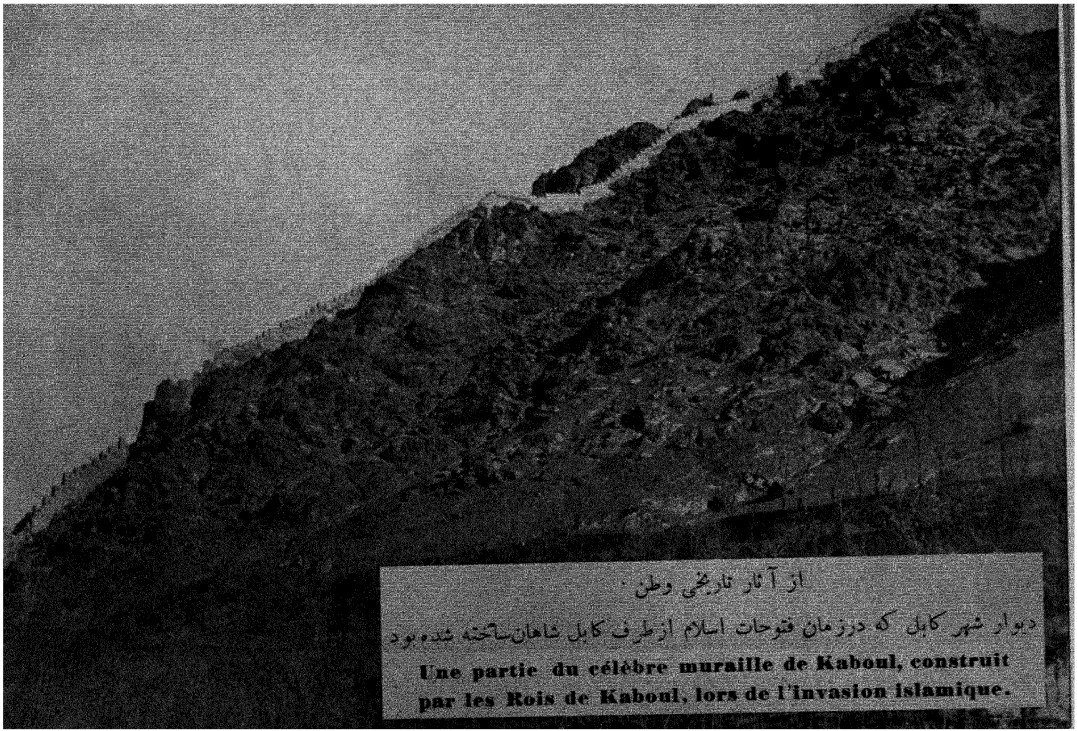

از آثار تاریخی وطن .

دیوار شهر کابل که درزمان فتوحات اسلام ازطرف کابل شاهان ساخته شده بود

Une partie du célèbre muraille de Kaboul, construit par les Rois de Kaboul, lors de l'invasion islamique.

شهر میمنه واطراف آن :

میمنه دارای آب وهوای خـوبی است وزمین آن برای زرع اکثر نباتاتیکه بحصهٔ قطغن میروید مستعد بوده ، اگراهالی آن که بزراعت اشجار و سبزیجات چندان شوق ندارند به توسعهٔ دائرهٔ زراعت آنولا بپردازند نتیجهٔ خوبی بدست شان خواهد آمد .

چیزیکه مهم است این است که اهالی میمنه نسبت بدیگر حصص زراعتی افغانستان بزراعت کمتر توجه دارند وعلت آنهم تمایل آنها بسوی مالداری و تربیهٔ حیوانات است ، بنا بران اکثریت مردم دردشت های علف دار به تربیهٔ گوسفند قره‌قلی وغیره مواشی میپردازند .

ازجملهٔ غله جات زراعت گندم ، جو ، جواری وارزن مروج است . علاوه برغله جات، نخود وباقلی وعدس ومشنگ نیزمعمول میباشد . ازانواع سبزیجات بادنجان رومی وبادنجان سیاه وپیاز و گندنا زرع میشود . قالیز کـاری خربـوزه ، تربـوز وبـاد رنگ نیزدیده میشود .

اشجار مثمر خواه ازبعث اینکه اهالی بزراعت آن شوق ندارند خـواه اینکه از ابتدا زراعت آن مروج نبوده است چندان بنظر نمی خورد . باوجود آن آلوی کوک سلطانی وسیب و ناك و غیره اینجا وآنجا دیده میشود . زیاده تر چیزیکه دیده می شود درخت های غیر مثمرازقبیل چنارو بید وسفیداراست . زراعت تاك اگرچه تقریبا غیر معمول است اگر تقویه داده شود نتیجهٔ خوبی خـواهد داد زیرا که درحدود میمنه تپه های آهکی وریگی که برای رزاعت تاك مستعداست بهرطرف دیده میشود .

بطور خلص شهرمیمنه ونواحی آن برای زراعت اشجاروسبزیجات خیلی مستعد وچیزیکه لازم است تشویق اهالی است بزراعت .

اندخوی :

دراندخوی آب نسبةً کم است وازمیمنه میآید ، اندخوی کم آب ترین حصص حکومت اعلای میمنه بشمار میرود و دران بدون زراعت گندم وجوار چیز دیگر دیده نمیشود ، جنگل وباغ نیزخیلی کم است . هوای آن نیز گرمتر بوده درتابستان درجهٔ حرارت به (٤٤) درجهٔ سانتیگراد میرسد .

درزاب و گرزیوان :

علاقهٔ شیرین تگاب و بلچراغ که مرکز گرزیوان است به نسبت اعتدال آب وهوا وفراوانی آبشارها مستعد هرگونه زراعت بوده اگر زراعت سبزیجات واشجار مثمر درین نقاط ترقی داده شود نتیجهٔ خوبی بدست خواهد آمد ، ناحیهٔ قیصار نیز دارای آب فراوان وآب وهوای مناسب بوده برای زراعت سبزیجات ودرختان میوه‌دار مستعد است .

درحصهٔ میمنه وشیرین تگاب و بلچراغ وقیصار درخت عرعر به تعداد زیاد دیده می‌شود وعرعر های مذکورخیلی بلند میرود . درخت پسته خانه وچارمغزواز اقسام میوه چنانچه پیشتر مذکورشد نا ك و سیب وشفتالو وانگور یافت میشود لاکن مقدار شفتالو و انگور کم است . سبزیجات مشهور ازقبیل کچالو وشلغم وپیاز وگندنا و بادنجان نیز یافت میشود. لیکن اهالی بزراعت چندان شوق ندارند، حکومت اعلای میمنه به ترویج سبزیجات خارجی ازقبیل کرم گلدار ولوبیا وبامیه سعی بوده تا یکحد ازین اقسام سبزیجات نیز درمیمنه یافت میشود . ونیز درعرعر اشجار درین سالهای اخیر توجه زیادی بعمل آمده است . زراعت میمنه ازبعضی نهرها وقسمةً کاریزی است و بنا براین زمین بحساب کاریز خرید وفروش میشود .

نهضت اقتصادی در افغانستان

بقلم سید قاسم « رشتیا »
مدیر شعبهٔ نشریات انجمن و «مهتمم سالنامه»

در سالنامهٔ ۱۳۱۵ مقالهٔ تحت عنوان (پیشرفت های اقتصادی افغانستان) درج ودران ترقیات اموراقتصادی وطن عزیزرا که دردورهٔ بعد ازانقلاب ۱۳۰۷-۱۳۰۸ درعصر فرخندهٔ نادرشاهی و ظاهرشاهی ازقوه بفعل آمده خلاصه کرده بودیم و ضمنا درمقدمه و در پایان مقالهٔ مذکور نظر به مظاهر اطمینان بخشی که نسبت به پیشرفت های آیندهٔ اقتصادیات مملکت موجود بود، چنین اظهار امید واری نموده بودیم که (ازین تاریخ به بعد افغانستان عزیز داخل یك دورهٔ نهضت اقتصادی جدیدی شده و بنابران امید میرود که در آتیهٔ قریبی تغیرات و پیشرفت های مسعودی دراموراقتصادی وطن عزیز بوجود خواهد آمد)

این است که امروز با نهایت مسرت وسرفرازی عملی شدن آرزوها وامیدهای مذکوررا بصورت یك نهضت بسی فرخندهٔ اقتصادیات کشورخود بچشم سرمشاهده کرده می بینیم که مطابق نیات ترقیخواهانهٔ پادشاه جوان و منورما ومساعی وطن خواهانهٔ اولیای اموردولت متبوعه وحسن استقبال سائر طبقات ملت، یك دورهٔ جدیدی درعالم اقتصادیات افغانستان آغاز گردیده است.

بنابران اینك در ضمن یك سیر مختصر میخواهیم نهضت اقتصادی جدید وطن عزیزرا که از یکسال باینطرف آغاز گردیده است، باقدمهای مهمی که در راه پیشرفت اقتصادیات مملکت درین سال (۱۳۱۶) برداشته شده باطلاع خوانندگان سالنامه و عموم علاقه مندان ترقی و تعالی افغانستان برسانیم و من الله التوفیق.

« رشتیا »

کارانداختن چشمه های نفت ومعادن جنوب :

برهیچکس پوشیده نیست که افغانستان یك مملکت کوهستانی بوده وبنابران درداشتن معادن ذیقیمت امتیازخاصی را دارامیباشد. چنانچه در ظرف ۱۵،۱۰ سال گذشته که برای کشف معادن و ذخائر تحت الارضی تحقیقات فنی بعمل آمده متجاوزاز (۳۰۰) معادن مفیدهٔ مختلفه مکشوف گردیده است . طبیعی است که افغانستان برای پیشرفت های مدنی خود که اکنون سردست دارد، مجبور به استفاده واستخراج معدنیات خود بوده ولی چون بوضعیت موجوده از استخراج و بکار انداختن صحیح و اساسی معادن و ذخائر تحت الارضی عاجز است ، پس یکی ازمهم ترین اقداماتی که میتوان برای پیشرد اقتصادیات وطن وروی همرفته جهت ترقی عمومی شئون مملکتی انجام داد همانا کارانداختن معدنیات است بواسطهٔ سرمایه و متخصصین خارجی، چنانچه این موضوع ازبدوتاسیس حکومت موجوده مورد نظراولیای امور واقع وچون دارای جنبه های دقیقی بود در اطراف آن باموشگافی و احتیاط زیادی مطالعات بعمل آمده تا آنکه بالاخره درسال گذشته قرار داد بزرگی برای کار انداختن چشمه های نفت بایکی ازشرکتهای مهم امریکا موسوم به اینلینند اکسپلوریشن کمپنی عقد و قرار داد های مذکور بعد ازتدقیقات لازمه ازطرف شورای ملی افغانستان تصویب و بامضای ذات ملوکانه موشح گردیده است .

چون این قرارداد برای انبساط اقتصادیات وطن عزیزما بمنزلهٔ یك عامل خوبی بشمار رفته و در عین حال باسنجشات زیادی مطابق منافع و مصالح اقتصادی وسیاسی مملکت عقدگردیده و در ذات خود

یك نهضت بی‌سابقهٔ گفته میشود ، لهذا اولتر ازهمه بذکر صورت قرارداد مذکور می پردازیم.»

قرار داد نفت مابین حکومت پادشاهی افغانستان و انلاند اکسپلوریشن کمپنی امریکا

مقدمه :

بقصد تحصیل اطلاعات کافی راجع با مکان وجود مواد نفتی در مملکت شاهی افغانستان و اتخاذ طرق منظم و صحیح برای بدست آوردن مواد مزبور که ممکن است بمقادیر تجارتی وجود داشته باشد دولت شاهی افغانستان و انلاند اکسپلوریشن کمپنی موافقت مینمایند که برای تأمین منافع فیمابین با صول عادلانه در امریکه مشمول این قرار داد است اشتراك نمایند .

تعریف :

تعریفات ذیل باصطلاحات آتی اطلاق خواهد شد مگر آنکه خلاف آن بطور واضح درضمن قرارداد تصریح شده باشد ، لفظ « دولت » یعنی دولت شاهی افغانستان ، لفظ « کمپنی » یعنی انلیند اکسپلوریشن کمپنی که مرکز اصلی آن در ایالت « دلادیر » از ایالات دول متحدهٔ امریکا میباشد ، لفظ « امتیاز » یعنی قرار داد فعلی و حقوقیکه بوسیلهٔ آن اعطاء میشود ، لفظ « حوزهٔ امتیاز » یعنی اراضی واقعه در افغانستان که مشمول امتیاز فعلی خواهد بود . لفظ « نفت » شامل کلیه نفت خام گازهای طبیعی وقیرها (اسفالت) مومهای طبیعی ومواد

مشتقه ازان و همچنین کلیهٔ مواد حاصله از اختلاط وامتزاج این مواد باسواد دیگر خواهد بود، لفظ « تاریخ تصویب » یعنی تاریخیکه این امتیاز به تصویب مجمع ملی رسیده وفرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان موشح شده باشد ، لفظ « اراضی منتخبه » یعنی اراضی انتخاب شده طبق مادهٔ (۳) ، لفظ « لیره » یعنی واحد پولی انگلیس ، یك « شلنگ » مساوی است بایك بیستم یك لیره و یك « پنی » مساوی است بایك دوازدهم یك شلنگ ، لفظ « تن » یعنی تن متریك که عبارت ازهزار کیلوگرام و معادل با (۲۲۰۴-۶۲) دو هزارو دوصدو چهار صحیح وشصت ودوصدم Avoir du pois است ، لفظ « سالها » یا « سال » و « ماه » یعنی زمانیکه با تقویم مسیحی گریگوریان تطبیق مینماید .

(مادهٔ اول) : دولت درمدت مذکورهٔ وطبق شرائط مندرجه دراین قرارداد حق مانع للغیر تفحص اکتشافات وحفاری واستخراج وحمل ونقل نفت وسائرعملیات مختلف مربوط آن را درحوزهٔ امتیاز یه به کمپنی اعطاء مینماید وهمچنین حق غیرانحصاری انبار کردن ، حمل وتصفیه کردن وعمل آوردن وصادر کردن نفت وسائرعملیات مختلفهٔ مربوط آن را در طرق حمل ونقل واقعه بین حوزهٔ امتیاز و سرحدات افغانستان به کمپنی تفویض مینماید منظور از حق تفحص حق مساحی کردن جغرافیائی و طبقات الارضی و اکتشافات و اجراء عملیات سطح الارضی و حفر چاها خواهد بود .

(مادهٔ ۲) : درمدتی که ازهشت ماه از تاریخ تصویب تجاوز ننماید کمپنی اقلاً از یکی ازدول مجاورافغانستان حق ساختمان لولهٔ نفت و یا لوله های نفت ازافغانستان به اوقیانوس را تحصیل خواهد نمود ، و در

صورتیکه این حق درمدت مز بورتحصیل نشود دولت شاهی افغانستان حق خواهد داشت که این قرار داد را لغو نماید .

(مادهٔ ۳) :

(الف) : در مدتیکه از یکسال ازتاریخ تحصیل حق حمل ونقل نفت ازطریق یك یاچند مملکت که خارج ازین قرارداد میباشند، تجاوز ننماید، کمپنی مطالعات طبقات الارضی وجغرافیائی و سطح الارضی را شروع خواهد کرد و عملیات مز بور بلا انقطاع برای مدت شش ماه ادامه خواهد داشت ، قبل ازانقضای یکسال ازتاریخ شروع مطالعات مز بورکمپنی ایالاتی را که متجاوز از پنج ایالت نخواهد بود انتخاب خواهد کرد و در اراضی مز بور که باین ترتیب انتخاب شده مجاز خواهد بود عمل تفحصات واستخراج نفت را ادامه دهد ، پس از انتخاب مز بور کمپنی کتباً بوزارت تجارت قطعاتی را که از ایالات مذکور انتخاب نموده به ضمیمهٔ نقشهٔ که درآن اراضي منتخبه رنگ آمیزی شده اطلاع خواهد داد .

(ب) : در صورتیکه مقررات این ماده ازطرف کمپني اجرا نشود دولت میتواند الغای این قرارداد را به کمپنی اخطارنماید و درصورتیکه در ظرف مدت یکسال پس از وصول اخطار به کمپنی ثابت ننماید که مقررات این ماده اجرا شده این قرارداد لغو و باطل خواهد شد .

(ج) : برای حسن پیشرفت عملیات اکتشافی واستخراجی دولت اختیار کامل به نماینده گان کمپنی ومستخدمین آنها خواهد داد که بتوانند بدون ممنوعیت ویا تشریفات دیگر درهر قسمت ازحوزهٔ امتیاز مسافرت نمایند. درمورد مناطق نظامی اجازهٔ مخصوص دولت باید قبلا

تحصیل شود . نمایندگان و مستخدمین کمپنی حق خواهند داشت که همیشه اوقات برطبق مقررات جاریه ویزه، ازهریك سرحدات مجازوارد افغانستان یاخارج شوند وحق مسافرت درسائر نقاط افغانستان را غیر ازآنچه درحوزهٔ امتیازاست برای انجام وظائف خود نیزخواهندداشت .

(مادهٔ ٤) :

(الف) : درظرف مدت یکسال بعداز اعلام انتخاب اراضی مذکوره در جزو الف مادهٔ ۳ ، کمپنی شروع به حفر اقلا یك حلقه چاه خواهد نمود . حفر چاه مزبور با سرعت لازمه و بدون تاخیر غیر مناسب پیش خواهد رفت تا آنکه اقلا به عمق سه هزار پا (۳۰۰۰) برسد ، مگر آنکه نفت بمقادیر تجارتی در عمق کمتری یافت شود (درین مورد قضاوت آن منحصراً با کمپنی است) و یا آنکه قبل از رسیدن به آن عمق بعقیدهٔ کمپنی بواسطهٔ عدم وجود نفت در آن نقطهٔ مخصوص بمقادیر تجارتی حفر زیاد تر لزوم نداشته باشد .

(ب) : درصورت کشف نفت بمقادیر تجارتی « که قضاوت آن منحصراً با کمپنی است » کمپنی حفر چاه ها را در نقاطیکه متخصصین معرفت الارضی او توصیه میکنند ادامه خواهد داد باین نظر که ثابت شود ذخیرهٔ کافی نفت که استخراج آن را تجویز نماید وجود دارد

(ج) : شش ماه پس ازشروع عملیات حفاری کمپنی را پورت از عملیات مزبور که شامل عمق چاهها ومقادیر نفت کشف شده ـ در صورتیکه کشف شده باشد وسائر اطلاعات مربوطه باشد بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود .

(د) کمپنی تعهد مینماید که در صورت کشف نفت بمقادیر تجارتی

ر ذخیرهٔ کافی که استخراج آن را تجویز نماید « که فضاوت آن منحصراً با کمپنی است » استخراج آن محل را با سرعت لازمه و با حسن نیت وکوشش وافی تا آخر ادامه داده بطوریکه نواحی مزبور بطرز صحیح و بدون هیچگونه تاخیر غیر مناسب استخراج شود علاوه بر وجوه لازم التادیه طبق جزو (د) مادهٔ شش کمپنی تعهد مینماید که جدیت خواهد کردکه میزان محصول راسالیانه اقلاً به شش ملیون (٦ ، ٠٠٠ ، ٠٠٠) تن برساند مشروط باینکه با در نظر گرفتن عوامل طبقات ا لار ضی منابع نفت محو طهٔ تعین شده استخراج این میزان محصول را سالیانه اجازه دهد.

• (ه) در صورتیکه پس از پانزده سال از تاریخ تصویب دریك یا چند ایالت (در محوطهٔ پنج ایالت که طبق جزء الف از مادهٔ ۳ حوزهٔ امتیازرا تشکیل میدهد) محصول نفت کشف شده بمقداری برسد که قابل صدور نباشد یکی از ایالات مزبور را کمپنی بدولت مسترد خواهد نمود ، بیست سال پس ازتاریخ تصویب چنانچه در بعضی ایالات « یعنی چهار ایالتیکه بعداً حوزهٔ امتیاز را تشکیل خواهد داد ، محصول نفت کشف شده بمقداری نرسد که قابل صدور باشد یکی از ایالات مزبور بدولت تسلیم خواهد شد بیست و پنج سال پس ازتاریخ تصویب درصورتیکه در بعضی ایالات « یعنی سه ایالتیکه بعد حوزه امتیاز را تشکیل میدهد » محصول نفت کشف شده بمقدار قابل صدور برسد اقلا یکی ازان ایالت بدولت مسترد خواهد شد ، در ظرف پنج سال بعد در صورتیکه نفت کشف شده در یکی از دو ایالت باقی مانده بمقدار قابل صدور نرسد یکی از آن ایالات بدولت مسترد خواهد شد .

(ماده ٥) : عملیات کمپنی در افغانستان بطریق ذیل محدود میشود (۱) سا ختمان هر خط آهن موکول بحصول موافقت قبلی بین دولت و کمپنی خواهد بود (۲) اگر کمپنی بخواهد ارتباط تیلیفونی و تلگرافی و تلگراف بیسیم و هوا پیمائی در افغانستان دائر نماید قبلاً رضایت دولت را درینخصوص تحصیل نماید (۳) اگر دولت برای دفاع ملی یا درموقع پیش آمد های فوق العادهٔ دیگری احتیاج بوسائط نقلیه و وسائل ارتباطیهٔ کمپنی پیدا کند وعده مینماید حتی الامکان کمتر موجب تضیق عملیات کمپنی بشود و نیز اجرت استفاده ازوسائل مزبور را بطور معقول جبران نماید .

(ماده ٦) :

(الف) : درمقابل امتیازات اعطا شده بوسیلهٔ این قرار داد کمپنی « علاوه برمبالغ پیش بینی شده درسائر مواد قرار داد » حق الامتیاز دیگری بمبلغ چهار شلنگ برای هرتن فنتی که برای مصرف داخلی در افغانستان بفروش میرسد و یا از افغانستان صادر میشود خواهد پرداخت (ب) برای جلوگیری از امکان توجه ضرر بدولت در موقع تنزل قیمت پول انگلیس طرفین بشرح ذیل موافقت حاصل نمودند :

(۱) هرگاه موقع قیمت طلا درلندن ازشش لیره استرلنگ (٦ لیره) در مقابل یك اونس تروی (Troy ounce) تجاوز نماید برای هرپنی (Penny) که علاوه بر شش لیره استرلنگ در مقابل یك اونس تروی (Troy ounce) در روز پرداخت قیمت طلا ترقی نماید بر کلیه مبالغ لازم التادیه بدولت از طرف کمپانی به موجب این قرار (باستثنای مبالغیکه بموجب جزو « ج » این ماده باید به دولت برسد) بمیزان یك بر یکهزار و چهار صد و چهل و ۱۴۴۰ - ۱

مبالغ مزبوره فزوده خواهد شد (۲) هرگاه در موقع دولت تصور کرد باینکه دیگر طلا مبنای عمومی قیمت ها و معاملات نیست وطریق نادیه های مذکور در فوق تضمینی را که منظور طرفین است برای دولت فراهم نمینماید طرفین موافقت مینمایند که وضعیت تضمین مزبور را تغیر دهند . درصورت عدم حصول موافقت قضیه مطابق مادهٔ (۲۰) بحکمیت ارجاع خواهد شد ، که نسبت به تغیر یاعدم تغیرتضمین مذکوره جزو (۱) این ماده رأي دهند ، و در صورت تغیر شرایطی را که باید جانشین تضمین مذکور گردد معین و تاریخ اجرای آن را نیز معلوم خواهند نمود (ج) علاوه بر کلیه وجوه لازم التادیهٔ مذکوره در این امتیاز ، کمپانی تعهد مینماید سالیانه مبلغی معادل صدي بیست (۰/۰۲۰) ازمنافع پرداختی به صاحبان سهام عمومی انلیند اکسپلوریشن کمپنی پس از وضع صدی پنج که بابت سرمایهٔ تادیه شده کسر میشود بدولت افغانستان بپردازد . طرفین موافقت مینمایند که طرز محاسب کمپانی نفت انگلیس و ایران (لمیتد) را درین مورد تعقیب نمایند و نیز مقررات ذیل مرعی خواهد شد (۱) هر موقعي دولت تصور کرد که محصول نفت افغانستان به قیمت مناسب در خارج فروش نمیرود دولت حق خواهد داشت صدی بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرایط که کمپانی به مشتریان دیگر خود میفروشد از کمپاني خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند (۲) در موقع انقضاء این امتیاز و هم چنین در صورت ترك آن از طرف کمپانی مطابق مادهٔ (۱۸) کمپانی معادل بیست فیصد (۰/۰۲۰) از تفاضل بین مبالغ کل ذخائر سکه انلیند اکسپلوریشن کمپانی در تاریخ انقضاء این امتیاز و یا ترك

آن موجود خواهد داشت و مبالغ ذخائریکه کمپانی در تاریخ تصویب این امتیاز موجود دارد بدولت تادیه خواهد نمود ، پرداخت وجوه لازم التادیه بدولت بر حسب این جزء یك ماه پس از تاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که بعد از انقضاء یا ترك امتیاز تشکیل میشود انجام خواهد گرفت. (۳) طرفین موافقت مینمایند که در موقع لزوم کمپانی میتواند سهام مرجعه باشرایط لازمه صادر و یا آنها را استردادنماید ولی این عمل نباید باعث ضرر و زیان منافع و حقوقیکه جهت دولت طبق شرائط این قرارداد پیش بینی شده بشود ، و کمپانی باید قبلاً بانمایندهٔ دولت راجع بشرائط صدور سهام مزبور مذاکره نموده و تصویب کتبی او را تحصیل نماید. (د) : صرف نظر از چگونگی عملیات استخراج نفت ، مجموع مبلغی که طبق این ماده سالیانه باید از طرف کمپانی به دولت در پنج سال که بدو آن از ربع آخر سال پنجم ازتاریخ تصویب این امتیاز شروع میشود پرداخت‌شود هرگز نباید از دو ویست وپنجا هزار لیره (۲۵۰ ، ۰۰۰) کمتر باشد واز بدو ربع آخرسال دهم (۱۰) سالیانه از تاریخ تصویب امتیاز مجموع وجوه لازم التأدیه هرگز نباید از چهار صدوپنجاه هزار لیره (۴۵۰ ، ۰۰۰) کمتر باشد. (ه) : علیهذا هرگاه دریکسال وجوه لازم التأدیه به دولت طبق جزء (الف) و (ب) و (ج) این ماده دران سال از حد اقلی باشد که طبق جزء (د) تعین شده کمپانی مجارخواهد بود مابه التفاوت ضرر را در اولین سال یاسالهای بعد درموقع تعین‌منافع خالص‌موضوع نماید. (و): وجوهیکه طبق جزء(د) این‌ماده لازم التأدیه است به اقساط متساوی سه ماهه هرسال پرداخته خواهد شد ، و بدو آن از ربع آخر سال پنجم از تاریخ تصویب

میباشد ، برای حداقل وجوه لازم التأدیهٔ پنج سال اول بطوریکه در جزء (د) این ماده قید شده این مبلغ در هر ربع سال شصت و دو هزار و پانصد لیره (٦٢،٥٠٠) خواهد بود ، و بعد ازآن به یکصد و دوازده هزار و پنجصد لیره (١١٢،٥٠٠) در هر ربع سال بالغ خواهد شد ، هرمبلغ که طبق بند (الف) و (ب) و (ج) طلب دولت باقی میماند در ظرف شش ماه بعد از انتهای سالیکه این مبالغ دران سال طلب دولت باقی مانده تأدیه خواهد شد . (ز) هرگاه وجوه لازم التأدیه به دولت طبق جزء (ه) از طرف کمپانی در مواعد مقرره تأدیه نشود کمپانی فرع وجوه مزبور را از اقرار صدی پنج درسال برای مدتیکه تأدیهٔ آن به عقب افتاده خواهد پرداخت ، علیهذا پرداخت . هیچیك ازوجوه لازم التأدیه بیش ازشش ماه نباید به تعویق افتد . (ح) دولت حق تفتیش ورسیدگی به دفاتر واسناد و نیز حق رسیدگی به محاسبات کمپانی را دارد .

(مادهٔ ٧) :

(الف) : کمپانی برای مدت سی سال اول عملیات خود درافغانستان ، از پرداخت هر گونه مالیاتیکه به دولت و ادارات محلی فعلا برقرار و یا درآتیه وضع میشود معاف خواهد بود ، و درعوض مبالغ ذیل را به دولت تأدیه خواهد نمود: (١) درمدت پانزده سال اول این قرارداد بتاریخ ٢٨ فوریه هرسال وبرای اولین مرتبه دراولین سال بعدازتحصیل نفت درافغانستان بمقادیر تجارتی نه پنس بابت هرتن ازشش ملیون تن (٦٠،٠٠٠،٠٠٠) نفتیکه بابت سنهٔ گذشتهٔ مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) ازمادهٔ شش (٦) میگردد و شش پنس (٦) بابت هرتن نفت

اضافه بررقم شش ملیون تن مذکور درفوق تأدیه خواهد نمود.

(۲) درمدت پانزده سال بعدیك شلنگ بابت هرتن ازشش ملیون تن (۶۰۰۰۰۰۰۰) نفتی که بابت سنهٔ گذشتهٔ مسیحی مشمول حق الامتیاز مذکور در جزء (الف) از مادهٔ شش (۶) میگردد و نه پنس بابت هرتن نفت اضافه بررقم شش ملیون تن مذکور درفوق تأدیه خواهدشد.

(ب) : قبل از انقضای مدت سی سال ، بعد از تاریخ تصویب راجع بمیزان مبالغیکه کمپانی دارای معافیت کامل عملیات خود در افغانستان از پرداخت هر گونه مالیاتی بنفع دولت و یا ادارات محلی در بقیهٔ مدت این امتیاز میشود ، باید بپردازد ، طرفین توافق نظر حاصل خواهند نمود .

مادهٔ (۸) :

(الف) : هرزمین باثر متعلق به دولت را که کمپانی برای عملیات خود در افغانستان لازم بداند و از برای مقاصد عمومی مورد احتیاج دولت نباشد مجاناً به کمپانی واگذار خواهدشد ، طریقهٔ تحصیل اراضی مذکور به ترتیب ذیل خواهد بود ، هر وقت قطعه ازاراضی مذکوره مورد احتیاج کمپانی واقع میشود باید کمپانی یك یا چندین نقشه که در روی آن زمین مورد احتیاج با رنگ آمیزی مشخص گردیده باشد بوزارت تجارت در کابل ارسال دارد ، دولت در صورتیکه اعتراض نداشته باشد وعده میدهد که در ظرف سه ماه از تاریخ وصول تقاضای کمپانی موافقت خود را اظهار بدارد . (ب) اراضی دائر متعلق بهدولت را که کمپانی احتیاج پیدا میکند بطریقیکه درجزء قبل مذکور است ازدولت تقاضا خواهد کرد ودولت در ظرف

سه ماه موافقت خود را در مقابل تقاضای کمپانی دائر بفروش آن اراضی خواهد داشت، درصورتیکه دولت اعتراض واحتیاجی باراضی مزبوره نداشته باشد قیمت این اراضی را کمپانی تادیه خواهد کرد، قیمت مزبور بایدعادلانه باشد، وازقیمت متعارفی اراضی که ازهمان نوع بوده وهمان مصرف را داشته ودرهمان حوزه واقع شده باشد نباید تجاوز نماید.

(ج): در صورتیکه دولت در مقابل تقاضاهای پیش بینی شده در جزء های (الف) و (ب) مذکور در فوق جوابی بدهد پس از انقضاء دوماه از تاریخ وصول تقاضاهای مزبور کمپانی تذکر نامهٔ جدیدی بدولت خواهد فرستاد. چنانچه بهتذکر نامهٔ مزبور نیز در ظرف یکماه از تاریخ وصول جوابی داده نشود سکوت دولت بمنزلهٔ تصویب تلقی میگردد. (د): اراضی را که متعلق بدولت نیست و برای کمپانی لازم باشد با توافق باصاحبان اراضی مزبور با توسط دولت کمپانی تحصیل خواهد کرد، درصورت عدم حصول موافقت در قیمت دولت بصاحبان اراضی مزبور اجازه نخواهدداد که بیش ازنرخ متعارفی اراضی متشابه مجاور مطالبه نمایند. برای تقویم اراضی مذکور منظوریکه کمپانی ازمصرف آنها دارد، ماخذ قرار داده نمی‌شود. (ه): اماکن مقدسه ومحل های که جنبهٔ تاریخی دارند از مقررات مذکوره مستثنی هستند. (و): کمپانی حق غیر انحصاری خواهد داشت که فقط درحوزهٔ امتیازی نه جای دیگر از هر زمین باثر متعلق بدولت برای مصرف عملیات خود هرنوع خاك وشن وآهك و سنگ گچ و سنگ و مصالح ساختمانی دیگر مجانا استفاده نماید. مسلم است اگر استفاده از مواد مذکوره موجب ضرر شخص ثالثی بشود باید کمپانی جبران خسارات ذوی الحقوق را بنماید.

(مادهٔ ۹) : کمپانی برای احتیاجات داخلی افغانستان واز آنجمله احتیاجات دولت بنزین و نفط لامپ و مازوت که از نفت افغانستان حاصل می‌شود براساس ذیل خواهد فروخت . (۱) دراول ماه ژوئن هر سالی کمپانی معدل قیمتهای (خوب) رومانی را راجع به بنزین ونفت لامپ ومازوت ومعدل قیمتهای (خوب) خلیج مکزیك‌را راجع بهر یك ازمواد مذکوره نسبت بمدت دوازده ماه گذشته تا تاریخ سی (۳۰) آوریل معین خواهد کرد ، نازل‌ترین معدلهای مذکور اختیار و اساس قیمت ها برای‌سالیکه از اول ژوئن شروع میگردد قرار داده میشود (اساس قیمت ها بمنزلهٔ قیمت در تصفیه خانه تلقی میگردد) . (۲) کمپانی بنزین و نفت لامپ ومازوت‌را به‌ترتیب ذیل خواهد فروخت : اول : بدولت برای احتیاجات اختصاصی خودش ولی نه برای فروش بدیگران، مطابق اساس قیمتهای مذکور درجزء (الف) فوق باتخفیف بیست وپنج درصد (۰/۰۲۵) دوم : به‌کمپانی مطلقا افغانی که از طرف دولت تعین می شود از قرار (اساس قیمت) با تخفیف ده در صد (۰/۰۱۰) (۳) کمپانی حق دارد که بقیمت های اساسی مذکور درجزء (الف) مخارج حقیقی حمل ونقل وتوزیع وفروش وهمچنین مالیات وعوارض موضوعه بر محصولات مزبور را بیفزاید. (٤) دولت صادر کردن محصولات نفتی را که مطابق مقررات فوق کمپانی فروخته است قدغن خواهد کرد .

(ماده ۱۰) :

(الف) : کمپانی مجاز است که بدون تحصیل جواز مخصوصی آنچه را که مختصراً برای مصرف اعضاء و مستخدمین خود لازم دارد وارد نموده و حقوق گمرکی و مالیات های

معمولهٔ حین و رود را بپردازد . کمپانی تدابیر لازمه را اتخاذ خواهد نمود که اجناس وارده باشخاص غیر مستخدمین خودش فروخته یا واگذار نشود . (ب) : کمپانی بدون تحصیل جواز مخصوص حق خواهد داشت که لوازم و مصالح و آلات طبی وجراحی و ادویه را که برای مریض‌خانه ها ومطب های خود درافغانستان لازم دارد و ارد نماید واشیاء واجناس مذکوره درموقع ورود از تادیهٔ حقوق گمرکی و هرنوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ج) بدون تحصیل هیچگونه جوازی و بدون پرداخت هیچ نوع حقوق گمرکی و مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی کمپانی حق خواهد داشت آنچه را که منحصراً برای عملیات اکتشافی وحفری واستخراجی وتصفیه کردن ولوله کشی وانبار کردن در افغانستان لازم دارد وارد نماید . (د) صادرات نفتی از پرداخت حقوق گمرکی وهرنوع مالیات و عوارض بدولت و ادارات محلی معاف خواهد بود (ه) برای جلوگیری ازهر گونه تاخیر درتهیهٔ نفت دولت عبوراثاثیهٔ مذکوره در جزء (ج) این ماده را که جهت استخراج نواحی نفت، ساختمان کار خانجات وخطوط لوله وعمل کردن آنلازم است از سرحدات افغانستان مجاز خواهد نمود ، مشروط براینکه قبلاً نقطهٔ سرحدی را که کمپانی انتخاب نموده باطلاع دولت برساند، عبوردادن اجناس مزبوربجز ازسرحدیکه انتخاب شده وغیر ازطرق مجاز تجارتی ممنوع است . دولت تامدتیکه کمپانی تقاضامینماید بست گمرکات را در نقاط معینه درظرف شب وروز حتی در ایام تعطیل های عمومی باز نگهداشته خواهد داشت . کمپانی عمارات مخصوصی را که برای این منظور لازم است باموافقت دولت خواهد ساخت و حقوق اعضای اضافی گمرك را باضافهٔ مخارجی که دولت

برای اجرای این تعهد خود متحمل میشود خواهد پرداخت ، کمپانی مجاز است عملیات خود را در مدت روز و شب و در تعطیل های عمومی ادامه دهد .

(ماده ۱۱) :

(الف) : کمپانی و اعضای آن از حمایت قانونی دولت بهره مند خواهد شد ، (ب) : دولت در حدود قوانین و مقررات جاریهٔ خود کلیه تسهیلات ممکنه را جهت توسعهٔ عملیات کمپانی در افغانستان تأمین خواهد نمود (ج) : در صورتیکه دولت امتیازات به اشخاص دیگر جهت استخراج مواد معدنی « غیر نفت » در حوزهٔ امتیاز اعطا نماید، کلیه احتیاطات لازمه را مرعی خواهد نمود ، به طوریکه استخراج آن‌ها موجب خسارت به تأسیسات و کار خانجات کمپانی نشود ، در ظرف مدت این امتیاز و قبل از انتخاب اراضی بطوریکه در جزء (الف ازمادهٔ (۳) مقرر است هیچگونه امتیاز استخراج نفت در حوزهٔ امتیاز از طرف دولت بدیگری داده نخواهد شد .

(د) کمپانی موظف است مناطقی را که برای ساختمان منازل و دکاکین و مغازه و سائر ساختمان ها خطرناك است تعیین نماید که دولت بتواند سکنهٔ آن را آگاه بنماید که درین قبیل مناطق سکونت ننمایند (ه) هر گاه کمپنی صلاح بداند محصول نفت را از مملکت دیگری غیر از افغانستان عبور دهد، بنابر تقاضای کمپنی دولت مساعدت اخلاقی خواهد نمود که کمپانی تحصیل اجازهٔ مخصوصی بنمایند.

(ماده ۱۲) :

(الف) : کمپنی ملزم نیست وجوه خود را که شامل وجوه حاصله از فروش صادراتش از افغانستان نیز میباشد به پول افغانی یا به پول دیگر محلی تسعیر نماید ، هیچگونه ممنوعیت های راجعه به صادر

یا واردکردن وجوه کمپنی ویا اعضای آن درهیچ موقع وضع نخواهد شد ، کمپنی علیهذا تعهد میکند که درموقع تسعیر اسعار خارجهٔ خود به پول رائج افغانستان این قبیل خریدهای اسعاری را برطبق قوانین افغانستان معمول دارد . (ب) ؛ کلیه مبالغ که طبق این قرار داد دین کمپانی بدولت است بغیر ازآنچه صریحا درین قرارداد ذکرشده ، به لیرهٔ انگلیسی تصفیه خواهد شد .

(ماده ۱۳) :

(الف) : برای اجرای عملیاتیکه طبق این قرار داد به کمپنی در افغانستان اعطا شده ، کمپنی تعهد مینماید که کلیهٔ وسائل مناسب را برای تأمین صرفه جوئی و حسن جریان عملیات خود مرعی خواهد داشت ، که کلیهٔ مخازن تحت الارضی نفت محفوظ بماند و این امتیاز را باصولیکه باترقیات علمی روز افزون دنیا تطبیق نماید اجرا کند . (ب) ، حفریاتیکه منجر بکشف نفت نگشته وآب یا مواد قیمتی دیگر در آن پیدا شود مجانا بدولت واگذار خواهد شد (مگر آنکه کمپانی آب چاها را برای آشامیدن و مصرف حفاری و دیگهای بخار احتیاج داشته باشد) . کمپانی دولت را فوراً از کشفیات مزبور مطلع خواهد ساخت دولت نیز هرچه زود تر قصد خود را را جع بتصرف آنها اعلام خواهد داشت و درصورت تصرف احتیاطات لازمه رامرعی خواهد نمود که درعملیات کمپانی هیچگونه وقفه حاصل نشود.

(مادهٔ ۱٤) :

(الف) : کمپنی بخرج خود وبرحسب تقاضای نمایندهٔ مختار وزارتخانه ، عین سواد هرطرح نقشه ورسمها وسائر اطلاعات را که در دست کمپانی است اعم ازاطلاعات سطح الارضی وطبقات الارضی مربوط

به حفر چاه های واقعه در حوزهٔ امتیاز در ظرف مدت مناسب بوزارت تجارت تقدیم خواهد نمود. (ب) : دولت حق دارد که بمیل خود هرموقع عملیات فنی کمپانی رادر افغانستان توسط اشخاص مطلع تفتیش کند و متخصصین خارجی نیز برای این منظور تعین نماید ، راجع به صحت تصمیمات متخذه ازطرف کمپانی نسبت به مفاد مادهٔ (٤) نیز دولت حق رسیدگی خواهد داشت . (ج) : کمپنی کلیه اطلاعات علمی وفنی مربوط به عملیاتش را به علاوهٔ اطلاعات راجع به تأسیسات ووسائل اندازه گیری وسائر وسائل فنی را دراختیار این قبیل متخصصین رسمی خواهد گذاشت . و متخصصین مزبور حق خواهند داشت کلیه اطلاعات مربوط بادارات کمپنی را (واقعه درافغانستان) بخواهند کلیه اطلاعات ومدارك واسناد رادولت بطور محرمانه تلقی خواهد نمود .

(مادهٔ ١٥) :

(الف) : دولت حق تعین یکنفر مامنده را خواهد داشت و نمایندهٔ مزبور مامور دولت علیه نامیده شده و اختیارات ذیل را دارا خواهد بود : (اول) اطلاعاتیرا که در حدود حق ما حبان سهام کمپنی است از کمپانی تحصیل نماید. (دوم) درکلیه جلساتیکه برای مذاکره درمسائل راجع بروابط دولت و کمپانی تشکیل میشود اعم ازجلسات مجمع عمومی و یا کومیته های آن و یا جلسات صاحبان سهام حضوربهم برساند. (سوم) کومیتهٔ راکه کمپنی برای توزیع اعتبارمذکور درمادهٔ (١٦) برای نظارت درتحصیل محصلین افغانی در دول متحدهٔ امریکاتشکیل میدهد بعنوان رسمی یاحق رأی قاطع ریاست نماید . (چهارم) هروقت مقتضی بداند تقاضا نماید که جلسات مخصوص هیئت مدیره برای مذاکره در مسائلیکه دولت پیش نهاد مینماید در

مرکز تجارت کمپنی تشکیل شود . جلسات مزبور در مدت بیست روز بعد ازوصول تقاضای کتبی نمایندهٔ دولتی به منشی، کمپنی تشکیل خواهد شد

(ب) پس از کشف نفت درحوزهٔ امتیاز بمقادیر تجارتی کمپانی بابت مخارج نمایندهٔ دولت علیه سالیانه مبلغ دههزار (۱۰،۰۰۰) دلار بحساب اعتبارات دولت در یکی از بانکهای نیو یارك پرداخت خواهد نمود دولت کمپانی را. کتبا از تعیین نمایندهٔ مزبور و تغیر او وهمچنین از تعین قائم مقام او مطلع خواهد ساخت .

مادهٔ (۱۶) :

(الف) : طرفین تصدیق دارند و قبول مینمایند که اصلی که مدار اجرای این قرار داد میباشد آن است که در منافع طرفین حفظ اعلای منتج بودن وصرفه جوئی در اداره و عملیات کمپنی در افغانستان وخارج از افغانستان ضرورت عالی دارد. (ب) مسلم است که کمپنی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجارتی خود را باندازهٔ که اشخاص ذی صلاحیت و با تجربه در افغانستان یافت شود از اتباع افغانستان انتخاب خواهد نمود ، طرفین موافقت مینمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که برطبق آن هرسال و مرتبا مستخدمین غیر افغانی را تقلیل داده و بجای آنها بطور تصاعدی ودر مدت کوتاه ترین ممکنه از اتباع افغانی بگمارند . (ج) در موقع ضروری کمپانی مجاز است متخصصین فنی خارجی استخدام نماید مشروط بر اینکه این قبیل مستخدمین مطلقا از بین اتباع دول متحدهٔ امریکا انتخاب شوند ونیز مسلم است که مستخدمین مزبور در مدت توقف خود درافغانستان تابع کلیه قوانین داخلی مملکتی خواهند بود و داخل در هیچگونه تبلیغات سیاسی و مذهبی نخواهند شد . (د) پس از شروع بصدور

نفت از حوزهٔ امتیاز کمپنی سالیانه مبلغ پنجاه هزار (۵۰،۰۰۰) دلار برای اینکه اتباع افغانی در دول متحدهٔ امریکا علوم و فنون مربوط بصناعت نفت را فرا گیرند تخصیص خواهند داد . اعتبار مذکور بوسیلهٔ یك کومیتهٔ که مطابق مادهٔ پانزدهم (۱۵) تشکیل میشود بمصرف خواهد رسید .

(مادهٔ ۱۷) :

(الف) : پس از تاریخ تصویب ، هر موقع کمپنی اسهام جدیدی اشاعه میدهد و دفاتر ثبت تقاضای اشتراك آنرا در همان موقع که درسائر نقاط شروع میشود در کابل نیز برقرار خواهد نمود در این موارد یك قسمت از اسهام منتشره تا مدت سی روز از تاریخ صدور برای اتباع افغانستان که مائل باشتراك هستند نگاهداشته خواهد شد وپس از انقضای سی روز هرچه ازاین قسمت باقی مانده بدیگران فروش خواهد شد . (ب) : کمپنی تعهد مینماید که هیچوقت اجازه نخواهد داد کنترول اکثریت سهام خود غیر امریکائی و افغانی بدست دیگری بیفتد ونیز اعضای هیئت مدیره غیر از افغانی وامریکائی دیگری نمیتواند باشد .

(مادهٔ ۱۸) :

(الف) : این قرارداد برای مدت هفتاد و پنجسال از تاریخ تصویب واگذار میشود . (ب) : در ظرف مدت ده سال اول از تاریخ تصویب امتیاز کمپانی مجاز خواهد بود این امتیاز را فسخ نماید مشروط براینکه شش ماه قبل کتبا بدولت اطلاع دهد ، بعد از ده سال اول از تاریخ تصویب کمپنی حق فسخ این قرارداد را دارد در صورتیکه دوسال قبل کتبا دولت را ازقصد خود مطلع سازد در ینصورت

کمپانی از کلیهٔ تعهدات موضوع این امتیاز بادر نظر گرفتن شرایط ذیل بری خواهد شد. (ج)، درمدت ده سال اول این امتیاز یا بعد از آن تا موقعیکه استخراج نفت شروع شود کمپانی مجاز خواهد بود کلیه اموال منقولهٔ خود را که در دفاتر کمپنی جزء اموال ثبت شده ازافغانستان خارج نماید، دراینصورت اگرقیمت اموال مزبور مستهلك شده باشد که درنتیجه از حقوق پرداختی بدولت کسر گردیده، صدی بیست ازمجموع مبلغ استهلاکی در موقع صدور اموال مذکور بدولت مسترد خواهد شد، و کلیه اموال غیر منقول باهمان وضعیت موجوده باختیار دولت گذارده خواهدشد. (د)، در مدت بیست سال بعد ازده سال اول از تاریخ تصویب، کمپنی مجاز خواهد بود اموال خود را که برای امور اکتشافی و غیره بکار میرود از افغانستان خارج نماید ولی در ظرف این مدت حق صدور یا فروش کلیهٔ سائر اموال خود رانخواهد داشت مگر آنکه اشیای مزبور غیر مفید بوده و یا آنکه برای عملیات کمپنی در افغانستان دیگر مورد احتیاج نباشد. (ه)، درظرف بقیه مدت بعد از سی سال از تاریخ تصویب کمپانی حق فروش یا انتقال یك یا چندین قسمت از اموال غیر منقولهٔ واقع درافغانستان را نخواهد داشت، ودر ظرف همین مدت کمپانی مجاز نخواهد بود هیچیك از اموال منقول خود را خارج نماید به‌استثنای آنچه از حیز انتفاع افتاده باشد. (و)، کمپنی حق فروش اراضی‌را کهاز دولت مجانا تحصیل نموده نخواهد داشت (ز)، درموقع انقضای این امتیاز به استثنای موارد پیش بینی شده طبق‌جزء (ج) و(د) این‌ماده کلیه‌اموال کمپانی درافغانستان بطور سالم و قابل استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق بدولت افغانستان

خواهد بود . (ح) : جملهٔ تمام « اموال » مشتمل است برتمام اراضی وابنیه وکـار خانه‌ها و ساختمان ها وچاها وراهها ولوله های حمل نفت و پلها و رشتهٔ نفت های فاضل آب و و سائل توزیع آب و ماشین ها و مؤسسات و تجهیزات (ازان جمله آلات و ادوات) از هر نوع و تمام وسائط نقلیه و ارتباط در افغانستان « مثلا اتومو بیلهای سواری و باری طیاره و غیره » تمـام اجناس انبار شده و سائر اشیائیکه کمپنی درافغانستان برای اجرای این امتیاز ازان استفاده مینماید .

(مادهٔ ۱۹) : درصورت وقوع «فورس ماژور» که مانع ازاجرای مقررات این قرارداد ازطرف کمپانی شود این مورد ازموارد نقض قرار داد محسوب نخواهد شد . در صورتیکه در اثر وقوع « فورس ماژور » اجرای مواد این قرار داد از طرف کمپانی بتاخیر افتد مدتیکه برای ترمیم خسارات وارده درظرف تاخیر لازم است بمدت این امتیاز اضافه خواهد شد . علیهذا به مدت مقرره درجزء «الف» مادهٔ (۱۸) علاوه نخواهد شد ، مگر اینـکه تحصیل و یاصدور نفت از طرف کمپانی در اثر وقوع « فورس ماژور » بیشتر از نود روز معلق بماند ، مسلم است وقوع « فورس ماژور » تاثیر و تاخیر در پرداخت وجوه لازم‌التأدیه به دولت‌طبق این قرارداد نخواهد داشت .

(ماده ۲۰) :

(الف) : هرنوع اختلاف حاصله بین طرفین و مخصوصا اختلافات ناشی از تغیرمدلول این امتیاز نامه و حقوق و مسئولیت های مقررهٔ آن و همچنین هر اختلاف نظر در مواردیکه بموجب این امتیاز نامه محتاج بتوافق نظرطرفین‌است بطریق حکمیت قطع وفصل خواهد شد .

(ب) ، طرفیکه تقاضای حکمیت میکنه باید تقاضای خود را کتبا بطرف دیگر ابلاغ نماید ، هریك از طرفین یك حکم معین نموده و حکمین قبل از شروع بحکمیت یك حکم ثالث انتخاب خواهند نمود . هرگاه حکمین نتوانند در ظرف مدت دو ماه نسبت به تعیین حکم ثالث توافق نظر حاصل نمایند ، حکم مزبور را به تقاضای یکی از طرفین رئیس دیوان داوری بین‌المللی تعین خواهد نمود ، چنانچه رئیس دیوان داوری بین المللی از حیث ملیت و تابعیت مطابق جزء (ج) حائز شرائط لازمه برای تعین حکم ثالث نباشد بوسیلهٔ نائب رئیس دیوان مزبور معین خواهد شد .

(ج) حکم ثالث باید از ملت افغان و یا دول متحده امریکا نباشد وبعلاوه ارتباط نزدیك نیز به افغانستان ویا بادول متحدهٔ امریکا ازحیث تعلق به یکی ازمستملکات یا ممالك تحت‌الحمایه و یا مستعمرات و یا ممالك تحت قیمومیت و ممالکیکه بوسیلهٔ یکی از مملکتین مذکور درفوق اداره و یا اشغال شده و یا مثل اینکه درخدمت یکی ازممالك مزبوره بوده و یا میباشد نداشته باشد .

(د) اگر یکی از طرفین شصت روز بعد از حصول تقاضای حکمیت طرف مقابل حکم خودرا تعین نکرد ویا تعین آن‌را بطرف دیگر ابلاغ ننمود طرف مزبور حق خواهد داشت که ازرئیس دیوان داوری بین‌المللی « یا نائب رئیس درموردیکه مطابق قسمت اخیرجزء (ب) پیش بینی شده » تقاضا نماید که یك حکم منفرد ذی صلاحیت مطابق مقررات مذکور در فوق تعین کند و درینصورت اختلاف موجوده بوسیلهٔ حکم منفرد مزبور قطع و فصل خواهد گردید .

(ه) اصول محاکمات در حکمیت مطابق همان اصولی خواهد بود که درموقع حکمیت دردیوان داوری دائمی بین‌المللی معمول ومجراست. وقت و محل حکمیت را بر حسب مورد حکم ثالث یا حکم منفرد مزبور در جزء (د) معین خواهد کرد .

(و) حکم حکمیت مستند بر اصول قضائی مذکور در مادهٔ (۳۸) اساسنامه دیوان داوری دایمی بین‌المللی برده وقابل تجدید نظر نخواهد بود.

(ز) مخارج حکمیت به نحویکه دررأی حکمیت معین میشود تادیه خواهد گردید .

(مادهٔ ۲۱) :

(الف) این امتیاز فوراً پس از تصویب آن از طرف مجلس ملی و توشیح فرمان آن از طرف اعلیحضرت پادشاه افغانستان قابل اجرا خواهد بود ، دولت تعهد میکند امتیاز را هرچه زود تر برای تصویب و توشیح تقدیم نماید .

(ب) دولت تصدیق مینماید وجناب اجل آقای وزیرامور خارجه تائید مینماید که هیچگونه امتیاز دیگری نسبت بحقوق اعطا شده‌موجب این امتیاز یا هر یك از اجزای آن وجود ندارد، و هیچ شخص یا تجارتخانه یا کمپنی هیچگونه ادعای معتبر یا قانونی نسبت باین حقوق ندارد، به علاوه دولت تصدیق مینماید و جناب اجل تائید مینماید که این امتیاز باحقوق‌مزایای مربوط بآن‌یك‌امتیاز مطلق‌ومنحصر میباشد.

(ج) هر گونه انتقال این امتیاز توسط کمپانی بر طبق جزء (ب) مادهٔ (۱۷) موکول به تصویب دولت خواهد بود ، و منافع مربوط باین امتیاز عینا بقائم مقام مجاز او منتقل خواهد شد .

(د) پس ازتصویب این قرار داد اصلاحات به یکی از دو طریق ذیل عمل و قبول خواهد شد .

اول در صورتیکه اصلاحات توسط کمپنی پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف هیئت مدیرهٔ کمپانی تدوین و قبول شده بامضای رؤسای مربوطه رسیده باشد در صورتیکه اصلاحات مزبور ازطرف مجلس ملی تصویب شود پس از توشیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء امتیاز خواهد شد .

(دوم) در صورتیکه اصلاحات از طرف دولت پیشنهاد شود باید طرح آن از طرف مجلس ملی تدوین و قبول شده بامضای رئیس ملی رسیده به تصویب قوهٔ مقننه نیز برسد ، بعد ازان در صورتیکه از طرف هیئت مدیر کمپانی پیشنهاد مذکور تصویب شود بامضای رؤسای مسئول خواهد رسید وپس ازتوشیح آن از طرف اعلیحضرت پادشاه جزء این امتیاز خواهد شد .

(مادهٔ ۲۲) :

(الف) طرفین متعاهدین اعلام میدارند که اجرای این قرار داد مبنی بر اصول متقابل حسن نیت و تفسیر معقول و مناسب این قرار داد باشد .

(ب) کمپانی صریحا تعهد مینماید که هروقت و در هر موقع حقوق و امتیازات و منافع دولت را در نظر داشته و اقدام بهیچ عملی و یا خودداری از عملی که موجب زیان دولت باشد ننماید .

(ج) این امتیاز را دولت لغو نخواهد کرد و مفاد مقررات آن در آتیه بوسیلهٔ هیچ قانون عمومی و خصوصی و یا هیچ یك از

دستورات و نظامات اداری و یا عملیات مقاماتِ اجرائیه قابل تغیر نخواهد بود .

(د) این امتیاز قبل از انتهای مدت مندرجه در جزء (الف) از مادهٔ (۱۸) منقضی نخواهد شد مگر در صورتیکه کمپنی آن را طبق جزء (ب) همان ماده فسخ نماید و یا اینکه بواسطهٔ عدم اجرای تفحصات طبق مادهٔ (۳) و حفاری طبق مدهٔ (٤) ویا عدم تادیهٔ وجوه طبق مادهٔ (٦) این امتیاز لغو شود . (ه) در سائر موارد نسبت بمقررات این امتیاز ازجانب هریك ازطرفین محکمه حکمیت مسئولیت ها وحقوق وتعهدات طرفین متعاهدین‌را تعین خواهد نمود .

مادهٔ (۲۳) : این امتیاز که شامل بیست و سه ماده بزبان انگلیسی در دو نسخه بهت امضاء تحریر شده ترجمهٔ فارسی آن بعد بعمل خواهد آمد ، در صورت بروز اختلاف نسخهٔ انگلیسی آن معتبر خواهد بود . در برلین نوزدهم نومبرسنهٔ هزار و نه صدو سی وشش .

پروتوکول

تعدیلات ذیل در متن قرار داد امتیاز پطرول منعقدهٔ نزدهم‌نومبر ۱۹۳٦ برلین بین حکومت شاهی افغانستان واتلاند اکسپلوریشن کمپنی بعمل آمده است قرار داد مذکور بطوری باید ملاحظه گردد که تعدیلات مذکوره یك حصهٔ اول آن را تشکیل میدهد . (۱) تعریف کلمهٔ کمپنی بعد از کلمهٔ امریکا بایزاد کلمات «تمام کمپنی های تابعهٔ آن » تعدیل یابد وهمچنین تعریفات ذیل ایزاد گردد . « کلمهٔ اتلاند اکسپلوریشن کمپنی یعنی اتلاند اکسپلوریشن کمپنی وهر شخص حقوقی دیگری از دول متحدهٔ امریکا که این امتیاز با تصویب حکومت

مطابق (مادهٔ ۲۱) بدومنتقل شود » کلمهٔ کمپنی تابعه ، یعنی کمپنی که این کمپنی حق تعین بیش از نصف مدیران آنرا مستقیماً یا بطور غیر مستقیم داشته یا بطور مستقیم ویاغیر مستقیم مالك مقداری ازاسهام آن باشد که بآن مقدار سهم بیش از پنجاه فیصد حق رأی در مجمع عمومی آن برای کمپانی تضمین شده باشد . « ۲ » در مادهٔ (۱) عوض عبارت « حمل‌ونقل راهای آهن مابین حوزهٔ امتیاز وسرحد » عبارت هذا « هر جای در افغانستان » خوانده شود در اخیر همان ماده کلمات ذیل علاوه شود . « بطرولی که بوسیلهٔ انلاندا کسپلوریشن کمپنی در افغانستان حاصل شده وتا ساحل از راه ایرانین یا پیلان کمپنی ترانسپورت ، میگردد . بهمان مساعد ترین نرخی که از طرف کمپنی برای ترانسپورت بطرول ایرانین آیل کمپنی ضمانت گردیده است ، ترانسپورت خواهد شد ، کمپنی تعهد مینماید که برای خودش و برای حکومت تمام اسناد لازمه را در موضوع محصولات ترانسپورت که از طرف ایرانین آیل کمپنی وسائر کمپانیهای متشابه آن به ایرانین یاپیلان کمپنی تادیه شودفراهم آورد در صورتیکه محصولات ترانسپورت مذکور که برای انلاندا کسپلوریشن کمپنی وضع شده باشد از محصول ایرانین آیل کمپنی و کمپنی های متشابه آن برای فاصلهٔ معینی تجاوز نماید فرق آن بعهدهٔ انلاندا کسپلوریشن کمپنی خواهد بود ، بصفت مصرف کمپنی مذکور در سنجش منافع خالص حساب نخواهد شد . (۳۱) در جزء الف ماده ۳ عبارت ذیل ملغی است « قبل از انقضای یك سال بعد از اعطای حقوق حمل و نقل بطرولیوم به کمپنی از یك مملکت یا ممالکی که شامل این قرار داد نباشد » وبجای آن عبارت ذیل درج میشود . « قبل از انقضای مدت شش‌ماه بعدازتاریخ تصدیق »

(د) جزو الف و ب مادهٔ «٤» لغو وبجای آن عبارت ذیل درج گردد

«الف» قبل ازاختتام ٢٦ ماه بعد ازتاریخ تصدیق کمپانی اقلاً یك دستگاه برمه انکشافی چاها را بکار خواهند انداخت قبل از اختتام سال پنجم بعد ازتاریخ تصدیق اقلا سه دستگاه برمه بدون یك وقفهٔ معقول متواتر بکارانداخته خواهد شد، تاکه چاها بیك عمق معقول برای انکشاف پطرولیوم برسد، هر یك چاه انکشافی باید تاعمق سه هزار فیت برسد، مگردرصورتیکه پطرول بمقدارنافع درعمق کمترازین پیداشود (که تنها این منحصر به قضاوت کمپنی خواهد بود) و یادرصورتیکه ماهرین طبقات الارض ثابت کنند که پطرول در اینجا مصارف آنرا تلافی کرده نمی تواند اگرثابت شده بتواند که پطرول بمقدار تجارتی حاصل می‌شود بعد ازان دستگاهای برمه اقلا تا شش دستگاه اضافه خواهد شد و عملیات بدون کدام معطلی دوام داده میشود تاکه مواد ذخیرهٔ پطرول تمام شود و یا امتیاز متروك گردد.

«ب» درصورتیکه مقررات جزء الف مادهٔ موجوده از طرف کمپانی اجرانشود حکومت حق خواهد داشت به کمپنی یاد داشت بدهد که او میخواهد این امتیاز را اختتام بدهد و در ظرف ٦ ماه بعد از وصول یاد داشت حکومت به کمپنی امتیاز ملغی می گردد.

(٥) درجزو (د) مادهٔ (٤) کلمهٔ Commercial (تجارتی) به کلمهٔ Profitable قابل (استفاده) تعبیر میشود.

(٦) جزو (ه) مادهٔ (٤) لغو و بجای آن عبارت ذیل درج گردد (ه) بعد ازمعیادپانزده سال بعد ازتاریخ تصدیق اگردرحوضهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور

نباشد یکی ازایالات مذکوره باتمام مؤسساتی که درآن وجود داشته باشد از طرف کمپانی مسترد میشود در آخر ۲۰ سال بعد از تاریخ تصدیق اگر در حوضهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد، درانجام ۲۵ سال بعدازتاریخ تصدیق اگردرحوزهٔامتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور نباشد یکی از ولایات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد . در آخر سی سال بعد ازتاریخ تصدیق اگردرحوزهٔ امتیاز کدام ایالاتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدور نباشد یکی از ایالات مذکوره بهمان صورت مسترد میگردد . دراختتام ۵ سال آینده اگر در آنجا ایالتی باشد که مقدار پطرول منکشفهٔ آن قابل صدورنباشد آن ایالت بهمان صورت مسترد می شود .

(۷) در فقرهٔ (۱) مادهٔ (۵) بعد از کلمات «راه» آهن کلمه کمپنی درج شود .

(۸) در جزو «الف» مادهٔ ٦ کلمات «یا صادر شده باشد از افغانستان» حذف میشود و بجای آن عبارت ذیل درج میگردد «ازافغانستان صادرشده باشد» برای فروش درافغانستان ویا صدور ذخیره شده باشد جزء «ج» همان ماده و قسمت های ۱-۲-۳ حذف شود و بجای آن فقرات ذیل درج شود . «ج» علاوه برتمام تأدیات متذکره این امتیاز کمپنی تعهد می کند که سالانه بحکومت مبلغ بیست فیصد «۰٫۲۰» از منفعت خالص که برای اسهام عادی اتلاند اکسپلوریشن کمپنی تقسیم می شود پس از توزیع مبلغ ۵ فیصد از

سرمایهٔ تادیه شده بپردازد این ۰٫۰۵ فائدهٔ است که باصحابان اسهام عادی قبل از تادیه حصهٔ حکومت تأدیه میشود مراد ازسرمایهٔ تادیه شده که درین فقره استعمال شده است مبلغی است که بطورقطعی در کتابهای کمپنی از روزیکه صادرات تنظیم بطرول بواسطهٔ کمپنی از افغانستان شروع شده است تعین گردیده در هر صورت مبلغ پنج فیصدی که سابقا باسهام عادی تقسیم شده است از سه صد هزار ۳۰۰۰۰۰ پوند استرلینگ سالانه تجاوز نخواهد کرد ، مبرهن است که منافع دیگر از فائدهٔ خالص قبل از تقسیم حصهٔ حکومت چنانچه در اینجا ذکر گردیده است تادیه نخواهد شد و همچنین متقابلا تعهد می شود که اصول حساب و تادیه مستعمله انگلوایرانین آیل کمپنی محدوده تعقیب خواهد شد ، در حالیکه سنجش های مذکوره مواد مندرجات ذیل قرار گیرد .

(۱) هر موقعیکه حکومت تصور کرد که محصول نفت افغانستان بقیمت مناسب در خارج بفروش نمیرسد حکومت حق خواهد داشت صد بیست از مقدار محصول را از همان قیمت و بهمان شرائطیکه کمپانی پطرولی افغانستان را بمشتریان دیگر در همانجا می فروشد از کمپنی خریداری نماید و بهر نحویکه صلاح میداند خود بفروش برساند .

(۲) در موقع انقضای این امتیاز و همچنین درصورت ترک آن از طرف کمپنی مطابق مادهٔ (۱۸) کمپنی مبلغ معادل ۲۰ فیصد ۰٫۲۰ از بابت های ذیل بحکومت تادیه خواهد کرد ،

(الف) ازمجموع ذخائر کمپنی در تاریخ انقضاء یا ترک امتیاز

(ب) ازمبالغ موجودی کمپنی درتاریخ انقضاء یاترک امتیاز درین فقره مراد از کلمهٔ ذخائر ، ذخائر عمومی کمپنی است ، یعنی همان ذخائریکه

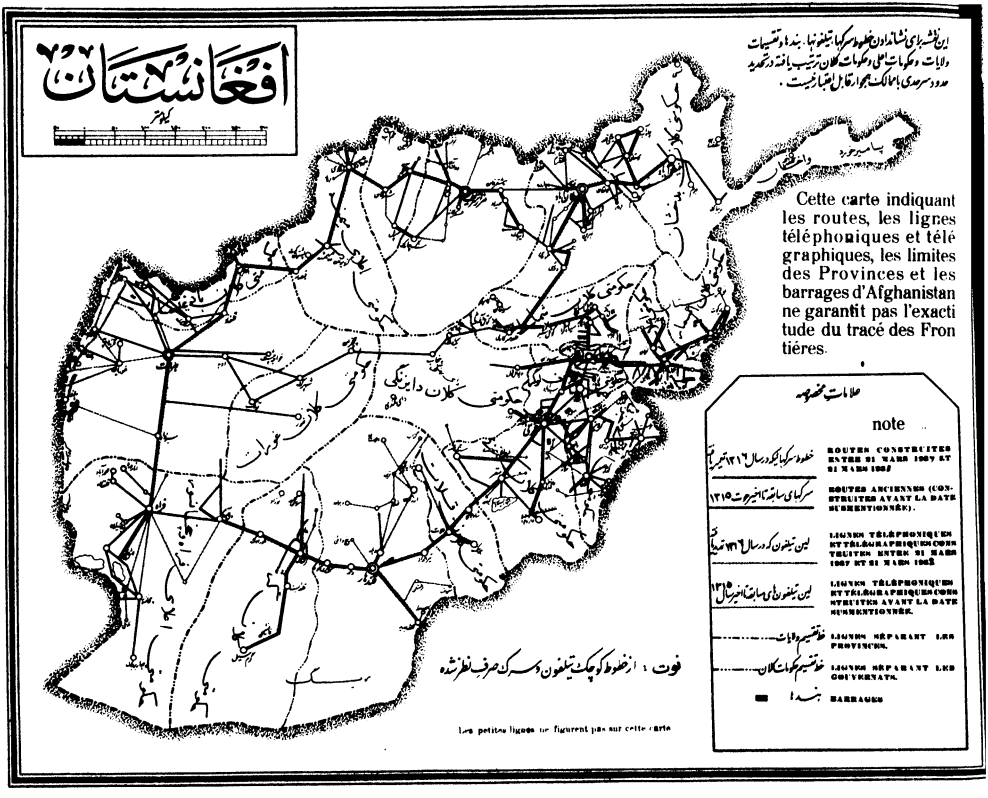
افغانستان
کیلومتر
این نقشه برای نشاندادن خطوط سرکها، تیلفونها، بندها و تقسیمات ولایات و حکومات اعلی و حکومات کلان ترتیب یافته در تحدید حدود سرحدی با ممالک همجوار قابل اعتبار نیست.
Cette carte indiquant les routes, les lignes téléphoniques et télégraphiques, les limites des Provinces et les barrages d'Afghanistan ne garantit pas l'exactitude du tracé des Frontiéres.
علامات مخصوصه
note
خطوط سرکها یکه در سال ۱۳۱۶ تعمیر یافته
ROUTES CONSTRUITES ENTRE 21 MARS 1937 ET 21 MARS 1938
سرکهای سابقه تا اخیر حوت ۱۳۱۵
ROUTES ANCIENNES (CONSTRUITES AVANT LA DATE SUSMENTIONNÉE).
لین تیلفون که در سال ۱۳۱۶ تعمیر یافته
LIGNES TÉLÉPHONIQUES ET TÉLÉGRAPHIQUES CONSTRUITES ENTRE 21 MARS 1937 ET 21 MARS 1938
لین تیلفونهای سابقه تا اخیر سال ۱۳۱۵
LIGNES TÉLÉPHONIQUES ET TÉLÉGRAPHIQUES CONSTRUITES AVANT LA DATE SUSMENTIONNÉE.
خط تقسیم ولایات
LIGNES SÉPARANT LES PROVINCES.
خط تقسیم حکومات کلان
LIGNES SÉPARANT LES GOUVERNATS.
بندها
BARRAGES
نوت : از خطوط کوچک تیلفون و سرک صرف نظر شده
Les petites lignes ne figurent pas sur cette carte

برای مقصد مخصوصی معین نشده‌اند ، مثلا برای بیمه هر وجه لازم التادیه بحکومت برحسب این فقره یکماه بعدازتاریخ تشکیل مجمع عمومی کمپانی که بعد ازانقضاء یاترک امتیازتشکیل میشود انجام خواهد گرفت ، حکومت حق خواهد داشت که محاسبات مفصل ذخائر متذکرهٔ فقرهٔ (الف) را کنترول نماید ومحاسبات مذکورهٔ سال ماقبل بایداخیراً الی ۲۸ فروری بحکومت فرستاده شود .

(۲) کمپنی میتواند اسهام مرجحه بمنافع شش فیصدکه حق اولیت دراخذ منافع داشته باشد بقیمت اسمی بفروشد . مراد ازاسهام مرجحه اسهامی است که اولا حق حصول منافع سالانه راصرف تا اندازهٔ شش فیصد متذکره قبل از کدام تقسیم منافع باسهام عادی و یا بحکومت داشته باشد . درصورت انحلال ویا الغای کمپنی اسهام مرجحه حقدارند که قیمت شان را بعلاوهٔ منافعی که بآنها بایستی تادیه شود قبل از کدام تقسیمی باسهام عادی ویا بحکومت حاصل دارند ، کمپنی حقدارد که مقدار اسهام مرجحه را که دردوران میباشند بواسطهٔ اعادهٔ قیمت آنها بعلاوهٔ منافعی که باید با آنها تادیه شود در وقت باز خرید تقلیل دهد ، در(٤) مثال آتی طریقهٔ ترتیب بلانس سالانه در تحت بعضی فرضیات اصول این ماده را توضیح میدهد مثال فرض کنیم که سرمایهٔ تادیه شده ۷،۵۰۰،۰۰۰ پوند استرلنگ است ونفت صادر شده و بفروش رسیده به ۶،۰۰۰،۰۰۰ طن بالغ میگردد عایدات شش ملیون لیره واقل ضمانت بحکومت ۵۰۰،۰۰۰ لیره ودیگر مصارف ۳،۰۰۰،۰۰۰ لیره استرلنگ است .

مجموع عایدات	منافع حکومت
ضمانت بحکومت ۵،۰۰۰،۰۰۰ لیره	۵۰۰،۰۰۰ لیره

مجزع عایدات	منافع حکومت
بلانس چهارشلنگ بایالتی	۸۰۰،۰۰۰ لیره
تادیه بعوض محصولات	۲۳۷،۵۰۰ «
مصارفیکه حاوی درکهای ذیل است :	

تنخواه های اداری ، استخراج ، توسعه ، ترمیمات ، محروقات ، برمه آلات ، ادوات ، نمایندهٔ حکومت ، تعلیم طلاب ، منافع استهلاك ، منافع اسهام مرجحه وغیره . ۳،۰۰۰،۰۰۰

مصارف مجموعی	۴،۵۳۷،۵۰۰
منافع خالص	۱،۴۶۲،۵۰۰
ذخائر و سرمایهٔ کار	۵۰۰،۰۰۰
بلانس منافع	۹۶۲،۵۰۰
منافع اولیهٔ اسهام عامه	۳۰۰،۰۰۰
بلانس باقیمانده	۶۶۲،۵۰۰
۸۰ فیصد صاحبان اسهام	۵۳۰،۰۰۰
۲۰ فیصد حکومت	۱۳۲،۵۰۰
مجموع منافع حکومت	۱،۶۷۰،۰۰۰

(۹) درجزء « د »مادهٔ ۶ کلمات «دوصدپنجاه هزار پوند استرلنگ» حذف وبجای آن فقرهٔ ذیل درج خواهد شد « دوصد وهشتاد هزار پوند سترلنگ» . (۱۰) درجزء (د) مادهٔ ۶ عبارت« چهار صدوپنجاه هزار پوند سترلنگ » حذف و بجای آن عبارت ذیل درج خواهد شد « پنجصد هزار پوند سترلنگ » . کل مبلغ تادیات سالانه برای هریك سال که از ربع آخر سال چهار دهم جنتری بعد از تاریخ تصدیق شروع میشود هرگز نباید از شش صد هزار پوند سترلنگ

کمپنی باشد. (۱۱) جزو « ح » مادهٔ ٦ حذف میگردد (۱۲) جزو « و » مادهٔ (٦) به « ه » تبدیل گردیده وکلمات « شصت ودوهزارو پنجصد پوند سترلینگ » بکلمات « هفتاد هزار پوند » تبدیل خواهد شد ونیز کلمات « مبلغ آخرالذکر یکصد و دوازده هزار و پنجصد پوند سترلینگ » بکلمات ذیل تبدیل میگردد « برای چهار سال آینده حداقل این تادیات مبلغ یکصدوبیست وپنج هزار پوند سترلنگ و بعد ازان مبلغ یکصدوپنجاه هزار پوند سترلنگ خواهد بود » . در همان جزو کلمات « درظرف شش‌ماه متعاقب اختتام سال جنتری » بطور ذیل خوانده شود « در۲۸ فروری سال جنتری متعاقب » . (۱۳) جزء « ز » مادهٔ (٦) به « و » و نیز جزو « و » جزو « ه » خوانده میشود (۱٤) جزو « ح » مادهٔ (٦) جزو « ز » خوانده خواهد شد . (۱۵) بعد ازقسمت « ۲ » جزو « الف » مادهٔ (۷) قسمت ذیل علاوه خواهدشد:

« ۳ » کمپانی ضمانت میکند که مبلغ تادیه شده به قرار مقررهٔ سابقه بعد ازتاریخ تصدیق تا آخر سال‌دهم ازپنجاه‌هزار پوندسترلنگ وبعد ازتاریخ مذکور ازهفتاد وپنج هزار پوند سترلنگ هرگز کمتر نخواهد بود ، تادیهٔ اول فوق‌الذکر بسال تمام متعاقب آخر سال پنجم تادیه خواهد شد . « ۱٦ » جزء « د » مادهٔ (۱۰) حذف خواهدشد. « ۱۷ » جزو « ه » مادهٔ « ۱ » جزء « د » خوانده خواهدشد. « ۱۸ » درآخر قسمت « د » مادهٔ « ۱۱ » کلمات ذیل علاوه شود : درصورتیکه کمپانی بگرفتن اقدامات تخنیکی برای « تحدید » منطقهٔ خطر مذکوره موفق نشود درصورت وقوع کدام حادثه مسئول میگردد . « ۱۹ » در آخر مادهٔ (۱٦) عبارات ذیل علاوه میگردد ، « ه » درصورت وفات

ومعیوبیت مستخدمین وکارگران کمپانی که علت آن عملیات آخرالذکر باشد کمپانی تعهد مینماید که بخود مستخدمین وکاریگران مذکوره ویا به عایلهٔ شان جبران نماید ، اساس قواعدیکه در بین حکومت وکمپانی دربارهٔ این مسئله انعقاد خواهد یافت مقررات وهدایات انتظام بین المللی کار جینوا (سویس) خواهد بود . (۲۰) درجزء (الف) مادهٔ (۱۷) بعد ازالفاظ (اسهام) کلمهٔ مرجحه درج خواهد شد . (۲۱) در جزء (الف) ماده (۱۸) کلمات : درهفتاد وپنج سال باشصت سال تبدیل گردید . (۲۲) جزء (ب) و (ج) و (د) و (ر) و (ه) مادهٔ ۱۸) حذف و جزء های ذیل درج خواهد شد : (ب) کمپانی حق خواهد داشت که امتیاز را درآخرهرسال تقویم مسیحی ترك نموده حکومت راقبلاً و کتباً بواسطهٔ یاد داشت بصورت ذیل اطلاع بدهد : (الف) شش ماه درظرف هفت سال اول . (ب) بیست وچهارماه درظرف میزان آخرین اوقات امتیاز . (ج) اگر کمپنی درهفده سال اول بعد ازتاریخ تصدیق این امتیاز را لغونماید تمام اشیای منقولهٔ خود رابدون تأدیهٔ محصولات گمرکی وهرنوع محصولات وتاکس های دیگر که مرعی الاجرا باشد خارج کرده میتواند و یادر افغانستان بعد از تادیهٔ محصولات گمرکی و دیگر محصولات مروجهٔ آن زمان فروخته میتواند . (د) اگر ترك امتیاز بعدازمدت هفده سال اول واقع شود بعدازانقضاء دوسال مهلت مذکور درجزء (ب) این ماده ، کلیه دارائی شرکت در افغانستان (بطوریکه درفسمت «ز» مادهٔ موجوده تصریح شده) مجانا وبدون هیچ خرچی بطورسالم و قابل استفادهٔ ملك مملکت گردیده و شرکت در آینده ازهرگونه تعهدی بری خواهد بود (ه) صورت کدام در مناقشه ما بین

طرفین راجع به فرائض شان قبل از اختتام میعاد فوق الذکر اختلافات شان توسط حکمیت چنانچه درمادهٔ (۲۰) تذکار یافته است فیصله خواهد شد . (۲۳) جزو « ح » مادهٔ « ۱۸ » به « ز » تبدیل میشود . « ۲٤ » جزو « ح » مادهٔ « ۱۸ » به « ز » تبدیل میشود . « ۲۵ » درمادهٔ « ۱۹ » کلمات نود روز مسلسل به شصت روز مسلسل تبدیل گردد ، عبارت ذیل باید در آخر ماده ایزاد شود : هر واقعهٔ که کمپنی آنرا فورس ماژور ملاحظه نمایدباید که وزارت تجارت را بکابل درظرف دوهفته ازان اطلاع بدهد وحکومت در ظرف شصت (٦۰) روز بعد ازوصول یاد داشت ، کمپنی را ازنظریهٔ خودکتبا راجع بموضوع اطلاع خواهد داد . سکوت حکومت درمدت متذکره دلالت میکند که اونظریهٔ کمپانی را راجع به فورس ماژور قبول دارد برخلاف آن اگر کمپنی ارادتاً ویاغفلتاً بحکومت درظرف دو هفته متذکرهٔ فوق اطلاع ندهد حکومت مجبور نخواهد بود که واقعه را ازواقعات فورس ماژور ملاحظه نماید ، درهر صورت تمدید موعد این امتیاز بجهت فورس ماژور نباید از دوسال بعد ازتاریخ اختتام امتیاز مطابق جزوالف ماه « ۱۸ » تجاوز نماید . « ۲٦ » در جزو « ج » ماده « ۲۰ » کلمات ذیل بعدازکلمهٔ « امریکا » درج میگردد « علاوتاً اوروابط محرمانه باافغانستان واضلاع متحدهٔ امریکا نخواهد داشت » « ۲۷ » جزء « ج » مادهٔ « ۲۱ » حذف وبجای آن عبارت ذیل درج گردد : « ج » هرانتقال امتیاز ازطرف کمپانی باید موردتصدیق حکومت واقع گردد ومنافع وظایف وو اجباتیکه در ین جا ذکر گردیده به کمپانی خلف آن مطابق شرایط قرارداد انتقال می یابد . « ۲۸ »

پروتو کول هذا که جزء اصلی قرار داد پطرو لیوم منعقده نوزده نومبر ۱۹۳۶ برلین میباشد باقرار داد مذکور یکجا تصدیق و بعد از تصدیق قرارداد و این پروتو کول هردو عملی میگردد. « ۲۹ » درصورت هرنوع اختلافی بین متن فارسی وانگلیسی این پروتو کول انگلیسی آن معتبر شناخته خواهد شد.

قرار داد استخراج معادن جنوب :

این قرار داد که بایك شرکت مختلط افغان والمان برای استخراج معادن حصص جنوبی افغانستان بعمل آمده تا کنون مراتب قانونی را طی نکرده است هرگاه تاوقت نشر سالنامه مراتب قانونی را طی کرد البته بصورت ضمیمه درج خواهد گردید .

تشکیل ریاست معادن :

توجه خاصیکه در ین سال نسبت برامور معادن وطن از طرف حکومت متبوعهٔ ما مبذول وبه سلسلهٔ آن قرار داد استخراج معادن سمت جنوب (مطابق شرح فوق) با آلمانها عقد واز طرف دیگر کار استخراج ذ غال سنگ برای احتیاجات کارخانه جات و غیره مصارف داخلی شروع گردیده است ، این اقدامات ونظریات آیندهٔ که راجع به توسعهٔ امور معادن واستفاده ازانها مد نظر اولیای امور میبا شد ایجاب میکرد که تشکیلات دوائر مربوط نیز وسعت لازمه را دارا گردیده وشعبات اداری جهت پیشبرد و نگرانی هر قسمت از امور مذکوره موجودباشد . از ین رو باثر مطالعاتیکه درین باره بعمل آمد بالاخره در تیرماه سال ۱۳۱۶ دائرهٔ معادن که سابقا جزء وزارت تجارت وار شعبات مدیریت عمومی زراعت بود بصورت یك ریاست

مستقل تشکیل ومطابق احتیاجات فنی ، شعبات مختلفه برای آن منظور ودر رأس آن مثلاً لتناب محمد کریم خان سابق معین وزارت صحیه که از جوانان تعلیم یافتهٔ ترکیه و دارای معلومات عصری خوبی میباشند تعین گردید، اند چنانچه رئیس مستقل معادن از جملهٔ اعضای کابینهٔ وزراء شناخته شده ، معاون او نیز یك شخص فنی (ص ، عبدالله خان دوکتور معادن تعلیم یافتهٔ المان) میباشد و اکنون ریاست معادن بروی یك نقشهٔ اساسی وفنی شروع بکار کرده است .

تشکیل ریاست زراعت:

همچنین هر کس خبر دارد که در ظرف چند سال اخیر توجه خیلی زیادی بسوی ترقی و توسعهٔ زراعت مملکت مبذول گردیده و برای این مقصود علاوه از تشویقاتیکه بطور عمومی جهت توسعهٔ زراعت در سرتاسر افغانستان بعمل آمده بندها ونهر های متعددی احداث وبسوی آن محصولات زراعتی که دارای جنبهٔ تجارتی میباشد ، مخصوصاعنایت بصرف رسیده است .

باادر نظر گرفتن اینکه افغانستان یك مملکت زراعتی بوده و آب و هوای معتدل و آبهای فراوان و دشتها ودره های کثیرهٔ آن مستعد پرورش هر قسم نباتات بوده و گنجایش توسعهٔ زراعتی مهمی را دارا میباشد ، پس نظر باین ملاحظات ، ازهر جهت لازم دیده میشد که امور زراعت یك مرکزیت صحیحی پیدا کرده و واجد تشکیلات فنی وعصری وسیعی گردد تا ازتمام جنبه ها وسائل پیشرفت و نگرانی امور زراعتی آماده گی پیدا کند - از این بود که بمثل ریاست معادن یك ریاست مستقل زراعت نیز تاسیس و تمام تشکیلات زراعتی مملکت بزیر اثر آن تمرکز یافته ، ریاست مذکور مطابق اصول عصری بشعبات فنی تقسیم و هر شعبه از شعبات مذکوره باشخاص فنی تعلیم

یافته تفویض شده است چنانچه در رأس این ریاست جلالتماب میر محمد یوسف خان سابق مدیر مکتب زراعت که شخصا از جوانان لائق و دیپلومهٔ فرانسه میباشند ، قرار گرفته ومعاون وسائر مدیران شعبات فنی مذکور نیز از جملهٔ متخصصین فنی تعلیم یافتهٔ فرانسه مقرر شده اند و این ریاست نیز که رئیس آن شامل کابینهٔ دولت میباشد ، مطابق یك پروگرام اساسی وفنی آغاز بکار نموده است .

بر ینوجه با درنظر گرفتن این حقیقت مسلم که پیشرفت هر کار بسته بمرکزیت یافتن و یکدست شدن آن ونیز مربوط باصولی بودن تشکیلات کار مذکور میباشد ، بنابران میتوان ادعا کرد که از این پس امور معادن وزراعت که مهمترین شعبات اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد داخل یك دورهٔ نهضت جدیدی شده است که از هر جهت امید بپیشرفت و ترقی هر دو شعبهٔ مذکور موجود میباشد .

تأسیس شرکت های جدید :

درسلسلهٔ پلانهای اقتصادی که از چند سال باین طرف سر دست اجراء گرفته شده ، یکی تمرکز سرمایه بوده که حکومت متبوعهٔ ما و بانك ملی برای این کار به تاسیس یك دسته شرکت های تجارتی مساعدت ورزیده ودرنتیجه برای هر قلم از صادرات مهمه و همچنین برای واردات مختلفه ، شرکتهای علیحده تأسیس و مطابق پروگرام هائیکه بپلان اساسی حکومت منبوعهٔ مادائر به ترقی عمومی اقتصادیات مملکت موافقت دارد ، شروع بکار نموده اند . چنانچه اگر بمطبوعات وطن عموماً وخصوصاً به سالنامه‌های کابل نظر انداخته شود ، صورت کارروائی واصلاحاتی که توسط شرکتهای مذکور در امور اقتصادی وطن بعمل آمده خوبتر واضح خواهد شد . درین

ضمن از همه مهمترین موضوع ترقی صادرات است که اساس ترقی اقتصادی مملکت را تشکیل میدهد وبرای این منظور حکومت مطبوعه وتجار امور وطن خیلی بجدیت مشغول اقدامات میباشد ـ چیزیکه مداومت وحسن توجه را درین راه نشان‌میدهد همانا امتداد یافتن دامنهٔ تأسیس شرکت‌های جدیده است که علاوه بشرکتهای سابقه‌جهت ترقی صادرات واصلاح امور وارداتی وغیره امور مدنی تأسیس وما ذیلاً بطور مختصر ازاسما ونوعیت کار وسرمایه وغیره خصوصیات مؤسسات و شرکت های جدیدالتشکیل که درجریان سال ۱۳۱۶ تشکیل شده ذکر کرده ، تفصیل البته‌آن درقسمت‌های مخصوصهٔ آنها خواهد آمد :

۱ــ مؤسسهٔ پنبه :

بدیهی است که پنبه امروز دردنیا اهمیت خیلی بزرگی را کسب کرده وبنابران ارباب تجارت آنرا (طلای‌سفید) نامیده‌اند. خوشبختانه افغانستان ما ازحیث آب وهوای معتدل وداشتن دشتهای وسیع برای پرورش این محصول بزرگ زراعتی که در عالم تجارت قیمت روز افزونی کسب میکند ، استعداد خاصی را نشان میدهد. ازین است که درین چند سال اخیر موضوع کشت پنبه و توسعهٔ زراعت آن خیلی مورد توجه اولیای امور قرار گرفته برای تشویق زراعین به تقسیم تخم مفت وبساسهولت‌های دیگر اقدام کرده شده وازاثراین کوششات اکنون رقبهٔ پنبه کاری درحصص مختلف وطن عزیز ما که بطورخاصی مستعد پرورش پنبه میباشد مثل قطعن وخچانسوروگرشك وغیره به پیمانهٔ وسیعی کسب ازدیاد نموده‌است . بنابران‌پیش‌ازپیش برای استهلاك حاصلات پنبه (که تا چند سال قبل تقریباً هیچ صادرات نداشت) بادول خارجه قرار دادهای عقدشده است که مطابق آن همه ساله باید

حاصلات پنبه رو بازدیاد رفته ودرعین حال ترتیبات صفائی و بار بندی وحمل ونقل آن نیز اصلاح بشود . ازاینست که برای پیشبرد این مقاصد که مراد ازترقی وتوسعهٔ روز افزون زراعت پنبه واصلاحات رفع حاصلات ، باربندی وحمل ونقل وسررشتهٔ صادرات وفروش آن وپیدا کردن بازارهای جدید درخارج باشد ، درشروع سال ۱۳۱۶ درتحت اثر (شرکت اتحادیهٔ شمال) شعبهٔ برای کار پنبه تاسیس واکنون شعبهٔ مذکور برای ترقی کاشت پنبه ازیك طرف و برای اصلاح غوزه تکانی و باربندی وحمل ونقل وغیرهٔ آن (توسط خریداری ماشین های جدید) ازطرف دیگر داخل اقدامات شده وهم بمساعدت بانك ملی دررساندن مقداری قرار دادهای که با دول خارجه عقد گردیده است صرف مساعی مینماید .

روی همرفته این موسسهٔ پنبه یکی ازمو سسات خیلی مهم و مفید مملکت مابوده وآیندهٔ بسی درخشانی را برای خود وهم برای بهبود عمومی اقتصادیات وطن دربردارد .

۲ ــ شرکت میوه :

خوانندگان گرام ازتاسیس پشتون قندهار که ازچهار سال باین طرف برای ترقی صادرات میوهٔ خشك آنولایت تشکیل شده و نیز ازصورت موفقیات واصلاحات شرکت مذکوره که درقسمت ترقی مقدار میوهٔ صادره وایزاد نرخ فروش آن وازطرف دیگر درقسمت توریدو بکار انداختن ماشین های قطی سازی وپاك کرده میوه ، بوجود آمده است ، اطلاع خواهندداشت . ازآنجائیکه ولایت کابل نیز درقسمت حاصلات میوه و مخصوصا میوه جات خشك که اهمیت تجارتی وصادراتی دارد ، مقام قابل اعتنائی را داراست ، چون اصول خشك کردن و

حمل ونقل و مخصوصا طرز فروش این میوه جات درست نبوده نواقص زیادی را دارا بود ، لهذا در تیرماه سال ۱۳۱۶ موضوع تجارت میوهٔ کابل جداً زیر بحث آمده، منجر به تشکیل شرکتی گردید که بنام (شرکت میوه) و سرمایهٔ ابتدائی آن دو ملیون ۲۰۰،۰۰۰ افغانی تعین و ریاست آن به جناب محمد موسی خان رئیس شرکت پشتون قندهار که شخصا از تجار لائق و در تجارت میوه معلومات خوبی دارند تفویض شده است. این شرکت، مرکز خود را درکابل قایم و شعبات خویش را در پشاور و دهلی و کلکته و کراچی و بمبئی و چمن و غیره نقاط هند افتتاح کرده و اراده دارد که از یك طرف تجارت میوه را از اصول وساطت (دلالی) خلاص کرده سر راست با معامله داران هرجا معامله کنند و از طرف دیگر برای پاك کردن وقطی سازی میوه جات و غیره خصوصیات فروش آن اقدامات لازمه را بعمل بیاورد .

ازانجائیکه میوهٔ خشك یکی از اقلام صادراتی مهم وطن عزیزما را تشکیل داده و خصوصا امکانات ترقی و استهلاك مزید آن در هند خیلی زیاد است ، پس میتوان امید کرد که شرکت میوه بمثل شرکت پشتون بلکه بیش ازان برای تجارت خارجی وطن عزیزما یك موسسهٔ مفید ثابت شده ، در ترقی صادرات و موازنهٔ تجارتی وطن سهم بزرگی خواهد گرفت .

۳ــ شرکت عمران :

ترقی و توسعهٔ عمرانات و آبادی های شهارتی با پیشرفت عمومی یك مملکت توأم بوده وهر قدر مملکت مذکور از دیگر جهات کسب

ارتقاء نماید ، عمرانات نیز همراه آن ترقی و توسعه یافته می رود . از این است که درظرف چند سال اخیر ازاثر نهضت ارتقائی که درتمام شعب امور مملکتی بوجود آمده تعمیرات نیز توسعهٔ زیادی پذیرفته چه از قسم عمرانات دولتی وچه از قبیل عمارات بلدی مانند بازارها و جاده ها و چه از قسم عمارات شخصی روز بروز در ازدیاد میباشد ازانجائیکه برای پیش بینی وسائل و لوازم تعمیریه و توجه بسوی فنی بودن وعصری شدن عمارات مختلفه ، وجود یك موسسهٔ ملی مورد ضرورت بود ، بنابران در اواسط سال ۱۳۱۶ نظر بهٔ تشویقات حکومت متبوعه وحسن نظریهٔ تجارداخلی شرکتی بنام (شرکت عمران) بسرمایهٔ ابتدائی دومیلیون (۲۰۰۰۰۰۰۰) افغانی درکابل تاسیس وجناب محمد یونس خان سابق مدیر عمومی اداری وزارت خارجه که در فن تعمیر تخصص و بلدیت کافی دارند ، بریاست آن انتخاب شدند . حالیه شرکت مذکور باساختمان یك سلسله عمارات عصری درکابل بابلدیه همکاری کرده ، برای آینده نقشه های مهمی را نسبت به توسعهٔ کار های خود در قسمت شهر سازی در نظر دارد. میتوان گفت که این شرکت نیز از لحاظ اینکه سبك تعمیر را در مملکت اصلاح و دامنهٔ آبادیها را توسعه میدهد و نیز در تهیهٔ مصالح تعمیریه مساعدت کرده ، تسهیلات زیادی فراهم میسازد، یکی ازموسسات مهم ومفید وطن عزیز شناخته شده ، آیندهٔ خوبیرا برای خود ونیز برای بهبودمملکت در پیش دارد .

٤ ــ شرکت ارزاق :

بدیهی است هر قدر در یك مملکت و یا در یك شهر نفوس

زیاد میشود (البته از دیاد نفوس نماینده ترقی و آبادی هر مملکت و هر شهر میباشد) بهمان اندازه موضوع تهیه و تکافوی ارزاق دران، کسب اهمیت کرده، اگر برای تدارک آذوقه اقدامات صحیح کرده نشود برای اهالی از سبب عدم کفایت ارزاق مشکلات زیادی پیش میشود .

همینست که هر قدر شهر کابل که پای تخت مملکت و مرکز رجوع عمومی می باشد، از حیث نفوس و آبادی ترقی کرده، به همان اندازه آذوقه رو به قلت و گرانی گذاشته - پس باین لحاظ بود که در اواسط سال ۱۳۱۶ درموقع تشکیل جدید ریاست بلدیهٔ کابل، موضوع آذوقه و ارزاق نیز مورد توجهٔ مخصوص اولیای امور قرار گرفته برای چاره جوئی قطعی مشکلات ارزاق شرکتی بنام (شرکت ارزاق) درکابل تاسیس وسرمایهٔ ابتدائی آن سه میلیون (۳،۰۰۰،۰۰۰) افغانی قرارداده شده. چنانچه رئیس این شرکت جناب عبدالرشید خان تاجر کابل (از جملهٔ شرکاء) انتخاب و شرکت موصوف در نظر دارد که از یك طرف آذوقهٔ خورا که وغیره‌را از نقاطیکه دران وفور دارد، بمرکز وارد و بالمقابل در نقاط مذکور اموال واردا تی را برده به معامله داران خویش بفروش برساند تا برای هر دو طرف از سبب مبادلهٔ جنس با جنس فائده برسد .

از آنجائیکه مسئلهٔ قلت و بی انتظامی ارزاق در پای تخت خیلی ناموزون واسباب نقصان عمومی بود ونیز ازین جهت که اکنون معامله داران اطرافی شرکت ارزاق، اموال وارداتی خویش را توسط شرکت بشرایط آسان تری دستیاب کرده میتوانند، بنا برین

جهات شرکت ارزاق را میتوان در جملهٔ مؤسسات مفیدهٔ جدید مملکت شمار کرد .

نهضت حمل ونقل :

یکی از لوازم درجهٔ اول پیشرفت وترقی یك مملکت همانا وسائل حمل و نقل بوده و وسائل حمل و نقل نیز اولاً بسته بوجود راه های شوسه وخطوط آهن وغیره خطوط ارتباطیه میباشد که بهرسمت مملکت وتا سرحدات خارجه امتداد داشته باشد و بوسیلهٔ آن اموال تجارتی و مسافرین و سیاحین و مخابرات بکمال اطمینان و سرعت ارسال و مرسول شده ، سلسلهٔ روابط معاشرتی ومدنی بصورت صحیح جریان داشته باشد . افغانستان ما که از سبب کوهستانی بودن خود و بعضی عوامل دیگر تا مدتهای درازی ازداشتن خطوط سرك وغیره لوازم حمل ونقل عصری محروم بود ، خوش بختانه درعصر فرخندهٔ نادر شاهی و ظاهرشاهی باثر جدیت زیادیکه ازطرف اولیای امور نسبت بهتمدید سرك‌ها بهرسمت مملکت وربط دادن ولایات و محالات خورد وبزرگ بایك دیگر و بامرکز ، بعمل آمده ، دارای یك سلسلهٔ خطوط موتر رو زیادی شده که امروز بواسطهٔ آن تمام ولایات و تقریباً تمام حکومات محلی وبسیاری ازعلاقه داریها بایکدیگر و به سلسله بامرکز مهمه و همچنان با پایتخت مربوط گردیده است . و طبیعی است که وجود همین جاده ها (اگرچه تمام آنها اساسی گفته نمیشود) نه تنها دراتساع تجارت و روابط مدنیه بلکه در تحکیم بنیان امنیت و حسن اداره و بالجمله در ترقی عمومی مملکت عامل نهایت مهمی ثابت گردیده است . البته که این خطوط سرك موتر رو برای احقیا جات

آیندهٔ ما کفایت نکرده ، ازیك طرف توسعه و پخته کاری سرك های موتر رو ، واز طرف دیگر تمدید خطوط آهن لازم میباشد ، چنانچه برای این هر دو موضوع از حالا ترتیبات لازمه گرفته شده و درعین حالیکه شوسه های معتبر تجارتی مثل سرك کابل - پشاور پخته کاری میشود ، موضوع احداث خطوط آهن نیز زیر بحث بوده ، حکومت متبوعهٔ ما اراده دارد که ازطریقی که مطابق مصالح سیاسی واقتصادی وطن باشد ، بتمدید خطوط آهن اقدام ورزد . اما برای وقت حاضر که از سبب توسعهٔ معاملات ، موضوع حمل و نقل خیلی کسب اهمیت نموده ، برای رفع حوائج تجارتی و غیره به یك اقدام بسیار مفیدی که عبارت ازتاسیس یك ادارهٔ عمومی حمل و نقل وخریداری (۳۵۰) عراده موتر بار کشی بزرگ باشد ، تشبث ورزیده چنانچه تاکنون تعداد زیاد موترهای مذکور از کار خانهٔ (بد فورد) امریکائی وارد ودر ساختن بدنهٔ آن نیز طوری ترتیب گرفته شده که بارهای کلان آزادانه دران حمل و نقل شده بتوانند و از خطرات شکستن و چپه شدن نیز تا اندازهٔ زیاد محفوظ باشد . از طرف دیگر برای این تعداد موترها در مرکز ساختمان موتر خانهای بزرگ عصری در نظر گرفته شده که عموماً در حوالی قریب شهر کابل تعمیر میشود و حالیه کار تعمیرات مذکور جریان دارد .

همچنین برای موتر های مذکور تهیهٔ موتر رانهای لایق و عملهٔ لازمه و کار خانهٔ ترمیم و بسته کاری تحت توجه قرار داده شده و برای این مقصود مکتب موتر رانی و فابریکهٔ ترمیم موتر وسعت زیاد داده شده است و بالاخره از طرف هم برای اصلاح سرکها اقدامات زیادی بعمل آمده و چنان ترتیب گرفته شده است که سرکهای مهم

حتی‌المقدور بوسائل ممکنه پخته کاری شود چنانچه جهت این منظور کار سنگ انداختن و فرش جغله و ریگ در تمام سرکهای عمومی آغاز گردیده است. ازین رو میشود ادعا کرد که ازحالا موضوع حمل و نقل که بقرار تشریحات فوق اساس هر قسم پیشرفت و ترقی را تشکیل میدهد، داخل یك نهضت جدیدی شده است که میتوان گفت آیندهٔ درخشانی را در بر دارد.

سرك بدخشان:

علاقهٔ بدخشان که یکی از علاقه جات مهم و شاداب و حاصلخیز و پر ثروت حصص شمالی افغانستان و از روی تقسیمات ملکیه یگانه حکومت کلان ولایت قطغن و بدخشان میباشد، بسبب کوهستانی بودن از مدتها جادهٔ صحیحی که این علاقه را با مرکز ولایت (خان آباد) و باقی حصص افغانستان و بسلسله بمرکز کابل اتصال بدهد، وجود نداشته بنابران ۳ سال پیش حکومت متبوعه احداث یك سرك موتر رو عصری را از خان آباد تا فیض آباد (مرکز حکومت کلان بدخشان) و از آنجا به حصص سرحدی و علاقه جات دور دست نواح مذکور، تصمیم نموده، درین سه‌سال بتوجه‌جدیانهٔ و، ج شیرمحمدخان نائب الحکومهٔ قطغن کار احداث سرك مذکور که پر از کوتل ها و سنگلاخ های وغیره موانع طبیعه میباشد، بجدیت‌تمام جریان داشته، خوشبختانه درسال ۱۳۱۶ سرك به فیض آباد وصل و در ماه اسد با تشریفات بلندی از طرف ع، ج سردار محمد نعیم خان وزیرمعارف افتتاح گردید. وبلافاصله کار امتداد آن بسوی پامیرات وغیره‌نواحی بدخشان آغاز یافت.

این سرك از خان آباد تافیض آباد بجمو عاً (۱۱۰) کیلومتر طول دارد و یکی از مهمترین جاده های افغانستان است که علاوه بر ارتباط صحیح که از وجود آن مابین بدخشان و سائر مراکز افغانستان ، ایجاد شده ، از نقطهٔ نظر اقتصادی نیز برای پیشرفتهای زراعتی و تجارتی آن حصص و بلکه اکثر نقاط ولایات شمالی ، امداد شایانی میرساند

سرك تگاب :

علاقهٔ نجراب و تگاب که در سمت شمالی کابل واقع و از یك طرف باراه های ولایت شمالی و از جانب دیگر باجادهٔ سمت مشرقی (که بطرف هند میرود و راه تجارتی مهم افغانستان محسوب میگردد) اتصال دارد ، دارای کوهستانات دشوار گذاری بوده و با وجود نزدیکی بمرکز و اهمیت اقتصادی که داشت از دور افتاده ترین حصص مملکت بشمار میرفت . تا آنکه در سال اول زمامداری اعلیحضرت همایونی برای احداث یك سرك موتر رو از راه چاریکار تا مرکز نجراب و تگاب و بعد اتصال آن با سرك سمت مشرقی عملیات ساختمانی آغاز گردیده ، سرك مذکور که احداث آن عملیات مشکلهٔ سرفنگ پرانی وپل سازی و غیره را ایجاب میکرد ، دراخیر سال ۱۳۱۵ بمرکز تگاب اتصال یافته و اکنون نزدیك است که باسرك مشرقی اتصال پیدا کند .

احداث این سرك علاوه ازانکه دو علاقهٔ خیلی مهم را بمرکز مربوط وراه رفت و آمدموتررابآن باز میسازد ، از نقطهٔ نظر اینکه پس ازاتصال یافتن سرك مذکور باسرك مشرقی ، مال‌التجارهٔ ولایات

شمالی ازراه مذکور راسابطرف خارج صادر و در مسافت‌طی کردنی در حدود هفتاد (۷۰) کیلومتر تقلیل بهم رسیده موجبات فائدهٔ موتر دارها و تجاروهم اسباب زود رسیدن اموال را فراهم خواهد ساخت ، بیشتر حائز اهمیت میباشد . سرك تگاب روی هم رفته از گلبهار تاسر کنر تگاب (٦٠) کیلومتر و از تگاب تا سرك مشرقی (۳٦) کیلومتر طول دارد .

تاسیس کارخانه جات :

یکی ازمرام های خیلی مهم حکومت‌متبوعه درقسمت اموراقتصادی تسیس و تدویر کار خانه جات است تا روز بروز احتیا جات صنعتی ما از خارج کم شده رفته از مواد خام پیدا وار مملکت رفع احتیاج بشود . چنانچه درین چند سال یك تعداد زیاد کار خانه جات مختلفه خریداری ودایر شده است . بهمین سلسله چند کارخانهٔ ذیل درسال ۱۳۱٦ دایر و افتتاح گردیده :

۱ــ کار خانهٔ ساختمان پنبهٔ هیدروفیل :

که برای شفاخانه هاوغیره مؤسسات فنی پنبهٔ مخصوص را تهیه میکنند و در جبل‌السراج بجوار فابریکهٔ نختابی در شرف تدویر است.

۲ــ دستگاه های پاك کردن وعدل بندی وروغن کشی پنبه:

که‌ازطرف شرکت انحادیهٔ شمالی درنقاط مختلفهٔ قطغن دایر شده است.

۳ــ مطبعهٔ جدید :

که دارای تمام لوازم طباعتی عصری وازجدید ترین سیستم ها بوده و اکنون بکلی جریان یافته است .

٤ــ مطبعهٔ جدید درهرات :

که از طرف جناب دوست محمد خان ایماق معاون بانك ملی تاسیس وبتازگی شروع بکار نموده است.

٥ــ کارخانهٔ ترمیم موتر شرکت اسهامی :

که دارای تمام لوازم ترمیمیه و بسته کاری بوده و درین سال آغاز بکار نموده است .

علاوه برین ، طوریکه اطلاع گرفته ایم در جریان این سال کار خانهٔ بزرگ نساجی (دارای ۲۰۰۰ دستگاه برقی) و کارخانهٔ بزرگ قند سازی (از لبلبو) و کار خانهٔ بزرگ سمنت سازی و مرکز رادیو ودستگاه معالجات برقی وفابریکهٔ ۳۰۰۰ کیلواتهٔ برق خریداری شده است که عنقریب وارد ونصب وتا چندی بکار انداخته خواهد شد چنانچه از طرف دیگر کار تعمیر و سائر ترتیبات این کار خانه جات جدیده قیلا آغاز شده است .

٦ــ دستگاه بیسیم میمنه ودایزنگی :

که اگر چه درقطار کارخانه جات نیست ، اما بازهم ازنقطهٔ نظر اهمیت خود درینجا ذکر گردید . علاوه برین دستگاه بزرگ بیسیم که با تمام دنیا مخابره کرده میتواند در کابل در شرف نصب میباشد .

ترقی تجارت :

یکی دیگر از مظاهر پیشرفت اقتصادی وطن در سال ۱۳۱٦ همانا ترقی تجارت است که نسبت به سال قبل بلکه نسبت به سالهای

گذشته رو بترقی بوده ، اگر به احصائیهٔ تجارتی نظر انداخته شود درین سال مجموع میزانیهٔ تجارتی «صادرات و واردات» باوجود بحران مواد خام وغیره عوامل ناگواریکه دربرابر تجارت بین المللی در دنیا رخ داده است . نسبت به سال ۱۳۱۵ فیصد (۵) اضافه‌تر است که این بذات خودیك دلیل محکمی است برای ادعای اینکه اوضاع اقتصادی افغانستان رو به بهبود میباشد .

همچنین عایدات دولت روی همرفته نسبت بسال ۱۳۱۵ فیصد(۲) اضافه‌تر بوده ، بنابراین دودلیل فوق میتوان گفت که اوضاع معیشت ملی نیز در حال ترقی میباشد .

❀ ❀ ❀

این بود خلاصهٔ اقدامات بر جستهٔ اقتصادی که درسال ۱۳۱۶ درتحت توجهات قیمت داراعلیحضرت معظم همایونی، بمساعدت وهمکاری حکومت و ملت ، صورت اجراء بخود گرفته و از روی آن میتوان امیدوار شد که وطن عزیزما از جنبهٔ اقتصادی نیز داخل یك دورهٔ نهضت ارتقائی صحیح و سریعی بوده گامهای بزرگی را بسوی پیشرفت اساسی میبر دارد .

« رشتیا »



مطبعه در افغانستان

بقلم جناب احمد الله خان «کریمی» عضو انجمن

مطبعه یکی از رؤس عوامل مدنیت و یکی از بزرگترین وسائل تعمیم و اشاعهٔ علم و عرفان و افکار است. قبل از ایجاد مطبعه علوم وفنون و افکار به یکصورت نهایت بطی وبه یك مقیاس خیلی محدودی انتشار یافته هرشخص نمیتوانست که بسهولت از نور معرفت مستفیض گردد و حتی از باعث فقدان کثرت آثار دران آوان علوم و فنون و معرفت را منحصر بفرد میتوان خواند. وقتا که دراثر مساعی قیمند ارموجد شهیر آلمان (گوتمبرگ) مطبعه ایجاد ودر اثر توجهات یکرخاد مان بشر ترقی وتعمیم یافت، نظر بدرجهٔ ترقی وتوسعهٔ آن علم وعرفان هم ازخصوصیت و حوزه های خیلی محدود خود بدر شده بالاخره عالم شمول شد. امروز مطبعه علاوه ازینکه وسیلهٔ مهم تعمیم معارف و اشاعهٔ افکار و نظریات است درسایهٔ ظرافت و نفاست طبع و قشنگی گراورهای خود بهترین تازیانهٔ شوق هم میباشد. خلاصه مطبعه سر چشمهٔ معرفت و یکی از وسائل مهمهٔ ناقل مدنیت است.

در افغانستان مطبعه ابتدا در زمان امیر شیر علیخان مرحوم قدم گذاشته آهسته آهسته بوسعت وترقی خود کمیتاً و کیفیتاً افزوده رفت. دران وقت مطبعه عبارت ازیك ماشین (یه رس) مانندوبعضی ادوات ساده وبسیط لیتوگرافی چاپ «سنگی» بود که بذریعهٔ آن اخباری به اسم

شمس‌النهار بابعضی ازتکت های پسته وچندکتاب دران بطبع رسیده، درعصرامیر عبدالرحمن خان این مطبعه کمی وسعت یافته صکوکات دولتی بابعضی اعلانات و کتابها چاپ شد. درزمان امیرحبیب‌الله خان هم ازنقطهٔ نظر فزونی ماشین‌ها وهم ازباعث تحریك آن بذریعهٔ قوت بخار بهیك صورت‌خوبتری ترقی‌نمود لیك باوجوداین‌تااواخر ۱۲۹۰ش تماماً لیتوگرافی چاپ سنگی بود دراوایل ۱۲۹۱ش لوازم تیپوگرافی (چاپ حروفی) که ماشین آن بذریعهٔ قوهٔ بخارحرکت میکرد بادستگاه بسیط زینکو گرافی، جدیداً خواسته شده سراج الاخبار وصکوکات بابعضی آثار دران‌طبع گردید. اخیراً یك مطبعهٔ تیپوگرافی خیلی بسیط وکوچك دیگری بنام مطبعهٔ عنایت که تقریبا شخصی بود هم بوجود آمد. درعصر امانیه مطبعهٔ عنایت بامطبعهٔ بسیط وکوچك دولتی ضم و چند پایه ماشین دیگرجدیداً ازقسم حروفی به آن علاوه گردید وضمناً دربعضی ولایات مطابع بسیار بسیط و کوچکی جهة نشر جرائد و بعضی امور ضروریه که هرکدام دارای یك یك پایه ماشین مودل سابقه بود بوجود آمد. درزمان منجی افغانستان اعلیحضرت نادرشاه فقید (رح) علاوه ازینکه خساره‌هاوشکست‌وریخت زمان انقلاب تلافی ونواقص سابقه تکمیل گردید عمارت مطبعه بهیك صورت خوبی توسیع یافته تمام مطابع مرکزبه استثنای مطابع شخصی تحت یك ریاست جمع و دو پایه ماشین جدید برقی لیتوگرافی‌ویك‌پایه‌ماشین مودل جدید« آفسیت »بایك تعداد لوازم ضروری دیگرمثل کامره وچراغ زینکوگرافی حروفهای فارسی، لاتینی پشتو وغیره سامان‌تورید گردیدضمناً به تعداد مرتبین وماشین کارهای مطبعهٔ عمومی‌هم افزوده شد خلاصه در زمان اعلیحضرت نادر شاه باوجود مدت

اندك ومشاغل به سائر امور مهمه ، مطبعه نسبت بدوره های سابق نظم و نسق خوبی پیدا نمود . در زمان سعادت اقتران اعلیحضرت جوان المتوکل علی الله که حوزهٔ نشریات و سعت یافت حسب ارادهٔ سنیهٔ همایونی ع ، ص عبدالحمید خان رئیس مطابع جهة توریدیك تعداد ماشینهای زیاد متنوع عصری برای مطبعهٔ عمومی به اروپا اعزام گردیده مشارالیه یك تعداد ماشین‌های زیادرا ازبهترین وجدید ترین ماشینهای اروپا که تفصیل آن در ضمن عناوین خصوصی درج است توریدنمود . اینك بذریعهٔ همین ماشین ها و لوازم جدید و عصریست که در نفاست و زیبائی طبع حروف و عکس ها و بانك نوتها و صکوکات و سرعت کار و غیره امور طباعتی تطور عظیمی رخداده . مابرای اینکه دائر به نهضت طباعتی افغانستان معلومات تقدیم علاقمندان کرده باشیم مطبعهٔ عمومی افغانستان را که نسبت بدیگر مطابع این مرزبوم از هر حیث بزرگ و دارای اهمیت و قیمت خاص و مقام خیلی ممتاز است مطرح بحث اجمالی خویش قرار میدهیم :

عمارت مطبعهٔ عمومی :

عمارت این مطبعه دریکی ازمواضع بهترین کابل بجوارشمالی باغ ارگ واقع است. نخست این عمارت گرچه محدود و کوچك بود لیك در سایهٔ توجهات قیمتدار عرفان پرورانهٔ اعلیحضرت فقید شهید (نادرشاه جنت‌مکان) واهتمامات معارف‌خواهانهٔ پادشاه‌فهیم‌وجوان‌المتوکل‌علی‌الله متدرجاً بزرگ واصلاح شده رفت . فعلا عمارت آن بروی (۱۰) جریب «سه‌ونیم هکتار» زمین به یك‌صورت قشنگ ومتین استوار بوده بخوبی توانسته‌که صدها ماشین وچندین‌صدنفرعمله وفعله را درخود بگنجاند.

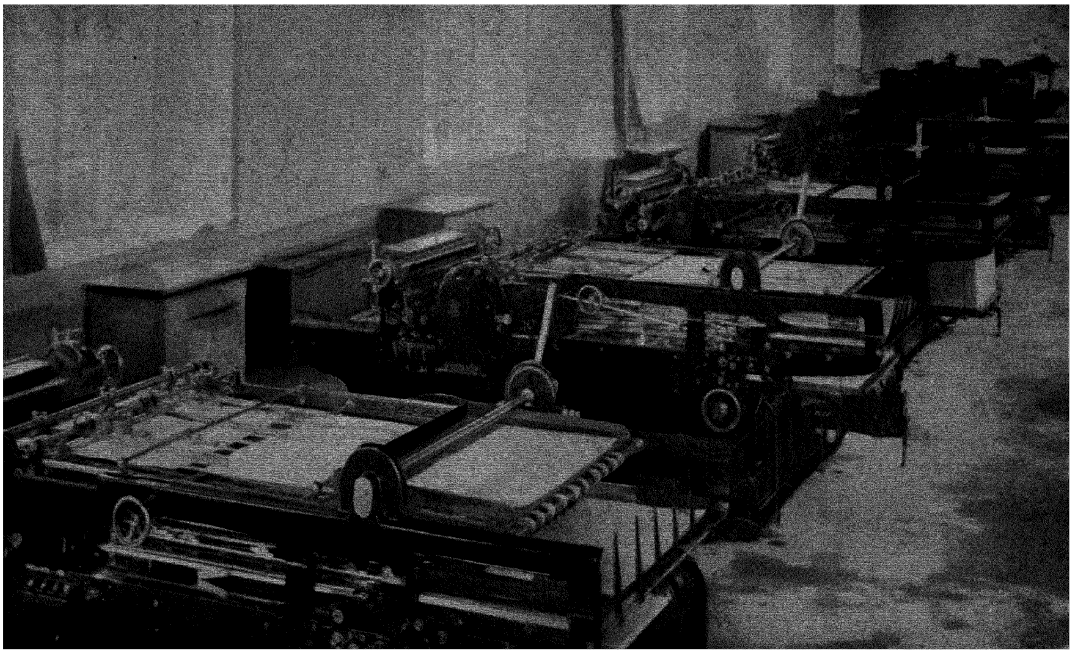

مطبعهٔ جدید کابل . کار خانهٔ طبع حروف وماشین های اتوماتیك « گودرون » و « استرا »

Nouvelle imprimerie de Kaboul . vue générale des machines de type Gudrun et Astra

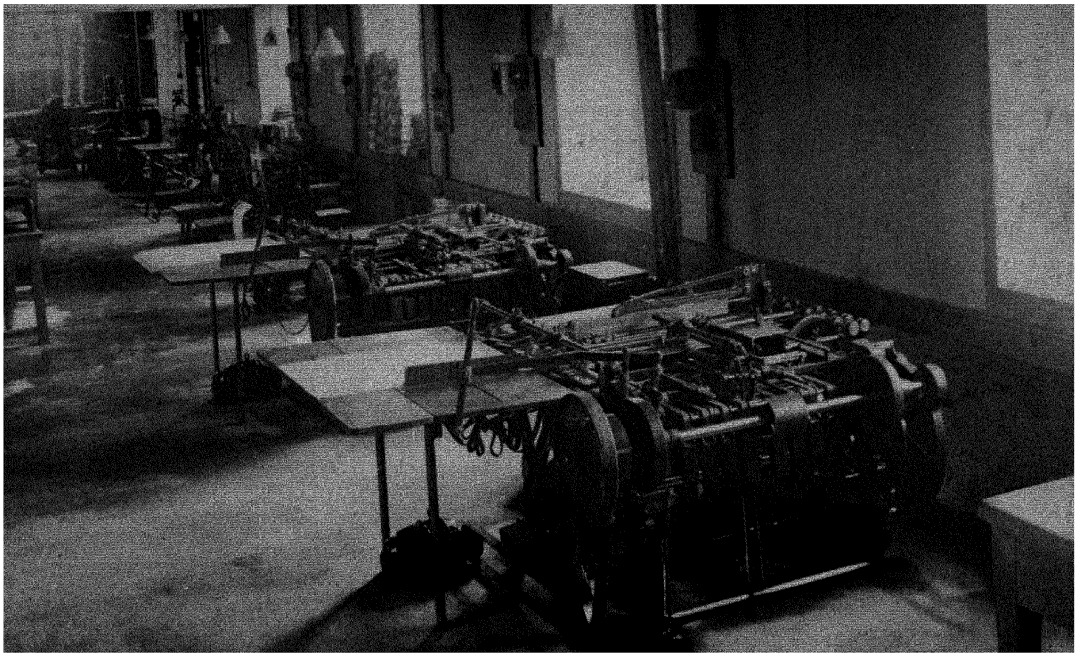

مطبعه جدید کابل ؛ ماشین های اتوماتیك صحافی ؛ قات کاری ، دوخت ، حرسدی و غیره در کار خانهٔ صحافی
Nouvelle imprimerie de **Kaboul**. une vue des machines de reliure

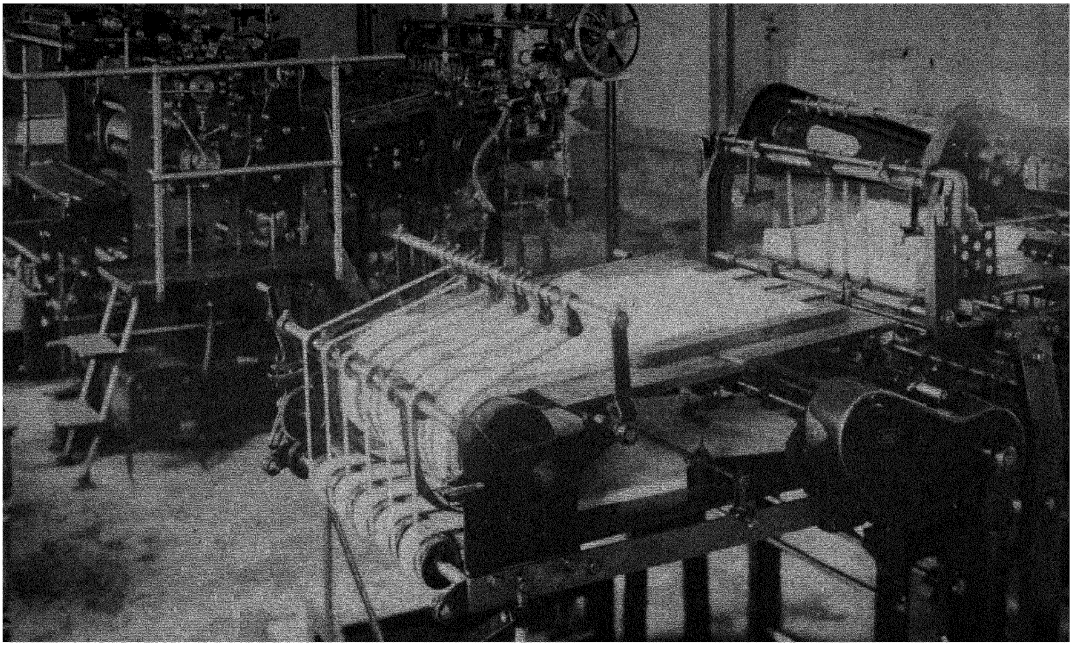

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های افسٹ که از روی جست تصاویر ومضامین را چاپ میکند
Nouvelle imprimerie de Kaboul vue generale des machines de type Offset

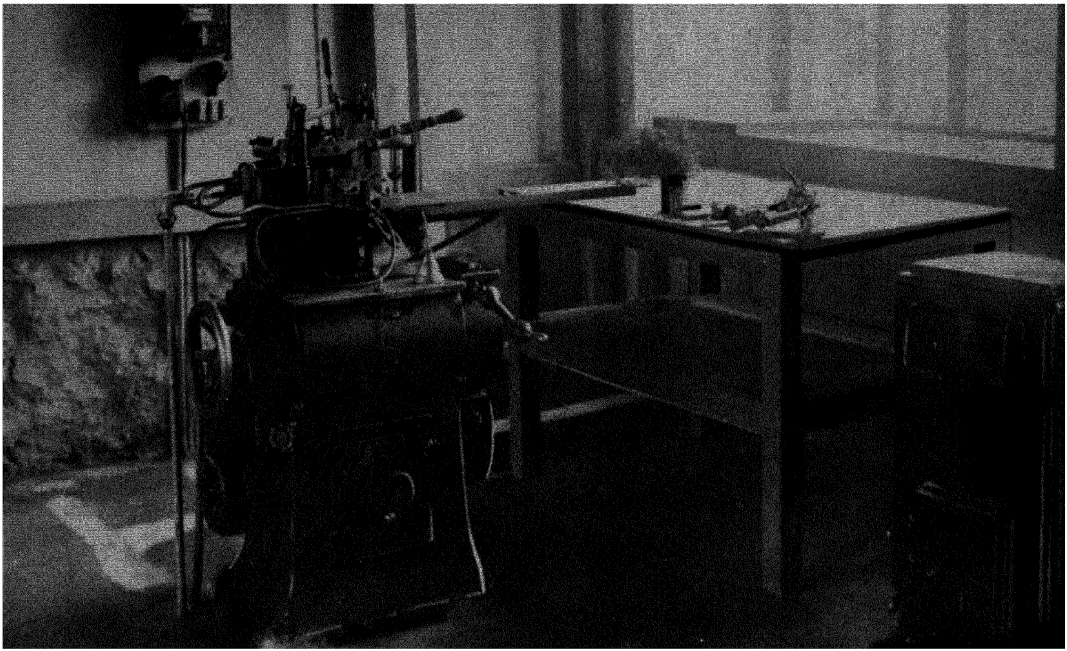

مطبعهٔ جدید کابل یك قسمت از کار خانهٔ ریکوگرافی و ماشین های مربوطهٔ آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul une partie des ateliers de typographie

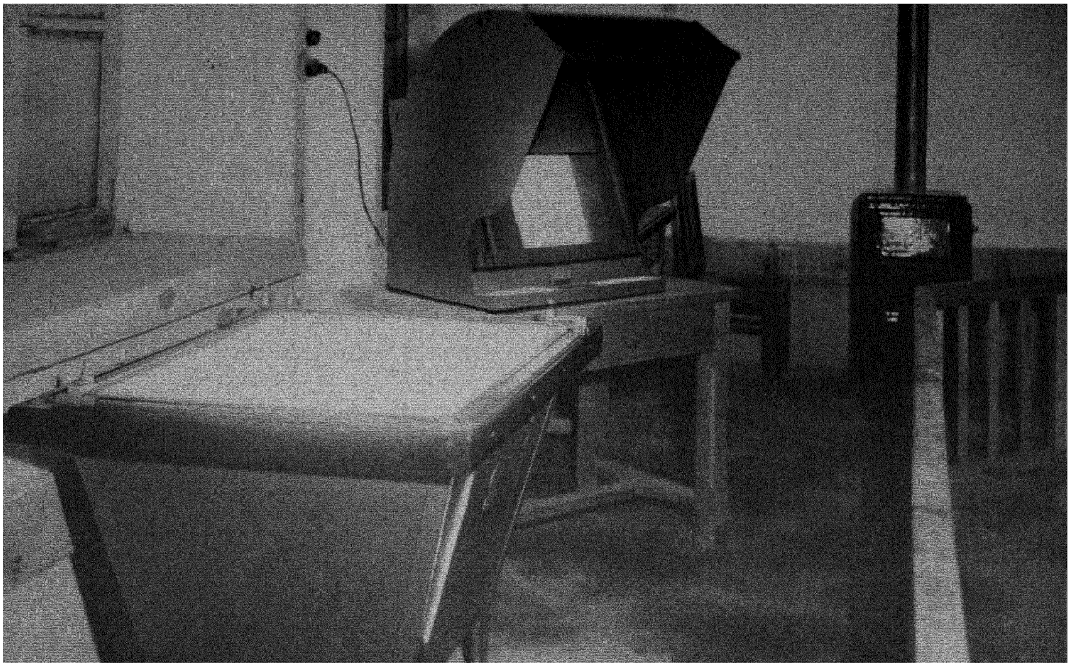

مطبعه جدید کابل کنار خانهٔ ضع روی چست وماشین های مربوطهٔ آن

Nouvelle imprimerie de Kaboul l'atelier de reproduction sur les plaques de zinc

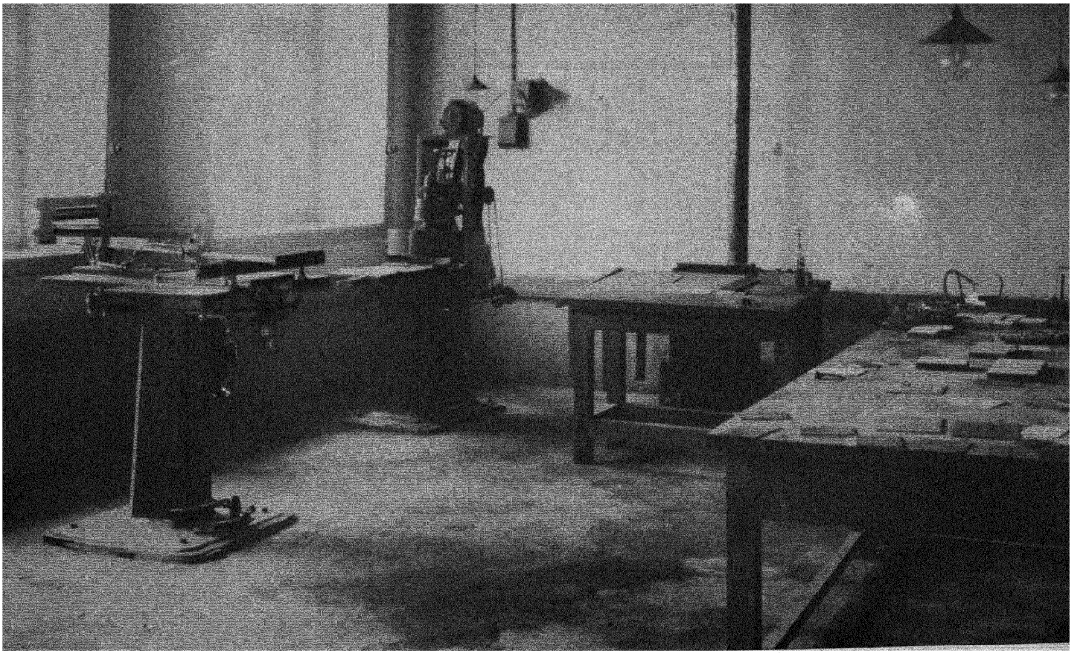

مطبعهٔ جدید کامل : یك گوشهٔ کارخانهٔ کلیشه ساری و ماشین های مربوطهٔ آن
Imprimerie moderne à Kaboul : l'atelier de préparation des clichés

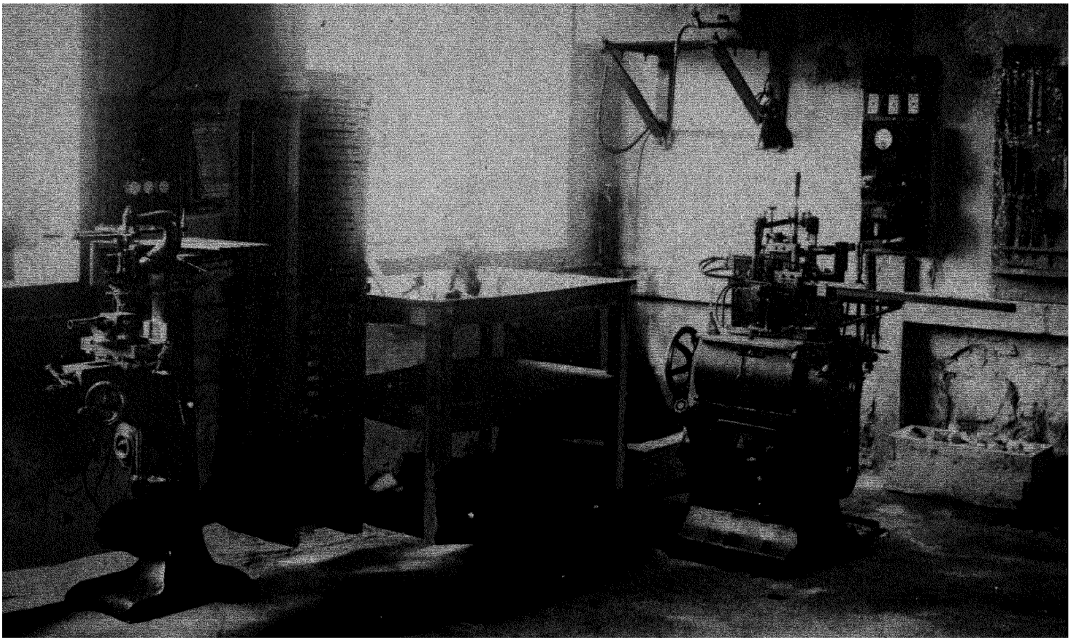

مطبعهٔ جدید کابل یك قسمت ارکان خانهٔ تیپوگرافی و ماشین های مربوطهٔ آن
Nouvelle imprimerie de Kaboul une partie des ateliers de typographie



مطبعهٔ جدید کابل یك قسمت از کارخانهٔ زنکو گرافی و ماشین های مربوطهٔ آن

Nouvelle imprimerie de Kaboul une partie des ateliers de zincographie

حروف چینی :

حروف چینی بذریعهٔ یك تعداد حوانهای با سواد که بصورت خوبی درین کار کسب مهارت نموده اند توسط دست اجرا میگردد درشعبات حروف چینی برای هر شخص میزهای مخصوصی بصورت جدا جدا وجود دارد . جهة اخذ پروف سه پایه ماشین از سیستم های جدید فابریکهٔ (هوگن فورست) که درین تازگی وارد شده و ۲ پایه ماشین ازسیستمهای سابقه باندازههای مختلف موجود است .

شعبهٔ طبع حروفی :

برای طبع حروفی نخست دوقسم ماشین وجود دارد ، ماشینهای سیستم جدید وماشینهای سیستم سابقه . ماشین های سیستم جدید که درین تازگیها وارد شده بدینقرار است :

(۱) ـ ماشین های مودل ۱۹۳۶ ساخت فابریکهٔ مشهور آلمان (اروکشرو) ؛ (ویکتوریا فروند گدرون) که تماماً اتومات (عامل بالذات) و دارای وسعت کاری میباشد جهة طبع صحایف بزرگ با لوازم و موتر برق (۵) پایه .

(۲) ماشین ساخت فابریکهٔ (ویکتوریا استرا) کاملاً عامل بالذات باموتر برق و سائر لوازم (۳) پایه .

(۳) ـ ماشین پولی ساخت فابریکهٔ م ـ آ ـ ن ـ کارخانه ماشین سازی اوگس بورك نورن برگ کاملاً اوتومات (عامل بالذات) (۲) پایه .

(٤) ـ ماشین (انومان) ٦١ در ٨٥ سانتی اندازهٔ طبع تماماً عامل با لذات (۲) پایه .

(۵) ـ ماشین « ترنو » کامل عامل بالذات ۷۰ در ۱۰۰ سانتی اندازهٔ طبع (۱) پایه .
(٦) ماشین « تیگل » تماماعامل بالذات ازفابریکهٔ (جونبورك) (۱) پایه .
(۷) ماشین « برونزیر » برای زدن بوك (حل طلامانند) برروی کاغذ تماماعامل بالذات باموتر برق ازمودل جدیدازفابریکهٔ (گراوز)(۱) پایه .
(۸) ماشین ساختن و ریختن رولهای جلاتینی (۱) پایه .

ماشین های سابقه :

(۱) ماشین برقی خورد و کلان حروفی از مودلهای سابقه که ازعرصهٔ چندین سال است که کار میدهد (٤) پایه .
(۲) ماشین پایه‌کی خورد ووسط ازمودلهای سابقه (۱۰) پایه .

شعبهٔ آفزیت وام درولك :

ماشین های بکلی جدید که درهمین نزدیکی ها وارد شده :

(۱) ماشین (رولندآفزیت)نمبر۳ ازفابریکهٔ (فابر وانید شلایشر) آلمان (۱) پایه .
(۲) ماشین (کلای نودآفزیت) ازفابریکهٔ (پلانبتا) که توسط آن اقسام نوشته جات وتصاویر وجداول ونقشه ها به الوان مختلفه وساده بانفاست مخصوصی طبع میشود (۱) پایه .
(۳) ماشین کلیی برای جستهای آفزیت باموتر برق و سامان لازمه از مودل جدید فابریکهٔ (کلمش) (۲) پایه .
(٤) ـ ماشین (آف سیاپریش) جهته کلیی او رگنیل گرفتن از فابریکهٔ (گراوز) (۱) پایه .

(۵) ـ ماشین پوش کردن رو لهای آفزیت مکمل اسباب ازفابریکهٔ « کلمش » (۱) پایه .
(٦) ـ ماشین حل کردن رنگ بامو تر برق مکمل اسباب از فابریکهٔ (هوگن فورست) (۱) پایه .
(۷) ماشین صاف کردن جستهای آفزیت باموتر برق و سامان لازمه از فابریکهٔ کلمش (۲) پایه .
(۸) ماشین صاف کردن پلیت های المونیمی و سنگ های طبع از فابریکهٔ (گلوتسر) (۲) پایه
(۹) ماشین‌های شستن رولهای آفزیت و ماشینهای (بوکدروك) کامل عامل بالذات باموتر برق (۲) پایه .

ماشین های سابقه :

در اوایل سلطنت اعلیحضرت نادرشاه فقید شهید یك عدد ما شین آفزیت برقی کلان از فابریکهٔ (کلاه ینوی آلمان) بایك ما شین بر قی صاف کردن پلیت های المونیم در مطبعه نصب و بکار افتیده که حاضراً نیزازان به بسیار خوبی کار گرفته میشود .

زنکوگرافی :

ماشین ها و آلات زنکوگرافی هم به دوتفریق است ماشین ها و آلات مودل جدیدکه درین تازگی‌ها واردشده وماشین‌وآلات سابقه .

ماشین های مودل جدید :

(۱) کمرهٔ (اتوورتیکال) برای عکاسی زنکوگرافی از نوع و مودل جدید از فابریکهٔ (هوهانن) یك عدد .
(۲) ماشین (آیرو گراف) مکمل باموتر برق از مودل جدید ازفابریکهٔهوهانن‌جهة کارهای رسمی ورتوش (۱) پایه .

(۳) ماشین آتسه کاری کلیشه های زنکو گراف مکمل اسباب باموتر برق از فابریکهٔ (هوهانن) (۱۰) پایه .

(٤) ماشین ترنت برای شیکبال دادن کلیشه ها از فابریکهٔ کلمش (۲) پایه .

(٥) ماشین کایی برای کلیشهٔ زنکو گرافی از مودل جدید بابعه وچراغهای برقی کار بونی از فابریکهٔ (هوهانن) (۱) پایه .

(٦) ماشین (ردو کسیون) برای انلارج نقشه ها و کلیشه ها مکمل اسباب ، ساخت فرانسه (۱) پایه .

(۷) ماشین برش جست های زنکو گرافی برای کلیشه سازی از نوع اعلی باموتر برق ازفابریکهٔ هوگن فورس (۱) پایه .

(۸) ماشین رو تنگ برای کندن و خالی کردن کلیشه های زنکوگراف باموتر برق و سامان لازمه (۱) پایه .

(۹) ماشین صاف کردن تخته های جوبی و فلزی جهة نصب کلیشه هاازفابریکهٔ (هوگن‌فورست) باموتر برق (۱) پایه .

(۱۰) میز های ممتاش برای درست کردن قلمها که ذریعهٔ چراغ برق روشن میشود از فابریکهٔ (هوهانن) (۲) پایه .

(۱۱) رو براتهای رتوش از قسم اعلی از فابریکهٔ (هوهانن) (۲) پایه .

(۱۲) کمرهٔ عکاسی رنگه که ذریعهٔ آن عکسهای رنگه گرفته میشود از مودل جدید فابریکه (بریم فون) (۱) پایه .

(۱۳) کمرهٔ انلارج ازمودل جدید ازقسم اعلی (۱) پایه .

دستگاه زنگوگرافی سابق :

دستگاه زنگوگرافی سابق بسیط بوده عبارت از یك کامرهٔ زنگوگرافی و بعضی سامان ساده مثل چراغهای برقی کار بونی و غیره میباشد قبل از ورود ماشین های جدید اکثر کار زنگوگرافی بذریعهٔ دست اجرا میشد .

هیوگیولوشی سازی وگراور:

برای ساخت نوتها وچك‌ها وتهیهٔ هرنوع خطوط‌مسلسل تلافیف وتعاریخ دار وتحریر برجسته ونقر اشکال مختلفه در روی مس ، فولاد جسته ، شیشه وغیره بقسم برجسته وهموار ، ماشین های تماماً اتوماتیك جدید درهمین نزدیکی‌ها توریدشده که‌در راه یك‌قسم مهم‌حوائج مملکتی خدمت شایانی مینماید . تعداد ماشین های عمدهٔ آن قرارذیل است :

(۱) ماشین خیلی ذیقمت گیوگیولوشی سازی ساخت فابریکهٔ نذرنای استرایا ، بکلی اتومات (عامل بالذات) از بهترین وجدید ترین مودلهای دنیا ، باموتر برق ولوازمات . این ماشین جهة هرنوع گراور گیولوشی سازی برمس ، فولاد ، شیشه ، سنگ وغیره کار داده ازبهترین وجدیدترین ماشین‌های گیولوشی سازی دنیا است تا کنون در تمام دنیا۱۲ عدد ازان‌وجود دارد واین ماشین‌سیز ده‌هم است‌که‌درافغانستان آورده شده .

(۲) ماشین گراور برای ترسیم خطوط مستقیم ، متوازی ، منحنی ومنکسر و غیره اشکال هندسی بانك نوتها چك ها ، برشیشه وسنگ از فابریکهٔ مشهور (کلمش) یك پایه .

(۳) ماشین گراور برای ساختن گلهای گیو لوشی جهة بانك نوتها وچك ها غیره ازفابریکهٔ کامش (۱) پایه .

٤ ـ پنتو گراف جهة تصغیر وتکبیر تحریرات وغیره برروی کاغذ وغیره ازبهترین واعلی‌ترین مودل جدید ازفابریکهٔ (اتو) یك پایه .

٥ ـ کامرهٔ (روفرود کسیون) کامل اتومات با تمام لوازمات از مودل جدید رقم کلان برای ساخت هلیو گیولوشی‌ها هزرقم و تونها جهة استعمات چك‌ها واسناد بانکی . . . ازفابریکهٔ (هوهانن) یك پایه .

٦ـ ماشین گوبر دروك ازقسم اعلی برای چاپهای برجسته مکمل اسباب درفابریکهٔ هوگن فورست (۱) پایه .

۷ ـ ماشین های (پنتوگراف گراور) برای نقر وتهیه هر نوع کلیشه‌ها ازفولاد ، مس ، جست ، سنگ وغیره بقسم برجسته وهموار ازفابریکهٔ (دکل منشین) مودل ۱۹۳٦ ـ (۲) پایه .

صحافی :

قبل از توریدماشین‌های جدید ، صحافی باصول قدیم بود لیك حاضراً درسایهٔ ماشین های اتوماتیك جدید هرنوع امور صحافی بذریعهٔ ماشین اجرا میگردد . ماشینهای صحافی قرار ذیل است :

ماشینهای جدید :

ماشینهای برش کاغذ کامل اتومات ازاعلی ترین وبهترین مودل جدید از فابریکهٔ جونیورك (۲) پایه .

(۲) ماشین شبکه کردن کاغذ و تکت های پستی باموتر برق کامل اتومات ازمودل جدید از فابریکهٔ هوگن (۱) پایه .

(۳) ماشین‌های کاغذقاتی کامل اتومات از مودل جدید اندازهٔ سایز ۸۵ در ۱۱۶ از فابریکهٔ گوت برلین (۲) پایه .
(٤) ماشین های شیرازه بندی کامل اتومات اندازهٔ دوخت از ۵ الی ۳٦ سانتی از فابریکهٔ (گوت برلین) (۲) پایه .
(۵) ماشین ها ی دوخت سیم ، کامل اتومات باموتر برق از فابریکهٔ برلیسر (۲) پایه .
(٦) ماشین سرش‌زدن کاغذ کامل اتو ما ت ، سایز ٦۵ سانتی از فابریکهٔ (پر کما) یکپایه .
(۷) ماشین صاف کردن پشتی کتاب و غیره باموتر برق کامل اتومات اندازهٔ کلان ٦۰ سانتی از فابریکهٔ (پرکما) (۱) پایه .
۸) ماشین خط انداختن دوسیه ها وکتابها وغیره کامل اتومات با موتر برق از فابریکهٔ پر کما (۱) پایه .
(۹) ماشین پری گی پرس برای کار های برجسته مکمل اسباب از فابریکهٔ (گراوز) (۱) پایه .
(۱۰) ماشین تیز کردن تیغ های ماشین های برش کامل اتومات با موتر برق از فابریکهٔ (هوگن فورست) (۱) پایه .
(۱۱) ماشین برش وساخت پا کت های متنو ع از کا غذ از فابریکهٔ گراوز (۱) پایه .

ماشینهای سابقه :

قبل از توريد ماشين های جديد فو ق ا لذکر صحافی به اصول سابق بذريعهٔ دست اجرا ميشد تنها برای برش يك دانه ماشين برقی و۳ دانه ماشين پايه کی وجهت شبکه۳ پايه ماشين پايه کی ازسابق وجود داشت .

که فعلا درین مطبعه بیکار بوده ممکن درمطابع دیگر ازان کار بگیرند .

لیتو گرافی :

برای امور لیتو گرافی فعلاً ماشین ها ولوازم ذیل وجود دارد :

(۱) ماشین برقی سنگی ازقسم اعلی که در زمان اعلیحضرت فقید شهید خواسته شده (۲) پایه .

(۲) ماشین خورد وکلان دستی سنگی ارمودلهای سابقه (۵) پایه

(۳) ماشین چسپاندن کاپی برروی سنگ « « « (۱) پایه

فعلا درشعبهٔ لیتو گرافی تجددی خوبی دیده میشود لیك در نظر است که در آینده قریب دراین شعبهٔ مطبعه هم مثل دیگر شعب تطوری بوجود آید .

عمله وکار گرهای مطبعه :

درین مطبعه مرتبین وماشین کارها وکاپی نویس ها وغیره نفری که درشعب مختلفه یومیه مصروف کاراند عبارت از (۳۰۰) نفرمیباشد .

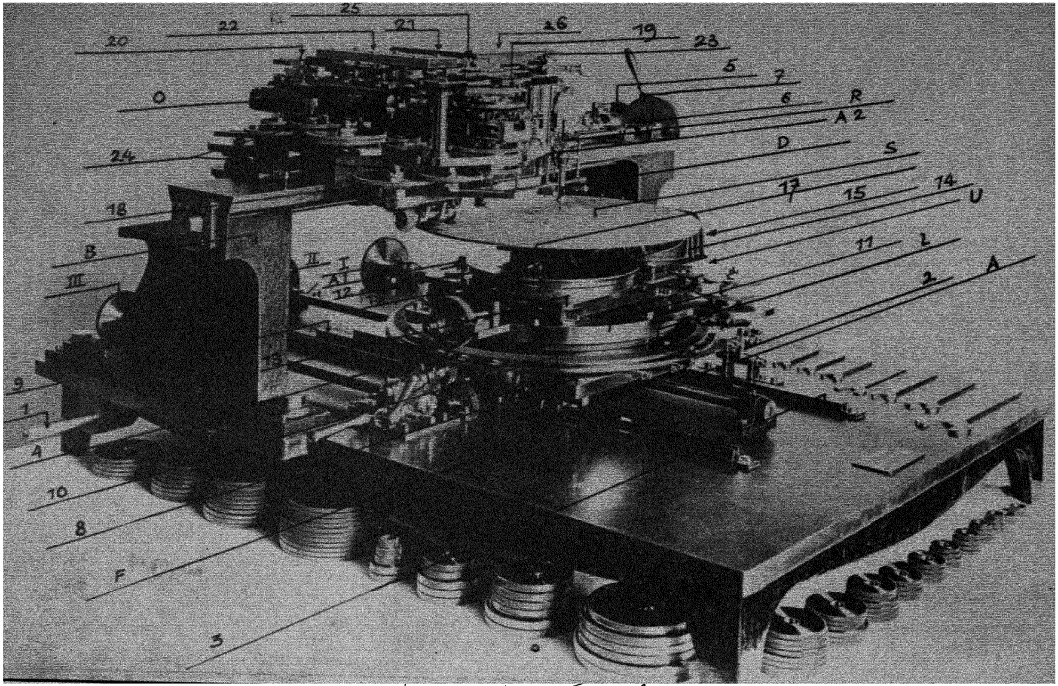

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین نوت ساری

Nouvelle imprimerie de Kaboul · la machine de Hyhogmolochie



مطبعهٔ جدید کابل ، یك قسمت از کارخانهٔ صحافی با ماشین های اتوماتیك برش ، شکه ، حاشیه آری وغیره

Nouvelle imprimerie de Kaboul · nu com de l'atelier de reliure

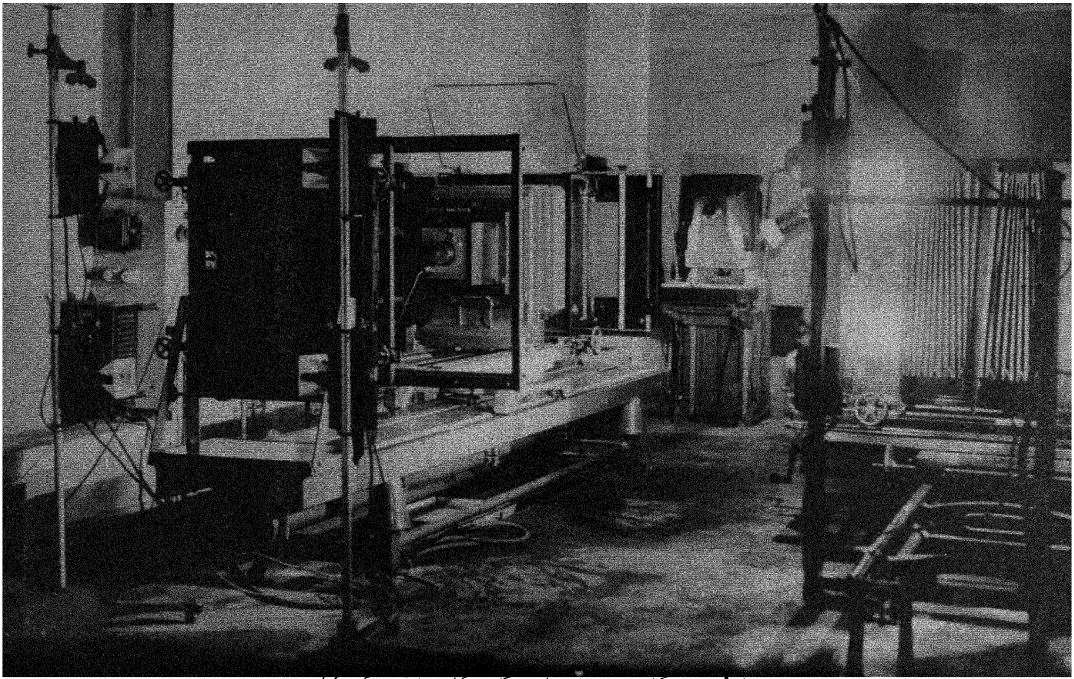

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های عکاسی کار خانه رنگو گراف

Nouvelle imprimerie de Kaboul : les appareils photographiques

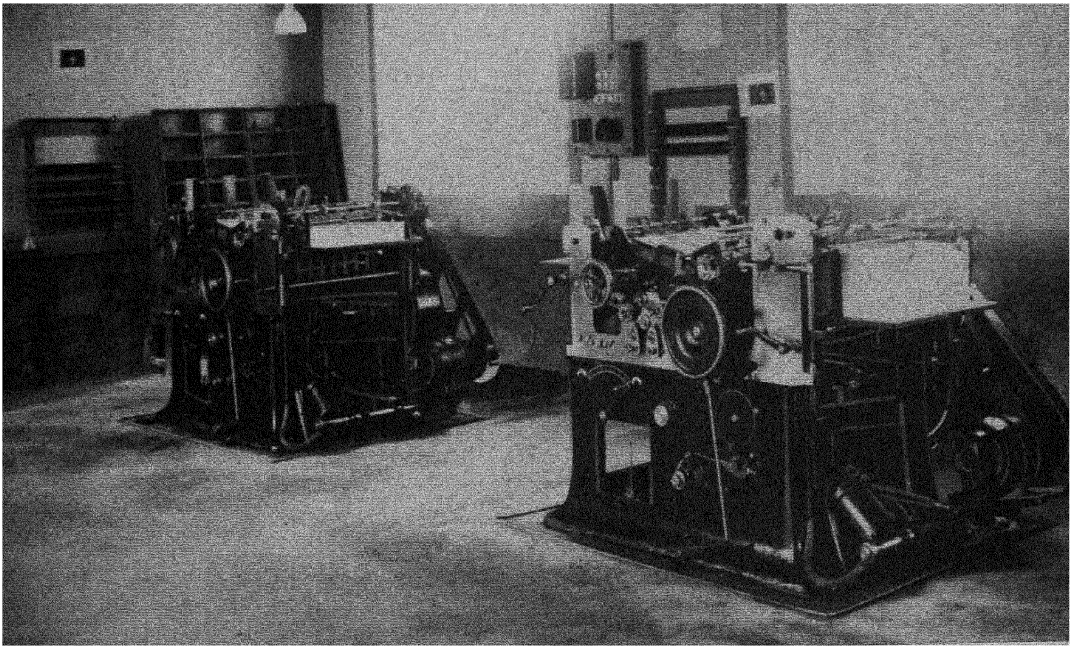

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین های اتوماتیك طبع حروفی از رقم پوسی
Nouvelle imprimerie de Kaboul. les machines de type Possi

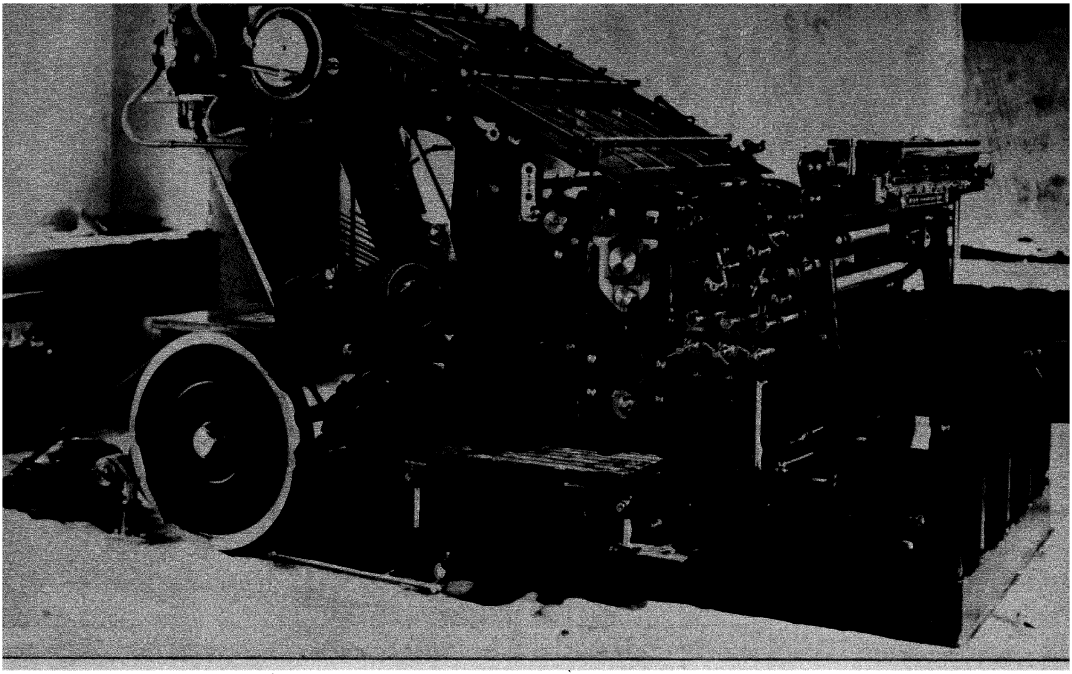

مطبعهٔ جدید کابل . ماشین بزرگ طبع حروفی که تا اندازهٔ ۷۰ در ۱۰۰ سانتی را نیز طبع کرده میتواند

Nouvelle imprimerie de Kaboul . une des machines à grand forma

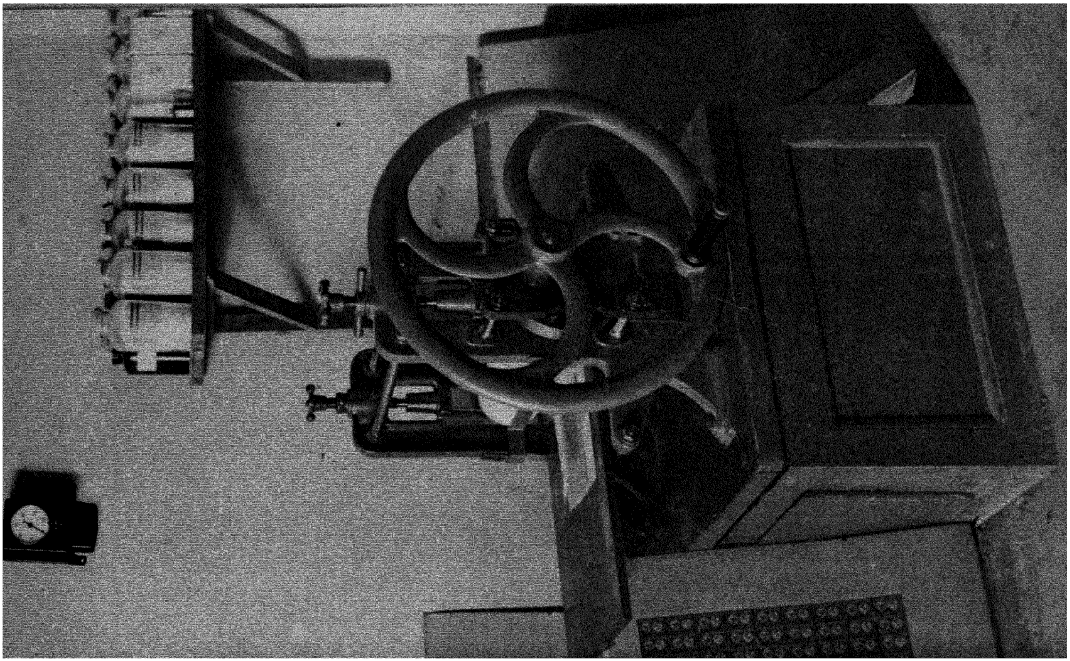

مطبعهٔ جدید کابل : ماشین کایی روی جست در کار خانهٔ (افرت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

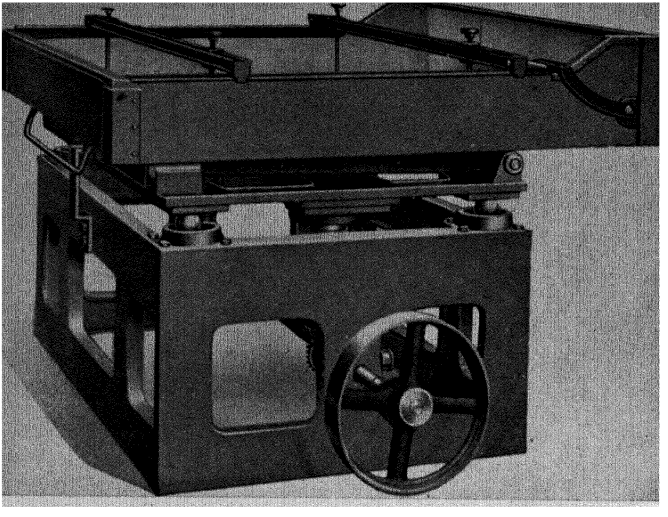

مطبعهٔ جدید کابل ۰ از ماشین های کلیشه و گایی ساری
Nouvelle imprimerie de Kaboul quelques une des machines de zincographie



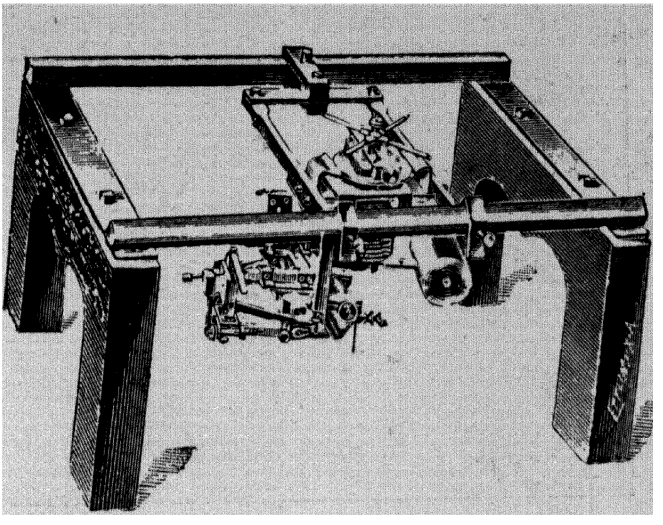

مطبعهٔ جدید کابل ، ماشین های گراور وبوت ساری

Nouvelle imprimerie de Kaboul : les machines de gravure

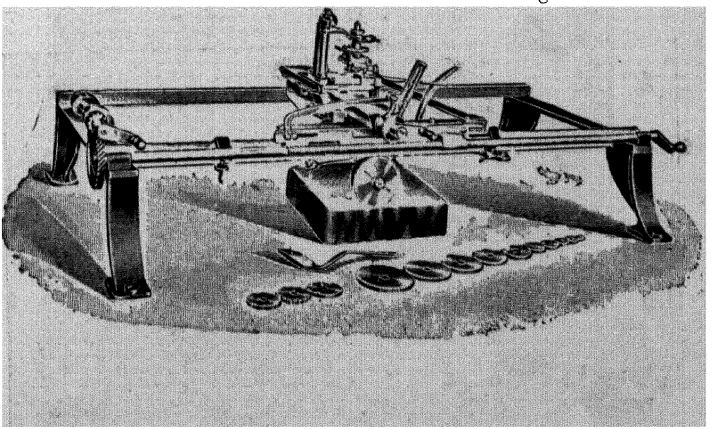

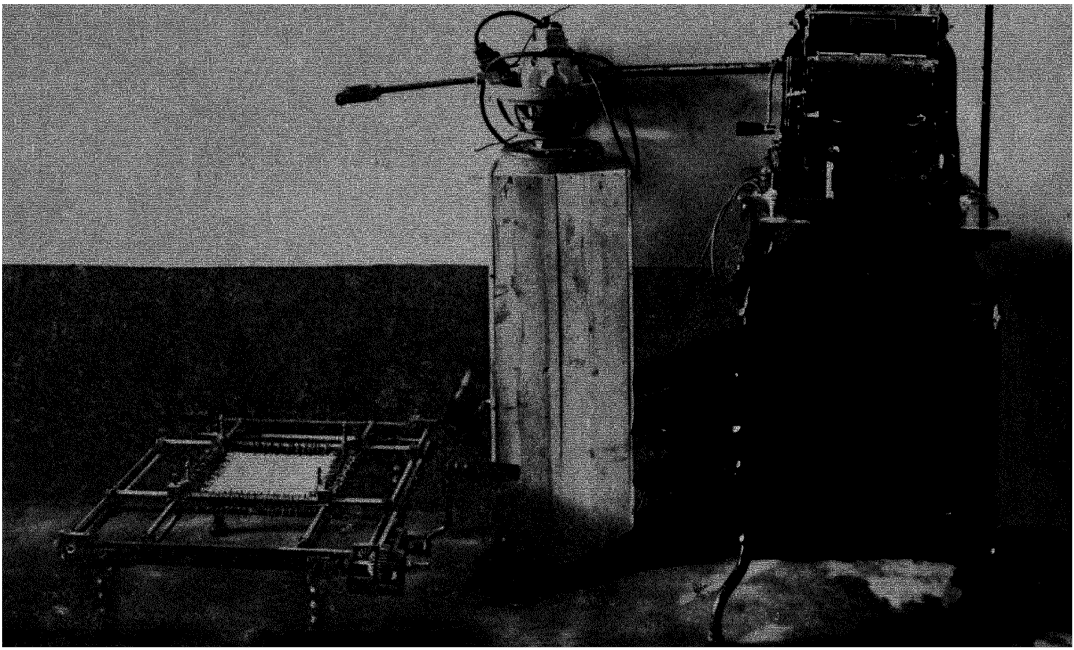

مطبعهٔ جدید کابل ، یکحصه از کار خانهٔ طبع ، وی حست (افرت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul un coin de l'atelier d'Offset

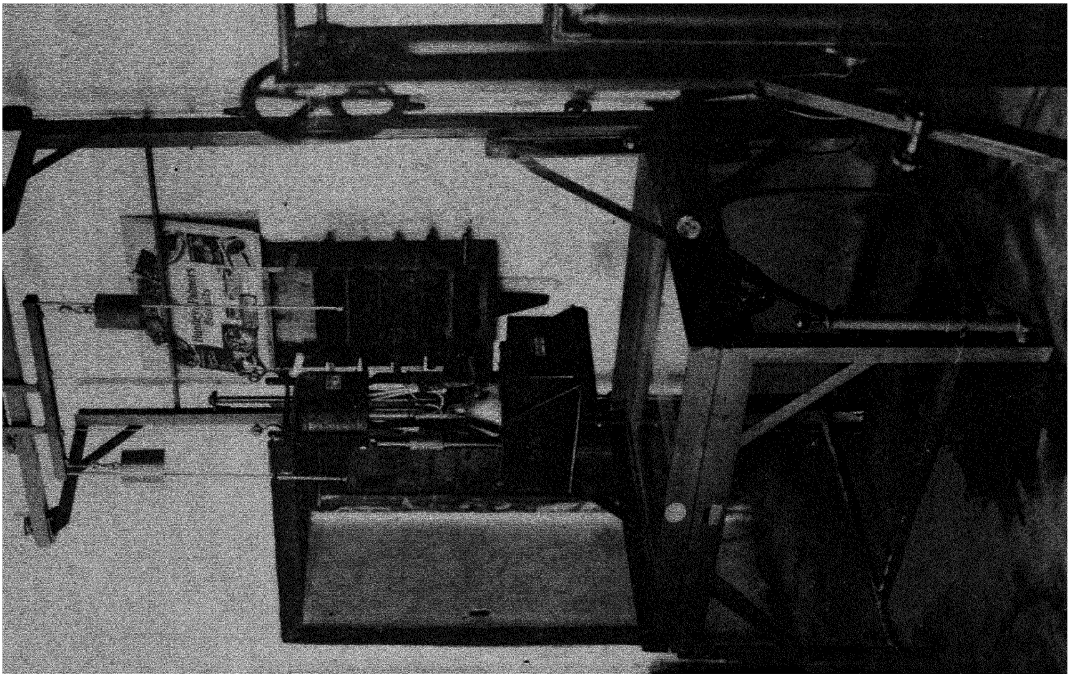

مطبعهٔ جدیدکابل : یك حصه ارکارخانهٔ طبع روی حست (افرت)

Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

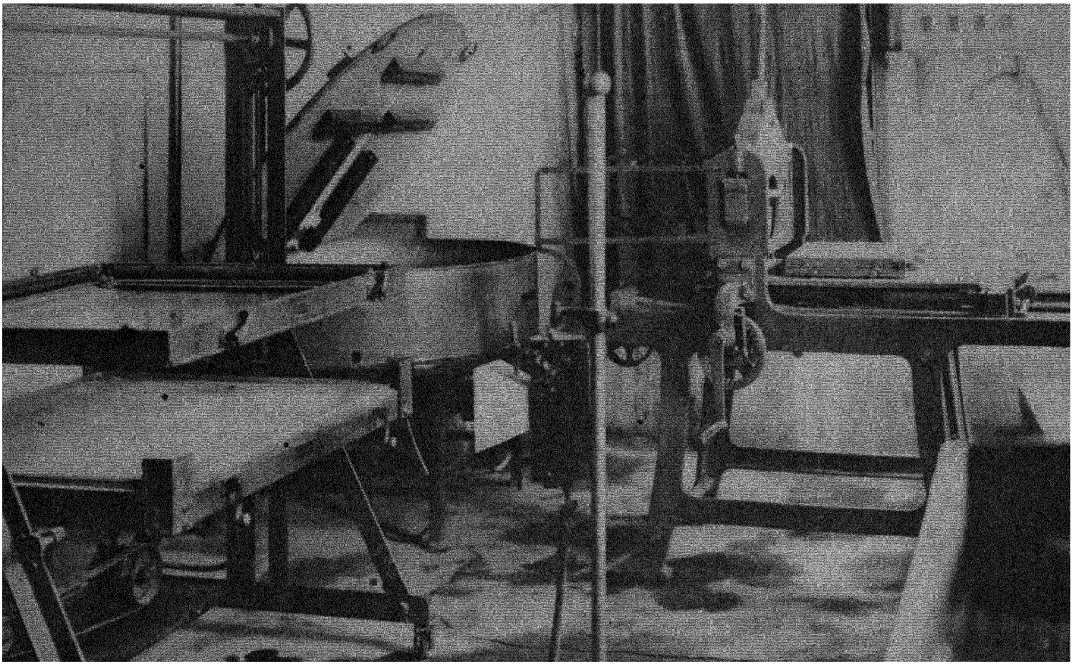

مطبعهٔ جدید کابل . یك حصه ارکارخانهٔ طبع روی حست (افست)
Nouvelle imprimerie de Kaboul . un coin de l'atelier d'Offset

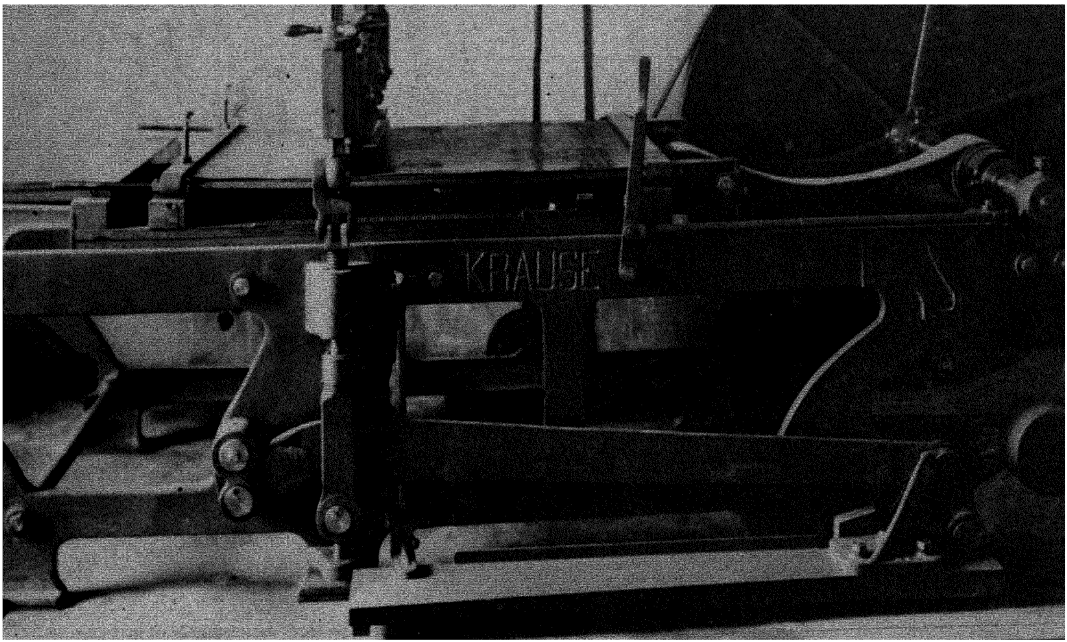

مطبعهٔ جدید کابل یك حصه ار کار خانهٔ طبع روی جست (افرت)
Nouvelle imprimerie de Kaboul : un coin de l'atelier d'Offset

فابریکهٔ نختابی جبل السراج

بقلم حضرات محمد ابراهیم خان مخصص ساحی
مدیر فابریکهٔ نختابی جبل السراج

رقی صنعت وحرفت در یك جامعه نه تنها از جملهٔ عـوامل بیسرفت صنایع ومدنی به شمارمی رود بلکه مؤثر بزرگ برقی امورتجارتی واساس

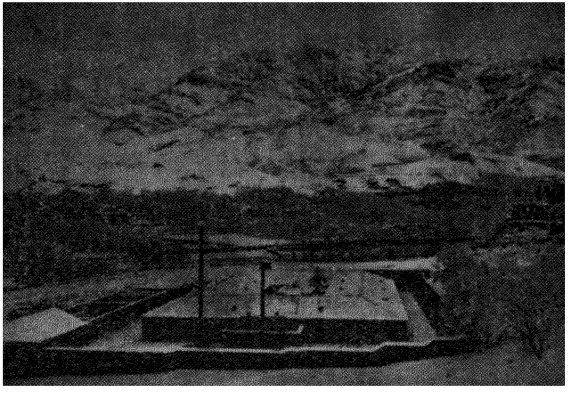

منظرهٔ عمومی فابریکهٔ نختابی جبل السراج

Nouveau fabrique de textile et de filature en Afghanistan
(voir les autres photos sur les pages suivants)

بهصنعت مادی وسعادت حیاتی یك قوم بوده خدمات حیرتی بعالم بشر نموده است . اشخاصیکه بتاریخ حیات ملل معلومات مکمی دارند الیه میدانند

که ترقی صنعت وحرفت دریك مملکت منتج باستعمال اقتصادی مواد خام آن گردیده منابع ثروت ملی ازقبیل مواد زراعتی ومعدنی بکار افتاده وافراد ملت را ازاحتیاج خارج رهانیده استقلال مادی وفعالیت معنوی میبخشد . مللی که از ثروت های طبیعی خویش مستفید شده نمیتوانند همانا همان مللی اند که در ترقی صنعت وحرفت صرف مساعی ننموده اند هرقدر تجارت دریك قوم وجامعه بیشتر موقعیت پیدا کند بهمان اندازه ثروت های را که مورد استعمال ملت قرار یافته علاوه براینکه مواد سرمایه گردیده منتج به بهبود اقتصادی میگردد بعضی مللی دیگر را که طبعا فاقد ثروت های طبیعی اند محتاج بملت صنعتی وحرفتی میسازد و درنتیجه نهضت اقتصادی ومدنیت آن قوم رو به بالا نهاده صفحهٔ جدیدی در حیات مترقیانه اش باز میدارد امروز فی الحقیقت زمام امور سیاسی دنیا بدست دولتی است که در جنبهٔ صنعت و حرفت ترقی نموده دارای سرمایه های هنگفتی میباشند وچون ثروت طبعاً مؤلد ثروت است فابریکه های جدید و موسسه های جدید تجارتی روز بروز زیاده گردیده ماشین مدنی یك قوم را بصورت فوق العاده بحرکت می اندازد - ترقی امور صنعتی و حرفتی دریك مملکت آنقدر ها با امور زراعتی ربط دارد که گفته میشود آنجا که ترقی صنعتی دیده میشود حتما درامور زراعتی که مولد مواد خام است نیز ترقی وارد گردیده اهالی آن مملکت جهت حصول مواد مهم ضروری فابریکه های خود مجبور است که دست بطرف زراعت دراز نموده مواد لازمهٔ خود را از اعماق اراضی وطن توسط آلات زراعتی عصری و استعمال پارو های کیمیاوی بمقادیر تجارتی فراهم نماید .

در یك مملکت چون زراعت ترقی نماید البته مقدار مواد زراعتی از قبیل نباتات تجارتی و مواد حیوانی زیاد گردیده صنایع زراعتی نیز رو به ترقی می‌نهد مثلاً ملتی که مقادیر مهم پنبه حاصل میکند درحصول قند و تصفیه شکر کارخانه های قند ساری بوجه میکند حصول مقادیر پنبه منتج به ایجاد فابریکه های متعدد نساجی میگردد از همین علل است که از

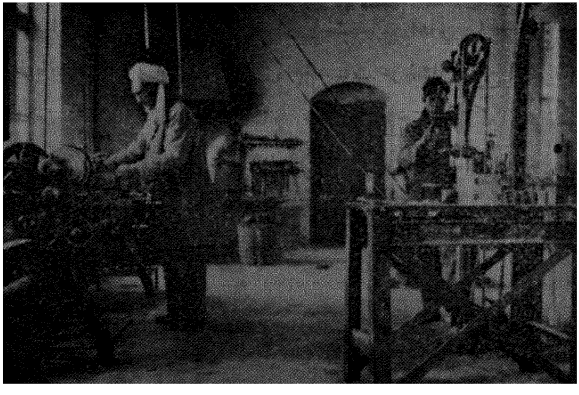

کنار خانه ترمیم فابریکه بختیاری

مدوسلطنت اعلیحضرت شهید در ترقی صنعت و حرفت و زراعت بوجه زیادی معطوف گردیده امروز دیده می شود که حکومت جز خواه و ترقی پرور ما در بهبود امور اقتصادی ملت صرف توجه نموده به تاسیس فابریکه های جدید و تشکیل موسسه های تجارتی ساعی بوده از نقطهٔ نظر پیشرفت تجارتی و صنعتی و زراعتی اقصا نستان

موجوده خیلی هاروبه ترقی نهاده اصلاحات مهمی در امور اقتصادی آن بعمل آمده است و اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه که قدم بقدم درترقی وطن افکار پدر بزرگوارخویش را تعقیب مینمایند و به بهبود ملت و وطن علاقه مندی زیادی دارند در ترقی و توسعهٔ صنعت و حرفت اهتمام زیادی داشته صرف مساعی مینمایند و شاهد نظریات شاهانهٔ شان همچو مؤسسات صنعتی است که در وطن عزیز ما تأسیس و ایجاد شده و یك قسمت از احتیاجات اهالی را فراهم نموده وطن را بالتدریج از پیشرفت های مؤسسات درخشان این عصرفرخنده یکو احداث وتأسیس فابریکهٔ نختابی جبل‌السراج است که با ثرتشویقات صنعت پرورپهای اعلیحضرت همایونی و حکومت مصلح امروزهٔ بعمل آمده موجبات امیدواری را فراهم ساخته است .

این فابریکه بر طبق مرام مؤسس بزرگ خود اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید سعید غفرالله تعالی له تاسیس شده نظر باینکه ماده ابتدائی آن پنبه در اکثرحصص شمالی زرع شده ازخود وطن حاصل میشود یقین کلی است که ازجریان این فابریکه رفاه کلی برای اهالی وطن حاصل گردد برای تکافوی حوایج ملت که به منسوجات پنبه ئی خیلی ها ضرورت دارد هر سال یك مقدار سرمایهٔ بزرگ وطن بخارج میرود . چقدر جائی خوشی است که مواد ابتدائی منسوجات توسط خود افراد ملت بدست‌آمده توسط خود آنها منسوجات مروجی تبدیل گردد نه تنها همین فائده است‌که بوطن رسیده بلکه چنانچه پیشتر گفتیم ترقی صنعت وحرفت مربوط به ترقی وامورتاسیس زراعتی بوده می بینیم که دهاقین وطن برای موادابتدائی فابریکهٔ مذکور سرازحال

بر زراعت پنبه توجه نموده اراضی وسیعی از پنبه مزروع شده جز جریان فابریکه مذکور طوریقین بر زراعت پنبه ترقی زیادی را داخل خواهد نمود.

جای بسیار خوشی است که درعصر اعلیحضرت محمد طاهر شاه که خلف الصدق اعلیحضرت محمد نادر شاه مرحوم میباشند به پیروی همان افکار بهی خواهانهٔ آن شهید مغفور در توسعه و ترقی صنعت توجه زیادی بعمل آمده علاوه بر مؤسسات نافعه دیگر موفق شدیم که عنقریب

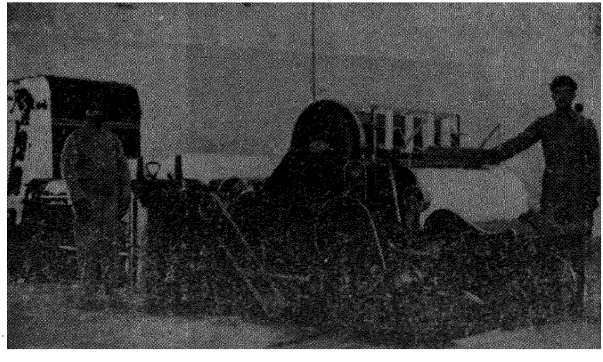

ماشین بدافی

فابریکهٔ نساجی جبل السراج را بحرکت انداریم فابریکه نختابی جبل السراج دارای عمارات پخته کاری باصول جدید بوده بهر اطاق آن ماشین های مخصوص از قبیل - نخ ریشی و بافت و رنگریزی نصب بوده مالك اطاقهای متعدد دیگر از قبیل گدام خانهٔ پنبه و اطاق حلاجی و اطاق بدافی و اطاق خاك تکانی و اطاق فیته سازی و اطاق نخ ریشی و پیچانیدن تار

وخانهٔ بافت وخانهٔ رنگریزی وخانهٔ اصلاحات تکه ـ تحویلخانهٔ تکه های بافته و دفتر، وخانهٔ ترمیم واسمبلیشن برق ـ تحویلخانه پرزه باسامان فالتو بوده ازهرجهت اطمینان بخش است ، امیداست که ازجریان فابریکهٔ نساجی مصنوعات وطنی روبه ترقی گذاشته برای رفاه عامه که همیشه مد نظر حکومت خیرخواه ماست هر سال وسائل جدیدی احداث گردد .

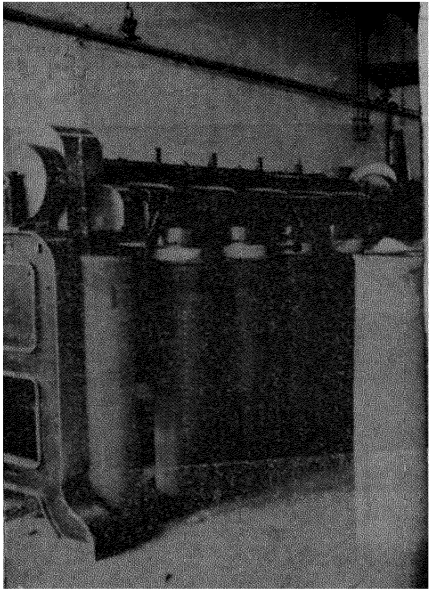

ماشین شانه

اهالی وطن عزیز ما که بزراعت طبعا میل زیادی دارند امید که براهمیت این موسسهٔ بزرگ و مهم دقت نموده به توسعهٔ زراعت پنبه که شرط اول جریان فابریکهٔ نساجی است توجه نموده درترقی واصلاح پنبه وتوسعهٔ زرع آن صرف مساعی نمایند تا یك حصه احتیاجات اهالی وطن ما در خود وطن تهیه گردیده تا یکحد از احتیاج خارج فراغت حاصل نمائیم .

«ماده ابتدائی فابریکهٔ جدید التاسیس پنبه است»

پنبه یکی از محصولات مهم فلاحتی بوده در امریکا و مصر وهند زراعت آن وسعت زیادی حاصل نموده است کاشت پنبه درافغانستان ازقدیم الایام معمول است لاکن زراعت آن تا این اوقات قرار رسوم زراعتی قدیمه بعمل آمده از آلات جدید زراعتی واصول زراعت عصری کار گرفته میشد خوشبختانه حکومت ترقی خواه ما که در هر زمینه برای بهبود اهالی عطف توجه نموده ومی نماید برای توسعه واصلاح زراعت به تربیات مهمی دریعهٔ شرکت اسهام گرفته هر روز اصلاحات جدیدی درزراعت پنبه حاصل میگردد. حکومت ترقی پرورمانه ی حوائج فابریکه نساجی عطف توجه نموده بلکه نظریه داردکه دامنه این شق زراعت روزبروز

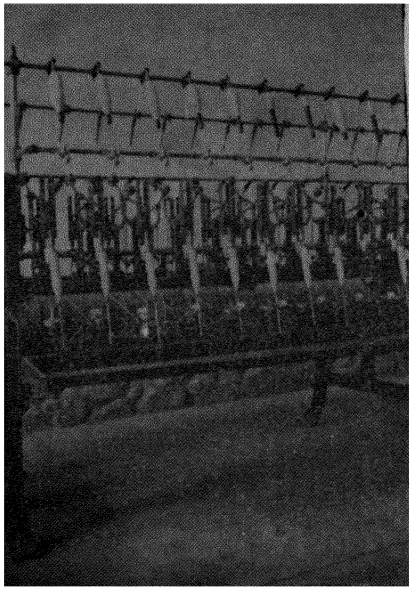

ماشین مسئله

رو به توسعه بوده یکمقدار پنبهٔ وطنی بخارج هم صادر گردید ، چنانچه یک مقدار پنبهٔ افغانی در روسیه در اثر قرارداد یکه مابین دولت علیه افغانستان و حکومت اشتراکیه روسیه بعمل آمده صادر شده است لهذا مسئله پنبه



ماشین های ناوت

هر روز رو به ترقی بوده صورت تازهٔ بخود گرفته میرود و میتوان از فوائد زرع این ماده مهم حیاتی بسیاری از مشکلات تجارتی خود را نموده اراضی وسیعی را در افغانستان که استعداد خوبی برای زرع پنبه دارد قابل الزرع ساریم چنانچه در حصص قطغن و بدخشان رقبه‌های وسیع زمین بحال زراعت پنبه آمده برای دهاقین وطن سعل اقتصادی مهمی پیدا شده است محصول پنبه امروز یکی از احتیاجات مهم تجارتی است اگر ملاحظه در زراعت پنبه دقت کافی نموده وتخم‌های

را که میکارند از جنس خوب انتخاب نمایند و مانند ممالك خارج در اصلاح اجناس پنبهٔ وطنی صرف مساعی شده یك ادارهٔ فنی جهت تجارب لازمه و اصلاح انواع پنبه تشکیل یابد البته از زرع پنبه در وطن عزیز ما که برای زرع آن دارای خواص طبیعی لازمه است فواید خوبی حاصل خواهد شد اگر در ترویج زراعت پنبهٔ امریکائی ومصری در افغانستان صرف مساعی شود زرع نیکی بدست خواهد آمد ، پنبهٔ امریکائی در حصص شمالی افغانستان نتیجهٔ صحت خواهد داد

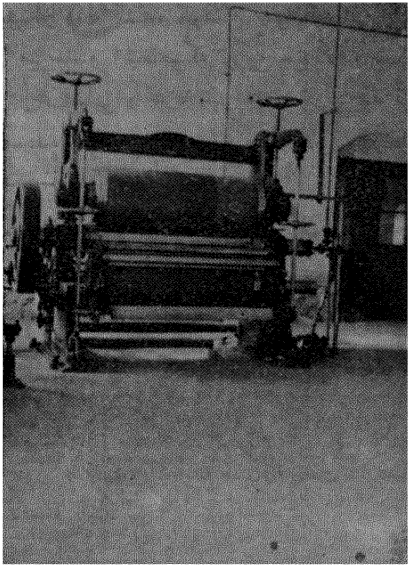

ماشین بانو

لیکن پنبهٔ مصری چون زیاده بر حرارت بکار دارد برای حصص مشرقی و قندهار موزون تر معلوم میشود . این نبات از عائلهٔ پنیرك میباشد پنبه را از غوره های نبات بدفعات متواتر بادست جمع میکند لهذا این نبات در وقت درو نفری زیاد بکار دارد فی سال چهارملیارد کیلوگرام که

تقریبا پنجصد میلیون سیر می شود ازین ماده در تمام دنیا درو کرده می‌شود علاوه بر پنبهٔ بته پنبه یك حاصل دیگرهم میدهد که مدعا از پنبه دانه است پنبه دانه ۲۰ بر ۱۰۰ تیل میدهد که بخور اکه استعمال میتوان شد چون تمامی تیل از دانه کشیده شود . چیزیکه باقی میماند بنام کنجاره پنبه بفروش میرسد و اشخاصیکه تربیهٔ حیوانات میکنند اهمیت آن را برای حیوانات قصابی و غیره شیردهنده خوب میدانند .

پنبه بالای‌دانه ها چسپیده میباشد پنبه را از قرار طول تارهای آن باقسام ذیل تقسیم نموده اند :

۱ - پنبه تار کوتاه که از ۱۲ الی ۲۴ ملی متر طول دارد .

۲ - « « اوسط « « ۲۴ « ۲۸ « « « « «

۳ - « « دراز « « ۲۸ « ۳۶ « « « « «

هر قدر که تار پنبه طویل تر و محکم تر باشد همانقدر قیمت آن بلند تر است زیاده ختم کلام را بدوعای بقای حکومت خیر خواه و ترقی پرور خود نموده از خداوند کریم میخواهم که این حکومت ترقی پرور را از بلیات مامون و مصئون داشته ملت‌را تحت اثرعدالت گسترش آرام و مترقی داشته باشد .



پیشرفتهای سپورتی

در افغانستان

بقلم ـ ش ، محمدیعقوب خان کندکشر
منشی انجمن اولمپیك افغانستان

قارئین گرام اطلاع دارند که انجمن اولمپیك ملی افغانستان به زیر سرپرستی اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه یاد شاه جوان افغانستان و ریاست ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت سردار شاه محمود خان سپه سالار غازی و وزیر امور حرب افغانستان از چند سال است که وظیفهٔ مهم پیشرفت سپورت را بردوش خودگرفته و درین عرصهٔ چهار سال از تاسیس خود انجمن مذکور توانسته است که درامور سپورت خدمت شایانی بنمایدچنانچه اقدامات مهمهٔ این موسسه از قبیل فرستادن هیئت های ورزشکاران افغانی بروسیه ، هندوستان و اروپا انعقاد و تورنمنت های داخلی و دعوت ورزش کاران خارجی برای مسابقه‌های هاکی وفت بال درمواقع جشن های استقلال افغانستان هریك کمك فوق‌العاده برای پیشرفت سپورتی وطن‌عزیز رسانیده‌است.

برحسب معمول درسال ۱۳۱۶ هم از خارج سه تیم دعوت شده در جشن استقلال سال ۱۹ در بازیهای هاکی و فت بال با هیئت های افغانی مقابله کردند علاوه برتیم های خارج ، امسال یك تیم فت بال از قندهار هم‌برای شمولیت و بازی در جشن استقلال آمد و کسانیکه

درجشن بازی این تیم جدید افغانی را دیدند منصفانه خواهند گفت که درین غرصهٔ قلیل از ترویج سپورت های عصری در افغانستان ولایت قندهار هم سهم بزرگی را در پیشرفت سپورت گرفته است اگر چه درین شبهه نیست که معیار بازی تیم(پشتون خوا) قندهار به نسبت کابل پست تر بود اما نباید فراموش کرد که اولاً جریان سپورت های عصری در قندهار از عرصهٔ یك سال است و دوم انتخاب یك تیم از یك تعداد خیلی محدود و رزش کاران بعمل آمده است با این هم دوسه نفر در تیم پشتون قندهار چنان مهارت در بازی نشان میداد که نظیر آن ها در کابل کمتر دیده شده ، زحماتی را که ع ، ش سردار محمد داؤد خان نائب الحکومه و قوماندان عسکری قندهار درین زمینه کشیده اند خیلی قابل تمجید است و از اثر همین زحمت کشی ها بود که تیم قندهار برخلاف توقع یك نمایش فوق العاده را درجشن داده مورد تلطیف مخصوص حضور والا حضرت سردار سپه سالار صاحب غازی و رئیس انجمن اولمپیك افغانستان گردیده والاحضرت موصوف برای تقدیر خدمت که جناب سردار محمد داؤد خان و تیم قندهار برای پیشرفت سپورت کرده اند یك یك عدد « بلیزر » که از تکهٔ رنگ بیرق ملی افغانی ساخته شده بود بهر یك از ورزش کاران اعطاء فرمودند ـ بو شیده نماند که موفقیت بگرفتن بلیزر یك افتخار فوق العادهٔ یك ورزش کار میباشد .

تیم هائیکه از خارج در جشن استقلال ۱۹ شرکت ورزیدند قرار ذیل است : ـ

۱ ـ تیم هاکی « رو درز کلب » پشاور

۲ ـ تیم فت بال « ستارهٔ سرحد » «تیم منتخبه سرحد شمال مغرب هندوستان »

۳ ـ تیم هاکی « اندیپندنت سپورت کلب دهلی »

مسابقهٔ هاکی سپورت باهیئت‌های خارجی بصورت آتی‌الذکر اجراشد ؛

مسابقهٔ هاکی بین‌تیم رودرز کلب پشاور و تیم هاکی کلوب عسکری افغانی ۲ مقابل ۱ کلوب عسکری موفق گردید .

مسابقهٔ هاکی بین تیم‌اندیپندنت سپورت کلب‌دهلی وتیم کلوب عسکری ۱ مقابل ۲ کلوب عسکری مغلوب گردید .

مسابقهٔ فت‌بال بین تیم محمودیهٔ وستارهٔ سرحد مقابل ۲ تیم ستارهٔ سرحد موفق گردید

مسابقهٔ فت بال بین تیم استقلال و تیم سرحد ۲ مقابل تیم استقلال موفق گردید

علاوه بر تیم هائیکه از خارج آمده بودند مسابقهٔ که حسب‌معمول در جشن بین تیم افغانی‌وتیم سفارت برطانیهٔ کابل بعمل آمد در هاکی و تینس به موفقیت تیم های افغانی منتج گردید .

مسابقه های فت‌بال بین« پشتون خوا» قندهار و تیم های کابل تیم پشتون خوا بمقابل تیم استقلال مقابل ٤ تیم استقلال موفق گردید

« « « تیم تفریح ۱ مقابل۲ تیم تفریح موفق گردید

در مسابقهٔ والی بال که در جشن استقلال اجرا شد تیم فرقهٔ شاهی نمره‌اول‌را حایز گردیده « قهرمان » تیم های والی بال در کابل شناخته شد .

تورنمنت های داخلی

امسال نیز بقرار سالهای گذشته تورنمنت های هاکی وفت بال درمرکز اجراشد. درتورنمنت هاکی تیمهای فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی تیم هاکی مکتب فنون حربیه تیم وزارت حربیه و تیم مکتب حبیبیه شرکت ورزیدند درین تورنمنت بازیها بصورت ناک اوت (Knockout) اجرا گردیده ـ از شروع الی ختم تورنمنت بازی ها بصورت خیلی درست ومنظم وبه اثبات دسپلین فوق العاده ازطرف شاملین تورنمنت اجرا شد ـ اگرچه از دوسال باین طرف تیم فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی (قهرمان) تیم های کابل بوده ولی درین سال مساعی که افراد تیم مکتب احضاریه در پیشرفت بازی کرده بودند ثمر بخشیده درمسابقهٔ آخرین تورنمنت تیم مذکور برتیم فرقهٔ اول قول اردوی مرکزی به ۲ مقابل ۱ گول غالب گردید ـ وبه مصداق « مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد » جایزهٔ معمول را گرفت .

شاه محمود فت بال تورنمنت

ازچندسال است که یك تورنمنت قوت بال بنام « شاهمحودفت بال تورنمنت » درکابل بازی میشود واین تورنمنت نسبت بدیگر تورنمنتها فوق العاده طرف توجه ورزشکاران و علاقه مندان سپورت واقع گردیده است . اگرچه امسال قبل ازین تورنمنت یك تورنمنت دیگری هم ازاوائل بهار اجرا شده ودران تنها سه تیم شمولیت ورزیدند که از جملهٔ آنها تیم مکتب استقلال قهرمانی را گرفت لیکن حسب معمول « شاه محمود فت بال تورنمنت » درشروع تیرماه جریان یافت . درین

تورنمنت ازاصناف مختلف کابل «اعنی معارف ، عسکری و ملکی » ده تیم شامل شدند . درنتیجه تیم «محمودیه» درمسابقهٔ آخرین تورنمنت برتیم مکتب حبیبیه به ۲ مقابل ـ غالب وبرای سه سال علی التوا تر قهرمان تیمهای کابل درتورنمنت « شاه محمود » شمرده شد اعضای « تیم محمودیه » اکثر ورزش کاران سالخوردهٔ «درسپورت شخصیکه سن او از ۳۰ بیشتر باشد سال خورده گفته میشود » کابل هستند ومشهور به « استخوان قدیم » میباشند ـ اگرچه امسال هم انها «کپ» را گرفتند لاکن چیزیرا که درتورنمنت مشاهده کردیم وترقی فوق العادهٔ تیمهای حبیبیه واستقلال رادیدیم گفته میتوانیم که درسال اینده تیم محمودیه برای نگاهداشت نام خود بحیث قهرمان تیمهای کابل دچار مشکلات خواهد گردید . اگرچه کپتانی تیم «محمودیه» ازاقای سید عبدالاحد خان دیپلوم انجنیرمعادن (که یك ورزش کارصحیح است وبرای سپورت افغانستان خدمات زیاد کرده) به آقای عبدالحکیم سرکاتب دائرهٔ تشریفات وزارت خارجه (که نسبتاً جوان ترمیباشند) نقل کرده مگرما به تیم محمودیه توصیهٔ میکنیم که ازحالا نفری جوان ترادرتیم خود موقع بدهند ـ وگرنه استخوان قدیم خدا نخواسته جو جو خواهد شد .

رسم گذشت ورزش کاران افغانی

امسال نیز برطبق سالهای گذشته رسم گذشت و رزش کاران افغانی باتشریفات بزرگی بحضور اعلیحضرت اقدس همایونی اجرا گردید قرار پروگرام بالغ برشش هزارسپورت مین درمیدان هاکی مقابل عمارت کلوب حربیه بصورت تیم های تینس ـ هاکی ـ فت بال ـ والی بال ، ورزش های انفرادی ایستادند ـ لدی الورود اعلیحضرت اقدس همایونی

و الاحضرت معظم سردارشاه محمود خان رئیس انجمن اولمپیك افغانستان که بلباس تینس ملبس بودند رسم تعظیم حضور اقدس اعلیحضرت شهریاری را بقوماندهٔ « تیارسی » اجراوموزیکه نغمهٔ سلامی اعلیحضرت شهریاری را نواخت ودرهرحصه نعرهٔ « عمر ددیرشه پاچا » ازورزشکاران بلند گردید . بعدازایفای رسم تعظیم رسم گذشت شروع شد وبقرار معمول اول والاحضرت سردارشاه محمودخان کهدرعقب آنهابرچم اولمپیك افغانستان گرفته شده بود ازحضورمبارك اعلیحضرت اقدس همایونی گذشتند وبه تعقیب آنها اعضای انجمن اولمپیك افغانی ، اعضای هیئت ورزش کاران افغانی که دراروپا رفته بودند ـ اعضای هیئت افغانی که درهند رفته بودند ، نفری تینس ، نفری هاکی ، نفری فت بال ، نفری والی بال ، نفری ورزشهای انفرادی علامه های مخصوص ورزش وقطعه وصنف خودرا گرفته رسم گذشت را ایفا کردند . اعلیحضرت اقدس همایونی هم بتوبهٔ خود رسم تعظیم هر صنف را علیحده علیحده به الطاف مخصوص ذات شاهانهٔ خویش قبول فرمودند ـ رسم گذشت ورزش کاران یك ونیم ساعت دوام کرد وحسن اجرای آن وترتیبات عالی وزیبای رسم گذشت چه ازحیث لباس وچه ازحیث وضعیت ورفتار ورزش کاران که به توجه خصوصی حضور والاحضرت معظم سردار شاه محمود خان غازی بروی کارآمده بود مورد تحسین وتمجید فوق العادهٔ اعلیحضرت اقدس همایونی وعمومی ناظرین واقع گردید .

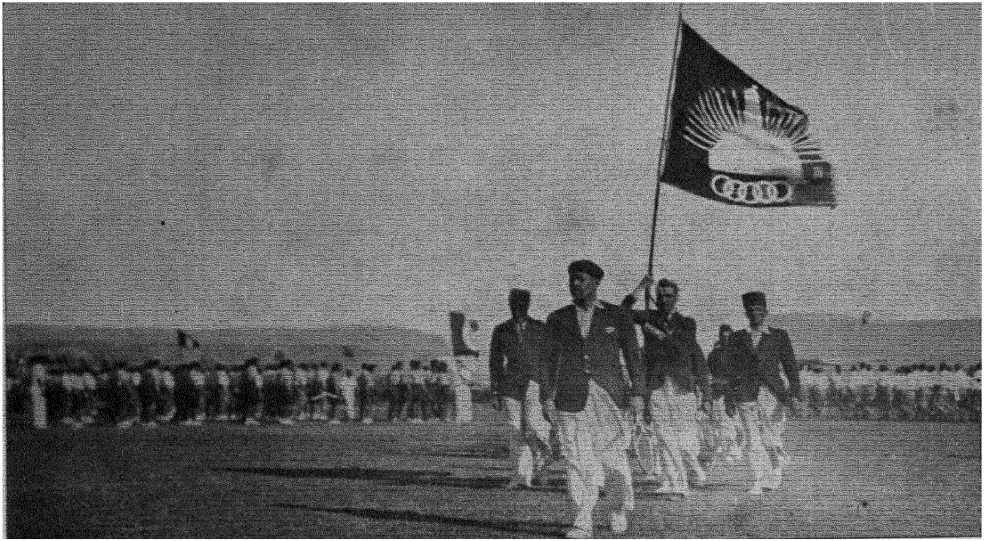

رسم گذشت ورزشکاران افغانی درزدهمین جشن استقلال؛ والاحضرت افخم وزیر صاحب حربیه
و اعضای اولمپیك افغانی با بیرق اولمپیك افغانی ازحضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند
Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance)
au devans S. A. R. le ministre de la guerre

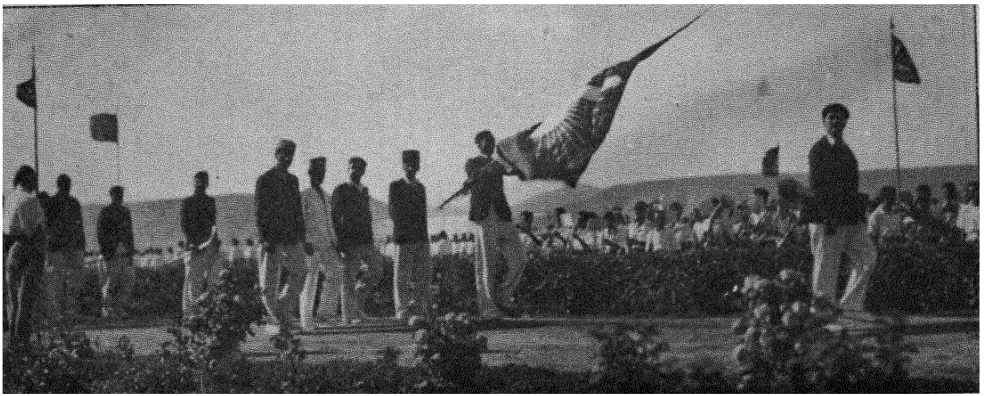

رسم گذشت ورزشکاران افغانی درنزدهمین جشن استقلال : والاحضرت افخم وزیر صاحب حربیه و اعضای اولمپیك افغانی با بیرق اولمپیك افغانی ازحضور اعلیحضرت همایونی عبور میکنند

Les sportifs afghans lors du défilé devant la loge royale (Fêtes d'indépendance) au devans, S. A. R. le ministre de la guerre

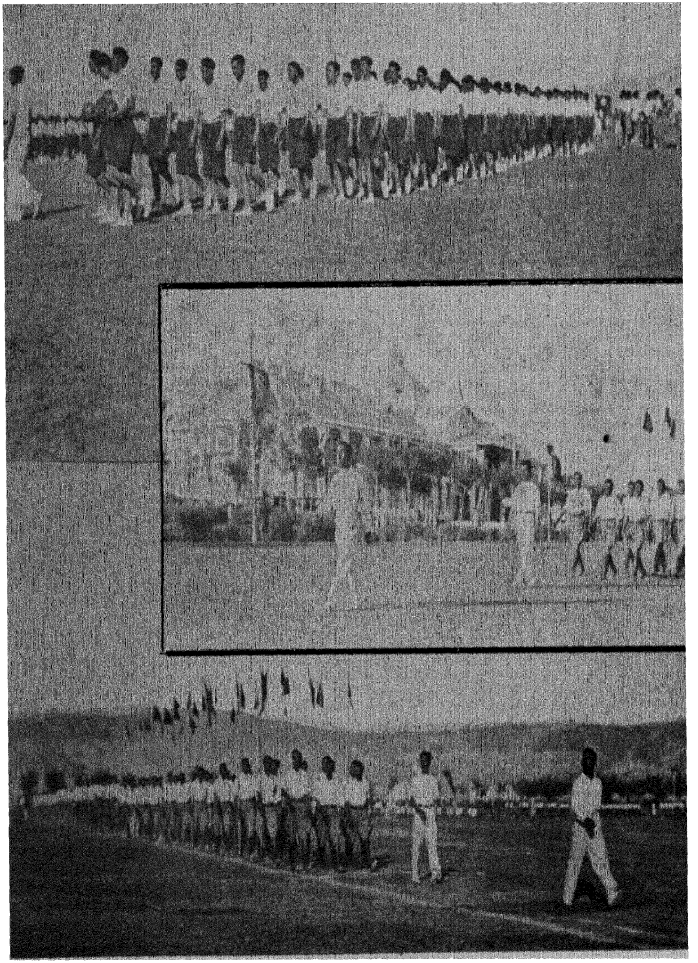

رسم گذشت ورزش کاران درجشن استقلال سال نزدهم

defilé des sportifs afghans à l'occasion des fêtes de l'independance (1397)

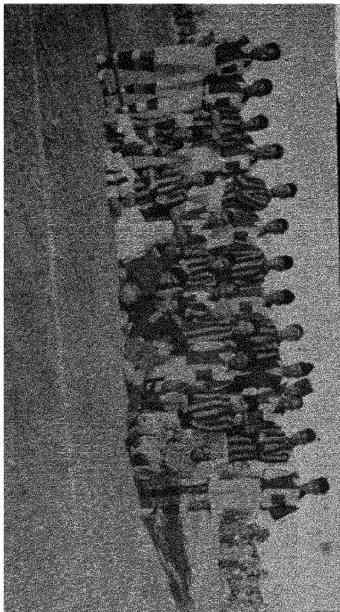

پشاور در وسط و پائین مناظر مصاحبهٔ
دوستانهٔ تیم های مذکور
afghan avec l'équipe de Peshawar

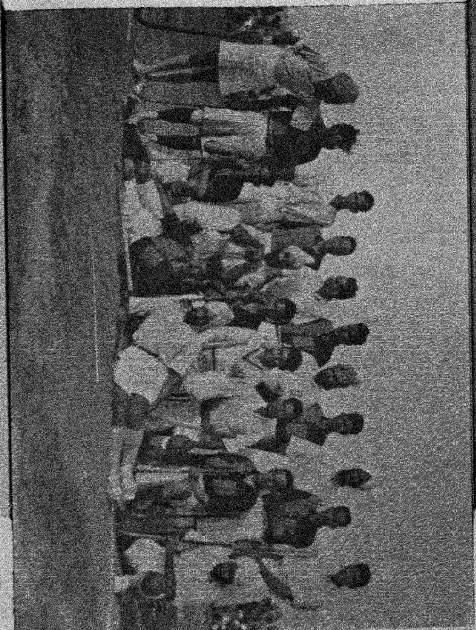

در بالا
مسابقات دو
بین تیم
افغانی
ètes de
dépen-
ce(1937)
quipe
hoky

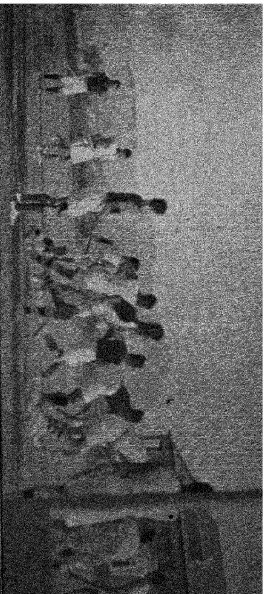

شکاران افغانی در جشن
قلال سال نزدهم (۱۳۱۶)
Les sportifs afghans pend

نظریهٔ انجمن اولمپیك امریکا نسبت بوضعیت تیم افغانی دریازدهمین بازیهای اولمپیك که درسال ۱۹۳۶ دربرلین انعقاد یافته بود

پوشیده نیست کاریکه ازخارج دریك مملکت داخل میشود وبیایهٔ تکمیل رسانیدن وبادران کار تخصص پیدا کردن برای خود زمانهٔ درازی میخواهد. چنانچه مشهوراست(بسیارسفر باید تاپخته شودخامی) ، سپورت های عصری مثلیکه پیشتر عرض شد درمملکت عزیزما از عرصهٔ خیلی قلیل ترویج یافته است ودرحینیکه حکومت متبوعهٔ ما بواسطهٔ انجمن اولمپیك افغانستان دعوت کمیتهٔ اجرائیهٔ بازیهای یازدهم اولمپیك بین المللی منعقد برلین را قبول کرد درعالم سپورت هیجان فوق العاده تولید گردید وازهرطرف حاشیه آرائی میشد که هیئت اولمپیك افغانی که هنوز مراحل ابتدائی سپورت راهم طی نکرده بالمقابل ورزشکاران دنیا که هریکی آنها ازهزاران نفرانتخاب وتجارب عملی ونظری چندین ساله رادارا میباشد چه خواهند کرد ؟ مگر بفحوای مثل مشهور انگلیسی (جائیکه خواهش باشد، راه پیدامی شود) افغانهاهم به همان عزم متین خود که خاصهٔ قوم افغان است از استعداد فطری خود استفاده کرده در همه سپورت هامشق چند ساله و مخصوصاً در هاکی ملکهٔ فوق العادهٔ را نشانداده درمیدان مسابقه داخل گردیده دیدند چنانچه ازدورهٔ اروپا نتایج مسابقه هارا مفصل در سالنامهٔ گذشته عرض کرده ایم اعنی از ٤٥ مسابقه افغانها در ۲۹ موفق در ۱۱ مغلوب ودر ۵ مسابقهٔ مساوی بر آمدند - صرف نظر از نتایج بازی - چیزیکه در یك مسابقه مورد

توجه مخصوص ناظرین میباشد اصل بازی نیست که کدام طرف غالب میشود و یا کدام طرف مغلوب بلکه این دیده میشود که کدام تیم بر نسبت (اساسات) های سپورت را بدرستی تعقیب و مقابلهٔ جدیانه میکند از همینست که ما در ین جا بعضی حصص راپورت کمیتهٔ اولمپیك امریکائی را که راجع به تیم افغانی است اقتباس میکنیم :

درصفحه (۱۶-۲۱۵) راپورت مذکور تحریر است :

« مسابقهٔ سوم ما به تیم افغانستان بتاریخ ۱۳- اگست درمیدان دوم اجراشد منتج به ۳- مقابل‌موفقیت افغانها گردید .

در نصف وقت اول بازی نتیجه ۲ مقابل بطرف افغانها بود . اگر چه افغانها بمثل هندیها آنقدر تیز و متخصص فن ها کی نیستند لاکن طرز بازی‌هندی‌هارا خوب درك کرده اند و درین وقت مترقی ترین تیم های تورنمنت بودند . در اختتام تورنمنت به آنها (کپ پال لبوتی) اعطا گردید . اگر چه درین اشتباهی نیست که تیم افغانستان (بدون ازهند والمان) بهترین تیم های مشمولین تورنمنت بودند لاکن تیم ما هم مقابلهٔ خوب و جدیانه برعلیه آنها کرد . »

درستون دوم صفحه ۲۱۶ راپورت مذکور تحریر است .

« صورت حکمیت مختلف بود . حکم های هندی افغانی و اکثریه المانی فوق العاده خوب بود اگر چه دیگرممالك هم حکم های درجهٔ اول داشتند لاکن بصورت عموم معیار حکمیت آنها اینقدر بلند نبود .

ازاثر همین بود که قرار پیشنهاد کمیتهٔ تخنیکی انجمن بین المللی هاکی و منظوری انجمن مذکور ش ، محمد یعقوب خان سکرتر اولمپیك افغانی که در بازیهای او لمپیك یاز دهم درالمان از طرف افغانستان

حکم معرفی شده بود و وظیفهٔ حکمیت را درتورنمنت ها کی در بازیهای بین‌المللی هم دومراتبه اجرا کرده بود، حکم بین‌المللی شناخته شد »

درستون دوم صفحه ۲۱۷- آن تحریر است :

« ممالك مختلف اردو پا هنوزهم نوع قدیم بازی (اعنی توپ را بجدیت رد کردن و دور رساندن) راتعقیب میکنند این نوع بازی خیلی‌مخوف و برخلاف اصول است . لاکن جاپانیها وافغانها صورت بازی هندی را تعقیب کرده و بسیار خوب ترقی میکنند »

ازاقتباس راپورت فوق مقصد ما این بود که برای فارئین گرام وعلاقه مندان سپورت وورزش کاران و طن عزیز خود خاطر نشان کنیم که مقصداز سپورت‌تنها موفقیت نیست‌بلکه حسیات صحیح سپورت را نشان دادن میباشد . اگرچه‌افغانستان در اولمپیای یازدهم در هاکی نمره (۵) را حایز گردیدند لاکن بصورت عموم با در نظر گرفتن کم سنی افغانستان در فامیل سپورت دنیا مخصوصا در هاکی‌بهترین و مترقی ترین تیم آن‌وقت شمرده شدند.

انجمن اولمپیك‌افغانستان بکمال‌افتخار گیفته میتواند که زحمتهائیکه شخص‌رئیس اولمپیك ع ، ج ، ا ، ا نشان والاحضرت‌سردار شاه‌محمود خان غازی وباقی‌اعضای اداری انجمن مذکور برای پیشرفت سپورت کشیده‌اند ، بهیچ صورت بیجا نرفته ونتیجهٔ‌فوق‌العادهٔ‌خوب بخشیده است

البته ازطرف جنبهٔ هاکی که یکی از اساس‌های پیشرفت سپورت است انجمن اولمپیك افغانستان فوق العاده از حکومت متبوعهٔ خویش ممنون است که نظر به پیشنهاد ریاست اولمپیك حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله ازهیچ گونه کمك مادی و معنوی خود داری‌نفرموده

و علاوه بران دلچسپی که شخص مبارك اعلیحضرت المتوکل علی الله شاه جوان افغانستان به‌شرکت‌وجود مسعود مبارك شان به نفس نفیس درسپورتهای عصری نشان داده فوق العاده به ترقی سپورت افغانستان کمك رسانده است . انجمن اولمپیك از درگاه حضرت ایزد متعال نیاز میکند که افغانستان عزیز به زیر سایهٔ این شاه منور و صاحب ذوق خود بیش از پیش به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

پیشرفتهای سپورت در معارف

وزارت معارف به توجه خصوصی ع ، ج ، سردار محمد نعیم خان وزیر جوان و فعال خود در امور سپورت هم پیشرفت زیادی کرده چنانچه دیده شده که علاوه بربازیهای مروجه از قبیل هاکی فت‌بال والی بال ـ سپورت های دیگری هم از قبیل سکی (برف مالك) و (هیند بال) و آب‌بازی خوب جریان دارد ـ برای اینکه بازی های مذکور بصورت‌فنی ترویج یابد وزارت معارف آقای (بردوژ) المانی را که ازفارغ‌التحصیلان اکادمی سپورت المان است استخدام نموده ـ از رایورتهائیکه دائرهٔ اولمپیك گرفته معلوم میشود که این معلم جدید سپورت معارف در وظایف خود خیلی جدیت و فعالیت نشان داده از معلومات و تخصص خود شا گردان خود را عملا بیك معیار بزرگ سپورت رسانده چنانچه در اوائل سال در تورنمنت فت بال وزارت معارف تنها یك‌تیم مکتب‌استقلال‌را داشت ولی در تورنمنت شاه محمود از وزارت معارف تیم داخل شدند .

شبهه نیست که بهترین تیم های سپورت باید از وزارت معارف برآید و اگر تا حال وزارت‌معارف باین مقصد نائل نبود سببش آن

بود که یك پروگرام صحیح ویك معلم درست برای سپورت نداشتند و درحینیکه اولیای امور معارف باین‌طرف‌توجه خود را شروع کردند دیدیم که‌شاگردان معارف گامهای سریع‌را بطرف پیش رفت اساسی سپورت میبردارند - چشم امید ما چه در دیگر شعبات امور وطن‌عزیز وچه در سپورت‌بسوی معارف‌است وما یقین کامل داریم که انشاالله‌تعالی در پرتو افکار قیمت‌دار حکومت اعلیحضرت المتوکل علی‌الله وزحمت کشیهای فوق‌العادهٔ جناب وزیر صاحب معارف و دیگر مامورین وزارت مذکور، معارف و سپورت اهل معارف افغانستان در مدت قلیل بدرجه های اعلی خواهد رسید انجمن اولمپیك افغانستان هم بنوبهٔ خود زحماتی را که ع ، ج سردار محمدنعیم‌خان وزیرصاحب معارف و باقی مامورین وزارت مذکور در توسعهٔ سپورت کشیده بصورت تقدیر نگریسته از خدای متعال آرزو دارد کهوزارت جلیلهٔ معارف در پروگرام عرفانی و سپورتی خود به ترقیات مادی و معنوی نائل گردد .

تورنمنت شطرنج در کابل

علاوه بر بازیهائیکه منتج به تربیهٔ بدنی میشود شطرنج‌یك‌بازیست که به تربیهٔ دماغی تاثیر فوق‌العاده میکند وامروز این بازی شهرت بزرگ بین‌المللی را حائز گردیده است. علاوهٔ شوق شطرنج بازی درمملکت ما ازقدیم موجود و همواره این بازی درمجالس اشخاص مهذب موجود بوده ومیباشد . چنانچه به اساس همین نظر به انجمن

او لمپیك افغانستان برای انعقاد یك تورنمنت شطرنج اعلان کرد وخوش بختانه چون این بازی علاقه مندان زیاد دارد یك عدهٔ بزرگ شطرنج بازان کابل درین تورنمنت شرکت ورزیده اند - از انجه که تورنمنت مذکو بایستی بصورت قوانین بین المللی جریان می یافت ادارهٔ اولمپیك بمعاونت جناب عبدالوهاب خان مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه قوانین بین المللی را ترجمه و برای علاقه مندان شطرنج توزیع نمود وضعیت بازی درین مسابقه خیلی اطمینان بخش بوده ، مهارت ورسائی فکر شطرنج بازان افغانی را باثبات میرساند ودر نتیجهٔ تورنمنت جناب سید فیض الله خان پاچا نومره اول وجناب ایشانصاحب «خیام» نمره دوم وجناب عبدالوها بخان مدیر شعبهٔ شرق وزارت خارجه نومره سوم بر آمد ند .

تورنمنت بلیارد

بازی بلیارد که یکی ازبازیهای معروف و مفید و ضمناً یك قسم سپورت خانکی نفیس است ، درین اواخر دروطن عزیز ما رواج زیادی پیدا کرده - بنابران انجمن اولمپیك اخیراً برای یك تورنمنت ابتدائی ترتیب گرفته و عموم شوقمندان بلیارد را دعوت داده است تادر کلوب حربیه این مسابقه را شروع کنند برای موفقیت حاصل کنند کان از طرف انجمن اولمپیك علاوه برلقب (قهرمان بلیارد افغانستان) جوائز مناسب نیز داده خواهد شد .

پشتو تولنه

انجمن ادبی

بقلم جناب محمد قدیر خان «تره کی»

فلسفهٔ پیدایش اکادمی ها واهمیت ولزوم آن ها

هرین شاید هیچ اشتباهی نباشد که هر ملت از خود خصائصی دارد که آن خصائص عبارت ازخصائص روحی و جسمی بوده هردوی آن مولود عوامل جغرافیائی و وراثت نژادی و محیط اجتماعی همان ملت میباشد .

این خصائص درافراد ملل درعین اینکه متفاوت است یعنی کم ویازیاد میباشد منهذا در کلیات واساس امرهم واحد ویك‌سان بوده روح همان ملت را بوجود میآرد یعنی از تفاعل و تمازج اعمال و حرکات افراد یکدسته حقائقی بیرون میآید که‌مظهر روح همان ملت بوده وهمان صفت ممتازهٔ ملی را تولید میکنند که اروپائی ها آن را (کولتور) ، وعربها (ثقافت) نام میگذارند و ما هم آ نرا (تربیهٔ ملی) میتوانیم نام بگذاریم . کولتور هر ملت صفت ممتازه و وجه ما به الامتیاز همان ملت است وهمان طوریکه بال وصف امتیاز مرغ از مخلوقات حیه و مسباح صفت ممتازهٔ ماهی ازحشرات خشکه است همچنان کولتور نمایندهٔ امتیاز و فرق یك ملت ازملت دیگری میباشد ، از همین سبب است که

حس ناسیو نالیزم (ملیت خواهی) افراد منور و علمای هر ملت را وادار کرده است تا جهة حفظ همین امتیازات ملی خود شان مؤسسه هائی بوجود آورند که آن مؤسسه ها همین اکادمی ها میباشد (۱) پس از روی این مطالعات فهمیده میشود که اکادمیها به مفهوم امروز حافظ ادبیات ، صنایع اخلاقیات ، اجتماعیات ، عرف و عادات ، زبان و بالاخره تمام عوامل روحی و معنوی ملل است که آن را در فوق کولتور یا ثقافت گفتیم .

وظیفهٔ امروزهٔ اکادمی های عالم اینستکه آن ها ازیك طرف علوم وفلسفه وادبیاتی را که بروی ساختمان روحی ملی ایشان اتکاء دارد ترقی و ازطرف دیگر علوم، فلسفه ، ادبیات و . . . ملل دیگررا وارد وطن خود نموده آن را با مبادیات روحی و اخلاقی ملل خود شان تطبیق وجزء کولتور ملی خودمیگردانند و آن را رنگ ملیت میدهند یا به تعبیر بعضی ها بران (تاپهٔ) ملی میزنند ، گویا اکادمی ها در حیات اجتماعی ملی و حیات عمومی بین المللی دارای رول عمده و مهمی میباشند و ازهمین جهة است که باید وجود پشتوتولنه را که اکادمی افغانستان میباشد بسیار قدر کرده اهمیت اقدام بزرگی را که حکومت متبوعه درتاسیس این مؤسسهٔ نافعه بعمل آورده است بسیار بزرگ دانست زیرا اگرخدا بخواهد این مؤسسه منشاء تمام نهضت های آتیهٔ ملی ما خواهد بود زیرا این مؤسسه محی زبان و ادبیات پشتو و وارد کنندهٔ علوم وفنون ، فلسفهٔ دنیا درمملکت میباشد وچون مرامنامهٔ

(۱) طوریکه در تاریخچهٔ اکادمی ها مطالعه میفرمائید پیدایش اکادمی های اولیه نه باین مقصد بلکه جنبهٔ مدرسه وی داشته است ولی امروز مرام آن‌ها عوض شده باین حال درآمده است « ترمکی »

پشتو تولنه را در ذیل این مقاله الحاق مینمائیم از این جهت زاید در بارهٔ اهمیت و لزوم و وظیفهٔ مذکور بحث نکرده همین قدر میگوئیم که : مملکت ما مملکتی است کوهستانی و از روی بحر روی هم رفته (۲۰۰۰) متر ارتفاع داشته دارای هوا و فضائی است دلکش محیط مساعد برای برداشتن هر گونه محصولات لهذا مؤثرات متوالیه هوای نسبی ، محیط جغرافیائی ، رفاه و آسوده گی اقتصادی و صدها گونه عواملی دیگر یکه ازین گونه محیط ها در روح و جسم ملل رونما میشود همان طوریکه هویت ظاهری (جسمی) ملت ما را ممتاز جلوه میدهد در روح ملت هم استعدادات بس گران بهائی تولید کرده است که هر کدام آن استعدادها در موارد خودش مزیتی است که باین ملت میبخشد پس زبان ادبیات عرف وعادات قومی و اجتماعی و بالاخره تمام مسائلیکه را بطه با روح ملت دارد دارای اهمیت مخصوصی بوده زمینهٔ تتبع و کنجکاوی را تهیه میکند و ایجاب مینماید که اولاد های این خاك باید هر کدام علی قدر سهمهم دراحیا و تنمیهٔ این قبیل مفاخر ملی خود بکوشند و طبیعی بود که باید اکادمی مخصوصی در مملکت برای تتبع درینگونه مسائل روی کار میآید همین بود که این افتخار اولا نصیب اعلیحضرت شهید غفرالله له وسپس عائد به اعلیحضرت همایونی محمد ظاهر شاه شد زیرا که اولی اساس انجمن ادبی و دومی شالودهٔ پشتو تولنه را گذاشتند .

گفتم طبیعی بود بلی ؛ البته ما میل داریم سعادت آتیهٔ ملت ما تامین شود ، ملت عالم و باسواد گردد ، زبان پشتو تعمیم یافته استقلال زبان داشته باشیم ، علوم و ادبیات ملی ما بهر اندازه

و هر شکلی که هست در ادارهٔ واحدی تمرکز داده شده پیشرفت کنند ، افسانه ها و داستان‌ها وتمام عناصر مردم شناسی (فولکلور) از تمام زوایای مملکت جمع شود ، تاریخ ملی تدوین گردد ، افتخارات پدران پاك روان ما آفتابی شود ، قاموس ، گرامر زبان تدوین ومکمل گردد ، علوم ، ادبیات ، فنون ، صنایع نفیسه و فلسفهٔ عصری دنیا را تایهٔ ملی زده به جامعه نشر نمائیم وبالاخره بتمام فضائل معنوی ملت خود را مجهز به بینیم این‌ها وامثال این ها تماماً عواملی میباشند که وجود یك اکادمی را در مملکت ما ایجاب میکرد همین بود که خوش بختانه وجود پشتو تولنه این آرزوی ما را بر آورد و مملکت را دارای یك اکادمی گردانید .

تو جهات حکومت و زحماتی که وزیر دانشمند معارف سردار محمد نعیم‌خان درپیش‌برد مرام پشتو تولنه متحمل می‌شوند ودر اکثری ازجلسات آن شخصا حضور بهم میرسانند بما یقین میدهد که پشتوتولنه مانند تمام اکادمی های دنیا بالمره به مرام خود نائل خواهدشد .

تاریخچهٔ اکادمی ها :

برای اینکه خو بتر توانسته باشیم اهمیت پشتو تولنه و با لنتیجه اهمیت اقدام حکومت‌را درین زمینه‌نشان بدهیم رجوع‌میکنیم به تاریخچهٔ اکادمی های دنیا تادیده شود که ممالك عالم در طی چگونه زحمات اکادمی ها را اساس گذاشته و اکادمی های آن ها در ممالك خود شان مصدر چگونه خدماتی شده و دارای چه‌نوع اهمیت میباشند ؟ این است بالنوبه نگاشته می شود ولی باید ملتفت بود که ما تنها به

بردن نام و هویت همان اکادمی ها میپردازیم که دارای شهرت بین‌المللی اند و از بردن اسمای اکادمی های درجات دوم به علت جلوگیری از طویل شدن بحث خود داری میکنیم ؛

پیدایش کلمهٔ اکادمی :

همان طوریکه منشأ تمام افتخارات علمی ومدنی و فلسفی و صدها فضائل دیگر انسانی یونان است هم چنان منشأ اکادمی‌ها هم یونان میباشد زیرا این کلمه مولود مدرسهٔ فلسفیهٔ افلاطون‌است چه افلاطون بر خلاف شاگرد خود ارسطو که مدرسهٔ فلسفی خودرا در تفرجگاهی بنا نموده عنوان مشائی یافت درسگاه خود را در باغی که اکادیم نام داشته متعلق به پهلوانی موسوم به اکادموس بود بنا نهاده ازین سبب به مدرسهٔ خود عنوان اکادمی و به فلسفهٔ خویش نام اکادمیك داد و تا امروز هم وقتیکه نامی از فلسفه یا مدرسهٔ افلاطون برده می‌شود توام بانام اکادمی میباشد .

گویاافلاطون اولین مؤسس اکادمی ومدرسهٔ اونخستین اکادمی دنیا بوده است مرام اکادمی افلاطون خالص فلسفه و اعضای آن شاگردان‌او بودند که رشید ترین آن‌هاارسطو میباشد ، فلسفهٔ افلاطون در اطراف موضوعات مهمه ماو رای طبیعی و طبیعیات ونفسیات بوده اساس آن را به عقیده خودش ریاضی تشکیل میداد زیرا او در دیوار اکادمی نوشته بودکه « هرکه‌ریاضی نمی‌داند واردا کادمی نشود.»

بعد از افلاطون اگرچه دریونان انجمن های متعدد دیگری هم شبیه باین اکادمی روی کار آمد ولی چون آنقدر اهمیت ندا رند صرف نظر شد .

بعد ازان که یونان از سیادت وعظمتیکه داشت افتاد وبیرق علم ومعرفت بتوجه جانشینان اسکندریه اسکندر در اسکندریه بلند شد مدرسهٔ فلسفی دیگری در اسکندریه بوجود آمد که دارای عنوان اکادمی بوده است وآن را (اکادمی جدید Neu academy) نام میگذاشته اند ، این اکادمی هم دارای مرام فلسفی بوده بعلتی اکادمی جدید نامیده شد که مؤسسین آن میخواستند فلسفهٔ افلاطون را بابعضی ایزادات از مدارس دیگر فلسفی که بصورت انتخاب Eclactic (۱) ۹ بوجود آورده بودند تجدید نمایند ونیز دراوائل قرن ۳ میلادی اولین شاه بطالسه در اسکندریه انجمن دانشی به نام موزیم تاسیس کرد که شبیه به اکادمی های امروزه بوده است و اعضای آن اکادمی متبحر ترین مردان شرق ویونان بوده اند .

رویهمرفته اکادمی‌هائیکه بعدازان دراسکندریه وسپس درمراکز علمی وادبی رومای کبیر تاسیس شدند تماماً شبیه بانجمن هائی بوده است که نمی‌توان آن‌ها را اکادمی نام داد یعنی دارای شرائطیکه اکادمی‌ها میباشند نبودند .

اساس اکادمی های امروزه :

بعد ازقرن ۱۲ میلادی نهضتی دراروپا دیده شد که منشأ آن ایطالیا بوده است این نهضت اولاً بشکل یك نهضت‌ادبی که بعدها

فلسفی (۱) مدعا اقتباس افکار صحیح و طردافکار ضعیف از طریقه‌ها و مذاهب سائرهٔ است وچنین یك طریقه راکه دراخذ افکار دیگران پابند انتخاب باشد مدرسهٔ انتخابی میگویند .

رول عمدهٔ آن را دانت ، پترارك ، بوكاس به عهده داشتند جلوه نموده اولاً زمینهٔ سبك ادبی موسوم به هوما نیزم (بشردوستی) را حاضر وبعد ازان سبب انتشار دورهٔ رنسانس (انتباه و بیداری) در اروپا شدند.

دورهٔ رنسانس در اروپا در حقیقت آفتابی بود که باروپا طالع شده زوایای تاریك آن دیار را منور گردانید زیرا دورهٔ رنسانس ادبیات ملل اروپائی را احیاء، صنایع ایشان را ترقی ، علوم و معارف را ترویج داد .

گویا در نتیجهٔ مهارت وتبحر اشخاصیکه رول های رنسانس را به عهده داشتند علما ، ادبا ، صنعتکاران از در و دیوار باریدن گرفته هرطرف اروپا مخصوصا فرانسه بالاخص قسمت جنوبی آن مملکت یعنی (پراونس) کانون شعرا و نویسندگان شد پس اکادمی های امروزه‌را میتوان نتیجهٔ مستقیم حرکت یکدسته شعرای جنوبی فرانسه که ابتدا درشهر پراونس‌ظهور و از قرن ۱۱ الی‌اواخرقرن ۱۳ رونق افزا بودند دانست زیرا در سنه ۱۴۳۳ درین شهر اکادمی معنون (اکادیمیا پوشانیانا) تاسیس گردیده فکر تاسیس کردن اکادمی و لزوم آن را در اروپا ترویج و تعمیم دادند تا اینکه رفته رفته در هر مملکت اروپا اکادمی های متعددی که مصروف اصلاح و ترقی یك یك شعبهٔ زندگانی ملی بودند روی کار آمد گویا باین صورت اکادمی های امروزهٔ دنیا را میتوان به پنج نوع تقسیم کرد :

اول : اکادمی های علمی و فنی (۲) اکادمی های ادبی (۳) اکادمی‌های آثار عتیقه‌وتاریخ(٤) اکادمی‌های طب وجراحی (٥) اکادمی های صنایع نفیسه.

اینك درذیل به‌نهایت اختصار دراطراف‌معروف ترین اکاد میهای مذکور وارد بحث می شو یم و قبلا باید گفت که از اکاد میهای درجات دوم‌و سومی به نهایت اختصار و از اکادمی های درجه‌اول که در دنیا دارای شهرت ومقام بزرگی میباشند قدری مفصل تر بحث خواهیم کرد تا خو بتر بتوانیم درجهٔ لزوم و اهمیت اکادمی ها و وظایف آنهارا خاطر نشان نمائیم .

یکی از همین اکادمی های بزرگ و معروف اکادمی فرانس است که اینك مورد بحث قرار داده می‌شود .

اکادمی فرانسه :

درسنه ۱۶۲۹ چند نفرادبای پاریس دربین خود مجلس‌نموده قیصله کردندکه هر هفته جلسه کرده در اطراف موضوعات ادبی بحث کنند و وقتیکه یکی از ادبای مذکور کدام‌مضمون ادبی مینوشت همان مضمون را درمحضر رفقای دیگر خود قرائت میکرد . اگرچه اعضای این مجلس تعهد نموده بودند جلسات ایشان مخفی بماند و لی آوازهٔ مجلس مذکور به سمع ریشلیو وزیر معروف لوی ۱۳ رسید وقتی‌ریشلیو دید جلسه های ایشان به حال ملك وملت‌بسیارمفید است عهد کرد که شخصاازایشان حمایت نماید همان بود که‌برای تشکیل یك انجمن بحضور پادشاه وقت پیش‌نهاد نموده پیش‌نهادمذکوردر ۲۹ جنوری ۱۶۳۵ منظور شد .

اعضای رئیسهٔ این انجمن عبارت بودازیك مدیر ویك نفر مهر دار که بطور قرعه انتخاب میگردیدند ویك منشی که بقرار رای مقرر میشد ، وظیفهٔ مدیر ریاست بود و مهر دار سندات رسمی اکادمی را مهر ولاك میکرد . عدهٔ اعضای این اکادمی معین و چهل نفر بود

اما این تعداد تا سنه ۱۶۳۹ اکمال نگردیده بود .

وظیفهٔ مهم اعضا تحریر مقالات ادبی بود که به نوبت مینوشتند . بزرگترین خدمتیکه اکادمی مذکور دران وقت نمودهما تا تدوین قاموس زبان فرانسوی بود که درسنه۱۶۳۹ آغاز واولین طبع قاموس مذکور درسنه ۱۶۹۳ وآخرین آن که دفعهٔ ششم بود درسنه ۱۸۳۵ به عمل آمدوازان به بعد ضمائمی به قاموس مذکور الحاق گردیده است .

کارتدوین قاموس زبان فرانسه دران وقت درحقیقت آب حیاتی بود که به گلوی مریض محتضری ریخته شد زیرا السنهٔ دیگر اروپائی به شدت تمام بالای زبان فرانسه نفوذ میکرد وکمرآن را در زیر بار لغات بیگانه خم مینمود از همین جهته (وولته‌ربزرگترین نویسندهٔ آن عصر) این اقدام را چنین تمجید نموده بود :

« این هیئت کوچکی‌که آن راجمعیت میگویند شکوفهٔ بشریت است وبزرگترین انسان ها برای اجرای مرام آن ها کارمیکند» ومولیئر گفته بود : « چیزیکه باید ازهمه بیشتر حاصل کرده شود ذوق دربار شاهی است زیرا درهیچ جامانند در بارشاه تصاویب درستی اتخاذ کرده نمی شود . »

تشکیل دوبارهٔ اکادمی مذکور :

انقلاب معروف سنه ۱۷۹۳ فرانسه هم چنان‌کا کثری‌ازموسسات قبل از انقلاب را ازبین برد اکادمی فرانس هم‌سقوط کرد وبعدازان مجلس کونواسیون که درخرابه های باستیل بوجود آمده بود ، تصمیم کرد تا تمام موسسات ویران شدهٔ انقلاب رابصورت یك موسسهٔ جامعی

مجدداً تشکیل واحیانماید همین بود که اکادمی معروف فرانس را که تا کنون وجود داشته ازمعروف ترین وبزرگترین اکادمی های دنیا میباشد تاسیس نمود اعضای اولیهٔ این اکادمی ۱۸٤ نفر از مرکز پاریس و۱۸٤ نفر ازاهالی اطراف وولایات داخلی فرانسه و۲٤ نفر خارجی تعین گردیدند .

هر کدامی از اعضای این اکادمی در وظیفهٔ خود مختار بوده همه وقت مورد نوازش حکومت واقع میشدند .

این اکادمی در اول تاسیس خود دارای سه شعبه بوده است از قبیل : « ۱ » علوم طبیعی وریاضیات « ۲ » علوم اخلاقی و سیاسی « ۳ » ادبیات و صنایع نفیسه .

اولین جلسهٔ این اکادمی در سنه ۱۷۹٦ منعقد گردید و بعد ازان ناپلیون کبیر در اکادمی مذکور بعضی تعدیلاتی وارد کرد و تعدیلات مذکور در سنه ۱۸۳۲ دوباره فسخ شده اکادمی بحال اصلی خود عودت و اکنون دارای پنج شعبه مثل :(۱) شعبهٔ علوم طبیعی وریاضیات « ۲ » ادبیات وزبان فرانسه « ۳ » تاریخ و ادبیات قدیمه « ٤ » صنایع نفیسه « ٥ » شعبهٔ علوم اخلاقی و سیاسی میباشد .

این اکادمی دارای یك خزانهٔ عمومی و یك کتابخانهٔ بزرگی میباشد که بادیگر معاملات مربوطه از طرف هیئت داخلی اکادمی که بصورت انتخاب معین می شوند اداره کرده می شود .

همان سکیسون اکادمی مذکور که موظف به زبان و ادبیات فرانسه است به نسبت سکیسون‌های دیگر برآن دارای مزیت واولویت

میباشد و این سکیسون همان سکیسون معروف است که ادبیات امروزهٔ فرانسه مرهون خدمات او میباشد .

این سکیسون که امروز مدلول یگانهٔ اکادمی فرانسه میباشد دارای چهل نفر اعضا است که ایشان را اهل فرنگ Immortels (لایموتها) نام میگذارند .

رجال معروفیکه درین اکادمی بالنوبه حائز رتبهٔ سکرتری بوده‌اند عبارت‌اند از ، سوارد ، فرانسواژ وست‌رینوارد ، فرانسوا آندرو ویلامین ، لامارتین ، و یکتور هوگو .

این اکادمی در معاملات‌سیاسی هیچ رابطه و علاقهٔ ندارد وتمام مساعی‌خود را در احیا وترقی زبان وادبیات فرانسه حصر کرده اند از ین سبب رژیم های متوالی وپیهم سیاسی که مانند صحائف کتاب در ان مملکت زود زود ورق میخورند هیچوقت در امور اکادمی مداخله نمی نمایند .

برای‌این اکادمی عطایای هنگفتی وقف‌گردیده است که‌میتواند تمام حوائج اکادمی واعضای آن را جبران نماید .

این اکادمی هرساله درحدود چهل هزار فرانک به اشخاصیکه در زمینه های علمی وادبی وغیره توجه اکادمی را بخود جلب‌کنند بنام جائزه میدهد .

شرائط دخول درین اکادمی :

در اکادمی فرانس محض همان اشخاصی حق دخول وعضویت‌را دارند که دارای سن معینهٔ اکادمی بوده صاحب شهرت و سوابق

خوبی باشند از همین جهة در قرن ۱۷ مولیر بزرگترین نویسندهٔ آن عصررا به علتی به اکادمی نه پذیرفتند که او مشهور به (آکتور) بوده به شهرتش لکهٔ موجود بود ولی بعد ازانکه او مرد اکادمی دانست که دربارهٔ آن شخصیت بزرگ مرتکب سهو عظیمی شده‌است پس برای تلافی این کفارهٔ ادبی وعلمی مجسمهٔ نیم تنهٔ اورا تراشیده درسالون اجتماع عمومی اکادمی نصب کردند و به نوشتن این عباره حق آن مرد نامی را ادا نمودند :

« در شرافت مولیر نقصی عائد نگردیده تقصیر از ماست »

کرسی های این اکادمی وقتی یك مرتبه اشغال شد تا وقتیکه صاحب آن زنده است مال اوست وباز وقتی دارندهٔ کرسی فوت کرد نام او را در زمرهٔ (به عقیدهٔ خود شان) لا یموت ها داخل مینمایند وشاید این لقب برای این باشد که آثار ایشان تا ابد نام آن هارا زنده نگه میدارد .

مؤثرات این اکادمی :

اما دراینکه این اکادمی چه تاثیرکرده است ؟ برعلاوهٔ اینکه میتوان ادبیات ، زبان ، علوم ، فنون ، فلسفه وصدها عوامل دیگرمدنی مملکت فرانسه بلکه اکثری ازممالك دیگر را ازموثرات این اکادمی پنداشت ، رجال بزرگ و متفکرین نامورهرکدام درتعریف وتوصیف این اکادمی چیزهائی نوشته‌که ازهمه وياچند نفرآن ها به علت ضیق بودن صحف مقاله صرف نظر کرده تنها قول ارنست رینان فیلسوف فرانسه را ذکرمینمائیم :

ارنست رینان مینویسد : « بواسطهٔ همین اکادمی است که شخص میتواند دراطراف زبان ، شرف ، ادب فرانسه بدون خودنمائی و علم فروشی هرچه میخواهد بگوید ، نگوئید که آن ها (اعضای اکادمی) چیزی نکرده اند این مخلصان وفدائیان راه تهذیب حیات خویش را وقف تحقیق وتدقیق الفاظ وسنجش اجزای کلمه نموده اند . آن ها چنان شاه کاری بوجودآورده اندکه عبارت از زبان فرانسه است » .

این است مقام ، اهمیت ، خدمت وبالاخره رؤس معلومات دراطراف اکادمی فرانسه .

انجمن شاهی لندن یا اکادمی انگلستان :

انجمن مشهور شاهی لندن دراثر تحریك فرانسس بایکن (۱) بوجود آمد چه مشارالیه دریکی ازمحررات خود سفارش کرده بود که باید درانگلستان انجمنی که در تربیت و ترقی دادن علم بصورت درستی بکوشد تشکیل نمود اما حلول جنگ داخلی درانگلستان اجرای این تجویز را به تعویق انداخت وبازدرسنه ۱۶۶۳ دراثر فرمان چارلس دوم درانگلستان انجمنی بنام انجمن شاهی تاسیس گردید وچارلس پادشاه انگلستان که میل زیادی به تعمیل آن داشت (۱۳۰۰) پوند برای لوازم اداری وتعمیل نقشهٔ مذکور از جیب خود داد ، جلسهٔ نخستین این اکادمی درماه مارچ سنه۱۶۶۳ تحت ریاست (وسکونت بروکر)

(۱) بایکن : فیلسوف معروف انگلیس وهمان مردی است که فلسفهٔ تجربی را که امروز مروج است اساس گذاشت . گرچه ابتکار آن راجع باین سینا است ولی تعمیم مذکور و مدنیت حاضره بوسیلهٔ بایکن شده است (ترکی)

که شخص نجیب و در علم ریاضی تبحرز زیادی داشت انعقاد یافت . این اکادمی مدت ۲۷۰ سال درحیات فکری وعلمی ملت انگلیس رول منحصر به فرد ونهایت مهمی را بازی کرده است .

روسای آن بالنو به عبارت ازنیوتن کبیر ، دیوی ، هوگر ، کلوین وها یکنس است که هرکدام درموضوعات متخصصهٔ خود علامهٔ ز مان خویش بوده اند .

چون انجمن شاهی لندن درمیان مجامع دیگر علمی انگلستان دارای مقام شامخی میباشدازین جهة باید قدری مفصل دراطراف آن بحث کرد .

اکادمی مذکور دارای ٤٥٠ نفر عضومیباشد وغیر ازین اعضا که همه انگلیس ودارای تابعیت انگلستان اند دارای تقریبا ٥٠ نفر عضو خارجی هم میباشدکه از جملهٔ اعضای طبیعی ۷۷ نفر برای فزیك وعلم لمواسم و ٥٣ نفر برای ریاضیات و٢٤ نفر برای انجنیری و۷۰ نفر رای کیمیا و۹۰ نفر برای طب و۳٦ نفربرای حیوان شناسی و۳٤ نفر رای گیاه شناسی و۳٥ نفر برای علم طبقات الا رض و ۱۰ نفر برای لم النفس و ۱۸ نفر برای مو ضو عات متفرقهٔ علوم و ۸ نفر برای سور ملی و ۳ نفر برای عتیقه شناسی است .

منتظری که میخواهد به صفت عضو یت وارد اکادمی شود باید ی یاچندی ازاعضای اکادمی را طرفدار خود بسازد تا اسم اورا اکادمی به صفت عضویت پیش نهاد کنند واین انتخاب را باید ش نفر عضو دیگر اکادمی تصدیق نمایند تابعد ها به تصویب برسد .

امور اداره وانتظامات اکادمی ازوظیفهٔ رئیسی است که برای سال به اکثریت آرا ازطرف اعضای انجمن انتخاب میگردد این رئیس یفهٔ مفوضهٔ خودرا به اتفاق یك نفرخزانه دار و۲۲ نفرعضوکه ازطرف

اعضا با کثریت آرا ازبین خود اعضای انجمن انتخاب می شوند اجرا مینمایدبعدازآنکه مدتتقرر رئیس مذکورختم شد دوباره انتخابات شروع میگردد وجائز است اگر رئیس برای دوم بارهم انتخاب کرده شود .

حکومت انگلستان درهر سال برای تحقیقا ت علمی تقریبا ۶۰۰۰ پوند بانجمن مذکور میدهد .

اعضای انجمن مذکوردرهیئت های انتخابیه کهبرای تقررپروفیسور ها در دارالفنون ها ومدارس عالیهٔ دیگرتشکیل می شود نیز نمایندگی دارد .

باین اکادمی ازطرف متمولین محض بغرض خدمت درراه پیشر فت علم هرساله یك یك مبلغ هنگفت پول بطور اعانه داده می شود وا نجمن مذکور ازهمین مبلغ هرساله مبالغ هنگفتی را بنام جا ئزه به مقتد ا یان علم وفن بطور تشویق انعام میدهد . امادر ا ینکه این اکاد می در تطور ذهنی وعلمی وادبی ملت انگلیس چه تاثیری نموده است ؟ میتو ان گفت وکتب تاریخ علوم ، فنون ، فلسفه ، ادبیات صنا یع وبا لا خر ه تواریخ تمام شئون زنده گانی بشر گواهی میدهد کهتاثیر بسیار نموده است واینکه اگر بخواهیم درجهٔ تاثیر این اکا دمی را با اکا دمی فرانس مقایسه کنیم مجبوریم به نوشتهٔ یکی از علمای ا نگلیس ما تو آرنولد رجوع نمائیم زیرا او دربین این دو اکادمی مقایسه وقضاوتی نموده است

ماتو آرنولد درمقالهٔ خود که بهعنوان تاثیرات ادبی اکاد می ها نوشته ونوشتهٔ مذکور راعیناًدردائرة المعارف بریتا نیکا اقتباس کرده اند وما این سطور را ازان دائرة المعارف التقاط مینما ئیم :

« درانگلستان کهچنین اکادمی وجود ندارد آن حرکات غریب و غیری معمول آن روحیهٔ محدود وآن خشونت وپستی بهنظر میرسدکه

بواسطهٔ نوابغ آن جبران پذیر نیست . . . . . » .

کلمهٔ (چنین) درجلهٔ فوق اشاره به اکادمی فرانس استزیرا اودر نوشتهٔ خود اکادمی فرانس را دربار عالی ادبی نامداده است .

این است مقام وتاثیر علمی و ادبی و . . . دواکادمی بزرگ اروپا ولی دراینکه نهضت اکادمی در ممالك دیگر اروپائی چطور و در چه وقت رو داده است ؟ این خود موضوعی است که از دائرهٔ احاطهٔ این مقاله خارج میباشد وصرف اینقدر میتوان گفت که : اولین اکادمی در استریا درسنه ۱۸٤٦ عیسوی ودر سنه ۱٦۷۲ درجرمنی و درسنه ۱۷۲۰ درروسیهٔ تزاری یعنی امپراطوری رو سیه و . . . . تأسیس شده استکه هر کدامی ازان ها درممالك خودشان خدمات گران بها ودر ممالك دیگر موثراتی دارند که روبهمرفته غنیمت بوده است .

تصور میکنم حدمحدودیکه برای این مقاله درنظر است در زمینهٔ اکادمی های فرنگستان کافی باشد .

حالا نوبت آن آمدکه قدمی نزدیك تر آمده دراطراف انجمن های علمی و ادبی ممالك اسلامی مخصوصا تورك، ایران ، هند ، مصر صحبت کرده ببینیم که اوضاع انجمن های دول مذکور کهرکدام در عصر خودش بمنزلهٔ اکادمی بوده است چطور بود ؟ و اکنون چیست ؟

تورکیه :

نخستین مجمع دانش تورکیهکه میتوان آنراشبیه به اکادمی پنداشت انجمن (ثروت فنون) بود که دراواخرسلطنت عبدالحمیدثانی (اواخر قرن ۱۹) دردولت عثمانی تاسیس گردیده بود .

این انجمن غیر رسمی و مرکب ازفضلا ودانشمندان ترکیه بود که در زمینه‌های مختلفهٔ علمی، ادبی، تاریخی و بالاخره تمام مسائل اجتماعی خدمات شایانی به ملت عثمانی انجام داد.

این انجمن دراوقات معین هرماه مجمع میکرد ومجلهٔ هم بنام ثروت فنون ازان مجمع انتشار می یافت.

ازرجال بزرگیکه این اکادمی را بذریعهٔ قلم وافکار خود اداره میکردند میتوان رجائی‌زاده، محمود اکرم، نامق کمال، احمد مدحت و بعدازان‌ها عبدالحق حامد، احمد احسان، فیلسوف رضاتوفیق وحسین جاهد را نام برد.

بعد ازانجمن ثروت فنون دران مملکت انجمن دیگری معنون به (فخرآتی) تاسیس و سپس مجمع بزرگتری بنام (تورك اجاقی) که موسس‌آن فیلسوف جوان تورك (ضیا گوك آلب) بود تأسیس گردید این انجمن طوری که ازنام آن فهمیده می‌شود انجمنی بود دارای مرام مفرط ناسیونالیزم (ملت خواهی) زیرا دران انجمن اعضای عالم و درعین حال باحرارتی جاگرفته ازجریانات ناسیونالیزمی اروپا متأثر ودر زمینهٔ علم، تاریخ، ادبیات طوری رویه میکردند که تمام علوم قدیمه را باید هرطوری هست به ملت خود شان نسبت بدهند و اثبات کنندکه پیش قدمان تمدن دنیا افراد ملت ایشان بوده اند.

بعد ازین انجمن اگرچه دران مملکت انجمن های متعدد ومختلف دیگری از قبیل، (تورکیات انستیتوسی) وامثال آن روی کار آمد ولی‌هرکدام آن ها دارای‌عمرکمی‌بوده رویه سقوط رفتند. ولی اکنون امروز درمملکت ترکیه مؤسسهٔ یگانه که میتوان آن را بتمام مفهومش اکادمی نام داد همانا (انجمن زبان وتاریخ تورك) میباشد.

این انجمن مؤسسهٔ رسمی دولتی بوده رئیس بزرگ آن کمال آتا تورك (رئیس جمهور) آن مملکت میباشد ، اعضای آن عبارت از مبرزترین رجال تورك و اشخاصی میباشند که هرکدام در زمینه های متخصصهٔ خودها به رتبهٔ دکتوری نائل شده اند .

این انجمن دارای دو شعبه است یکی سکیسون (شعبهٔ) تحقیق تاریخ تورك ودیگر سکیسون (شعبهٔ) زبان وادبیات تورك میباشد.

اکثری ازاعضای این دوشعبه درفاکولتهٔ تاریخ ، زبان ، جغرافیه هم سمت استادی(پروفیسوری) دارند واکثراً درمجلهٔ رسمی سکیسون های مذکورمضامینی راکه پروفیسورها دراثنای درس برای شاگردان ایراد کرده اند برای اطلاع عامه نشرمیکنند .

این انجمن ها بعد ازیك یك مدت معینی ازپروفیسورها و متخصصین زبان وتاریخ خارجه دعوتی نموده مجلس بزرگی که آن را(کورولتای یعنی لویه جرگه) نام میگذارند منعقد میکنند تانتیجهٔ تحقیقات ایشان کاملاً شایع وتعمیم گردد .

رویهمرفته قیمت واهمیت علمی کار ایشان هر چه میخواهد باشد اکادمی مذکورباجدیت وعزم مردانهٔ کار میکند وطرف توجه اتا تورك واقع شده است وازهمه مهمتراینکه این اکادمی درزمینهٔ زبان تطوری (نظریهٔ زبان آفتاب) و درموضوع تاریخ نظریهٔ مقایسه جمجه‌را بوجود آوردهٔ ازان حسب مطلوب نتیجه بر آورده اند که این نتائج در نزد مبتکرین آن بس گران بهاوقناعت آور است .

اعضای مبرز این اکادمی ، بای شمس‌الدین وبای فوادکوپرولو وبای یوسف ضیا وبای احمد جواد وبای‌عبدالقدیر وبایان آفت و ... میباشند

رویهمرفته اعضای اکادمی مذکور ادعا دارند که با وضع کردن نظریه های تاریخ وزبان درزمینه های‌مذکوره حائز موفقیت شده اند.

ایران :

اگرچه از سنوات قبل یعنی از ابتدای انقلابات سیاسی ایران باین طرف‌دران مملکت انجمن‌های متعدد ومختلفی بادارائی مرام‌های علمی، ادبی ، تاریخی ، اجتماعی وبالاخره هرگونه شئون حیاتی روی کار آمده هرکدام آن‌ها علی قدر قدرتهم درزمینه‌های متعهدهٔ خویش خدمت کرده‌اند اما انجمن های معروف آن مملکت‌که هرکدام بشکل اکادمی های کوچکی بوده است عبارت از انجمن دانشکده بود که‌ٔمؤسس آن آقای ملك الشعرای بهار و انجمن فرهنگ که مؤسس آقای ترجمان الممالك و انجمن تربیت در تبریز که مؤسس آن میرزا محمد علیخان تربیت وانجمن ادبی ایران که مؤسس آن آقای شهزاده افسر بوده است .

ازانجمن‌های متذکرهٔ فوق اکنون فقط تنها انجمن ادبی ایران باقی وبایه دار است که فعلاً هم ریاست آن را همان مؤسس اولیهٔ او آقای شهزاده افسردارا میباشند . یگانه اکادمی که بهراسم ورسم میتوان آن‌را اکادمی گفت فرهنگستان ایران است .

این اکادمی که دارای نام فرهنگستان میباشد مستقیماً اکادمی است زیرا آقای فروغی در موقعیکه زمام اداره و سیاست ایران را بدست داشته رئیس الوزرای آن مملکت بودند اکادمی مذکور را شخصاً افتتاح ودرخطابهٔ افتتاحیه خود (فرهنگستان) را مقابل کلمهٔ اکادمی استعمال کردند .

این اکادمی در ۲۹ ماه ثور سنه ۱۳۱٤ با رادهٔ اعلیحضرت پهلوی دران مملکت تاسیس گردیده دارای ۲٤ نفر عضو طبیعی است که ریاست آن را آقای حسن وثوق (وثوق الدوله) که یکی‌ازفضلای نامور آن کشورند دارا و مهمترین وزبده ترین اعضای آن آقای ابوالحسن فروغی وآقای بدیع‌الزمان فروزان فرو آقای سعید نفیسی وآقای دکتور شفق وآقای علی اصغر حکمت وآقای دهخدا و آقای یاسمی میباشند .

مرام این اکادمی حفظ وترقی زبان وادبیات ایران وجمع کردن آثار ملی و بالاخره انجام هر گونه وظائفی است که مربوط به ثقافت (کولتور) ایران میباشد .

این اکادمی درمواعد معینهٔ قانون نامه خود جلسا تی عقد و در اطراف موضوعات موظفهٔ خویش شوروغور میکنند ومیتوان گفت که از روز تاسیس خود تاامروز که درحدود دو سال می‌شود اکادمی مذکور در وظائف خود مخصوصاً درقسمت وضع کردن لغات جدیده که آن را وسیلهٔ یگانهٔ استقلال زبان فارسی قرار داده اند خدمات خوبی کرده است .

هند :

دیار وسیع وپهناورهند که سر زمین فلسفه ، ریاضی ، نجوم وبالاخره اکثری ازعلوم‌وادبیات قدیمه است درقرون اخیره هم درزمینه های علمی نهضتی نموده انجمن ها و مؤسسه های بزرگ بزرگ علمی ادبی را دیده است که دران دیار تاسیس وبعد از یك مدتی از بین رفته اند .

بعضی ازانجمن های علمی آن دیار که اکنون هم موجود است انجمن ریاضی کلکته - و انجمن ریاضی هند و انجمن گیاه شناسی هندو انجمن کیمیا وی هند است که زیاده تراز دارائی ماهیت یك اکادمی شبیهٔ، انجمن های عمده وبزرگ علمی میباشد که دریك رشتا ازعلوم طبیعی دارای اختصاص اند .

انجمن‌های علمی هند که میتوان آن هارا دارای ماهیت اصلیهٔ اکادمی پنداشت همانا دو اکادمی است که یکی آن (انجمن آسیائی بنگال) ودیگری (اکادمی علوم و لایات متحده) میبا شند که این است به نوبت بحث کرده می‌شود :

انجمن آسیائی بنگال درسنه ۱۷۸٤ ازطرف مستشرق معروف سرولیم جونز تأسیس گردید تا درا طراف تاریخ قدیمهٔ هند و تاریخ قرون وسطی وآثار عتیقه مشغول شود. همان بود که در هر سه مورد مخصوصا درقسمت سوم وظیفهٔ خود. خدمات شایانی نموده است.

اکادمی علوم ولایات متحده در سنه ۱۹۳۰ درآله آباد تاسیس گردید اعضای این انجمن اغلب از همان ولایت بوده و یك عده اعضای دیگر مذکور از ولایات دور دست میباشند. این انجمن دارای یك کتابخانه و یك مجله است که درهرسه‌ماه یکبار نشر می شود .

غیر از ین اکادمی ها و انجمن ها ئیکه ذکر شد در هند بسا انجمن های غیر رسمی دیگری هم وجود دارد که با انجمن ها ی علمی رسمی و دولتی همیشه معاونت مینمایند و این انجمن ها هر کدام در یك یك زمینه های عمدهٔ علمی مصروف تحقیقات و تتبعات میباشند .

مصر :

علامهٔ فرید وجدی درجلد اول دائرة المعارف وجدی در ختم مادهٔ

اکادمی مینویسد :- « در مصر هم جمعیاتی شبیه باین اکادمی (اشاره به اکادمی فرانس) تاسیس شد ولی چون آن ها مستند به معاونت وسلطهٔ حکومت نبودند منحل شدند »

علامهٔ مذکور دردائرةالمعارف مزبور احتیاج شدید زبان وادبیات عربی را به وجود یك اکادمی خاطرنشان کرده در اخیر تاسیس یك اکادمی شبیه به اکادمی فرانس را از حکومت مصر التجا کرده است. پس معلوم است که در مصر تازمان تدوین دائرةالمعارف موصوف واکادمی لغویهٔ کذیلا عرض کرده می‌شود موسسهٔ شبیه به اکادمی موجود نبوده واگر بوده هم بعد از یك مدت کوتاهی از بین رفته است که در محضر علم شهرتی ندارد .

اکادمی لغویهٔ عربیه (الاکادیمیة اللغویة العربیه) :

درماه ستمبر ۱۹۳۲ حلمی‌عیسی پاشا وزیر معارف مصر اکادمی در مصر به عنوان (الاکادیمیه اللغویة العربیه) تاسیس کرد و اساس اکادمی مذکور طوری گذاشته شد که باید از فضلای تمام ممالك عربی اللسان و برخی از مستشرقین راجع بلغت وادبیات عربی وبعضی از علوم دیگر استعانت نموده شود .

این اکادمی موظف است تا بوسیلهٔ وضع کردن لغات جدیده و تدوین قاموس مکمل عربی زبان عربی را برای رفع حوائج علمی و فنی و بالاخره تمام شئون زندگانی مستعد نماید زیرا علمای مصر عقیده دارند « وحقیقت هم‌همین‌است » که زبان چون مولود زندگانی بشر است طبعا مثل نوامیس دیگر بشری محکوم به تحول و تکامل میباشد از ین جهت اکادمی که یگانه وسیلهٔ تکامل السنه میباشد برای زبان عربی کمال لزوم و اهمیت را داشت .

رویهمرفته این اکادمی طوری تاسیس شده که شبیه به اکادمی فرانس باشد و مقرر گردیده است که ده نفر از اعضای این اکادمی از افراد علمای تبعهٔ مصر و ما بقیه از اقطار ممالك دیگر عربی و مستشرقین باشند که به لغت و ادب عرب رابطه و علاقه دارند .

چون اساس این اکادمی برروی مبانی قویه و وسائل اساسی گذاشته شده است امید میرود بتواند در مصروبالاخره درممالك دیگر عربی زبان از ناحیهٔ لغت ، زبان ، ادبیات و علوم مصدر خدمت شایانی شود .

این است مطالعات مختصری که در اطراف اکادمی های ممالك نموده شد حالا موقع داریم به وطن خود برگشته به بینیم ما درین راه چه کرده و چه میکنیم ؟ :-

نخستین انجمن علمی درافغانستان در قرون اخیره :

در سنه ۱۳۰۹ اعلیحضرت مغفور شهید (محمد نادرشاه افغان) بنابرعشق وعلاقهٔ که بمطبوعات ومفاخرملی خود داشتند اراده فرمودند درکابل انجمنی تاسیس شود که مرام آن پیش برد ، ادبیات ملی ، تعمیم علوم ، تدوین تاریخ وطن ومسائل دیگریکه رابطه بحیات علمی مملکت دارد باشد . این فکر شاهانه عملی شده ، انجمنی بنام (انجمن ادبی) تاسیس و یکعده فضلا و نویسندگان وطن را به صفت عضویت وارد انجمن کرده ریاست آن را به ع ، ج ، محمد نوروز خان سرمنشی حضور شاهانهٔ شان سپردند.

انجمن ادبی از روز تاسیس خود الی اول ثور ۱۳۱۶ که روز تحویل آن به پشتو تولنه میباشد بدستیاری اعضای فاضل و حسن

ادارهٔ رئیس صاحب فعال و توجهاتیکه از مقام منیع پادشاهی مبذول میشد به انواع وسائل پیشرفت امور کا شانستهٔ یك انجمن فعال و کار کنی باشد متوسل شد مثلا وقتا فوقتا دعوتی از اعضای افتخاری خود نموده در زمینه های مهمهٔ وظائف خویش از اوشان استعانت و برای اینکه نتیجهٔ کار ها و تتبعات اعضا به عامه تبلیغ شده خدمتی بعرفان مملکت نموده شود مجلهٔ بنام مجلهٔ کابل انتشار داد .

چون افغانستان درین چند سال اخیر در اثر جدیت و زحمت مقامات عالیهٔ مملکتی درهررشته از امورمصدر اصلاحات عمده وبزرگی شده است، لهذا انجمن ادبی برای اینکه از مجاری امورسالانهٔ وطن و اجراآت مامورین ودوائر و بالاخره روح سعی و عملیکه خوشبختانه درمملکت تولید شده است سالیانه تذکری نموده باین وسیله روح کار رادر افراد داخلی تنبیه وسبب‌معرفی پیش رفت های‌امور اداری مملکت درخارج شود به نشر سالنامهٔ معنون به سالنامه کابل اقدام کرد .

این مملکت قدیم و دارای هزار ها افتخارات تاریخی باز هم متاسفانه تاریخ مدونی ازملت ونیاکان خود نداشت پس انجمن ادبی بوسیلهٔ اعضای طبیعی و افتخاری خود سعی کرد تاریخ وطن را از چندین جنبه مثل تاریخ سیاسی ، تاریخ ادبی ، علمی ، احیای اسمای رجال نامور و امثالهم در طی مقالات ، کتب ، رسالات ، سالنامه ها روشن نموده زمینه‌را برای‌تحقیق‌وتتبع درتاریخ‌افغانستان بازکردبحدی که اکنون بتاسی انتشارات انجمن ادبی هر فرد صاحب سواد وطن بکمال سهولت میتواند نقاط باعث افتخاری تاریخ و طن خود را به خاطر بیاورد .

یکی ازبزرگترین خدماتیکه‌انجمن ادبی‌نمودهمانا به‌میدان‌پر آوردن

یکعده شعراء محررین، تذکره نویسان است که در اثر نشریات و افتراحات و جوائز انجمن تشویق شده خود را بذریعهٔ مقالات، اشعار، نوشتن تذکره های بعضی از رجال ادبی، علمی وغیره وطن بجامعه معرفی کردندواین خدمت انجمن بحدی بارزاست کهاگر احصائیه نویسندگان وشعرای قبل از انجمن باشمارهٔ نویسندگان و شعرای حاضره مقایسه کرده شود دفعة حس کرده می شود.

رویهمرفته انجمن ادبی در اثر انتشار کتب، مجلات کابل، سالنامه ها، طرح نمودن اقتراحات و اعطای جوائز و امثال آنها در راه بیداری و عرفان مملکت خدمات غیر قابل انکاری نموده است چنانچه یکی از خدمات بزرگ او این است که او سبب نشر افکار شاهانه راجع به احیای زبان پشتو و تهیه نمودن زمینه برای ترقی و تعمیم زبان شده است زیرا انجمن ادبی از اشعار شعرای نامور پشتو منتخبات واقتباساتی نموده وقتا فوقتا به مجلهٔ کابل نشر و در اطراف اهمیت زبان پشتو و رویهمرفته اهمیت السنه و زبان مستقل برای یك ملت مستقل در مجله، سالنامهٔ کابل مقالات متعددی نشر کرد تا اینکه از داخل و خارج اذهان را ملتفت و متوجه اهمیت و مقام زبان پشتو نمود و بتاریخ ۲۰ حمل ۱۳۱۶ که ع، ج، سردار محمد نعیم خان بوزارت معارف مقرر شدند ریاست رسمی انجمن را حائز و آن را مبدل به پشتو تولنه فرموده بشکل اکادمی در آوردند.

بعد از انکه انجمن ادبی عنوان پشتو تولنه یا اکادمی افغان را یافت وظائف آن وسعت و برعدهٔ اعضای مذکور افزود شده به چهار شعبه منقسم گردید از قبیل: شعبهٔ تالیف و ترجمه، شعبهٔ ادبیات، شعبهٔ نشریات، شعبهٔ لغت و صرف و نحو پشتو.

***

پشتو تولنه در ظرف یك سال بوسیلهٔ شعب خود مصدر خدمات قابل‌قدری شده است که‌میتوان گفت بهمین اندازه موفقیت درمراحل اولیه برای یك موسسهٔ علمی منتهای موفقیت است .

این است برای اینکه نتیجهٔ اجراآت و کارهای یك سالهٔ پشتو تولنه را بطور مختصر از نظر قارئین گرام گذرانیده باشیم امورات هر شعبه علیحده علیحده مورد مطالعه قرار میگیرد :

شعبهٔ تالیف و ترجمه :

چون مرام عمدهٔ شعبهٔ مذکور تدوین تاریخ افغانستان است ازین جهت‌اجراآت‌او زیاده‌تر دراطراف تحقیق‌تاریخ‌افغانستان‌انحصار دارد و بنابران‌شعبهٔ مذکورطوریکه ذیلامطالعه‌میفرمائید درظرف این مدت‌قلیل موفقیت خوبی حاصل کرده است :

مؤلفات و ترجمات شعبهٔ مذکور :

« ۱ » صنعت باختر :

تالیف موسیو ژوزف ها کن ، ترجمهٔ جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبهٔ تالیف وترجمه ، این کتاب که بشکل رسالهٔ کوچك به فارسی وفرانسه نشر شده اگرچه بیش ازیك مقاله نمیباشد بذات خود خیلی مهم است زیرا بعد از کشفیات قندوز ثابت میسازد که مهد تولدی صنعت گریك وبودیك درشمال هندوکوه در بکتریان است .

« ۲ » بگرام :

تالیف جناب احمد علیخان کهزاد مدیر شعبهٔ تالیف وترجمه ،

هیئت انجمن ادبی (پښتو تولنه)

L'Academie Afghane



ع ، غلام جیلانی خان اعظمی معاون عمومی
انجمن ادبی
M. Gholam Djelani Aazami
vice-directeur

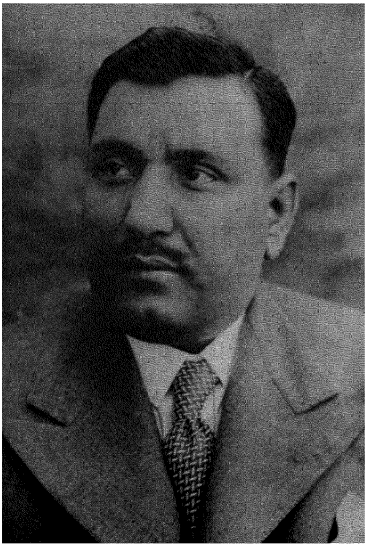

ع ، ص شهزاده احمد علیخان درانی مدیر عمومی
انجمن ادبی
M. Chahzadah Ahmad Ali Khan Durrani
directeur général

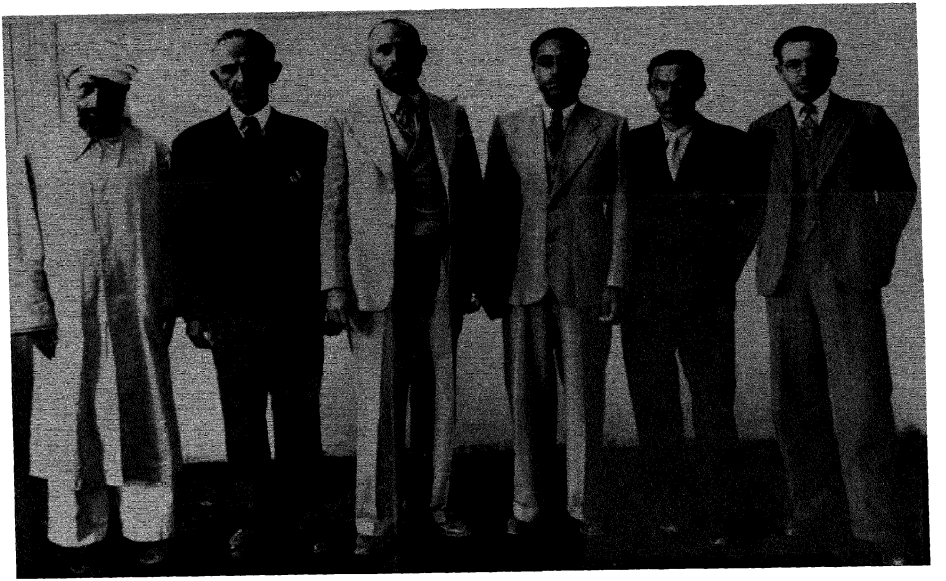

هیئت انجمن ادبی شعبهٔ تالیف وترجمه - ازراست بچپ : ص ، عبدالمقورخان مترجم انگلیسی - ع ، عبدالباقی خان
اضیعی عضو - ع ، احمدعلیخان کهزاد مدیر - ع ، یعقوب حسن خان معاون - ص ، عبدالواحدخان مترجم روسی
ص ، اورادالدین خان مترجم عربی - ص .(عبدالخالق خان کاتب حاضر نیست)

L'Académie Afghane: section de l'histoire 3ème personne de droite M Ahmad Ali Kohzad directeur de cette section

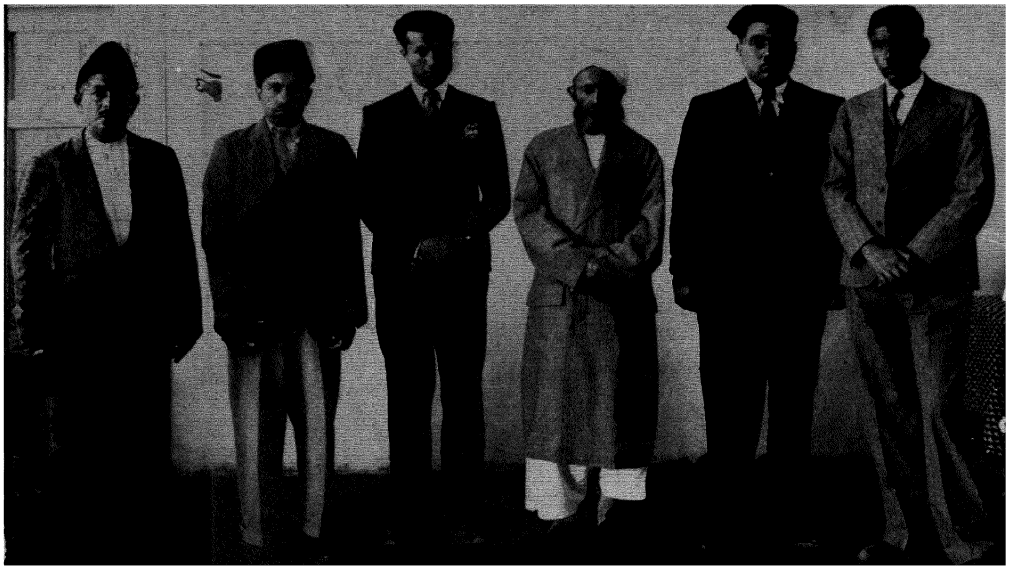

هیئت انجمن ادبی: شعبهٔ ادبیات وحفظ آثار ملی ـ ازراست بچپ ع ، امین‌الله خان زمریالی معاون
ع ، سرور خان گویا مدیر ـ ع ، قاری عبدالله‌خان ملک‌الشعراء ـ ع ، محمد قدیرخان تره‌کی عضو
ع ، محمد گل خان نوری عضو ـ ص ، محمد سرور خان پویا کاتب

L'Académie Afghane: section de littérature et de folklore. 2ême personne de droite M. Gouya directeur de cette section.



هیئت انجمن ادبی . ـ شعبهٔ نشریات . از چپ براست ع ، یار محمد خان عضو ـ ص، میرعبد الواحد خان کاتب ـ ع ، احمدالله خان کریمی عضو ـ ع ، سید قاسم رشتیا مدیر نشریات و مهتمم سالنامه ـ ص ، محمد معصوم مصحیح ـ ع ، قیام الدین خان خادم عضو

L'Académie Afghane - section des publications et de la presse.
3ême personne de droite M S. Kassêm Reshtya directeur de cette section et rédacteur en chef de l'Almanach de Kaboul

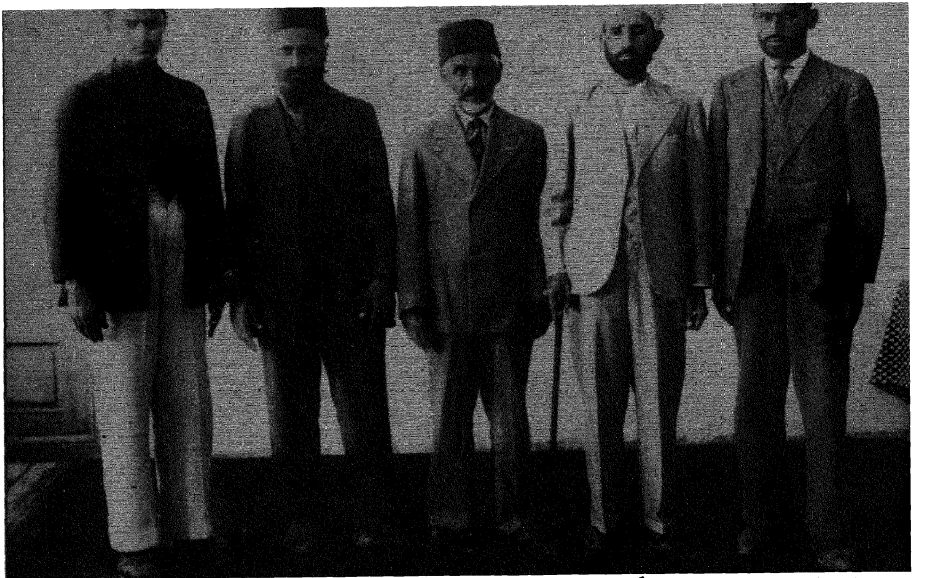

هیئت انجمن ادبی ؛ شعبهٔ لغت وصرف و نحو . ازچپ براست ؛ ص عبدالصمد خان کاتب ـ ع ، عبدالخالق خان اخلاص عضو ، ع ، محمد اعظم خان اداری مدیر ـ ع ، صالح محمد خان میصر یشو ، ع ، گل یاحا خان الفت عضو

L'Académie Afghane-section de la langue : au centre M. Mohd Aazam Ayazi directeur de cette section.



هیئت انجمن ادبی ؛ شعبهٔ محاسبه و تحریرات و توزیع و غیره : ازچپ براست س ، محمد امان خان کاتب احرائیه ص ، سید علام خان خانه سامان ـ ص ، محمد یعقوب خان کاتب توزیع ص ، بهرام خان کاتب احرائیه ـ ص ، امیر محمد خان مامور احرائیه ـ ص ، علاء جان خان گماشتهٔ س ، عبدالباقی خان سرکاتب تحریرات ـ ص ، محمدشعیب خان تحویلدار ـ ص ، محمدکریم خان کاتب تحریرات

L'Académie Afghane : les fonctionnaires des bureaux administratifs

این کتاب که عجالتاً بصورت مقاله درمجلهٔ کابل نشر شده میرود در آخر چهارصدجلد مستقل هم‌طبع خواهدشد . این اثر کوچك بصورت مختصر وقائع تاریخی بگرام پای تخت شاهی وامپراطوری افغانستان‌را درعصر قبل الاسلام باچیزی فلکلور مربوطهٔ آن شرح میدهد .

«۳» سلطان محمود :

تالیف داکتر ناظم ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان «امینی» مترجم انگلیسی شعبهٔ تالیف وترجمه : این اثر که بادقت وبه اساس ماخذ معتبر نوشته شده برای روشن ساختن وقایع عصر سلطان بزرگ افغانستان محمود غزنوی کمك زیاد میکند این اثر مفید عجالتاً در مجلهٔ کابل‌نشر میشود وبصورت مستقل هم طبع خواهد شد .

«٤» قلب آسیا :

تالیف « هنری اسکر این » و « سردینی سن راس » ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان امینی : این کتاب شامل دو حصه است : چون حصهٔ اول آن مشتمل بر۱۷ فصل است وسراسر مربوط به افغانستان میباشد آقای امینی محض همین قسمت را ترجمه نموده اند .

«٥» یسوعیان در افغانستان :

تالیف پروفیسر هانری هراس ترجمهٔ جناب عبدالغفور خان امینی : این اثر کوچك رساله ایست مرکب ازمجموعهٔ یاد داشت های که‌مبلغین مسیحی حین ورود خود درافغانستان نوشته اند . این رساله هنوز به طبع نرسیده .

«٦» تاریخ هرات :

تالیف جناب فاضل جلالی معاون سابق شعبهٔ تالیف و ترجمه مدیر معارف ولایت کابل : این اثر به صورت عمومی وقایع تاریخی ولایت هرات را ترسیم میکند. هنوز به طبع نرسیده .

«۷» تاریخ اراضی خلافت شرقیه :

تالیف لو سترانج : ترجمهٔ جناب عبدالباقی خان لطیفی عضو شعبهٔ تالیف و ترجمه : از این کتاب راجع به بعضی ولایات غربی افغانستان معلومات خوبی بدست میآید جناب لطیفی محض ٦ فصل آنرا که مربوط خراسان وسیستان میباشد ترجمه نموده اند .

« ۸ » یوچی وکوئی شوانگ :

کنفرانس پروفیسر « هانداتورو » جاپانی ترجمهٔ کهزاد :

درتاریخ افغانستان قبل الاسلام مسئله یوچی ها وکوشان سی از مسائل خیلی مهم ونسبتاً تاریك است : این کنفرانس که بصورت رساله طبع وترجمهٔ آن درشعبهٔ تاریخ موجود است ازشرق اقصی در آن روشنی خفیفی می اندازد.

«۹» مسکوکات افغانستان :

مقالهٔ مفصل راجع به مسکوکات افغانستان درعصر قبل الاسلام نگارش جناب « کهزاد » این مقاله درسالنامهٔ امسال طبع میشود.

«۱۰» اشیای قدیم «مرکزی و جنوب شرقی» قرار نظریات بطلیموس

تالیف «آندره برتلو»؛ ازین کتاب مراد زیاد راجع به جغرافیا وتاریخ اعصار قدیم افغانستان بدست میآید. عجالتاً فصل بکتریان ومارژیان واری» آنرا کهزاد ترجمه نموده و در شعبهٔ تاریخ موجود است.

«۱۱» چنگیز وچنگیزیان:

مقالهایست در۶۲ صفحه جناب فاضل جلالی ازتاریخ حبیب السیر وبعضی کتب دیگری اقتباس وخلاصه نموده اند.

«۱۲» مواد متفرقه راجع به افغانستان:

جناب غلام جیلانیخان جلالی ازکتبمختلف عربی مثل طبری ـ ابن خرداد به ـ المسالك و الممالك ـ بیهقی ـ تاریخ امم وا لملوك حبیب السیر وغیره اقتباس وترجمه نموده اند.

«۱۳» درامهٔ تاریخی «مردان پاروپا میزاد»:

نگارش جناباحمد علیخان کهزاد ایندرامه درحقیقت یك افسانهٔ قدیم ملیاست که باوقایع تاریخی تطبیق دادهشده وشهامت ملی پشتون واشکالاتی راکه اسکندر درافغانستان دچار شده بود ترسیم میکند. هنوز بطبع نرسیده است.

(تبصره: کتبورسائل فوق یاطبع شده مثل صنعت باختر ویاتحتطبع ویا آمادهٔ طبع میباشد)

(۱٤) ایجاد رابطه با علمای تاریخ ومؤسسات تاریخی عالم که دامنهٔ آن روز بروز درتر اید میباشد.

شعبهٔ تالیف وترجمه برای تدوین یك دورهٔ مکمل تاریخ افغانستان پلانی ترتیب داده وبرای اینکه این مرام ملی بزودی عملی شود مفردات آنرا علاوه براعضای منسو به شعبهٔ تالیف و ترجمه بیك عده فضلای وطن تقسیم نموده تا اگر خدا خواسته باشد ماهم بزودی دارای یك دوره تاریخ مکمل گردیم:

شعبهٔ ادبیات وحفظ آثار :

این شعبه متعاقب تاسیس خود مجموعهٔ کوچکی بنام رهنمای مردم شناسی نشر کرده دران خط مشی خود را اعلان نمود تا مردم ازیك طرف به اهمیت کار این شعبه بدانند و از طرف دیگر بنا براشتراك مفاد ملی با او معاونت نمایند.

رهنمای مذکور در عین اینکه مجموعه ایست که بغرض تامین تعاون ابنای وطن نوشته شده معهذا برای اطلاع از رؤس مسائل فولکلور (مردم شناسی) اثر مفیدی میباشد. شعبهٔ ادبیات این اثر را بذریعهٔ مکاتیب متحدالمال بتمام فضلای مرکز واطراف فرستاد تا ایشان هم به سهم خود در تدوین و جمع کردن مواد مذکور باشعبهٔ موصوف امداد نمایند. چنانچه بعضی ازفضلای دیار خواهش او را قبول نموده بفرستادن آثار متنوع و مختلف مارا ممنون ساخته اند و شعبهٔ ادبیات برای اینکه بتواند عهده خود را خوبتر انجام بدهد با فضلا و ادبای پشتو زبان روابط ادبی و لغوی خود را قائم نمود.

شعبهٔ ادبیات از روز تاسیس تا کنون چند جلد کتابی هم مطابق

وظائف خویش آمادهٔ چاپ نموده است از قبیل کتب ذیل :

۱ : ضرب المثل های پشتو حصهٔ اول :- این کتاب محتوی ضروب امثال است که هر کدامی ازان ها در دوستون مقابل هم دیگر بزبان پشتو وفارسی شرح گردیده است و انشاالله تعالی عنقریب چاپ خواهد شد

۲ : - منتخبات اشعار خوش حال خان خټك : منتخب این اشعار ومدون آن به موضوعات چند از روی تناسبی که اشعار مذکور موضوعاً باهم دارا بود جناب زمریالی معاون شعبهٔ ادبیات میباشند .

۳ : - کتاب عرف وعادات قومی وملی و ..... : مدون و مؤلف این کتاب، هم کارماجناب سرورخان« گویا »مدیر شعبهٔ ادبیات میباشند و نیز درین کتاب شجرهٔ انساب خانوادهای معروف و عرف و عادات ملی بعضی طوایف افسانه های محلی و ترانه های ملی را جمع کرده بصورت کتاب در آورده است .

٤ : - کتاب فضیلت : مولف این کتاب محر ر عا جز این مقا له محمدقدیر« تره کی» است این کتاب حاوی مطالب ومذاهب فلسفی در تعیین فضائل انسانی بوده بغرض تربیهٔ اخلاق اجتماعی که یگانه حافظ عرف و عادات مستحسنهٔ ملی میباشد نوشته و چاپ شده است .

٥ : - کتاب داستان های ملی بزبان پشتو : مدون و مؤلف این کتاب جناب محمد گل خان نو ر ی عضو شعبهٔ ادبیات میباشد این کتاب محتوی افسانه و داستان های مهمی که نمایندهٔ اصلی روح ملی میباشد هست .

٦ : - کتاب سوم درسی پشتو : مولف این کتاب جناب زمریالی معاون شعبهٔ ادبیات اند این کتاب یك کتاب مفید متودیك (اصولی)

برای آموختن زبان پشتو است که برای مرحلهٔ سوم نو آموزان افغانی نوشته شده .

۷ ـ کتاب لندی های پشتو : ـ (اشعار ملی) این کتاب حاوی یك تعداد لندی‌های پشتو است که از طرف شعبهٔ ادبیات تدوین شده است .

این بود کار های شعبهٔ ادبیات و چون سلسلهٔ مرا و دات او بافضلای مملکت جاری‌است و مواد موظفهٔ خود را از سینه های عوام نه از روی کتب ووثائق مطبوع جمع میکنند از ین جهت امید میرود در آتیه مصدر خدمات خوبتری در زمینهٔ متعهدهٔ خود شو

شعبهٔ نشریات :

شعبهٔ نشریات بعدازان که شروع بکار کرد درنظر گرفت امور طباعت وسروقت چاپ شدن مجلهٔ کابل ونفاست طبع مطبوعات «پشتوتولنه» شبیه به مطبوعات ممالك مهمهٔ دنیا باشد . این آرزو بکار بردن سلیقهٔ خوب درین راه شعبهٔ مذکوررا موفق باجرای امور ذیل نمود :

۱ ـ چون مرام اساسی پشتو تولنه احیا وتعمیم زبان پشتو است ازین جهة شعبهٔ نشریات برای اینکه نصب العین پشتو تولنه از ناحیهٔ نشریات زود تر و بصورت مطلوب تر بر آورده شود به نشر نمودن یك جریدهٔ هفته گی تعلیمی بنام (زیری) اقدام کرده آن را به تمام مامورین و عامه طور رایگان توزیع نمود .

این جریده که در ابتدا بصورت یك ورقه دو صفحه بود بعد از شمارهٔ ۳۲ بقطع کوچکتر در چهار صفحه چاپ شد تا کلکسیون آن در آتیه بصورت کتاب مستقل و مقبولی در آید .

۲ :- شعبهٔ نشریات از روز تاسیس تا اکنون اصلاحات عمده و اساسی درمجلهٔ کابل بعمل آورده است و این اصلاحات عبارت از زیبائی طباعت و طرز تدوین مضامین و افتتاح عناوین ومباحث تازه و ایزاد قسمت پشتو و امثال آن میباشد .

۳ :- شعبهٔ نشریات در ظرف این مدت قلیل دو اقتراح مهم (وسائل و طرق ترقی و تعمیم پشتو - درامه نویسی) باداراثی مرام های عمده و اساسی طرح کرده است که اولی منتج و ببرندگان درجه جوائزی اعطا و دومی تا کنون ازمحضر قضاوت نگذشته است .

٤ :- شعبهٔ نشریات درطبع کردن ودرنظرگرفتن مزایای صوری وصنعتی مطبوعات پشتوتولنه جدیت خوبی کرده است چه در ظرف این مدت قلیل موفق به طبع نمودن کتاب های ذیل شده است :

۱ :- صنعت باختر تالیف موسیو ها کن ترجمهٔ جناب احمد علیخان « کهزاد » مدیر تالیف و ترجمه .

۲ : آثار عتیقهٔ کوتل خیر خانه تالیف موسیو ها کن ترجمهٔ جناب سید قاسم خان « رشتیا » مدیر نشریات .

۳ :- مرام نامهٔ انجمن تدوین شعبهٔ نشریات .

٤ :- رهنمای فولکلور « « ادبیات .

٥ :- کتاب فضیلت مؤلفه جناب محمدقدیرخان « تره کی » عضوشعبهٔ ادبیات .

٦ :- پشتو ژبه (لری توک) برای تدریس به کورس های پشتو ، تالیف جناب صالح محمدخان مبصر پشتوکه بصورت رایگان به نوآموزان زبان توزیع گردیده است .

۷ :- ترتیب مجلس تذکار ابن سینا و نشر مجلهٔ مخصوص یادگار آن

مرد نامی بابهترین اصول طباعتی وگراورهای زیبا وتاریخی .

۸ :- تالیف یك کتاب در سی پشتو برای تعلیم زبان پشتو که مؤلف آن جناب قیام‌الدین خان «خادم» عضوشعبهٔ نشریات میباشد .

۹ :- تدوین وترتیب سالنامهٔ ۱۳۱۶ با درنظرگرفتن قسمت پشتو و زیبائی طباعتی و خوبی مضامین ومقالات و اطلاعات متفرقهٔ آن .

۱۰ :- توجه به تعمیم آثار به مقصد نشر معارف و جهة تر ئید عائدات پشتو تولنه چنانچه در سال ۱۳۱۶ عدهٔ مشترکین مجله نسبت به‌سال ۱۳۱۵ فیصد۲۵ زیاد وهم فروش سالنامه فیصد۱۲ بیشتر بوده اکنون هم روز بروز برعدهٔ مشترکین مجله زیادت میکنند .

۱۱ :- طبع وتهیهٔ عموم اشیای‌مطبوعه پشتو تولنه ازقسم‌کارت ها اعلانات پروگرام ها وغیره .

۱۲ :- تشویق عموم شعرا ونویسندگان به ابراز همکاری بامجله و سالنامه چنانچه کثرت وتراکم اشعار ومقالاتی که ازدورونزدیك وارد میشود دلیل است براینکه تشویقات مذکور مؤثر واقع شده است .

۱۳ :- اتخاذ ترتیب جدید واصولی برای کتبخانهٔ انجمن وتاسیس یك قرائت خانه وخریداری کتب تازه از داخل وخارج بمقصد توسیع کتب خانهٔ موجوده .

شعبهٔ لغات و صرف ونحو :

این شعبه از روزتاسیس تا اکنون کتب لغات پشتو را که در داخل وخارج نوشته شده به هم کرده بر روی آن ها مرور و لغات خالص پشتو را ازبین آن کشیده بالغاتی که خود شعبهٔ مذکور ازبین اقوام وطوائف جمع کرده اند یك جا کرده سلسلهٔ لغات مردفهٔ ذیل را

ترتیب داده است چون نهضت زبان در وطن ما یك چیز جدیدی است ووسائل مطلوبه ، به صعوبت یافت میشود ازین جهته مقدارموجودهٔ کار شعبهٔ مذکور اطمینان بخش واستقبال آن مارا بآتیهٔ درخشانی نوید میدهد :

۱ ــ تدوین لغات :

ردیف	لغت خالص پشتو	مشتقات آن	جمله
« (ا) :	۵۱۶	۱۵۴۸	۲۰۶۴
« (ب) :	۵۷۳	۲۰۰۰	۲۵۷۳
« (پ) :	۵۵۷	۱۶۷۱	۲۲۲۸
« (ت) :	۵۰۰	۱۵۰۰	۲۰۰۰
« (ټ) :	۲۱۸	۶۵۶	۸۷۲
« (څ) :	۲۳۶	۷۰۸	۹۴۴
« (ج) :	۲۴۷	۷۴۱	۹۸۸
« (چ) :	۲۹۰	۸۷۰	۱۱۶۰
جمله :	۳۶۳۷ :	۹۴۹۴ :	۱۳۱۳۱ :

۲ ــ قواعد زبان پشتو :

چون دومین وظیفهٔ شعبهٔ مذکور تدوین صرف و نحو پشتو است ازین جهته درین زمینه هم ذیلاً اقدام کرده است :

(الف) کتاب اول (صرف پشتو) : باصول عصری تالیف و تدوین شده است که تقریباً ۶۰۰ صفحه میباشد بایك جدول مصادر وصفی و ترکیبی که آن هم تقریبا ۶۰۰ مصدر میشود .

(ب) کتاب دوم (نحو پشتو) : باصول عصری تالیف و تدوین شده است که تقریبا ۱۶۰ صفحه میشود. البته میتوان فهمید که درمراحل

اولیهٔ نهضت زبان وعدم وسائل مرتب ساختن گرامر هم باین زودی وباین ملکیت شایستهٔ تقدیراست .

این بود مختصر ترین معلوماتی که دراطراف اکادمی های دنیا وانجمن ادبی (پشتوتولنه) داده شد وچون درج تمام مرامنامهٔ این انجمن ازاحاطهٔ این مقاله خارج بود ، و ازطرف دیگر چون مواد مهمهٔ مرام انجمن موصوف درضمن تشریحات فوق تذکار گردیده لهذا از درج اصل مرامنامه صرف نظر نموده ، مقاله‌را بهمین‌جا ختم‌مینمائیم .

ماخذ هائیکه درتحریر این مقاله بکار برده شده :

۱ : ـ تاریخ مدنیت مولفهٔ شارل سه‌نیوبوس جلداول ودوم وسوم .

۲ : ـ تاریخ فلسفه مؤلفهٔ آبه بارب .

۳ : ـ اصطلاحات فلسفیه مؤلفهٔ نامدار رحمی .

٤ : ـ تاریخ عمومی ازقرن ٤ الی ز مامنا مؤلفهٔ ارنست لاویس ورامبو و رفقای شان .

٥ : ـ نوت های نگارنده که برای تدوین اصطلاحات علمیه گرفته شده .

٦ : ـ مجلهٔ عصری منطبعهٔ کلکته

۷ : ـ انسایکلوپیدی بریطانیکا مادهٔ اکادمی .

ترجمهٔ مضمون مجلهٔ عصری وانسایکلوپیدی مذکور رادوست فاضلم جناب عبدالغفورخان « امینی » مترجم « پشتوتولنه » از راه لطفی که دارند دردست رس بنده گذاشتند تامطالب لازمه ومایحتاج خود را

ازان بگیرم ازین جهه ازایشان تشکر مینمایم .

۸ : ـ انسایکلو پیدی حیات منطبعهٔ استانبول مادهٔ اکادمی .

۹ : ـ دائرة المعارف وجدی « قاهره « «

۱۰ : ـ مجلهٔ کل شی والدنیا « «

۱۱ : ـ مجلهٔ ثروت فنون « استانبول .

۱۲ : ـ مجله ارمغان منطبهٔ طهران خطابهٔ آقای فروغی راجع فرهنگستان ایران

۱۳ : ـ سالنامهٔ معارف ایران منطعبهٔ طهران .

• بعضی کتب ویاد داشت های دیگریکه ذکرآن ها بطول میانجامد



پشتو نولی

پقلم دجناب قیام الدین خان «خادم»
عضو دپښتو تولنی

مخکښنی خبری :

دنباتاتو او حیواناتو په شان بلکه دهغونه زیات انسان د قدرت دکرشمو یو عجیب اوغریب مظهر دی . د افراد وتشخصات خولا پریده خپله د هرقام ، هرملك او نسل په مینز کښی دومره لوی لو ی فرقونه موجود دی چه پرته د انسانیت دکلی مفهوم سخه په دوی کښی بل قسم اشتراك اډو لیدل کیږی نه ! طبیعیینو د انسان د نوع ما به الامتیاز ـ درنگ ، ډول، قدوقامت اود د ماغی ساخت اختلاف مقرر کړی دی او په دی لحاظ سره ئی د انسان نوع په سپین ، تور ، سور او زیړ اقسامو ویشلی ده . بنایه دی ویش د انسان نوع په سوځدود وقسمو ویشل کیږی . ولی په د نیاکی دا سی دیر قومو نه شته چه په ظا هر ی خط و خا ل کښی چند ا ن فرقه نه لری لیکن سره د دی هغوی په قومیت کښی بیل دی . دهغوی احساسات جلادی . او ددی احساساتو اوجذباتو داختلاف په سبب د دوی عقائد ، تمدن اوددوی علوم اوفنون دنور وقوموسخه بیل شوی دی . دغه دی چه مونگ وینوچه د د یرو ایشیائی او یورپی اقوامو په مینز کښی سه سر گند جسمانی اختلاف نه شی لیده ـ لکن بیا هم یوقوم نه شی شمیرلی په دی چه د دوی په مینز کښی یو عقلی فا صل حد قایم دی ، چه دغه فاصل د دغه- اقو امو

تاریخ سره بیل کړی دی نوله دغه پورته سببه څخه زینو علماؤ ددی مقشابه الخلقت قومونو دویش معیار ژبه ، مذهب او دسیاست دنظام اختلاف مقرر کړی دی . ولی داهم نه‌ده صحیح !

اصل خبره‌داده چه‌انسان یوازی دیو سو جسمانی اعراضو دیجموعی نوم نه‌دی ، بلکه دی په خپل ځان کښی یو کامل روح ، تینګه سجیه او راسخ اخلاق هم لری . عناصر و ترکیب نه چه کوم مزاج پیدا کیږی د دی نه علاوه یوعقلی مزاج هم شته چه په استقلال ، استحکام او کمالکوالی کښ‌دجسمانی اعراضوسخه په‌هیس شان کم‌نه‌دی د اعقلی او اخلاقی او صاف چه د دوی د یجموعی نه په هر قوم کښ یو مشترك روح پیدا کیږی د زمانی د سوونو کالو د ګر دشونو نتیجه وی . نو زکه دا د هر قوم د تیرو وختونو خلاصه او ددوی د پلرونو او نیکونو وراثت او ددوی د موجوده روش ډومبنی مبدء حسابیږی. دغه اوصاف که سه هم په زینی افراد وکښ متفاوت اوسی ولی د جسمانی عوارضو غوندی دقام په زیاته برخه کښ مشترك لیده کیږی . اودا دجسمانی عوارضو په شان تل دنوی نسل سره‌نوی او تازه کیږی ، د دغه اوصافو دیجموعی نه همغه عام وصف پیدا کیږی چه هغی ته دیو قام اخلاق و ایی . د دغه پورته ممیزاتو او بلو ونکو په ذریعه یو قام د بل سخه پیژندل کیږی د دغه متحده عقلی مزاج په‌لحاظ ، مونګ ویلی شو چه قام تش دخپل موراو پلار اولاد نه دی بلکه دخپلی پوره خاندانی سلسلی زوی دی . د هر قام د اخلاقو د نظام پیدا کوونکی دد وی پلرونه او نیکونه دی . او هر فرد همیشه‌دغه زنزیرخواته راخکل کیږی‌چه دی یی‌روستنی کړی‌حسابیږی. نو انسان د مادر وطن پرستش تش دجذباتواو احساساتو په لحاظ

نه کوی . بلکه د دغه جذباتو په پیدا کو لو کښ دجسمانی نظام یه شان د موروثی اخلاقی نظام عنصر هم شامل دی . د موروثی اثراتونه علاوه ، آب و هوا ، جغرافیائی حدود ، او ما حول هم اثر لری . ولی دا اثرونه دموروثی اثراتونه لاندی درجه لری . قام دهغه مجموعه خلیاتو سره مشابهت لری چه دهغی نه هرفرد پیدا شوی دی . د دغه خلیاتو د ژوند زمانه په خپله ډیره لنگه وی لیکن دهغو نه چه کوم ذات پیدا کیږی هغه ډیری مودی ژوندی اوسی . د غه رنگه دقام هر فرد ډیر لږ محدود شخصی ژوند لری لیکن د ده کلی ژوند چه دټول قوم دژوندسخه عبارت دی ، ډیراوګد او پاتی کیدونکی وی . دغه روستنی ژوند ته « قومی ژوند » وائی . اوقام تل د دی د اثارو او نتایجو سخه متاثر کیګی .

بنا په دی ، قام یو داسی پاتی کیدونکی ذات دی چه دزمانی دقیودو سخه ازاددی چه د ژوند و افرادو د عنصر نه د مړ واو پخوانو د خا ورو د عنصر اثر پکښ ډیر لیدل کیږی لحکه چه دهغوی تعداد د ژوند وسخه زیات وی . او غیرشاعرانه ژوند ډیر دهغوداثرلاندی وی . ژوندی خوتش دقام تشکیل کوی ، لیکن دعدم اباد او سیدونکی یه دغه ژوند و افراد و کښ دخیالاتو او جذباتو روح پو ځوی . د قومیت اثردومره قوی دی چه د دی اثرد وجود په حال کی دیوقام دتمدن مظاهر دهغه وخته پوری بل ته نشی تلی تر سو چه خپله په د ی مظاهر و کښ تغیر او تبدل و نکړی شی .

د کو مو افکار و او خیالاتو چه په قام پاندی عموما اثر لویگی دایه دوه قسمه دی :

(۱) هغه موقتی افکار او خیالات دی چه دزړینی موقتی حوادثو او واقعاتو په اثر دقوم په ذهن کښ پیدا کیږی .

(۲) هغه اساسی افکار او خیالات دی چه دکوم مخصوص ماحول و راثت وغیره په اثر پیدا کیږی ، او رسوخ پیدا کوی . د اساسی افکار و او خیالاتو حال دهغه او یو یشان دی چه په دریاب کښ په قلاره اوسکون سره بهیږی او فرعی افکار ، دهغه وړو وړو وچپو غوندی دی چه د دریاب او بوته سیږی ورکوی ، او پیدا کیږی او ورکیږی ؛ لیکن سره ددی کموالی او ضعفه د دریاب په ملاحظه اوکتلوکی همدوی سترګوتهرازی اوښکاری . نودغه قومی روایاتدی چه نسل په نسل همداسی مسلسل را درومی . د دغو څخه قومی روح ، یا په بل عبارت سره دقوم عقلی مزاج تشکیلیږی . دغه روایات دقومونو په ټیټ وپاس او ترقی او تنزل کی ډیر دخل او اهمیت لری.

شاه ولی الله صاحب په حجةالله البالغه کی لیکی چه : « دا په یقین سره ومنه چه (رسم و رواج د تمدن سره هغه نسبت لری لکه د انسان زړه ئی چه دده د جسم سره لری . هرکله چه هرقوم بیل قومی روح ؛ زانته عقلی مزاج ؛ علیحده قومی روایات ؟ اومخصوص رسم و رواج لری ، او دغه پورته شیان د هرقوم په تمدن او کو ډوپاس کش زیات اهمیت لری . نودد عی پیژندل دهرهمدرد او خواخوګی دپاره لازمی او ضروری دی. نوزه غواړم چه په دی مقاله کی دپښتنو په ملی عاداتو اوخصایلو باندی یوه تټه رنړا و غور زوم . د دی موضوع لیکل علاوه دپورته فوایدوسخه دقومی روح داستحکام اوتینګوالی دپاره فایده لری . اوداد شکه وتلی خبره ده چه قومی روح چه هرخومره زیات پوخوالی اواشاعت اونفوذ ومومی هماغومره قومی اتفاق ؛

اتحاد ؛ قوت مومی . اونزاع اومخاصمات کیژی . په دی موضوع کښ ړومبئی خبره چه پشتانه وربانـدی دنوروقومو سخه ممتازشویـدی هغه داده چه دوی د خپلو ملیاتو او روایاتو سره زیات شغف او ډیره دلچسپی اوپوره مینه لری . ز که چه دوی د غـه پورته ټول عنوانونه په سبب دډیراهمیت چه دوی ئی ورکوی ؛ په‌خپله ژبه کښ را لنډ کړی دی ؛ اویوه کلمه ئی ورته‌وضع کړی ده ؛ اود هغی کلی بیخی زیات‌احترام اوپاسداری کوی ! گویا د غه ددوی د ژوند « نصب العین » دی .

هغه کلمه څـه ده ؟ ـ هغه د « پښتو نولی » خو گه کلمه ده . دپښتون په نزد پښتونولی داسی یوه کلمه ده چه په دی کښ هغه ټول شیان پراته دی چه ددوی دقومی روح اوتاریخی عظمت اوملی روایاتو بیخ اواساس شمیرل کیژی ـ و گو رئی ! « پښتو» ددوی دملی‌ژبی نوم دی . « پښتون » ددوئی قومی نوم دی . اوله همدی لفظ څخه د « پښتو نولی » معنی دار لفظ جوړشوی دی . د د غه دری کلمو لفظی تناسب چه په یو عمیق معنوی او روحی ربط باندی‌دلا لت کوی دنور وقومو په لغاتو کښ هیس نه مو نده کیژی . « پښتون » د هغه قام نوم دی چه د ـ آمود دریاب نه د ـ اباسیند د غاړی پوری دجگو غرو په مینځ کښ پروت دی چه د دوی‌دهرفرد دفراخ تندی ؛ متناسب اوخـکلی قوا ری ؛ تو دو ویښتو ، غنمی رنگو ، تیزواو بریشیدونکو ستر گوسخه سخا ، میلمه پالنه ، رواداری ، عزم ، استقلال ، شجاعت اواقدام معلومیژی اوچه ددوئی‌هریوپه خپل‌ملیت« پشتونولی» خورانازان اومغرور دی . د دی قام په د غه ملك کی د ډ یره پخواسخه استوگنه ده . ـ هر کـله چه په د نیا کی یوازی ؛ خالص اوبی ا ختلاطه قو مونه ډ یر

لږ دی ، نو وی به چه د دوی په مینرکی به هم نور قومونه ګډشوی وی ولی داقاعده ده چه لږد ډیرو تابع وی او قلیل په کثیر کی منحل کیږی نود غه لږ تعداد ـ د پښتنو د زیات او قوی قومیت سره داسی خلط او مزج شوی دی لکه غوړی د شو دو سره ! چه اوس ئی په قومی روح او اساسی افکارو کښ هیس پیلتون نه شی کاوه .

د غه دی اوس موږ ګ د پښتو نولی عنوان په لاندی برخو ویشو . او په هریو باندی بیل بیل بحث کو و ، ولی د موضوع داهمیت ، وسعت او باریکی له کبله زه نه شم ویلی چه د دی موضوع حق به ادا کړی شم نو زه ګه زه په ډیری خوشحالی د هغه ذو اتو دزیار ، زحمت او زهیر تیاخخه استفاده کوم چه په دی موضوع کښ ئی له ما نه مخکښ خه لیکلی دی او ما ته معلوم دی . د اسی : چه د خپلی مدعا ثبوتی ورنه انړوم او د خپلو یا داشتو او مشاهد و سره ئی پیوندوم .

او که بیا هم په مضمون کښ خه نقص پاتی شی هغه د ډورو پښتنو ورونو همت ته پر یږدم !

تورہ :

پختانه توره یو قسم خاصی وسلی ته وائی چه تقریبا یوګز او ژد شاوتلی تیغ وی ، او په خپل مخصوص تیکی کی ساتل کیږی یغوا چه جنګونه په میدان کیدل ، توپك ، توپك ، او نور حربی الات نه ووپیدا شوی ، دا وسله ډیره پکاریده . اومخصوص بیا په پښتنو کښ داوسله د ډیرو ډیرو ،ودوخخه مروجه وه . لیکن اوس د توپك او نورو ناریه وسلو پیدایخت دیته سقوط ور کړو . ا گر چه اوس هم د توپو پشتنوپه کورو کښ داوسله دپلر ونو ، نیکونو دوختوخخه ساتلی لیدل کیږی و لی زما مطلب د لته د توری په لفظ سره د غه مخصوصه وسله نده

بلکه زما مراد د لته د دی لفظ په اطلاق سره هغه لا زمه معنی ده چه پښتانه یی عموما ددی لفظ څخه مراد وی . د مثال په طور ، پشتو د پښتنو د ژبی نوم دی . لیکن پشتانه یی په عهد ، لفظ و قول او عزم و ثبات اطلاق کوی او بیاد همدی لفظ نه د د غو معانیو د قیام د محل خود لو د پاره صفت مشبه جوړوی ؛ مثلا د پښتونه «پشتون» .

د غه رنګ د توری دلفظ اطلاق په زړ ورتیا ، شجاعت بهادری او میدان ګټلو باندی کوی ، او د د غه معانیو په اعتبار د د غه لفظ نه صفت مشبه جوړوی ؛ لکه « توریالی » . او کله دفارسی په رنګ کښ ددغه معنی دپاره دتوری نه « توزن ؛ شمشیر زن » سازوی . اودهمدغه معنی ګانو په ملاحظه دتوری نه « توره کول » ؛ مصدر ـ او د دی مصدرنه افعال جوړ یګی :

پښتانه عموما توری ته ډیر اهمیت ورکوی . اوداپه دوی کښ یوه منلی عنعنه ده چه پښتون باید ضرور توریالی ؛ شمشیرزن ، زړور او بهادرا وسی . دمیدان نه به هیسکله مخ نه اړوی ؛ او نه به شاګرزوی اوضرور به میدان ګټی یا به مړی !

داصفت دپښتون دختی سره دومره ګلك اخکل شوی دی چه که دا صفت دیو پښتون نه لری کړی شی ؛ نوپښتو نولی ورسره زی ؟او پښتون ، پښتون نه پاتی کیږی . نوګویا پښتون یوشجاع ، بهادر ، جنګیالی اوتوریالی قام دی .

داپورته مدعا دومره بنکاره او سرګنده ده چه اډو براهینو او شواهدو ته ضرورت نه لری !

دیوقام دملی روح نمایندګی ددغه قام دملی ادبیاتو پرذمه ده ؛ او

دپښتو ملی ادبیات که څه دی هغه ټول تقریبا له یوڅه رزمیات اوحماسیات دی ؛ اودتوریالیتوب په مدح اوستاینه ډك دی. وگوری ! لاندی لنډی :

« چه توری و خیژی گډیره — ماپه همزولو پوری ډیر خندلی دینه »
« په تور ټوپك ویشتلی راشی — دبی ننگی احوال دی مه راڅه مینه !»
« جانان می جنگ کښ توره وکړه — څکه همزولی راله کوښی سموینه »
« یارمی له تورو راپه شاشو — په بیگانی ورکړی خوله پښیمانه یمه »
« تورپه رنجك سورشی په وینو — سالم په تن بی ننگه را مشی مینه »
« دتو روجنگ وی ما به کړی — دنصیب جنگ دی وارخطاولاړه یمه »

غژ شو په کټ ئی جانان راوو ړ
زړه می په پرشوچی په شانوی زخمونه
تر تور یالی مین به جار شم
چه دغلیم په وینو سره کاندی لاسونه
د پښتنو زلمیو، واردی
پرخپل وطن به توریالی مړونه مرینه
زلمی ولاړ توری تر ملادی
غزاله زی پرخپل وطن سرور کوینه
جانان می سر په وطن کښیښود
په تارد زلفو به کفن ورله گنډمه
ستاتر دی خکلی بوړی جار شم
یه اوژه ستادی کژه زه درسره ځمه
دمیړنو خویندی به ژاړی
د سپوموزیانو خویندی سترگی توره وینه

جانانه جنگ نه پشانه شی
چه د همز و لو را له نه شی پیغورونه
تو ره به کړی بری به راو دی
که بری نه وی زوانان تل په تورو مرینه
هلك به څنگه تو ره نه کا
تر نیمائی مور حله زه ور سره څه
له خپله لاسه می پری می کړی
چه دزی وشوی زه پر بام درو ختمه
خال به دیار د وینو کښیژ دم
چه شینکی باغ کښ گل گلاب وشرموینه
غازی به اوږه غوندی کښیږ دی
چه یی زیارت کا دگیلان ملالی نجنونه
خوشحال خان توریالی ادیب خوددی هنر فدائی دی . دی وایی
چه څرگنده سر بازی کاندی د تورو
زه خوشحال ختك تر داسی هنر حارشم
دانامتوسردار دپښتنودتولوورانیو علاج توریالیتوب بولی؛ اووایی :
پښتانه چه نور څه فکر کا نا بود دی
بی د توری خلاصی نه شی په بل کار
په دی لاندی رباعی کښ خوشحال خان د پښتنوالی د الازمه غریزه داسی بیانوی :
چه ننگیالی دی دولت هغه مومی
چه جنگیالی دی دولت هغه مومی

(۱) اخستنه د کابل د مجلی څخه .

دا دواړه توګه سره تړلی
چه محنت کاندی راحت هغه مومی

د جنګ تجربه کارزمری خوشحال خان دبری د ګټلو چارداسی ښئی .
که دجنګ په کار کښ ډیر دی حکمتونه
چه په سرصرفه و نکړی نو بری دی

د سردارئی د تکمیل د پاره دادوه شیان دی ضروری بولی :
ورکول ، توره وهل دا دواړه بویه
چه پری چار د سردارئی شی انصرام

خوشحال خان د ټولو کارو دا تمام د پاره د خدای د توکل نه ژوسته په خپل مټ او توره تکیه کول د کامیابی سبب بولی :
یا تکیه د یوه خدای ده یا د توری
په جرګو مرکونه شی کار تمام

همدارنګه د توریا لیتوب په باب وایی :
خوره ښور وا د خپلو لیچو غضنفر شه نه رو باه
مزری توب بویه د تورو په میدانکښ
په خالی میدان هریو ګیدړ مزری دی
د افغان په ننګ و تړله توره
ننګیالی د زمانی خوشحال ختك یم

یو پښتون شاعر د توریالیتوب ستاینه داسی کوی :
چه په جنګ کښ ملا وستنی تری جوړ نه شی
د هغه شملی یه ول باندی نو څه !

یو بل پښتون شاعر د پښتو نولئی په غرور سره وایی :

شا اړول مخ د دښمن ته مونګ ته دین نه وایی ملی آئین نه وایی
مونږ خپلو توروته د سرو وینو جوهر ورکو و آب د خطر ورکوو

په بل ځای کښ وایی :

سر به تری غوس کړو که کاږه ز مو نږه کورته گو ری
کور خولا څه کوی که سپی ته ز مونږ پورته گو ری

پښتانه په دی خوی تردی پوری ټینګ دی چه دبړستنی او سړی سینی مرګ نه خوښوی. دوی تل آرزو اری چه په خپلو سرو جا موکښ بی داینزونکی دلاس دوهلو نه په خاورو کښ کښنو دل شی لکه چه یو پشتون شاعر ددی ملی احساس ترجمانی داسی کوی ،

« دا مصره به زه ور نکړم دقیصر په تاج وتخت
د بړ ستنی مړی نه دی د پښتون د کلی کور »

زما باور دی چه زه به په دی مو ضوع کی په همدی لفظ سره دناقد د خولی نه خلاص شم ، چه نور و او پریه خلقو ویلی دی هغه دا دی ، چه : « فار سی زبان بزم است و پشتو ز بان رزم » مگر د زیات ټینګار د پاره نور هم تحقیق کو و ، نو اوس گور و چه په دی باب کی نور د فکر او قلم خاوندان څه وایی :

حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمته البیان د دریم فصل په سرکی لیکی : « دا امت په جلادت او اقدام زیږ یدلی دی ، او یو حربی ملت دی . د اجنبی سلطی ایسکله انقیاد نه کوی تر دی چه چنگیز ، او تیمور گورگانی ته هم دا ملت له خطره خالی نه و ، سره له دی چه هغوی په ټولو قوتو سره په دی قام مسلط و و . »

دغه حضرت ، دتتمة‌البیان د څلورم فصل په سرکی داسی لیکی :
« لوی او سترقام چه د افغانستان په اقطار وکی او سیکی هغه افغان « پښتون » جنس دی . ددی جنس غالب خوی انتقام ، جنګ ـ اوپه جګړو او منا زعاتوکی زړورتیا بنکاره کول دی . لکه چه د دوی ظاهری صور تونه ددی خوی ترجانی کوی . همدارنګه ددوی دلغت او ژبی او غګونو زیږ والی او سختی ددوی په دی خوی او د دوی د طبیعیتونو او زړو نو په کلکوالی دلالت کوی . »

کرنیل میلسون دخپل کتاب : تاریخ افغانستان ، په اول باب کی داسی لیکی : « دسرحد عام‌اوسیدونکی بالکل غرسه دی . اوپه‌دی خوی کی زینی له زینونه کم نه دی . » ددی مراد په غرسه توب سره د پښتنو چالاکی رشادت او دغره دخکنه پورته کیدو قوت دی .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افاغنه په آخر فصل کی ، په کوم زایکی چه نوری خبری کوی ، هلته داهم لیکی ، چه : « پښتانه د سرګ نه دیر لږ ویر یږی . د جنګ په میدان کی سره کید لوته دعزت په نظر ګوری . که په جنګ کی څوک مړشی ، او دهغه څوک داسی وارث پاتی وی چه دهغه توره جګه کی ، نو دپښتنو ښځی په هغه باندی غم کول عیب ګنړی ، او وایی چه سړی دروح دور کو او د پاره پیدا شویدی ! دخپګان موقعه به هغه وای چه د ده توره په کنج کی پاتی شوی وای ! » په پښتنوکی دا مشهور متل دی چه : « نر پسر دحلالولو دپاره دی »

مولوی عبد المجید صاحب دخپل کتاب په بلږایکی وایی : «پښتانه په تورزنی اونیزه بازګی کښی فطرتا ماهردی . دغه رنګ داس په سورلی کښی هم . په دی خبروکښی دوی ته داستاذ ضرورت نشته . »

همدارنگه دی‌وای : « دپښتنو ښزو سازډیر د مزی اومهیج وی . دوئی په بدلو کښ اکثره د خپل قام ، بهادران ستائی . په سندرو کښ هیس تصنع نه‌وی ؟ شاعرانه لوازمات هم نه‌لری ؟ خود، فطری جذباتو نه ډکی وی . »

هو ، دا هماغه دتوریا لیتوب د روح اثر دی چه ددی قام د شزو ، نرو ، وړو ، غنو په وینه کښ گډدی . مونگ داوسه پوری ، صبا، بیگا ، د سردار محمد ایوب خان ، غازی محمد جانخان ، وزیر محمدا کبر خان عمراخان دناوگی ، ملتان د تیرا ، او داسی دنوروبهادرانو دبهادرئی سندری په کوڅوکښ دماشو مانو ؟ په کوروکښ دښزو ؟ او په حجرو اودیروکښ دزلمیانودخولی څخه په موثره اوخوندوره لهجه سره اورو ؟ اوحظ اخلو ـ دادتوریا لیتوب حس نه دی نوڅه دی !

د پښتنو په ښزو کښ داد متل په طورمشهوره ده ، چه : « ښزی په گانړه نه ستړی کیژی ملـه »

دجنگ قوانین:

څه رنگ چه پښتانه ت آومیدان گتلوخاص استعداد اوددی کارسره خاصه دلـ نگه دوی د جنگ اومحاربی دپاره ځاننه قوانین هم‌لرۍ ای کښ د ذکرقابل دی :

حضرت سید جمال الد مة البیان د څلورم فصل په اول کښ لیکی : ـ

« له دی سببه چه‌دپښـ شجاعت ؟ تعرض ؟ اود جنگ طبیعی میل راسخ شوی د ته طبیعت د ډیر و پیړ یوڅخه دعسکر نظام او دجنگ ی ؟ په داسی ډول سره چه

ددی زمانو انتظام ته ډیر نږدی دی ؟ هغه دادی چه دوی صفونه تړی ؟ او ټینګ ترتیب جوړوی. جګ او خکته منصبداران مقرروی . دسوق په وخت کی منصبداران مخکښ کیژی چه قیادت وکړی . ولی ، کوم وخت چه جګړه ونښلی نوعسکری مشران ددی د پاره و روسته کیژ ی چه فکروکی اودوړاندی کید واووروسته کیدو ، د ښی خوا ، آوکیڼی خوا د توقف ، اقدام او دنور ولازموکار وحکم پخپل وخت کښ اجرا کړی

د دوی په عادا تو کښ یوه داهم ده چه کوم عسکردتیختی په نیت د ښمن ته شاواړ وی ، نوسزائی مرګ دی . لکه چه د ا صفهان په واقعه کښ داسی پیخه و شوه چه یو عسکر یو ظابط و لید چه له جنګه پرشا کیژی ، نو ظابط په قرار د خپل جنګی قانون دخپل د غه عسکر د مرګ اراده و کړه ولی عسکری ده ته خپل ښی لاس و ښود چه په جنګ کښ پری کړه شوی و ، نومنصبدار دی پریښود،خو بیا هم دده دعتاب آ ود راخکلونه خلاص نه شو ، او منصبدار د ده په تیښته اووروسته کیدو ډیر ناراض شواو عسکرځای ته ئی بیرته ولیژ لو،او ورته ئی وویل ښزونو کیه کیڼ لاس دی نشته ؟ که داهم درنه پریکړه شی ، غاښونه خود ی شته په دی ددښمن غوښی پریکوه ! زه ، آوداخری څلګی پوری د د ښمن مقابله کوه! »

بله د پښتنو د جنګی قوانینو څخه داده چه خپل مړی هیسکله د جنګ په میدان کښ نه پریژ دی ، چه د دښمن لاس ته ور نشی او بی حرمته نشی نو په عین ډزو او توده جګړه یا تیاره شپه کښ خپل مړی یارخمی په شا کوی د جنګ دمیدان نه ئی اوباسی . که مړوی نو ښخوی یی . او که زخمی وی نو د خپل وطن او تجربی په موافق ئی علاج کوی .

مولوی عبدالمجید افغانی دتاریخ افاغنه په ۱۹۱مخ کښ داسی لیکی « د مړی وړ لواونه پر ینبو دو عادت تر اوسه په پښتنو کښ د و مره کلك دی چه دیوه مړی په وړ لو سوونه مری و لی مړی نه پریږ د ی. دوی که څه هم د یره کامیابی حاصله کړ ی وی ، خو چه مړی ئی د د ښمن په لاس کښ پا ته شی ـ هغی ته دوی لوی شکست و ا ئی . اوس هم که چیری کم وخت افغانی قبائل په انگریزی حدودو حمله وکی نو چه له دوی څخه څوك مړ شی او پا ته شی نود هغی د پاره د و ی مخبر مقر ر ه و ی . قبرئی معلوموی او دشپی ئی له قبر ه ا و باسی وړ ی ئی » .

دپښتنو په نزد دجنگ سخه تینته یادښمن ته شا گرزول لوی عیب دی چه نسل ترنسل پوری پښور پاتی کیږی . پښتانه دتوریالو پښتنو په مدح کښ ملی ترانی لری . اودوی هغه زلمیان ستائی چه په جنگ اومقابله کښ مقاومت ښکاره کی ، اومخ و نه گرز وی !

یوه معشوقه دخپل گران مین د مرگ غگ او ری ، نوری ټول غمونه هیردی . فقط په دی فکر کښ ده چه تپ (ز خم) ئی له شا د خو انه وی خوړلی ! چه دی ته د آشنا دتینتی ؟ اوددؤسی د مرگ پښور پاتی نشی . نو وائی :

غږ شو په کټ ئی جانـان را و وړ
زړه می پ پرشوچه پرشانه وی زخمونه

دسلطان بهلول لودین په وختوکی چه پنزه سوه کاله دمخه د د هندوستان پاچا و ، ملك فیروز یوننگیالی پښتون و چه دجسرت کهکر په لاس بندی شو . د ده زوی چه شاهین خان نومید و ، په جنگ کښ مړ شو ، د ملك فیروز د ملگرو سرونه سرهند ته د جسرت کهکر

د کتلو د پارهٔ را وړه شوی وو . ده ، ملك فیروز را و غوښت او د دی سره ودخاوندانو نومونه ئی زنی و پوښتل ؛ ملك سرونه وکتل؟ او نومونه ئی ورته وویل . په دغه جمله کښی د ده د زوی د شاهین خان سر هم راغی؟ ملك وویل : « دا نه پیژنم » ـ ولی څه وخت چه د جسرت کهکر خلقو وویل چه دا سړی ډیر تور یالی و ؟ او تر آخره ئی د جنګ نه مخ وانه ړولو . نو د ملك د ستر ګونه او ښی جاری شوی ، وی ویل « دا ز ما زوی دی » جسرت کهکر ورته پوښتنه و کړه چه « مخ کښی د ی و لی نه و یل ؟ » ملك فیروز ورته وویل چه « ماته نه وو معلوم چه زما زوی په میړانه مړدی اوکه نه ! نو بیریدم چه د بی ننګی پینو ر را و ا نه وړی . »

په تور و توك توك شی لا لیه !
دبی ننګی غګ دی رامشه تروطنه ! (۱)

دغه اعتقاد چه دجنګ په میدان کښی به یا بری وی اویا مرګ دمخ ګرزولو دریم شق پښتانه نه پیژنی . داد هرپښتون فرد په روح کښی نر وی او که ښځه را سخ دی . لکه چه یوه معشوقه خپل مین ته وایی :

« توره به کړی بری به راوړی ـ که توره نه وی زوانان تل په نورو مرینه » دجنګ په وخت کښی چه دښمن زور بنکاره کړی نروښزی ، واړه غټ ، ټول ، دجنګ میدان ته حاضر یژی ،

« ټلوله به زو دجنګ میدان ته ـ نه چه پیغورد کوم دښمن را پاتی شینه » دجنګ په وخت کښی ښزی اکثره دنارینهٔ وپشان میدان

(۱) طلوع افغان .

ته حاضریژی. اوپه قومی اووطنی دفاع کښ دنرانوغوندی برخه اخلی لکه چه یوه معشوقه خپل عاشق ته داسی وایی :

«پرسپین میدان به در سره یم - زه پښتنه دتوری نه ترپلم مینه»

دجنگ پهوخت کښ چه سوك تیښته وکړی یا دښمن ته شا واړی نوپښتانه هغه ته دؤس وایی. اودی ټول عمر بیا خپل قام اوعزیز ته سترگی نه شی پورته کولی ! - اوکه دشا اړولوپه وخت کښ مړ شی نوپښتانه یی مړی نه وړی - اونه یی ښخوی . په دی موضوع کښ دالاندی قصه باید زمونگ د مقالی لوستونکی په پوره دلچسپی سره ولولی :

قصه : - دخپلو سپین ژیرو اومشرانو دخولی نامی داخبره یادهده چه دتیرا په لام سنه ۱۸۹۷-۱۸۹۸ع کښ چه کوم وخت اپریدی دخپلو لوړ وغړو دساتلو دپاره دخپل اسلامیت او پښتونولی په جذبه په سرو مال جنگیدل . نو یوه ورز داسی پیښه و شوه چه د جگړی دسرښت نه پس ته دمړووړودپاره دصلح غژ وشو ، نو دواړ و خواؤ به خپل خپل مړی وړل. په دی مینز کښ یو انگریز جرنیل په یوه خړه غونډی ناست دوربین په لاس ددښمن وخواته گوری ، سه وینی چه یوه غته لوړه ښزه جبی دا رخت (کمیس) اغوستی ؛ تور پوړنی په سر ؛ ټوپك په اوژه ؛ گردنی ترملا ؛ دجنگ میدان ته راغله ؛ په مړ و گرزی . دیو مړی سر را پورته کړی ؛ وی گوری ؛ نوپه دواړو مخونویی خکل کی ؛ پری یی ایژدی. بیا دبل سررا پورته کی وی گوری؛خکل یی کی؛نوپزی یی گدی. دشپژومړو سره خوی دغه چل وکړو داوم سری چه راپورته کړو ؛ وی کوت؛نوزری پهزمکه وغورز ولواویوخو څیپړی یی په مخ مخ و وهلو .

جرنیل صاحب خو په ډیر تعجب ورته یه زیر شوی دی ، مگر

هیس پوه نه شو چه مطلب څه دی ! نو په صلح کی یی سړی وړولیګلو چه پوښتنه تری و کړی - چه سړی و ر نزدی شو ، ښزی و لید ، ورباندی غژیی کړو چه : « سړ یه څوك یی ! څه مطلب لری ؟...! »

سړی : « موری ! زه صاحب را لیژلئی یم چه تانه دیوی خبری پوښتنه و کړم ...! »

ښزی و رته په خپله لهجه و ویل : « بس ، را دری ناشی ! و یا یه ، څه و یا یی ؟ .. »

سړی : « صاحب پوښتنه کوی چه تاخنګه دشپږ وتنومړ و سرونه را پورته کړه خکل دی کړل : او داوم سردی د کتلو نه روسته ه زمکه و ویشت ، او په سپیړ و دی و وهلو ....؟ »

ښزه : « یا چه درومه ، خونه دی ویرونه شه ! یتو په دا کی څه کور دی ! ... »

سړی : «موری په دیکش خوستا نقصان نشته ، نوولی ...؟ »

ښزه : « نسخون خوبی می نه وی ، خو نویدا څه ؟ ... »

سړی : « زه اوس راغلی یم ، پوښتنه درنه کوم ، نو څنګه جواب نه را کوی ؟ .. »

ښزه ، « خبره خود وده چه دوشپیژ می زومن دی ، دو مردك د مخی نه خوړلی دی ، په توره مړه دی : شهیدان دی . نو زکه می خکل کړه . ودو یومی څښتن دی ، دده مردك په شوګیدلی دی ، د ی په دؤسئی (تیښته ، بیمانتوب) کش مړدی . د دؤس مخ په کفن کش هم کسل نه دی په کور ، نوایسی می وغور زلو ... ! »(۱)

(۱) دادخزی دپښتونولی جذبه ده ؟که نه! دکوم سړی نه چه داسی توریالی زامن زیژی ، هغه هیسکله دښمن ته په تیښته شانه اړوی . « خادم »

سړی : « بس نور نو خدای سپارلی ! »

ښزه : « خلوی دی مل شه ! . . »

د دینه روسته ښزه خپل مړی یو یو په شا کوی ، او وړی یی . سړی چه بیرته راغی ، جرنیل ته یی ټوله واقعه ټکی په ټکی و ویله . جرنیل ړومبی د تعجب نه گوته په غاښ و نیوه . بیا یی واقعه یو په یو خپل گور نمنټ ته ولیکله ، او وی لیکل چه : « د دی قام سره جنگیدل او د دوئی نه گته کول ډیر گران دی . دستی خو کامیابی نه ده ممکنه ! که څه زمانه پسته د دی خلقو اخلاق بدل کړی شی ، نو امکان به وی . »

د او چه د دینه روسته اډر (حکم) راغی چه « جنگ بند ! »

داړه :

لکه څه رنگه چه مونژ مخ کی اشارت وکړلو پښتانه د توری اومیدان په جنگ کی وتلی او ښکاره دی . په همدغه مناسبت میدان گتلوته توره اوگتندوی وی ته توریالی وائی . ډیرکرته داسی شویدی چه د توپونو او مشین گڼونومقابله دوی د شړیو په سپرکړیده ؛ داسی چه دتوپونو په اور او مشین گڼونو په گولیو روی لاس ورختلی دی او د توپونو توری خولی ئی د شړیو په کلولو بندی کړیدی . دا واقعات تل لیدل شوی دی څه ډیری تشریح ته حاجت نه لری .

په دی ځای کی موژ یو بل رقم جنگ چه پښتانه پکی خاص مهارت لری بیا نول غواړو . دی قسم جنگ ته پښتانه په خپله اصطلاح (داړه) وائی چه په فارسی باید ورڅخه په (شبیخون) تعبیر وکړه شی .

ز مونږ اسلامی شاعر حضرت اقبال دا قسم جنګ د ترکانو له خواصو څخه بولی. او دوی ته ئی نسبت کوی لکه چه (د زبور عجم) په یو غزل کی وائی :

بر عقل فلك پیما ترکانه شبیخون به یکذرهٔ درد دل از عقل فلاطون به

وی به چه ترکان هم په شبخون کش ماهراوسی ، لیکن د (روه) پښتانه په دی قسم جنګ کش دومره معروف او میړنی دی چه زمونږ په یاد دوی همیشه په دغه رقم جنګ کامیابی حاصله کړی ده او دښمن ئی مات کړیدی .

دغه پورتنی څلور حرفی کلمه په دوه ډوله لوستل کیږی چه یوه تلفظ سره اوږد او نیغ وتلی غاښ ته وائی ، لکه د سپی یا د پیل غاښ . ولی په دی بل تلفظ سره دغه مخصوص جنګ ته وائی چه « ناګهانی یو مسلح ټولی د دښمن به سیمه ورو اوړی » د لغت په معنی کښ دانه ده داخله چه ناګهانی حمله دشپی وی یاد ورزی لیکن د دی قسم جنګ د پاره شپه ډیره مساعده ده .

زما خپل فکر دادی چه دا رقم جنګ دوی ته د دوی غرڅنی توب ، مشکل پسندی او د دښمن د وسلی تفوق ښودلی دی ـ پښتانه اکثره په غرونو او کوهستانو نو کښ پراته دی . دغره په ختلو ، کوزیدلو او ګرزیدلو کش طبعا بلددی . دبلی خوانه دا هم شویده چه دوی اغلباً توره په لاس ، توپ ـ او ټوپك په لاس ، طیاری ته مخامخ شویدی . میدان کش شااړول خود دوی دروایاتو برخلاف ده . نو . دوی ته طبیعت دا تعلیم ور کړیدی چه که ورز د زور ورو ده شپه خود کمزور و ده . نو دور زی دومره کوی چه خپل سنګر ونه

تینګ کړی او دښمن درا وړاندی وا لی څخه منع کی . و لی دشپی چه دښمن پوند کونړوی نو وار د دوی وی په دی وخت کش دوی د دښمن په سنګر وښو وراوړی اوخه ئی چه د لاسه وشی هغه کوی .

برمته :

دایو مخصوص عادت دی چه په پښتنو کش په قومی طورسره رواج لری . برمته دی ته وائی چه د یو چاپه بل باندی یونوع حق وی اوهغه بل د د غه حق دا دأ کولو د پاره نه وی تیار . بو د دی د پاره چه دغه حقدار خپل حق شته کی . او په دغه بل باندی ئی ومنی ، نو ددغه پر ـ مال یا سړی وړی . او ذ زانه سره ئی ساتی څو چه خپل حق بود کی ، نو دغه مال یا سړی بیرته ور کوی .

د سرحد پښتانه ډیر زاه داسی برمتی د حکومتو څخه هم کوی . دشپی په دا ډه یاپټ ، حکومتی حدودوته وردا خلیږی او هر نر اوښزه چه په لاس ي ورشی په برمته ئی وړی . سباته بیا اظهار کوی . اودهغه برمتی په ذریعه خپل بندیان را خلاصوی .

ننوا تی :

د جنګ اوعداوت دقطع کیدو د پاره دایوه مخصوصه طریقه ده کوم و خت چه د دوه کسو په مینز کش جنګ او جګړه ډیره مو د ه جاری او سی او بیا یوه خوا مغلوبه شی یا وغواړی چه نوره جګړه قطع کی نو په دی وخت کش لازمه ده چه ننوا تی وکی . هغه نو داسی ده چه میا ، ملا بـه دښمن ته و رلیږی هغه به د ده له خوا عذر کوی . او وائی به چه فلانی نور بدی کول نه غواړی . کله داسی هم کیږی

چه خپله د غه مدعی د دښمن کاله ته پرې په غاړه او وا ښه په خوله ورشی . د دی دا معنی ده چه زه ملامت یم ، عفو غواړم . مګر دا ذلت ډیر شاذ او نادر قبلول کیږی . کله کله د ټنواتی دپاره دسپین زیرو جرګه یا خو تنه ښځی هم لیږل کیږی ، پښتانه د ښځو پلوډیر محترم ګڼږی او هیسکله یې تش نه پریږدی !

ټنواتی په پښتنو کښې خورا زیات اهمیت لری او په دی کښې که د جانب مقابل هرخومره ډیر تاوان وی نوهم تری تیریږی . د پښتنو بدی چه ډیر اوږد او مسلسل دوام لری په ټنواتی سره دا سی قطع کیږی چه بل هیس دستور دومره مؤثر نه‌واقع کیږی . د ټنواتی په مثل د پښتو په نړۍ ډیر لوی کبیر او ډیر مذموم خصلت د ی . چه هیسکله هیس پښتون هغی ته نه شی تیاریدی . په ټنواتی سره د عمر و نوبدی او د ډیر و سر و نو بدل بخښل کیږی .

دمشرانو منښت

عموما د پښتنو په باب دا خبره خوره شوی ده چه دوی یو تر بله سره منښت نه‌لری اوددی خبری د دلیل د پاره دمثل په صورت‌داوائی چه « پښتا نه هریو من د ی ، نیمن پکښې نشته » د ا صحیح ده چه پښتون هر یو من دی ، ولی ددی معنی داده چه د اقام د عزت نفس ، شرف اوشخصی حریت په‌اعلی معیار پیدا شوی دی ، د شرف مرګ د بیعزتی په ژوند باندی ډیر افضل بولی ، او په بیعزتی او ذلت سره هیسکله هیڅاته سر نه ټیټوی ، او دایی معنی‌نده چه‌دوی د خپل مشرانو منو نکی ندی ، تاریخ مونږ ته د دوی ددغه پورته خصلت د اثبات د پاره ډیر ډیر شواهد او دلائل ساتلی دی .

حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان په (۱٤۱) مخ کښې داسې لیکي : دپښتنو د عساکر و افراد د خپلو مشرانو هغو مره اطاعت او انقیاد کوي چه په یو متمدن مملکت کښې هم د هغې مثال نه مونده کیږي ، تردي چه که دوی په کوم ډاګ کښې سره خواره او یو یو شوي وي خوحه دا او از واوري چه دوی خپل رئیس اومشرته راغوښتل کیږي نوډیر زر په تندي او جلتي سره د رئیس اومشر ځای ته دا مروړلود پاره را حاضر یګي ، او که په ډیره و لژه او تنده کښې دوی ته طعام او او به لاس ته ورغلي وي نوهغه هم پریږدي او دامر منلود پاره د مشر حضور ته رازغلي .

د دوی دښه اطاعت څخه داده چه پخوا به دوی کوم ښار فتح کړو نوحه سردارانو او مشرانو به دا امرو کړو چه د خلقو پوري غرض مه کوي. نود دوی نه به یوځه ادنی داسې کارنه صادر یدلو چه دعمومي امن اوراحت نه به برخلاف وي . تردي چه که په سرو او سپینو زرو جړا و ښخي به تیریدلي ، نوورته به یې کتل قدري هم نه !

یو وارداسې پیښه و شوه چه دا شرف خان د تخت کینا ستلو په اول کښې په اصفهان کښې دپښتنو د دوه ډلو به مینز کښې جګړه جوړه شوه اوجګړه سخته شوه تردي چه ډیر مړي وشوه ، نود کاندارانو خپل دکانونه له دي ویري بند کړل چه دوی ته څه تاوان ونه رسیږي نو په دي وخت کښې شاه اشرف حکم وکړلو چه « د کانونه دي نه تړل کیږي او که چاته څه خساره ورسیږي نوزه بې تاوان ورکوم » ددي نه وروسته په ښار کښې څو موده جګړه جاري وه ، لیکن د جګړه مارو له خوا اهالي ؤ ته هیس ضرر ونه رسید .

پښتنو چه د غور د ټبر ، میرویس خان هوتکي ، احمد شاه کبیر

شیرشاه سوری ، غازی اکبر خان ، محمد ایوب خان ، او په آخر کښې دا علحضرت محمد نادر شاه شهید په مخ کښې په خپلو سر و نو کو می لوبی کړی دی دا د پښتنو د مشرانو د منلو او فدا کاری پوره پوره ثبوت ورکوی ، نوری وړاندی خبری به ټولی پرید و یوازی د وطن د نجات واقعی ته به و گور و چه پایتخت او ټول مافیها د لاسه و تل او بیا د یوداسی ملی قائد د سیوری لاندی چه بی دزړه د درد او قومی اخلاص څخه دده سره نور هیس وسائل موجود نه وو ، د پښتنوتش د پښتو نولی او د ملی مشر انو د منلو په برکت بیرته هر څه لاس ته راوستل څه آسانه خبره نه وه ، په دی کښې ډیرو قربانیو ، فدا کاریو او دوینو تویولو ته حاجت و .

داهم پریده ، د سرحد پښتانه او د عمر ونو عمر و نو جگړی او د ډیر مقتدر او زور ور قوت په مخ کښې د خپلو ملی قائدینو د بیرغ لاندی جنگیدل چه د پښتنو د مشرانو د منلو جذبه ثابته نه کی نو بل به ئی څه شی ثابته کی ؟

هوا د پښتنو نولی روح یوداسی خاصیت لری چه دقومی لطف مهربانی خواخوگی ، اودملی قیادت اومساوات په مخ کښې لکه ریښم پستیژی اود سختی ، زور ، حاکمیت ، اوظلم په مخ کی داسی کلکیری چه دنو پونواور ، د طیارو بمونهٔ اود فولاد و توری ئی هم نه شی نرمولای !!! چاچه ددی قام سره سختی کړیده هغوی روسته په خپلی سختی سخت پښیمانه شوی دی !!!

بدل اخیستل :

په پښتنو کښې دبدل اخیستلو اوانتقام خوی بیخی کلک دی که

دوی ته سپك وکنل شی یا ددوی بیحرمتی وشی یاددوی حق تلف شی ، نواول دستی په دستی اوپه سپین میدان دخپل حق درا گرزولو دپاره ټینګ کوشش کوی ؟ په داسی ځای کی خپل سرته اهمیت نه ورکوی ؟ که سره ددی تولوئی بدل پاتی شی ؟ نودپښتون دزړه نه هیسکله دا نه وزی چه ده ته چاپه انفرادی یاقومی حیثیت سره پـه بی احترامی کتلی وی . دامشهوره ده چه « پښتون داوښ کینه لری نو کلونه کلونه صبر کوی اوهغه دانتقام جذبه دده د زړه نه نه کیږی چه څو واروموسی اوخپل بدل واخلی . په پښتنو کی سخت پور د سرپور دی . د سرپور کله خاندانی وی اوکله قومی ، په خاندانی کی د خانـدان نه سړی وژلی شی . اوپه قومی کی دقام نـه بـدل اخیستل کیږی . دپښتون بدل په میراث سره منتقل کیږی ، بدل اوانتقام ته پښتانه پور هم وائی ، کلونه اوپیړۍ تیریږی مگرخپل بدل ی نـه هیریږی . په پښتنو کی داد متل په دود مشهوره ده چه « پښتون سل کاله پس خپل پور واخیست هم ویل ئی چه جلتی می وکړه »

بدل په دوه قسمه دی. یودبدی پوردی چه بیان ئی محکمی تیرشو . بل دنیکی صلی ته هم بدل وائی ؟ په پښتنو کی دالو ی عیب دی چه دچاسره څوك نیکی وکی اوهغه ددغه نیکی عوض وروته گرزوی . بدل پاتی کیدل دپښتنو په نزد سخته ناصردی شمیرل کیږی .

معلومیږی چه داد بدل اخستلو اوبدل گرزولوخوی چه پښتنو ته دغعنی او کلکی سجیی په شان پاتی دی ، داددوی دعزت نفس . شجاعت اومزاجی استقلال دناحیی نه په دوی کی راسخ شویـدی ، یومحترم ځان خوښی ، اوشجاع سړی کله غواړی چه څوك دی ده ته سپك وگوری اودی‌دی هغه باسنده تیره کی ؟ یادی څوك دده سره

یواحسان وکی اوهغه احسان دی دده په اور میژه پور باتی شی !
پښتون د غه وضعیت بی شرفی ګټری !

غزا :

مخ کی موژ د پښتو دمخار بوی قوت او جنګی روح څخه خبری وکړی ؛ غزاهم یونوع مخاربه ده ولی فرق دومره دی چه غزا یومقدس جنګ اوقربانی ته وائی چه ددین اومذهب په نامه باندی کیږی .

پښتانه داقسم قربانی دیره مقدسه ګټری اوپه دیر فخر اوعشق سره دغزا په وخت کی چه دباندینی اوددین نه وتلی دښمن د پښتنو په کوم ملك تعرض وکی ؛ دخدای په لارکی دسرور کولو دپاره میدان ته راووزی . دغزا په موقع کی کوم وخت چه دښمن غلبه وکی وا ړه ، غټ ، ښزی او ترټول جنګ ته را ووزی . دهرځای نه دلی جوړیږی سره بیرغونه ترې اود جنګ ځای ته روانیږی دهری دلی سره دولونه ، نغاری اوسازونه وی ؛ په دیری مستی اوشوق سره د شهادت ځای ته درومی .

د پښتنو په عقیده سره کوم د ساز آلات چه په غزا کی شرکت وکی دا آلات اودغه سازندګان چه په غزا کی ګډ ی غږوی پس له غزا څخه هم په دیره ښه ستر ګه کتل کیږی ، او هیسکله یودینی مشراوم اذون د دغه ساز اوسازنده بیحرمتی ته اقدام نه کوی .

دول والا ا کثره د لښکر په مخ کی ز ی او دجګړی یادتشث یاد فتح په وخت دول درزوی او د دول په او از ټول غازیان سره راغونه ږیږی او موقع ته ران رسوی .

د پښتنو استقلال او آزادی چه په دی پرشور اوخطرناك عصر

کښې ساتل شویده د دغه مقدس روح او د دغه پاك خصلت په برکت ده .

مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افاغنه په (۲۰٤) مخ کښې داسی لیکی : « د غزا لفظ د پښتنو په نزد دومره خوګ دی چه هیڅ دولت د دوی مقابله نه شی کولی ، په افغانی سیاست کی چه که څه روح شته نو هغه فقط دغزا د شوق په برکت سره دی . »

کرنیل میلسون انګریز د خپل تاریخ افغانستان د اول باب په آخر نیو پاڼو کی پخپلو الفاظو کی وائی « پښتانه د خپلو ملایانو او مذهبی مشرانو د لاس لاندی دی ، او د کافرانو سره که هغه توروی او که سپین ، هر وخت د غزا د پاره تیار وی . د غرو پو په غارونو کی په امان ناست دی خدای خبر کله را ایسی ئی د هغه ټولو حاکمانو سره جګړی کړیدی چه د مونږ نه ړومبی ئی په سر حد باندی حکم کولو او پخپلو ارمانو بوږیدوئی زړونه سخت شوی دی

جرګه :

د پښتنو په ملی عنعناتو کی جرګه خورا اهمیت لری . پخوا پښتنو ټول مهمات په جرګه فیصله کول ، وائی چه سلطان بهلول لودین د هندوستان پاچا به د پښتنو سردارانو جرګه دراوده ، هر وخت به چه دا جرګه تشکیل شوه ، دی به د پاچئی د تخت نه را کوزشو دنور وسره به یو زای د پښتانه به ډول کښیناست په دی جمعیت کی ده هیڅ امتیاز نه درلود . (۱)

د پښتنو جرګی خو را مشهوری . دی زینی مدققین وائی چه دا

(۱) د خانجهان لودین قلمی تاریخ او تاریخ سلطانی «طلوع»

جرګی د پخوانو آریا نانوله رسومو څخه په دوی کی پاتی دی .

اوس هم د آزاد وسرحد و پښتانه د جرګی پابند دی هر وخت چه یومهم کار پیښ شی پښتانه پکی جرګه کوی ، د پښتنو جرګه زاښته اصول اوځانګړی قانونلری ، د جرګی زای معلوم وی . چه یا حجره یا دیره اوچوتره ، او یالوی مسجد و ی ، په پښتنو کی د جرګی او یوه خلق فطر تامعلوم وی چه په هغوکی څوك اختلاف نه لری ، نو دوی سره راغونډیژی او په موضوع باندی بحث کوی ، بحث وار په واروی ملکان ، خانان او پوهان او د جرګی خلق په خپل طبیعی لمبر، وار په وار په موضوع باندی تبصره کوی ، اوتا وخوا واضحوی. د تقریر په شروع کواوکی هرمقرر د خپل مدعا په موافق حکایات او مثالونه د تمهید په طور بیانوی ، نو بیا مدعاته رازی ، او په عین مدعا کی په خوږه لهجه چه دپخوانواوهوښیارانو اقوالوته پکی حوالی وی ، بحث کاوه شی . د پښتنو په نزد د پښتو مثل دیوی مدعا د پاره قطعی ثبوت ګڼل کیږی . په بحث کی آزادی وی ، هلته فضول او بیباکه و ینامنع وی . په جرګه کی چه څوك ناسزا و وائی نو د هغه جزاداده چه جرګه مخ ورته راواړوی او ورته ووائی چه بد دی وویل ، ته ملامته ئی . بس داد پښتون مرګ دی . د دی ویری څخه هر څوك د مجلس احترام کوی . مشران او سرکاؤ سړی په جرګه کی شرکت او خبری کوی ، او کشران اکثره مسلح ولاړ وی ، د چای ، او بنو ، چلم خدمت او نور لوازم په لځای کوی ؟ په سره سینه خبری او بحث کیږی ، داسی جرګی هم وی چه ورزی ورزی وربانډی تیریږی چه څوصحیح او منلی صورت معلوم شی . او قول مجلس قانع شی ؟ نو مصو به مواد

وښئی چه فیصله دا ده ؟ نو پس له هغی په دغه فیصله باندی پسو نه حلال کی په گډه ئی و خوری ، او جرگه پاڅیژی .

د جرگی حکم به هرخوك منی، او کورټ به مخالف زنی نه شی کولی. که حا د جرگی د تصویب نه مخالفت و کړو هغه ته د قام له خوا سزا ورکول کیژی او دغه سزا ته ناغه وائی ؟ په ناغه کی ناغه شوی ته کله مالی تاوان رسیژی چه نسه ، غوا ، غویی به ورنه حلا اوی ، د یته گناهگاره وائی ؟ او کله د سخت عصیان په وخت کی قام را پاڅیژی د گناه گار کو رسیزی ؟ او کله داسی هم کیژی چه د وطن نه ئی و شړی او فرار ئی کی .

د پښتنو د استقلال دژوند یو لوی سبب دغه دی چه دوی هر وخت خپل ملی معاملات په جرگه او مشوره فیصله کوی ، ډیر زله دوی بیله یو منظم حکومت په ملی ډول سره هم چلیدلی دی ؟ د پښتنو ټولی د ننه او د باندی ورانی او و یجاړی په جرگه فیصله کیژی . نو جرگه د پښتو نولی یولوی اساس دی . اودامبارك دود د زړ وپښتنو او نیکه گانو یومقدس اساس دی . توریالی خوشحال خان وائی : بی جرگی نه به هیس کار په لاس وانه خلی ـ چه خبروی د جرگی په برکت.

روغه :

روغه وائی جوړی اومصالحت ته . د جرگی دفیصلی نه روسته چه کوم قرار داد کیژی او دوه متخالفین سره ساز کاندی ؟ هغی ته روغه وائی.. پس له روغی کیدلونه چه په کومه خبره .ـ

تیژه :

دعا وشی هغی ته تیژه وائی ؟ تیژه اینبو دل : مصالحت کول

د ی لکه سه رنګه چه د حکو متو په مینز کښ معاهده کیږ ی دارنګه پښتانه په خپل مینز کښ او دنورو ګوانډ یانو سره د تیږ ی اینبود واصطلاح لری . دپښتنو په نزد تیږه ډیر احترام اواهمیت لری.

دتیږی نه چه سوك مخالفت وکی اودهرګی دفیصلی نه بر خلاف عمل وکی دپښتنو په اصطلاح کی وا ئی « تیږه ئی ما ته کړه » تیږه مقتول لوبه ګناه ده حه جانی دجرګی په رایه یاناغه کیږی یافرار کیږی ایکه چه محکښ و ویل شوه .

عهد او وفا :

• اجتماعی ژوند بیله یو اخلاقی نظام څخه نه شی چلیدلی . هرقوم او هره جامعه ضرور ده چه یو قسم اخلاقی نظام به لری؛ یعنی یوڅه داسی اصول به لری چه تو له جامعه په هغی ګډ نه کوی ؛ د دغی اصولو دجملی څخه عهد او وفا یو ډیرمهم اصول دی چه ګویا داجتماعی ژوند محور بلل کیږی ؛ که د یوی جامعی له مینزه څخه دعهد او وفا ټکی پورته شی نوددی جامعی په افراد و کښ به خوږه بی اعتبار ی او بی اعتمادی اوسی ؛ اوڅه رنګ چه د دنیا ا کثره کارونه داعتبار او اعتماد پوری اړه لری نوکه اعتبار اواعتماد لری شی په اجتماعی ژوند کښ به دوږه بینظمی او تشتت پیښ شی چه دوحشت اندازی ته به انسان و لویګی . نوهیس تمدن ګویا بیله اعتبار او اعتماده نه شی قائمیدلی زکه انسان د اعتبار ساتلو مراعات ونه کی ، نو داسی هیس قانون جوړ ول ممکن نه دی چه په هغی کښ دحیوو او خبرو ګولو څای نه وی .

د اعتباراو اعتماد پیدا کیدلواو ټینګیدلو لوی عامل عهد اووفا دی په هرټمدن کښ چه عهد نو وفا کلك او محکم اوسی او دافرادو په مینز کښ چه هرخومره یوتربله اعتبار اعتماد زیات او ټینګ وی هغومره دغه تمدن فاضل تمدن شمیرل کیږی ، داخصلت دومره اهمیت لری چه تولو آسمانی ادیانو او خصوصا د اسلام مقدس دین د دی نهایت تاکید کړی دی ، قرآن کریم دیر زله (اوفوا بعهد کم) ـ (اوفوا بالعقود) اوپه داسی نورو رنګونو کښ دقول اووفا هدایت کوی. نبی کریم (صلعم) دمنافق په خصلتو کښ یوه داهم شمیری چه (اذا وعد خالف).

په پښتو ټولی کښ عهد او وفا خورا دیر اهمیت لری د « پښتو » دلفظ په معانیو کښ یوه « په خپل عهد اوقول پاندی ټینګیدل اودریدل » هم دی. پشتون ځان وژنی خود خپل عهده تیریږی د پښتنو دا روح پردوا و بیګانه قوموبو ښه پیژندلی دی او دخپل مفاد دپاره د دوی د دی خوی نه استفاده کوی ، داسی چه په څه چل ول دپښتنو نه یووار قول او عهد اخلی نو دا خو ورته معلومه ده حه پښتون د قول او لفظ نه نه اوړی ، نو بس بیائی پخپل مفاد مستعملوی .

پښتانه د اقوامو د اختلاف په لحاظ د دی معنی څخه په قول ، عهد ، وینا ، لوظ ، بول او ګډای سره تعبیر کوی ، پښتون چه وعده وکی یا به هغه پرزای کوی یا به مړی ، تورالی خوشحال خان وائی : «که ئی سرله تنه دومی نور به نه شی ـ دخو شحال چه د خپل یارسره میثاق دی» . ـ حمید بابا وائی : « قول بول په ژوندون نه شی بدلولی ـ زکه ځان په جهل وژنی پښتانه» ـ یا داچه : «ځان به مړ دعشق په جهل کړم ناصح ! وابه نه وړم زه حمید هسی پښتون یم» ـ بل ځای حمیدبابا

د وعدی او قول د ټینګار تعلیم په ادیبانه تجنیس داسی ورکوی :
«چه‌رښتینی سیده صاف نه‌وی حمیده — بولی بولی عاقلان داهسی بول»
پښتانه‌په لوظ دومره ټینګ‌دی‌چه‌که په غلطتیا یا په سهوور څخه هم قول او عهد وشی او روسته ورته خپله غلطی معلومه هم شی ، پښیمانه خو ډیر وی مګر د عهد دما تولو چل پښتون ته نه ورزی ، بیچاره ټول تکالیف تیروی ، مګ عهد ساتی لکه دیوه‌کا کړ څخه حکایت‌کوی‌چه : دی هند و شوی و ، نورو خپلوانو ناچاره کاوه چه بیرته خپل پاك دین ته را واوړی . مګر ده د هغو ټولو فلسفو په مقابله کښ په خپله ژبه دا ساده جواب و وایه « مړه ! اوس می ګای کړی دی » .

پښتانه په‌دی خوی شیدایان دی . حمید بابا په‌څه ارمان د پښتنو نولی دا وی غواړی « چه د عشق په جهل ځان وژنی وګړی ـ کاشکی زه عبدالحمید هغه پښتون شم » . « طلوع

د پورته بیان څخه په پښتو نولی کښ د عهد او وفا اهمیت ښه څرګند شو ، او داچه پښتانه په‌دی خوی څومره ټینګ‌دی ، اوس‌هم پښتانه په‌دی خوی هماغومره کلك‌دی ، ولی دعلم اوپوهنی دخپوروالی او ښه تربیت څخه چه د خپلو خوا خوږو له خوا څخه دوی ته ورکول کیږی دوی ددی ، لاری څخه د د ښمن په جال کښ نه نښلی اونه په بدو چارو کښ لویږی .

پښتو :

پښتو د پښتو نولی ړومبی عنصر دی . دپښتون په لغت کښ پښتو لفظ ددغه قام دژبی ، غیرت ، ایمانداری ، عهد اووفا ، کلکی ارادی

ټینګیدلو په معنی راغلی دی. دژبې په متعلق زه دلته بحث نه شم کولی چه دموضوع نه وړاندی ونه لویژم. دعهد اووفانه موضحکښ بحث وکړو.

زه غواړم چه دلته دغیرت څخه لږ څه بحث وکړم : غیرت دمدافعی هغه حس دی چه سړی ته د فردی ، اجتماعی اوملی حق دسلبولو په وخت کښ را ولاړیژی ؟ یا په لږ ښه آسان عبارت سره غیرت ننګ دی ؟ غیرت کول یا غیرت خوړل ننګ کول دی ؟ غیرتی سړی ، ننګالی سړی .

غیرت یو مقدس حس دی چه د دین ، وطن ، قام او ناموس دساتلو د پاره په انسان کښ لږ او ډیر اینبوده شویدی ؟ غیرت هغه عصبیت اوحمیت دی چه دقومیت اوملیت دمانړی اساس بلل کیږی هیس قام اوملت بی ددغه عصبیته ژوندی نه شی پاتی کیدلی ؟ قومی اوملی خصائص ددغه عصبیت په اعتبار ساتل کیږی ؟ هر څومره چه داعصبیت زیات اوکمك وی قومی مانړی هما غومره محکمه اړکلکه وی ؟ په هر ټولی اوقام کښ چه دا حس کم شی هغه ټولی ورکیږی دور کیدو دوه لاری دی. یا داچه استقلال بایللی او دنورو دسیوری لاندی شی چه څو پکښ مدغم شی اویه تاریخ کښ فقط و ر ز نی قصی پاتی شی ؟ یا داچه ورو ورو خپل ممیزات بائللی ، او د نورو په رنګ کښ رنګیږی ، نوهغه داسی وی لکه ماسته چه په شړومبو بدل شی ، نو که ددی تبدیل په وخت کښ هم څه محکم خصائص ونه لری نو بس د اول قسم غوندی آخر مدغم شی او ورك شی .

دپښتنو غیرت اوعصبیت دومره ښکاره دی چه هیسوك ورنه انکار نه

شی کولی اودهمدغه عصبیت وچه ده چه دمود و مودو څخه ئی سره دډیر وانقلابو اوتحولاتو خپل ملی خصائص ، رسوم ، عادات او خپل قومی حیات ساتلی دی ؟ غیرت په څوقسمه دی ؟ ملی ، قومی ، وطنی اودینی غیرت چه دهریوه بیان بیل بیل په خپل ځای کی رازی .

ایمانداری :

دینه وائی چه سړی په خپلو ټولو افعالو اواعمالوکی درښتینولی او صداقت مراعات کوی . اود چا له ویری یاد خپل ځان د مفاد ، یاددښمن دتذلیل یادنفس په ښودنه دحق اوصداقت نه وانوړی . غالبه داده چه دامضمون پښتنو دقرآن کریم د هداياتو څخه اخستی دی اودپښتونولی په کتاب کی ئی داخل کړی دی ولی چه د اسلام دټولو هداياتو اواحکاموخلاصه همداده چه دایمانداری به لفظ کی ځای شوی ده ـ

کلکه اراده اوټینګتیا :

کلکه اراده اواستقلال یومهم خوی دی ، فلاسفه دکلکی ارادی اواستقلال خورا ډیره ستاینه ـ اودبی استقلالی او هردم خیالی ډیره غندنه کوی . دکامیابی اوکامرانی په عللو اواسبابو باندی چه کوم وخت بحث کوی نوکلکه اراده اواستقلال ددوی په سرکی راوړی ، انګریز حکیم « هربرت سپنسر » د خپل کتاب (ایجوکیشن) په څلورم باب کی څووازه په تاکید سره داخبره لیکی چه « په اخلاقی اواجتماعی لحاظ سره هرهغه عدل اوانصاف چه په بی استقلالی سره اجرأ کیږی دهغی نه هغه ظلم اواستبداد ښه دی چه په استقلال سره اجرأشی» حکما په دی مصردی چه پس له فکراوتدبیرنه چه کومه رایه

قائمه کړه شی ، نوپه آخرکی که څه هم په دی عزم کی انسان ته لژ ضررهم څرگند شی ؟ د دغه ضررمتحمل کیژی دی ؟ او استقلال دی نه پریژدی . حکما دکلکی ارادی اوټینگتیاډیری ښیگنړی بیانوی ؟ چه ټولی دلته نه ځائیژی . دیومسلمان دپاره په دی باب کښ د حکمت دټولو کتابو څخه دقرآن کریم داهدایت ډیراهمیت لری چه « وشاورهم فی الامر فاذا عزمت فتوکل علی الله ! » په پښتنو کښ د قرآن حکیم د هدایت داد واړه جزأه په ښه شان سره معمول دی ؟ دوی اول په مهمو کار وکښ حرگه کوی اوبیا پس له فیصلی څخه دخپل عزم نه په هیس شان نه اوړی . دا مشهوره ده چه « د پښتون هو، هو ، ده اونه یی نه ! » زینی بد بینان د پښتنو ددی خوی څخه په ضدی توب او جهل سره تعبیر کوی ، لیکن « چشم بد اندیش که برکنده باد ـ عیب نماید هنرش در نظر » دا هغه ستایلی او ښاغلی خوی دی چه ټول ژوندی قومونه ددی په اثر ژوند کوی .

ثبات او استقامت :

هم ددی عنوان لاندی داخلیژی . ولی ثبات اواستقامت اکثره د شدائدو او مشکلاتو په مقابل کی وی . وفا دو عدی انجاز ، او ټینگتیا په خپل عزم کو لوته وائی دا ټول سره نژدی دی خوڅه لژلژ فرق هم لری .

مایوه ورز د پښتنو په ثبات اواستقامت بحث کاوه چه ماته وویل شوه چه « د پښتنو په حربی روح اوجنگیالی توب کی هیث شك نشته یو حربی قوم دی ، لیکن ثبات او استقامت نه لری ، داته د خوش عقیدگی څخه وائی » .

ماورته وویل چه « انصاف وکی په دی عصرکی چه تقریبا زیاته ایشیاد استعمارسیلاب ویوړه ، او زړه دنیا له یومخه د یورپ په مقابل کی په سجده پریوته ، مگر دغه د ایشیا دمینز دغرو پښتانه سره د ټولو کمزورتیاؤ اوبی وزلی توب د مقندرمقندرقومو په مقابل کی مودی مودی دغره په شان ودریده اوخپل استقلال ئی چاته ورنه کړو . آیا داد استقلال او ثبات مجسمه نمونه نه ده ! »

په دی بیان سره زما حریف قانع شواونورئی خه ونه ویل .

د پښتنو داخوی د مملکت او آب و هوا د اثر مولو د دی ، موژ به په دی باب روسته چیری بحث وکړو .

• ملی غرور :

ملی غرور یو ډیر شریف حس دی ، داحس په هغه مللو کښی لیده کیژی چه ترقی یافته وی ، ولی چه انسان ړومبی منفرد اویوازی و ، دده حیات هم په یوازی اومنفردانه طورسره و ، هر یو به علیحده علیحده د خپل ژوند د ساتلو د پاره کوشش کاوه . مگر هرخومره چه زمانی تیری شوی د تکامل په قانون سره د انسان په فکر او مغز و کښی هم نطورات او تغیرات راغله ، ده کور و پیژند ، خپل خپلوان ئی و پیژندل ، قام ئی و پیژند و ، وطن ئی و پیژندو او ملت ئی و پیژند ، هر کله چه داحس ده د خپل تکامل په وخت کښی میندلی دی ، نو هماغه انسان مترقی او متکامل گڼړل کیژی چه داحس پکښی قوی او مترقی وی .

مونژ ویلی شوچه د ملیت داحس په پښتنو کی خورا کلك او ټینگ دی تردی چه په خپل ملیت باندی ناز د پښتون غریزه گرزیدلی ده

د مذهبی لحاظ نه پرته یو پښتون په دنیا کښی دلخان نه هیسوك ز یا ت نه بولی بلکه دلخان سره ئی برابر هم نه بولی .

سړی وبلی شی چه ددی نورو سجیو په شان داهم د دوی د وطن د لوړ والو او جتو غرود استقلال او غرور ا ثر دی چه د دوی په مزاجو کښی فطر تا اخکلی شوی دی ، لکه چه ژور ژ شمیت د خپل کتاب « انسان » په اسمه صفحه کی (۱) داسی لیکی :

« هغه طبیعی اثرات چه اوړ غرونه ئی دخپلو اطرافو او نواحیو ژ داوسیدونکو په رو حیانو کی لری ، غیر له هغه موثر اتو څخه دی چه هواری زمکی ئی د خپلو مسکو نینو په رو حیاتو کی پیدا کوی زکه چه د غرنی مملکت او سیدو نکی تل د طبیعت سره په جګړه کی وی زکه چه د سیلا بونو او خیرو ونکو حیواناتو وجود او هغه مشکلات چه په ژ می کښی دغه خلقوته رسیږی همیشه دوی ته تهدید ور کوی . او طبیعی ده چه دا سی ژو ندون نه یوازی د غرو نو د شا او خوا داوسیدونکو دبدنو نو او پلود تقویت سبب گرزی بلکه شجاعت مقاومت د فکر سرعت ته هم تقویت ورکوی . هغه بنیاد مان چه د غره په لمنو او اطرافو کښی ژوند کوی نوله دی کبله چه د هغوی روز مره تماس غیر له غره نه د نورو طبیعی عناصر و سره هم وی ، نوزکه دخدای تعالی عظمت او صنعت په هغوی کښی زیات نفوذ کوی او دوی دیندارئی ته مائل کوی .

دغرونو خلق مغرور اوازادطبیعته اوسی او ددوی دغرور او حریت سبب دادی چه له یوی مخی ددوی داسترګنی زای اکثره داجانبو دظلم نه په امن وی اوله بلی خوادوی مجبور وی چه خپل حوائج بیله دی چه

(۱) داکتاب جناب محمد قدیر خان ترمکی په فارسی ترجمه کړیدی

بعضی مناظر دلچسپ افغانستان

تشریحات تصاویر رنگه

در صفحات آینده چند نمونه از رسامی های نفیس مکتب صنائع را بصورت رنگه و یك رنگ طبع کرده ایم . اکثر این تصاویر مناظر حیات سابق وطن را بصورت جذابی نمایش میدهد . شرح تصاویر مذکور بترتیب صفحات قرار ذیل است :

۱ - بازی بزغاله تازی که یکی از ورزش های ملی مردمان صفحات شمال افغانستان بشمار میرود .

۲ - کالسکهٔ قدیمی با هر چهار اسپ آن .

۳ - گوشهٔ یکی از بازار های قدیم کابل .

٤ - گوشهٔ یکی از کوچه های قدیم کابل .

٥ - منظرهٔ طبیعی استالف .

٦ - منظرهٔ یك دهکده در تاریکی شام .

۷ - یکی از دهات اطراف کابل .

۸ - تصویر یك سالخورده .

۹ - منظرهٔ ویران کردن برای آبادی جدید .

L'Afghanistan pittoresque

Les explications des photographies en couleur nous reproduisons sur les pages suivants quelques spécimens des travaux artistiques des étudiants de l'école des arts et métiers composés de tableaux trés pittoresques, à savoir :

1) Le célebre sport national : la course au chevreau.
2) La carrosse princiére d'autrefois.
3) Un coin du bazar dans l'ancienne ville de Caboul
4) Un coin de la rue dans l'ancienne ville Caboul
5) Paysage d'Istalif (prov. de Caboul)
6) Coin de village (Caboul)
7) Village aux environs de Caboul
8) Portrait d'un vieillard
9) Les travaux de démolitions pour la reconstruction (Caboul)



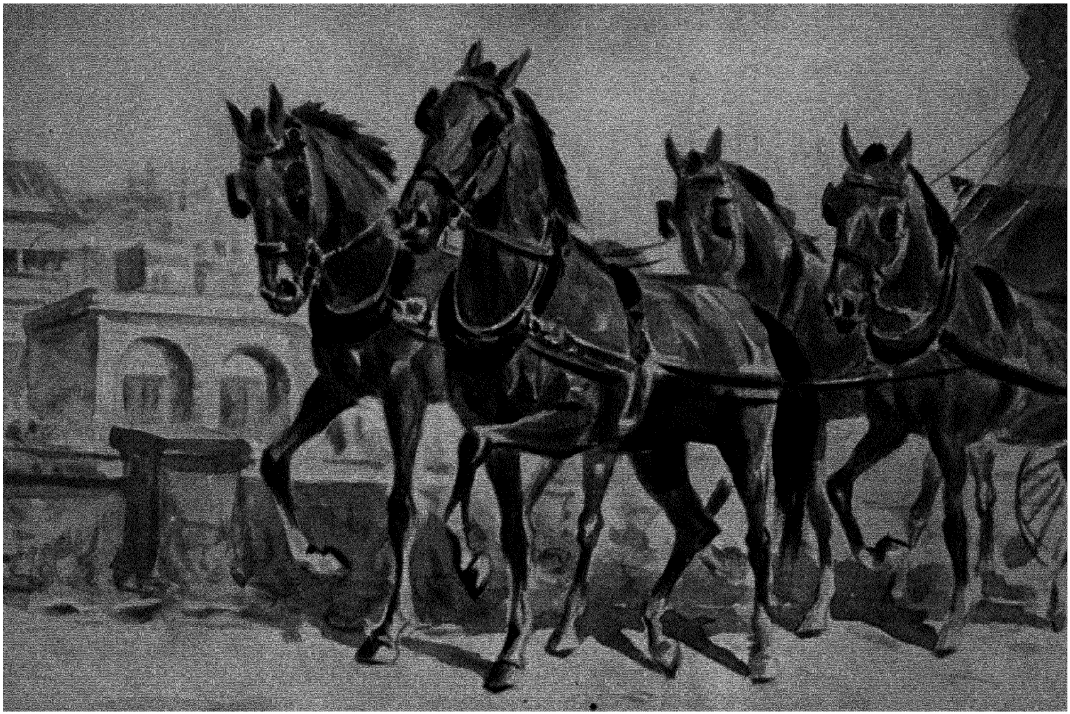

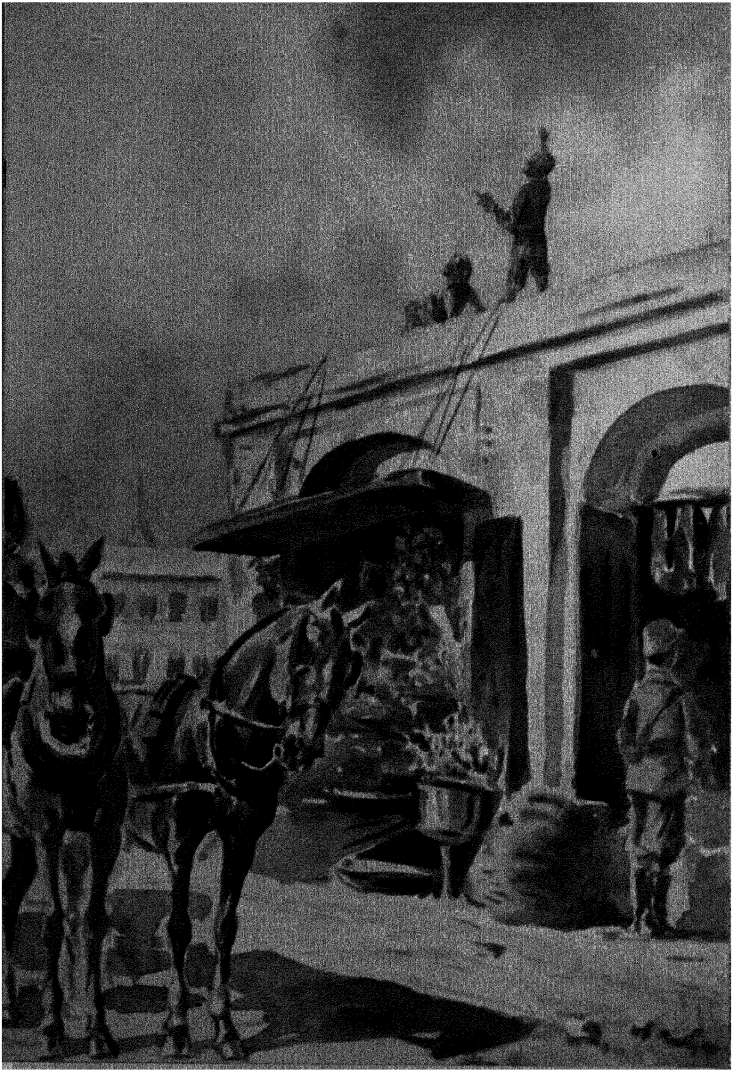

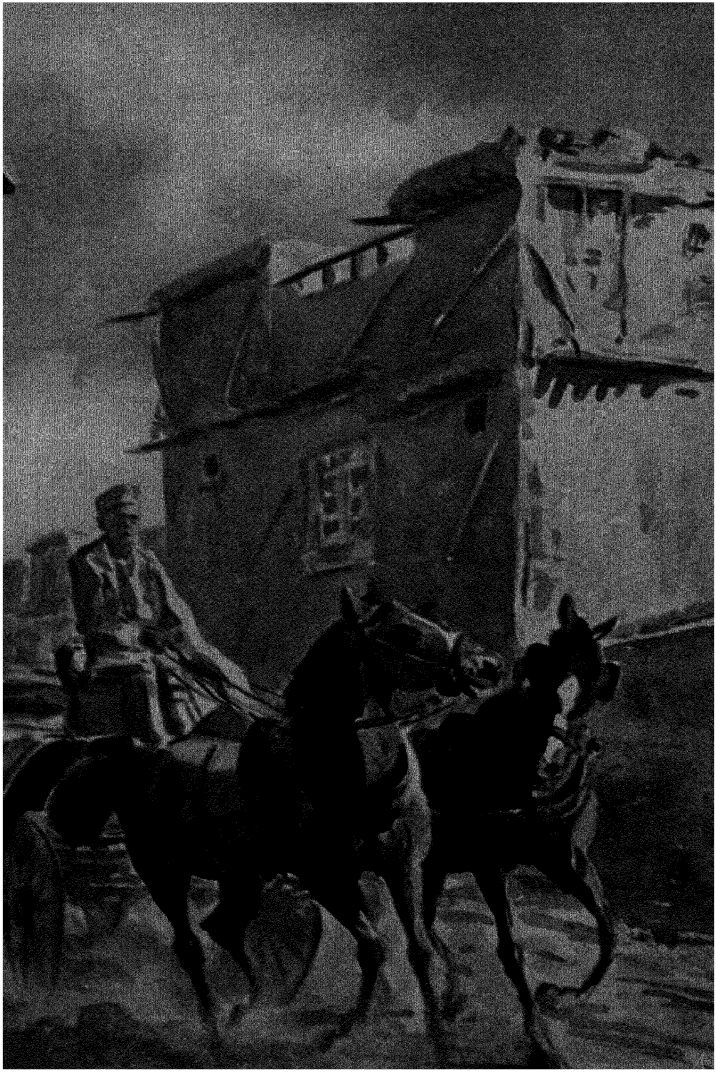

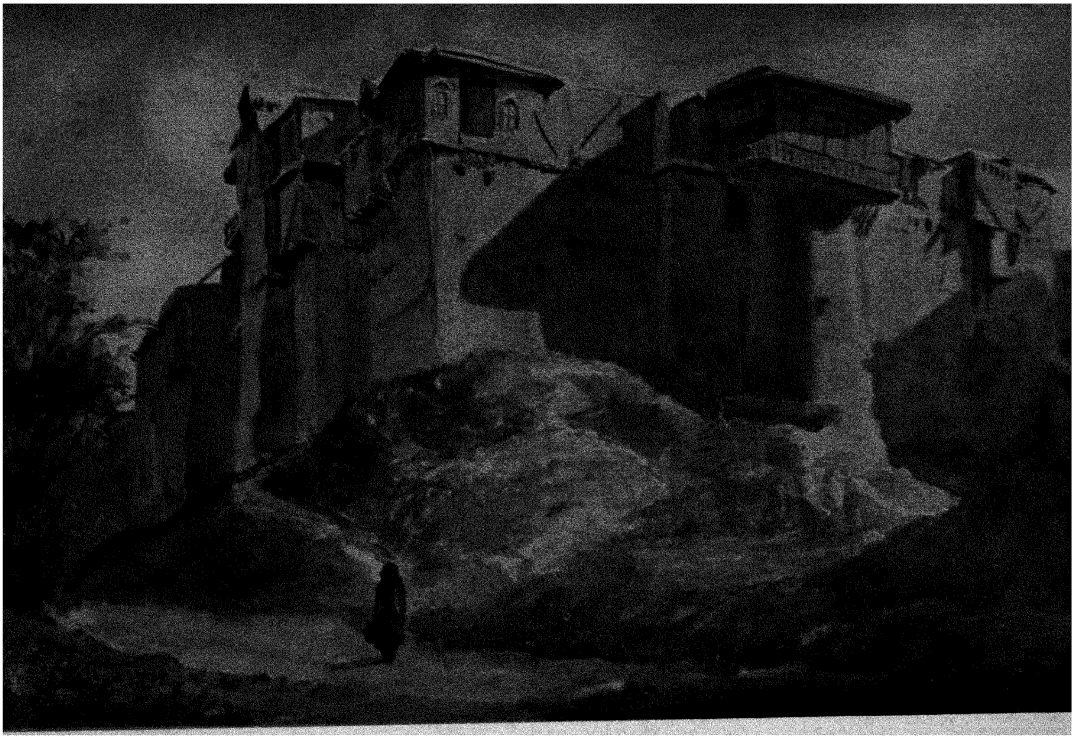



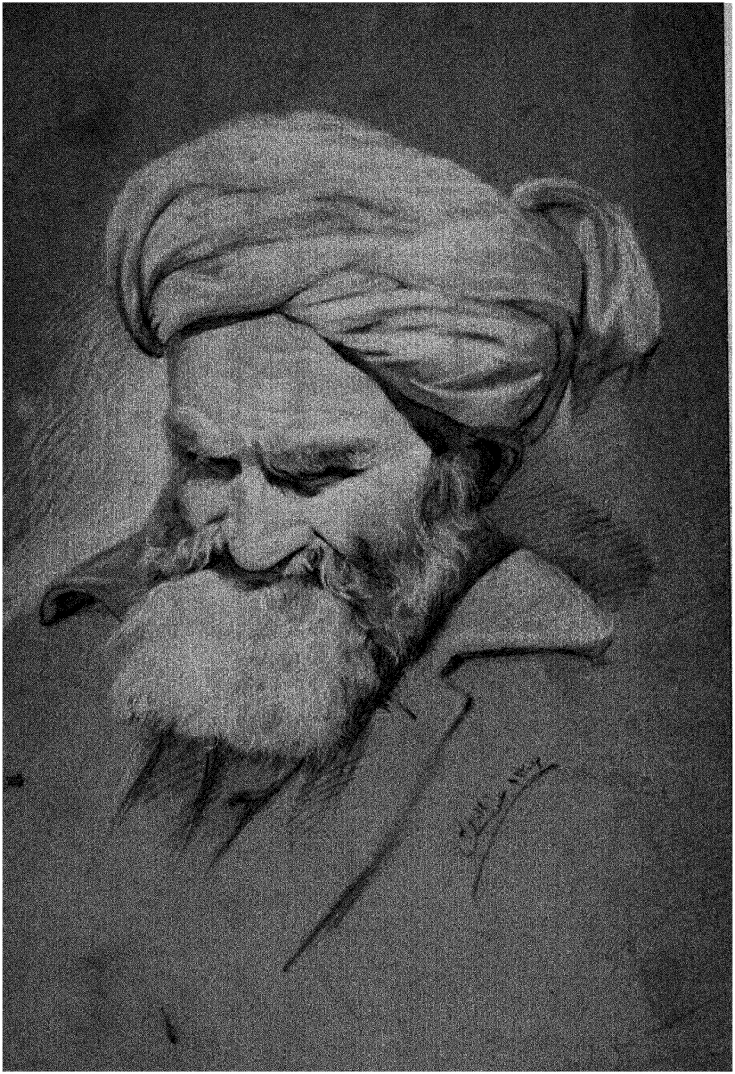

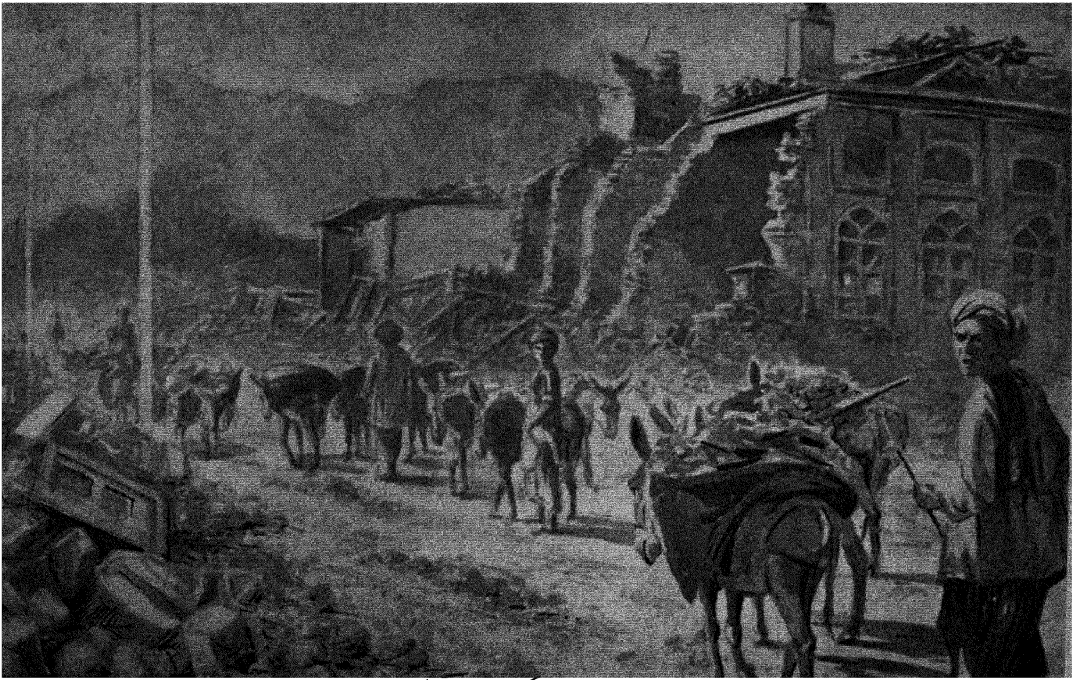

مطرهٔ حراب کردن برای آبادی جدید

Les travaux de démolition pour la reconstruction (Caboul)

دچانه یکی مرسته وغواړی یخپله ئی رفع کوی . نوبه‌دی صورت کی د طبیعت استقلال پەزان اعتماد ، غرور او مناعت په هغو کی زیږی او ورو ورو دزمانی په تیریدلوسره کمکیگی .

دغره پەاو سیدونکو خپل وطن اوملت دهر چانه زیات گران وی او دخپل استقلال اوملی حریت دساتلو بەباب پە هیس قسم فدا کاری صرفه نه کوی ؛ او پرتەله هغه معنوی قوت څخه چه طبعا ئی دوی لری ددوی دمملکت سخنی لاری اودشوار گذار منازل هم ددوی د استقلال دساتنی دپاره ممد ثابیږی که ددنیا تاریخ ته و گتل شی له د ی قسمه متعدد شواهد زموږسترگوته رازی! کوم وخت حه روما دروم په اضرافو اوجوا نبوکی په فتوحاتو شروع وکړه او مختلف ملل ئی یویو د تسلط لاندی راوستە نو دآلپ ، بالقان ، کارپات غرونو دا وسید ونکو په مقابل کی ئی پرله پسی فاحش شکستونه وخو اړه . ددی نه پرته هغه جگړی چه دتیرول خلقودخپل حریت اوملی استقلال دحاصلو لو د پاره دفرانس سره کړی دی ، یاهغه مدافعی چه دهسپانیه خلقو دنا پلیون دمظفر عسکر پەمقابل کی کولی ؛ یاهغه جنگونه چه قفقا زیانو د روس داستعمار پەمقابل کی کول داټول دهمدغه نه بدلیدونکی طبیعی قانون نمونی دی .

زەپه بل چا کی نەغږیږم زما خبری دپښتنو دملی غرور دغږیزی سره دی : هو ! پښتانه پە خپل ملیت (پښتونولی) خورا نازان او مغروردی پښتانه پە خپل مزیت پوه وی او که نه ؟ مگر دیر اجنبی پوهان او مدققین چه دپښتنو پۀ ژبه اواخلاقو کی ئی پلتنی اوتدقیقات گړیدی دپښتنو داملی مزیت ئی سنا یلی

یو خارجی محقق چه دپښتو او پښتو نولی دلداده دی لیکی چه « که دیوه خو را بیوزلی لوس بربنډ پښتون څخه چه ستامزدور بهوی پوښتنه وکړی چه « څوك ئی ؟ » دی بهدرته په ډیر غرور او مباهات سره ووا ئی چه « پښتون یم ! ! ! » چه دده د لهجی څخه به دملیت غرور او له سیما څخه به ئی د « پښتو نولی » علوت ښکاره کیږی او تا به به درانه غګ او خورا متانت او وقارداسی داثرلاندی کی چه ته به وائی دی بادار اوزه نوکریم »

یو بل ایرانی سیاح او نقاد داسی لیکی « هر پښتون فرداول خان او بیا خپل قام دخدای برګزیده ګڼړی او دمزکی په مخ هیسوك دیو پښتون په برابر نه ګڼړی. چه ددی فضیلت اعتدال لیکونکی دایوان دملت دپاره دخدای نه غواړی .

کوم وخت چه یو پښتون سړی خپلی طائفی او قام لیکونکی ته شماری نو د « داریوش بزرګ » خبره را یادیږی چه په څه مباهات په ډکه لهجه خپل نژادلیکی : « پارسی فرزند پارسی ، ایرانی فرزند ایرانی » (۱) دپښتنو ملی شاعر خوشحال خان خټك په خپل ملیت نازیږی او وائی :

دافغان په ننګ می وتړله توره ـ ننګیالی دزمانی خوشحال خټك یم »

یو بل پښتون شاعر چه د قبائلی اختلافاتو څخه لوړ پرواز کوی او په خپل ملیت فخر کوی داسی لیکی »

داسلام نه پس دافخر راله بس دی ـ چه پښتون یم څه زا خپل او څه بارك؟ »

مولوی عبدالمجید افغانی په تاریخ اقاغنه کښ داسی لیکی :

« په پښتنو کښ دشرافت معیار دادی چه سړی دی پښتون وی ؟

(۱) ستارهٔ جهان ۱۱۰ شماره در حیم زادهٔ صفوی لیکنه (طلوع)

اوپه دی شرافت دکوم یوکارانرنه لویژی ؟ کوم افغان ته د غیرت راوستودپاره داوینا کافی ده حه‌ده ته وویل شی چه ته پښتون یې اوداسی کار کوی ! » اودټولونه سخت قسم دادی چه دی ووائی « زه به پښتون نه یم که داسی وکړم » دسیدانونه پرته دوی دهیسر قوم شرافت دخپل شرافت نه زیات نه ګڼړی . »

حضرت سید جمال الدین افغانی په ټنمه البیان کښې داسی لیکی هرپښتون که څه هم فقیروی داخیال اری چه دی دهرجانب شریف دی ؛ حکه حه پښتون دی ؛ اوبل داچه کامل ایمان اواسلام پرته دپښتون اوعرب نه بل خوك نه لری »

• کرنیل میلسون انګریز دخپل تاریخ افغانستان داول باب په آخر کښې دیوی خبری په ضمن کښې دا عبارت را وړی :

« دوی (پښتانه) دیرپه خپل ملك مین اوپه خپل قام غاوردی یوپښتون شاعر چه د قام په انحطاط رهیږیژی نوله همدغی خواخه ځان ته وائی اوقام ته پیغور ورکوی حه وینې ئی :

مغروره ئومه په دی حه افغان یمه زه
آ ګاه نه یمه هیس حه نادان یمه زه »

« د ځانه نه یم خبر ، نه له بده حاله .
والله خران وهلی ، ګلستان یمه زه : »

د ځان عزت :

هرکله چه د پښتنو دا ټینګ یقین او خیال دی چه په دنیا کې شریف قام پښتون دی ، نو زکه دوی همیشه زانته په درنه او د علو پ ستر ګه ګوری ، اوکوم کار چه سپك او در زیلانو کار وی د هغه

زان ساتی ؟ او داتقاضا لری چه باید هرخوك دی دوی ته د شرافت په کتنه گوری . د همدی حس د تیزولو د پاره یو پښتون شاعر وائی:

« ته په خپله د زان قدروکړه پاخه کهدنیا کی یهعزت اوسیدل غواړی »

حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان په (۱٤۷) مخ کی داسی لیکی :

« پښتانه بندیان نه خرخوی ، که څه هم کافروی ، د عاجزانو او لاره وو عزت او احترام کوی ؟ غلا غالبا بده گنړی اگرچه په دارِه او لوټ فخر کوی ؟ او دا معلومه ده چه د لوټ او غلا پهٔ مینز کی د قوت او ضعف فرق دی » .

دغه ستائلی شوی حضرت د خپل کتاب (تتمة البیان) د مقدمی په اول کی دا عبارتونه راوړی: « په دی ورزوکی اخبارونه دافغان امت په احوالو کی بحثونه کوی چه د زان په عزت ، توره اولوی همتی سره پیژندل شوی دی ؟ دا هغه امت دی چه د دوی نفوس دا نه منی چه په عجز سره دی د مکر ، حیلی او غلونی د سیوری لاندی راشی ؟ او ذلت او سپکاوی دی قبول کی »

د دی عبارتو پسی داسی وائی « دنفس شرافت د دوی قائد دی دوی د شرافت مرگ د بی شرفی په ژوند باندی چه داجنبیانو دلاس لاندی وی که څه هم د ډیر عیش ، شیو خورا کو او خکلو سره وی غوره کوی » .

لوړ همتی :

لوړ همت او د زان عزت دوه لازم او ملزوم شیونه دی . زکه هر خوك چه دزان دعزت حس لری هغه هیسکله دسسنی او بی همتی

کارونه نه کوی ، ولی چه داسی شیان دده په عزت او شرافت کښ نقص را ولی . او داسی سړی هیسکله دانه قبلوی . همدارنګه څوك چه لوړ همت لری هغه هم بیعزتی ته تن نه ور کوی . نوز که دزان دعزت دعنوان نه وروسته دلوړ همتی بیان ډیر مناسب دی . پښتانه لوړ همتونه لری هیسکله پستی نه قبلوی . دوی په خپله محاوره کښ بی همه سړی نه وائی (سپی دی) او سپیتانه هم بی همتی ته وائی . له دی څخه ښکاره کیږی چه پښتانه له دی پستی څخه ډیر بدوړی او هیس وخت دسپی نسبت پرزان نه قبلوی . پښتانه دجامنت هم پرزان نه ایږدی اوفطرتا استغنا لری . دپښتو ملی شاعر خوشحال خان په دی لاندی بیت کښ دپښتو نولی دا روح ښه بیانوی :

« دمنت داروکه مرم په کارمی نه دی ـ که علاج لره می راشی مسیحاهم »

حمید بابا په دی بیتو نوکښ دپښتو نولی دروحی علو تصویر په ډیر ښه ډول کوی :

« وژی تژی پروت په خپل پوزی کی ښه ئی ـ نه په تخت دپاسه ناست دبل کره »

« دمنت پلاو د زهرشه کی مومی ـ دمحنت سوی سکړك دساګ سره »

په دی بیت کښ حمید بابا د پښتو نولی دا ضروری شرط په څه ډول ښیئی :

« یو به نسم مغلواری دررقیب ستا ـ که زوکړی وم رښتیاله پښتنی زه »

کاظم خان شیدا د تور یالی خوشحال خان لمسی د عالی همتی اقسام په ښه ډول شمیرلی دی . او د لوړ همت په سبب سره د مخالف سره هم موافق دی . . . .

« موافق دمخالف لکه افتاب یم ـ هیس شعله می دچشمی په اثر نه مری »

داور همت تقاضا داده چه هر سو سره سړی اوږه شی سره ددی به هم تکبر نه کوی . شیدا دا اخلاقی مسئله په شاعرانه استدلال داسی بیانوی :

« سیه روپه لږ رفعت لکه دود مشه دافتاب غوندی کړه مخ په رخشانی کښ »

عالی همت سړی دهرچا سره په وړین تندی ګوری ، چه شیدائی نتایج داسی ګنړی :

« شګفته ګرلکه لمر تندی هرچا نه حه په تله دی سیاه پوش تمام جهان شی »

طمع هم دلوړ همت سره ضدده عالی همت سړی طامع نه وی ، شیدا په ادیبانه مهارت په خورا دلچسپ ډول داد پښتو نولی خوی رو ښانه کړی دی :-

په صورت می شی خولی د حیا مانی
که وینان ته دافتاب څخه نظر کړم

سوال اوغوښتنه دپښتو نولی دلوړ همت سره نه ښائی . هیس پښتون د چا څخه د فقر او د ریو زه ګری په ډول څه نه غواړی شیداوائی :-

سوال می خوی له درافشانه ابرنه دی
صدف ورته خپله خوله کړه په غوښتنو
د افتاب په کمند نه خیزم اسمان ته
نه زدم بارلکه شبنم پردوش د ګلو (۱)

آزادی اوحریت :

حریت دری درجی لری ؛ حریت دفکر ، حریت دقول ، حریت

(۱) دطلوع د ۱٤ کال اوله ګنړه .

دعمل ، دفکر حریت دادی چه فکر په هغه مسایلو کښې چه په ده باندی واردیگی آزاد او حروی . او دعقل دنوامیسو په مقتضی پکښې حکم وکړی . اوحریت دقول دادی چه انسان دخپل اعتقاد او وجدان له رویه څه چه په زړه کښې لری هماغه ووائی . بی ، له دی نه چه له چا څخه وویریژی یاوشرمیژی یادخپلو نفسانی خواهشاتو دا ثرلا ندی راشی یادچاخوشامندی وکړی اودخپل اعتقاد اووجدان نه مخالف ووائی .

د فکر حریت داجتماعی ترقی په لار کښې اول قدم دی . بلکه داد دغی ترقی اساس دی . لیکن حریت دقول ددینه ډیرا همیت لری زکه که یو انسان په خپل فکر کښې خطاشی نو ددغه خطاضرردهمده بو رڼی منحصریژی . نورامت ته تعدی نه کوی . او هر څه چه د قول حریت دی ، نودا دملت دارتقا عنوان بلل کیژی . اوددی خوی خاوندان مصلحت عامه خادمان دی . حریت دقول په ډیر و مظاهر وسره ظهور کوی چه هغه دا حوالا تو په اختلاف سره اختلاف مومی . د خلقو سره په شخصی معاملا تو کښې دده نه په صدق او رښتیا سره تعبیر کاوه شی ؛ اودارشاد اوتنبیه په وخت کښې ورته دوینا صراحت او صدق اللهجه ویلی شی ؛ او دانتقاد او اعتراض په لار کښې و رنه په شجاعت ادبی سره تعبیر کیژی . مگر هر څو مره چه نومونه او عتبارات ئی ډیردی . لیکن خپله دی بسیط تحدید لری ، هغه دادی « دخپل اعتقاد سره سمه وینا » د ټولو نه لوړه درجه ئی « په خپله خطاء اعتراف اوپه خپل عجز اقراردی . » مرا د دادی چه انسان په خپل اعتقا سره سم ووائی . که څه هم دده په حق کښې وی . یوله علماؤ څخه وائی ، چه انسان همیشه په خطادی تر څوچه په خپله خطا

اعتراف وکی نودغه وخت مصیب شی. اوتل ضعیف دی تر څو چه په خپل عجز اقرار وکی بوقوی شی، هرڅو مره چه سړی د نن و رزی مترقی امتوته وګوری. نووینی چه ددوی دارتقا اندازه په همدغه خصلت کیدی شی. یعنی هر څومره چه یو امت مترقی او مهذب بلل کیږی هما غومره دا خصلت په هغو کښی مترقی او قوی لیده شی. (۱)

دا ډیره د فخر خبره ده چه پښتانه بالکل حردی. او خصوصاً دقول حریت، رستیا، اوترت ویل د دوی اصلی طبیعت ګرزیدلی دی په ډیرو سختیو او شداید واو د زان په خطر کښی هم د صدق او خپل اعتقاد نه خلاف نه وائی. اودا دوی پښتونولی ګڼړی. د یو رښتینی پښتون په خبره کښی که څوك یو حه شك باترد د سکاره کی؛ دی به په خورا نابراواحیانا په قهراوغضب ووائی « نا باره حوهم پښتون یم! » دتیرو خبرو په مناسبت زمایوه قصه یاده شوه، غواړم حه دلیه ئی ولیکم:

قصه:

داسی وائی چهٔ د اعلیحضرت امیر عبدالرحمن خان په وخت کښی د مشرقی شنواروته یو حاکم مقرر شو. ویل کیږی چه د حاکم د چرګ غوښه او وریجی ډیری خوښی وی؛ نو د خلقو نه به ئی چرګان، غوړی او وریجی غوښتی. داسی ویل کیږی چه د دغه زای سپین ژیرو څوواری ده ته عذروکړو؛ خوسړی خپله رویه بدله نکړه. په آخر کښی خلق تنګ شوه؛ کوم یوته ئی وویل چه دلحد تیری ته ئی ولیږی. نو په ټوپك ئی وویشت اومړ ئی کړو. چه امیر عبدالرحمن خان ددی واقعی نه خبرشو؛ نو دده طبیعی شدت او قهر یو په سله زیات شو؛ نو په ډیرتشدد اوغصی سره ئی حکم وکړو چه

(۱) مختارات جرجی زیدان

د حاکم قاتلان دی زنزیراوزولانه راوستل شی . داوه چه د مړی وژونکی په ډیره جلتی سره راوستل شو ؟ او امیرصاحب ته وړاندی کړی شوه . امیر صاحب په شاهانه جلال او د بد به سره چه زنګنونه ئی لګولی وو اوتوره ئی ور باندی ایښی وه ؟ د قهره ډکی سرګی ئی ورته راواړولی ؟ او په ډیر دروند غګ ئی ورته وویل « . . . . . ! زما حاکم تاسی ورلی دی !!! ـ تاسی مانه پیرنی زه عبدالرحمن یم !!! زه به تاسی سره خپل سلوك وکړم !!! » د امیر صاحب داخیال دی چه دوی به اوس منکر یږی او دی به ئی په دی سیاست قایل کی . د بندیانو دډلی به یوپه ډیرډاډه زړه وروړاندی شو . او وی ویل : صاحب ! هو ، ماورلی دی » .

امیر صاحب : ولی ! ستا . . . . . »

بندی : که اجازه وی زه به حقیقت بیان کړم . نور امیر صاحب اختیار لری . امیر صاحب : په ډیرقهرسره » :ـ « ښه ، وایه !!! »

بندی : « صاحب ! ماحاکم د امیرصاحب د مخالفت د پاره ندی وژلی . مونږ د حاکم صاحب ډیرقدر او عزت کولو . او دده هرقسم خدمت اومتابعت ته تیار وو . ولی د ده چرګان ډیر خوښ وو د مونږ نه به ئی چرګان په زور غوښته که مونږ هر څومره ده ته وویل او جرګه مووربانډی وکړه چه مونږ تیاریو چه تا ته پسونه حلال کړو . وریتی درته وکړو ؟ میلمستیا درکړو او نور خدمت دی وکړو . چرګان څه کوی ؟ چرګان د ګیډړو خوراك دی . زمونږ پادشا زمری دی او مونږ پښتانه پړانګان یو .

د دینه لاس واخله ! مگرده نه منله . نودی گیدړو ، گیدړ او زمری او پړانگان سره نه جلیږی ؟ نو موو وژلو . نور امیر صاحب اختیار لری ! »

هر څومره چه بندی دا تقریر آخر ته رسولو ؟ دا امیر صاحب په تریو او گونجی گونجی تندی کښی پراختیا پیدا کیده . د تقریر په خلاصید و سره نی و خندل ؟ او بندیان نی ایله کړه . او خاص دغه سړی ته نی د ده د پښتو ټولی په احساساتو او رښتیا و ینا بخښش هم ورکړو . او کورته نی رخصت کړل .

خوشامندگر خلق چه دجامعی مضر میکروب بلل کیږی ددوی عادت وی چه مخامخ سړی ته رنگا رنگ غوړه مالی وکړی ؟ رقم رقم لقبونه اوصفات پیدا کړی ؟ او خپل ممدوح وربانده و ستائی . دا ټول ددی د پاره چه د دغه مخاطب په روح کښی له دغی خواخخه تاثیر وکی اوخپل څه شخصی غرض ورو پرانده کړی .

ولی پښتانه دغه د خوشامند و عادت هیس نه خو ښوی . دوی ته په حقیقت او ، صاف ویلو کښی که ښه پینه نی اوکه بده دحقیقت نه ، نه تیریږی ؟ خوشامندی کول په پښتو ټولنی کښی ډیر لوی عیب دی . د دی خبری دا ثبات لپاره همدا کافی ده چه مونږ د پښتو ژبه چا نړ کړو ؟ نو په ټوله ژبه کښی به هیس د خوشامند و القاب او القات نه کړو مینده !

دوی خپلو اشنایانو او دوستانوته د هغوی په نومو خطاب کوی ؟ په پښتو کښی دو رور او ملگری لفظ ډیر خوږ او معنی داره دی . کله کله د دغو کلمو سره د گران لفظ ؟ هغه هم په لیك کښی یو لحای

کیږی ؛ کشرانوته د « روکی » « لالی » او « کوکئی » لفظ مستعملوی .
په پښتنوکښ داهیس عیب ندی چه خوك په خپل ساده نامه سره یادشی .
په‌دی‌خو کښ پښتانه دومره بی تکلفه دی چه‌زښی قبایل لکه شنواری
او داسی نور ، کشران مشرانو ، او زامن پلرو نوته محـامخ نوم اخلی .
او هیس بدنه منل کیږی . کشران هم دا په‌سپك نظر سره نه‌کوی .
د عزت په‌ځای کښ چه د پښتنو کشران دخپلو مشرانو څومره متابعت
اوفرمان برداری کوی دا بحث به دبل کوم عنوان لاندی بیان کړ م .
په لویولو یوجرګو کښ دخپلو خانانو او ملکانـوسره دد وی پـه نو
مونو مخاطبه کوی . دادیرکم ویل کیږی چـه « خانه ! یاملکه ! »
دخپلومشاهیرواولویانو دنامه دیادولوسره د « بابا » لفظ احتراما یوځای
کوی . لکه احمدشاه بابا ، رحمن بابا ، اوداسی نور ـ !

باد شاه ته ئی ددینه مخکښ امیرصاحب ویلو . او س خپل قومی
باد شاه ته اعلیحضرت خطاب کوی . ددینه علاوه کوم څه حه دمساوات
دعنوان لاندی داخلیږی هغـه هم د آزادی او حریت سره پـوره
دخل لری .

مساوات :

پښتانه څرنګ چه په خبروکښ القاب اوتحدیدات نه لری . دغه
رنګ په خپلو معاملو اواطوار کښ هم دتکلیفی امتیاز اتوطرفدارنه
دی . یوازی دانه چه پښتانه داشیان کوی‌نه ! بلکه پښتانه ئی‌غواړی
هم نه ! حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمته البیان په ۱۷٤مخ کښ
داسی لیکی « دپښتنو امیر دنـور مشرق دباد شا ها نوغو ندی دبـدبـه

نه لری . بلکهٔ په حکومتی دربار کښی د خپل حکومت دارکانو سره پوځای کینی . او دنور وار کانوسره ډیرلږ تفاوت لری . دروازه ساتونکی (پهره دار) څوك نه منع کوی . هرسړی کولی شی چه خپل عرض دباد شاه حضورته ورسوی . او څامخ و رسره په جګ اوازبی پروا خبری وکړی . داربګ نوردولا یاتوحا کمان هم دی . هو ! د بادشاه په څنګ کښی ډیرمسلح عسکر ولاړوی . حه دامرداجراء دپاره تیار اوسی ! » مولوی عبدالمجید افغانی دتاریخ افاغنه په ۱۹۵۰مخ کښی داسی لیکی :

« پښتانه امیران امتیاز نه خوښوی . بلکه دخپل لاس لاندی خلقو سره عزیزانه سلوك کوی . اودادنی ادنی خلقو سره هم مهربانی خوری اوپه معمولی فرشونو ورسره کینی . دنورواړاؤ غندی آرایش نه خوښوی ؛ مګرددی بی تکلفی په وجه ددوی په اقتدار کښی څه فرق نه زرای »

میلمستیا :

دمیلمه پاللو عادت په پښتنو کښی دیر پخوانی اودیر راسخ دی ؛ میلمه پالل هرپښتون دخپل ژوندانه ضروری برخه ګڼری . پښتانه ټردی میلمه پاللوته اهمیت ورکوی چه په کوم ځای او کوم حال کښی میلمه نشی پاللی هغه ادوخوښوی نه !

که سړی په پښتو ژبه کښی لږ عمیق شی نو و ر معلومه به شی چه دمیلمه داستقبال اوملاقیات د پاره څو مره محاوری لری . نودا د پښتنو د میلمه پاللوپه خصلت باندی بین ثبوت دی ؛ د قندهار پښتانه وائی « ښه راغلې ! ـ خدای د ی راوله » چه په جواب کښی

ویل کیږی (ښه او سی ! ـ خدای دی لره) د جنوبی او مشرقی پښتانه وائی (ستړی مه شی ! په خیر راغلی !) په جواب کښی ویل کیږی (مه خواریږی ، سلامت اوسی ، خدای دی و بخه !!) دپښتور پښتانه وائی : « په خیر راغلی ! هرکله راشی ! . . . هرکله ! هرکله ! » په جواب کښی ویل کیږی « په خیر اوسی ! » مهمند او دباجور پښتانه وائی « ښه چاری ! » په جواب کښی ویل کیږی چه « چاردی ښه شه !!! »

دی فعل اوکارته زینی پشتانه « روغبړ » زینی ورته « ستړی مشی » زینی ورته « هرکلی » اوداسی نور . . . . وائی .

• ددی فعل رسوخ په پښتون قام او خصوصاً دسرحدپه پشتنو کښی ځانته اوښکوص اصول پیدا کړی دی . پشتانه اکثره په کلو کښی اوسیږی . ښاری استوګنه اکثره دوی نه خوښی . هرکلی ضرور ، دښه یاد باندی مسجد لری . او د مسجد په خوا کښی حجره وی . داهله چه کلی وډوکی وی . اوکه اوی نو دیر مسجد ونه اودیری حجری لری . په هره حجره کښی شل دیرش کتونه پراته وی . اوپه هرکټ کښی دخوب کالی چه عموماً لاند ستون پرستن اوبالښت وی : اینښی وی . د حجری په منز کښی اوی نفری وی چه اورپکښ بلوی ، نفری نه چاپیره په توله حجره کښی یولوی پوړ (پوزی) غوړیدلی وی ؛ چه کله کله وربانډی لیمسی اچوی . نودکلی خلق د خپلو میلمنو سره هرسبا مابنام په دی حجره کښینی . اوبوځای دودی خوری . دمیلمه یاللو او دودی ورکولو دپاره پښتانه زښت ډیر ښه دستورلری : د پښتنو میلمه دا نه دی ضرور چه د دوی آشنا او پیژندونکی

دی وی . نه! هر څوك او هر مسافر او لار وی چه کلی ته راشی هغه د دوی میلمه دی . او په دوی ئی قدر لازم دی . کلی وال او کور بانه ړومبی میلمه ته پاسیژی ستړی مشی ورته وائی . (۱) لاس ورکوی . که څه ټوپك سامان یا پنډ په شالری ؟ تری اخلی ئی ؟ په خپل زای کی ئی ژدی . چه میلمه کښینی . نو بیا ور سره مجلس کوی . او پوښتنه تری کوی چه څوك ئی ؟ . . . څنګه را غلی ئی او داسی نور . چه د نمانزه وخت شی هر سړی یوه کوزه یا زیاتی تودی او به راوړی چه میلمانه پری او د سونه وکی . د ماښام د نمانزه نه وروسته دستی ټول کور بانه کوروته زی . هر څه چه پاخه وی مړی او نګولی هر یو پیل بیل را واخلی حجری ته ئی راوړی . چه دا ټول د ستر خانونه او شکرونه او لوښی حجره کی جمع شی . نو میلمانه کښینی مړی خوری او کور بانه داو بو ورکولو خدمت کوی . چه دوی ماړه شی نو او به ورواچوی . دوی کتونو ته پاسیژی . نو د کلی خلق کښینی څانونه ماړه کړی . نو پاتی مړی سره بیرته په د سترخانو او شکرو و ویشی نو زی .

سبا بیګا همدغه حال وی دغړ و نو پښتانه دچا یو عادت دسمی دپښتنو نه زیات لری . مګر په غړو کښ هر کور دچا یو د پاره اوزه یا غوا ضرور ساتی . او شوده ئی په چا یو کښ لګوی . په سرحد اتو کښ اکثره توری چای دشو دوسره څکل کیژی . شین چای کم وی .

(۱) پښتانه دا عادت لری چه هر وړکی او غټ بیل بیل میلمه ته ستړی مشی وائی .

دچای دویش په وخت کښ ملیمانه په کتونو کښ قطار ناست وی د کلی مشران سړی او ملکان چاپیلك په لاس هریو ملیمه ته ورزی او جای ورا جوی . او په دی باندی دیر فخر کوی چه ملیمه ته او به یا جای په خپله ور کړی . دا کار پښتانه په کشر انو او نو کرانو باندی دسره نه کوی . د پښتنو په دی خصلت باندی نورو مؤلفینو هم شه بحثونه کړیدی . کرنیل میلسن په خپل تاریخ کښ لیکی : « پښتانه میلمه دوست اودفقیرانو په باب سخیان دی » حضرت سید جمال الدین افغانی دتتمة البیان په ۱۴۷ مخ کښ وایی « پښتانه دغربا ؤ اومساکینو عزت او نماتر نه کری »

• مولوی عبدالمجید افغانی د تاریخ افاغنه په ۱۹۷ مخ کښ لیکی : « په افغانستان کښ هیس مسافرته دلاری د خرچ ضرورت نشته ؛ په میلمه پالو کښ سنری دنارینه ؤ نه کمی نه دی . که سړی په زای کښ نه وی هم میلمه ته څه تکلیف نه رسی . دمیلمه پالو تول ضروریات سنری په خپله پوره کوی . د پښتنو دملك په زینی بر خو کښ اوربشی دیری کیږی . مگر دمیلمه دپاره ضرور دپتهی په کومه برخه کښ غنم کری . دفصل داخستونه پس داغنم په دیر حفاظت سره میلمه ته ساتی . تردی چه خپل اولادته ئی هم نه ور کوی . »

دا کتر سرهنری هراس هسپا نوی دبمبئی دیونیورسنی د تاریخ پروفیسر دخپل هفه سفر په حالا توکښ چه په ۱۹۳۵ ع کښ ئی په افغانستان کښ کړی و . داسی لیکی : « افغانان « پښتانه او نو قبایل چه دلته او سیږی » دمیلمه په وجود دیر فخر کوی کوم وخت چه زای ته ئی راشی ، نو ستا دصحت پوښتنه کوی . در ته به وائی چه په کټ

یا لمسی کښینه . که بل هیس شی هم نه وی نو درته وا ئی چه‌د پوزکی په توتکی کښینه ؛ ستومانی او باسه ! دمخ اولا سونو دایتز لودپاره درته تو دی او به را و ړی . چای درته تیا ر وی . تینګیژی چه غرمه موږ سره تیره کړه . او دیر کوشش کوی چه شپه د ده سره باتی شی . ددی طبیعی او مخلصانه احتراماتو او نمانز لو نتیجه داوی چه سړی په افغانستان کښ داخیال کوی چه په کورکی یم . بی له افغانستان نه‌بل هیس ز ای‌کی د انسانی ورور ولی حس دو سره زیات او عام نه لیده کیژی (۱)

په میلمه غیرت :

د پښتنو په میلمه پالنه کښ داهم دا خله ده چه خوك دوی ته‌پنا راوړی او ددوی دبوتی شی نوپښتانه دخپل سرومال نه تیریژی مګر میلمه او دخپل بوتی سړی بی آ بی ته نه ور کوی .

داحس دپښتنو دمیلمه پا لنی دحس څخه پیدا شوی دی . دی ته باید « په میلمه غیرت » وویل شی . په میلمه‌باندی غیرت کول‌دوه‌رقمه‌دی:

یوداچه هر کله خوك دحاد ظلم او تعدی نه تنګیږ شی اونور د مدافعی قوت ئی نوی . نو په دی و خت کښ دی زی د جاد بوتی کیژی . ددی معنی داده چه دی دچا په سمه یعنی دهغه په محروسه حدود و کښ د پناه وړ او په نیت دا خلیژی . نو دسیمی خاوند دده دحمایت او ساتلو دپاره خپل قول زیار خر څوی . نو که دښمن‌ددغه پنا ګزین پسی ددغه سړی په سیمه کښ دنقصان کوشش وکی یاد هغه دبوتی‌شوی سړی ته لاس واچوی اوخه مالی یاجانی‌تاوان وروړوی

(۱) مجلهٔ کابل ۳ ګڼه ۵ کال

نو د پښتنو په بین الافغانی قانون کښې داد سیمې والاد شرف بې احترامی او دده په علیه باندې اقدام کول کنټرول کیږی . نو د سیمې خاوند هماغومره په کلکه سره د توپك په خوله د خپل پناه ګزین بازخواست کوی . لکه څنګه چه د پښتون د خپل زان د بې احتر امی د پاره کلك بدل او عوض غواړی .

هو ! که په د غه پناه نیوونکی میلمه باندې د چا خه حقوق یا پوروی نو د جرګې ، مرکې او اصلاح په صورت ټی غوښتلی شی . ولی په زور سره که خه هم پناه غوښتونکی د یر ملامته وی ، څوك ده ته خه ویلی نه شي . مګر هغه وخت چه د سیمې د خاوند بد ی او د بښمنی ته ملا وتړی . نو په دی وخت کښې چه جانبینو ته خه پیښ و و ، هغه به پښې وی . حضرت سید جمال الدین افغانی د (تتمة البیان) په ۱۵۳ مخ کښې داسی لیکی :-

« پښتانه په راتلونکی او پناه غوښتونکی باندې په سر او مال ودریژی او حمایت ټی کوی »

بل داچه که یو لار وی یامسافر ، یاهغه څوك چه د چا په حجره کښې ټی شپه تیره کړی ، یاټی مې ی خوړلی و ی او د همدغه سمه والا په ځای کښې د ده په مال یاحق څوك و بلوسی . نو سیمه والا په ده غیرت کوی او د میلمه د حقوقو او د سیمې د احترام ساتلود پاره خپل ټول کوشش کوی .

کله داسی هم کیږی چه د سیمې خاوند توپك غاړی ته اچوی خپل میلمه د خطر د ځاینه تیروی . نو په دی وخت کښې که خه پښیده

د هغی مدافعه دی په خپله کوی .

او میلمه د خطر د ځاینه او باسی . دی ته د پښتو په اصطلاح کښ « بدرگه » وائی .

بدرگه :

بدرگی ته په پښتنو کښ په‌درنه سترگه کاته شی . مثلاً د کوم سړی سره چه د دغه قام یا د دغه وطن څوك سړی ، بدرگه روان وی ! نور پښتانه هغه ته په دروند نظر گوری . نو که څه هم په هغه د چه حقوق وی مگر د بدرگی په لحاظ ورته څه نه‌وائی . او رښتیا داده چه څه ورته ویلی هم نه شی !

د وطن مینه او دفاع :

د وطن مینه او خپل کورساننه په انسان کښ یوه حقیقی غریزه ده حیوانات هم د خپل کور او ځالی سره محبت لری . مونتسکیو فرانسوی وائی ، چه : انسان په خپلو وینو سره ترمرگه پوری د وطن مدیون دی » پول دومروائی : د وطن حب تر ټولو فضیلتو لوړ دی ؛ وطن یوه کلمه ده چه د سرداری ، باداری او قوت معنی پکښ پرته ده د لوړ تیا ، استقلال او لویو آمالو منبع وطن دی . » تریشکه المانی وایی : « د مملکت د فائدی دپاره جنگ ترهرڅه د مخه او ضروردی »

ولی یو پشتون او مسلمان ته ددی ټولو خبرو نه دا ډیره گرانه او غریزه ده چه « وجاهدوا باموالکم و انفسکم » یا داچه « حب الوطن من الایمان »

مونږ دا مخکښ ثابته کړیده چه د غرونو داوسیدونکو د غرائزو

څخه یوه داده چه دوی د خپل وطن سره نسبتاً ډیره مینه لری . رښتیا هم داده چه پښتانه د خپل وطن سره زیاته مینه لری . دوطن د دفاع په لارکښ په سرو مال لوبی د پښتنو فطری غریزه ده . او په دی غریزه کښ ښزی اونر مساوی دی . وگوری دالاندی ملی لنډی په خومره ژوره وطنی مینه دلالت کوی :-

« د پشتنو زلمبو وار دی — پرخپل‌وطن به توریالی مړو نه مرینه
« زلمی ولاړ توری ترملادی - غزاله زی پرخپل‌وطن سرورکوینه »
جانان می سر په‌وطن کښیښود - په تار د زلفو به کفن ورله گنډمه »

دپښتنو په‌دی غریزه لکه چه‌مونر مخکښ ولیکل نورپردی خلق‌هم قائل دی . او دهمدغه حس په‌برکت پښتانه دخپلو لوړو غرونو په‌مینز کښ د - آزادئی او حریت ځا اخلی !

ملی استقلال :

پشتانه چه لکه څنگه‌چه د وطن په‌مینه کښ یاخه دی ؟ دا رنگه په خپل ملی استقلال هم ډیر مین او ترسر تیردی . د دنیا لویو لویو فاتحینو لکه اسکندر ، جنگیز ، نادر او تیمور هم دوی بوره د خپل تسلط لاندی نه دی را وستی .

دا خبره به یقین سره نده معلومه ، چه د دوی استقلال خواهی دوی ته د غرونو استوگنه‌شو دلی ده ، او که دغرو استوگنی دوی دومره په استقلال ټینگ کړیدی .

دپښتنو اکثره وخت دخپلی آزادئی پړدفاع کښ تیرشوی دی . دوه دری سوه کاله د مخه چه د پشتنو د - زاړه عظمت دوره تیره

شوه ؟ په هندوستان کښې د مغولو ، او په ایران کښې دصفوی کورنئی شاهنشاهی وی ؟ دوی پر پښتنو ځانونه ستړی کړه ؟ سره ددی هم‌دوی مغلوب نشوه ؟ او دپردو غلامی یی ونه منله ! چه په آخرکښې یی دخپل مټ په زور خپل وطن په‌خپل واك کښې کړو . دارنګه یی دانګریزی لامونو په‌مقابل کښې هغه پا فشاری وکړی چه تل به‌د پشتنو د خپلواکی غوښتنه دنیاته څرګندوی . داهغه امتحانونه دی چه پشتون قام د دنیا مخی ته وړاندی کړیدی ؟ اود دغه ټولو واقعاتو څخه دا ښکاره کیژی چه دپښتون قام د ـ آزادئی روح دهغه پوری نه‌مری ، ترڅو چه‌دی په دنیا ژوند کوی ـ اوهیسکله په ذلت سره هیچاته سرته‌شی ټیټولای !

د پشتنو ملی ادبیات د ـ آزادئی له روحه ډك دی . حمید او رحمن بابا د مغولو پرخلاف چه ددوئی آزادی یی محو کوله سخت ادبی کوششو نه کړیدی ؟ په‌دی لحاظ دوی در آزادئی علمبرداران ګڼړل کیژی . خوشحال خان ختك خود پښتنو د استقلال لوی قائد او ملی مشر دی . ده په دی لار کښې ځان ، مال ، قام ، خانی ، عزت ، دباچیانو نواز شونه ، ټول پری ایښی دی . لکه چه وایی :

د مغل منصب می پریشی هسی خو ښ یم
لکه خلاص چه له زندانه بند یوان شی
آزادی تر باچئی لا تیری کاندی
چه دبل د حکم لاندی شی زندان شی

خوشحال خان د خپلواکی د روح په ګناه ډیره موده بند یخانی اوقیدونه تیر کړه. کوم وخت چه د ډیلی دمحبس نه په خپل پښتنی حمیت اوتدبیرسره خپلو آزادوغرونوته راغی ، ددینه روسته خپل د ـ آزادئی

احساسات داسی ښکاره کوی : ـ

شکر دا چه په پرواز یم و ښکار و نو وتـه سازیم
زه خوشحال دغرونو بازیم چه پـه بنـد وم د مغلـو

داملی سردار چه کوم وخت مړ کیدو ، نو پس له مرګه یی لاهم په خپله خاوره د غلامی ګردنه قبلاوه . نواخرنی وصیت یی داوکړو : ـ

« مایه یوه لوی غړه اوداسی ځای ښخ کړئی چه هلته دمغلودسپرو داسونو د پښو ګرد راونه رسیژی ! » ـ د قندهار د هوتکو مشهور شاعر عبدالرحیم خو ـ د آزادئی غوښتلوپه سبب دهغه وخت پر یه باچا له وطنه و شړلو (۱) .

ډوطن اوقام دآزادئی دپاره چه زمونږ مشرانو لکه : میرویس خان احمد شاه بابا ، محمد اکبر خان ، اعلیحضرت محمد نادر شاه څو مره جانفشانی او کوششونه کړیدی ، هغه ؛ تاریخ هیسکله نه هیروی . زه غواړم چه دلته د ښاغلی میرویس خان نیکه د استقلال خواهی یوه نمونه ولیکم : ـ

کوم وخت چه میر ویس خان د بد خواهانو په خو له اصفهان ته و غوښتل شو . او هلته یی خه موده پس په خپل عقل او فراست سره دپادشاه ، او د دربار د خلقو حسن اعتقاد حاصل کړو ، نو حج ته لاړ . پس له حجه ځغه بیرته اصفهان ته راغی . اوبیا خپل وطن قندهار ته راولیګل شو ؛ او دلته یی د وطن دآزادی دپاره عا ملانه کوششو نه وکړه . او خپل ملك یی آزاد کړو . نوچه د قندهار فضاء د مخالیفنو څخه پاکه شوه ، نو د قبـائلو مشران یی راوغوښتل ، چه ټول حا ضر

(۱) د طلوع افغان د ۱٤ کال او له ګڼړه .

شول ، جرګه جوړه شوه ؛ نودی پاسید دالاندی خطبه یی وویله :-

« ای زما وروڼو ! که تاسی ماسره یو شی ، او زما ملاوتړی نودیر زړه خپل او زمیڼونه د ذلت د رسی دغړوندی نه خلاص کړو. اودحریت اوآزادی اوغرت علامی به نشر کړو ؛ اود اجانبو د سلطی نه به خلاص شو . هو . هر څوك چه د دښمنانو خوا ته مخ و ګرروی او د عبودیت رسی په خپل اورمیڼ کښی واچوی ، هغه دی د دینه طمع قطع کړی چه دمونګ سره به زمونګ په وطن کښی اوسی. زکه چه د داسی سړی استوګنه دمونګ سره نده ممکنه ! - اودانه کیږی چه داسی خلق دمونږ په دوستی اومینه وګوری !!! » (۱)

دیانت :

مونږ په پورته بیا نوکښی داثابته کړه چه دغړونو اوآزاد وفضاؤ اوسیدونکی چه دقدرت اوفطرت په غیږ کښی ژوند کوی ، هغوی تل دخدائی عظمت اوجبروت سره همرازوی ؛ او داسی خلق رښتینی متدینین وی .

داسلامی عصرنه مخکښی زه څه ویلی نه شم ، زکه چه په دی باب کښی دما سره پوره مستند تاریخی شواهد نشته . مګر دکوم وخت نه چه پښتون قام اسلام قبول کړیدی . نوبه دیر کلك اعتقاد ، ټینګ غرم او اخلاص سره دوی په اسلام چلیدلی دی او داسلام دنشر او دلوی څښتن دکلمی دجګوالی دپاره چه دی قام کرمی فدا کاری کړیدی پس له عربوزه نه شم ویلی چه کوم قام به ددوی سره برابرتیاوکړی؟! دپښتنو دد یانت داثبات لوی شاهد دا دی چه څومره چه تاریخ

(۱) تتمة البیان ۲۲ مخ

مونږته معلومات را کوی ، ددی ملك ټول حرکات اوزیاتره واقعات ددین داثر لاندی دی . په حاضره وخت کښ چه دچانه د اسلامی غیرت امید کولی شی هغه پښتون قام دی . لکه چه دشام مشهور لیکونکی حضرت امیرشکیب ارسلان دحاضر العالم الاسلامی په تعلیقاتو کښ د افغانستان دعنوان لاندی لیکی :

« په عالم کښ داسلام دپاتی کیدو دډیر ولویو زایو څخه افغانستان دی . دازای پخوالا څه کوی چه نن هم د اسلامی قربانی دډیرومهمو زایو څخه دی . زمادی قسم وی جه که چری په ټوله دنیا کښ د اسلام یورګ هم خوزید ونکی یاتی نه شی . نوهم ته به وینی چه د همالیه اوهندوکش غرونود اوسیدونکو په وینه کښ به داسلامی غیرت تودوخه باقی وی ، اوداسلام دحیات رګونه به په دوی کښ ټوپونه وهی اواسلامی عزم به دلته محکم وی؛ دهمدغه زایه عربی فاتح محمدبن القاسم غزاته پورته شو ؛ اوسندیی په ۷۱۲ ع کال کښ فتح کړو .

اودهمدغه غرونو څخه لوی مجاهد ، داسلام اسکندر ، د علومو اومعارفو حامی : سلطان محمود غزنوی دمیلاد دیوولسم قرن په اوائلو کښ خکته شو ، او داسلام بیرغ یی په هندوستان کښ دیو سرنه دبله پوری جګ کړو . »

پښتانه ټول مسلمانان اوسنیان او دامام ابوحنیفه په مذهب دی . نراوښزی ، واړه اوغټ ددینی رسومو په ادا کولو خورا کلك او ټینګ دی . دنمانزه ، روژی او نورو عبادتو په کړنه کښ هیس تساهل نه کوی . بی د (توری) قبیلی څخه چه دوی شیعه دی ، اود خپلوسنی ګوانډیانو سره تل جګړی اومحاربی لری (۱) نور ټول

(۱) تتمة البیان

پښتانه په یودین اویو مذهب دی..

هو ، ددی روشنخیالی په سبب چه نن صبا په مسلمانانو کښې خوریژی ددوی دفرقه بندی مضر تعصب هم دپخوانه ډیر کم شویدی . امکان لری چه دپوه مشرانو په برکت دا اختلاف ورك شی ، او د مسلمان او پښتون په نامه یو شی !

داسلام په اوائلو کښې چه فتنی کمی وی . ښزی به هم مساجد وته دجمع کولو دپاره خاصریدی . لکه چه اوس هم زمونږ د فقه کتابونه په داسی مسائلو ډك دی . ولی خومره چه روسته پساتو به اوپتنی زیاتی شوی ؟ نو په زینی ډیروخبرو کښې تغیر پیدا شو . اوس به په اسلامی ممالکو کښې ډیر کم زای داسی وی چه هلته به داسلامیت داقدیم دودجاری وی . مگر زمونږ په وطن کښې داوسه پوری دخدای په فضل سره داد ودلاشته دی :

په قندهار کښې دخرقی شریفی په مسجد اوداسی نور و مساجد وکی دجمعی په ورز اغلبا او کله کله په نورو جمعو او ختمو نو کښې هم زړی ښزی مساجدوته حاضریژی : نمو نزونه په جمع کوی ، اودخطبی اووعظ و نصیحت داوریدو څخه اسلامی استفاده کوی .

پښتانه سره د دغه دینی ، مذهبی ، او جنسی سخت تعصبه چه دوی یی لری ؟ د نورو په حقوقو کښې مداخله نه کوی . او ددینه بدنه وړی چه کوم غیر مسلم ؟ خپل مذهبی رسوم دد وی په مخکښې اداکی او په خپل حکومت کښې په دی هم رخه نه کوی چه کوم غیر دین یا غیر مذهب والا لوړی او جگی درجی ته ورسیژی . دغه وجهه ده چه د پښتنو په مملکت کښې ډیر غیر دین او غیرمذهب والا لوړولوړو درجوته رسیژی . (۱)

---

(۱) تتمته البیان ۱۵۲ مخ

پاکی او عفت :

په عمومی لحاظ سره پښتون قام یو عفیف قام دی . په ښځه باندی غیرت د پښتون یو کلك خصلت بلل کیږی . نر او ښځی د ناجائزو تعلقاتو نه ډیر پرهیز کوی . ددی پرهیز موجب یوه ددوی د دیانت جذبه ده اوبل د پښتنو لی غیرت دی. په پښتنو کښی داسی خلق ډیر دی چه هغوی او و په دی یو ځیږی هم نه ! چه کندی پښتون هم کله نا جائزه تعلقات کوی ! ـ او په دغه لحاظ چه ددا سی اکثرو خلقو ماغزه او اعصاب ددی قسم تحریکاتو څخه بالکل مامون دی ، نو ددینه د دغه خلقو په صحت او جسمانیت باندی ډیرښه اثر لویږی . دغه وجهه ده چه دغرونو او سیدونکی پښتانه او خصوصاً کوچی قومونه چه د هغوی عفیف بد نونه د دی داغ نه خالی دی ، اکثره جوړ ، تندرست ، او تنومند وی .

اکثره کوچی قومونه خوبی مبالغی په دی خبره ندی خبر، چه نرګیندی هم د نر سره ناجائز افعال کولی شی ! ! !

پښتانه یو تربله سره بی دمه ، اومنځ څخه داډه یودبل په نظری کیناستی شی . ددوی دوستی ډیره ساده ، کلکه اوبی الائشه وی دمیلمه دپالنی په باب کښی مونګ وویل چه که نارینه په کور کښی نه وی اوخوك میلمه یاراشنا راشی نود هغه دمیلمستیا ټوله نمانزنه د کاله ښځی په ډیره میرانه سره پوره کوی .

پښتانه دښځو په باب ډیره بدګمانی نه لری . ولی چه دوی پوهیږی چه د پښتوساتنه په ښځو اونرو یورنګ ضروری ده ، نوهر نراوخزه خپله

دخپل ناموس اوحیات‌سا تلو ذمه وار بلل کیژی. هان ! که‌چیری دبد گمانی څه موجبات پیدا شی : نو پښتا نه بیا دشاهدی او سپینولو پسی نه گرزی. تش په بدگمانی سره نراو ښزه دوژلو مستحق بلل کیژی. اودپښتون زړه هله یخیژی چه د مرگ سزادوا روته پخپله ورکړی دهمدغی روح په برکت دنا پاکی‌خیالات‌اودود پښتنو په مغزوکښ رازی‌نه!

دپښتون دغیرت مشتعل کوونکو شیانو څخه لوی شی ښزه ده په لږه شبهه سره ښزه وژل کیگی . اوسړی هم ژوندی نه پریږدی که سړی بچ شی نو هیس ممکنه نده چه په خپل ځای دی پاتی شی او بنکاره دی وگرزی که څه هم دیر معتبر وی ! په دی باب کښ مصالحت هم مشکل دی (۱) دیته په ښزه باندی غیرت وایی .

یوه بله تاریخی واقعه هم دلته دیا دوړ ده : ـ

کوم وخت چه په قندهار کښ دامیر شیرعلیخان اودده دوروړ محمد امین خان دقندهار دنائب الحکومه په‌مینز کښ د مهمندویه ر باط جنگ وشو ، په دغه جنگ کښ دامیر صاحب بهادرا وهو ښیار زوی سردار محمدعلیخان ، اودامیر صاحب‌ورورمحمدامین‌خان یو ، د بل د لاسه په جنگ کښ مړه شول . ددی واقعو څخه دامیر صاحب په دماغ دیر بد اثر واویدل. اودماغ یی خراب شو.

ددږ بار خلقو دباد شاه دفکر بدلولو اودده ددماغ د اصلاح دپاره داچاره وسنجوله چه دده نه سیاسی افکار کم کړه شی. اود تفریح اوخوشحالی سامان ورته تیار شی . نو لتون یی و ړو ، یوه دیر ښایسته لونامتو خکلی نجلی یی پیدا کړه ، اودباد شاه په نامه یی

(۱) تاریخ افاغنه ۱۹۵ مخ

کړه. پس دواده دلواز موخخه نجلی دبادشاه کره راغله ؛

شپه ده، بادشاه اونجلی یوازی په یوه کوټه کښ ناست دی کوټه دګیسو نوپه رڼا منوره ده ، قیمتی فرشونه غوړیدلی دی .

بادشاه دنمانزه نه خلاص شو دعائی وکړه نجلی په خپل دا ونړ مخ پټی ناسته ده . مګر د تشود حرکت نه معلومیژی چه یوقسم اضطراب لری . ساعت دیرتیرشو . مګر د دوئی په مینز کښ څه غګ غوګ نه اوریده کیږی . په اخرکښ پښتون دیندار بادشاه د نجلی په اضطراب پوهیژی ، اوددی په ژړغونی اود لګیر حالت رسږی ، نوتری پوښتنه کوی ، چه :

« امیرصاحب ، « ولی رارې ؟ . . . . »

نجلی په خپل پښتنی حیا اوشرم کښ خولی خولی ده غږنه کوی ! اودبیتابی نه خلګی وهی . رحمدله بادشاه ورته بیا په دیره دلاسا ینه اومهربانی سره پوښتنه کوی ، چه -

امیرصاحب : « ولی ژاړی ؟ . . . اخر وخو وایه ! . . . » څه دیرساعت تیریژی . . . . بادشاه ورته بیا پوښتنه کوی ، چه : « آخر وخو وایه ، دژړاسبب څه دی ؟ . . . . » نجلی خپل زړه ټینګوی ، اوپه غلی غږ اوزی اوازسره وائی ؟ نجلی : « صاحب ، زماحال دویلونه دی ! »

امیرصاحب : « نه ! تاته خوخوك څه نه وائی . ووایه ! »

نجلی : « صاحب ، زه شرمیژم ! »

امیر صاحب : (د - داد ګیرنی اودلاسا ینی په لهجه) « ولی شرمیژی دلته خوهیڅوك نشته ! باید صاف صاف ووائی ! » - نجلی ،

« صاحب ! زه په کوچنیوالی کښ ..... مور ویلار..... چاته ورکړی یم .... هغه ډیره موده کیږی ، چه هندوستان ته ورك دی . زه ، د هغه په نامه ناسته یم ! ! ! »

ددی خبرونه روسته داسی معلومیږی چه خلکی وهی ، ژاړی .

امیرصاحب : « اوه ! واقعه داسی ده ! ! ! - زه اوس پوه شوم - ته هیس مه خفه کیږه ! - بیخی ډاډه اوسه ؛ ته زما لوریی ! ! ! »

شپه تیره شوه ، سحرشو . امیر صاحب درر بار خلق ، د نجلی مورو پلار ، راړ غوښته . اودیر قهراو عتاب ئی ورته وکړو اونجلی وئی بیرته خپل کورته ولیږ له .

اوستونکی دی پخپله انصاف وکی چه د دی واقعی نه دجانبینو خومره دیانت ، تقوی عفت او پښتو ټولی معلومیږی !

داسی واقعی نوری هم ډیری دی ، چه دلته یی موږ نه شو لیکلی !

اتفاق :

د اتفاق لویه علامه د مشرانو منښت دی . دا خوی په پښتنو کښ شته دی . چه دوئی د خپلو ملی مشرانو پوره متابعت کوی . په دی باب کښ مونږ محکښی خبری و کړی .

هو ! پښتانه خه نه خه په خپل مینز کښی سره نقاضت لری . مگر دا نقاضت د ملی مفاد د پاره ضرر نه کوی ولی چه که یو پریه د بښمن د پښتنو حقوقونه لاس وراندی کړی . به دی وخت کښ د کاله ټولی وړی غټی خبری باتی کیږی او دپریه دښمن د مدافعی د پاره په اتفاق پاسیږی ایکه چه د کر نیل میلسون دا لاندی عبارت په د ی مدعا ښه

دلالت کوی : « دوی (پښتانه) د کافرانو سره که هغه توروی او که سپین هر وخت د غزا د پاره تیار وی ».

داسی وایی چه‌یووخت د پښتنو داتفاق په متعلق دیوسیاح نه پوښتنه وشوه ده وویل خوسپی او یو گیدړ راته راوړی ؛ چه راوړه شوه ، نوسپی بی په جنگ واچول ، په عین جنگ کښ بی د دوی په مخکښ گیدړ پریښود . نو په دی‌وخت کښ ټول سپی د گیدړ پسی په زغاسته شوه ! ـ نوده ویلی دغه دی د پښتنو حال !

که څه هم دایو بد تمثیل دی چه دیو دښمن له خوا د پښتنو په باب ور کړه شویدی مگر بیا هم د پښتنو اتفاق داجانبو په مقابل کښ ښه ښکاره کوی .

زمونگ ؛ هغه ټولی فدا کاری او خوا خوزئی یادی دی ، چه دافغانستان سره د دباندینو پښتنو ورو ژوله خواشویدی . داواقعات ؛ په ښه‌شان سره ثابتوی چه په‌پښتنو کښ دوینی د گډون اثر په‌نورو ټولو اختلافاتو غالب اودپاسه دی . په‌قومی اوملی معاملو کښ پښتانه کورنی اختلافات ټول شاته غورزوی . او اکثره بی تیگی او جرگی سره یو کیږی .

زینی کورنی اختلافات که په پښتنو کښ وو ، دهغی وجهه داوه چه پښتنو یوصحیح مرکز نه درلود ، نو په‌داسی حال کښ داختلافاتو وجود طبیعی و ـ مگر نن ورز چه دلوی څښتن په‌فضل سره پښتون‌قام د‌پښتونولئی صحیح‌مرکز لری . اوس کورنی‌اختلافات‌له یوڅه حل‌اوفصل شوه ، ټول قام په پوره سرگرمی سره د وطن دا بادی او دملیت د استحکام د پاره په یو زړه سره بخت دی او زیار کاږی !

سادگی :

د پښتنو د کلکو عادتو څخه یوه سادګی او بی تکلفی ده . پښتانه په هیس‌خواکی تکلف نه خوښوی . نه په خبروکښی دچاسره دخوشامند ګری الفاظ مستعملوی ، اونه بیرایه اومبالغه آمیز القاب ورکوی. او نه په معاملو اومعاشرت کښی تکلفی اوضاع کوی . د میلمه په پالنه کښی دوی دیرتلنیګ دی مګرهلته هم ټوله‌پذیرائی په ساده طور سره وی . نه غواړی چه د خپل طاقت نه زیات بار په ځان کیژ دی . چه بله ورز یی بیانه شی وړی . په پښتنوکښی دامثل دی چه « پیازدی وی خو په ټیازدی وی » یعنی د میلمستیا څخه غرض د محبت مینی اوګډون اظهار دی . نه د ژبی ترڅ ! نودوی پخپله هم د رنګارنګ خورا کونو او اوښو شوقیان ندی اومیلمه ته هم چه څه یی هر وخت د لاسه کیژی هغه کوی . دانه وایی چه ښه می د لاسه نه کیژی ، نودا معمولی هم نه کوم . د کلاو په باب هم د رنګارنګ پستو او نرمو شوق نه لری بلکه بدیی ګنړی عموما خړ پتکی ، خړ کمیس او پرتوګ؛ واسکټ اوکورتی د دوی جامه ده . د پښو او بوټونه پښتانه خیلی ډیری خوښوی . زکه چه دا دمنډی چالاکی او د غره د وضعیت سره سبه مناسبت‌لری . زه ګمان کوم چه دا رنګ او دا رقم جامه دوئی ته د دوی حربی مزاج ورښودلی ده زکه چه یو خو بی تکلفه ده او بل ساتنه یی اسانه ده . او بل داچه‌خړرنګ ا کثره له ورایه نه ښکاری .

مولوی عبدالمجید افغانی په دی باب کښی داسی لیکی :

« پښتون که څه هم ډیر شته من وی د لباس په باب تکلف نه خوښوی په دی بی‌تکلفی کښی ښاریان اودکلو پښتانه برابردی .

د تمدن په طرز کښې هم لکه خرنګ چه په نور ملکو کښې فرق وی ؛ د ښهر او د کلو د خلقو اخلاق او نور تمدنی معاشرتی او اجتماعی حالت سره بیل بیل او جدا ګانه وی . پښتانه داسی نه دی بلکه د دوی طبیعتونه بیخی یورنګ دی . خه رنګ چه کلی وال د تکلف نه آزاد دی . دغه رنګ ښاریان هم بی تکلفه دی .

پښتانه د کالو د آرایش نه بیخی غافل دی . خه کالی چه ورور سیڑی په خوشحالی سره ئی اغوندی . خه رنګ چه په لباس کښې بی تکلف دی دغه رنګ په خوراك کښې هم دی . یو معتبر پښتون خه رنګ چه نفیس خوراك په خوشحالی سره خوری . دغسی سګرټ ، روته شړومبی اوپیاز هم په خوشحالی سره خوری . اوبه دی خوی کښې خانان اوعاجزان برابر دی دښار دمسولینو دژوند طرز هغه دی چه دصحرا نشینانو دی . دخوند ونو حخه خه رنګ چه دکلو اوسیدو نکی بی پروادی ، دغه رنګ دښهر اوسیدونکی هم دی .

د دی دخوراك طریقه پیره ساده ده ، خان او غریب سره په یو دستارخان اوبه یولوښی کښنی مړی خوری . خه چه پاتی شی هغه ، نور خلق په پیره خوشحالی سره خوری ، او هیس قسم نفرت نه کوی .

داطرافو اوعلاقو په لحاظ د پښتو په میتزکی خه لږ لږ دعادت اولباس اختلاف شته . مګر اصل تمدن بالکل یودی (۱) ـ »

د نسل او روایاتو ساتنه :

په بین الافغانی قانون کښې دا ضروری ګڼل شوی چه پښتون

(۱) تاریخ افاغنه ۱۹۲ مخ

به‌دپښتون‌سره خپلولی کوی پښتانه داعیب گنړی چه خپله خوراولوریی له پښتون نه‌بل چاته ورکړی . گمان کوم‌چه داحس د همدی نه پیدا شویدی چه‌پښتانه خپل قومیت ترهر چا عزیز اوپورته گنړی . او په دی لحاظ کښ چه‌په ښزه کولوکښ هم دا خبره مد نظر لری چه باید ښزه دی د پښتو نولی مزا یا لری ، نوله دی جهته یو پښتون دپردی قام نه ښزه هم‌ډیره‌لږه کوی . نوپه دی لحاظ‌سره د پښتون قام وینه ممز وجه نده !

دروایاتو دساتنی په‌باب ، مونگ په مقدمه کښ خبری کړی دی دایو انسانی‌فطرت دی چه هرقام په خپلو روایاتو ټینگ اومحکم وی. مگر پښتون قام پدی کښ یو مخصوص امتیاز لری . ولی چه په دوی کښ داستقلال ماده دنورونه زیاته ده . اوداددوی د ملی غرور تقاضا ده چه خپل هریو خوی او خصلت اوهر روایت ته په درنه او دحقیقت په‌سترگه گوری . اوحتی‌المقدور په‌هغی کښ‌تغیرکولوته تیارنه‌وی دپښتنو دا رقم ټینگوالی نور قومو نه دتعصب او حسد په نامه یاد وی .

مونگ منوچه حسد اوتعصب مذهبا اوتمدنا یومذموم صفت دی ، مگر دهغه وخته پوری چه شخصی وی . هو ! هغه وخت چه دذاتی او شخصی حسودو څخه تیرشی‌اوقومی رنگ واخلی ، نود ترقی دپاره خوراښه عامل حسابیژی‌اودقام دتهذیب دپاره لازمی عنصرگرزی !

څومره‌چه‌دحسد ، خودغرضی ،او تعصب صفات په‌مغربی‌اقواموکښ‌موجوددی د دنیا په هیس جاهل‌قوم‌کښ هغونه نشته . مگرهرکله چه دغه صفات هلته په قومی رنگ کښ رنگ شویدی نوزکه محاسن شمیرل کیژی (۱) هرکله چه‌په پښتنوکښ دقومیت اوملیت جذبه غالبه ده نوټینگ امید

(۱) تاریخ افاغنه ٥٤ مخ

کاوه شی چه دموجوده تعلیمی نهضت په برکت به دا اخلاق نورهم ملی رنګ واخلی . زکه چه تعلیم نظر پراخوی او نصب العین ښیی . دپښتنو سین ږیری اوزړی ښزی دقومی روایا تومجسم تاریخونه دی . په کور ، مجلس هره حجره اوهره دیره کښی زاړه او مشران دپخوانو بهاد رانو قصی کوی او کشران ورته په ډیر شوق غوږ نیسی . هرپښتنون دخوپښتو پوری د نسب مکمله سلسله یاده لری ! چه تری پو ښتنه وکړی نود قبائلو اوعشائرو ښاخونه به په ښه شان دروښیی .

په نکاح کښ دعمر داندازی اشتراط :

صغارت نکاح پښتانه ښه نه بولی . اودپښتنو اکثره کوچی قومونه په دی باب کښی یوه اندازه لری . چه دهغی نه مخکښی نه نجلی و دوی اونه هلك نکاح کوی په دوی کښی دا خبره مشهوره ده چه په خام عمر کښی و اده کول سړی سوزی اوهلك اونجلی نه لوټیږی ، ضعیف پاتی کیږی او نسل هم ضعیف رازی . تقریبا دراهقیت پوری هلك ته پرتوګ هم نه اغوندی . وائی داد هلك په لوټیدوکښی نقص اچوی بیانوکوم وخت چه پرتوګ وکی ، نود میرانی او واده کو لوپوری تور پرتوګ وراغوندی عموما هلك د ۱۸ ، او ۲۰ کالو پوری اونجلی دشپاړسو ترا تلسوکالو پوری واده نه شی کولی !

او دعفت په فضا کښی دبی اغزی ګل په شان لوټیږی . دغه وجهه ده چه پښتانه تندرست ، تنومند ، زړ ور جسیم او خکلی اوسی . او ټینګ عزم او استقلال لری .

ناموس :

د ناموس کلمه په اصل کښې عامه ده دوطن ناموس ، د قام ناموس د ښځې ناموس د اټول ویل کیږي . مگر پښتانه د « ناموس » کلمه مخصوصا پرښځه اطلاقوي پښتانه په ناموسداري کښې دمتقابل داحترام طرفدار دي یعنی که څوك دبل ناموس و نشي ساتلی خپل هم نشي ساتلی ، حمید بابا دپښتو نولی دا مهم رکن داسی بیانوي :

« چه دبل ننگ و ناموس ساتلی نه شي — و به نه ساتي څوك خپل ننگ و ناموس »

د ایوه اخلاقي کلیه ده چه په پښتونولی کښې مراعات کیږي .

او بی ناموسه سړی ته پښتون نه ویل کیږي د پرنگی په کال چه ۲۵ زره پرنگیان په کابل کښې غازیانو مړه کړه وزیر محمد اکبر خان ددوی ښځې دخپل ناموس په ډول وساتلی ، او پیرته یې ور ور سولی د پښتنو غازیانو به دوی ته ډیر په احترام کاته (۱)

د هندوستان دمشهور پښتون شاهنشاه - زوی یو وخت په ناپوهی کښې دیو هندو ښځې ته کتلی وو ، چه هغه لوڅه یو زای کښې لمبیده هندو پر پښتون عادل باد شاه عرض و کړ و شیر شاه حکم و کړ و چه دده ډزوی ماندینه دی هغسی لوڅه کی چه هغه هندو ورته په هغه ډول وگوری.

د در بار سردارانو چه دپاد شاه داحکم واو رید ، هغه عارض هندوئی په خوراښه شان سره په پته راضی کړوچه دی بیرته دشیر شاه په حضور کی خپل حق دشهزاده و ماندینی ته وروښی نو هند ولاړ ، او خپل حق ئې دپاد شاه په حضور کښې وروباخښه پاد شاه ورته وویل

(۱) سراج التواریخ ج ۲ « طلوع »

ما خوپه هغه ډول چه پرتا تیری شوی وستاحق اخیست. اوس چه ته ئی په خپله رضا بخی اختیار لری هندو عارض یی ډیر ونازاوه او رخصت ئی کړو (۱)

د شزو وظائف په عائله کښ:

دا مونږ ویلی دی چه پښتنی ښزی د کاله په ژوند او کورنی معا شرت کښ د سړ و سره سمه برخه اخلی د نارینة و دا وژ و بار نه کیژی پښتنی شزی په عائله کښ پوره وظائف لری . چه مونګ ئی لاندی بیا نوو.

• د کور سامانول او انتظام؛ صفائی، مړی پخول؛ کالی ګنډل؛ کالی اینزل لوشل ، شار بل ، دمال خذمت ؛ داولاد تربیت؛ څر خه کول ؛ تا رونه و ریشل ، په باغ بوټی او فصل پام کول ؛ او به راوړل ؛
دا کارونه عموما د پښتنو ښزو وظائف بلل کیژی .

د غرونو او آزاد و فضا و پښتنی ښزی د دینه زیات او مهم وظائف نورهم لری د غرونونه په سرونو کورونوته لرګی راوړی . د خپلی زمکی فصل لو کوی . تلی ته ئی په سرونورا چلوی . غوبلونه کوی . غلی کورونوته وړی . او میچنی کوی . پښتنی ښزی زینی خاص صنعتونه هم لری چه د پښتنو دهواد په بازارو کښ ښه رواج لری د تیرا او با جوړ ښزی شکرونه او ټوکری جوړوی ددپیښور ښزی قرصی خولی جوړی . دکنړ ښزی چکن خولی رغوی . دلعلپوری ښزی تیله داری خولی ګنډی . د قندهار خامك دوزی ډیر شهرت لری .

(۱) تاریخ شیر شاه

په‌زینې زینې ځایوکښ قالینې تغرونه ،کیږدی اولیمسی جوړول، دوړیو و ریشل هم پښتنې ښځې کوی . په نوی نهضت کښ پښتنې ښځې په نورو ډیر و فنونو او کمالو نو کښ هم کمال حاصلوی .

تربیوی اصول :

د او لاد د پالنې او تربیت د پاره هم پښتانه څه اصول لری . چه هغه په پښتنوکښ په ښه شان سره تعقیب کیږی . ماشوم و یرول چه «وئې، بخوړی دی ! وئې، بیودی ! » او له دی قسمه نوری ویرونې ډیری بدی ګټړل کیږی . دوی وائی چه په‌دی باندی کوچنی بی‌زړه او ویرندوکی رازی . یعنی باید کچنی هیسکله و نه ویرول شی . کچنیان نازولی آموخته کول او دهغوئی په هر اصرار او هرخواهش باندی توجه کول او هغه پوره کول دا هم بدګټړل کیږی .

پښتانه وایی « اولاد پټ‌ساته ، موړی ساته او په‌ادب‌ئی ساته ! »

دوی وایی « نازولتیا د پښتون سره نه ښایی »

پښتانه دورکوتوالی څخه وایره او کوچنیان او جرګوته راوباسی او چه لږ غټ شی د حجری او میلمه خدمت ، و په ډله کښ کښیناسته او پاسیده ورښئی چه دورکوتوالی نه زړور اموخته شی اوخپل پښتنې خویونه زده‌ګی . او په رشد کښ د ډلې او جرګې نه متأثر نه شی .

په‌اخبارونوکښ مالوستی وه چه اوس دجاپان په‌تربیوی اصولوکښ داخبره منل شویده چه کوچنیان په غږونو رغونو ؟ واورو او یخنی ؟ شپاو تیرو کښ د هدیرو او داسی نورودویری او مشقت په ځایوکښ معروض کیږی چه دورکوتوالی نه کلک ، زړور اومشکل پسند راشی او صبا د ژوند د هیس قسم تکالیفو څخه مخ وانه ړوی ! ـ

عیناً همدغه نظریه په پښتنو کښې په ملی ډول سره تطبیقیژی . پښتانه په زینی ځایو کښې قصدا د اولاد وسره بی پروایی کوی چه دوی خپله ذمه واری پخپله وپیژنی . مشکلاتو ته یی وړاندی کوی چه کلك راشی . دټوپك ویشتل او نورحربی چلونه ورځئی چه زړورراشی !

پښتانه دپیریانوقصی او د بیمانتوب واقعات د ماشومانو په مخکښې نه وایی . اکثره داسی قصی کوی چه په فلانی جنګ کښې فلانی ؟ او په فلانی واقعه کښې فلانی داسی توره اومیړانه کړی وه ! او که د چاد بیمانتوب واقعه بیانوی نوهم په ډیر ، کرغیړن اومنحوس صورت سره یی ښئی چه د کوچنیانو په زړه کښې د دغسی کارو په نسبت سخت نفرت پیداشی .

ملی لوبی :

د شطارت او بدنی ورزش او تفریح د پاره پښتانه مخصوصی لوبی لری چه د کوچنیانو ، زنړکیانو ، زلمواو لویو سړو له خوا اجرا کیژی . د لوبووخت دپسرلی یاد منی معتدلی ورزی شپی اوسی . حضرت سید جمال الدین افغانی د تتمة البیان په ۱۵۵ مخ کښې داسی لیکی :

« اکثره قبائل اودکلواوعلاقواوسیدونکی لوبو اوتفریح ته میل کوی . او په وزګارو وختونوکښې د دائری په شکل راغندیژی او خپله مشهوره لوبه چه « اتڼ » ورته وایی اجرا کوی . اوداسونوز غلول او سپر بازی کوی » سپر بازی ، او نښی ویشتل اکثره په اخترونو کښې کیژی .

د پیښور په لویولویوکلو کښې د پسرلی په ورزو کښې د پهلوانی تماشاجوړیژی دالو به هلته ډیرلوی شهرت لری . د لری لری ځایو

څخه ورته خلق رازی خانان ، ملکان معتبرات اوعام خلق راغونډیږی کله داسی هم کیږی چه لوی لوی شر طو نه سره تړی . نو بیا پهلوانان په میدان کښ سره په لو به کښیوزی . نو کومه خوایهلوان چه و ړ شی هغه ته دیر دیرانعامونه ورکول کیږی . دالوبه دیری ورزی وی !

د غرونو خلق د پسرلی په ورزو کښ دزرکوسیسیواو صحرا لی پسونو ښکارته ووزی . دا په عین زمان کی تفریح هم ده او یو قسم عیش هم دی . دښکار دپاره اکثره خوخوکسه دله کیږی اوزی او خوخو و رزی په صحرا تیروی اودښکار غوښی خوری !

دپسرلی اوګلانو په ورو کښ اکثره ښځی او پیغلی هم دلی جوړوی اودصحرا دغرو دلمنو خواووته د غاټول او ریدی د سیل او پراخی فضاد تماشی دپاره ووزی !

داسی نوری دیری لوبی هم شته لکه : هنده ؛ خوسی ، توپونه توپ لنډی ، انګی ، دانګی ، شا میر ، سره دیری . . . . . دافسم لوبی اکثره دما شومانو دخوا اجرا کیږی مشران اومعمرخلق لوبوته حاضریږی مګر دما شومانو اوزلمیانو په ساعت تیری کښ دخل نه کوی

د پر دو جواب:

زینې اروپائی مصنفینو اکثره د پښتنو ښه خویونه اوعمده اخلاق په بداوتا کاره صورت ښوولی دی . مثلا د دوی د مزاجی استقلال نه ئی په ضد او جهالت سره تعبیر کړی دی . یا مثلا د دوی دوطن پرستی او حریت خواهی څخه یی په بیو فایی او چلو لی توب تعبیر کړی دی او داسی نور . . . ـ مګر دا کسان څوك دی ؟ داهغه کسان دی چه هغوی خیل مقاصد درلوده . نود هغوی حق و ، چه دخیل ملی مفاد دپاره ئی

بل قام ته هر څه و یلی وای . زکه چه داد دنیا سیاست دی . مگر حق خبره داده چه« ولیکن قلم در کف دشمن است » زینی نورخلق هم ددغه‌برو‌پیگند وڅخه متاثر شویدی او څه څه د حقیقت نه وړاندی لو یدلی دی ـ زینی داسی خلق هم شنه چه د خواخوژئی او اصلاح د پاره ئی زینی ستغی‌او سپوری لیکلی دی . داخلق هم حق په‌جانب دی لکه چه پښتانه وایی « دوست به دی‌وژړ وی او دښمن به دی وخندوی ! » دی کسا نودزړه د درد نه ترخی ویلی دی ـ مگر دغه ترخی‌خبری دی چه د پښتنو د اجتماعی مرضو نود پاره تریاق ثابتیژی او شکر دی نن پښتانه خپل خیروشر ښه پیژنی !

•زه په آخرکښ خپله وینا دحضرت علامه « اقبال » په هغه‌نظریه ختموم چه ده د مولانا جمال‌الدین احمد خان بی ای ، په هغه کتاب باندی چه دافغانستان په متعلق ئی ترتیب اوچاپ کړی دی د تقریظ په وخت کښ د افغانستان په باب لیکلی ده . حضرت اقبال و ایی : « دمانه خواهش وشو چه یو څو کرښی د مقدمی په عنوان د دی قیمته کتاب په باب چه د افغانستان په متعلق لیکل شویدی ، و ښکم ـ زه دی تکلیف ته درضا اواستحسان په‌نظر گورم . زکه چه زماخوشحالی او علاقه د افغانستان په‌نسبت یوازی له دی جهته څخه نده چه زه پښتانه تل یو غیورملت او په ژوندکی دنه ستړی کیدونکی قوت‌لرونکی گنړم . بلکه د اعلحضرت غازی محمد نادر شاه شهید چه د توری او تدبیر خاوندو ـ دحضور شرفیابی‌زه لاډ یر قانع کړی یم چه دده نبوغ دملت په وجود کی تازه روح پو کړی . او د ملت سترگی ئی دنن ورزی عالم په منظر بیرته کړی دی . دافغانستان تاریخ داوسه‌پوری دمطالعی

او تقدیر دلاس رسیدونه یو خواپاتی شوی دی زکه چه دوقا ئعوضبط حقیقتاً تاریخ نه ! بلکه د تاریخ دمواد و څخه شمیرل کیږی . هو ! وقائع د الفاظو په شان دی . هغه مورخ چه غواړی د الفاظو څخه ، دهغو معانی معلوم کی . دا مطلب د او سه پوری د پښتنو په تاریخ کښی نه یه هند او نه یه افغانستان کښی د ظهور میدان ته وتلی .

هغه ملت چه د محمد غوری ، علاؤالدین خلجی ، شیر شاه سوری احمد شاه ابدالی ، امیر عبد الرحمن خان ، او یه آخر کښی داعلیحضرت نادر شاه ، اوتر تو لوجگ مولانا سید جمال الدین افغانی چه زمونگ په عصر کی د خوجها تو څخه په مسلمانانو نو کښی د یر پورته اوچې شکه د ایشیاد اویو سړوخخه دی-دنیاته ورکړی وی - البته داسی ملت د ایشیا په ژوند کی د مهمو عناصر وخخه شمیرل کیږی - په تیر و ز ما نو کښی بلخ ، بامیان ، هده ، کابل ، غزنی ، هرات د یر کاونه په خیل وار هریو د ایشیاد علمی ادبی او تهذیبی مرکز و څخه و .

دموجوده شاهی کورنی علاقه او صمیمیت مونگ ته پوره اطمینان را کوی چه دوی به خیل پخوانی شوکت او حشمت بیر ته وا خلی هروخت چه زما افغانستان یادیږی ؟ ز ما زړه ددغه وطن یو ه تا بلو لکه څنگه چه دتیر کال دپانړو دتولید ویه وخت کښی ما لیدلی و ؟ په یو ساحرانه قوت سره زما دستر گولاندی ژدی . زه د معالمی په یوه داسی کوټه کښی چه په ډیره ساده گی اومتانت سره مخ په باغ جوړه شویده ، ناست یم . ماته مخامخ یادباغ په هغه خوا کښی یوه توته زمکه ورو ورو مخ پورته تللی د داسی غونډیو سره ملاقی شویده چه هغه

ددریاب دموجونو په شان متوالیاً مخ پورته زی ، دهندوکښ د لوړو غږونو سلسلی ته رسیږی .

دبرق دلویو ستنو فطار چه دکوم لوی آبشارنه برق راوړی . دامیل غندی ددی سلسلی په سینه پروت دی . آسمان دامر دلوید وپه تقریب په خکلو نظر غولونکو رنګورنګ شوی او اوژده سیوری په ډیری جلتی اوتندی سره ددی وادی په مخ په حرکت کښ دی . د چنارلوړی اونقرئی ونی ماښام پهتیاره ، کښ دشمال دلوبو په نسبت دخپلوخزانی پانړو سره نری اهتزاز لری .

دشفق په سیم رنګ سکوت کښ ، داك ، قصبه ، دایرو کلوونی آود غږونو زنزیر چه دماښام په دریاب کښ لامبووهی ؛ یوه داسی منظره لری چه دهغی دښایست اوحسن، دخوب او خیال پهلیدو پوری تعلق لری . ددغه ماښام په سکوت کښ یوواردادان غګ پورته کیږی ، زما ملګری یوزل زای پریدی ، زه دمئوذن د اواز دتاثیر څخه بیخودشوی دټولونه وروسته دنمانځه کوټی ته رسیږم . گورم چه ملوکانه ذات دخپلو لاندی خادمانو سره اوږه په اوږه ولاړدی . داوړه واقعه دپښتنو دری برجسته صفتونه څرګندوی :

۱ ـ ژور مذهبی احساسات .

۲ ـ دجنسی اونسبی امتیازاتو څخه کامله ازادی .

۳ ـ کامل توازن ، دهغی په واسطه پښتنوټل خپل ملی اومذهبی شؤن ساتلی دی . دغه دمحافظه کاری روح همیشه دپښتنو دقوت لویه منبع ده اووی به . اوهمدغه سی دی چه دوی دخپلو تیرو او پخوانو

سره ، بی له دی چه ددوی په موافقت اوهم آهنګی کښ سره دیوی نوی دوری ، سکته واردهکی ، په یوژوندی تماس کښ ساتی .

دپښتنو محافظه کارانه پـوه ، ددوئی پخوانی عرف او عـادات ، ددوی په نزد دیرمحبوب ګرزولی دی . اوپه عین حال کښ د دی عرف عادت دروند والی ددوی دراتلونکی پیشرفت روح نه خمه کوی ،

یوه ورځ په لاهورکښ دیو سپین ژیری افغان دکاندار په دکان چه دعطاری پیشه ئی لرله پښې شوم . ده دپښتو سوکالونه خپل ژبات عمر په مغرب کښ تیرکړی و ، اوپه آخر کښ ئی په استریلیا کښ توطن نیولی و ، استریلیائی انګریزی ئی ویلای اولیکلای نشوه خو بنه تکلم ئی کاوه . ماورته وویل ، « پښتو نه دی تراوسه هم یاده وی ؟ » دی پوښتنی دده دزړه په عمق کښ نفوذ وکړو ؛ دلمد وسترګو زلمیت ئی لازیات شو ؛ اومعلومه شوه چـه دزلمیتوب خاطرات ئی یـوزل بیا په مخیله کښ حاضر اوپه‌یی اخرکښ یی‌دپښتنود عشقیه غزلو دیوی‌قطعی په شکل تراوش وکی ؛ اوداپښتون سپین ژیری ئی دلاهور د سوزونکی تودوخی خخه دنیکو نوسر واوګوا رابید یاوته یو وړ .

د پښتنو محافظه کارانه غریزه دیره تعجب انګیزه ده ؛ په عین حال کښ چه دهغی محکم تهداو رخنه قبلوونکی نه دی . دنوی تمدن د موثراتو او ایجاباتـو خخه متحسس شوی دی اود هغی سره یو ډول عمرنګی بښکاره کوی دادپښتنو د صحت اوقوت پګانه رازدی .

افغانستان په رومښنیو قرنـو کښ د تجارت لوی مرکز و ، اوپـه نزنیو پیړیـو کښ ئی هم دامقام ساتلی دی . کم وخت چـه د تجارت

بحری لاری په دنیا کښې کشف او استعمال شوی ، نو دغه مملکت د موقعیت په لحاظ ، دایشیاء د سیاست او تاریخ کلی په لاس لرله اولری ئی .

پروفیسور لائیډ وائی ؟ « دلته (په افغانستان کښې) یو دښو مهمو ټوټو څخه دایشیا لیدل کیږی - د هغه کسانو په نزد چه په ملی او بین المللی روابطو کښې اعتقاد لری . (ولی په دی نظریه چه د دنیا مقدرات د جنګ سره اخکل شوی دی ملګری نه لری) هغوی ددی سره ډیره علاقه لری .

د دینه وروسته علامه د کتاب په موضوع کښې بحث کوی چه زما د مطلب سره ربط نه لری ؟ نوئی نه اخلم .

په آخر کښې دا اسره لرم چه ای ګرانو ورونړو ! - :

په پښتو او پښتنوالی ګټل کیږی
پخوانی شان و شوکت د پښتنو

داوه زما هغه تتبع چه د پښتنو د ملی دودونو او کیریکتر په باب کښې می کړیده کابل لاهوری دروازه ۱۷-۱۲-۱۳۱۶ ش ع ه

« خادم »

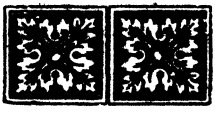

وقایع مهمهٔ داخلی

در افغانستان

بقلم جناب یارمحمد خان عضو انجمن

سال ۱۳۱۶ یك سال نهایت خوبی و فرخندهٔ بود که در سرور آن الحمدالله در وطن عزیز ما اتفاقات سوء ناگهانی از قبیل زلزله، صاعقه، خشك سالی، قحطی، و امراض وبائی و غیره واقعات مضره که موجب تلفات جانی و مالی خساره آوری و قابل ذکری شده باشد واقع نگردیده است.

از طرف دیگر جای بسی شکر گذاریست. که این سال نیك بسلامتی وجودسعادت آمود پدرمعنوی تاجدار جوان‌جوانبخت افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه و اعمام بزرگوار شان که رجال صالح و خیر خواه و طن عزیز ما میباشند، با یك امنیت تامه که در تمام این مملکت کوهستانی حکمفرما بود سپری گردید.

در طول این سال نیك و فرخنده حکومت و ملت بدستیاری و معاونت همدگر در هر رشته از امور حیاتی و مملکت داری وغیره و غیره. چیز های منفعت بخشی که سر امر برای منافع و بهبود ملت و مملکت بی‌سابقه بفکر ومشاهده میرسد. ازقوه بفعل آمده است.

از طرف دیگر آب و هوای مملکت در طول سال ۱۳۱۶ روی

همرفته خوب و اطمینان بخش بوده ، در موسم بهار باران های نافع باریده و در زمستان برفباری زیادی در سر تاسر مملکت بعمل آمده که نظیر آن درچند سال گذشته دیده نشده بود وطبیعی است که این برف برای خوبی فصول وحاصلات سال آینده مژدهٔ خوبی را دربردارد.

واقعات و گذارشات مهم و قابل ذکر این سال تا جائیکه بدست آمده وبا اجرا آت دوائر که علیحده درین سالنامه ذکرشده ربط ندارد ذیلاً از نظر خوانندگان گرام گذارش داده میشود .

(یار محمد)

نهال شانی و غرس اشجار

این یك امر قابل انکار نیست ، که زراعت اشجار در شعب حیاتی انسانها رول مهمی را بازی میکند ، زیرا در قسمت ضروریات و احتیاجات ارتزاقی بشر اثمار اشجار دخل قوی داشته وعلاوه از تکمیل ضروریات ارتزاقی مسئلهٔ محروقات است خصوصا درمملکتی که هنوز معادن ذغال دران بکار نیفتاده و قوهٔ برق هم بطور عام مورد استعمال قرار نگرفته باشد علاوه برین اشجار سبب سرسبزی و اعتدال آب و هوا و تولید اقلیم صحت بخش و سالم میباشد .

این موضوع مهم را حکومت ملت دوست رعیت پرور ما همه ساله در روز های ماه حمل که موسم نهال شانی در وطن عزیز ما افغانستان میباشد بذرائع اعلانات پاد شاهی خاطر نشان عموم رعایای صداقت شعارخویش ساخته ، ویك روز را هم درماه حمل بعنام (میلهٔ قلبه کشی) یا (جشن نهال شانی) تعین فرموده اند و در آن روز عموم وزارتخانها وسائر دوائر رسمی و مؤسسات ملی تعطیل گردیده، ذات

مبارك همایونی و والاحضرتین ج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا نشان وزیر صاحب حربیه و وزرای عالیمقام ومامورین گرام و معززین و معتبرین مرکز در نقاط معینه و افراد زارع در اراضی شخصی خود به نهالشانی میپردازند .

همچنین به پیروی این اقدام خیر خوانهٔ حکومت متبوع ما که مقصد از سر سبزی و شادابی مملکت و رفاهیت و آسوده حالی ملت است ، در عموم ولایات و حکومات اعلی و کلان و غیره حکومتیها و علاقه داریها نیز در یکی از روز های اول بهار (نظر به آب و هوا وموقع نهالشانی) تعطیل عمومی حکمفرما گردیده وعموم افرادا هالیه بغرس اشجار مثمر و غیر مثمر اقدام میورزند .

در سال ۱۳۱۶ حسب اصول موضوعهٔ سالهای گذشته ، بروز یکشنبه اول حمل در مرکز تعطیل عمومی حکمفرما و اهالی عموماً مشغول نهال شانی بودند .

نظر به احصائیه های که در مطبوعات مرکز و ولایات شائع گردیده در سال ۱۳۱۶ نسبت بدگر سالها نهال شانی زیادی از اشجارمثمر و غیر مثمر در مرکز و اطراف مرکز و ولایات دور دست و سائر نقاط وطن عزیز ما (افغانستان) غرس شده که تعداد آنها ازملیونها تجاوز می کند .

سواد اعلان پاد شاهی راجع به نهال شانی و غرس اشجار را قرارذیل جهت معلومات قارئین گرام خود شائع میکنیم :

اعلان پادشاهی

ملت عزیزم :

یکی از منابع ثروتی وطن عزیز ما وفرت میوه و کثرت اثمار است ، منشأ تولید قوا که هم وجود درخت ها و اشجار آن بوده ، و مجاهدت درین رشته بهترین خادم اقتصاد یات ما گفته می شود ، علاوتا تکثیر اشجار و تربیهٔ نهال میوه دار در تصفیهٔ هوا وسرسبزی دره ها و طراوت کوه و صحرای وطن عاملیت مهمی داشته سعادت اجتماعی بار می آورد ، لهذا درین وقت که موسم بهار و فصل ربیع ازاعتدال هوا وتابش آفتاب خود وهم بواسطهٔ برف وباران زمستان اراضی وطن را برای غرس نهال و تکثیر اشجار و شاندن قلمه ها وطرح بساتین واحداث جنگلات و تشکیل قوریه ها مستعد ساخته است به تمام رعایای عزیز خوداهم از مامورین کشوری و لشکری و تمام افراد اهالی امر وتوصیه میفرمائیم ، که در راه حصول این مفاد ملی و ضرورت اجتماعی و حیاتی خود ها مشارکت ورزیده هرکس درخور توان وطاقت خود دراراضی شخصی یازمین‌های لامزروع وبی مالك که متعلق بمفاد عمومی باشد ، نهال شانی کنند و این ایام مسعود را که برای سرسبزی وطن و بسط نهال شانی آن ایادی عمومی کار میکنند بجدیت و فعالیت تمام به پایان رسانیده ، درین عمل خیر یعنی شادابی و خرمی و طراوت افغانستان عزیز حصه گرفته وبه‌اندك زحمت امروز خود آیندهٔ جامعه را خرم و برومند گردانند .

درخاتمه ترقی و آبادی این مملکت اسلامیه را از خداوند غنی مسئلت نموده آرزو مندم هر فرد رعایای عزیزم بذوق تمام در راه سرسبزی وطن جاهد و کوشان باشند .

(محل امضای همایونی)

مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم
در سلامخانهٔ عمومی

از اثرات مهمه و برگزیدهٔ دورهٔ اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید یکی انعقاد مجالس تذکری است که بمناسبت روزمیلاد فخر کائنات حضرت محمد مصطفی (ص) در عمارت سلامخانه همه ساله انعقاد میبافت ، و در آن مجلس مبارك رجال بزرگ مملکت و علمای محترم واعضای محاکم ثلاثه (ابتدائیه ، مرافعه ، ریاست عالی تمیز) و باقی معاریف کابل حضور بهمرسانده به تذکر و ادعیه و تحیات بروان پاك آن سید لولاك صلی الله علیه و سلم می پرداختند .

این اثرخوب وفرخنده مثل سائراثرات عهد درخشان اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید ، درعصر فرخنده ومنور اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه نیز محفوظ و باقیمانده که همه ساله بعمل میآید .

چنانچه بروز یکشنبه ۲ برج جوزای ۱۳۱۶ بمناسبت مجلس میلاد النبی صلی الله علیه وسلم درسلامخانه بحضور ج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان ، والاحضرت صدر اعظم صاحب و وزراء ورجال بزرگ وعلمای محترم و اعضای محاکم ثلاثه و طلاب دارالعلوم و باقی معاریف کابل مجلس بزرگی ترتیب یافته ودر مجلس مذکور ادعیه و تحیات کثیرهٔ بروان

پاك آن فخر كائنات حضرت محمد صلی الله علیه و سلم و آل اطهارش فرستاده شد .

پس از تقدیم ادعیه و تحیات از طرف شاملین مجلس ، مجلس مذکور در حدود ساعت ۱۱ و نیم قبل‌الظهر منحل گردیده و حضار محترم مرخص شدند .

نزدهمین سال استقلال وطن

جشن حریت وآزادی افغانستان که یکی ازیادگارهای تاریخی و محصول فداکاری فرزند فوق العاده و زعیم بزرگ وطن ما (اعلیحضرت غازی محمد نادرشاه شهید) میباشد ، مراسم میله وجشن آن در سالهای گذشته در اواخر ماه اسد بعمل میآمد ، در سال ۱۳۱۶ حسب ارادهٔ سنیهٔ ذات شاهانه وتصویب مجلس وزراء بنا بمساعد بودن هوای کابل در هفتهٔ اول جوزا تبدیل یافته یك جشن مسرت باری بعمل آمد .

این چهارمین باراست که جشن استقلال افغانستان بدورهٔ زمامداری اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب ما تصادف میکند ، و در ایام حلول خود ازطرف حکومت متبوع وملت پذیرائی شایانی میگردد خصوص درین سال حسب ارادهٔ ذات شاهانه و توجهات مخصوص ج ، ع ، ج رئیس الوزراء و سائر اولیای امور اقسام تزئینات و تجلیلات فوق العاده که در خور این روز تاریخی و جشن ملی ما است ترتیب یافته و از روز شروع جشن الی اختتام آن هر نوع وسائل تفریح و ساعت تیری از قبیل رسم گذشت عسکری و مسابقه های

متنوع و نمایشات صنائع وورزش ورزش کاران افغانی ، سرودوآتنهای ملی ، موزیك عسکری جریان رادیو و غیره . چیز های ساعت تیری وتفریح آور که انواع آن دراخبار روز های جشن مفصل نشر شده درمنطقهٔ جشن آماده ومهیا گردیده بود .

در روز اول جشن جهت استماع نطق ذات اشرف اعلیحضرت محمد ظاهر شاه فرزند انجب استقلال بخشای افغانستان هیئت معظم وزراً وعلماء و وکلای محترم شورای ملی و هیئت مجلس عالی اعیان ومامورین بزرگ عسکری وکشوری وهیئت کور دیپلوماتیك و دیگر معززین ومعاریف بسلا مخانهٔ عمومی حضور بهمرسانده جشن نزد همین استقلال وطن عزیز بنطق غراوبلیغ ذات ملوکانه افتتاح گردیده واز جانب عموم حضار محترم مخصوصاً هیئت شورای ملی بعرائض تبریکیه ونطق جوابیهٔ ج ، ع ج ، ا ، ا ، نشان والاحضرت صدراعظم صاحب وهیئت کوردیپلوماتیك بکمال احترام استقبال شد .

قرار شائعات جرائد ، طور یکه این عید ملی از طرف حکومت وطن دوست وطبقات اهالی با نهایت جوش وخروش در مرکز کابل پذیرائی واستقبال شد ، درتمام ولایات و محالات از جانب عموم ملت عزیزما بمناسبت حلول نزدهمین سال استقلال وطن پذیرائی و استقبال شایانی بعمل آمد .

این جشن ملی با کمال مسرت وانبساط با انواع ساعت تیریها پس ازسرور یکهفته خاتمه پذیرفت .

افتتاح سومین دورهٔ دارالشورای ملی افغانستان

ذوات شریف فوق العادهٔ که دریك مملکت وجامعه عرض موجودیت میکنند ، ازاستعداد فطری واوصاف خدادادیکه دردنیای هستی دارند

کارگرفته برای تأمین مصالح وحفظ شئون مملکت و جامعهٔ خویش ازبذل هیچگونه فداکاری واقدامات حسنه خود داری و از حقوق مشروع ادنی ترین افراد جامعه چشم پوشی و اغماض نمیفرمایند.

ازهمین باعث است که اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهید فرزند صالح وحق شناس وطن موسسهٔ شورای ملی را (که یك چیزی بی سابقه و بی‌نظیری درافغانستان عزیزما شناخته می‌شود) کهواجدهرگونه سعادت وبختیاری طبقات ملت میباشد تاسیس واین عطیهٔ عظمی راحق مشروع ملت عزیز خود دانسته برایشان ارزانی فرمودند.

اعلیحضرت تاجدار جوان جوانبخت، فرزند خلف الصدق اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید، نیات پاك وحق جویانهٔ پدر بزرگوار خویش را پیروی نموده، همیشه عطف توجه شاهانه‌را دربارهٔ نمائندگان ملت معطوف داشته و ازبذل هیچگونه نوازش باین موسسهٔ ملی دریغ نفرموده اند.

چنانچه بروزهای اختتام دورهٔدوم تقنینیهٔ شورای ملی ازحضورذات اشرف همایونی فرمان مرحمت توامانی بعنوان عموم ملت افغانستان درخصوص تجدید انتخابات وکلای دارالشورای ملی شرف اصدار یافته بود.

بتعمیل فرمان ذات شاهانه چندی سلسلهٔ تجدید انتخابات جریان ووکلای معتمدی ملت دسته دسته یکی بعد دیگری بمرکز حضور بهم میرساندند.

فرآر معمول یك هیئت تحقیقیه جهت معائنهٔ تصادیق ولوائح انتخابیهٔوکلای موصوفمقررگردیده،تارضائیت‌طبقات ملت را بوکالت آنها علم آوری وتحقیق نمایند.

پس ازتدقیق وتحقیق هیئت تحقیقیه چون و سائل مقدماتی دورهٔ سوم شورای ملی تهیه گردیده بود ، به ارادهٔ سنیهٔ ذات شاهانه روز پنجشنبه ۲۷ برج جوزا جهت افتتاح آن تخصیص وبعموم وزراء ومعین‌ها ورؤسا واراکین معظم دولتی اطلاعداده شده بود تا در ساعت ٤ بعدالظهر روز مذکور در سلامخانهٔ عمومی حضور بهمرسانند.

بتاریخ روز مذکور درساعت معینه عموم مدعوین حاضر گردیده وساعت (٤و١٥) دقیقه ذات اشرف همایونی درمجلس افتتاحیهٔ مذکور نزول اجلال فرموده اولاً ازطرف قطعهٔ تشریفاتی که درصحن عمارت دارالشورای ملی قبلا انتظار موکب همایونی راداشتند ، احتر امات ذات شاهانه بعمل آمده ، سپس درموقع ورود درسلامخانه از طرف والا حضرتین ج ، ع ، ج ، رئیس‌الوزراء وع ، ج وزیرصاحب حربیه وعموم‌حضارمجلس بکمال احترام پذیرائی واستقبال شایانی‌که درخور ذات اشرف همایونی بود گردیدند .

حاضرین‌مجلس عموماً طرف تلطیف ونوازش اعلیحضرت ملوکانه واقع گردیده ، بعدازان برمنبر خطابهٔ دارالشورای ملی صعود فرموده سومین دورهٔ شورای ملی را بنطق جامع وغرای شاهانه افتتاح فرمودند .

« بعدع ، ج ، عبدالاحد خان رئیس شورا بعداستجازهٔ حضور ذات شاهانه وج ، ع ، ج ا ، ا ، نشان و الا حضرت صدر اعظم صاحب یکی بعددیگری معروضات شکریهٔ خودها را بمناسبت فرمایشات قیمتدار ملوکانه که سراسر بخیر وبهبود ملت وا رتقا وتعالی افغانستان بود بسمع حضور ذات اشرف همایونی رساندند .

پس‌ازعرض شکریهٔع ، ج رئیس‌شورا و ج ، ع، ج، والاحضرت اشرف صدراعظم‌صاحب‌مجلس به‌بسیار گرمجوشی ومسرت‌خاتمه پذیرفت.

عرفان پروری وملت دوستی

اعلیحضرت همایونی

سعادت وسربلندی ملت وارتقای شئونات اجتماعی زادهٔ افکار عالیه وتدابیر برجستهٔ رجال بزرگیست که‌دربین جامعه ابراز لیاقت نموده زمام‌امور مملکت وقیادت ملت بدست باکفایتش سپرده میشود حقیقتا ذوات بزرگ بعقل سرشار وذکاوت فطری خداداد خودنبض روحیات ملت‌را بطور یك طبیب حاذق ازروی حقیقت تمیز و تشخیص نموده برای تامین صحت ورفع علل ونواقص آنها بذل اهتمام میفرماید وشك نیست که‌وجود این‌قبیل رجال بزرگ که طبیب حاذق ملت اند ابواب صحت و سعادت را برروی تودهٔ ملت می کشاید.

ملت افغانستان خودرا خوشبخت ومسعود میداند که‌بداشتن اینگونه طبیب حاذق (مانند وجود سعادت آمود اعلیحضرت المتوکل علی‌الله) مفخر میباشد که همیشه در تهیهٔ وسائل راحت وآسایش ملت ازبذل هیچگونه مساعی دریغ نفرموده ودر نتیجه رسیدن بسر منزل سعادت مارا ازراه توسعهٔ معارف وصحت بدن تشخیص فرموده اند.

چنانچه درسال ۱۳۱۶ ذات اشرف همایونی شان مبلغ چهار صد هزار افغانی را از بودجهٔ‌مصارف شخصی خویش تنقیص وامرفرمودند تا از جملهٔ‌این مبلغ ، مبلغ دوصدهزار افغانی برای توسعهٔ امور عرفانی بوزارت معارف ومبلغ دو صد هزار افغانی جهت توسیع امور صحی

مملکت بوزارت صحیه تخصیصیه داده شود ، تابر حسب لزوم مورد استفاده قرار گیرد .

بـه‌تعقیب وتأسی ازین رویهٔ ملت دوستی وعرفان پروری ذات همایونی ، علیا حضرت ملکه صاحب والدهٔ ماجدهٔ اعلیحضرت همایونی ووالا حضرات همشیره های اعلیحضرت مبلغ پنجاه هزار افغانی نیز از جملهٔ وجه منظوری معاش و مصارف شخصی خود برای امور فوق الذکر عنایت فرمودند .

هکذا اعلیحضرت تاجدار محبوب‌جوان جوانبخت ماچنانیکه درفوق ذکرشد کهبرای تامین هرگونهوسائل راحت ورفع هرقسم علل‌ونواقص ملت عزیز خود بذل اهتمام ومساعی شاهانه میفرمایند فقرا و بینوایان (کهحقیقتا قابل ترحم میباشند) نیز اززیر نظر عطوفت ومهربانی ذات شاهانه شان دور نیست .

چنانچه بر حسب معمول همه ساله در موقع حلول زمستان مبلغ یازده هزارافغانی بریاست بلدیهٔ کابل عنایت واعطا فرمودند که دربین مساکین ومستحقین شهر توزیع کرده شود . پس نظرکه بمراحم پدرانهٔ این شاه بادیانت وغمخوارما که کرده میشود ، ماملت نهایت بختیار وخوش قسمت هستیم که زمام امور مملکت مارا بدست باکفایت اینچنین پادشاه خیرخواه مهربان تفویض نموده که بلااستثنا ازهرطبقهٔ ملت بزیر ظل رافت همایونی اش امرار حیات مینماید وامیداست که دراثرنیات خیر اندیشانه ذات شاهانه افغانستان عزیزما بزود ترین اوقات بمدارج ترقی وتعالی نائل وحیات اجتماعی ماملت ازهرحیث قرین راحت وآسایش گردد .

واقعهٔ جانی خیل :

دراوائل برج سرطان یك دسته اشرارجانی خیل واقع کتواز، بریك تهانهٔ عسکری بغرض چپاول حمله برده اگرچه عسکرساخلوی مقام مذکور جدیانه بهآنها مقابله ورزید ولی بمجردیکه اطلاع بمرکز رسید اقدامات لازمه برای سرکوبی وگوشمالی اشرار مذکور بعمل آمده درنتیجه تمام اشرارمذکور همراه سردسته های شان ازطرف مردمان خود همان علاقه تسلیم حکومت شدند وقضیهٔ مذکور کاملاً خاتمه یافت .

عزیمت ع ، ج ، وزیرصاحب معارف
بولایات شمالی ومعاودت شان

قارئین محترم مستحضر خواهند بود ، که عالیقدرجلالتمآب سردار محمد نعیم خان وزیر جوان وفعال معارف علاوه برکار های وزارت ورسیدگی بامور عرفانی مملکت که بکمال جدیت انجام میفرمایند ، کفالتاً بکار های ریاست بانك ملی هم وارسی مینمایند ، بنابرین در ماه اسد جهت معائنهٔ فابریکهٔ نساجی و فابریکهٔ برق که تحت نظر بانك ملی درپل خمری بنا میگردد ، بایك هیئت اقتصادی تشریف برده بودند .

پس ازمعائنه ووارسی بامورفابریکات وغیره کارهای مربوطهٔ آن جهت معائنهٔ امورمعارف ولایت قطغن وبدخشان وولایت مزار شریف نیز تشریف فرماشده درهرنقطه ازطرف عموم مامورین ملکی وصاحبمنصبان عسکری و نمایندگان اهالی وطلاب معارف وغیره نفری مراسم استقبال و پذیرائی شان بکمال احترام بعمل آمده و خطابه های خیرمقدم ازطرف اهالی وطلاب مکاتب ایراد میگردید .

پس ازانجام کارهای مربوطهٔ ولایات قطغن و بدخشان ومزارشریف که ع ، ج ، وزیرصاحب موصوف تشریف فرمای مرکز شدند ، قراریکه ازشائعات جرائدولایات مذکور معلومات حاصل کرده ایم ، وزیرجوان وفاضل معارف سردار محمد نعیم خان درحین توقف چند روزهٔ خود برای طبقات اهالی و مامورین و معلمین طلاب معارف وصاحبمنصبان عکسری بیانات قیمتداری فرموده و هرصنف را درحدود ایفای وظائف شان وبکار وعمل تشویق نموده اند .

اهتمام ذات شاهانه در تعمیم و توسعهٔ زبان پشتو

حسب تحقیقات وتتبع فضلاء ومورخینیکه بزبان پشتودلچسپی و علاقه دارند ، زبان پشتو رایکی از زبانهای قدیم وازاصیل ترین زبانهای آریانی شناخته اند . زیرا باستناد اینکه بسا کلمات قدیمه که نزدیکی این زبان رابه السنهٔ باستانی آریانی میرساند ، تا کنون درسینهٔ ملت پشتو زبان محفوظ ومورد استعمال است .

ولی حوادث سوء روزگار وبی پرداختی اسلاف ما پیشرفت وتوسعهٔ این زبانرا مانند سائر شئون حیاتی این ملت در حال وقفه گذاشته بود ، مگرخداراشکر گذاریم که این وقفه ومعطلی بطوردائمی نبوده زبان پشتو دورضعف وسستی خود را بدورهٔ زمام داری فرزند صالح خود اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهیدخاتمه داد ، اینك درنتیجهٔ توجه فرزند جوان جوانبخت آن مصلح بزرگ افغانستان اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه در جملهٔ دیگر ترقیات عرفانی و ادبی و زنده ساختن آثار وافتخار ملی ما ترویج زبان پشتو که وسیلهٔ مهم وحدت یك ملت است از قوه بفعل آمد ، که در مدت کمی ازفیض

زحمات و توجه‌وزارت‌معارف‌این زبان‌ملی‌ما به پیشرفتهای مهمی نـ
گردیده‌وهموطنان حساس مارا به آیندهٔ درخشان خود مژده میدهد

چنـا نچه امروز علاوه بر شائعات اخباری که بزبان پشتو
می‌شود ، درتمام وزارتخانها وریاست‌هاوغیره دوائررسمی‌وموسسه‌ه
ملی مرکز وتمام ولایات وحکومات اعلی و کلان و حکومات ثلاث
علاقه داریها یعنی به‌جمیع نقـاط وطن عزیز ما کورسهای افغانی جا
ومعلمین پشتو مشغول درس دادن هستند وکتب درسی‌واخبار برای
توسط انجمن ادبی بصورت رایگان مرتب میرسد . و اهالی عمو
برائج ساختن این زبان ملی خود شوق مفرطی دارند .

نظر باین توجه حکومت و زحمات شبا روزی و زیر فعال معا
وشوق سرشار و مفرطی ملت که‌می شود ، امید است که ترویج ز
و ترقی واقعی لسان پشتو صورت خوبی بخود بگیرد ، و نژاد آ
اینخاك مرهون این اقدام بزرگ‌دود مان اعلیحضرت نادر ش
اضافه بر اضافه گردد .

پنجمین سال جلوس اعلیحضرت همایونی

روز دو شنبه ۱۶ عقرب ۱۳۱۶ مراسم جلوس پنجمین سال‌جل
ذات اشرت همایونی اعلیحضرت محمد ظاهر شاه پدر معنوی و غمخو
افغانستان بعمل آمد ، اگر ما بنظر دقت و تعمق ملاحظه کنیم ج
بسی افتخار وسعادت برای‌ما ملت است که باین‌دورهٔ پنجسال زمامدا
فرزند جوان جلیل‌القدر وطن چرخهای ترقی‌وتقدم مملکت به محوراء
خود دور خورده ، امنیت که یکی از اساسی ترین اساس یك مملـ

است از فضل خداوند (ج) با مفهوم صحیح خود در افغانستان موجود شده است .

ترقی تجارت و اقتصاد مملکت بسته بامنیت بوده و از همین جهت است که سرمایه های ملی بفعالیت تمام بدوران افتاده و شرکتهای بزرگی در وطن عزیز ما تاسیس گردیده که بمقصد تقویهٔ بنیهٔ اقتصادی مملکت مصروف کار و عمل میباشند .

معارف که منبع و سرچشمهٔ ترقیات یك کشور است ذات اشرف عرفان پرور ما اعلیحضرت همایونی درین نیز ابراز علاقهٔ کاملی فرموده چنانچه شرح آن در فوق گذشت .

عسکر که حافظ امنیت وطن و نو امیس ملت یك مملکت است ، ذات همایونی توجه خاصی باینطرف مبذولداشته که از مصارف شخصی ذات شاهانه شان صرفه جوئی نموده و مبالغ هنگفتی برای شئون عسکری اعطا فرموده اند . در اثر همین توجهات ذات شاهانه و زحمات خسته گی ناپذیر ع ، ج والاحضرت سردار شاه محمود خان وزیر حرب است که وطن عزیز ما امروز الحمد الله دارای یك عسکر کامل بوده ، ترقیات روز افزونی دران مشاهده می شود .

درباب راهها و عمرانات ، اوضاع صحی و زندگانی مرفه الحال که ملت عزیز ما بزیر سایهٔ تاجدار جوان خود دارند ، (چیزیکه عیان است چه حاجت به بیان) هموطنان عزیز ما و کسانیکه چند سال پیش افغانستان را دیده بودند و حالا می بینند ، میدانند که ترقیات امروزهٔ افغانستان در حقیقت از مساعی یك زمامدار صالح و بزرگیست که با اعمال وافکار پاك خود بخشیاری و سعادت ملت این مملکت را خواسته و میخواهد و او شانرا بمدارج ترقی و اعتلا روز بروز صعود میدهد .

پس ما بکمال احترام از در گاه حضرت مجیب الدعوات سلامتی وجود سعادت آمود و بقای سلطنت شاه جوان خود را مسئلت مینمائیم وآرزو میکنیم که ملت افغانستان تا سالیان در از در ظل رافت ذات همایو نی اش امرار حیات نموده و مملکت عز یز ما بتر قیا ت خو بی نائل گردد .

نهادن سنگ تهداب عمارت مکتب حر بیهٔ احضاریه

بمناسبت نهادن سنگ تهداب عمارت مکتب حربیهٔ ا حضا ر یه در با غ بابر شاه که یك موقع خوب و باصفای برای تعمیر مکتب حر بیه دارد ، در مرور سال ۱۳۱۶ از طرف مقام مر بو طه از محتر مین رجال وصاحب منصبان ارشد عسکری در محل مذکور دعوتی بعمل آمده ج ، ع ، ج ، ا ، ا ، نشان ، والاحضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ا ، ا ، نشان والاحضرت وز یر صاحب حربیه نیز تشریف آورده از طرف حاضرین محترم وقطعه تشریفاتی و طلاب حربیه محترمانه استقبال شدند ، پس از ان والا حضرت اشرف صدر اعظم صا حب بعد از دعا وفاتحه سنگ تهداب مکتب حربیهٔ احضار یه را بد ست مبارك خو د گذا شتند ، و بدینماسبت نطق غر ای راجع به اهمیت و موقعیت عسکری وو ظا ئفی را که د ر حفظ شئو ن د ینی و ملی د ا ر ند قرائت فر مو ده و بعد ا ز ان یك سلسله بیا نات قیمت د ا ر شانرا معطوف شرح توجهات وعلاقه مندی کهاعلیحضرت همایونی محمدظاهرشاه بترقی وپیشرفت‌شئون عسکری دارند نموده ودرخاتمه برای سرافرازی وسرو خروئی دائمی اردوی افغانستان دعا نموده واظهار امید فرمودند

که ازین مکتب که فعلا اساس عمارت آن گذاشته شد صاحبمنصبان رشید وباعلم وتربیه وفدا کاری برای افغانستان تربیه وفارغ شوند .

پس ازنطق والاحضرت اشرف صدراعظم صاحب ع،ج،ا،انشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه سردار شاه محمود خان غازی متقابلتاً نطق جامعی ایرادفرموده ازحسن نظریات والاحضرت صدر اعظم صاحب دربارهٔ عساکر افغانی تشکر نموده ، وعلاوه نمودند که عسکر امروزهٔ افغانستان بخوبی ملتفت اند که اعلیحضرت همایونی المتوکل الله تا چه اندازه دربارهٔ عساکر نظر شفقت ومرحمت پدرانه دارند که روز وشب برای بهبود اوضاع عسکری افغانستان میکوشند ، عسکر امروزهٔ وطن عزیز ما بهیچوجه نمیتوانند ازعهدهٔ شکران آنهمه مراحم و توجهاتیکه دربارهٔ شان مبذول میشود برآیند . بیانات ع،ج، وزیر صاحب حربیه ازطرف عموم صاحبمنصبان عسکری که حاضر بودند تائید شده وبدعا گوئی دوام سلطنت اعلیحضرت المتوکل علی الله و بقای دودمان اعلیحضرت غازی محمدنادر شاه شهید خاتمه یافت .

نهصدمین سالگرهٔ ابن سینای بلخی

ابن سینای بلخی که فضل وکمال وشهرت علمی او دنیا شرق وغرب را فراگرفته وهیچکس ازعلو مقام علمی او انکار کرده نمیتواند ، از مفاخر تاریخی خاك پاك وطن عزیزما گفته میشود ، برایما جای بسی مجدو افتخار است که خاك وطن عزیزما مهد پرورش اینطور حکما و فیلسوفهای عالیمقام واقع گردیده که ازفکر بلند و ادراك برجستهٔ آنها عموم عالم بشریت استفاده نموده وهمه را بلا استثناء درذیل عطوفت خود قرار داده است.

انجمن ادبی بنام قدردانی ازرجال بزرگ تاریخی و طن بروز پنجشنبه ۱۲ عقرب ۱۳۱۶ ساعت ۲ بعد الظهر درکلوب استور بمناسبت نهصدمین سالگره ابن سینای بلخی مجلسی منعقد و در آن عموم وزراء وسفراء ، معین ها ورؤسای ادارات ، علما ، وفضلا وارباب جرائد مرکز دعوت شده بودند .

درین مجلس ادبی ج ، ع ، ج ، ا ، ا نشان سردار محمد هاشم خان رئیس الوزراء وع ، ج ، ا ، ا نشان سردار شاه محمودخان وزیر حربیه کهادب پروری وعلم دوستی مخصوص خاندان نجیب شان است نیز تشریف آورده بودند .

مدعوین محترم ازطرف ع ، ج وزیر صاحب معارف رئیس وع شهزاده احمدعلیخان درانی مدیر عمومی ودیگر اعضای پشتوتولنه پذیرائی واستقبال می شدند .

بعداز حضور عموم مدعوین محترم ع،ج سردار محمدنعیم خان وزیر فاضل معارف نطق افتتاحیه بنام قدردانی از علم ورجال تاریخی وطن ایراد فرمودند .

ومتعاقب آن مطابق پروگرام موضوعهٔ که ازطرف انجمن ادبی ترتیب یافته بود ، ذوات محترمیکه درباب مقام علمی و فلسفی شیخ قبلاً مقالات وقصائد ترتیب وانشاد فرموده بودند یکی بعددیگری قرائت نمودند

این حفلهٔ ادبی خیلی زیاد طرف دلچسپی حضار محترم واقع وهر کدام باکف زدنهای متوالی تحسین وپذیرائی میگردیدند بالاخره مجلس مذکور بعداز صرف عصریه بمسرت تمام انجام وخاتمه پذیرفت .

توزیع شهادتنامه بطلاب فارغ التحصیل فاکولتهٔ طبی و دو اسازی

دارالفنون افغانستان کهیکی ازمؤسسات علمی یادگار عهد با افتخار اعلیحضرت محمد نادرشاه شهید مصلح کبیر افغانستان میباشد اینك خوشبختانه اولین ثمر پرفیض خودرا برای حفظان صحت عمومی ابنای وطن میدهد .

این ثمرهٔ شیرین وقیمتدار عبارت ازفارغ التحصیلی او لین دسته شاگردان فاکولتهٔ طبی دارالفنون وطن عزیزما میباشد .

بمناسبت فارغ التحصیلی واعطای شهادتنامه بهفارغ التحصیلان فاکولته وصنف دواسازی ازطرف وزارت جلیلهٔ معارف روز سه شنبه (۲۹) قوس درعمارت صدارت عظمی ترتیب انعقاد مجلسی گرفته شده بود ، درمجلس مذکور ج . ع ، ج ، ا ، ا نشان والا حضرت صدر اعظم صاحب و ع ، ج ، ا ، ا ، نشان والا حضرت وزیر صاحب حربیه وعموم وزراء محترم وجلا لتمآب شوکت پای سفیر کبیر تورکیه مقیم کابل وارا کین وزارت معارف وطلاب ارشد مکاتب ومامورین بزرگ شمولیت ورزیده بودند ، مدعوین محترم از طرف اعضای وزارت معارف پذیرائی می شدند .

درین مجلس عرفانی که اولین بار بمناسبت فارغ التحصیلی او لاد وطن عزیزما از مکتب فاکولتهٔ طبی انعقاد یافته بود نطقها ی مهمی ازطرف ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر صاحب معارف وجناب پرو فیسر حسن رشاد بای رئیس فاکولته و ج ، ع ، ج ، ا ، ا ،

نشان والاحضرت سردارمحمد هاشم خان صدراعظم وجناب فقیر محمدخان فارغ‌التحصیل فاکولتهٔ طبی تعاطی گردید ، ودرضمن آن شهادت نامها باانعامات لائقه بدست مبارك والا حضرت اشرف صد را عظم صاحب بطلاب مذکور که درجهٔ دکتو ری یافته بودند اعطا گردید ، و بجناب دکتوررفقی مشاور وزارت صحیه وجناب پروفیسر حسن رشاد وجناب ربیع حکمت ودیگر معلمین فاکولته‌علمی حسب مراتبهم ازطرف قرین الشرف اعلیحضرت همایونی نشانهای سردارعالی واستور اول واستور دوم ومعارف اعطا گردید .

مجلس بعد ازصرف عصریه بدعا گوئی اعلیحضرت جوان معارف پرور المتو کل علی‌الله ومزید ترقیات افغانستان خاتمه یافت .

اعطای تصدیقنامها بفارغ التحصیلان دارالمعلمین مستعجله

وزارت جلیلهٔ معارف باثر فعالیت خسته گی نا پذیری که دارد ، دربرج اسد۱۳۱۶ جهت توسیع مکاتب ابتدائی کورسو بنام دارالمعلمین مستعجله تاسیس‌ویك‌عده جوانان لائق با اخلاق‌را از ولایات واطراف جلب‌کرده بغرض تعلیم و تربیهٔ اطفال ابتدائی شامل این موسسهٔ عرفانی نمـو د .

طلاب مذکور درظرف ششماه مو اد پروگرام موضوعهٔ مضامین را تکمیل و بتاریخ ۲۹ دلو از طرف ریاست تدریسات وزارت‌معارف جهت توزیع تصدیقنامهای شان ترتیبات گرفته شده بود .

ع ، ج سر د ا ر محمد نعیم خا ن وزیر معا رف بساعت معینه تشر یف آورده ، باعطای تصدیقنامها و انعام طلبهٔ مذکور پرداختند و پس ازان

عموم طلاب را مخاطب ساخته ، نطق نصیحت آمیزی ایراد فرمودند

بعد از اختتام بیانیهٔ وزیر فاضل معارف دو نفر از فارغ التحصیلان مکتب مستعجله یکی بزبان پشتو و دیگری بفارسی ، بجواب فرمایشات وزیر صاحب معروضاتی قرائت نمودند .

در خاتمه بروح پاك اعلیحضرت غازی محمد نادر شاه شهید که بزرگترین فرزند معارف پرور وطن بودند دعای مغفرت فرستاده وزنده باد اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه منور عرفان دوست ما گفته مرخص گردیدند .

فرمان عید مبارکی ذات اشرف همایونی

بعنوان اهالی افغانستان

یکی ازعادات برجسته ومراسم مفیدهٔ که ازعصر منور اعلیحضرت غازی محمدنادرشاه شهید باقیمانده ودرعصر درخشان فرزند انجب شان (اعلیحضرت المتوکل علی الله) همه ساله در مواقع لزوم ازان تأسی وپیروی میشود اصدار فرامین پادشاهی (که حاوی یك سلسله وصایا ونصایح قیمتداری میباشد) است که بعنوان معززین و ریش سفیدان ملت درایام اعیاد مذهبی میشود . چنانچه امسال نیز درهردوعید مذهبی (عید فطر وعید اضحی) فرامین تبریکیه ازحضور والای شاهانه بنام رعایای صداقت شعار شان صادر گردید .

تبریك روز میلاد ذات اشرف همایونی

روزجمعه ۲۲ میزان حسب معمول همه ساله هیئت کور دیپلوماتیك متوقف کابل ووزرای محترم کابینه و نمایندگان ملی وباقی رجال بزرگ

ومعززین به‌قصر دلکشا بمناسبت تقدیم تبریکات سالگره تولدی بحضور ذات اشرف همایونی شرفیاب شده وبعادت سالهای گذشته مراسم واحترامات این روز سعید را بجا آوردند ، روز ۲۲ میزان که روز تولدی فرزند جلیل القدر وطن اعلیحضرت المتوکل علی الله پادشاه محبوب افغانستان ومقارن بروزهای نجات وطن از خانه جنگی وبرادرکشی وبدبختی ملت میباشد ، یکی از برجسته ترین روزهای تاریخی واعیاد ملی ملت افغانستان محسوب بوده ودرشیرازه بندی حیات اجتماعی ما سهم بزرگی دارد .

فلهذا سفرای دول متحابه مقیم کابل و وزرای محترم و معززین حسب دعوتنامه هائیکه قبلاً ازطرف وزارت جلیلهٔ دربار توزیع شده بود ، بساعت معینه درقصر دلکشا حاضرشده ، تهمین سال نجات وطن که محصول فداکاری های مابقهٔ قرن بیستم اعلیحضرت غازی محمدنادر شاه‌شهید وبرادران رشید ونامور شان میباشد ، بنطق غرا وجامع اعلیحضرت همایونی افتتاح واز طرف حاضرین محترم بایکحرارت وصمیمیت فوق العاده استقبال گردید .

هکذا قراریکه معلومات داریم در تمام نایب الحکو مگی ها و حکومت های اعلی و کلان باستقبال این روز نیك که روز تجدید سعادت ونیك بختی ملت افغانستان بوده مجلس های خوشی باتزئینات مجللی بعمل آمد وعموم اهالی قدر شناس این خطهٔ اسلامی جودهارا از دل وجان مرهون خدمات برجستهٔ خاندان نجیب نادرشاهی دانسته و میدانند وبا کمال خلوص ونیات بی آلایش ادعیهٔ خالصانهٔ خود را بروح پاك یگانه منجی وطن اعلیحضرت سعید شهید و باقی ذواتیکه درین خدمت بزرگ بذل مجاهدت نموده وحصه دارهستند تقدیم

نموده، وازخدای بی نیاز ارتقای دائمی وطن وطول عمر اعلیحضرت محمد ظاهرشاه واعمام شریف خیر اندیش و عموم خاندان سلطنتی و ذوا تیکه از صمیم قلب باین وطن خدمت مینمایند بکمال عجز و احترام نیاز نمودند .

شرفیابی و کلای شورای ملی
به حضور اعلیحضرت همایونی

حسب معمول همه ساله در سال گذشته نیز چون دورهٔ ششماههٔ مجلس شورای ملی باختتام رسید ونماینده های ملت مرخص میشدند ، بروز سه شنبه ۳ عقرب وکلای محترم بحضور پاد شاه محبوب خود به قصردلکشا شرفیاب گردیدند .

ذات همایونی در محضر وکلای ملت یك سلسله بیانات قیمتد اری که حامل احساسات نیك حکومت دربارهٔ ملت وهمد ستی وا تحاد ملت باحکومت بوده ایراد فرمودند ، که مورد دلچسپی ومسرت وکلای محترم واقع گردید .

ازجانب وکلاهم معروضات مملو ازاخلاص وصمیمیت بعرض حضور ذات شاهانه تقدیم گردیدکه رضائیت وخور سندی ذات همایونی درآن شامل بود .

درختام معروضات وکلای محترم شورا ج ، ع ، ج ، والا حضرت اشرف صدر اعظم صاحب نیز نطق جامعی کمبنی برلیاقت وفعالیت وکلا وهمدستی شان باهیئت کابینهٔ وزراء درتنظیم اصولنامها وحسن تدویر امور مملکت بود ایراد فرمو د ند ، که موجب رضائیت ذات شاهانه ازفعالیت وکاردانی وکلای ملت حاصل گردید .

درخاتمهٔ نطق والاحضرت صدر اعظم صاحب که بمفادش اختصاراً اشاره شد ، وپس ازصرف طعام وکلای محترم از حضور اعلیحضرت همایونی مرخصی حاصل نموده ازقصر دلکشا مراجعت کردند .

وفیات مهمه

جناب حاجی صاحب ترنگزائی :

حاجی صاحب ترنگزائی دروقت خود ازاجلهٔ مشائخ و روحانیون عالم اسلام بودند که خدمات برگزیدهٔ شان به ملت افاغنه قابل بسی تقدیر وتمجید است ، اخیراً درماه قوس ۱۳۱۶ جهان فانی رابدرود گفته بعالم جاودانی شتافتند .

(اناالله وانا الیه راجعون)

حاجی صاحب ترنگزائی بعد ازجناب آخند زاده صاحب صوات علیه الرحمه وجناب مولانا نجم الدین صاحب هده علیه الرحمه سومین شیخ طریقت بودند که سرمایهٔ علم وتبلیغات خویش را به ملت افغان ارزانی فرمودند، ملت افغان ازتبلیغات ومساعی آن مرحوم استفادهای زیادگرفتند.

شخصیات حاجی صاحب تماماً نذر اصلاح قوم شد ، به معنای صحیح فقیر وبی طمع بودند ، پایهٔ تقوای شان بس عالی وبلند بود.

فقدان جناب حاجی صاحب درتمام افغانستان با تأسف زیاد تلقی شد وعموم ملت افغانرا وفات آن مرحوم مغفور متأثر گردانید.

بروزجمعه ۳ برج جدی سال مذکور درمساجدجامع کابل ازطرف علمای محترم نسبت بسوانح درخشان آن مرحوم نطق های بلیغی با یکعالم تحسر از فقدان آن مرحوم ایراد گردید .

عموم مردم برای مغفرت و خوشنودی روحانیت پاك او دعا نمودند ما هم بنوبهٔ خود از خداوند عالم استدعای درجات عالیتری را برای آن مرحوم نموده و بیازماندگان شان صبر جمیل را میخواهیم .

جناب قاضی عبد الشکور خان :

جناب فضیلت مآب قاضی عبد الشکور خان مشاور شرعی حضور اعلیحضرت همایونی که ازعلمای جید و فاضل وطن عزیز ما (افغانستان) بودند ، در برج عقرب ۱۳۱۶ در قندهار برحمت ایزدی پیوستند .

(انا لله و انا الیه راجعون)

ما از درگاه حضرت خداوند (ج) برای انمرحوم طلب غفران و آمرزش و بیازماندگان او صبر و تسلیت را استدعا مینمائیم .

جناب عبدالعزیز خان بلوکمشر هوا باز :

جناب عبد العزیز خان بلوکمشر میخانیك که جهت مشق و تمرین بروز ۱۵ اسد ساعت ٦ صبح در حالیکه یکی از طیارات افغانی را در فضای کابل پرواز میداد . قبل ازینکه طیاره از زمین بلند شود ، پروانهٔ طیاره در حرکت بوده متأسفانه بسر بلوکمشر مذکور اصابت کرد دراثر جراحت شدیدی که بوی عارض گردیده بود بلا فاصله وفات نمود .

(انا لله وانا الیه راجعون)

میت مذکور با شمولیت صاحبمنصبان عسکری با تجلیلات شاندار درقرب میدان طیاره دفن وتمام مصارف تجهیز و تکفین آن ازطرف

حکومت متبوع مهربان ما اعطا گردید ، و علاوتا مبلغ دو هزار افغانی بورثهٔ مذکور نیز بجهت فاتحه داری آن مرحوم عنایت وبرای تأمین اعاشهٔ عیالداری او معاش مستمری مقرر گردید .

ما نسبت باین ضیاع الملک اظهار تاسف و از مراحم حکومت متبوع مهربان خود که در بارهٔ عموم خدام صادق خود دارند تشکر مینمائیم ، و برای فقید مرحوم طلب مغفرت و بباز ماندگانش صبر و تسلیت از درگاه حضرت خالق خود استدعا میکنیم .

محصلین افغانی در تورکیه :

محمد صدیق خان ولد محب علیخان و محمد سالم خان ولد سید محمد خان محصلین افغانی در تورکیه جهان فانی را وداع و بعالم جاودانی رحلت نمودند .

ضیاع مؤلمهٔ این دو فرزند عزیز وطن علاقمندان علم وعرفان را نهایت متحسر ساخت .

(انا لله وانا الیه راجعون)

وزارت جلیلهٔ معارف در مواقع بروز همچه حوادث ناگوار با طلاب معارف همیشه ازطریق شفقت ومهربانی پیش میآید. بنابرین بتقریب وفات این دو جوان ناکام و طن مجلس ترحیم را بروز شنبه ٥ سرطان و روز پنجشنبه ٧ میزان ١٣١٦ در خود وزارت منعقد فرموده ، بحضور علاقمندان آن مرحومین مراسم فاتحه داری شان اجرا گردید .

ما نیز بنوبهٔ خود ازحضرت قادر بیچون برای مرحومین مذکور طلب غفران وبرای بازماندگان شان صبر و تسلیت میخواهیم .

شرکت های تجارتی

میتوان گفت که سیستم اقتصادی افغانستان که از چند سال به اینطرف برای تحویل آن به اصول شرکتی توسط تمرکز سرمایه از طرف حکومت متبوعه و بانك ملی و سائر افراد منور وطن صرف مساعی بعمل می آمد ، در سال ۱۳۱۶ درین قسمت موفقیت های بی سابقه بدست آمده و روی همرفته آغاز دور جدیدی را برای انبساط اقتصادیات مملکت در نظر مجسم میسازد . چنانچه شرکت های مهمهٔ جدید و توسیع و موفقیت شرکت های سابقه و انعقاد معاملات تجارتی بس بزرگی که درین سال بوجود آمده ، بهترین شاهد مدعای فوق است . البته از طرفی هم مشکلاتی از رهگذر بحران مواد خام که در دنیا رونما گردیده و پارهٔ عکس العمل هائی که از طرف بعضی مشتریان مواد صادراتی افغانستان به عمل آمده . از بعضی جنبه ها بالای اقتصادیات ما نیز اثر افگنده اما خیلی جای مسرت است که ازبرکت اقدامات سنجیده وتشکیلات اساسی که برای اقتصادیات وطن تجویز و طرح شده ، تا امروز با این موانع بصورت خوب مقابله شده است . خلاصهٔ اجراآت موسسات تجارتی مهم مملکت ذیلا ازنظر خوانندگان عزیز گذارش داده میشود :

بانك ملی و شرکت سهامی

بانك ملی که مهمترین موسسات اقتصادی وطن ما بشمار رفته و درین مدت ۵ سالیکه از تاسیس آن میگذرد از جنبه های مختلف

خدمات بس بزرگی را در اقتصاد ملی افغانستان بوجود آورده میتوان گفت که این موسسه در تحول اقتصادیات وطن از وضعیت ابتدائی وانفرادی آن به سیستم عصری و شرکتی سهم بزرگی گرفته وعلاوه بران بسا اقدامات مهم و نافع برای بهبود اوضاع اقتصادی مملکت بعمل آورده که نتائج آن علی‌الاکثر ظاهر و برخی عنقریب تاثیرات نیك خویش را آشکار خواهد ساخت ، مخصوصا فعالیت بانك درسال ۱۳۱۶ که ع ، ص عبدالمجید خان رئیس آن دراروپا مشغول مسافرت و خدمت اقتصادی بودند وضمنا علاوه بر معرفی صحیح تشکیلات و حالات اقتصادی افغانستان بموسسات اقتصادی مهمهٔ دنیا بیك سلسله مطالعات و مذاکرات وعقد قرار دادها و خریداری کارخانه جات واجرای معاملات تجارتی پرداخته اند قابل اهمیت بوده امید است که نتائج بهتری را در راه ترقیات اقتصادی افغانستان عزیز وارد سازد ـ خطوط اساسی فعالیت بانك ملی در سال ۱۳۱۶ قرار ذیل است :

الف تشکیل موسسات جدید اقتصادی :

۱ ـ شرکت صادرات قره قلی : بر هیچکس پوشیده نیست که قره قلی بزرگ ترین و مهم ترین اقدام صادرات افغانستان را تشکیل داده در اساس تجارت صادراتی ما واقع وهمچنین درحیات اقتصادی مملکت رول مهمی را بازی میکندتا٤ سال پیش تجارت آن بصورت غیرمستقیم وبشکل ابتدائی بوده نه تنهامنافع صحیح به تجار افغانی نمیرسید بلکه ازسبب اقدامات تجارذات البینی اکثراوقات موجبات ضررهای فاحش برای تجار وصدمات خطیری

باقتصادیات افغانستان وارد میگردید . بانك ملی ازبدو تاسیس خود باینطرف عطف توجه نموده بتدریج تجارت قره قلی را اصلاح وقدم به قدم به عصری ساختن وسر راست گردانیدن معاملات پوست وهمچنین درحسن باربندی وغیره تنظیمات آن موفقیت حاصل کرده چنانچه منافعیکه درین چهارسال از درك تجارت قره قلی نصیب تجار و شرکت های افغانی وبا او سیله عاید حکومت وملت شده بهمه کس معلوم است ازین رواخیرا قدم بزرگتری که تجارب ازقدم آخری باشد در معاملات قره قلی ازطرف بانك ملی برداشته شده که عبارت ازتشکیل شرکت عمومی صادرات قره قلی میباشد واین شرکت بسرمایهٔ هفتاد ملیون افغانی جدیدا درکابل تاسیس وجناب محمد رفیق خان تاجر کابلی بریاست آن مقررشده به سهم شرکت مذکوربنج هزار(۵۰۰۰) افغانی تعین و در دسترس عموم تبعهٔ افغانی قرار داده شده است.

شرکت نساجی :

یکی از مهمترین اقدام و ارداتی مارا منسوجات پنبه نی تشکیل میدهد که از روی احصائیهٔ مرتبه درسال (۹۰) ملیون افغانی برای تهیهٔ آن از مملکت خارج صرف میشود ضبیعی است که اصدار اینقدر مبلغ بزرگ درمیزانیهٔ تجارتی تاثیر زیادی می اندازد و از طرف دیگر صنعت منسوجات دراکثر ممالك یك صنعت ملی بوده ، درخود ممالك تهیه میشود خصوصاً درحالیکه مواد خام ولوازم آن که عبارت ازپنبه وجریان برق برای تدویرفابریکه باشد ، درمملکت فراوان باشد ازاینست که حکومت متبوعه وبانك ملی سه سال پیش باین سمت توجه خود شان را معطوف فرموده برای خریداری (۲۰۰۰) دستگاه نساجی عصری

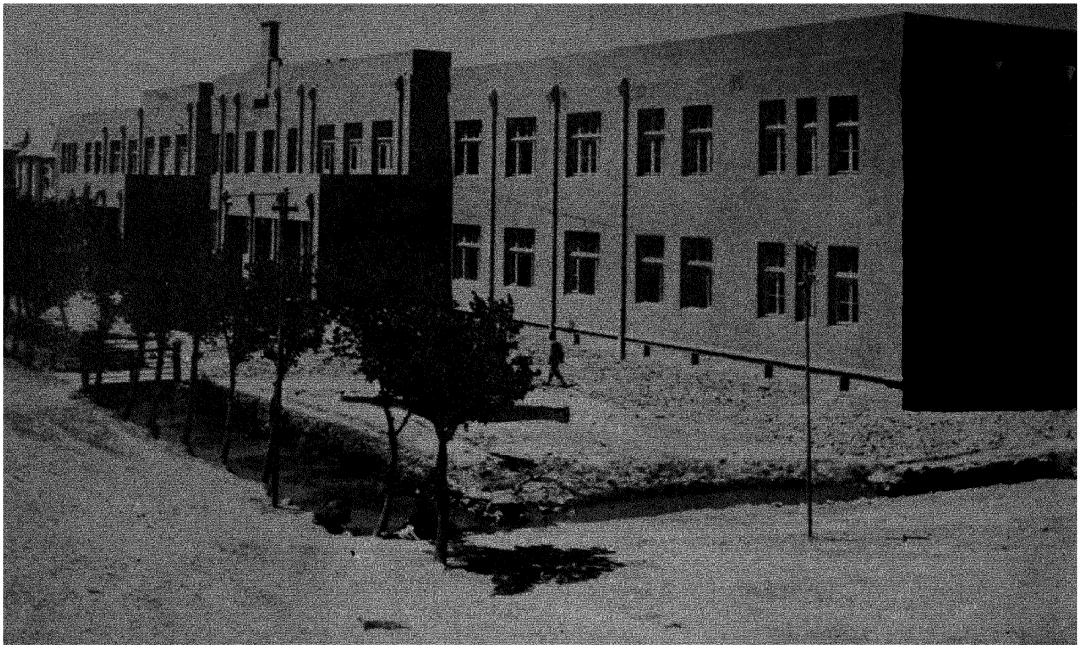

از عمارات مهمهٔ جدید در کابل : بانك ملی و خزانهٔ عمومی
Nouvel immeuble de la Banque Nationale Afghane

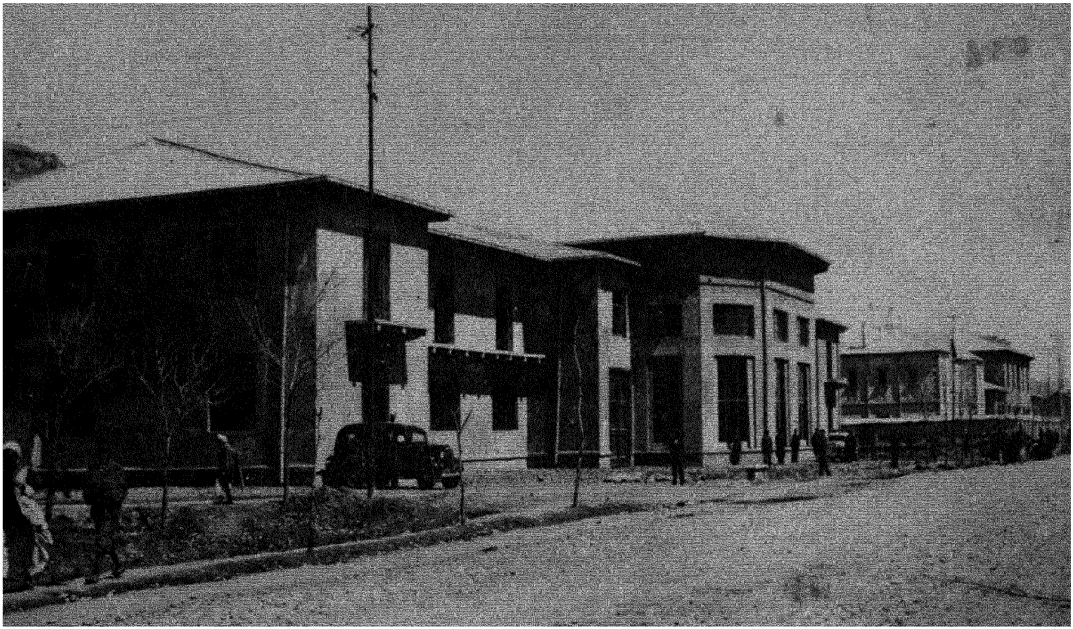

فابريكة حديد ترميم موتر بالكملى . منظرة خارجى دفاتر فابريكه

Nouvelle fabrique de réparation d'auto vue externe des bureaux administratifs

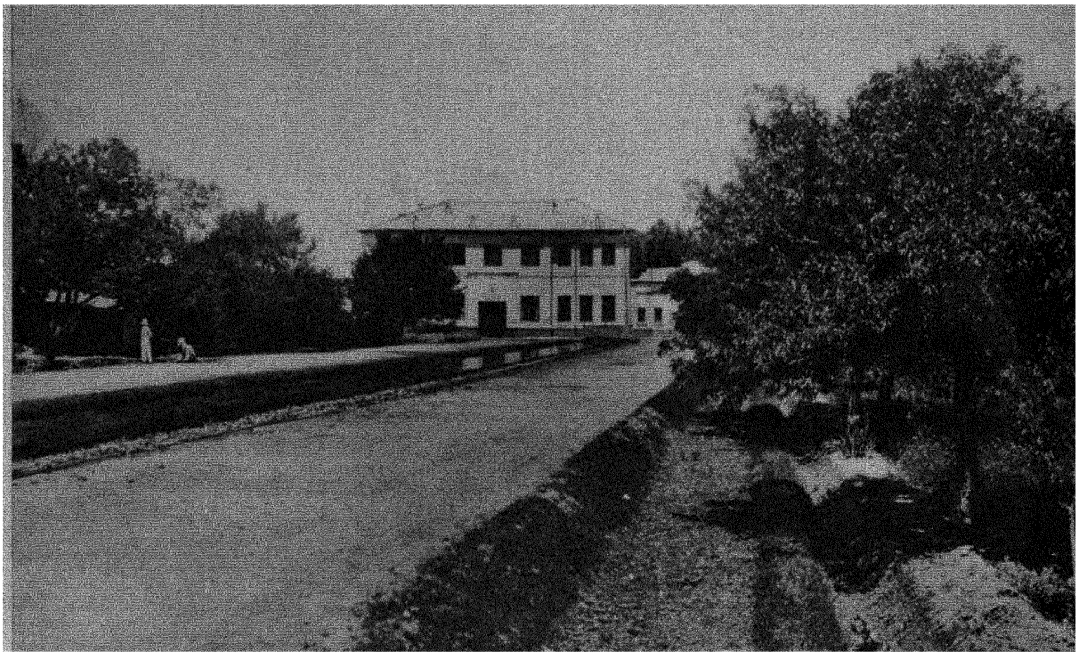

از عمارات سال ۱۳۱۶ مرکز : عمارت ریاست و دفاتر مطبعهٔ عمومی
Nouvelle imprimerie de aboul . vue externe des bureaux

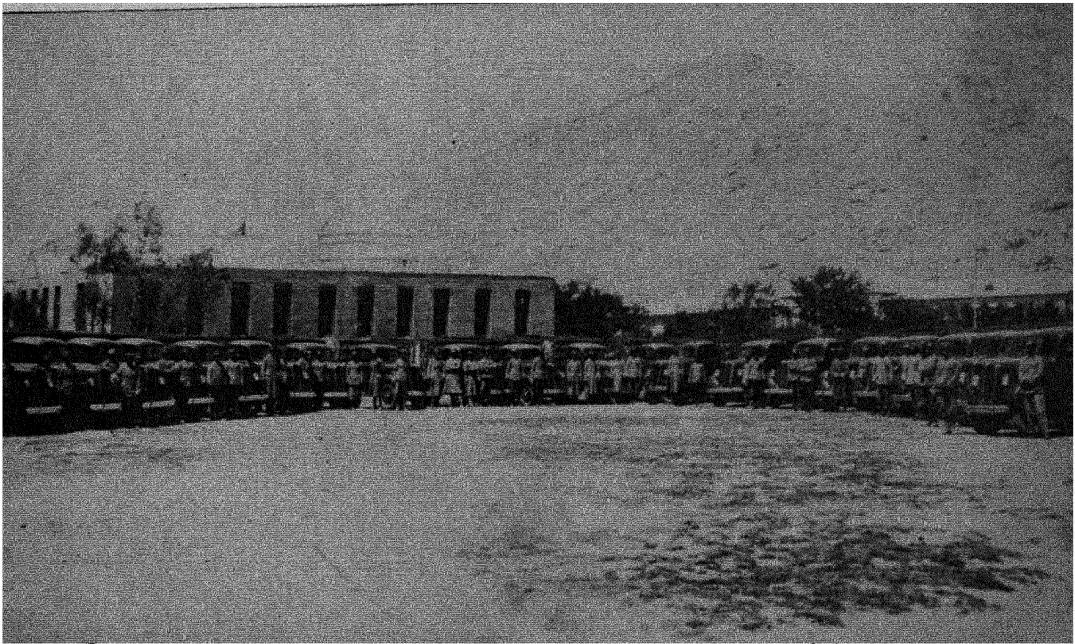

از کار روائی های مهمه ۱۳۱۶ درمرکز : موترهای بارکشی جدید که از کارخانه فورد وندفورد خریداری شده

Une partie des camions nouvellement achetés pour les services du gouvernement

داخل اقدامات شده اند چنانچه در سال گذشته از یکطرف اساس شرکتی بنام (شرکت نساجی) جهته خریداری و نصب فابریکهٔ مذکور در تحت نظر بانك ملی واز درك قیمت فروش پوست قره قلی طرح وازطرف دیگر برای ساختمان جای نصب فابریکه درحصهٔ پل خمری ولایت قطغن که دارای ابشارهای کافی جهت تولید قوهٔ برق وضمناً شامل کشت زارهای پنبهٔ قطغن میبا شد عملیات شروع شده وازطرفی هم ع : ص ، رئیس بانك ملی در دوران مسافرت اخیر خویش کارخانهٔ مکمل مذکور را از اروپا خریداری نموده اند .

بهمین مناسبت است که دراواخرسال۱۳۱۶ چون کارتد ویرفابریکه مذکورازهرجهت سر براه شده بود شرکت مذکور بسرمایهٔ (۵۱۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی باتشکیلات کافی تشکیل و ع ، ص ، خواجه تاج الدین خان سابق رئیس شرکت پنبه بریاست آن و ع ، امیر الدین خان دیپلوم انجنیر بمدیریت فنی آن مقرر و برای تدویر فابریکه جداً مشغول کار شده اند امید است که فابریکهٔ مذکور تا سال ۱۳۱۹ شروع بکار نموده قسمت بزرگ احتیاجات ما را ازحاصلات خویش تکمیل نموده مارا ازواردات بزرگی مستغنی گرداند.

شرکت صادرات پنبه :

پنبه یکی ازصادرات مهم افغانستان را تشکیل داده وروز بروز میدان فروش آن وسعت یافته میرود و از طرف دیگر آب و هوا و اراضی اکثر حصص افغانستان خصوصا علاقهٔ قطغن و چغانسور برای کشت پنبه مساعدت نشان میدهد ازینست که ازسه سال باینطرف موضوع زراعت و صادرات پنبه مورد توجه خاص حکومت متبوعه و بانك ملی

واقع و مقدار کلی تخم پنبهٔ اعلی بین زارعین بصورت رایگان تقسیم وهر قسم تشویق برای توسعهٔ آن بعمل آمده در نتیجه روز بروز دامنهٔ زراعت آن وسعت یافته میرود از طرف دیگر از اثر قرار دادهائیکه با خارجه جهت فروش پنبه عقد شده ترقی بزرگ آتیهٔ این جنس صادراتی افغانستان بنظر مشهود میباشد . چنانچه برای نگرانی زراعت و ادارهٔ صادرات آن درین سال شرکتی بسرمایهٔ (۱۵) ملیون افغانی تاسیس و ع : ص عبدالعزیز خان تاجر به ریاست آن مقرر شده است .

شرکت قندسازی :

اگر یك نظر بسوی احصائیهٔ واردات چند سال اخیر افگنده شودديده خواهدشد که سالانه چه مبالغ خطیری برای خریداری قندوبوره بخارج صادر میگردد و بدتر اینکه مصرف قند و شکر سال به سال دراز دیاد بوده ، بطور نامحدودی بلند رفته میرود . از این است که بانك ملی که توازن بخشیدن میزانیهٔ تجارتی را از مدتی به عهده گرفته و همواره برای ترقی صادرات و تقلیل واردات بیلزوم و تقویهٔ شئون اقتصاد ملی مشغول کوشش میباشد ، درین اواخر مخصوصاً به اینطرف توجه خود را مبذول و ع ، ص ، عبدالمجید خان رئیس بانك ملی درحین مسافرت اخیرخود باروپا یك کار خانهٔ بزرگ قندسازی (از لبلبو) را از چکسلواکیه خریداری کرده اند و از طرف دیگر به توجه بانك ملی برای تصویر کار نصب کار خانهٔ مذکور ، شرکتی بسرمایهٔ سی ملیون (۳۰۰۰۰۰۰۰۰) افغانی در کابل تاسیس شده که ریاست آن به جناب عبدالخالق خان عضو هیئت مدیرهٔ بانك تفویض

و هر سهم مذکور هزار(۱۰۰۰) افغانی تعین‌شده است چون کار خریداری و تدویر کار خانه یك اندازه سرمایهٔ زیادی را بکاردارد از لحاظ اینکه شرکت مذکور یکجا از موسسات اقتصادی خیلی مهم وطن بشمار میرود و استفاده‌های‌ملی مهی‌را برای آینده در بر دارد ازین رو به‌پیشنهاد نظربانك‌ملی حکومت متبوعهٔ‌ما جهة تقویت‌مؤسسهٔ‌مذکور انحصار واردات شکر و پترول تمام افغانستان را برای مدت ده سال به شرکت قند سازی اعطاء کرده است چنانچه اخیراً شرکت مذکور افتتاح و بکمك ریاست مستقلهٔ زراعت جهة بذر لبلبو در قطغن برای کار خانهٔ قند سازی مشغول اقدامات شده است :

شرکت تعمیراتی افغانی :

بدیهی است که یکی از لوازم ترقی و پیشرفت مدنی یك مملکت کثرت و وسعت‌عمرانات‌است، خواه عمرانات‌مذکور ازقسم کارخانه‌جات و موسسات صنعتی باشد و خواه موسسات عرفانی و مدنی و یا منازل شخصی و غیره ، و بهمین اساس هر قدریکه فعالیت حیاتی در مملکت زیاد شود ، بهمان پیمانه احتیاج به تعمیرات عصری بیشتر احساس میگردد . و از طرف دیگر کثرت عمرانات تا وقتیکه بر روی یك اساس صحیح قرار نگرفته باشد ، مشکلات بزرگی را از قبیل قلت و گرانی مصالح و لوازم تعمیریه و نقصان مهندسی و قلت گرانی عمله پیش میکند .

برینوجه موضوع مذکور ازمدتی‌تحت توجه حکومت متبوعه و بانك ملی واقع واخیراًشرکتی بسرمایهٔ بانك ملی وشرکت‌سکودای چکسلواکیه‌بنام شرکت تعمیراتی‌افغانی‌اباگ بسرمایهٔ (۲۰۰،۰۰۰) پوند استرلنگ تشکیل و شرکت مذکور درین اوقات در کابل افتتاح شده

است . رئیس این شرکت ع ، ض ، دوست محمد خان ایماق عضو هیئت مدیرهٔ بانك ملی و معاون آن عزت مند مکرم مدیر شعبه سگو دا در کابل و مدیر اقتصادی آن ع ، محمد عتیق خان رفیق و مدیر تخنیکی آن عزت مند میکنار دیپلوم انجنیر میباشد .

ب : فروش اسهام بانك ملی :

چون روز بروز معاملات و موسسات بانك ملی وسعت یافته میرود و از طرف دیگر بانك در نظر دارد که عدهٔ روز افزون ابنای وطن را در معاملات و منافع خویش شریك بسازد ، ازین رو دراول سال ۱۳۱۶ یکعده اسهام جدید را که بالغ بر(۵۰۰،۰۰۰) افغانی میشد توزیع و تا اخیر ثور بفروش رسانیده و بر علاوه بران برای سال ۱۳۱۷ نیز در اخیر سال ۱۳۱۶ اعلان تزئید سرمایهٔ بانك را از سی وپنج ملیون (۳۵۰۰۰۰،۰۰۰) به شصت ملیون (۶۰۰۰۰۰،۰۰۰) افغانی نموده است.

ج : توسعهٔ معاملات بانکی :

چون اساس بانك ملی را امور بانکی آن تشکیل میدهد ، لهذا روز بروز دامنهٔ معاملات بانکی خود را وسعت داده رفته ومخصوصاً این فعالیت درسال ۱۳۱۶ بیشتر شده است و درنظراست که برای سال ۱۳۱۷ امور بانکی هنوز هم توسعه یافته بالمقابل امور تجارتی بانك محدود کرده شود .

د : فعالیت بانك درقسمت اسعار خارجه :

درین مدت سه سالیکه بانك ملی امتیازخرید وفروش اسعارخارجه را درتصرف خود دارد ، همواره سعی کرده است که شرح مبادله

را طوری قرار بدهد که هم برای تجار صادرکننده وهم برای تجار وارداتی مساعد بوده ضمناً به طبقات عامه ازیك رهگذر یا ازرهگذر دیگر نقصان وصدمه نرسد. اماهرکس خبردارد که دریکسال اخیر تغیرات بزرگی که درامورحیاتی افغانستان وهمچنان دردنیای خارج رخ داده ازیکطرف منجر به تقاضای روز افزون اسعار خارجه وازطرف دیگرمنتج به قلت تدریجی آن از درك باقی ماندن اموال صادراتی ما گردیده است مبصرین اقتصادی عوامل این کیفت قرار ذیل میدانند :

۱ـ باثر بحران عالم گیر اقتصادی همچنانکه مواد خام دراکثر نقاط جهان ازقیمت اصلیهٔ خود تنزل کرده بود مواد خام افغانستان نیز از ماه اسد تا ماه دلو امسال جهل فیصد تنزل نمود واین یك مدرك مهمی بود که عائدات اسعار مملکت را محدود گردانید .

۲ـ حصهٔ مهم قره قلی و میوهٔ خشك ما درسال ۱۳۱۶ تا پانزده هم ماه حوت بفروش نرسید و ازین جهته یکی از مدارك مهمهٔ اسعار به تعویق افتاد .

۳ـ مصرف اسعارد واثر حکومتی درسال ۱۳۱۶ نسبت بسال ۱۳۱۵ صد فیصد ترقی نموده .

٤ـ حجاج افغانی که همه ساله به بیت الله شریف برای ادای فریضهٔ حج میرفتند تعداد آنها به (۱۶۰۰) نفر بالغ نمیشد حالانکه امسال تعداد حجاج ما تقریباً به پنج هزارنفر میرسد که اگر اینها بصورت متوسط فی نفرسه ونیم هزارافغانی اسعاربرده باشندیك کرور وهفتادپنج لك (هفده ونیم ملیون افغانی) مصرف آنها شده .

۵ـ واردات مال جاپانی وموتر در ۱۳۱۶ نسبت بسالهای ماقبل ترقی زیادی نموده .

۶ـ درسال ۱۳۱۶ برای عملی نمودن پروژ های صنعتی مملکت مبالغی ازاسعار خارجه بمصرف رسیده که در سالهای سابق نظیر آن دربودجهٔ مصارف مملکتی وجود نداشت .

۷ـ ما دراوائل ۱۳۱۶ از روی احصائیه زراعتی عائدات پنبه را درحدود سی هزارطن تخمین نموده وازدیاد مصارف خود را برروی همین تخمین عائدات پنبه قراردادیم ولی درماه میزان و عقرب یك حصه زراعت پنبه دراثر امراض وارده مورد تلف گردید ویك حصهٔ دیگر را سرما ضایع کرد ، در نتیجه بجای سی هزار طن کمتر ز هفت هزار طن بعمل آمد .

باوصف این ها بانك ملی درسال ۱۳۱۷ برای موازنهٔ معاملات تجارتی پلان جدیدی را ترتیب داده که دران اقسام مال وارداتی مورد بعضی شرائط واقع و درطی یك قسمت شروط برای تجار و معامله داران وسائر اشخاص اسعار خارجه تهیه خواهد شد .

از طرف دیگر باوجود مشکلات مذکور ذخائر اسعار خارجه بانك که جزواعتبار آن میباشد بحال خود باقی بلکه نسبت به چند سال پیش زیادترمیباشد که تفصیلات آن محض معلومات قارئین ذیلا درج میگردد :

موجودی اول حمل ۱۳۱۶

۱ ـ اسعارخارجه درداخل وخارج عموماً بقیمت ۲۹،۲۵۰،۰۰۰ افغانی

۲ ـ موجودی مال صادراتی شرکت ها درکدام بانك درمقابل آن اسعار تعهد داشته پوست قره‌قلی ۸۵ هزارجلد ۸،۲۰۰،۰۰۰ افغانی

» ۳۷،۴۵۰،۰۰۰

موجودی ۲۹ حوت ۱۳۱۶

۱ ـ اسعارخارجه‌درداخل وخارج‌عموما بقیمت ۱۱،۲۰۰،۰۰۰ ـ افغانی

۲ ـ موجودی مال صادراتی درکدام بانك که تعهد اسعار داشته قره قلی هشتصد و چهل هزار جلد ۵٤،۰۰۰،۰۰۰

٦۵،۲۰۰،۰۰۰

هـ ـ فابریکهٔ ترمیم موتر ها :

بانك ملی که انحصار موتر و پرزه های آنرا دارد از سه سال بینطرف جهة خریداری وتورید ونصب یك کارخانهٔ مکمل ترمیم موتر و بسته کاری ازسیستم جدید اقدام ودر سال ۱۳۱٦ موفق به تدویر آن شد ، چنانچه‌در ۸ ماه سال مذکورمتجاوزاز ۷۰۰ عراده موتردرفابریکهٔ مذکور ترمیم گردیده است .

این فابریکهٔ جدید ترین ماشین آلات را برای ترمیم و ساختمان بعضی آلات و بسته کاری موترها وسائر ماشین ها و عراده ها وغیره دارا بوده باجرت نازلی فرمایشات مراجعین را انجام میدهد خلاصهٔ موسسات و تشکیلات این فابریکه ذیلا از نظر خوانندگان محترم گذشتانده می شود :

۱ ـ شعبهٔ ماشین کاری دارای ۱٦ پایه ماشین برقی اتوماتیکی خرادی برمه وغیره ۲ ـ شعبهٔ بسته کاری دارای یك‌ماشین فتن کاری ولفت‌برقی ـ وماشین لیم کاری وبعبهٔ اتوماتیکی وغیره ۳ ـ شعبهٔ‌برق برموتر دارای ماشینهای پرکردن باتری‌ها وغیره ٤ ـ شعبهٔ آهنگری دارای کوره ودم وغیرهٔ برقی ۵ ـ شعبهٔ حلبی‌سازی ، دارای ماشینها و لوازم جدید ٦ ـ شعبهٔ رنگمالی با لوازم و آلات برقی و غیره ۷ ـ شعبهٔ نجاری و بادی سازی دارای لوازم و آلات برقی جدید .

هیئت مدیره و مامورین عالی رتبهٔ بانك ملی :

الف : هیئت مدیره :

ع ، ص عبدالمجید خان رئیس

« ، دوست محمد خان ایماق معاون شعبات تجارتی حال رئیس شرکت تعمیراتی

ع ، غلام حیدر خان مختار زاده معاون شق بانکی .

« ، سید کریم خان (مدیر شعبهٔ هرات)

« ، حاجی عبدالخالق خان (رئیس شرکت قندوشکر)

« ، محمدعمر خان (رئیس شرکت اتحادیهٔ شمالی) .

« ، خیرمحمدخان (مدیر عمومی انحصارات ـ حال معاون تجارتی)

ب : مامورین شعبات مرکزی بانك :

ص ، محمدموسی کاظم‌خان مدیر تفتیش و کنترول

« ، محمدعمر خان ، مدیر محاسبهٔ بانك .

« : غلام علیخان مامور تحریرات ریاست .

ص ، غلام علیخان سرخوش مامور اوراق ریاست .

« ، محمد موسی خان مامور انحصارات .

« ، عبدالمجیدخان مامور اجرائیه .

« ، عبدالکریم‌خان احرار مامور فابریکهٔ ترمیم موتر .

ج : مدیران بانك درداخل مملکت :

ع ، سید کریم خان درهرات ع ، حاجی گل‌محمدخان در قندهار

« ، محمدامین‌خان درمزار شریف ص ، شاه محمدخان دراندی خوی

ص ، بهیم احمد خان در میمنه « ، صالح محمد خان در فراه

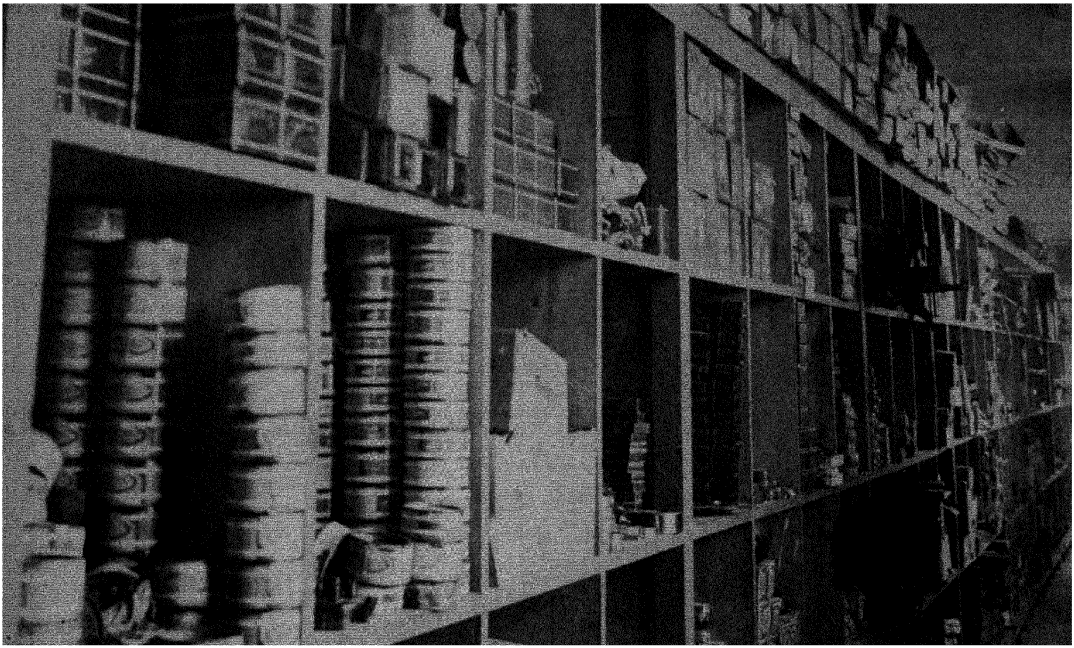

فابریکهٔ ترمیم موتر بانک ملی . شعبهٔ ذخیرهٔ پرزه فروشی

Nouvelle fabrique de reparation d'auto . le magazin de la vente des pieces de repaire

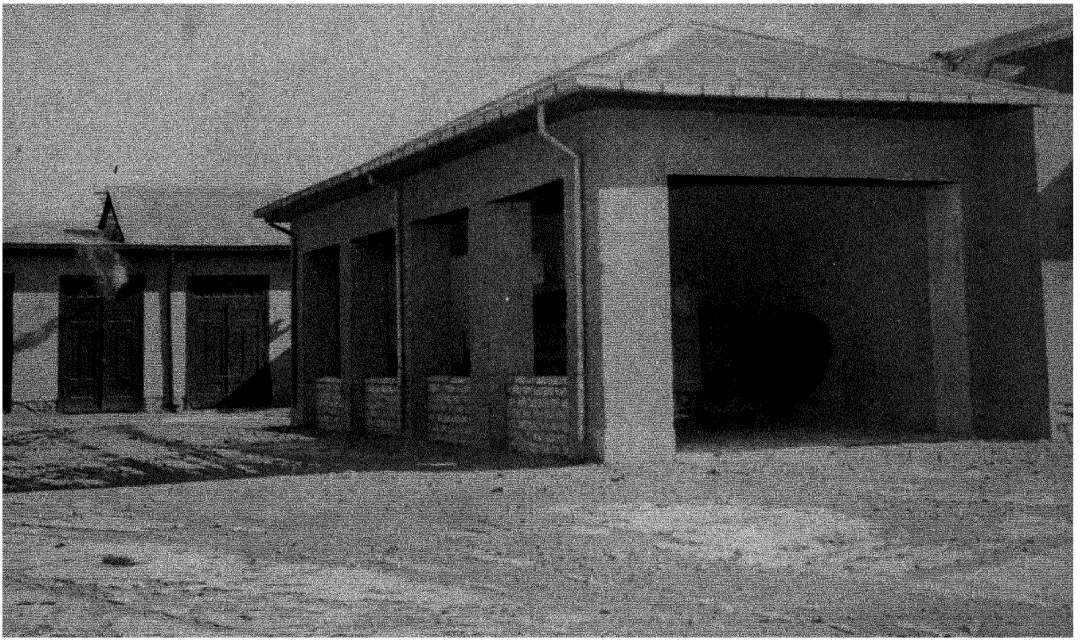

فابریکهٔ ترمیم موتر مالك ملی : اطاق شستن موترها

Nouvelle fabrique de réparation d'auto : vue externe des chambres de lavage des autos

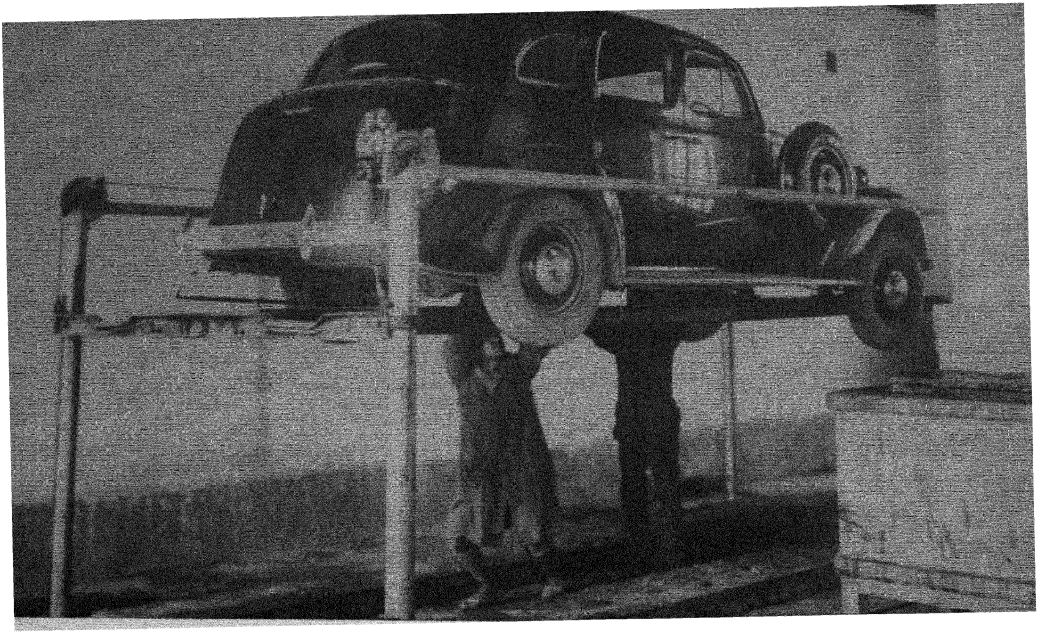

اریکهٔ ترمیم موتر بابك مبی . لفت اتوماتیکی برقی ، و کار گرابکه در حصهٔ تحتانی آن کار میکسند.
Nouvelle fabrique de réparation d'auto . l'ascenseur automatique pour les autos.

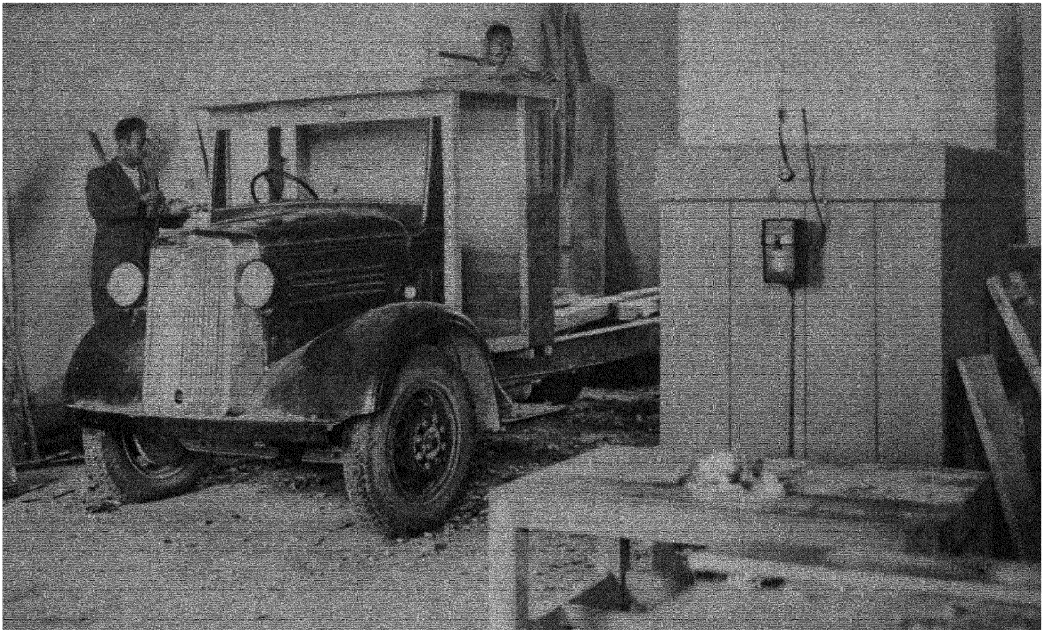

فابریکهٔ ترمیم موتر مالك ملی : شعبهٔ نجاری و بادی ساری و کارگران مربوط آن در حین اجرای کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto l'atelier de menuiserie

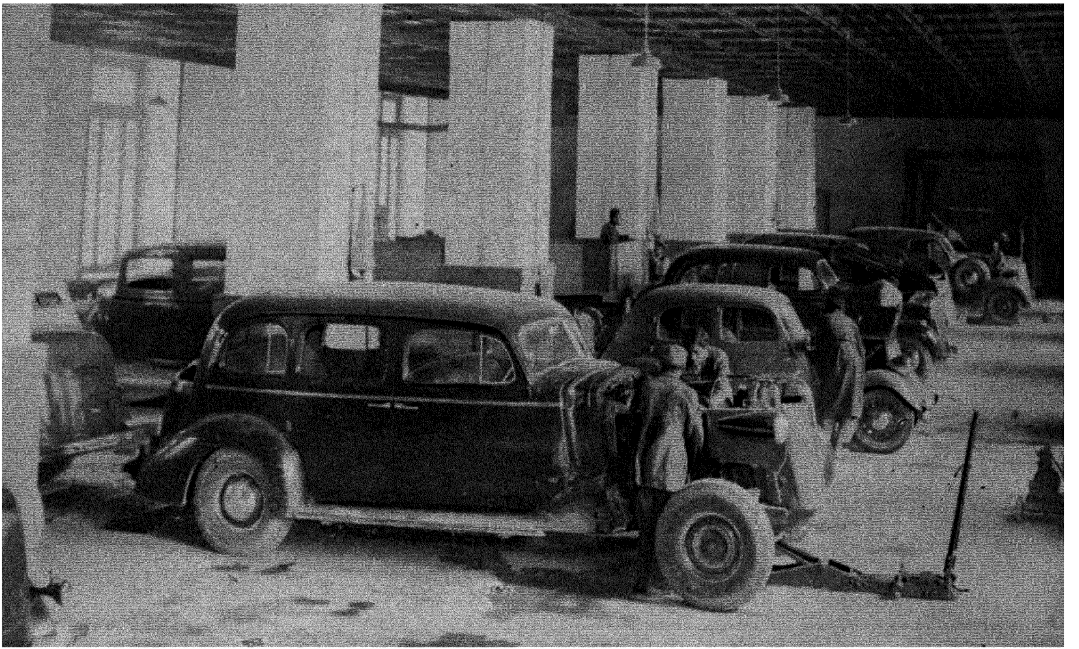

فابریکه ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ بارو سته نمودن ماشین موترها ، و کارگران آن درحین کار
Nouvelle fabrique de réparation d'auto, vue génerale de l'atelier de montage des autos

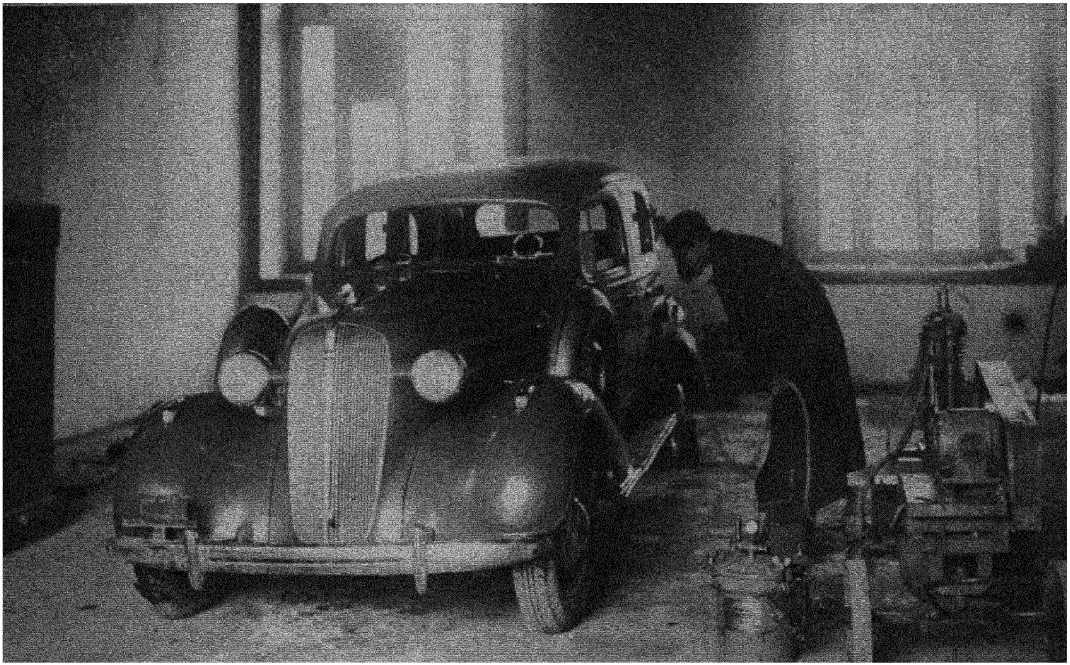

فابریکه ترمیم موتر بالك ملی : شعبهٔ رنگ مالی

Nouvelle fabrique de réparation d'auto à Kaboul . l'atelier de la peinture

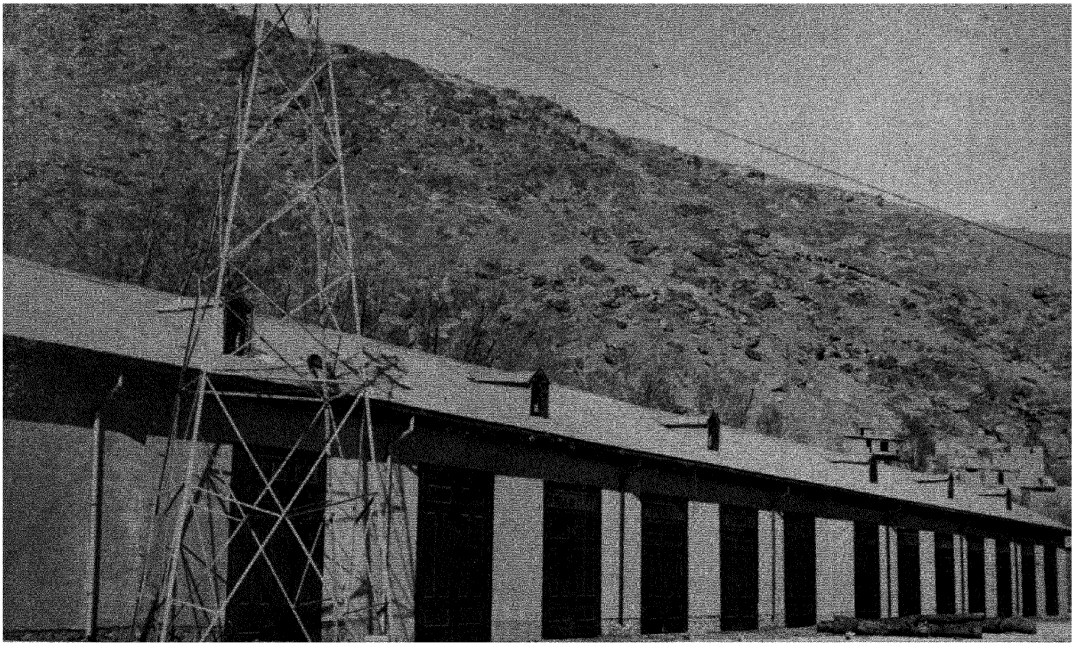

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : منظرهٔ عمومی گاراژها

Nouvelle fabrique de réparation d'auto . les garages

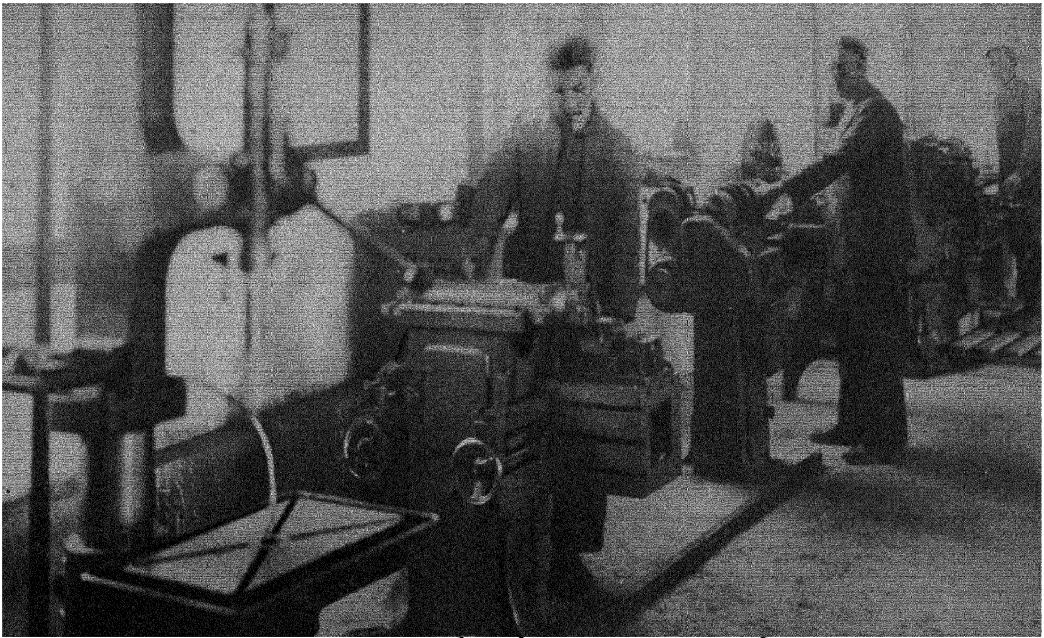

فابریکه ترمیم موتر بانك ملی : شعبهٔ ماشینکاری باماشین های برقی اتوماتیك

Nouvelle fabrique de réparation d'auto dépendant de la Banque Nationale
une vue des machines automatiques



فابریکهٔ جدید ترمیم موتر بانك ملی : میدان مقابل کار گا های ترمیم موتر
Nouvelle fabrique de réparation d'auto : la cour des ateliers

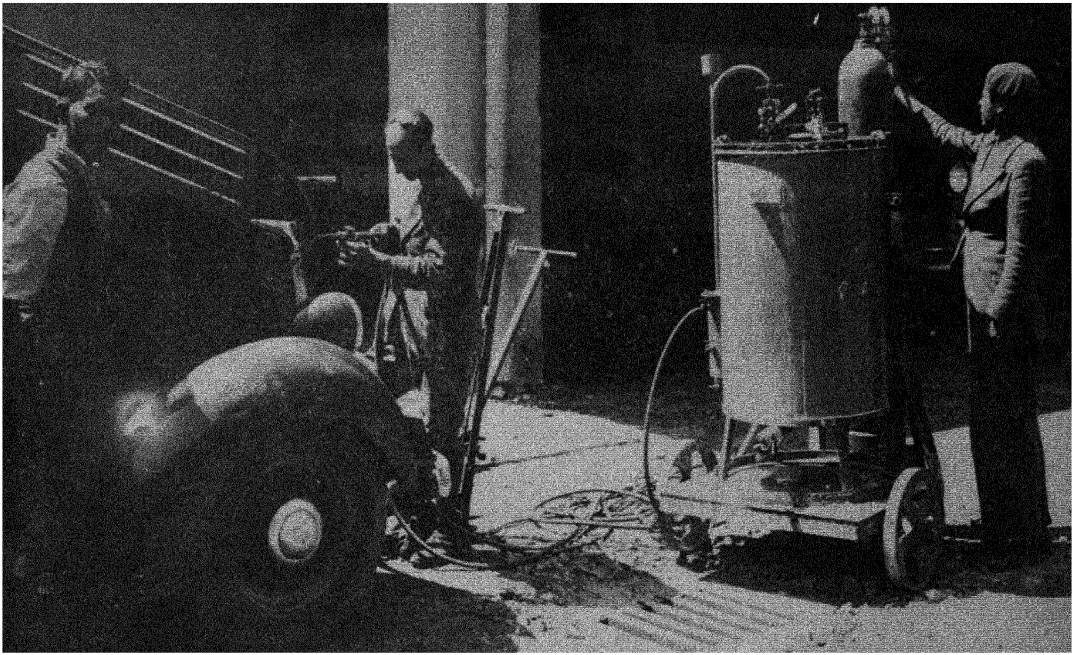

فابریکهٔ ترمیم موتر بایك ملی : ماشین ولدنگ (لیه کاری)
Nouvelle fabrique de reparation d'auto , la machine de wilding

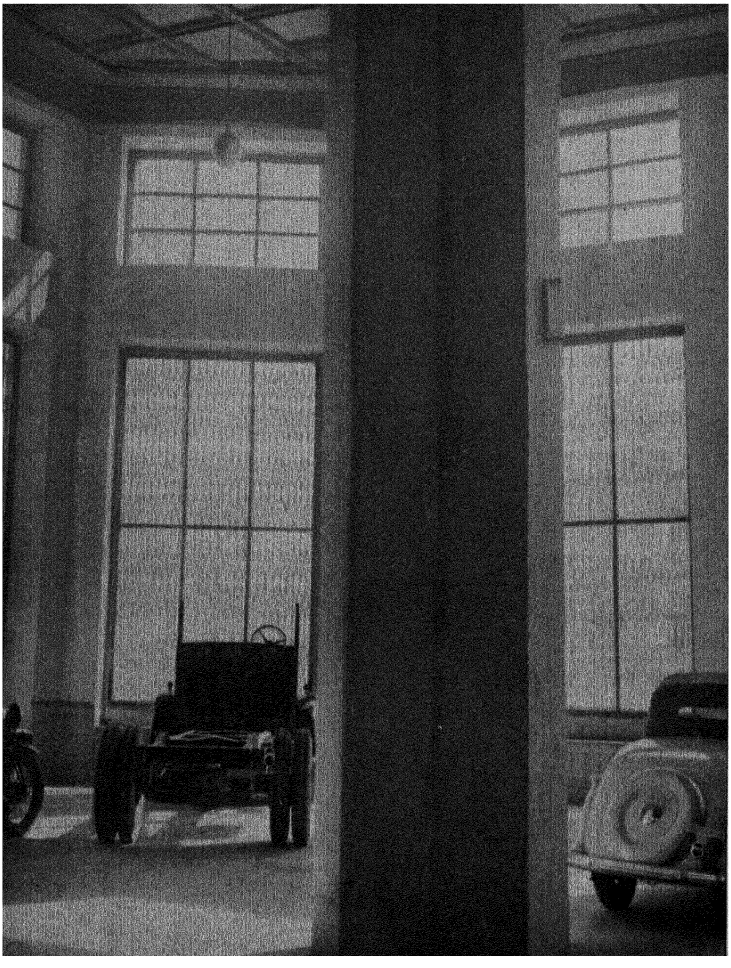

فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی : یك حصهٔ اطاق نمایش

Nouvelle fabrique de réparation d'auto, un coin de la salle d'exposition

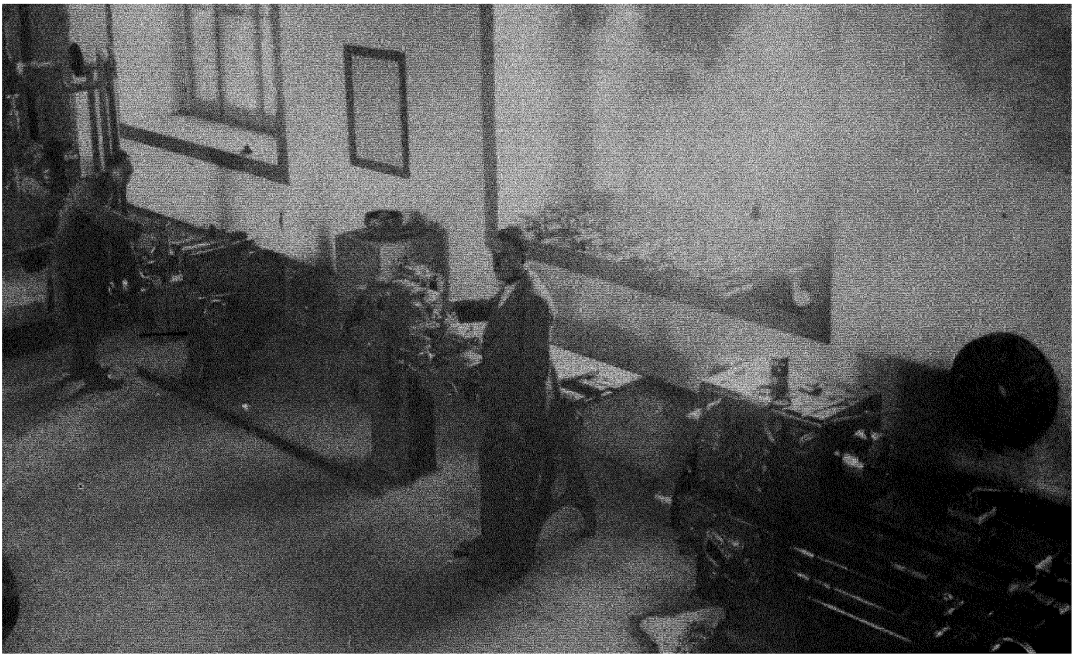

فابریکهٔ جدید ترمیم موتر مالك ملی ، شعبهٔ ماشینکاری ، مایین دستگاه ماشین های بزرگ آن
Nouvelle fabrique de reparation d'auto · une vue des machines automatiques

ص ، عزیزالله خان درجلال آباد ص ، محمد عثمان خان درغزنی
« ، پاینده محمدخان درخان آباد « ، غلام رسول خان درگردیز
« ، عطامحمد خان درمقر

د : مدیران بانك درخارج :

ص ، محمد یعقوب خان در لندن ع ، خان محمد خان در پشاور
« ، صلاح الدین خان درچمن ص ، عبد الرؤف خان در برلن
« ، سیدعبدالوهاب خان درکشکی « ، محمد عثمان خان در پاراچنار
« ، عبدالحسین خان علی اوف « ، رحیم آقای احمدی درکرکی
در ترمز

بیلانس سال ۱۳۱۵ بانك ملی

اصل سرمایه : ۳۵،۰۰۰ سهم فی سهم - یکهزار افغانی
» - ۳۵،۰۰۰،۰۰۰ »

اول : - اسهام

الف : اسهام فروش شده /۲۷،۳۹۰،۰۰۰ - »
ب : « نا فروش /۷،۶۱۰،۰۰۰ - »
جمله /۳۵،۰۰۰،۰۰۰ - »

دوم فروض :

الف : حساب جاری ۸۹ ونیم/۹،۸۱۲،۵۹۴ - »
ب : امانات ۰/۲۳/۴،۴۶۵،۶۲۹ - »
ج : طلبات متفرقه ۰/۶۰۵/۶۶،۴۴۷،۵۵۶ - »
جمله ۷۷ ونیم /۸۰،۷۲۵،۷۸۰ - »

سوم :

الف : شعبهٔ تجارتی و کمیسه ۲ونیم/۷۷،۸۹٤،۸۹۹ ـ افغانی

ب : « انحصار وشکر وموتر ۵ونیم/۷،۱٤۱،۳۸۷ ـ «

جمله ۸۵ونیم/۱٦۵،۷٦۲،۰٦٦ ـ «

از بابت تقلشد اسهام ۰/۳۵،۰۰۰،۰۰۰ ـ «

« منافع خالص ۸۹/۱۹،۲۸۸،۲٤۵ ـ «

جمله ۷٤ونیم/۲۲۰،۰۵۰،۳۱۲ ـ «

موجود و جایداد :

الف : موجود :ـ

۱ ـ بانك ملی ۷۷/۵۸،۷۸۰،۲۰۲ ـ «

۲ ـ تجارتی و کمیسه ۷۵/۸۸،۰۰۱،۰۹۱۷ ـ «

۳ ـ انحصار شکر و موتر ۹٤/۸،۲۹۲،۵۹۰ ـ «

جمله ٤٦/۱۵۵،۰۷٤،۷۱۱ ـ «

ب : جایداد :ـ

۱ ـ بانك ملی ۸۸ونیم/۵۳،٤۳۳،۰٦۱ ـ «

۲ ـ تجارتی و کمیسه ۱ونیم/۲،۷٤٤،۵۷۱ ـ «

۲ ـ انحصار شکر و موتر ۳۸ونیم/۱،۱۸۷،۹٦۸ ـ «

جمله ۲۸ونیم/۵۷،۳٦۵،٦۰۱ ـ «

جمله ۷٤ونیم/۲۱۲،٤٤۰،۳۱۲ ـ «

ج : اسهام نا فروش /۷،٦۱۰،۰۰۰ ـ «

جمله ۷٤ونیم/۲۲۰،۰۵۰،۳۱۲ ـ «

منافع و ضرر :

الف : منافع :-

۱ - بانك ملی	۷۰۷۵۳۰۰۱۲/٦٦	- افغانی
۲ - تجارتی و کمیسه	۹۲ونیم/۱۳۰۹٤٥۰٤٦٤	- «
۳ - انحصار شکر و موتر	۲۰۷۱۸۰٦٤۱/٤	- «
جمله	۶۲ونیم/۲٤۰٤۲۷۰۱۱۸	- «

ب : ضرر :

۱ - بانك ملی	۳۰٦٥٥۰٥۲۸/۷۸	- «
۲ - تجارتی و کمیسه	۱۸ونیم/۱۰۰۹۳۰۸۷٥	- «
۳ - انحصار شکر وموتر	۳۷۹۰٤٦۸/۷۷	- «
جمله	۷۳ونیم/٥۰۱۳۸۰۸۷۲	- «

ج : باقی مفاد خالص :-

۱ - بحساب ارباب سهم	۱۹۰۰۹٥۰۳٦۳/٤٤	- «
۲ - « فیصد یك بیمه	۱۹۲۰۸۸۲/٤٥	- «
جمله	۱۹۰۲۸۸۰۲٤٥/۸۹/۰	- «
«	۶۲ونیم/۲٤۰٤۲۷۰۱۱۸	- «

نوت : منافع که از درك سرمایهٔ بانك ملی در شرکت شمالی عاید خواهد شد چون بیلانس شرکت مذکور هنوز تمام نشده لذا شامل بیلانس هذا نشده، که آنهم بمنافع سال مذکور ایزاد می شد .

شرکت اتحادیهٔ شمالی

۱ - درمزار شریف بچهارموضع : مرکزمزار ، تاشقرغان ، اقچه ودولت آباد ودرخان آباد به سه حصه : قندوز ، تالقان ،امام صاحب کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی تاسیس یافته که کارخانه های

مذکور بصورت فنی با گدام های وسیع ساخته وتکمیل شده .

۲ـ بحصهٔ خان آباد موضع کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی و روغن کشی تاسیس یافته وکارخانه های مذکور بصورت فنی آباد گردیده وکارتعمیر آن باتمام رسیده وکار آن جاری است .

الف : درحکومت قندوز .

۱ـ کارخانه روغن کشی وصابون سازی .

۲ـ « پخته پاك کنی وعدل بندی .

ب : درتالقان کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی .

ج : درحضرت امام صاحب کارخانه پخته پاك کنی وعدل بندی .

۳ـ درسال ۱۳۱۶ ازسمت شمال بیست وپنج لك سیر پخته خریداری وبصورت فنی باربندی بخارج صادر شده .

٤ـ پشم هم یك مقدارزیادی خریداری ودرپنج حصهٔ ولایت شمال بصورت فنی شسته وعدل بندی گردیده وحل خارج شده ونسبت بسال ۱۳۱۵ پنجصد تن پشم زیادترصادر گردیده مواضع گدام پشم وشستن وعدل بندی آن قرار ذیل است :

خیرآباد میمنه ـ اندخوی ـ سرپل مزارشریف ـ پل امام بکری مزار شریف ـ خان آباد .

۵ـ شرکت شمالی پنجاه ، عدد موترلاری برای سهولت حمل ونقل پخته وسامان زاهود وغیره ازروسیه خریداری کرده وهمچنین یکتعداد تراکتورهای زیاد برای کارخانهٔ پخته خریداری وتورید نموده .

٦ـ چهار عدد تانك پطرول درمواضع ذیل نصب ودرمواضع مذکور عمارات عصری نیزساخته :

درچهار سرك مزارشریف ـ در بابا قمبرمزار شریف درخان آباد ـ در اندخوی .

۷- برای بذر سال ۱۳۱۶ سه لك وسی هزار سیر تخم پنبه به زارعین سمت شمال طور رایگان توزیع شده .

۸- یك مقدار کنجد خریداری وبخارج صادر گردیده .

۹- یك تعداد پول نقد طور تقاوی برای زارعین پخته کی داده شده .

۱۰- یك تعداد پوست گوسفندی خریداری وبخارج صادر گردیده .

شرکت وطن

شرکت وطن که یکی از موسسات اقتصادی خیلی مهم افغانستان وشرکت وطن از دوسال باینطرف در قندهار برای صادرات پشم وواردات بعضی اجناس رخت باب تاسیس یافته روز بروز ترقیات بهتری را نائل میگردد .

خلاصه کار روائی ها وموفقیات شرکت موصوف درسال ۱۳۱۶ قرار ذیل است .

۱- شرکت وطن که در سال ۱۳۱۵ تاسیس وشروع بکار نموده بود دربرج سرطان هذا سنه ۱۳۱۶ که یکسال آن بسر رسیده وبیلانس آن مرتب گردیده فایدهٔ یکسالهٔ شرکت دریك سهم که یکهزار افغانی شود- ٤٤ پول ۵۸۰- افغانی معین شده از انجمله ده یکه را برای تلافی خسارهٔ آینده گشتانده شدو مابقی برای صاحبان اسهام پرداخته شد .

۲- یك عدد تراکتور برای پاك کردن پنبه خریداری و به چغانسور وارد کرده شده که عنقریب دائر خواهد شد .

۳- نسبت بوسعت کاراین شرکت یك نماینده گی جدید درکابل تاسیس گردیده است .

٤ ـ یك عمارت برای پنبه پاکی وشست وشو (و سرت) پشم درمرکز قندهار تحت تعمیر گرفته شده است .

شرکت پشتون قندهار

درین سال شرکت پښتون قندهار مانند سایر موسسه های ملی بسی مراحل ارتقای خود را طی نموده و در پرتو توجهات یگانهٔ حکومت بهی خواه خویش واجد ترقیات و انتظامات مناسبی گردیده است ، چنانچه در تولید اموال انحصاری (شکر و پطرول) و فروش آنها براهالی سهولت کافی بهم رسانیده و اصول صادراتی را نیز چون باصول عصری مرتب کرده است به پیمانهٔ کافی اضافه برگذشته خارج بعائدات گمرکی کك نموده همچنین نظر بوسعت کار و ورود موسسات جدیده و لوازم محتاج الیه که درهمین سنه بعمل آمده پیشرفت شایانی در کارهای شرکت بهم رسیده که تفصیل آن قرار ذیل است :

موسسات جدیده :

۱ ـ نظر به ترویج و توسعهٔ اموال صادراتی افتتاح یك نمایندگی جدید در دهلی .

۲ ـ نظر بهترویج وتوسعهٔ اموال صادراتی افتتاح یك نمایندگی جدید در کلکته .

۳ ـ یك شعبهٔ جدید تقلیه تاسیس شده که بوسیلهٔ یك دسته موترهای بارکشی همان شکر یکه از کراچی براه پشاور رفته مصرف کابل و ملحقات آن میگردید اکنون همان شکر را در یك مسافهٔ محدود بداخل خاك افغانی حمل نموده بکابل میرساند یعنی شکر بورهٔ مذکور که از کراچی تا پشاور یك مسافهٔ طولانی را قطع نموده با مخارج گزاف قطار آهن بکابل میرسید حالا از راه

نزدیکتر و با مخارج کمتر داخل مملکت شده همان فائده که از این رهگذر بخارج عاید میشد در داخل مملکت باقی می ماند .

٤ ـ علاوه بر یك فابریکهٔ یخ سازی که شرکت درسنوات گذشته بکار انداخته‌بود درین سال یك فابریکهٔ جدید بزرگ دیگری‌را خریده و عنقریب وارد و نصب خواهد کرد تا در موسم گرمای سنه ۱۳۱۷ از فابریکهٔ مذکور کار گرفته برفاه اهالی بیفزاید .

٥ ـ خریداری یك ماشین اره کشی برای ساختمان صندوق جهت حفظ میوه و غیره کارهای نجاری تعلق شرکت و اهالی .

٦ ـ خدمت به عایدات گمرکی :

محصولاتیکه شرکت درسنه ۱۳۱٦ ـ اردوران (۲۰۰۰۰۰۰۰) سرمایه خود از روی یقین و تخمین بگمرك تادیه کرده عبارت از (۱۰۱٦۸۲۰۳/٥٤) افغانی بوده و تفاوت ازدیاد محصول دادگی سال مذکور به نسبت محصول دادگی سنهٔ گذشته ۱۳۱٥ عبارت از (۳۰۰۰۰۹٤/٥٤) افغانی میشود .

۱ ـ شرکت بشتون در باب صادرات میوه مطابق ترتیبات فنی اقدامات خود را ادامه داده اصول قطی بست و صندوق بست را بصورت صحی و فنی خیلی ترقی داده یعنی مقدار بیشتری به نسبت سالهای گذشته میوه در قطی و صندوق صادر کرده است .

۲ ـ صادرات میوه هم درین سال طبق احصائیهٔ مرتبه بسیار ترقی کرده چنانچه اگر با صادرات سال ۱۳۱۳ که بدو تاسیس شرکت بلشد ، مقایسه کرده شود درست صد فیصد بلند رفته و بقیمت مناسبی بفروش رسیده است .

معلومات کار روائی یکساله شرکت اتحادیهٔ هرات تا اختتام ترتیب و طبع مضامین سالنامه با نجمن نرسید .

نامهای تازه

چون درین اوقات اکثر اشخاص به نامهای زیبای پښتو تمایل نشان‌میدهند ، لهذا محض خدمت بذوق هموطنان عزیز ، یك‌عده نامهای مردانه وزنانهٔ پشتورا که آقایان فیام‌الدینخان « خادم » وگل‌پاچاخان « الفت » و عبدالخالق خان « اخلاص » و محمد گل خان « نوری » اعضای انجمن فراهم کرده اند ذیلا تقدیم مینمائیم :

مردانه		زنانه	
گلان	منګل	تا ټکه	ګلالی
لښکر	لاچی	پلو داره	زرکه
خاټول	روزی خان	ښاده	وری
لونګین	کښلی	ور ږمینه	واکداره
غمی	زمری	غوټی	نازولی
کجر	ګرانی	ګل غوټی	ښاد منه
پښتون	زکوم	مرغلره	تور پیکی
ګرندی	ګرنګ	زرغونه	سپوژمی
وزر	کولی	مړه	رنا
مروند	خنګ	درانی	خاټوله
مین	ساون	ګل مکو	وزر
خیالور	چاو	ګل مکی	سینه
ننګیالی	لندی	بدری	بریښنا
تور جان	بګړ	ملاله	یسته
سپین	ګاکړ	کوتره	ښایسته

مردانه		زنانه	
گران	کنار گه	ماخی	مستانه
غاتول	ریدی	نیك مرغه	لره
زلمی	منه کی	گوره	خوژه
منوك	ملك	پستکی	پستو
خمت	زرغون	لمبه	بله نسته
پرانتون	کجل	کبلی	بسه
نور گل	چندن	لالی	کوکی
ژیر گل	سور گل	میرمن	در خو
اختر	جدر	مشکونده	بنگری
پرانگ	ببرك	اشربی	رنه
غلجی	اور بل	اوژه	شغله
تور یالی	بر یالی	پیلوشه	پیلوزه
زمر گی	بنایسته گل	سانگه	دیوه
لیوال	پتن	لبته	لبتی
ساهو	زمر یالی	لونگینه	زمر گی
مل	رمرور		

مردانه		
ستوری	دروند	مروند
پازه	بهای	پښتون
غرنی	زلاند	غښتلی
کسیا	ویسا	تنا

یادداشت‌های سودمند

پاك نمودن کارت های بازی

ورق های بازی که در اثر استعمال چرك شده باشد ودستمالی که درتیل خاك غوطه شود پاك کرده شود بروی آن علیحده مالیده شود و برای اینکه جلا پیدا کنند تلك (پودر) بران پاشیده شود .

پاك کردن قالین

قالین ها برای اینکه مدت درازی خراب نشده و تاب پیدا نکند همیشه لوله کرده بر داشته شود تاب های قالین او باید ترکرده شود و بعد ازان از روی چپه ا تو کشیده شود و بر وی چپهٔ آن (کنار لو) دوخته شود .

گم کردن موشها

در جائیکه گمان میرود موش باشد دستمالهائیکه در تار پین غوطه شده باشد گذاشته شود موشها ازبوی تارپین خیلی نفرت دارند .

تجربهٔ شیر

یکدانه سوزن در شیر فرو برده شود اگر شیر خوب باشد سوزن را سفید مینماید اگر سفید نشد آب داشته میباشد .

تخم های بد بوی

تخم شکستانده گی را چند ساعت و یا یك شب در هوای آزاد بگذارند بوی بدآن گم میشود تخم یخ زده گی در آب تازه چند ساعت گذاشته شود تا پس خوب شود .

پخت و پز

فاصولیه

گوشت ۱۲ خورد ـ روغن زرد ٤ خورد ـ فاصولیه ۱۱ خورد دنبه ۳ خورد ـ بادینجان رومی ۱۲ خورد ـ پیاز ٤ خورد ـ نمك ٦ مثقال ـ مرچ سرخ تازه بقدر کفاف ـ گشنیز رومی ۸ مثقال شور بای یخنی ۱۲ خورد .

اول روغن‌را داغ کرده بعد دنبه را ریزه کرده بروغن انداخته بهمراه قدری نمك بعد که دنبه سرخ شد گوشت‌را شسته انداخته شود گوشت که آب خود را خشك کرد پیاز را جهار جهار تکه کرده انداخته شود و شور بدهد تا که همراه گوشت برنگ بادامی شود بعد آب‌را بقدر ضرورت انداخته شور بدهد که گوشت کمی نرم شود بعد نصف بادینجان رومی‌را کشیده بهمرای شوربای یخنی جوش داده و فاصولیه بالای همان گوشت که بدیگ انداخته و شور بای یخنی وآب بادینجان رومی‌را که یکجا جوش داده بالای آن انداخته شود و جوش داده شود تا وقمی که آب آن کم شود بعد گشنیز رومی و مرچ تازه را خلال کرده بیندازد بعد نصف بادینجان رومی را که باقیمانده دو دو تکه کرده بالای آن چیده و بسر آتش نرم گذاشته تا وقتیکه بروغن بیاید و پخته شود .

سلاتهٔ ترکی

کاهو ٤ دانه ـ گشنیز رومی ۲ خورد ـ بادینجان رومی تازه ٦ خورد

آب لیمو ویا نارنج وسرکه باندازهٔ خواهش ـ بیضهٔ جوش داده ٥ دانه نمك و مرچ سرخ بقدر خواهش .

کاهو را برگ کرده ریزه نماید گشنیز را هم شسته چیده ریزه کرده نوش پیاز را هم ریزه نموده همراه کاهو در ظرفی که بمجلس میبرند مخلوط کشیده بادینجان رومی و بیضهٔ جوش دادهرا حلقه کرده بر روی آن آرایش بدهد آب لیمو یا سرکه را نمك و مرچ زده برروی‌ظرف بپاشید بعد ازان طعام مذکور مکمل وقابل‌خوردن است .

سمبوسهٔ شیرین

آرد ترمیدهٔ دهلی ٨ خورد ـ قند سفید ٨ خورد بادام مقشرمیده ٤ خورد ـ آرد نخود ٢ خورد هیل میده نیم مثقال دار چینی میده بقدر ضرورت .

اول آرد ترمیده را خمیر سخت ، قند را شربت تیار کنند آرد نخود رادرآب حل کرده در روغن سرخ شود ازلتهآرد بریان را علیحده کنند وهمراه هیل میده وبادام میده مخلوط کنند بعداز آردترمیده قرص ها تیارکرده درشکم اوهیل وبادام وآرد نخودبیندازد وقرص ها را در روغن سرخ کرده درشربت قند بیندازد لایق خوردن است .

قورمهٔ روی نان

گوشت ٢٤ خورد ـ روغن زرد ٤ خورد ـ پیازحلقه کرده٤ خورد نمك باندازهٔ کفاف ـ مرچ سرخ بقدر خواهش ـ سیر ٤ مثقال

اول روغن راسرخ کرده پیاز رابریان‌کرده وکشیده ماشین‌کرده علیحده نگاه دارد روغن را سرخ کرده سیر را دران انداخته

شور داده گوشت رادربالای سیرمذکورانداخته سرخ کرده بعدازان آب انداخته جوش بدهید تا گوشت نرم شود وقتیکه بروغن آمد همان بیاز ماشین کرده را بالای گوشت انداخته سه دفعه بلکه چهار دفعه کم کم آب انداخته که بوی پیاز برآید بعدنان بقسم پارچه ریزه کرده شودبعداز گذشتن پنج دقیقه تیارمیباشدنمك وسرچ سرخ نیز داخل شود .

سبزی پالك کوفته تخمدار

ابتدا گوشت راقیمه نموده بصورت پاشان یعنی غیر کلوله کردن چون قورمه باپیاز تازه طبخ کنید بعد برگهای پالك راباچیزی گندنه ریزه نموده باقیمه خوش دهید تا آنکه آب آن جذب وسر روغن بیاید سپس درپریان ویا کرائی هموار نموده چند دانه تخم راعلاوه کنید بعداز پخته شدن سفیدی تخم بامرچ سیاه صرف شود .

حفظ الصحه

جوان ساختن فوری چهره

وسیلهٔ فوری که چهرهٔ شمارا تازه و جوان ساخته و در اولین استعمال اثرات عجیبی به آن می بخشد اینست : یك عدد تخم مرغ تازه را بگیرید سفیدی آنرا بیك اندازه درسر تاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که درحین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت بکنید بعدازان بآب شیرگرم آن را بشوئید پس ازشستن یك کاسه آب چوشان گرفته وباد ستمال دست درشتی ٤ الی ٥ مراتبه تکرگرم برچهره بگذارید مدت هرتکرنیم دقیقه باشد پیاپی آن با آبیکه یخ داشته باشد ٤ الی ٥ مراتبه تکرسرد نمائید مدت این تکرها چهاردقیقه باشد پس ازان باد ستمال نرمی روی خودرا خشك نموده وباکریم روی خودمالش دهید این عمل را مدت

حفظ الصحه

جوان ساختن فوری چهره

وسیلهٔ فوری که چهرهٔ شمارا تازه و جوان ساخته و در اواین استعمال اثرات عجیبی به ان می بخشد اینست : یك عدد تخم مرغ تازه را بگیرید سفیدی آنرا بیك اندازه درسر تاسر صورت خود بمالید ده دقیقه همان طور بگذارید اما لازم است که درحین اجرای این عمل پوست روی بیجای حرکت نکند بعدازان بآب شیرگرم آن را بشوئید پس ازشستن یك کاسه آب جوشان گرفته وباد ستمال دست درشتی ٤ الی٥ مراتبه تکر گرم برچهره بگذارید مدت هرتکرنیم دقیقه باشد پیاپی آن با آبیکه یخ داشته باشد٤ الی٥ مراتبه تکر سرد نمائید مدت این تکرها چهاردقیقه باشد پس ازان بادستمال نرمی روی خودرا خشك نموده وبا کریم روی خـوبی مالش دهید این عمل را مـدت چهارده روز تکرار نمائید و اگر احتیاج افتد از سرشروع کنید.

تقویت چشم

یك وسیلهٔ بسیار مفیدی برای تقویت و محافظت چشم اینست که انسان عادت بگیرد باینکه روز چند مراتبه ابروها و شقیقه ها را با آب سرد تر نماید این علاج ساده چشم را از فشار خون که اساس مرضهای متعددهٔ چشم است حفظ مینماید و اعصاب آن را قوی میسازد خصوصاً برای اشخاصیکه چشم شان مجبور است فعالیت

مشکلی بعمل آرد به تجربه رسیده که این بهترین وسیلهٔ محافظت چشم است .

علاج افتیدن چین روی

قبل ازخواب چهره بآب سرد شسته شده و بعد ازان از دوای ذیل کافی بصورت مالیده شود ـ ۲۵ گرام موم سفید ۲۵ گرام روغن زنبق با قدری عسل جوشانده و با آب پیاز که دران مخلوط شود آنقدر بالای شعلهٔ ملائم زیرو سر شود تا به قیام آید . صبح چهره با دستمال نرمی پاك کرده شود .

تب های سبك

برای تب های سبك وخصوصاً سرما خوردگی اطفال پلههای لیمو که با لای شقیقه ها گذاشته شود تا سیر بزرگی می بخشد و مریض را راحت میسازد کنین و از قبیل وی دیگر ادویه جات حاجت ندا رند .

ناخنهای گلابی و قشنگ

برس کردن کافی با آب لیمو ناخنها را قشنگ و گلابی می سازد .

خار ماهی

پیاوهٔ سخت کچالو و یا مغز نان نرم که بدون جویدن فرو برده شود خار ماهی را از گلون می کشد .

علاج آفتاب سوختاندگی

اگر پوست بدن را آفتاب سوختا نده باشد با دوغ شسته و بالاتولین مالش کرده شود .

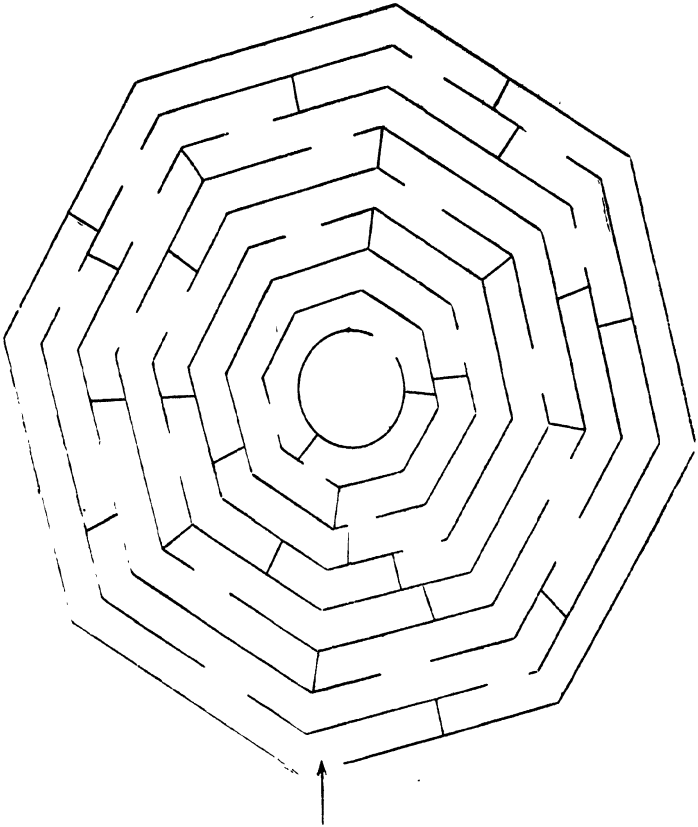

نقشهٔ یکی از قلعه های زمان قدیم است که بمهارت هندسی جالب توجهی ساخته شده ـ سعی بفرمائیدتا ازدرب بزرگ به مرکزقلعه برسید بدون آنکه از دیوار ها عبور کرده باشید . اگردرد فعهٔ اول کامیاب نشدید باردوم وسوم کوشش کنید بالاخره موفق خواهید شد ـ سپس ز کاوت دوستان خود را امتحان فرمائید .

اختراعات و اکتشافات

نفت از چوب

در المان از چوب نفتی کشیده اند که با اندك ترکیبات کیمیاوی شرایط نفت عادی را دارا میشود. متخصصینیکه باین کشف موفق

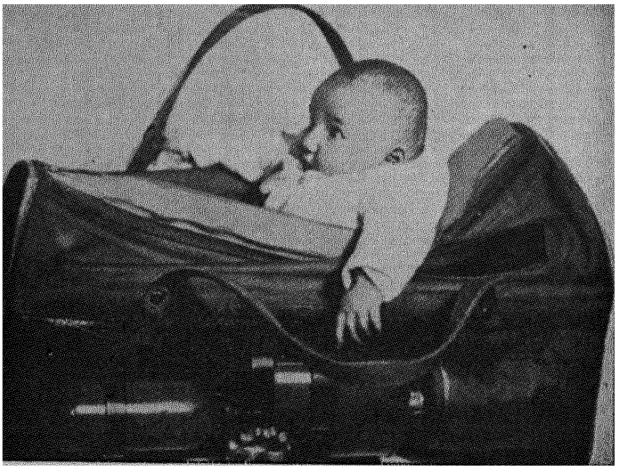

صندوقچهٔ مخصوص که در آن اطفال کوچك را درموقع خطر غاز زهردار حفظ میکنند.

شده اند، خاصیت در گرفتن سریع و دوام دار بعضی چوبها و اینکه ازچوب الکل نیز کشیده میشود درنظر گرفته بالاخره به اختراع مذکور کامیاب گردیده اند - این نفت بمراتب ارزان تر از نفت اصلی بوده، پیدا وار آن نیز زیاد میباشد. حکومت المان درضمن نقشهٔ اکتفاء بخود درقسمت نفت‌های مصنوعی که تازه بدست آمده این نفت را اهمیت زیاد داده است.

معالجات بدربعهٔ امواج رادیو

امواج رادیو که جدیداً برای معالجات استخدام شده، جان کامیابی هائی رانه تنها درقسمت تشخیص و تداوی بلکه درحصهٔ جراحی نمیان اورده که انسان را دوچارحیرت میسازد. متخصصین امریکائی

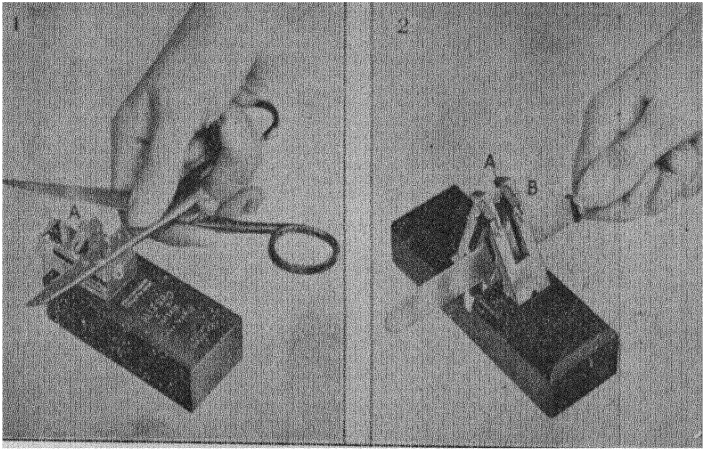

ماشین های تیز کاری حدید که بمشار خود فیحی یا پاکی بدون دسته با قوهٔ برق بگردش می افتد

موفق شده اند که عملیات جراحی بسیار دقیق و مهم داخلی و خود را بوسیلهٔ امواج رادیو بدون آنکه خود آلات جراحی به جسم تماس بکند، انجام بدهند، مثلاً درموقع عملیات قلب و یا جراحی عدد های شش، آله در تحت تاثیر امواج رادیو در موقعیکه آلهٔ رادیو گرا ق

داخل جسم را بنظر مکشوف ساخته است ، در هوا مقابل پوست همان حصه بمقصد جراحی حرکت کرده و درعین زمان بواسطهٔ امواج رادیو همان حرکات آلات مذکوره بداخل بدن بهمان حصهٔ معینه وارد وعملیات را انجام داده است . این تجارب تا کنون امتحانی است ، امابقین میرود که درآینده خدمات فوق العادهٔ ازآن گرفته خواهد شد .

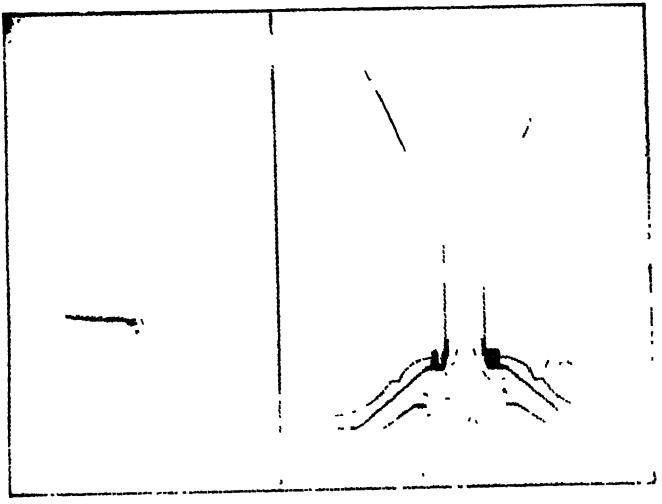

چراغ برقی جدید که علاوه بر روسنی اطاق را هم گرم میسازد یعنی حرارتی را که ازان متصاعد میشود واپس جمع میکند.

امواج برقی دماغ

تحقیقاتی که علمای انگلیسی ماتیور و میلن نست به مغز سرانسان انجام داده اند ، ظاهر کرده است که مغز در حال کار ، از خود یك عده امواجی را خارج میسازد که این امواج برقی" بوده و شباهت

کلی باسائر امواج رادیو دارد . پس از اینقرار علمای مد کو عقیده داردکه میتوان امواج برقی دماغ انسان راتوسطهٔ آلات مخصوصه

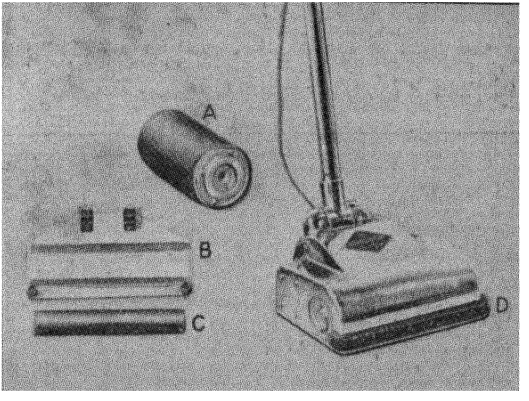

آلهٔ اتو کردن وپس که خود رطوبت داده سپس قات های قالین و غیره‌را گم میکنند.

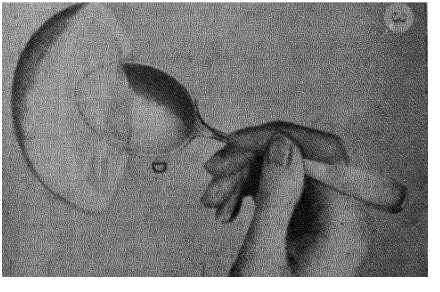

قاشق دندانه دار برای حالی کردن میان لیمو و ناریج و غیره

زیر تاثیر گرفت تا شخصی طوریکه اداره کنندهٔ آلهٔ مذکورحواسه‌باشد فکر کند و یا کم ازکم از فکر خود مانع کرده شود . تا کنون علمای مزبور به ثبت کردن امواج دماغ انسان بر روی صفحات مخصوصی موفق شده اند.

سالنمای ۱۳۱۷

۱۳۱۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
حمل	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۰
	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
	۰	۰	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷
	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
ثور	۲	۱					
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
بسبب مولود شریف خصی عام در ۲۳ ثور یکروز	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
							۳۱
جوزا	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
بسبب جشن استقلال از ۶ جوزا خصی عام یکهفته	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
			۳۲	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸
سرطان	۲	۱					
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
							۳۱
اسد	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷
	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴
	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱
				۳۱	۳۰	۲۹	۲۸
سنبله	۳	۲	۱				
بسبب تأسیس [illegible] در ۱۸ سنبله خصی عام یکروز	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸
	۳۱	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵

۱۳۱۷	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
میزان	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
ولادت [illegible] حضرت محمد طاهر شاه در ۲۲ میزان ۱۲۹۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
بسبب [illegible] در ۲۳ میزان خصی عام یکروز	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
						۳۰	۲۹
عقرب	۵	۴	۳	۲	۱		
بسبب اول رمضان المبارک در ۲ عقرب خصی عام یکروز	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
جلوس میمنت مأنوس حضرت محمد طاهر شاه خلد الله ملکه در ۱۶ عقرب ۱۲۱۲	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
				۳۰	۲۹	۲۸	۲۷
قوس	۳	۲	۱				
بسبب عید سعید فطر خصی عام سه روز از ۶ الی [illegible]	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴
	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱
	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸
			۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵
جدی	۲	۱					
	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳
	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰
	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷
	۳۰	۲۹	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴
دلو	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
بسبب عید اضحی خصی عام چهار روز شب [illegible]	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸
	۲۱	۲۰	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵
	۲۸	۲۷	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲
						۳۰	۲۹
حوت	۵	۴	۳	۲	۱		
بسبب [illegible] خصی عام یکروز	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶
	۱۹	۱۸	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۳
	۲۶	۲۵	۲۴	۲۳	۲۲	۲۱	۲۰
				۳۰	۲۹	۲۸	۲۷

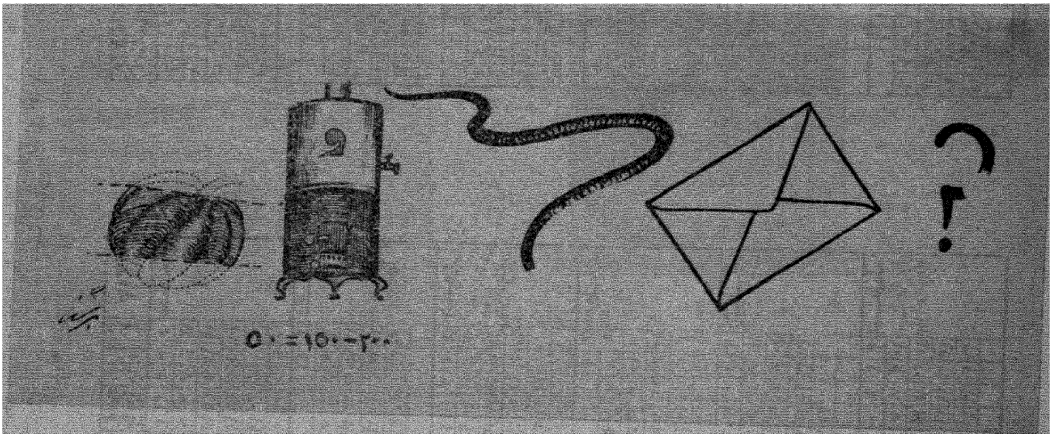

معمای منقوش برای تفریح وطبع آزمائی خوانندگان سالنامه

غلطنامهٔ سالنامهٔ کابل

۱۳۱۶

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۲	۳	د اضبا	اضبا
۲۱	٤	احمد شیرخان	احمد سیر خان
»	۱۲	مدیریت مکتب موزیك مربوط احضاریه نه بلکه مربوط قوماندانی مکاتب حربیه است	
»	۱۳	مدیریت کورس عالی سهواً تحت عنوان قوماندانی مکتب	حربیه آمده .
۸۱	٥	توزیع	راجع به توزیع
۸٥	۱٤	کسب	بست
۸٥	۱۸	هیئت تدقیق ومعاینهٔ سهواً تحت ریاست لوازمات آمده	هیئت مذکور تعلق ریاست حربی دارد
۸۸	۲۰	افغانی	افغامی
۹۷	۱٦	سالتمام	سال به تمام
۱۰۰	۲۱	را بایستی	که بایستی
۱۰٦	٦	آنی	آتی
»	۸	معتنای برای آن	معتنای
۱۰۷	۸	معتنایی	معتنابهای
۱۱۹	۱٤	اسپین پولدك	اسپین پولدك

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱۳۰	۲	سار	کار
۱۳۲	۱۹	امراض و مهلکه	امراض مهلکه
۱۵۸	۳	معاهداتها	معاهدات
۱۷۲	۱۹	درل	دول
۱۸٤	۲	مستعراتی	مستعمراتی
۱۸۵	۱۲	قضیایا	قضایا
۱۸٦	۱	بادویی	بالدوین
۲۱۱	۱	عضو	مدیر
۲۱۵	۱۹	تجملاً	یحتملاً
۲۱۷	۱٤	منبسط	منبت
۱۱۸	۱۱	مکلوب	مطلوب
۲۱۹	۲۲	Sumr	Sumer
۲۲۳	۱٦	ارائه و ضمنا	ضمنا ارائه
۲۲۵	۲	کردیم	کرد
۲۲٦	۵	« پلنگ ها »	(پلنگ)
۲۲۷	۱۷	البته	البسه
۲٤۵	۲۰	دردولای	درولای
۲٦٦	۱۱	خلور	خلو ر و
۲٦۷	۱٤	خایونی	خایونه
۲٦۸	۱۳	زای	خای یی
۲٦۹	۲۳	خلور لسمه	خور لسمه

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۲۷۲	۱۲	انطاظ	الفاظ
۲۷۵	۲	وراست وال	استاری
۲۷۶	۲۳	یانور کسان	یادنوروکسانونومونه
۲۷۹	۱۰	سوی دی	سوی‌وی
۲۸۲	۸	کریدلی	کریده
۲۸۳	٤	لیکلی دی	ایکلی ده
۲۸۹	۱۳	خوزیه	خور وینه
۳۰۲	۱۲	سکوکیات	مسکوکات
۳۰۳	۱٤	ieh	Vieh
۳۰۷	۱۰	صنتی	صنعتی
۳۰۸	٥	Léotmant	Lénormant
	۲۰	وادیك	داویك
۳۱۹	۳	شاهی	شامی
	۹	هرمالوس	هرمایوس
۳۲۱	۳	دمترلوس	دمتریوس
۳۲۳	۱٦	Posridon	Poseidon
۳۲۳	۱۰	Heiokles	Heliokles
۳۲۵	۸	میاندارس	میاندرس
»	۲۰	Iermaias	Hermaios
»	۲۰		
۳۳۰	۸	Uonônès	Vonones

صفحه	سطر	غلط	صحیح
۳۳۱	۳	Gondopharnps	Gonqopdanes
۳۳۷	۳	لووشانی‌ها	کوشانی ها
۳۳۹	۵	a onianto oeva	Samanta-deva
۳۳۹	۱۰	(بهی و)	(بهی)
۷٤۰	۷	Chudavayaka	Khndavayaka
»	»	خود اوایا کا	خود او ایا کا
۳٤٦	۱۷	بسزا دارد	بسزا داشت
۳۵۷	۲۲	چکمن	چکمن یك
۳٦٦	۹	میگویند که	میگویند
۳۹۳	۹	آج	انلاج
٤۰۲	۱۳	نسبت	نسبتاً
٤۱۰	۱۷	استلاك	استهلاك
٤۱۰	۱۸	ژنها	ثاتها
٤۱۱	٤	غریزی	عزیزی
٤۳۰	۷	کوهدان	کوهدامن
٤۷۷	۱	مجزع	مجموع
٤۸۵	۹	تفصیل البتهٔ آن	تفصیل آن البته
٤۹۲	۱۸	سنگلاخهای	سنگلاخها
٤۹۷	۸	یکر خادمان	دیگر خادمان
۵۰۱	۱٤	کسانی	کافی

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٥٠٦	٧	اسنعمات	استعمال
٥٧٢	١٨	تودو	توزو
٥٧٧	١٧	ننگ و تړله	ننگ می وتړله
»	٢١	یه	په
٥٧٩	٢٠	پسر	پسه
٥٨٣	»	ټلوله	ټوله
٥٨٦	١٤	وی	
٥٩١	١٥	هوا	هو
٥٩٣	٤	پښتو	پښتنو
٥٩٩	١١	وی	خوی
٦٠٠	٧	ننگا لی	ننگیالی
٦٠٦	١١	نه غواړی	څخه غواړی
» »	١٩	خپل	خیل
٦٠٩	١٨	در	د
٦١٥	٣	خو	خوی
٦١٦	١	نه لری	نه خوښوی
»	١٣	نه زرای	نه رازی
٦١٩	٢٠	نو	نور
٦٢٤	١٢	در آ زادی	د ازادی
٦٣٠	٢٠	لتون یی وړو	لتون یی و کړو

صفحه	سطر	غلط	صحیح
٦٥٦	١٩	و ج ، ع	ج ، ع
٦٥٨	١٦	نظر کـه	نظر
»	١٩	ا ز هر طبقه	هر طبقه
٦٦٣	١٧	بدینماسبت	بد ینمنا سبت
٦٦٤	١٧	دنیا شرق	دنیای شر ق

فهرست مضامین

مضمون	صفحه	نو یسنده
ششمین سالنامه	١	انجمن
پادشاه افغانستان	٤	»
افغانستان	٦	»
تشکیلات مملکتی	١٤	»
اجراء آت دوائر مملکتی	٧٩	»
اعطای نشان	١٥٠	»
مطبوعات وطنی	١٦٠	»
سفرای نو وارد	١٦١	»
کور دیپلو ماتیك مقیم کابل	»	»
گذارشات دنیا	١٦٣	جناب میر محمد صدیق جان
جغرافیات جدید درافغانستان	٢١١	« « موسیوفا کن
دسته ادبیاتو یوه کتنه	٢٢٩	بقلم جناب «زمر یالی»

فهرست مضامین

مضمون	صفحه	نویسنده
مسکوکات افغانستان	۳۰۱	بقلم جناب احمدعلیخان کهزاد
صنایع وفنون درافغانستان	۳۴۱	« احمدالله خان « کریمی
نباتات مشهور افغانستان	۴۱۳	« محمد زمان خان
نهضت اقتصادی افغانستان	۴۴۷	« « رشتیا »
مطبعه در افغانستان	۴۹۷	« « کریمی »
فابریکهٔ نختابی جبل السراج	۵۰۹	« محمدا براهیم خان
پیشرفتهای سپورتی	۵۱۹	« محمد یعقوب خان
پښتو تولنه	۵۳۱	ق تره کی
وقایع مهمهٔ داخلی	۶۴۸	« یار محمد خان
شرکتهای تجارتی	۶۷۴	
نامهای تازه	۶۹۲	
یاد داشتهای سودمند	۶۹۴	
پخت وپز	۶۹۵	
حفظ الصحه	۶۹۸	
اختراعات و اکتشافات	۷۰۰	

فهرست تصاویر

تصاویر	صفحه
اعلیحضرت همایونی	۰
« فقید شهید	۱۳
والاحضرت صدراعظم صاحب	۱۵

تصاویر — صفحه

والاحضرت وزیرصاحب حربیه ۱۷
جلالتمآب وزیر خارجه ۲٤
« « « داخله ۳۱
« « « عدلیه ۳۲
« « « تجارت ۳۳
« « « معارف ۳۷
« « « فوائد عامه ٤۰
« « « پست وتلگراف ٤٥
« « « رئیس شورای ملی ٦٤
« « رئیس مجلس اعیان ۷۰
جلالتمآب وزیر دربار ۷٥
« سرمنشی حضور ۷۷
مقرریهای مهمهٔ ۱۳۱٦-۸ ۱ قطعه ۸۰
طیارات که جدید خریداری شده ٤ قطعه ۸۱
نماینده گان افغانستان در مجالس بین المللی ۳ قطعه »
ازعمارات جدید کوتوالی کابل ۸۸
« جدیدمنظرهٔ عمومی ولایت « ۹٦
تربیهٔ خانه خرگوش ۱۰٤
سنگ گذاشتن تهداب مکتب رشدیه مزار
فارغ التحصیلان فاکولتهٔ طبی

تصاویر	صفحه
عمارت انجمن ادبی	۱۰٤
تجربه‌خانهٔ کیمیا	»
ازموسسات عرفانی مرکز ٤ قطعه	۱۱۲
ازعمارات ولایت هرات ٦ قطعه	۱۲۰
» » » ومیمنه ٤ قطعه	۱۲۸
» حکومت اعلای مشرقی و مزار ٤ قطعه	»
ماشین دینل برق ۳ قطعه	»
منظرهٔ عمومی کارخانه جات حربی کابل	»
از عمارات مشرقی ۲ قطعه	۱۳٦
» مزار شریف	»
ازموسسات جدید وزارت صحیه	»
» جدید وزارت پست ٤ قطعه	۱٤٤
سفرای نوو ارد ٤ قطعه	۱٦۰
کانفراس بروسل	»
نیون	»
کابینهٔ انگلستان	»
پذیرائی لارد هیلیفکس	»
مرحوم آقای سمعی	۱٦۷
عصمت انینو	»
جلال بایار	»
نخاس پاشا	»

تصاویر	صفحه
آغا خان	۱۷۶
کانفرانس بروسل	»
مربوط بواقعات ممالک عربی	۱۸٤
احلاس جامعهٔ ملل ۲ صفحه	»
مربوط بواقعات شوروی و شرق اقصی	»
» » انگلستان ۲ صفحه	۱۹۲
» » المان ٥ قطعه	»
» » ایطالیا ۳ قطعه	»
لودندورف	۱۹٤
فون بلومبرگ	۱۹٦
رئیس الوزرای اسپانیا	۲۰۰
جنرال کوئیپو دلانو	۲۰۱
هتلاین رئیس نازیها	۲۰٤
کنفرانس اتحاد صغیر	۲۰٥
آدم کوك رئیس حزب ملی پولیند	۲۰۷
خرابه های سیستان ٤ قطعه	۲۱۲
از آثار مکشوفهٔ بگرام ۲ قطعه	»
» » تاریخی مزار	»
نمونهٔ خطوط نستعلیق قدیم ٤ قطعه	۲٤٤
از آثار تاریخی بلخ ٤ قطعه	۲٦۸
» » » هرات ٤ قطعه	۲۰۹،۲۰

تصاویر	صفحه
مسکوکات قدیم افغانستان ۸۰ صفحه	۳۰۸
« « « ۳ صفحه	۳۳۲
دیوار کوه کابل	«
نمونهٔ صنعت نجاری کابل ۳ قطعه	۳٤۸
قالنجهٔ نفس وصنی	«
نمونهٔ کار رر گری ۲ قطعه	۳۸۰
« اشیاء سنگی	«
« کار نجاری کابل	«
از عمارات قدیمهٔ هرات ۲ قطعه	٤۱۲
از آثار تاریخی هرات ۲ قطعه	«
« « « ٤ قطعه	٤۲۸
مسجد عید گاه	٤٤٤
نمونهٔ از حوبکاری قدیم	«
مار جکری	«
دیوار قدیم کابل	«
نقشهٔ افغانستان	٤۷٦
مطبعهٔ جدید کابل ۸ صفحه	٥۰۰
« « « ۱۲ صفحه	٥۷۰
منظرهٔ عمومی فابریکهٔ نختابی جبل السراج	٥۰۹
کار خانهٔ ترمیم	٥۱۱

تصاویر		صفحه
ماشین نداف	فابریکهٔ حبل السراج	۵۱۳
ماشین شانه	» »	۵۱٤
» مشله	» »	۵۱۵
» های بافت فابریکهٔ نختابی		۵۱٦
» اتو	»	۵۱۷
ورزشکاران داخله و خارجه در کابل ٤ صفحه		۵۲٤
هیئت انجمن ادبی ٦ صفحه		۵۵٦
تصاویر رنگه از قلم رسامان جوان وطن ۹ صفحه		٦۰٤
عمارت بانك ملی		٦۷٦
دفاتر فابریکهٔ ترمیم موتر		»
موتر های بار کشی جدید		»
فابریکهٔ ترمیم موتر بانك ملی ۱۲ صفحه		٦۸٤
حفظ اطفال از خطر گاز		۷۰۰
ماشین های تیز کاری جدید		»
چراغ برقی جدید		»
آلهٔ اتو کردن فرش		»
جنتری		»
معما		»
رسم رنگهٔ گل و میوه		

Table des matières

Sujet	Page
Préface	1 (۱)
Le roi d'Afghanistan	4 (٤)
Afghanistan (vue générale)	6 (٦)
Organisation adminimistrative du pays et les fonctions des principaux titulaires	13 (١٤)
Activité des administrations gouvernementales	79 (٧٩)
Décorations remises au courst de l'année	160 (١٦٠)
La presse afghane . Corps diplomatique à Kaboul	161 (١٦١)
Principaux événements de l'année dans le monde	163(١٦٣)
Nouvelles recherches archoelogiques en Afghanistan	221 (٢٢١)
Vue générale sur la littérature de Pashto	229 (٢٢٩)
Les anciennes monnaies d'Afghanistan	301 (٣٠١)
Les industries et les arts en Afghanistan	341 (٣٤١)
Les principales plantes d'Afghanistan	413 ٤١٣
Les progrés économiques réalisés au cours de lannée dernière en Afghanistan	447 (٤٤٧)
L'imprimerie en Afghanistan	497 (٤٩٧)
Nouvelle fabrique de filature de	509 (٥٠٩)

Djaboul-Séradj 497 (٤٩٧)
Mouvement sportif en Afghanistan 519 (٥١٩)
L'Académie Afghane 531 (٥٣١)
Les événements de l'année en Afghanistan 648 (٦٤٨)
L'activité des sociétés commerciales et de
La Banque Nationale Afghane. 674 (٦٧٤)
Des noms en Pashto 692 (٦٩٢)
Quelques renseignements utils 694 (٦٩٤)
Conseils de cuisine 695 (٦٩٥)
L'hygiène pratique 698 (٦٩٨)
Quelques inventions nouvelles 700 (٧٠٠)

(On trouvera les explications des photos en dessous de chaqun de ces photos.)

اعلان

ذوایکه خواهش خریداری سالنامه‌های کابل ویا کلکسیون های هفت ساله مجلهٔ کابل و یا اشتراك مجلهٔ مذکور را داشته باشند، لطفاً به آدرس ذیل مراجعه فرمایند: انجمن ادبی- جادهٔ ابن‌سینا- کابل.

Avis

Les personnes désireuses d'acheter les Almanachs de Caboul ou les collections de la Revue de Caboul ainsi que de s'abonner à cette Revue,sont priées de s'adresser à l'Académie Afghane (Caboul-Afghanistan)

